

بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟ (از بازرگان تا خاتمی)

جلد پنجم

(از ریاست جمهوری رجایی تا ریاست جمهوری خامنه‌ای)

مؤلف: داود علی بابائی



بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟ (از بازرگان تا خاتمی) / مؤلف داود علی بابایی

تهران: امید فردا، ۱۳۸۲

ISBN: 964-5731-60-7 (دوره)

ISBN: 964-8698-01-5 جلد پنجم

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸ -- ۲. ایران -- سیاست و حکومت،

۱۳۵۸ -- ۳. ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۸ -- علل. ۴. ایران -- اوضاع

اجتماعی -- ۱۳۵۸ -- الف. عنوان. ب. عنوان: از بازرگان تا خاتمی

۹۵۵/۰۸۲

ب ۸ ع ۹ / DSR ۱۵۷۰

م ۸۱ - ۱۶۱۳۶

کتابخانه ملی ایران

انتشارات امید فردا

نام کتاب: بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟ (از بازرگان تا خاتمی) جلد پنجم

حروف نگار و صفحه آرا: فاطمه علی حسینی

فهرست اعلام از: فاطمه علی حسینی

طراح جلد: احمد قلی زاده

ناظر فنی چاپ: فرزانه افتخاری

لیتوگرافی: نقش

چاپ: غزال

نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۴

شمارگان: ۳۰۰۰

قیمت: ۶۱۰۰ تومان

نشانی: تهران - میدان انقلاب - ابتدای خیابان آزادی - ابتدای خیابان جمالزاده

جنوبی - کوچه دانشور - پلاک ۳۲ (ساختمان آفاق) - طبقه همکف - واحد ۲

تلفن: ۶۶۹۴۹۵۷۵ - ۶۶۹۱۷۴۴۹ تلفکس: ۶۶۹۱۳۵۶۸ همراه: ۰۹۱۲۳۵۷۴۸۰۹

سایت اینترنتی: www.omidefarda.net

پست الکترونیک: info@omidefarda.net

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به:



تمام کسانی که در راه آزادی و استقلال و حاکمیت

ملت قدم برمی دارند و قلم می زنند؛

و به مردم سالاری و دموکراسی

می اندیشند.



فهرست مطالب

شماره صفحه	عنوان
۱۱	به بهانه‌ی پیشگفتار.....
۱۵	بخش اول - ریاست جمهوری محمدعلی رجایی.....
۱۷	شورای موقت ریاست جمهوری.....
۱۸	متن نامه‌ی وزارت کشور در رابطه با اسامی کاندیداهای ریاست جمهوری.....
۱۹	متن برنامه‌های ریاست جمهوری شهید رجایی.....
۲۷	انتخاب رجایی به ریاست جمهوری.....
۳۲	ریاست جمهوری محمدعلی رجایی.....
۳۴	فرار بنی صدر و رجوی.....
۳۶	محمدعلی رجایی که بود؟.....
۵۶	برنامه‌ی شهید رجایی به مجلس در دوران نخست‌وزیری.....
۷۷	سفر شهید رجایی به سازمان ملل در دوران نخست‌وزیری.....
۸۹	مصاحبه‌ی هاشمی رفسنجانی با روزنامه‌ی جمهوری اسلامی.....
۹۲	معرفی شهید دکتر باهنر به سمت نخست‌وزیری.....
۹۵	زندگی‌نامه‌ی محمدجواد باهنر از زبان خودش.....
۱۰۴	نظر شهید باهنر درباره‌ی تأسیس حزب جمهوری اسلامی.....
۱۰۶	مصاحبه‌ی شهید باهنر با مجله‌ی نیوزویک.....
۱۰۸	مصاحبه شهید دکتر باهنر با روزنامه‌ی اطلاعات.....
۱۱۰	نظرات شهید رجایی درباره‌ی سیاست خارجی.....
۱۱۸	مصاحبه‌ی شهید دکتر باهنر با مجله‌ی پاسدار انقلاب.....
۱۲۶	سخنرانی‌های حسن گشتاپو.....
۱۳۱	نظر شهید محمدعلی رجایی درباره‌ی گروگانگیری.....
۱۳۵	مصاحبه‌ی مطبوعاتی، رادیو تلویزیونی شهید باهنر.....

عنوان

شماره صفحه

- ۱۴۰ مصاحبه با شهید باهنر درباره‌ی مسایل اجتماعی ایران
- ۱۴۷ نظر شهید محمدعلی رجایی درباره‌ی مسایل اقتصادی انقلاب
- ۱۵۳ از خاطرات زندان احسان نراقی (اعجاز پزشکیان)
- ۱۵۹ برنامه‌ی دومین دولت جمهوری اسلامی ایران (دولت شهید دکتر باهنر)
- ۱۶۲ حادثه ۸ شهریور ۱۳۶۰
- ۱۶۷ بخش دوم - نخست وزیر محمدرضا مهدوی کنی
- ۱۶۹ کابینه‌ی مهدوی کنی
- ۱۷۱ مصاحبه‌ی هاشمی رفسنجانی با خبرنگاران داخلی و خارجی
- ۱۷۳ هدف آمریکا از جنگ تحمیلی به‌سازش کشیدن انقلاب اسلامی ایران بود
- ۱۸۱ گروه‌های محارب هیچ تکیه گاهی جز ابرقدرت‌ها ندارند
- ۱۸۸ گفتگو با بهزاد نبوی
- ۱۹۳ ما مطمئن هستیم که پیروز می‌شویم و به‌همین دلیل مذاکره هم نمی‌کنیم
- ۱۹۵ وزیر مشاور و سخنگوی دولت در یک مصاحبه
- ۱۹۸ نظر دادستان کل کشور در مورد توبه منحرفین، برخورد
- ۲۰۴ نامه‌ی آیت‌الله منتظری به امام خمینی در مورد ضعف عملکرد
- ۲۰۷ آیت‌الله مشکینی، دستغیب و بسیاری از شخصیت‌ها به خامنه‌ای رأی می‌دهند
- ۲۱۱ کسانی که روز انتخابات رعب و وحشت ایجاد کنند
- ۲۱۶ حجت‌الاسلام هاشمی‌نژاد به‌شهادت رسید
- ۲۱۸ گفتگو با حجت‌الاسلام خامنه‌ای
- ۲۲۵ نظرات رئیس دیوان عالی کشور درباره‌ی احکام دادگاه‌های
- ۲۳۲ کسانی که در مبارزات مسلحانه علیه جمهوری اسلامی شرکت می‌کنند
- ۲۳۶ ملت ایران، فردا رئیس‌جمهوری جدید را انتخاب می‌کند

- ۲۳۹ بخش سوم - ریاست جمهوری سیدعلی خامنه‌ای
- ۲۴۱ سومین رئیس‌جمهور ایران با ۱۶ میلیون و ۸ هزار و ۵۷۹ رأی
- ۲۴۳ خامنه‌ای رئیس‌جمهوری اسلامی ایران که بود؟
- ۲۴۶ حمله‌ی شدید وزیر خارجه ایران به آمریکا و...
- ۲۶۲ کاندیداهای ائتلاف بزرگ به مجلس راه یافتند...
- ۲۶۴ گزارش مشکلات جنگ به حضرت امام.
- ۲۷۰ نظرات دادستان کل کشور درباره‌ی سقوط هواپیمای...
- ۲۷۷ مصاحبه‌ی هاشمی رفسنجانی با روزنامه‌ی جمهوری اسلامی.
- ۲۸۴ متن نامه‌ی وزیر کشور به امام در مورد ریاست‌جمهوری خامنه‌ای.
- ۲۸۶ متن اعتبارنامه‌ی ریاست‌جمهوری آقای خامنه‌ای.
- ۲۸۷ امام رأی ملت به ریاست‌جمهوری خامنه‌ای را تنفیذ کرد.
- ۲۹۱ مرگ آقای سادات و نطق آقای بازرگان!
- ۳۰۳ پاسخ مهندس بازرگان به سرمقاله‌های کیهان.
- ۳۰۷ مصاحبه‌ی هاشمی رفسنجانی با خبرنگاران داخلی.
- ۳۰۹ پلیس عربستان سعودی با «باتوم»، به حجاج ایرانی حمله کرد.
- ۳۱۱ رئیس‌جمهور در مجلس سوگند یاد کرد.
- ۳۱۵ حکومت ما از پشتیبانی مردم برخوردار است و...
- ۳۲۱ حجت‌الاسلام والمسلمین رفسنجانی به تروریست‌های اقتصادی اخطار کرد.
- ۳۲۹ نطق آقای بازرگان در مجلس شورای اسلامی.
- ۳۳۷ مشاور قضایی بنی‌صدر اعدام شد.
- ۳۴۲ وزارت خارجه، شرایط ورود هیأت بررسی سازمان عفو بین‌المللی به ایران...
- ۳۴۶ سازمان عفو بین‌المللی با اجازه‌ی ابرقدرت غرب کار می‌کند.
- ۳۵۴ امام: برای نزدیکی سپاه یا روحانیت، از آقای منتظری کمک بگیرید.
- ۳۵۷ مجلس نخست‌وزیری دکتر ولایتی را تأیید نکرد.

۳۵۹	دکتر ولایتی که بود؟
۳۶۲	وزارت خارجه، تباری دو عضو عالی رتبه‌ی سازمان عفو بین‌المللی با سفیر شاه.....
۳۶۵	کدام یک نخست‌وزیر می‌شود؟
۳۶۷	موسوی به‌عنوان نخست‌وزیر معرفی شد.....
۳۶۹	میرحسین موسوی کیست؟
۳۷۱	جو سازی در مورد دادگاه‌ها، جنبه‌ی سیاسی دارد.....
۳۷۵	حجت‌الاسلام لاهوتی، به‌علت سکنه‌ی قلبی درگذشت.....
۳۷۶	مطالبی درباره‌ی آیت‌الله لاهوتی.....
۳۸۸	موسوی نخست‌وزیر شد.....
۳۹۰	جنگ عراق - ایران و ایالات متحده‌ی آمریکا.....
۳۹۸	پیام ریاست جمهوری.....
۴۰۹	کابینه‌ی مهندس موسوی معرفی شد.....
۴۱۱	کابینه‌ی دولت مهندس موسوی از مجلس رأی اعتماد گرفت.....
۴۳۱	مهندس موسوی در پاسخ به ایرادات مخالفین.....
۴۴۱	نخست‌وزیر: کابینه قبله با تغییرات اندک به کار خود ادامه خواهد داد.....
۴۴۳	مصاحبه‌ی هاشمی رفسنجانی با خبرنگاران داخلی.....
۴۴۵	گفت‌وگوی اختصاصی اطلاعات با دادستان کل کشور.....
۴۵۳	حجت‌الاسلام خامنه‌ای در پیام مهمی به ملت ایران.....
۴۶۷	مهندس موسوی: سیاست آینده دولت در جهت جلوگیری از ازدیاد حجم پول.....
۴۷۱	مصاحبه‌ی هاشمی رفسنجانی با مجله‌ی هدف.....
۴۷۷	تلاش می‌کنیم اموال ملت را که در اختیار سلطه‌های جهانی است.....
۴۸۱	نظرات مهم نخست‌وزیر درباره‌ی بخش تعاونی و خصوصی.....
۴۹۴	فرمان بسیج عمومی امام به ملت، دولت.....
۴۹۸	آیت‌الله منتظری، ۱۲ تا ۱۷ ربیع‌الاول را هفته‌ی وحدت جهان اسلام اعلام کرد.....
۵۰۰	نظر دادستان کل کشور، درباره‌ی مسایل مهم قضایی.....

عنوان

شماره صفحه

- سخنی با دولت (بیانیه‌ی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی)..... ۵۰۴
- مأموران حق ندارند با زندانیان مجرم، بدرفتاری کنند..... ۵۲۸
- در صورت خیره‌سری نیروهای عراق، ممکن است مجبور به تعرض به خاک عراق... ۵۱۱
- رئیس دیوان عالی کشور، اجرای دقیق قانون را تأکید کرد..... ۵۱۵
- مصاحبه‌ی هاشمی رفسنجانی با مجله‌ی آینده‌سازان..... ۵۲۳
- متن کیفرخواست مهندس رضا حاج مرزبان..... ۵۲۷
- نحوه‌ی فرار حسن نزیه و دکتر مهاجرانی (روحانی‌نما) فاش شد..... ۵۳۲
- تخلف از قانون، ضدیت با ولایت فقیه است..... ۵۴۰
- فهرست اعلام..... ۵۴۷

به بهانه‌ی پیشگفتار

بعد از برکناری دکتر ابوالحسن بنی‌صدر از ریاست جمهوری و اعلام جنگ مسلحانه سازمان مجاهدین خلق تا مدتی وضع کشور آشفته و عملیات تروریستی در نقاط مختلف ادامه داشت و این مسأله مانند آتشی بود در زیر خاکستر که عده‌ی زیادی از رهبران مذهبی و سردمداران انقلاب مورد سوء قصد سازمان مجاهدین خلق قرار گرفتند و بدین طریق بود که انقلاب دچار بحران گردید.

درباره‌ی امروز و فردای انقلاب سخن بسیار گفته شده است و بسیاری از اندیشمندان سیاسی جهان گفته‌اند: زمانی یک انقلاب می‌تواند حکومت بعد از انقلاب را مؤثر و کارساز جلوه دهد که آن جامعه انقلابی، پنجاه‌ی پنج‌گانه‌ی استعمار، استبداد، استثمار، استعمار و استعباد را بگسلد و دیگر هیچ اثری از این قیود پنج‌گانه در جامعه نمانده باشد و این بهترین سخنی است که درباره‌ی پیروزی یک انقلاب به‌ذهن اندیشمندان سیاسی و اجتماعی دنیا رسیده است. از این‌گفته‌ی اندیشمندان می‌توان برداشت نمود که چرا انقلابات بسیاری در سطح جهان دچار انحراف شده است و این انقلابات چه بی‌باکانه فرزندان خود را خورده‌اند و کسانی که اصلاً در آن انقلاب نقشی نداشته‌اند، آمده‌اند و بر کرسی‌های مهم و کلیدی آن جوامع تکیه زده‌اند و خود

۱۲ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

را وارث انقلاب قلمداد می‌کنند. انقلاباتی مانند انقلاب مصر، الجزایر و نیکاراگوئه و چندین انقلاب دیگر در سطح جهان.

یک انقلاب باید ریشه در تاریخ داشته باشد تا بتواند به پیروزی برسد و حکومت بعد از انقلاب را به دست صالحان و مصلحان اجتماعی بسپارد. پر واضح است که انقلاباتی که قدمت و ریشه در تاریخ ندارد و از روی احساسات مردم به راه انداخته شده و اگرچه به پیروزی هم رسیده است ولیکن این انقلابات نمی‌توانند به شعائر انقلابی که مردم درباره‌ی آن خون داده‌اند جامه‌ی عمل بپوشاند.

با نگاهی به انقلاب فرانسه که حدود ۱۵۰ سال ریشه در تاریخ دارد و سال‌ها اصحاب دایرةالمعارف انقلاب فرانسه برای آن انقلاب طرح‌ریزی کردند تا توانست آن انقلاب به ثمر برسد و در سال ۱۷۸۹ میلادی این انقلاب بورژوازی و سرمایه‌داری که در نوع خود بی‌نظیر است به پیروزی برسد و بعد از پیروزی انقلاب سرکردگان انقلاب، حکومت بعد از انقلاب را بر سه پایه قرار دادند:

۱ - دولت از روحانیت جدا باشد.

۲ - طبقه متوسط بر جامعه حکومت کند

۳ - مردم می‌باید به حقوق سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خود آگاه شوند و گروه آگاه جامعه باید این وظیفه را در مورد ناآگاهان جامعه‌ی فرانسه به عهده بگیرند و هم‌اکنون می‌بینیم که بعد از دو قرن از گذشت پیروزی انقلاب فرانسه هنوز این کشور انقلابی از تب و تاب نیفتاده است. مردم آن جامعه هنوز شور انقلابی ۱۷۸۹ را برای پیشبرد جامعه بهتر و مدرن‌تر در سر دارند ولیکن انقلاب اسلامی ایران انقلابی نبود که ریشه و فکر عمیق در تاریخ داشته باشد و با مقاله‌ی احمد رشیدی مطلق در ۱۷ دی‌ماه ۱۳۵۶ در روزنامه‌ی اطلاعات شروع و یک‌باره احساسات مذهبی مردم در مورد توهین به رهبر مذهبی‌شان آیت‌الله خمینی تحریک گردید و آن‌چنان این شور و احساسات فراگیر شد که تمام ایران را دربرگرفت و هیچ‌کس یا جریانی نمی‌توانست جلوی آن را بگیرد و به همین سبب بود که تاکنون این انقلاب نتوانسته پاسخگوی نیازهای مردم باشد و در حال حاضر که من دارم این سطور را رقم می‌زنم چند ماهی است که مجلس هفتم که اکثریت آن با جناح راست و محافظه‌کار و بازاری می‌باشد، تشکیل شده است

و چند ماهی دیگر انتخابات دوره‌ی نهم ریاست جمهوری برگزار می‌شود و جریانی که در دوم خرداد ۱۳۷۶ با احساسات عمیق مردمی و انتخاب سید محمد خاتمی به وجود آمد، گروه به اصطلاح چپ و اصلاح طلب نتوانست در ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه تغییر اساسی ایجاد کند و بعضی از اندیشمندانی که آقای خاتمی را به عنوان رهبر اصلاحات معرفی کرده بودند از گفته‌ی خود عدول کرده و خواهان استعفای ایشان شدند و این چنین مردم ماندند و انبانی از مشکلات و مصائب و مسایلی که دارد آنها را از پای درمی‌آورد.

درباره‌ی آگاه کردن مردم از مسایل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، «جیمز کالاهان» نخست‌وزیر اسبق انگلیس می‌گوید: حکومت بر مردمی که به حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود آشنا هستند بسیار مشکل است مانند ژاپن، فرانسه و کشورهای اروپایی. و او تأکید می‌کند که چرا هر روز دولت در این کشورها سقوط می‌کند و مردم سعی می‌کنند برای پیشرفت جامعه دولت با نفوذ و مقتدرتری را که بتواند مشکلات جامعه را حل کند، روی کار آورند و او می‌گوید: حکومت بر مردمی که به حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود آشنا نیستند بسیار آسان است مانند نیکاراگوئه و ایران آن دوران که مثلاً محمدرضا شاه ۲۷ سال بر مردم حکومت کرد.

در این مجلد و مجلدات بعدی که جلد پنجم از مجموعه‌ی ۲۵ سال در ایران چه گذشت؟ است، به شرح و وقایع دوران ریاست جمهوری محمدعلی رجایی و سیدعلی خامنه‌ای می‌پردازیم.

داود علی بابایی

تهران - زمستان ۱۳۸۳

بخش اول

ریاست جمهوری محمدعلی رجایی

شورای موقت ریاست جمهوری

پس از عزل بنی صدر، مهم ترین مسأله حاکمیت جمهوری اسلامی، انتخابات ریاست جمهوری و گزینش رئیس جمهور جدید بود. پس از برکناری رئیس جمهور، طبق اصل ۱۳۱ قانون اساسی آن زمان، یک هیئت سه نفره تحت عنوان شورای موقت ریاست جمهوری، مرکب از رئیس دیوان عالی کشور، نخست وزیر و رئیس مجلس (بهشتی، رجایی و هاشمی رفسنجانی) تشکیل شد که البته پس از حادثه ۷ تیر، آقای سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی، که جانشین دکتر بهشتی شده بود عضو شورای موقت ریاست جمهوری شد.^(۱)

متن نامه‌ی وزارت کشور در رابطه با اسامی کاندیداهای ریاست جمهوری

شورای نگهبان عصر امروز (دیروز) طی نامه‌ای، اسامی داوطلبان احراز مقام ریاست جمهوری را که صلاحیت آنها از جهت دارا بودن شرایطی که در قانون اساسی ذکر شده، مورد تأیید آن شورا قرار گرفته است به این شرح اعلام کرد:

۱- آقای عباس شیبانی

۲- آقای سیدعلی اکبر پرورش

۳- آقای حبیب‌الله عسکراولادی مسلمان

۴- آقای محمدعلی رجایی

وزیر کشور - محمدرضا مهدوی کنی

متن برنامه‌های ریاست جمهوری شهید رجایی

به دنبال اطلاعیه‌ی وزارت کشور، فعالیت تبلیغاتی کاندیداها نیز شروع شد و شهید رجایی در اولین دوره‌ی مبارزات انتخاباتی در یک برنامه‌ی تلویزیونی در مورد برنامه‌های خود در صورت انتخاب شدن چنین گفت:

بسم الله الرحمن الرحيم

به یاری خدا به عنوان مقلد امام، فرزند ملت، هماهنگ‌کننده‌ی سه قوه برای پذیرفتن مسؤلیت جدید، آمادگی خود را اعلام می‌کنم. در این مسؤلیت جدید که به علت طبیعت و فطرت آن، بسیاری از گفته‌های گذشته که از ابتدای نخست‌وزیری با شما هم‌میهنان عزیز داشتم، تحقق پیدا می‌کند.

باز هم روی عنصر مقلد امام تکیه می‌کنم به عنوان اولین شرط و اولین کلام در اعلام آمادگی برای پذیرفتن ریاست جمهوری، مقلد امام یعنی آن پیوندی که رهبر و مردم را در این انقلاب به بهترین و عالی‌ترین شکل مربوط کرده و دقیقاً باعث حرکت نهایی مردم و طرد و نفی همیشگی حکومت طاغوت و برقراری نظام اسلامی در میهن اسلامی ما شد.

مقلد امام به عنوان پرکردن جای خالی مهمی که در اولین رئیس‌جمهور به اعتقاد من

۲۰ که بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

وجود داشت و از همان ابتدای پذیرفتن نخست‌وزیری که مستقیماً با رئیس‌جمهور سابق برخورد داشتم احساس کردم و حتی در یکی از جلسات گفتم که اشکال عمده‌ی رئیس‌جمهور این است که خودش را در مقابل امام یک شخصی می‌داند و این انقلاب محتوای فکری و عقیدتی آن چنین چیزی را نمی‌تواند، بپذیرد.

پس به یاری خدا به عنوان رئیس‌جمهور مقلد امام هستم و به چنین عنصری، به چنین ویژگی افتخار می‌کنم.

و در همین رابطه است که دومین ویژگی را اعلام کردم که فرزند ملت هستم. من چه آن موقعی که با نهضت آزادی همکاری می‌کردم و چه اینک که در خط امام مستقل از هر جمعیت و گروهی که رهبری امام را به عنوان مرجع تقلید قبول ندارد فعالیت می‌کنم، دقیقاً معتقد بودم که این مردم در رابطه با مرجعیت حرکت می‌کنند، باور می‌کنند، سرمایه‌گذاری می‌کنند و آرمان‌های اصیل خودشان را دنبال می‌کنند، من که شکست مبارزات را قبل از تشکیل نهضت آزادی ایران در این رابطه می‌دیدم، من که به خاطر مذهبی بودن نهضت آزادی ایران در آن گروه فعالیت کردم، همیشه معتقد بودم که این مردم بزرگ‌ترین عنصرشان، عنصر رهبری مذهبی است و در مرجعیت خلاصه می‌شود و تبلور پیدا می‌کند، چون این اعتقاد را داشتم و دارم، خودم را فرزند ملت می‌دانم نه به عنوان این که در میان این ملت تلاشی برای تحقق انقلاب کردم بلکه صرفاً به خاطر این که از عمق اعتقاد این مردم هم اطلاع دارم، هم با آنها هم عقیده هستم و همان طوری که آنها در رابطه با رهبر انقلاب حرکت می‌کنند من هم همانطور حرکت می‌کنم و از خداوند می‌خواهم که در این راه ثابت بمانم. (ان شاء الله)

همانگ‌کننده‌ی سه قوه هستم. این فرمان را قانون اساسی صادر کرده است و من به عنوان رئیس‌جمهور فرمان قانون اساسی را به عنوان جدی‌ترین و اصلی‌ترین برنامه در دوران کارم به گوش خواهم پذیرفت، قانون اساسی، رئیس‌جمهور را همانگ‌کننده سه قوه معرفی کرده، شاید رئیس‌جمهور اول هم می‌خواست این کار را بکند اما طریقه‌ای که برای این همانگی ضرورت داشت به اعتقاد من طریقه‌ای را انتخاب کرده بود که از طبیعت قانون اساسی جدا بود.

آنچه که هر سه قوه را مطیع می‌کند، آن چه که برای هر سه قوه ملاک و معیار هست غیر از ولایت فقیه است؟ که خود از قانون اساسی است. پس به یاری خدا و پشتیبانی

شما هم میهنان عزیز از اصل و عنصر عالی ولایت فقیه استفاده خواهیم کرد و در هر مورد هرگونه اختلاف و ناهماهنگی بین سه قوه را به‌هم‌آهنگی و یکسانی تبدیل خواهیم کرد (ان‌شاءالله). پس بدون این‌که برای ریاست‌جمهوری تبلیغ خاصی داشته باشیم که حرکت ویژه‌ای را انجام خواهد داد.

تنها امیدم و تنها وعده‌ام این است که قانون اساسی را به‌عنوان جدی‌ترین و مهم‌ترین برنامه‌کارم در مقابل داشته باشم. رئیس‌جمهور به‌عنوان دومین مقام در جمهوری اسلامی ایران در رابطه با قانون اساسی قابل ملاحظه با مقام رهبری نیست و قتی که ما می‌خوانیم، می‌گوییم بعد از رهبری، رئیس‌جمهور بالاترین مقام مملکت است به‌عنوان یک مسلمان با طرز تفکر اسلامی برخوردی داریم که این برخورد با تفکرات آلوده به شرق و غرب فرق اساسی دارد. از رهبرمان بپرسیم قتی که می‌فرماید: «من اگر خدمتگزار نامیده بشوم بهتر است تا این‌که رهبر نامیده بشوم» آن‌جا می‌فهمیم که دومین مقام رهبری یعنی چه؟ آن‌جا می‌فهمیم که سیدالقوم خادم مهم دقیقاً چیزی است که در حکومت اسلامی و در نظام اسلامی تعریف‌کننده‌ی مقام است. پس طبق قانون اساسی عنوان بالاترین مقام بعد از رهبری را قبول داریم.

در مقابل ضدانقلاب و یا در مقابل کشورهای بیگانه بعد از رهبری، بالاترین مقام را رئیس‌جمهور معرفی می‌کنیم، رئیس‌جمهور هم باید با اتکا به نفس و با قدرتی که خدا در ارتباط با ایمان و پشتیبانی مردم به او می‌دهد با این قدرت در مقابل کشورهای بیگانه بایستد و بداند که دومین مقام کشور است اما قتی برمی‌گردد به‌داخل مردم، باید بداند که دقیقاً به‌علت این‌که دومین مقام کشور است، باید بیشترین خدمت یا بیشترین تواضع، بیشترین هماهنگی و همرنگی و همدلی را با مردم داشته باشد.

به‌عنوان رئیس‌جمهور، امیدم این است که نظام اسلامی در این جامعه پیاده بشود. امیدمی که شاید از سنین ۷ سالگی که به‌مدرسه رفتم با مسجد آشنا شدم؛ با جلسات آشنا شدم؛ همیشه آرزو می‌کردم که آن‌چه که این‌گویندگان مسلمان می‌گویند و تصویر میکنند، از یک جامعه اسلامی، هرچه زودتر در ایران، در جهان پیاده بشود. نظام اسلامی که قادر هست در تمام ابعاد، بشر و بشریت را اداره کند. آن‌نظام را از لاپلای اصول قانون اساسی بیرون بیاوریم و به‌کمک همدیگر پیاده کنیم. رئیس‌جمهوری شویم که قانون اساسی را، یعنی این خون‌بهای شهدای انقلاب و مورد

تقاضای دعاکننده‌های مسلمان در نیمه‌شب و حاصل رنجی که خیرگان این مردم مسلمان در مجلس خبرگان به‌دست آوردند آن را در جامعه پیاده بکنیم. قانون اساسی را امیدوارم که در آن حدی که هست بدان بها بدهیم و ارزش قائل بشویم. قانون اساسی که اگر اصول دوم و سوم آن را پیاده کنیم، جامعه‌ای خواهیم داشت آباد، سرافراز، مورد حسرت مردمی که از فرمول‌های مختلفی استفاده کردند تا بتوانند جامعه مطلوب برای خودشان به‌وجود بیاورند.

قانون اساسی که اجرا اصل ۴۴ آن جامعه را از این نابرابری، از این ناهمگونی، از این اختلاف کشنده بیرون خواهد آورد. ان‌شاءالله! با اجرای سریع و صحیح قانون اساسی به‌خصوص اصل ۴۴ موفق می‌شویم این ناهماهنگی و نابرابری را که در رابطه با تجارت‌های غلط به‌وجود آمده، ان‌شاءالله! از بین ببریم. قانون اساسی که اصل ۴۹ آن ما را توانا کرده است تا یکی از بزرگ‌ترین فرمایشات علی‌علیه را در رابطه با مسایل اقتصادی برای اولین بار بعد از علی‌علیه پیاده کنیم. اصل چهل و نهم این فرمان مبارک علی‌علیه را که فرمود: «من در پس‌گرفتن مال مسلمانان آن‌چنان خواهم رفت که اگر به حساب کاپین زنان هم درآمده باشد، آن را پس خواهم گرفت و به صاحب اصلی آن برخواهم گرداند.» اصل چهل و نهم ما چنین توانی را می‌دهد ان‌شاءالله. در رابطه با شورای نگهبان که بهترین و مهم‌ترین مرجع هست برای تطبیق مصوبات شورای اسلامی با قانون اسلام عزیز و به‌کمک همه نهادهای انقلابی که دلشان برای پیاده شدن احکام اسلام عزیز می‌تپد، موفق می‌شویم جامعه‌ای مستنظر، جامعه‌ای مطلوب، جامعه‌ای مورد آرزوی مردمی که شهید شدند به‌خاطر آن، و یا زنده‌ماندن برای خاطر آن به‌وجود بیاوریم.

رئیس‌جمهوری یک وظیفه‌ی مهم داشت که به‌نظر من عمل نشد، نه تنها عمل نشد بلکه می‌رفت که انحراف را به‌وضع قبل از انقلاب برگرداند و آن عبارت است از حذف شاه، رئیس‌جمهوری یعنی عصری که می‌کوشد مردم را که در طول ۲۵۰۰ سال با کلمه شاه و فرهنگ شاه و برخورد شاهی عادت کرده، این عادت را به‌تدریج از آنها بگیرد و به‌جای آن بندگی خدا را قرار بدهد که اگر ما می‌خواستیم، تشبیه کنیم کاری را به کار بسیار خوب، آن را در ارتباط با خدا بدانیم؛ در ارتباط با پندگان صالح خدا بدانیم؛ در ارتباط با پیامبر و ائمه ببینیم؛ ما با داشتن مخلوقا باخلاق‌الله با داشتن این

دستور که کارتان را خداگونه تعریف کنید، تبدیل شدیم به عناصری که کارهای خودمان را شاه‌گونه تعریف می‌کنیم، شاهنامه، شاه‌گونه بودن متأسفانه در جامعه ما به صورت یک چیز بالا و برتر معرفی شده و حال این‌که شاه بیچاره هم نه تنها مثل یکی از افراد عادی مملکت بود بلکه تا آن‌جایی که ما سراغ داریم بیچاره‌تر، مخلوع‌تر. کسی که امروز با نعره و فریاد به استقامت و ایستادن و خروشیدن صحبت می‌کرد، فردا بعد از آن‌که مردم آن‌چه را که داده بودند پس گرفتند و یا آن‌چه را که او به‌زور غصب کرده بود از او گرفتند، به‌حالتی درآمد که حتی از بردن نام او هم نفرت دارند. این عنصر بیچاره نباید برای انسان به صورت یک نمونه درآید که تلاش کند شاهانه، لباسشان را شاهانه، مجلسشان را شاهانه کنند نه، ان‌شاءالله! در دوره‌ی جدید ریاست جمهوری شاهمان را خداگونه؛ یعنی آن‌طور که خدا بپسندد، لباسان را لباسی که خدا بپسندد قرار خواهیم داد.

رئیس‌جمهور در لباس زیبای قانون اساسی بهر میزان و بهر ملاکی که قانون اساسی تعیین کرده قدرت دارد قانون اساسی داده، قدرت ندارد قانون اساسی داده. آن‌چه هست و نیست در ارتباط با قانون اساسی است؛ یعنی در ارتباط باخواست مردم است، وقتی که جمع می‌شوند و رأی می‌دهند و در حقیقت اجازه می‌دهند و یک‌کسی در این مقامی قرار بگیرد.

اصرار در این دارم که قانون اساسی را به‌عنوان برنامه تکرار کنم و همان‌طور که در نخست‌وزیری گفتم اگر ما موفق شویم قانون اساسی را به‌عنوان برنامه در زندگی اجتماعیمان پیاده کنیم به‌اعتقاد من به‌بزرگ‌ترین موفقیت‌ها دست پیدا کردیم و همه‌مان دعا کنیم، تلاش کنیم که برنامه همواره در مد و نظردان باشد. در انتخابات جدید ریاست جمهوری سؤالاتی مطرح است که فکر می‌کنم که به‌جاست ما به آن سؤالات جواب بدهیم این‌که چه خواهیم کرد و که بودیم و وعده‌ها و یا برنامه‌ها چیست؟ امیدوارم به‌همین حد کفایت کند و به‌پردازیم به‌بحثی که در زمینه‌ی انتخاب رئیس‌جمهور به‌خصوص در وضعیت موجود مطرح است. ما هم رئیس‌جمهوری انتخاب می‌کنیم که در سایه‌ی تبعیت از ولایت فقیه بین قوای سه‌گانه ما هماهنگی ایجاد می‌کند.

وقتی که هماهنگی ایجاد شد آن‌وقت همه مردم می‌توانند امیدوار باشند، مطمئن

باشند که نیروهای آنها صرف سازندگی و صرف تحقق نظام اسلامی در جامعه خواهد شد، و آن دلهره و یاسی که در مردم ما به وجود آمده بود که هر روز و یا هرچند یکبار نگران یک واقعه‌ای بودند که در جامعه پیش می‌آمد و بایستی از نخست‌وزیر گرفته، مجلس گرفته، از شورای عالی قضایی، رهبری و توده مردم همه تلاش کنند به ترتیبی این اختلاف را رفع کنند. ان شاء الله! به یاری خدا از بین رفته و در وضع جدید ریاست جمهوری یک عنصر دیگر، به این نیروهای همانند اضافه شده و می‌شود امیدوار بود که رئیس‌جمهور آینده نه تنها آثار اختلافی را که در گذشته بوده، بتواند محو بکند بلکه در هماهنگ کردن و در یک‌سو کردن نیروها ما را در تحقق آرمان‌هایمان یاری کند و یک‌بار در کنار بقیه یاران انقلاب قرار گیرد.

سؤالاتی که مطرح می‌باشد این است که رئیس‌جمهور کیست؟

چهار نفر برای ریاست جمهوری کاندید شدند که هر چهار نفرشان در خط امام هستند. جواب این سؤال این است که رئیس‌جمهور یکی از این چهار نفر است و براساس رأیی که شما خواهید داد، تعیین خواهد شد. اگر چنانچه من اولین نفر از این چهار نفر باشم بقیه برادران هم در عرض من قرار می‌گیرند و اگر چنانچه در فاصله‌ای که الآن تا روز رأی دادن شما وجود دارد، اتفاقی افتاد که هیچ کدامان نمی‌توانیم، پیش‌بینی کنیم برادران دیگر حضور داشته باشند و پرچی را که از دست من افتاده، بردارند و همچنان این حرکت را ادامه بدهند.

چرا رئیس‌جمهور چهار نفر هم خط، همه تابع ولایت فقیه و در خط امام آمدند، بقیه کجا هستند؟

بقیه - یعنی لیبرال‌ها، یعنی ملی‌گراها، یعنی ضرر کرده‌های در رابطه با انقلاب - وقتی گذرگاه‌های سخت را در مقابل خودشان دیدند از کاندید شدن منصرف شدند؛ وقتی دیدند که اول باید از نظر شورای نگهبان که دقیقاً اصول و موازین اسلامی را رعایت خواهند کرد، بگذرند، چه گذشتشان مشکل است؛ وقتی دیدند برای ریاست جمهوری به پایگاه مردمی احتیاج هست و این پایگاه مردمی را ندارند، طبیعی بود که در این مرحله شرکت نکنند، پس چه کردند؟ رفتند راه دیگری انتخاب کردند و حالا که این جمهوری مورد قبولشان نیست تلاش می‌کنند که این.

پس تو خواهر، برادر، پسر در این رأی دادن در حقیقت رئیس‌جمهور انتخاب

نمی‌کنی، در حقیقت تو یک‌بار دیگر جمهوری را تعیین می‌کنی و تأیید می‌کنی؛ زیرا کسانی که در طرف دیگر هستند همان طوری که شاهد هستی تمام تلاششان را صرف این می‌کنند که رئیس‌جمهور انتخاب نشود. تو رأی نمی‌دهی که من رئیس‌جمهور بشوم بلکه تو رأی می‌دهی که ضدانقلاب یا هرکس که مایل نیست این جمهوری نهادهای اصلی خودش را پیدا کند و او بفهمد که تو در صحنه هستی، تو حضور داری و اصرار داری که این عالی‌ترین شکل حکومت؛ یعنی حکومت اسلامی آخرین نهاد خودش را هم به‌همان شکل که ضرورت دارد و به‌همان شکل که لازم است، به‌همان شکل که می‌خواهی یعنی مقلد امام، فرزند مجلس و هماهنگ‌کننده‌ی سه قوه و کسی که قانون اساسی را در حد قانون اساسی با تفسیر و تعبیر شورای نگهبان قبول داشته باشد، نه این‌که بخواهد افکار و نظریات خودش را از مجرای قانون اساسی به‌تو هم میهن مسلمان انقلابی شهیدپرور تحمیل کند. می‌خواهی یک‌بار دیگر اثبات کنی که برای تکمیل نظام اسلامی؛ یعنی نظامی که در چهارچوب قانون اساسی پذیرفته شده و باید در این جامعه پیاده بشود حضور پیدا کنی. می‌خواهی همان‌طور که در راه‌پیمایی‌ها، در بسیاری از صحنه‌ها حاضر شدی و ضدانقلاب را آن‌چنان از صحنه خارج کردی که برای همیشه مأیوس شد و رفت، به‌جایی که خودش هم پیش‌بینی نمی‌کرد، می‌خواهی یک‌بار دیگر حاضر بشوی و این رأی‌دادن این نیست که رئیس‌جمهور تعیین می‌شود و انتخاب می‌شود.

به‌اعتقاد ما در نظام اسلامی رئیس‌جمهور با عدد تعیین نمی‌شود، رئیس‌جمهور با قلب تعیین می‌شود، رئیس‌جمهور با دل تعیین می‌شود؛ یعنی اگر تو بپذیری که این فرزندت را به‌عنوان رئیس‌جمهور قبول داری این کافی است اما این عدد را برای نمایش در مقابل ضدانقلاب چه ضدانقلاب داخلی، چه ضدانقلاب خارجی، به‌خصوص برای دشمن سرسخت امپریالیسم به‌سرکردگی آمریکا و مزدوری صدام نشان می‌دهی که در چنین شرایطی که حال جنگ در جبهه‌های مختلف هستی برای استقرار و برای تمام‌کردن نهادهای این انقلاب هم‌چنان هوشیار و آماده و فعال هستی. خداوند ان‌شاءالله ما را در این حرکت نیز مانند سایر حرکات موفق کند و قبول اعمال ما را در این ماه مبارک پیروز ما بر ضد انقلاب داخلی در تعیین رئیس‌جمهور و بر

۲۶ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

ضدانقلاب خارجی در پیروزی جنگ با صدام کافر موفق کند. با امید پیروزی.^(۱)
خدا نگهدار

۱ - شهید محمد علی رجایی، جلد اول، مؤلف: سیدشجاع‌الدین میرطاووسی، نهضت زنان مسلمان.

انتخاب رجایی به ریاست جمهوری

به دنبال تبلیغات کاندیداهای مختلف روز پنج‌شنبه اول مرداد ۱۳۶۰، فرصت تبلیغات پایان یافت و سرانجام در جمعه دوم مردادماه از نخستین ساعات بامداد سیل جمعیت مسلمان و متعهد ایران در حالی که هریک شناسنامه‌ی خود را در دست داشتند، به سوی صندوق‌های رأی سرازیر شد و در صفوفی طویل در حوزه‌های اخذ رأی تجمع کردند و با ریختن آرای خود به صندوق‌های رأی، جواب دندان‌شکنی به دشمنان اسلام و ایران و عمّالشان در داخل کشور دادند. حضور مردم در صف‌های بزرگ و کوچک و اشتیاق آنان به تعیین سرنوشت خویش، در حقیقت مشت محکمی بود بر دهان کسانی که سودای ویرانی کشور و تسلیم آن به غارتگران جهانخوار را در سر می‌پروراندند. اجتماع و استقبال بی‌نظیر مردم در مراکز، خود سلاخی بود که قلب پر از کینه امپریالیزم و عاملان داخلی و گروهک‌های آمریکایی را نشانه رفته بود، و همین شرکت یکپارچه مردم بود که یک‌بار دیگر انقلاب را در آستانه‌ی پیروزی نهایی قرار داد. سرانجام در آخرین ساعات دوشنبه ۵ مردادماه، در حالی که انتخاب برادر رجایی به ریاست جمهوری محرز شده بود، نتیجه نهایی آرای داخل کشور اعلام شد و شهید رجایی با ۱۲/۹۰۰/۶۱۹ رأی از ۱۴/۶۴۲/۵۵۲ رأی مأخذه از صندوق‌ها، به ریاست جمهوری

اسلامی ایران انتخاب شد، و با انتخاب او فصل تازه‌ای در تاریخ انقلاب اسلامی گشوده شد و به‌راستی او جریان خون تازه‌ای بود در رگ‌های انقلاب. پس از شمارش آرا و اعلام نتیجه، آیت‌الله مهدوی‌کنی وزیر کشور، در رابطه با انتخابات ریاست‌جمهوری نامه‌ای بدین شرح به‌امام امت نوشت.

تأیید وزیر کشور

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مقدس رهبر عالی‌قدر انقلاب، حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی (مدظله) احتراماً! انتخابات ریاست جمهوری طبق موازین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برگزار و جناب آقای محمدعلی رجایی با اکثریت آرا به ریاست جمهوری اسلامی ایران انتخاب گردیدند. شورای نگهبان طی نامه‌ی شماره ۳۲۲۱ مورخ ۱۳۶۰/۵/۱۰، صحت انتخابات را تأیید و اعتبارنامه مشارالیه را صادر نموده است. اینک در اجرای ماده‌ی ۶۲ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران، جناب آقای محمدعلی رجایی به‌عنوان ریاست جمهوری منتخب به‌حضور رهبر عالی‌قدر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران معرفی، و اعتبارنامه‌ی ایشان به‌ضمیمه تقدیم می‌گردد.

محمد رضا مهدوی‌کنی، وزیر کشور

و به‌دنبال نامه‌ی فوق، در پیش از ظهر روز عید فطر، پس از این‌که شورای نگهبان اعتبارنامه‌ی ریاست جمهوری رجایی را تقدیم امام کرد. امام امت طی مراسم خاصی که در حسینیه‌ی جماران و با حضور رئیس دیوان‌عالی کشور، رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شورای نگهبان، کلیه‌ی فرماندهان نظامی و انتظامی، اعضای مستعفی هیئت دولت و جمعی دیگر از شخصیت‌های سیاسی مملکت از جمله سیدعلی خامنه‌ای امام جمعه تهران که دوران نقاهت را می‌گذراند، برگزار شد و محمدعلی رجایی حکم تنفیذ ریاست جمهوری خود را از امام امت دریافت داشت.

متن اعتبارنامه‌ی شورای نگهبان قانون اساسی

بسم الله الرحمن الرحيم

الذین مکنهم فی الارض اقاموا الصلوه و اتوا الزکوه و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر
والله عاقبه الامور.

شورای نگهبان تأیید می‌نماید آقای محمدعلی رجایی فرزند عبدالصمد، دارای شناسنامه ۶۱۳، صادره از قزوین، متولد سال ۱۳۱۲ «هش»، در انتخابات ریاست جمهوری که در تاریخ ۱۳۶۰/۵/۲ برگزار شده با اکثریت مطلق (۱۳۰۰۱۷۶۱ رأی از ۱۴۷۶۳۳۶۲ رأی به‌عنوان رئیس‌جمهور کشور اسلامی ایران انتخاب گردید.

تاریخ ۱۳۶۰/۵/۱۰

محل امضای شورای نگهبان

متن حکم تنفیذ ریاست جمهوری محمدعلی رجایی

بسم الله الرحمن الرحيم

با سپاس بی‌حد از الطاف کریمه خداوند متعال که توفیق به‌ملت شریف و مستعهد ایران عطا فرموده که هرچه زمان می‌گذرد و مشکلات افزون می‌شود. بر تعهد آنان و حضورشان در صحنه و پشتیبانی‌شان از جمهوری اسلامی که فرآورده‌ی فداکاری‌های خودشان است، افزوده می‌شود و به‌رغم تبلیغات دشمنان خارج و داخل با اکثریت قاطع افزون از دوره‌ی سابق، جناب آقای محمدعلی رجایی ایده‌الله تعالی را به ریاست جمهوری کشور اسلامی ایران برگزیده و این مسؤولیت بزرگ و بار سنگین را برعهده او گذاشته است و چون مشروعیت آن باید با نصب ققیه ولی امر باشد، این‌جانب رأی ملت را تنفیذ و ایشان را به‌سمت ریاست جمهوری اسلامی ایران منصوب نمودم و مادام که ایشان در خط اسلام عزیز و پیرو احکام مقدس آن می‌باشند و از قانون اساسی ایران تبعیت و در مصالح کشور و ملت عظیم‌الشأن در حدود اختیارات قانونی خویش کوشا باشند، از فرامین الهی و قانون اساسی تسخطی نمایند، این‌نصب و تنفیذ به‌قوت خود باقی است و اگر خدای ناخواسته برخلاف آن عمل نمایند، مشروعیت آن را خواهم گرفت و باید ایشان توجه داشته باشند و از عمل ملت دریافته باشند که ملت دلاور نیز رأی خود را براین اساس به ایشان داده‌اند و من

امیدوارم که در حفظ این امانت الهی و مسؤلیتی که ملت برعهده ایشان گذاشته است، با تمام توان کوشش نموده و از آن پاسداری نمایند و وفادار به پیمان خود در مقابل خداوند مقتدر حاضر و ناظر ملت حاضر در صحنه و مراقب احوال و اوضاع بوده باشند.

و به فرمان خداوند تبارک و تعالی که مؤمنان را به رحمت و عطف در بین خود و شدت در مقابل کفار و مخالفان اسلام دعوت فرموده است با تمام جدیت عمل کرده و در عمل به حق از کسی و از ملامت بدخواهان نهراسند و در نظارت بر قوای ثلاثه طرف حق را در نظر گیرند و در خدمت به خلق خدا خصوصاً توده‌های مستضعف احساس غرور و سرافرازی نمایند، که اینانند وفاداران به اسلام و هواداران جمهوری اسلامی و امید است در این موقع که دشمنان خارج و داخل دست به دست هم داده تا جمهوری اسلامی را به تباهی کشند.

قشرهای مختلف ایران از علما و متفکران و محققان گرفته تا نیروهای مسلح و از دهقانان و کارگران و کارمندان و کارفرمایان تا بازرگانان و بازاریان و عشایر و سرحدنشینان هم فکر و هم صدا با رئیس‌جمهور محترم و دولت و مجلس و سایر ارگان‌های اسلامی دست جنایتکاران و خائنان را قطع و در تشدید و تأیید جمهوری اسلامی کوشا بوده و در ساختن ایرانی مستقل و آزاد، فداکار باشند و با وحدت کلمه به کشور خود و مردم محروم آن خدمت کنند.

تقارن رأی‌گیری برای رئیس‌جمهور با ایام و لیالی مبارک قدر و تنفیذ آن با عید سعید فطر موفقیت آقای رئیس‌جمهور را در خدمت به کشور و ملت عزیز نوید می‌دهد. از خداوند متعال توفیق همگان را در ساختن کشور عزیز خواستار است.

یکم شوال المکرم هزار و چهارصد و یک

عید سعید فطر موافق با ۱۱ مرداد ۱۳۶۰

روح‌الله الموسوی الخمینی

پس از قرائت حکم تنفیذ، برادر رجایی سوگندنامه‌ای به این مضمون در مجلس امضا نمودند.

متن سوگندنامه

بسم الله الرحمن الرحيم

من به عنوان رئیس جمهوری در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند قادر متعال سوگند یاد می‌کنم که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشم و همه استعداد و صلاحیت خویش را در راه ایفای مسؤولیت‌هایی که بر عهده گرفته‌ام به کار گیرم و خود را وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور، ترویج و اخلاق پشتمبانی از حق و گسترش عدالت سازم و از هرگونه خودکامگی بپرهیزم و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است، حمایت کنم. در حراست از مرزها و استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور از هیچ اقدامی دریغ نورزم و با استعانت از خداوند و پیروی از پیامبر اسلام و ائمه اطهار علیهم السلام قدرتی را که ملت به عنوان امانتی مقدس به من سپرده است همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشم و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارم.

امضا: محمدعلی رجایی

ریاست جمهوری محمدعلی رجایی

در روز دوم مردادماه ۱۳۶۰، انتخابات ریاست جمهوری برگزار گردید و بعد از چند روز ستاد انتخابات وزارت کشور آقای محمدعلی رجایی را با اکثریت آرا به‌عنوان رئیس‌جمهور معرفی نمود.

روز عید فطر ۱۴۰۱ «ه.ق»، مصادف با ۱۱ مردادماه ۱۳۶۰ «ه.ش»، نمایندگان مجلس و وزراء و ارکان دولت و اعضای شورای نگهبان و شورای عالی قضایی، در حسینیه‌ی جماران خدمت‌امام رسیدند و امام در ساعت ۱۱:۱۵ دقیقه به حسینیه آمد و حکم ریاست‌جمهوری آقای رجایی را تنفیذ کرد. رجایی هم در تاریخ ۱۳۶۰/۵/۱۲ در مجلس شورا حاضر شد و مراسم تحلیف را به‌جای آورد.

رئیس شورای عالی قضایی و تعدادی از مقامات جمهوری اسلامی نیز در مجلس حضور داشتند. مراسم حدود ساعت ۱۱:۳۰ برگزار شد و تعدادی از وکلای میان‌دوره‌ای نیز که برای اولین بار به مجلس آمده بودند و تعداد آن‌ها در حدود سی نفر بود، مراسم تحلیف را به‌طور دسته‌جمعی به‌جای آوردند. با آمدن وکلای جدید، کمبودی که از نظر حدّ نصاب (۱۸۰ نفر) وجود داشت، برطرف شد و دیگر مجلس در

مضیقه قرار نداشت.

سرانجام آقای رجایی، دوست صمیمی خود، آقای باهنر را - که وزیر آموزش و پرورش بود - به عنوان نخست وزیر معرفی کرد.^(۱)

فرار بنی صدر و رجوی

پس از انتخابات ریاست جمهوری در دوم مردادماه ۱۳۶۰، بنی صدر، رئیس جمهور سابق و معزول، به اتفاق مسعود رجوی، رئیس سازمان مجاهدین خلق ایران با یک فروند هواپیمای جنگی از پایگاه یکم شکاری واقع در فرودگاه مهرآباد به پاریس فرار کردند و این مسأله در داخل و خارج ایران، تنش‌هایی ایجاد کرده. وقتی که آنها به پاریس رسیدند و در مقابل خبرنگاران و دوربین عکاسان و فیلمبرداران تلویزیون قرار گرفتند، شروع به بلوف زدن کردند. بنی صدر که سببش را تراشیده و زیر ابرویش را برداشته بود و به شکل زنانه گریم کرده بود، می‌گفت: حکومت ما در ایران، قوی‌تر از حکومت موجود است؟ خبرنگاران رسانه‌های گروهی خارجی که منتظر سوژه‌های تازه‌ای بودند، مرتباً از آن‌ها سؤال می‌کردند. بنی صدر با کمال وقاحت اقرار کرد که همب‌گذاری در خیابان‌های تهران و شهرستان‌ها و کشتار بی‌رحمانه پاسداران و نمایندگان مجلس و افراد حزب‌اللهی توسط گروه او و رجوی انجام گرفته است و شرم‌آورتر این بود که او به عنوان یک رئیس‌جمهور، در پناه یک تروریست قرار گرفته بود، حال آن‌که او در ایران دم از مقاومت می‌زد و می‌گفت: کسی که جلوی

توب و تانک عراق می‌رود، از زندان اوین باکی ندارد. آن‌ها توانسته بودند خلیبان شاه - مقداد معزی - را با خود همراه کنند. معزی کسی بود که شاه را به مصر و مراکش برده بود و از طرف دادگاه تحت پیگرد قرار داشت. او بعداً به طرف مجاهدین متمایل شد.

در هر حال آنها به خاطر سهل‌انگاری دولت و مقامات مسئول، توانستند از ایران فرار کنند و خودشان را به پاریس برسانند. بنی صدر و رجوی هم‌چنین اعلام کرده بودند که تا چند روز و یا تا چند ماه دیگر به ایران برمی‌گردند و حکومت امام خمینی را ساقط می‌کنند.^(۱)

محمدعلی رجایی که بود؟

دوران کودکی

محمدعلی رجایی در سال ۱۳۱۲ «ه.ش» در خانواده‌ای متدین در شهرستان دارالمؤمنین قزوین چشم به جهان گشود.

پدر او مرحوم کربلایی عبدالصمد در بازار به شغل علاقبندی (تکمه‌فروشی و وسایل خرازی) روزگار می‌گذرانید و از اعضای ثابت انجمن منتظرین امام زمان علیه السلام قزوین به‌شمار می‌رفت. کربلایی عبدالصمد با همیاری دوستان دیگر بازاری خود که عموماً از افراد متدین و متعهد بودند با پرداخت مبالغ مختصری به‌دوام جلسات و بقای این انجمن کمک می‌کردند.

نقش این انجمن، در دورانی که روس‌ها در قزوین حضور داشتند و افکار غیرمذهبی و مارکسیستی خود را در بین جوانان ترویج می‌نمودند و در جهت مصونیت و آسیب‌ناپذیری جوانان قزوین بسیار حساس بود. مرحوم کربلایی عبدالصمد در چنان مرحله‌ای از تدین قرار داشت که رژیم پهلوی (اول) را رژیم غاصب و معامله با مأموران دولت پهلوی را حرام می‌دانست. مثلاً اگر ناچار می‌شد جنسی را به مأمور

دولت بفروشد وجه آنرا با بقیه پول‌های خود مخلوط نمی‌کرد، بلکه در جایی مستقل نگه می‌داشت تا در مصارفی مانند پرداخت عوارض و مالیات... آنرا به‌خود دولت برگرداند.

مادر شهید رجایی گلین خانم، زنی پاک‌دامن و متدین بود که در میان اعضای فامیل از شخصیت و احترام خاصی برخوردار بود. پس از درگذشت شوهر در سال ۱۳۱۶ دامان پاک و پُرمهر این بانوی فداکار کانون تربیت شهید رجایی گردید.

شهید رجایی پس از مرگ پدر آن‌گونه که در خاطرات خود گفته است با نظارت دایی و مساعدت برادر بزرگ خود دوران حساس طفولیت را سپری کرد. از همان آغاز با علاقه و استعدادی که از خود نشان می‌داد، به‌همراه برادر بزرگ خود در جلسات و هیئت‌های مذهبی شرکت می‌نمود. در دوران دبستان وی توانست به‌عنوان مکبر مسجد و نوحه‌خوان هیئت عزاداری نوجوانان محلی که در آن زندگی می‌کرد، عرض وجود کند. در ایام عزاداری سالار شهیدان، بارها دیده می‌شد این نوجوان کم‌سن و سال با جثه‌ی لاغر و ضعیفی که داشت در پیشاپیش صفوف نمازگزاران می‌ایستد و به‌مردمی که به‌خوبی پدر او را می‌شناختند خطاب می‌کند که مردم من محمد یتیم هستم و پس از آن‌که حال و هوای مجلس را دگرگون می‌کرد، دفترچه‌ی کوچک نوحه‌ی خود را درمی‌آورد و برای مردم نوحه می‌خواند.

از همان آغاز، خصوصیات منحصر به‌فردی که در او دیده می‌شد، شخصیتی قابل توجه را در اذهان برای وی در آینده ترسیم می‌نمود.

فوت پدر، خانواده را دچار تنگی و سختی معیشت کرد تا جایی که محمدعلی که دوران تحصیل ابتدایی خود را در دبستان ملی فرهنگ می‌گذرانید ناچار شد در این دوره به‌جای این‌که مانند سایر هم‌سن و سال‌های خود به بازی‌ها و سرگرمی‌های دوران کودکی بپردازد در مغازه‌ی یکی از بستگان نزدیک خود در بازار قزوین ضمن تحصیل به‌کار مشغول شود که این امر تا پایان دوره‌ی تحصیلات ابتدایی او ادامه داشت.

دوران نوجوانی

در دوران نوجوانی و جوانی شهید رجایی به‌رغم آن‌که محیط رشد وی یک محیط

۳۸ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

مذهبی بود، اما در میان هم سن و سال های او رفتار ناپسند شیوع فراوان داشت؛ آکنده از نکات جالبی است. محمدعلی جدا از آن که در هیچ یک از اعمال و رفتار ناپسند هم سالان خود مشارکت نکرد، بلکه تلاش نمود با فراهم کردن وسایل ورزش باستانی توجه آن ها را به ورزش معطوف نماید.

اوقات فراغت او به درس و مطالعه می گذشت به نحوی که این اهتمام به مطالعه دروس زبانزد اعضای فامیل بود. بارها دیده می شد در محافل گرم و صمیمی خانوگی کتاب درسی خود را می گشود و بی اعتنا به حوادث اطراف خود که معمولاً برای یک نوجوان جذاب است، مشغول مطالعه یا انجام تکالیف درسی خود می گردید.

شهید رجایی برخی دیگر از اوقات فراغت خود را به زیارت امام زاده شاهزاده حسین و دیگر بقاع متبرکه قزوین اختصاص می داد. وی با درآمد مختصری که از بازار به دست می آورد روزهای جمعه دوچرخه ای کرایه می کرد و با هم سن و سال های خویشاوند خود از صبح تا بعد از ظهر به تفریح و زیارت می پرداخت.

از عادات خوب او در این دوران آن بود که روزهای جمعه بر تربت پدر و برادرش که در نزدیکی شاهزاده حسین مدفون شده اند، حاضر می شد و فاتحه می خواند و برای آنها طلب آمرزش و رحمت می کرد.

در ایام عزاداری، محرم برای هیئت نوجوانان محل نوحه می خواند. پسر دایی او اسماعیل فولادی ها می گوید: یک بار محمدعلی با دیدن پاسبان هایی که برای برقراری نظم در جلوی دسته های عزاداری بودند گفت: چه خوب بود این مأمورین هم همراه مردم علم و پرچم به دست می گرفتند و در عزاداری با مردم شرکت می کردند.

مهاجرت به تهران - ۱۳۲۶

سختی معیشتی که خانواده به شدت با آن درگیر بود باعث شد برادر بزرگ شهید رجایی به تهران عزیمت نماید و برادر کوچک و مادر خود را در قزوین نگه دارد. در سال ۱۳۲۶ که محمدعلی چهارده ساله بود تصمیم گرفت برای ادامه ی کار در بازار به تهران عزیمت کند او با مادرش به تهران آمد و در منزلی که برادرش اجاره کرده بود، ساکن شد.

پس از استقرار با کمک و راهنمایی برادرش به شاگردی در بازار تهران پرداخت.

ابتدا در یک مغازه‌ی آهن‌فروشی و سپس بلورفروشی کار می‌کرد و با درآمدی که داشت به‌همراه مادرش گذران زندگی می‌نمود. وی هم‌زمان با کار در بازار به‌ادامه تحصیلات خود که موقتاً رها کرده بود، پرداخت. شهید رجایی در بازجویی‌های خود از این دوران به تشریح سخن گفته است:

«شب‌ها به جلسات قرآن می‌رفتم. در چهارده‌سالگی یا پانزده‌سالگی به‌دهستان ملی احمدیه (گذرقلی) کلاس شبانه جامعه تعلیمات اسلامی رفتم.»

وی هم‌زمان با کار و تحصیل احساس تمایل می‌کرد به تدریس و وارد عرصه‌های اجتماعی و سیاسی گردد. شهید رجایی در بازجویی‌های خود در این رابطه نوشته است:

«در جامعه‌ی تعلیمات اسلامی که آقای ناصح خمسی مدیر بود و دانش‌آموزانی را که سواد ششم ابتدایی داشتند، تعلیم می‌داد و برای تبلیغ و جمع‌آوری اعانه به مساجد و اجتماعات می‌برد، من هم در این برنامه شرکت می‌کردم و چون تا اندازه‌ای بزرگ‌تر شده بودم مطالب در من تأثیر بیشتری می‌کرد. مدتی در این برنامه بودم که گرداندگان مدرسه اقدام به تأسیس گروه شیعیان کردند. مرکز این گروه جنوب پارک شهر طبقه دوم ساختمان قو بود؛ من چند جلسه آن‌جا رفتم.»

دوران دست‌فروشی شهید رجایی در همین سال‌هاست که وی با یکی از دوستان و بستگان نزدیک خود به‌نام محمد شیروانی به‌صورت مشارکتی اقدام به خرید ظروفی از جنس روی نظیر کتری، قابلمه و بادیه‌های آلومینیومی و فروش آنها در محلات و خیابان‌های جنوب شهر نمود و تلاش کرد با درآمدهای حاصله از آن زندگی خود و مادرش را اداره کند.

ورود به نیروی هوایی - ۱۳۲۸

شهید رجایی در این ایام با مشورت برادر و یکی از نزدیکان خود تصمیم گرفت به نیروی هوایی وارد شود. چون با مدرک ششم ابتدایی می‌توانست به صورت پیمانی به استخدام نیروی هوایی درآید.

او از این رهگذر می‌توانست با حقوق مکفی که دریافت می‌کرد هم تغییری در سطح زندگی خود و مادرش ایجاد نماید و هم این فرصت را می‌یافت که در این دوران ۵ ساله به‌صورت شبانه به تحصیلات خود ادامه دهد و در آخرین سال خدمت پیمانی به دریافت دیپلم ریاضی از

دبیرستان آذر نائل شود.

شهید رجایی در بازجویی‌های خود نوشته است:

«در این موقع وارد نیروی هوایی شدم و پس از گذراندن دوره‌ی آموزشگاه به تحصیل شبانه برای ادامه‌ی تحصیل پرداختم ولی وجود کار روزانه و تحصیل شبانه تمام وقتم را گرفته بود به جز ایام تابستان که فرصت جلسات مذهبی را پیدا می‌کردم.»

آشنایی با آیت‌الله طالقانی

آن‌گونه که از اسناد و بازجویی‌های شهید رجایی در ساواک برمی‌آید وی در دوران خدمت پیمانی در نیروی هوایی با مسجد هدایت و مرحوم آیت‌الله طالقانی که شب‌ها در این مسجد جلسات تفسیر قرآن و سخنرانی داشت آشنا گردید. وی می‌نویسد:

«شب‌های جمعه به این مسجد می‌رفتم و در جلسات سخنرانی و تفسیر آقای طالقانی شرکت می‌کردم، شرکت‌کنندگان عموماً دانشجوی یا فارغ‌التحصیل بودند.»

در دوران آموزشگاه در نیروی هوایی با شخصی به نام عباس اردستانی آشنا شد و در جلسات بحث با عناصر فریب‌خورده فرقه گمراه بهائیت حضور می‌یافت و با تقویت مطالعات خود سعی در هدایت برخی افراد وابسته به این فرقه داشت. او سعی می‌کرد به این مباحثات جنبه سیاسی بیشتری بدهد.

آشنایی با فداییان اسلام

در این دوران با فداییان اسلام مرتبط شد و در سخنرانی‌های آتشین آن‌ها که به صورت نیمه‌مخفی و گاه علنی برگزار می‌شد حضور می‌یافت. پس از دستگیری شهید نواب صفوی و یاران وفادارش وی با این‌که یک فرد نظامی بود به ملاقات نواب صفوی در زندان می‌رفت. مهندس محمد به‌فروزی که از دوستان قدیمی و دوران نیروی هوایی شهید رجایی است در این باره گفته است:

با این‌که سرهای ما تراشیده بود که حکایت از نظامی بودن ما می‌کرد ولی ابایی از این نداشتیم که شناسایی و مجازات بشویم و به ملاقات فداییان اسلام می‌رفتیم.»

شهید رجایی در خاطرات خود پس از انقلاب در این باره گفته است:

«با فداییان اسلام با این که در ارتش بودم و خطرناک بود همکاری می‌کردم. افکار آن‌ها را خوب پسندیدم و در یک جمله می‌توانم بگویم که آن چه امروز در بالاترین سطح فعالیت‌های مذهبی مطرح می‌شود آن موقع فداییان اسلام مطرح می‌کردند.»
در آخرین سال خدمت، وقتی با ۲۰۰ نفر از هم‌دوره‌ای‌های خود به نیروی زمینی (پادگان جی) منتقل گردید به دلیل اعتراض به این انتقال اجباری از خدمت در نیروی هوایی و ارتش استعفا داد.

دوران ۵ ساله‌ای (۱۳۲۸ - ۱۳۳۳) که شهید رجایی به‌عنوان یک درجه‌دار در نیروی هوایی ارتش خدمت می‌کرد، مصادف بود با شکل‌گیری نهضت مقاومت ملی و مبارزات مردم مسلمان ایران به رهبری آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی و جریان نهضت ملی شدن نفت که دکتر محمد مصدق سکان‌دار آن بود و نیز فعالیت مستمر و ترورهای انقلابی فداییان اسلام که منجر به دستگیری و محاکمه و شهادت آنان گردید.

در این ایام، شهید رجایی به‌طور مستمر در مسجد هدایت که در جلسات سخنرانی آن شخصیت‌های دینی سخنرانی می‌کردند و کسانی مانند یدالله سبحانی، مهندس مهدی بازرگان، و دیگر سران نهضت مقاومت ملی به‌عنوان شنونده در جلسات تفسیر قرآن مرحوم آیت‌الله طالقانی حضور داشتند، شرکت داشت و از همین رهگذر بود که در سطح بالاتری از جریانات سیاسی وارد گردید.

مهندس محمد به‌فروزی که از دوستان قدیمی وی و قاری قرآن اکثر جلسات مسجد هدایت بوده است، می‌گوید:

«در بازگشت مرحوم آیت‌الله کاشانی به تهران که جمعیت زیادی برای استقبال ایشان به فرودگاه مهرآباد رفته بودند و بازار تهران هم به‌همین مناسبت به کلی تعطیل شده بود من و آقای رجایی نیز از جمله کسانی بودیم که در فرودگاه حضور داشتیم»
آن‌گونه که از متن اسناد ساواک مستفاد می‌شود وی در جریان ملی شدن نفت از آن‌جایی که این حرکت را یک حرکت ضداستعماری و ضدانگلیسی می‌دانست از کسانی بود که راه مصدق را تأیید می‌کرد. این علاقه سال‌ها پس از درگذشت دکتر مصدق ادامه داشت و طبق اسناد ساواک وی از جمله کسانی بود که در بعضی از سال‌ها برای بزرگداشت سالگرد مرگ او به

احمدآباد می‌رفت.

هم‌زمان با این ایام، مبارزات مردم مصر به رهبری جمال عبدالناصر در حال گسترش است که شهید رجایی نیز با روحیه پرشوری که داشت اخبار این نهضت را تعقیب می‌کرد. وی آن‌گونه که در متن بازجویی‌هایش آمده است از مرگ جمال عبدالناصر به شدت مقأسف و برای تسکین خود در سفارت مصر در تهران حضور یافت و دفتر یادبودی را که به این منظور تهیه شده بود امضاء نمود.

ورود به عرصه‌ی معلمی - ۱۳۳۳

شهید رجایی پس از انصراف از خدمت در ارتش با تأثیرپذیری از سخنان آیت‌الله طالقانی که شغل معلمی را رسالت انبیاء می‌دانست به حرفه‌ی آموزگاری روی آورد و به‌صورت آموزگار پیمانی به شهرستان بیجار رفت و به تدریس انگلیسی پرداخت. تابستان دو سال بعد (۱۳۳۵) در کنکور شرکت کرد و در دانش‌سرای عالی دانشکده‌ی علوم و دانشکده‌ی پست و تلگراف قبول شد که تحصیل را در دانش‌سرای عالی ادامه داد.

شهید رجایی در سال ۱۳۳۸، این دوران سه ساله را با موفقیت پشت سر گذرانید و چون طبق معمول می‌بایست خدمت تدریس خود را در شهرستان ادامه دهد، به ملایر و پس از آن به خوانسار رفت. وی از دوران تدریس خود در خوانسار در بازجویی‌هایش چنین نوشته است:

«یک‌سال در آن‌جا (خوانسار) خدمت کردم، محیط بسیار بدی بود. هرچه تلاش می‌کردی نتیجه صفر بود و شاگردان فقط از زاویه‌ی نمره به معلم می‌نگریستند. خسته و مأیوس شدم و پایان تحصیل به تهران مراجعت کردم. سرخوردگی شهید رجایی از این دوران وی را به کلی از خدمت معلمی ناامید کرد. بدین‌منظور تصمیم گرفت در آزمون فوق لیسانس در رشته آمار شرکت نماید تا بدین‌وسیله رشته و شغل خود را تغییر دهد. وی در همان سال در کنکور دانشکده علوم در رشته آمار قبول شد و به تحصیلات خود ادامه داد.

دوران تدریس در دبیرستان کمال - ۱۳۳۹

از نتایج و آثار مثبت حضور مستمر شهید رجایی در مسجد هدایت و جلسات تفسیر شب‌های جمعه مرحوم آیت‌الله طالقانی، آشنایی وی با اساتید دانشگاه نظیر مهندس مهدی بازرگان که در دانشکده فنی دانشگاه تهران تدریس می‌کرد و نیز دکتر یدالله سبحانی مسؤول گروه زمین‌شناسی دانشگاه تهران می‌باشد. وی در بازجویی‌های خود نوشته است:

در اثر رفت و آمد به مسجد هدایت، کم‌کم اسمی از مدرسه کمال به‌میان آمد و من چون علاوه بر تحصیل در دانشگاه فرصت‌های دیگری هم داشتم و نیز نیاز مادی هم وجود داشت. نامه‌ای به‌عنوان رئیس دبیرستان کمال نوشتم که اگر مایل باشند در آن‌جا تدریس کنم. رئیس دبیرستان کمال آقای دکتر سبحانی به‌مسافرت رفته بود و آقای مهندس بازرگان جواب نامه مرا از طرف ایشان فرستاد و جواب مثبت بود. برای مذاکره حضوری دعوت شدم و پس از مذاکره با ایشان قرار شد هرچه فرصت اضافی داشتم برای آنها کار کنم.»

به دلیل تبخّر و تسلطی که شهید رجایی در تدریس ریاضی از خود نشان می‌داد به‌شدّت مورد علاقه دکتر یدالله سبحانی که علاوه بر برخورداری از سمت استادی دانشکده علوم، ریاست دبیرستان را هم برعهده داشت، قرار گرفت. این علاقه متقابل باعث گردید در سال بعد که نهضت آزادی ایران توسط مرحوم آیت‌الله طالقانی، مهندس بازرگان، دکتر یدالله سبحانی، رحیم عطایی و چند تن دیگر تأسیس شد وی با علاقه‌ی تمام به عضویت نهضت درآید. آن‌گونه که از اسناد ساواک برمی‌آید وی پس از عضویت ماهانه مبلغ ۳۰۰ ریال حق عضویت به‌باشگاه نهضت پرداخت نموده و در جلسات عمومی سخنرانی اعضای نهضت نیز حضور می‌یافته است.

پس از این ایام که مجدداً علاقه به معلمی در او تقویت گردید، دوران تلخ گذشته را فراموش نمود و طی نامه‌ای تقاضای بازگشت به‌خدمت و انتصاب مجدد نمود. با وساطت دکتر یدالله سبحانی که با مدیر کل وقت فرهنگ تهران روابط دوستی نزدیکی داشت با درخواست وی موافقت گردید که در قم یا قزوین به‌خدمت خود ادامه دهد. وی قزوین را که در آن متولد شده و با اوضاع و احوال آن آشنایی تمام داشت انتخاب و ساعات مؤظف تدریس خود را طی سه روز در این شهر می‌گذرانید و باقی اوقات را کماکان در دبیرستان کمال خدمت می‌کرد.

عضویت و فعالیت در نهضت آزادی ایران - ۱۳۴۱

پس از رحلت مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی در فروردین ۱۳۴۰ که جبهه ملی دوم پیشنهاد مهندس مهدی بازرگان مبنی بر برگزاری مجلس ترحیم جهت آن مرجع عالیقدر را با این استدلال که این امر مربوط به یک یا چند نفر از اعضای جبهه است و از طرف حزب یا گروه یا جمعیتی ارایه نشده، رد نمود. این امر باعث شد اعضای مذهبی جبهه نظیر مرحوم آیت‌الله طالقانی، دکتر یدالله سبحانی، مهندس مهدی بازرگان و... از جبهه کناره‌گیری و نهضت آزادی ایران را تأسیس نمایند. جلسات اولیه نهضت در مسجدی واقع در دروس در شمال تهران و یا در محل دفتر نهضت در خیابان کاخ که به کلوب نهضت معروف بود تشکیل می‌گردید. در این مراکز، سخنرانان مذهبی درباره‌ی مسایل دینی و سیاسی متناسب با شرایط موجود سخنرانی می‌کردند.

شهید رجایی با توجه به علاقه‌ی شدیدی که به شرکت در این‌گونه جلسات که در آنها آمیزه‌ای از مسایل دینی و سیاسی به مخاطبین که عموماً نسل جوان و دانشجویی بودند ارایه می‌شد داشت با رغبت تمام به عضویت نهضت درآمد و در مجالس مختلف آن شرکت می‌نمود. زمینه این رغبت، آشنایی قبلی با سران نهضت در مسجد هدایت و دبیرستان کمال بود که به تدریج به صورت یک همکاری که تا سال‌های بعد ادامه داشت، درآمد.

مقارن این ایام شهید رجایی که احساس می‌کرد جان‌تشنه‌ی او تنها با شرکت در جلسات نهضت آزادی سیراب نمی‌شود در مجالس مذهبی متعددی که در نقاط گوناگون تشکیل می‌شد حضور می‌یافت که از آن جمله جلسات هفتگی عصرهای جمعه در منزل آقای شیبانی در فخرآباد و مجلس ماهانه‌ای که در خیابان ژاله در کوچه قائن برگزار می‌شد، بود. در این جلسات، سخنرانان برخلاف سایر مجالس به طرح موضوعات تحقیقی برای حضار که اکثراً دانشجوی بودند، می‌پرداختند. در مجالس ذکر شده استاد شهید مطهری، خلیل کمره‌ای، محمدابراهیم آیتی، علی گلزاده غفوری و... سخنرانی می‌نمودند.

حضور مستمر شهید رجایی در ایامی که به قزوین نمی‌رفت در دبیرستان کمال باعث شد رئیس دبیرستان، دکتر یدالله سبحانی زمینه‌ی همکاری و فعالیت بیشتری را برای شهید رجایی فراهم نماید تا جایی که پس از دستگیری سران نهضت در سال ۱۳۴۱ ایشان به همراه یکی

دیگر از همکاران خود به نام عباس صاحب‌الزمانی به صورت مشترک دبیرستان را در غیاب دکتر سعایی اداره می‌کردند و در ملاقات‌هایی که با او در زندان داشتند نسبت به روند امور دبیرستان از وی کسب تکلیف می‌کردند. با آغاز جلسات محاکمه سران نهضت آزادی، شهید رجایی با توجه به علاقه‌ای که به سران دستگیر شده به خصوص مرحوم آیت‌الله طالقانی داشت در حد امکان در جلسات محاکمه آنها که اوایل حضور در آن برای عموم بلامانع بود؛ شرکت می‌کرد. بعدها که برای حضور افراد غیروابسته به زندانیان، مانع ایجاد شد ایشان از طریق فرزند ارشد مرحوم آیت‌الله طالقانی که در دبیرستان کمال شاگرد او بود، اخبار دادگاه را به دقت دنبال می‌کرد.

شهید رجایی در مرداد سال ۱۳۴۱ که در آستانه‌ی سی‌سالگی بود با یکی از بستگان خود ازدواج کرد و با خرید منزل کوچکی در نزدیکی دبیرستان کمال در نارمک زندگی جدید خود را آغاز نمود.

اولین دستگیری، قزوین - ۱۳۴۲

شهید رجایی سه روز از هفته را در قزوین تدریس مؤظف داشت در این رفت و آمد وی عامل توزیع و انتشار اعلامیه‌های نهضت آزادی در سطح شهر قزوین بود. وی آن‌گونه که در بازجویی‌های خود گفته است در ۱۱ اردیبهشت سال ۱۳۴۲، پس از آن‌که در قزوین از اتوبوس پیاده و عازم دبیرستان بود، دستگیر و به زندان شهربانی قزوین منتقل گردید. این دوران ۴۸ روز طول کشید و او پس از سپردن تعهد مبنی بر عدم همکاری با نهضت طی دو مرحله محاکمه آزاد گردید و مانند گذشته به تدریس در دبیرستان کمال و قزوین ادامه داد. به تدریج به دلیل اختلاف سلیقه‌ای که با مسؤولین دبیرستان در روش اداره دبیرستان پیدا کرد از دبیرستان کمال کناره گرفت و در دبیرستان‌های دیگری نظیر پهلوی، سخن، قدس و میرداماد به تدریس پرداخت. وی در بازجویی‌های خود در این رابطه نوشته است:

«در سال ۴۶ یا ۴۵ که آقای دکتر سعایی از زندان آزاد شدند و به مدرسه (کمال) آمدند ولی ادامه کار ما به گرمی سابق نبود و هم ایشان مسن‌تر شده بودند و هم من مغرورتر. ناچار از مدرسه بیرون آمدم ولی هم‌چنان به قزوین می‌رفتم.»

۴۶ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

در سال ۱۳۴۶ که دوران تدریس وی در قزوین خاتمه یافت در دبیرستان پهلوی و سخن به تدریس می پرداخت. اما به دلیل نگرانی آقای دکتر سعایی از کناره گیری او در دبیرستان که از ثبت نام دانش آموزان تا استخدام دبیر، کارها برعهده وی او بود، مجدداً آن گونه که خود گفته است هفته ای ۲ تا ۱۳ ساعت در دبیرستان کمال تدریس می نمود ولی جز تدریس کار دیگری نمی کرد. این همکاری تا سال انحلال دبیرستان از سوی رژیم شاه در سال ۱۳۵۳ ادامه داشت. از نمونه های آشکار فعالیت سیاسی شهید رجایی که پس از دستگیری در سال ۴۲ با احتیاط بیشتری صورت می گرفت، هدایت معلمان قزوین و دعوت آنها به اعتصاب در سال ۱۳۴۶ بود. رئیس فرهنگ قزوین که ناصر کجوری نام داشت و فرد فعال و لایقی بود به دلیل اختلاف فرماندار با او به مرکز فراخوانده شد تا در شهر دیگری به خدمت ادامه دهد. این امر باعث شد فرهنگیان قزوین به صورت یک پارچه در برابر این انتقال اعتصاب کرده و ابقای او را خواستار شوند.

در مراسم تودیع وی، شهید رجایی به عنوان نماینده فرهنگیان اعتصاب کننده سخنرانی کرد. با توجه به سابقه ای که ساواک از شهید رجایی در سال ۴۲ و پس از آن در دبیرستان کمال داشت که وی در هر فرصت ممکن به منظور بیداری نسل جوان به طرح مسایل سیاسی در کلاس می پردازد و از جمله طی گزارشی که در اسناد ساواک موجود است ایام تاجگذاری شاه را ایام باجگذاری ذکر می کرده است به دوران تدریس او در قزوین خاتمه داده شد و از این شهر که زادگاه او بود به تهران انتقال یافت.

روح ناآرام و انقلابی شهید رجایی در سال های اول ورود به دانش سرای عالی و پس از آن عضویت در نهضت آزادی با اتصال و ارتباط با گروه ها و سازمان هایی که علاوه بر مشی فرهنگی خط مشی مسلحانه داشتند، پیوندی مستمر داشت. در دوران دانش سرای عالی و پس از آن با محمد حنیف نژاد که در آن موقع دانشجوی دانشکده کشاورزی کرج بود، آشنا شد که این آشنایی با حضور در جلسات سخنرانی وی که در دفتر نهضت تشکیل می شد ادامه یافت. شهید رجایی در بازجویی های خود در این باره از گردش های علمی و تفریحی انجمن اسلامی دانشجویان و برقراری نماز عید فطر که در آن مهندس بازرگان سخنرانی می کرد سخن به میان آورده است.

ارتباط شهید رجایی با حنیف نژاد و پس از آن سایر کادر مرکزی سازمان مجاهدین خلق نظیر برادران رضایی (احمد - مهدی - رضا) در جهت تقویت مشی مسلحانه سازمان تا بدان جا پیش رفت که کادر مرکزی از منزل او به عنوان یکی از نقاط امن استفاده می کردند که این امر در اعترافات بهرام آرام و منیژه اشرف زاده به خوبی اشاره شده است. با دستگیری، محاکمه و تیرباران کادر مرکزی سازمان مجاهدین خلق، شهید رجایی احساس کرد سازمان به تدریج از مشی اولیه بنیان گذاران آن منحرف می شود. همسر شهید رجایی می گوید:

یک بار در حال مطالعه جزوه درون گروهی سازمان رو به من کرد و گفت اینها برای اولین بار است که عبارت بسم الله الرحمن الرحیم را حذف کرده اند و این نمی تواند تصادفی باشد.»

وی پس از مشاهده علایم انحراف و التقاط به خصوص یک بار که احساس کرد زن و مردی که به خانه ی او پناه آورده و شب را در یک اتاق سپری کرده اند با هم نامحرم بوده اند، راه خود را از آنان جدا نمود. این تغییر موضع پس از دستگیری و زندان شهید رجایی باعث شد اعضا و هواداران وابسته به سازمان شدیدترین موضع ها و اهانت ها را نسبت به وی اتخاذ کنند و با بی شرمی تمام وی را فالانژ؛ عامل رژیم شاه! و... معرفی نمایند.

تشکیل مؤسسه فرهنگی و امداد رفاه

شهید رجایی پس از کناره گیری از دبیرستان کمال با کمک و همیاری آیت الله هاشمی رفسنجانی، شهید دکتر باهنر، بقایای هیئت مؤتلفه و جمعی از تجار متدین، مؤسسه خیریه رفاه و تعاون را بنیان نهاد.

ظاهر این مؤسسه تلاش برای رفع محرومیت از فقرا و مستمندان جامعه بود ولی در باطن ضمن انجام امور فرهنگی و تربیت نسل جوان با پوشش مؤسسه که دو باب واحد آموزشی دبستان و دبیرستان را تحت پوشش خود داشت به خانواده های زندانیان سیاسی که دچار تنگناهای مالی بودند رسیدگی می نمود. شهید رجایی و باهنر به اعتبار این که در آموزش و پرورش سابقه آموزشی و اجرایی داشتند، به جلسات اولیه مؤسسه دعوت و مسؤلیت اداره مدرسه به آنان واگذار گردید.

مؤسسه‌ی رفاه، با برخورداری از کمک‌های جانبی افراد متدین و نیز اولیای دانش‌آموزان به تدریج توسعه یافت. پس از بازگشت شهید بهشتی از آلمان در سال ۱۳۴۹، از ایشان برای تدریس و سخنرانی در مدرسه‌ی رفاه دعوت به عمل آمد که با استقبال وی از این دعوت، مؤسسه توانست به کمک سخنرانی‌هایی که ایشان می‌نمود تا حد قابل توجهی بر مشکلات مادی خود فائق آید.

شهید رجایی علاوه بر اداره‌ی دبیرستان که ریاست آن را برعهده پوراندخت بازرگان همسر محمد حنیف‌نژاد نهاده بودن در جهت آموزش کادر مدرسه و نمایش فیلم و برنامه‌ریزی، دعوت از سخنرانان مذهبی در مراسم و مناسبت‌های مختلف تلاش فراوان می‌نمود.

سفر به فرانسه و سوریه (سال ۱۳۵۰)

شهید رجایی پس از آزادی از زندان (مرحله‌ی اول) آن‌گونه که خود پس از انقلاب می‌گفت به ساماندهی بقایای هیئت مؤتلفه که به دلیل زندانی شدن تعدادی از عناصر اصلی آن کاملاً از هم متفرق شده بودند، پرداخت:

به کمک دکتر باهنر و آقای (جلال‌الدین) فارسی این گروه را جمع کردیم و به صورت تشکیلات مخفی اداره می‌کردیم. هرکدامان یک اسم مستعار داشتیم.»

شهید رجایی به‌مدد روابط خوبی که با اقشار مختلف فرهنگیان و بازاریان برقرار می‌کرد، توانست در جمع‌آوری کمک‌های مالی آنان به‌منظور رسیدگی به خانواده‌های زندانیان سیاسی و تأمین هزینه‌های چاپ و نشر اعلامیه‌ها و شبکه گسترده‌ای را به صورت مخفیانه سازماندهی کند.

با عزیمت آقای جلال‌الدین فارسی به سوریه، شهید رجایی با نام مستعار محمدمین مبالغی را از طریق فرانسه یا افرادی که در بیروت تحصیل می‌کردند برای او ارسال می‌نمود. در سال ۱۳۵۰ برای تهیه گزارشی از وضعیت کارهای انجام شده و در این کشورها عازم فرانسه شد.

وی برای عدم ایجاد حساسیت ساواک مستقیماً به سوریه رفت بلکه با سفر به فرانسه که با فریب ساواک همراه بود، اعلام کرد به یک سفر توریستی می‌رود. وی در فرانسه گزارشی از

شبهه مبارزین مسلمان در فرانسه و اروپا نیز تهیه نمود و پس از یک اقامت ۱۷ روزه از طریق ترکیه به سوریه رفت و از مراکزی که نیروهای مسلمان در آنجا آموزش نظامی و جنگ مسلحانه می‌دیدند، بازدید نمود و مجدداً از طریق ترکیه به ایران بازگشت.

شهید رجایی به دلیل ارتباط گسترده‌ای که با کادر اولیه‌ی رهبری سازمان مجاهدین خلق داشت بعضی از این کمک‌ها را از طریق دوستانی که مانند او با این سازمان همکاری داشتند و در هیئت مؤتلفه هم فعال بودند، به شبکه‌های خارجی سازمان ارسال می‌کرد. مهدی غیوران یک‌بار از طرف ایشان مأموریت یافت چمدانی پر از اطلاعات و اسناد و پول را به رابط سازمان در فرانسه برساند. وی پس از آن‌که موفق به این امر نشد، چمدان را به صادق قطب‌زاده تحویل داده و به ایران بازگشت. اما پس از مدتی مجدداً از طرف شهید رجایی مأموریت یافت به پاریس مراجعت و چمدان را از قطب‌زاده تحویل بگیرد.

شهید رجایی به دلیل عدم تجربه برخی رهبران سازمان نظیر احمد رضایی در هدایت سازمان با این‌که هیچ‌گاه به عضویت سازمان مجاهدین خلق درنیامد تلاش می‌کرد در تصمیم‌گیری‌های به‌جا، آنان را یاری دهد.

دومین مرحله زندان (۱۳۵۷ - ۱۳۵۳)

شهید رجایی با ارتباطی که با سازمان داشت تعدادی از کتب دفاعیات کادر اولیه آن را در جلسات دادگاه به همراه تعداد دیگری از کتبی را که ساواک در مورد آن‌ها حساس بود، به منزل یکی از خواهرانش انتقال داد تا از این رهگذر چون هر لحظه امکان دستگیری او می‌رفت سرنخی به دست ساواک ندهد. خواهرزاده‌ی او بدون کسب اجازه از شهید رجایی، تعدادی از این کتاب‌ها را به دانشگاه می‌برد و بین دوستان خود توزیع می‌کرد که یکی از آنها با واسطه به دست ساواک رسید و منجر به دستگیری محسن صدیقی خواهرزاده شهید رجایی و سپس خود رجایی گردید. در مورخه ۱۳۵۳/۹/۶، نیروهای امنیتی از ساعت‌ها قبل به منزل او ریختند و چون وی در خانه نبود پس از بازرسی کامل که کمترین سند و مدرکی به دست نیاوردند به انتظار بازگشت او به‌خانه ماندند.

شب هنگام که شهید رجایی از یکی از جلسات خصوصی شهید بهشتی به‌خانه می‌آمد، با

۵۰ کیست و پنج‌سال در ایران چه گذشت؟

دیدن اوضاع غیرعادی در محل، چون خود را مهبیای دستگیری و زندان نموده بود. به صورت خیلی عادی وارد خانه شد و پس از لحظاتی بازداشت و روانه زندان گردید. وی در طول نزدیک به بیست‌ماه بازجویی و حبس در سلول انفرادی کمترین نشانه‌ی عجز و سازشی از خود نشان نداد. مدت زندانی شدن او در سلول‌های انفرادی وی را در زمهری یکی از نادرترین زندانیان سیاسی قرار داده است. شهید رجایی به‌رغم برخورداری از روابط گسترده مبارزاتی در زیر فشار شدید و طاقت‌فرسای شکنجه‌گران ساواک که از او می‌خواستند، دوستان و همراهان مبارز سیاسی خود را به آنها معرفی کند، لب از لب نگشود و هربار بیشتر از گذشته در معرض شکنجه قرار می‌گرفت.

بعضی از هم‌سلولی‌های وی می‌گویند: بارها دیده می‌شد وی به‌دلیل ورم شدید کف پا که بر اثر ضربات متوالی شلاق ایجاد شده بود در بازگشت به‌سلول به‌صورت چهار دست و پا راه می‌رود.

در آستانه‌ی انقلاب

شهید بزرگوار رجایی، پس از آزادی از زندان نه تنها دست از فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی خود نکشید بلکه بر شدت و دامنه‌ی این مبارزات افزود. با اوج‌گیری مبارزه، با آشنایی و ارتباطی که با یاران امام داشت، فعالیت خود را در کمیته‌ی استقبال از امام خمینی ادامه داد. در جلساتی که در مورد محل استقرار حضرت امام بحث و تبادل نظر می‌گردید نقش عمده‌ای در معرفی و انتخاب نهایی مدرسه‌ی رفاه داشت. وقتی بعضی نقاط دیگری را مطرح کردند که نسبت به مدرسه رفاه از امکانات رفاهی و وسعت بیشتر و بهتری برخوردار بود و می‌گفتند امام بهتر است در جایی مستقر بشوند که در شأن ایشان باشد آقای رجایی اظهار می‌داشت مدرسه رفاه متعلق به خود امام است و طرفداران او این مدرسه را به اسم ایشان ساخته‌اند و بهترین ویژگی آن است که اگر امام به آن تشریف بیاورند و در آن مستقر بشوند نمی‌گویند امام در منزل فلانی مستقر شده است. این استدلال مورد تصویب دیگران قرار گرفت اما به‌دلیل وسعت محدود مدرسه‌ی رفاه نسبت به مدرسه‌ی علوی، طی بازدید به کسانی که در صدد تدارک و آماده‌سازی مدرسه رفاه بودند اعلام کرد که تصمیم

کمیته استقبال عوض شده و امام به مدرسه‌ی علوی تشریف خواهند برد. در این ایام با این که عضو اصلی تشکیلات نیمه مخفی مدرسه‌ی رفاه بود که به منزله‌ی ستاد انقلاب تلقی می‌شد اما با تواضع خاصی به هر کار ممکن دست می‌زد و این اعمال را خدمت به انقلاب می‌دانست و به بزرگی و کوچکی کارها اهمیتی نمی‌داد. بعضی از هم‌زمان او که آماده اشارتی از وی در جهت کاری بودند وقتی او را جارو به دست در حال تمیز کردن حیاط مدرسه رفاه می‌دیدند با اصرار می‌خواستند این کار را به آن‌ها واگذار نمایند ولی ایشان نمی‌پذیرفت و مدرسه را برای ورود امام آب و جارو می‌کرد. شهید رجایی با مسؤولیتی که در رابطه با تبلیغات و راه‌پیمایی‌ها برعهده گرفت، منزل خود و یکی از منازل مطمئن همسایه را به نوشتن پلاکاردهای راه‌پیمایی تبدیل کرد.

هنگامی که امام اعلام کردند مردم به حکومت نظامی اعلام شده از سوی رژیم شاه توجهی نکنند، شهید رجایی با سازماندهی سریع جوانان انقلابی به دو دسته، از آن‌ها خواست به مناطق شمال و جنوب شهر بروند و به مردم اعلام کنند حکومت نظامی به دستور امام شکسته شده و به مقررات آن نباید توجه کرد.

با اوج‌گیری مبارزه که پایگاه‌های رژیم دسته دسته به تسخیر مردم درآمده و اسلحه‌های آن‌ها توسط مردم به مدرسه‌ی رفاه حمل می‌شد شهید رجایی مسؤولیت نگهداری از آن‌ها را برعهده گرفت، ایشان با این که هنوز حکومت نظامی قدرتی داشت چون این احتمال می‌رفت که رژیم قصد حمله به مدرسه را داشته باشد، عده‌ای از افراد مسلح را که از یزد برای محافظت از امام به تهران آمده بودند در منازل اطراف جا می‌داد.

با دستگیری سران رژیم توسط مردم و انتقال آن‌ها به مدرسه‌ی رفاه، مسؤولیت خطیری دیگری برعهده‌ی شهید رجایی افتاد. ایشان به کمک بعضی از هم‌زمان دوران زندان، مسؤولیت نگهداری و بازجویی از سران رژیم و ساواک شاه را برعهده گرفت. وی با این که بعضی از فرماندهان و مسؤولان را می‌شناخت، اما به کسانی که مسؤولیت نگهداری از آن‌ها را در زیرزمین مدرسه رفاه برعهده داشتند اکیداً توصیه می‌کرد با آنها در نهایت محبت رفتار کنند و اجازه دهند تکلیف آنان را دادگاه‌های انقلاب معین نمایند.

بعد از اعلام تشکیل دولت موقت از سوی حضرت امام، مرحوم مهندس بازرگان عهده‌دار

۵۲ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

مسئولیت نخست‌وزیری گردید و دکتر شکوهی را که از اعضای نهضت آزادی ایران بود به‌عنوان وزیر آموزش و پرورش معین کرد. شهید رجایی به‌همراه شهیدان باهنر و سیدکاظم موسوی نقش بسیار فعال و تعیین‌کننده‌ای در اداره‌ی امور این وزارت برعهده داشتند. در این میان نقش شهید رجایی از دیگران مشخص‌تر و برجسته‌تر بود تا جایی که می‌توان گفت نقش اصلی در تغییر اوضاع وزارت آموزش و پرورش از شکل قبل به یک شکل جدید انقلابی با برخورداری از اختیاراتی که از آقای شکوهی گرفته بود، برعهده‌ی او بود.

در این دوران شهید رجایی با مسئولیت مشاور وزیر، اصلاحات اولیه و متناسب با شرایط اولیه انقلاب، نظیر پاکسازی عناصر رژیم و عوامل ساواک و گروه‌های الحادی و... را با دقت و سرعت خاصی انجام می‌داد.

پس از استعفای آقای شکوهی از وزارت آموزش و پرورش، شهید رجایی به‌عنوان کفیل وزارت‌خانه و سپس به‌عنوان وزیر آموزش و پرورش به‌خدمات صادقانه و انقلابی خویش ادامه داد. تأسیس نهاد امور تربیتی و تقویت مراکز تربیت معلم از مهم‌ترین اقدامات شهید رجایی در این دوران محسوب می‌شود.

هم‌زمان با انتخابات اولین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی که حزب جمهوری اسلامی اسامی تعدادی از عناصر مؤمن و باسابقه در امر مبارزه را به‌عنوان نامزد نمایندگان مجلس از شهرهای مختلف ارایه و انتشار داد، شهید رجایی در لیست حزب در تهران قرار گرفت که پس از اعلام نتایج آراء با ۱۲/۲۰۹/۰ رأی به مجلس شورای اسلامی راه یافت.

پس از گذشت شش ماه از مسئولیت نمایندگی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و پس از انتخاب بنی‌صدر به‌عنوان اولین رئیس‌جمهور نظام اسلامی، به‌دلیل آن‌که مجلس شورای اسلامی نامزدهای معرفی شده از طرف او برای پست نخست‌وزیری را واجد صلاحیت‌های اسلامی و انقلابی نمی‌دانست، کار اختلاف بنی‌صدر با مجلس بالا گرفت بعد از نهیب امام که چرا کار متوقف شده‌است، بنی‌صدر به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد موافقت کرد. بعد از حذف آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و مقام معظم رهبری از این ترکیب به‌دلیل حزبی بودن؛ بنی‌صدر با این‌که سه نفر بعدی را هم عضو حزب جمهوری اسلامی می‌دانست آن‌را پذیرفت. پس از بررسی‌های طولانی، نظر هیأت سه نفره به‌اتفاق آرا براین قرار گرفت که شهید

رجایی شایستگی تصدی مسؤلیت خطیر نخست‌وزیری را دارد. پس از اعلام نظر هیئت به مجلس، مجلس شورای اسلامی نیز با اتفاق آرا بر این انتخاب تأکید و آن را به بنی صدر اعلام نمود.

بنی صدر در برابر این انتخاب ابتدا بنای مخالفت گذاشت و نظر هیئت سه نفره را به شدت رد نمود ولی وقتی احساس کرد در مقابل مجلس کاری نمی‌تواند از پیش ببرد به ناچار با این پیشنهاد موافقت نمود. اما در هر فرصت ممکن از تضعیف شخصیت شهید رجایی در افکار عمومی با به‌کارگیری تعابیر و القاب زشت و ناپسند خودداری نمی‌کرد. در برابر این جسارت‌ها و اهانت‌های بنی صدر به‌عنوان رئیس‌جمهور، شهید رجایی با توجه به حساسیت جو موجود، تمامی این تلخی‌ها و اهانت‌ها را در کمال صبر و بردباری و متانت تحمل و در مواقع لزوم با رای‌های استدلال‌های محکم و منطقی به ایرادات مکرر بنی صدر پاسخ می‌داد.

هرچند در این کشاکش، تمام اهتمام شهید رجایی این بود که اختلافات بنی صدر با نیروهای حزب‌اللهی که وی سمبل و نمادی از آن‌ها به‌عنوان نخست‌وزیر بود به‌میان مردم کشیده نشود تا از این رهگذر غبار غم و نگرانی بر قلب و رخسار حضرت امام بنشیند اما از سوی دیگر بنی صدر به‌رغم حساسیت اوضاع مملکت که از نمونه‌های آن شروع رسمی دولت شهید رجایی در اولین روز جنگ بود هیچ‌گونه نرمش، کوتاهی و تسامحی از خود نشان نمی‌داد تا جایی که وقتی برای هدایت امر جنگ که مهم‌ترین مسأله‌ی کشور بود به جبهه می‌رفت کوچک‌ترین اطلاعی به شهید رجایی نمی‌داد تا او را در این مسأله همراهی و مساعدت نماید. این در حالی بود که پس از رئیس‌جمهور عملاً تمام امور جنگ برعهده‌ی نخست‌وزیر بود.

شهید رجایی با تعهدی که در قبال اسلام، انقلاب و امام و مردم داشت به‌رغم مشکلات فراوانی که فراروی دولت نوپای او بود همواره جنگ را در رأس مسایل می‌نگریست و لحظه‌ای از رسیدگی به امور رزمندگان و مهاجرین جنگی که بر اثر حملات ددمنشانه زمینی و هوایی دشمن بعضی از شهرهای خود به شهرهای دیگر پناه برده بودند غفلت نمی‌نمود. در این شرایط حساس که دولت او با جدی‌ترین بحران‌های اقتصادی و سیاسی و کارشکنی‌های لیبرال‌ها و منافقین مواجه بود، وی با آرامش روحی و صلابت و اعتماد به‌نفس خاصی به‌رفع

مشکلات همت می‌گماشت.

سرانجام کارشکنی‌های بنی‌صدر و اختلاف‌آفرینی او کار را به‌جایی رسانید که بنا به توصیه حضرت امام، مجلس شورای اسلامی مسأله‌ی عدم کفایت سیاسی او را با توجه به اخباری که دال بر تسلیح منافقین توسط او بود، به‌بحث گذاشت و با رأی مثبت به آن بنی‌صدر از ریاست جمهوری عزل گردید.

پس از عزل بنی‌صدر از مسند ریاست جمهوری که قبل از آن حضرت امام نیز منصب فرماندهی کل قوا را که به او تفویض کرده بودند، از وی بازستاند. کشور در حالی مهیای دومین انتخابات ریاست جمهوری گردید که اثر تلخی این حادثه که در نخستین سال‌های پیروزی برای نظام نوپای اسلام روی داد، در کام دوستان و یاران انقلاب و ملت شریف و انقلابی ایران باقی مانده بود.

دومین انتخابات ریاست جمهوری زمینه‌ای فراهم آورد تا لیاقت، کاردانی و تعهد شهید رجایی پس از آن دوران تلخ حاکمیت نفاق و لیبرالیزم بر کشور بیش از پیش آشکار گردد. با اصرار و تأکید جناح‌های خط امام و معتقدان به ولایت، شهید رجایی در این انتخابات شرکت نمود و با رأی خیره‌کننده‌ی مردم شریف ایران که نشانه‌ی محبوبیت وی به‌رغم دوران محدود نخست‌وزیریش بود، دومین رئیس‌جمهور ایران اسلامی گردید. شیرینی خاطره مراسم تحلیف او در حضور امام در ۱۱ مرداد سال ۱۳۶۰، که به‌هنگام دریافت حکم ریاست‌جمهوری در برابر مرشد و مراد خود زانو به‌زمین زد هیچ‌گاه از ذهن ملت شریف ایران محو نخواهد شد. شهید رجایی در دوران کوتاه ۲۹ روزه‌ی ریاست جمهوری خود که شهید دکتر باهنر را به‌عنوان نخست‌وزیر به‌مجلس معرفی و پس از تصویب مجلس در کنار خود داشت، با تشکیل کابینه‌ی انقلابی و جوان درصدد برآمد مشکلات ناشی از شرایط جنگی، بحران‌های اقتصادی، اشتغال، تورم و... که بیشتر آنها به‌دلیل مصروف شدن وقت مسؤولین در اختلاف با بنی‌صدر لاینحل مانده بود را مرتفع نماید.

وی با شور و شوق و تعهد زایدالوصفی در بیشتر جلسات و کمیسیون‌هایی که لزومی به شرکتش در آنها نبود حضور می‌یافت تا به‌سهم خود در رفع مشکلات و اتخاذ تصمیمات مدبرانه و تعجیل در اجرای اصول، نقش خود را ایفا نماید.

سرانجام هنگامی که این عزیز گرانقدر در یکی از کمیسیون‌ها و جلسات شورای امنیت ملی شرکت داشت به واسطه‌ی بمب‌گذاری یکی از عوامل نفاق که در نخست‌وزیری نفوذ کرده بود به‌همراه یار دیرین خود شهید دکتر باهنر و تیمسار دستجردی رئیس شهربانی کل کشور به‌ملکوت اعلیٰ پرکشید و نام خود را در تاریخ مبارزات مردم مسلمان ایران جاودانه ساخت.^(۱)

برنامه شهید رجایی به مجلس در دوران نخست‌وزیری

بهرتر آن‌است که نگاهی بیندازیم به دو سخنرانی مهم شهید رجایی در دوران نخست‌وزیری. یکی در اعلام برنامه‌های اقتصادی در مجلس شورای اسلامی و دیگری سخنرانی در مقر سازمان ملل:

از وظایف مهم و حساس هر دولت در هر کشوری مسأله‌ی بودجه و برنامه‌ریزی اقتصادی می‌باشد. به‌خصوص این‌که آن‌کشور تازه از زیر بار ۲۵۰۰ سال فشار استعمار شانه خالی کرده باشد و هم‌چنین درگیر جنگی وسیع و گسترده با بزرگ‌ترین قدرت‌های جهان و ضدانقلاب پر قدرت داخلی باشد و به‌راستی تنظیم بودجه چنین مملکتی با آن‌همه فشار اقتصادی اجانب، کار هر دولتی نیست.

اما دولت شهید رجایی به این مهم دست یافته و پس از تنظیم بودجه در هیئت دولت، خود آن‌را به مجلس وارد آورد و در مراسم تقدیم آن به مجلس چنین فرمودند:

بسم الله الرحمن الرحيم

ریاست محترم، نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، برادران و خواهران - پس

از درود و احترام به روان پاک شهدای عزیز اسلام، محترماً لایحه‌ی اولین بودجه تنظیمی نخستین دولت جمهوری اسلامی ایران را جهت بررسی و تصویب تقدیم می‌دارد.

دولت جمهوری اسلامی ایران مفتخر است که بودجه سال جاری را در شرایطی تنظیم کرده است که نه تنها فداکاری‌ها و ایثارهای این ملت مسلمان و شهیدپرور را در دوران انقلاب پشت سر دارد بلکه تجربه مبارزه با ابرقدرت آمریکا و افشای ماهیت خیانت‌کارانه‌ی شیطان بزرگ و همچنین دلاوری‌های امت رزمنده اسلام را در جبهه‌های غرب و جنوب شاهد بوده است. دولت از اولین روز تشکیل آن درگیر جنگی تحمیلی بوده است. فقط با اتکال به قدرت الهی و همکاری‌ها و از خودگذشتگی‌های ملت مسلمان ایران توانسته است خدمات و وظایف خود را انجام دهد. مشکلات اقتصادی سیاسی مختص به این دولت نبوده، میراث ۲۵۰۰ سال حکومت دیکتاتوری سلطنتی به‌طور اعم و ۵۸ سال دیکتاتوری استعماری به‌طور اخص می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران از بدو تولد خود اجباراً با میراث‌های جا مانده از رژیم سلطنتی وابسته گذشته ستیز کرده و به‌حوال و قوه‌ی الهی قدم‌های مثبتی در جهت آزاد شدن از یوغ وابستگی برداشته است.

نگاهی به شرایط اقتصادی کشور در زمان سقوط شاه معدوم و مقایسه آن با شرایط موجود، این ادعا را محق می‌سازد که حداقل جهت و روند گذشته عوض شده و گام‌های مثبتی به‌سوی خودکفایی اقتصادی برداشته بالاخره شعار استقلال سیاسی و آزادی از یوغ استعمارگران و برقراری جمهوری اسلامی را که شعار ملت انقلابی در دوران انقلاب بوده، محقق شده است. انقلاب اسلامی ایران زمانی تحقق یافت که رژیم مزدور شاه با هم‌دستی و پشتیبانی چپاول‌گران آمریکایی، کشاورزی این کشور را به‌نابودی کشیده و با رشد و توسعه صنعت مونتاز، کشاورزان و روستانشینان مولد این مرز و بوم را به مصرف‌کنندگان شهری تبدیل کرده بود البته آن‌که در این معامله خیانت‌بار سود می‌برد، سرمایه‌داران غربی و عتال داخلی وابسته به آنان بود و آن‌که ضرر می‌داد، ملت مسلمان ایران بود. وابستگی شدید اقتصادی به‌خارج به‌نحو عجیبی در جامعه‌ی ما حاکم بود.

نتیجه‌ی اقتصاد تک‌محصولی حاکم بر جامعه ایران چیزی جز حاکمیت فرهنگ

مصرفی و استعماری نبود و بدین سان جامعه‌ای که روزگاری خودکفا و حتی صادرکننده مواد غذایی و کشاورزی بود، نهایتاً به صورت مصرف‌کننده محصولات کشاورزی و صنعتی جوامع دیگر درآمد.

در این رهگذر ورود فرهنگ مصرفی و استعماری به طرز شگفتی فراگیر شد و می‌رفت که این ملت را از هویت اسلامی، انسانی خود تهی کند در این هنگام ملت مسلمان و انقلابی ایران حرکتی عظیم و تاریخ‌ساز کرد که نهایتاً منجر به سرنگونی رژیم و برقراری جمهوری اسلامی ایران گردید.

عملکرد گذشته دولت‌ها قبل از ۲۲ بهمن ماه به خصوص در آستانه‌ی پیروزی انقلاب به بهران‌های اقتصادی مملکت افزود و بار دیون دولت را بالا برد عملکرد دولت شریف‌امامی که از جهان‌بینی مادی او و آن رژیم نشأت گرفته بود هرچند که کمک به بقای آن رژیم کرد ولی مردم را به استیصال و ورشکستگی رژیم واقف‌تر نمود و خود شتابی به طرف پیروزی انقلاب بود.

لکن دولت جمهوری اسلامی ایران را با مشکلات مالی زیادی روبه‌رو کرده، باعث بالارفتن بی‌رویه بودجه جاری در جمهوری اسلامی ایران گردید. هم‌چنین فرار سرمایه‌داران وابسته در اواخر رژیم گذشته که جملگی به بیت‌المال بدهکار بودند و واگذاری تأسیسات صنعتی وابسته به آنها با دیون بیش از حد از جمله میراث‌های رژیم گذشته بوده است که جملگی این بدهی‌ها بر بودجه این مردم مستضعف تحمیل شده است ذکر آماری از میزان اسکناس در جریان، در شهریورماه ۱۳۵۷ و بهمن‌ماه ۱۳۵۷ نمایشگر این واقعیت است که چگونه رژیم گذشته در آخرین لحظات حیات خود همت به تخریب وضع اقتصادی این مملکت کرده بود و چگونه سعی داشت که همه چیز را خراب کرده و یک سیستم از کارافتاده تحویل حکومت انقلاب اسلامی ایران دهد.

میزان پول در گردش در شهریورماه ۱۳۵۷، مقدار ۴۵۰ میلیارد ریال بود که در بهمن‌ماه ۱۳۵۷ به مقدار (۸۹۴/۳۲۸/۰۰۰/۰۰۰) هشتصد و نود و چهار میلیارد و سیصد و بیست و هشت میلیون ریال رسیده بود. این جهش عظیم در به جریان انداختن اسکناس اثرات تورمی و تخریب عجیبی در جامعه بعد از انقلاب گذاشت که مسلماً همه درگیر آن بوده و هستیم.

خلاصه‌ی مطلب - آنچه از رژیم گذشته به جای مانده است و برگزیده‌ی دولت‌های جمهوری اسلامی ایران از ابتدای تأسیس تا به حال سنگینی کرده است، عبارتند از فرهنگ مصرفی، تعهدات مالی سنگین دولتی و صنایع مونتاژ وابسته که از نظر فنی و مواد اولیه بیش از ۵۰ درصد به خارج وابسته‌اند و از نظر مالی بیش از سرمایه آن تأسیسات به بانک‌های داخلی و خارجی مقروضند.

در میان سرمایه‌گذاری‌ها، تأسیسات مضر چون پروژه‌های راکتور اتمی که کلاً مضر به حال این جامعه بوده و لغو قراردادهای آنها بار مالی سنگینی بر بودجه کشور و دیوان دولت‌ها تحمیل کرده است که قابل ذکر می‌باشد. به هر حال با تأییدات خداوند متعال و همت و اراده ملت قهرمان ایران و رهبری داهیان‌های امام خمینی، جمهوری اسلامی ایران تأسیس شد ولی این بنای معظم در شرایطی ریخته شد که به گفته‌ی خود امام «شاه مملکت را ویران و قبرستان‌های ما را آباد کرده بود» ملت ایران با باری از مشکلات ولی اراده‌ی آهنین جمهوری اسلامی را بنیاد نهاده و روز به روز به پیروزی بیشتری نائل آمد.

در این رهگذر متأسفانه عملکرد عمال رژیم گذشته و گروهک‌های سیاسی وابسته به غرب و شرق مرتب دولت را وادار می‌کرد که مقداری از توجه و ابتکار خود را بر ختنی کردن این توطئه‌ها به کار بندد که خود باعث وارد آمدن خسارات زیاد به مؤسسات صنعتی و کشاورزی شده و از سرعت حرکت انتقال جامعه طاعون‌زده‌ی ما از وضع اسفناک قبلی به جامعه‌ای اسلامی کاست.

دعوت به اعتصابات در مؤسسات تولیدی و کم‌کاری در ادارات در اوایل پیروزی انقلاب که هدفش جز کاهش تولید و ایجاد یأس و ناامیدی در مردم نداشت، باعث شد که در دو سال گذشته اکثر شرکت‌های صنعتی ضرر داده و اجرای پروژه‌های عمرانی به‌کندی جلو رفته و پدهی دولت به بانک مرکزی هر سال افزایش یافته است.

ارقام پدهی دولت به بانک مرکزی این واقعیت تلخ را مبرهن می‌سازد که فعالیت‌های دولت جمهوری اسلام در زمینه‌ی اقتصادی چشمگیر نبوده، بلکه هنوز با مشکلات عدیده‌ی مالی روبه‌رو است. پدهی دولت در ۲۲ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ به بانک مرکزی یک‌هزار میلیارد و چهارصد و بیست و چهار میلیون ریال بوده است که در شهریورماه ۱۳۵۹، به‌رقم تقریباً دوهزار میلیارد و دو بیست و پنجاه و سه میلیون ریال

رسیده است (این در ابتدای تشکیل دولت ما است) و در پایان سال ۱۳۵۹ به دو هزار میلیارد و هفت صد و نه میلیون ریال رسیده است. افزایش بدهی دولت که قسمتی از آن به عنوان میراث (تقاضا می‌کنم به این عده‌هایی که به بدهی دولت به بانک مرکزی ذکر کردم توجه کنید چون در بودجه امسال پیش‌بینی هیچ‌گونه وامی از بانک مرکزی نشده است که امیدواریم موفق بشویم این رویه را ادامه بدهیم) افزایش بدهی دولت که قسمتی از آن به عنوان میراث از سرمایه‌داران فراری و ورشکسته به جای مانده است و قسمتی از آن در اثر زیان‌دهی سازمان‌های وابسته، وامانده از وابستگان رژیم به بودجه دولت تحمیل شده است مسلماً قابل نبوده و دولت با کوشش تمام سعی در بالا بردن بهره‌دهی کارخانه‌ها و سازمان‌دهی صحیح آن‌ها به نحوی که سودده شوند، دارد.

دولت تحمل این زیان‌ها را که تنها در مورد کارخانه‌های صنعتی در سال ۱۳۵۸ حدود یک صد و شصت میلیارد ریال زیان بوده است را نداشته و به حول الهی با برنامه‌های سازنده در آینده نزدیک این جهت را عوض خواهد کرد البته تذکر این نکته لازم است که این عمل، زمان لازم داشته و با برنامه مشخص و مدیریت صحیح و با جوّ سیاسی مناسب می‌توان به این هدف رسید. بهبود وضع اقتصادی و حرکت به سوی تأمین رفاه اجتماعی در سایه‌ی شرایط سیاسی مناسب و آرام انجام‌پذیر است این دولت که از بدو کار خود به‌ناخواسته در یک جنگ تحمیلی و خانمان‌سوز درگیر شده است، نهایت کوشش خود را کرده است که شرایط و زمینه‌های بحرانی اقتصادی و سیاسی را با سرعت هرچه بیشتر از بین برده، جامعه را آماده حرکت به سوی تولید بیشتر و خودکفایی اقتصادی نماید. نمایندگان و ملت عزیز ایران اطلاع دارند که یک روز پس از تشکیل کابینه اولین دولت جمهوری اسلامی ایران رژیم صدام کافر به میهن ما حمله برده و از زمین و هوا به‌خاک جمهوری اسلامی ایران تجاوز نمود. در این‌جا لازم است مختصری در مورد شرایط اقتصادی سیاسی وضع بودجه در آمد حاصل از نفت، بدهی دولت به بانک در آن‌هنگام صحبت شود.

شرایط اقتصادی دولت در آخر شهریورماه ۱۳۵۹ به‌دلیلی که گذشت از یک دوره فترت سه ماهه و عدم حضور دولت در صحنه سیاسی مملکت وضع جالبی را نداشت به‌طوری که صدور نفت که مهم‌ترین منبع تأمین بودجه سال ۱۳۵۹ بود برطبق

پیش‌بینی، ۶۰ درصد بودجه آن سال از منبع نفت تأمین می‌شد به مقدار ۲۰۰/۰۰۰ بشکه در شهریورماه ۱۳۵۹ کاهش یافته بود و این مقدار که حداقل میزان صدور نفت در سال گذشته است، حدود یک‌هشتم مقدار پیش‌بینی شده بوده است. خود عامل مهمی در کاهش درآمد و مدیون شدن دولت به بانک مرکزی می‌باشد؛ از طرف دیگر طبق پیش‌بینی وزارت کشاورزی دولت می‌بایستی یک میلیون و دوپست‌هزار تن گندم از منابع داخلی تهیه کند که به دلایل مختلف نتوانسته بود بیش از سی درصد آن یعنی چهارصد هزار تن را تأمین نماید. به لحاظ دامپروری، مقدار علوفه مورد نیازی که می‌بایستی از منابع خارجی تأمین شود کاملاً سفارش داده نشده بود که همین امر متأسفانه پس از وقوع جنگ، کشاورزی و دامپروری نبود بلکه صنایع کشور به دلیل عدم مدیریت صحیح فاقد مواد اولیه مورد نیاز بوده است و قادر به برنامه‌ریزی و رشد نبوده و به‌جز ضرردهی اثر وجودی دیگری بر آنها مترتب نبود. با نگاهی به بودجه هزینه‌شده در پایان شهریور ۱۳۵۹، میزان کسری درآمدها نسبت به پرداخت‌ها مبلغ دوپست و هشتاد و پنج میلیارد ریال و بدهی دولت به بانک مرکزی تقریباً دوهزار میلیارد و دوپست و پنجاه و سه میلیون ریال و ذخیره ارزی دولت بدون در نظر گرفتن وام‌های خارجی مبلغ هفت میلیارد و شصت و شش صد میلیارد دلار بوده است. از نظر سیاسی واقف هستند که کابینه به‌طور کامل تکمیل نشد و مهم‌ترین مهره‌های کلیدی کابینه به دلایل سیاسی موجود انتخاب نشده بودند. مزید بر این شرایط هیچ‌گونه برنامه میان‌مدت و بلندمدت مطرح نشده بود و این دولت محروم از بهره‌گیری از برنامه‌های گذشته با برنامه‌های پیشنهادی خود که به مجلس عرضه شد، شروع به کار کرد.

البته حمله ناجوانمردانه صدام به انقلاب اسلامی ایران، این دولت را برآن داشت که باکمال قدرت در رفع عوارض ناشی از این جنگ برآمده و متأسفانه کمتر توفیق تعقیب و اصلاح و رشد برنامه پیشنهادی خود را داشته باشد. جنگ باعث شد که صدور نفت برای مدتی ولو کوتاه قطع شود و نهایتاً میزان ارز دریافتی دولت از ۱۷۵۴ میلیارد ریال به ۸۸۹ میلیارد ریال کاهش یابد. مزید بر این علت انسداد بنادر و عدم صدور و ورود کالا به میزان قابل توجهی، دریافت مالیات‌ها کاهش یافته است و از طرفی هزینه‌های مملکتی به دلیل درگیری در جنگ افزایش یافت و تنها برای رفع

نیازهای آنی سپاه، ژاندارمری، ارتش و بنیاد جنگ‌زدگان، دولت مجبور شد تا مبلغ ۱۳۹ میلیارد ریال اعتبار در اختیار این ارگان‌ها قرار بدهد.

لازم به تذکر است که به دلیل از کارافتادن پالایشگاه‌ها مانند آبادان و تبریز و کمبود مواد سوختی، دولت مجبور شد تا اقدام به ورود مواد سوختی نماید که متأسفانه پس از اتمام جنگ و قبل از پایان بازسازی پالایشگاه‌های مزبور اجباراً این عمل ادامه خواهد یافت.

ملاحظه می‌فرمایید که باری از مسؤلیت و تعهد و افزایش مخارج و در عین حال کاهش درآمد و امکانات در پیش رو است، ناچار دولت با تمهیداتی وسیع و البته با همکاری و ایثار مردم فداکار ایران توانست قدم‌های مؤثری در کاهش این بحران‌ها بردارد.

ابتدا با همکاری برادران در ستاد بسیج اقتصادی تنگناهای موجود در بنادر و دروازه‌های ورودی و خروجی مملکت را از جلو پا برداشته به طوری که دولت موفق شد تا متوسط ورود کالا را در اسفندماه ۱۳۵۹ به روزانه ۶۰ هزار تن برساند. که البته مقایسه این رقم با مقدار ۳۰ هزار تن در روز که قبلاً وارد می‌شد اهمیت اقدامات همکاران را در دولت برملا می‌سازد.

دولت از بدو شروع به کار، ضمن تلاش برای کاهش بار جنگ، هدف اصلی خود را که از بین بردن اختلافات طبقاتی و اجرای توزیع عادلانه امکانات بود، از یاد نبرده است و با طرح و اجرای سهمیه‌بندی کالاهای ضروری مانند قند و شکر و هم‌چنین دو نرخه کردن بعضی از کالاها مانند بنزین توفیقاتی در این زمینه به دست آورده است. دولت در نظر دارد در آینده این برنامه مفید و مردمی را کماکان ادامه و گسترش بدهد.

این صرفه‌جویی در بودجه جاری است که دوستانی که با مسایل بودجه جاری در وزارت‌خانه‌ها سروکار دارند توجه خواهند کرد که در مدت ۶ ماه این ده درصد صرفه‌جویی نسبتاً کار مهم و جالبی بوده است که به نظر من همین اقدام به این کار، برای جمهوری اسلامی ایران موفقیت است که من از همه کسانی که در این زمینه همکاری کرده‌اند، همین‌جا تشکر می‌کنم.

در مورد واردات دولت با نظارت و دقت در صدور اجازه‌ی ورود کالا توانست به

میزان قابل ملاحظه خروج ارز و ورود کالاهای مصرفی و غیرمفید را گرفته، به طوری که آمار مرکز ثبت سفارشات نشان می‌دهد روند سفارشات در ۸ ماه اول سال ۱۳۵۹ حدود ماهی ۱/۹۶ میلیارد دلار بوده است در حالی که در ماه‌های نهم و دهم این رقم به ۴۵۰ میلیون دلار در ماه کاهش یافته، براین تمهیدات که در جهت صرفه‌جویی انجام شده است (که البته صرفه‌جویی ارزی به خصوص) اقدامات دولت مربوط به حذف بسیاری از موارد واصل محدودیت مسافرت به خارج از قبیل جلوگیری از خروج ارز حقوق بازنشستگان که ما متجاوز از هزار نفر بازنشسته مقیم در خارج از کشور داشتیم که در ابتدا که من شروع به کار کردم، دیدم که حقوق اینها را به قیمت ارز دولتی می‌پردازند من به هیچ وجه کاری به این که این‌ها در بیرون چکار می‌کنند و چه برنامه‌هایی را پیاده می‌کنند، ندارم؛ فقط معتقد هستم که هرکس در این کشور از سهم مساوی از بیت‌المال را باید بهره‌مند بشود. بنابراین اگر می‌خواهد در خارج از کشور زندگی بکند باید تهیه ارزش همان شرایط را داشته باشد که یک نفر در داخل کشور زندگی می‌کند یعنی اگر کسی الآن احتیاج به دو دلار داشت و به بانک مراجعه کرد در محدودیتی که برای او بود برای بازنشسته‌ای هم که در خارج از کشور زندگی می‌کند باید همان محدودیت برای او هم باشد (من در ابتدا دیدم که حقوق این‌ها را با ارز به قیمت دولتی می‌فرستند و جلویش را گرفتم و حالا آنها هم موظف هستند مثل یک ایرانی که در داخل کشور زندگی می‌کند و بازنشسته است، حقوقش را بگیرد اگر می‌خواهد به خارج بفرستد، همان‌طور که بقیه می‌فرستند او هم بفرستد. فکر می‌کنم بیش از یک میلیون دلار در ماه باشد چون تعدادش را نمی‌دانم معذرت می‌خواهم حتی در آن عددی هم که گفتم باز هم این تقریب را در آن اصرار دارم. نهایتاً ذکر این نکته لازم است که به دلیل جنگ در چهار استان و مشکلات ناشی از آن در پشت جبهه، دولت متأسفانه نتوانسته است کلیه بودجه‌های عمرانی را جذب کرده و نهایتاً ۴۰ درصد از بودجه‌ی عمرانی جذب نشده است. کلیه شرایط و امکانات و تمهیدات بالا باعث شد که دولت با کسر بودجه‌های معادل ۸۷۸ میلیارد ریال (این مربوط به سال گذشته است یعنی سال ۱۳۵۹) که ۶۸۹ میلیارد آن توسط استقراض از بانک تأمین خواهد شد سال ۱۳۵۹ را به پایان رسانده و بودجه سال ۱۳۶۰ را با بهره‌گیری از این تجارب و امید به همکاری بیشتر مردم تنظیم نماید این بودجه که پس از تنظیم توسط

سازمان برنامه و بودجه در هیأت دولت مطرح و بیش از صد ساعت بحث و بررسی شد با توجه به تنگناهای موجود تنظیم شده است و دولت معتقد است که با تصویب و اجرای آن می توان بسیاری از مشکلات مملکت را پاسخ گفت. در تصویب بودجه دستگاه های اجرایی تنها اتمام پروژه های نیمه تمام دستگاه ها مد نظر نبوده بلکه با توجه به کارآیی پروژه مزبور پس از اتمام تصویب و یا رد شده است.

تجربه هیأت دولت در جلسات بحث و بررسی برنامه و بودجه دستگاه های دولتی این واقعیت تلخ را برای هیأت دولت روشن نمود که هیچ گونه برنامه مشخصی که نتیجه ی کوشش و برنامه ریزی برادران مسلمان و انقلابی هیأت دولت باشد هنوز به طور منسجم و روشن مطرح نشده است و اکثر برنامه های دستگاه های دولت ادامه برنامه پنجم رژیم گذشته منهای برنامه های تخریبی و مضر می باشد. ملاحظه می فرمایید که آن چه به عنوان برنامه دولت در دو سال گذشته و سال آینده اجرا خواهد شد قسمت هایی از برنامه پنجم رژیم به علاوه اضافاتی است که براساس ضرورت توسط برادران ما برنامه ریزی شده است. بدین جهت هیأت دولت امسال را سال برنامه ریزی اعلام نموده است و تعدادی از برادران هیأت دولت هم قسم شده اند که علی رغم مشغله زیاد و درگیری های روزمره مقداری از ساعات خود را جهت این مهم اختصاص داده و با همکاری صاحب نظران و علاقه مندان برنامه های درخور جمهوری اسلامی ایران را تنظیم نمایند.

برادران و خواهرانی که به این طرح های غول از قبیل شهرک سازی ها و یا کارخانه های بزرگی که کمتر قابل استفاده هستند توجه کنند می بینند که آن چنان موجی هست که کمتر می شود در مقابل آن مقاومت کرد. مردم ما کارهایی که مثلاً ۸۰ درصد و یا ۹۰ درصدش تمام شده، می بینند دیگر در آن جا طاقت این که بگویند این کار اگر برای مملکت مفید نیست و یا الآن اگر مناسب نیست حتی این ده درصدش را هم ادامه بدهیم این را متوقف بگذاریم، ندارند این اصرار باعث شده است که از ابتدای انقلاب تا الآن تقریباً قسمت عمده تلاش ها صرف ادامه ی کارها بشود و در حقیقت ما مجری برنامه پنجم هستیم به علت این فشاری که طرح های گذشته داشته است امیدواریم که امسال با پیشنهادهایی که در بودجه کرده ایم، دست دولت باز باشد و سازمان برنامه فرصت کند یک مقداری روی برنامه همان طوری که عرض کردم کار

کنیم. ان شاء الله به یاری همه هم میهنانمان.

به هر حال، علی رغم این کمبود، دولت مفتخر است که دو برنامه مشخص زیر را که در جهت تشویق مردم روستا به تولید بیشتر و تشویق مردم به روستانشینی است به شرح زیر اعلام نماید.

الف - برنامه تأسیس مراکز خدمات روستایی که بتواند نیازهای عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، رفاهی، فنی و ترویجی روستاییان را برآورده و با ارایه تسهیلات خدمات اجتماعی و اقتصادی و ارتباطی بتواند جذبه زندگی در روستا را بالا برده به عمران روستاها و تولید روستایی کمک نماید تا روستاهای ایران بتوانند به جای احتیاج به شهرها خود مولد و خودکفا شده در جهت بالا رفتن تولید کشاورزی نقش مهم تری داشته باشند. این مراکز خدمات روستایی یک چیزی است که سالهای سال مطرح بوده و متأسفانه در این دو سال هم فرصت اقدام روی آن نشده است و ما امیدواریم که ان شاء الله امسال بتوانیم این مراکز را به وجود بیاوریم که اگر افتخاری نصیب ملت ما بشود در اجرای این طرح است.

ب - اختصاص اعتباری جهت پرداخت مبلغ ۳۰۰۰ ریال در ماه به سالمندان نیازمند روستایی به صورت خدمات جنسی یا نقدی این برنامه که خود جزئی از برنامه، بالا بردن جذبه روستانشینی است بیمه روستاییان به حساب آمده و جزئی از برنامه‌ای است که در آن سعی می‌شود از محرومیت‌های روستاییان عزیز کاسته و امکانات رفاهی شهری را در اقصی روستاهای ایران گسترش دهد. در این جا لازم می‌دانم تذکر بدهم که علاوه بر در نظر گرفتن بیمه جهت سالمندان نیازمند روستایی، دولت نرخ خرید کالاهای غذایی مانند گندم، برنج، پنبه، سویا، آفتاب گردان را بالا برده و هر چه زودتر خودکفایی کشاورزی را به تحقق برساند.

بقیه برنامه‌های دستگاه‌های اجرایی با توجه به رشد تولید کشاورزی و صنعتی، ایجاد اشتغال و حرکت به سوی خودکفایی تصویب و بودجه لازم برحسب برنامه مذکور اختصاص داده شده است.

در این رابطه با برنامه‌های گسترده‌ای که وزارت کشاورزی جهت توزیع بذر

اصلاح شده و سم پاشی به موقع و تأمین ماشین آلات لازم با شرایط سهل در نظر گرفته است پیش بینی می شود که گندم تولید سال ۱۳۶۰ به یاری خدا به مقدار ۵/۵ الی ۶ میلیون تن و جو تولیدی به یک میلیون و سیصد هزار تن و برنج تولیدی به یک میلیون و چهارصد هزار تن و پنبه سیصد هزار تن و چغندر قند حداقل چهار میلیون تن و دانه های روغنی، سویا و آفتاب گردان ۱۱۰ هزار تن و نباتات علوفه ای ۴۲۰ هزار تن و حبوبات ۲۳۰ هزار تن تولید شود در این رابطه جمعاً بیش از ۸/۷۱۹/۵۵۵ هکتار زمین زیر کشت خواهد رفت. این عددها که عرض شد با همان اطلاعاتی است که در کشور وجود دارد ما در این مدت فرصت آمارگیری و تحقیق بیشتر از آن که بوده نداشتیم و طبیعی است که مسایلی به اصطلاح جوئی هم در کشور وجود دارد ما در این مدت فرصت آمارگیری و تحقیق بیشتر از آن که بوده باشد نداشتیم و طبیعی است که مسایلی به اصطلاح جوئی هم در کشور ما روی کشاورزی نقش عمده ای دارد از بنیاد مستضعفان در جلسه ای که با حضور برادران نماینده ای امام در بنیاد داشتیم مسؤول کشاورزی بنیاد گزارش می داد که در همین برف اخیر در حومه تهران حدود ۱۰۰ میلیون تومان فقط به کشاورزی «بنیاد» زیان وارد شده است. پس اگر احیاناً با مسأله ای آب یا مسایل دیگری روبه رو نشویم و خدا این مقدار روزی را برای ما تعیین کرده باشد این عددها که عرض کردم تأمین می شود والا خدا اگر این راه را ببندد حتماً راه دیگری که در همت همه ما نهفته است، باز خواهد کرد این توضیح را به خصوص از این جهت عرض کردم که در بعضی از نقاط کشور ما گاهی سیل و تگرگ اتفاق می افتد که برادران روستایی ما را نگران می کند از همین جا عرض کنم که دولت با کمال صفا و در نهایت توان هرگز حاضر نمی شود که این خانواده های عزیز که احیاناً سیل زراعتشان را از بین می برد و یا آفات دیگر می آید که از حد پیش بینی خارج است. دولت به کمک سایر هم میهنان زندگی آنان را در حد توان تأمین می کند و در جمهوری اسلامی آن روابط اسلامی بین شهرها وجود دارد، خط کشی، خط کشی طاغوتی است ما آن ها را عمل نمی کنیم اگر یک نقطه کشور ما یک چیزی به دست بیاید ان شاء الله برای همه مردم است و نگرانی نخواهد بود.

از برنامه های تولیدی و مفید دیگر این وزارت خانه طرح استفاده از شیلات جنوب و تأمین پروتئین مورد نیاز کشور از بنادر جنوب است. از عجایب این که ما در جنوب

کشور منبع عظیم پروتئین داریم و تقریباً تا حالا هیچ کاری روی آن نشده است. شرایط جغرافیایی هم یک کمی مشکل است ولی دولت امیدوار است که امسال در این زمینه تلاش کند و از همه هم میهنان استمداد می‌کند که هرچه در توان دارند در این زمینه ارایه کنند منبع بسیار جالبی است از کشورهای دیگر به آنجا می‌آیند ماهی می‌گیرند تبدیل می‌کنند و تبدیل شده‌اش را به ما می‌فروشند و ما هم چنان به آنجا نظاره می‌کنیم و از بی‌گوشی جلو قصابی‌ها صف می‌کشیم. امیدوارم که خدا به ملت ما که در حقیقت دولت هستند این توفیق را بدهد که این منبع عظیم را در اختیار مردم قرار بدهد و شما نمایندگان محترم هم به‌خصوص برادرانی که از آن منطقه هستند هرچه اطلاعات دارند و هرچه امکانات فکر می‌کنند دولت را یاری کنند.

این برنامه که با توجه به بهره‌گیری از هزار و هفتصد کیلومتر مرز آبی جنوب کشور طرح‌ریزی شده است، قادر است به‌طور بی‌سابقه‌ای نیاز مواد پروتئین و پودر ماهی را که جهت خوراک دام مصرف داریم تأمین نماید. وزارت نفت با توجه به لزوم طرح برنامه‌های اشتغال‌زا در جهت حرکت به‌سوی بی‌نیازی به منابع خارجی برنامه‌ای جهت گسترش پروژه گازرسانی مطرح کرده است که با اجرای آن بیش از صد هزار انشعاب جدید داده خواهد شد.

ان شاء الله! اگر خدا توفیق بدهد و ما بتوانیم این را پیاده کنیم از مجموع انشعاب‌هایی که تا حالا داده شده است بیشتر است و ما از نظر گاز کاملاً غنی هستیم به‌طوری که گزارش داده‌اند و با اطلاعاتی که همین الان است تا ۷۰ سال می‌شود ما فقط از گاز استفاده کنیم و توجه دارید که این از آن نعمت‌هایی است که مستقیماً از گاز به اصطلاح آن نقطه‌ای که باید روشن بشود، می‌رسد و کاری چندان در این وسط احتیاج ندارد برخلاف نفت که کلی رویش باید حرکات بشود تا قابل استفاده بشود. در این صورت نه تنها تعداد انبوهی از نیروهای کار اشتغال پیدا خواهند کرد بلکه با اجرای این طرح مشکلات سوخت به مقدار قابل توجهی کاهش خواهد یافت و به کاهش ورود کالاهای سوختی نفتی کمک خواهد کرد. با توجه به عملکرد شرکت ملی گاز که از ابتدای تأسیس تا به حال حدود ۷۰ هزار انشعاب داده است با اجرای این برنامه هم شاهد تحولی عظیم در اجرای کارهای عمرانی بوده و به مقدار قابل توجهی از نیروهای آماده کار استفاده می‌شود چه برای اجرای این پروژه به

تکنولوژی بالا نیازمند نبوده و بیشتر از افراد آماده کار استفاده خواهد شد. در همین جا از خدا می‌خواهیم که به برادران رزمنده ما توفیق بدهد که همه اسرای جنگی ما را به خصوص برادرمان تندگویان را از چنگال رژیم خون‌ریز صدام نجات بدهد تا ما ان شاء الله این برنامه را به دست جواد تندگویان عزیز اجرا کنیم.

هم‌چنین مطالعه نهایی و اجرای ساختمان راه آهن کرمان در این برنامه کار ساختمانی راه آهن بافت، بندرعباس به طول ۲۴۰ کیلومتر با سرعت بیشتر ادامه خواهد یافت. هم‌چنین مطالعه نهایی و اجرای ساختمان راه آهن کرمان - زاهدان به طول ۶۰۰ کیلومتر و راه آهن اصفهان - شیراز به طول ۵۵۰ کیلومتر و راه آهن گرگان به گنبد به طول ۹۰ کیلومتر انجام خواهد گرفت. جهت بهره‌جویی کمتر از نفت گاز، برقی کردن راه آهن جلفا - تبریز در سال جاری با سرعت دنبال شده است و به‌خواست خدا در آخر سال جاری آماده بهره‌برداری خواهد شد. این‌جا این اشاره شده که ما نفت را به‌جای برق مصرف نکنیم. برادرانی که تخصص دارند توضیح دادند که برق به‌مراتب گران‌تر از نفت است و تا نفت تبدیل به برق بشود کلی هزینه برمی‌دارد. امیدواریم که در آینده بتوانیم روی این‌ها یک تجدید نظر کلی بکنیم.

وزارت پست و تلگراف و تلفن ضمن مرمت اساسی خطوط مخابراتی هوایی روستایی اقدام به برنامه‌ریزی و برقراری ارتباط بین حدود ۵۵۰ نقطه روستایی نموده و هم‌چنین از ده‌هزار و پنجاه و هفت مدار تلفن خودکار بین شهری بهره‌برداری خواهد کرد. علاوه بر این پروژه‌های دیگر شهری و بین‌المللی را در جهت بهبود وضع ارتباطی به‌انجام خواهد رساند. برای بهبود وضع پست و سرعت در توزیع مرسولات در سطح شهرها این وزارت‌خانه برنامه استخدام یک‌هزار نفر را طرح و تقاضای بودجه جهت اجرای این طرح را کرده است. هم‌چنین برای بهبود وضع پست در روستاها، پیشنهاد افزایش پرسنل آژانس‌های پستی در روستاها از یک نفر به سه نفر را داده است که این برنامه نه تنها به بهبود وضع پست روستایی کمک کرده بلکه اشتغالی‌سازنده برای هم‌میهنان روستایی ایجاد خواهد کرد.

وزارت نیرو که برای اجرای طرح‌های فصل برق خود تقاضای ۱۳۳ میلیارد ریال بودجه کرده است با توزیع برق به ۲۰۰۰ روستا مقدار چهارده درصد از بودجه خود را صرف تأمین برق روستایی و ۲۷ درصد آن‌را در تولید و ۲۵ درصد آن‌را در

بخش انتقال و ۲۳ درصد برای توزیع و یک درصد هم برای تحقیق اختصاص داده است. هم چنین این وزارت خانه با اجرای ۷۰ برنامه مختلف تأمین آب، شیکدی آبیاری و زه کشی، آبرسانی به شهرها برنامه تولید برق آبی و ایجاد توسعه تأسیسات آب آشامیدنی شهرها و برنامه ایجاد تأسیسات فاضلاب شهرها قادر خواهد بود که از طریق احداث سدها افزایش گنجایش آب پشت دریاچه سدها را به مقدار $\frac{3}{4}$ میلیارد متر مکعب بالا برده آب را جهت مصارف کشاورزی و صنعتی ذخیره نموده هم چنین ۷۳۲۰۰۰ هکتار زمین را آبیاری و ۸۷۹۰۰۰ متر مکعب آب در روز را به طول ۸۲۸ کیلومتر در برنامه آبرسانی شهرها انتقال داده و با استفاده از نیروی آب ذخیره شده در مخازن سدها ۱۷۰ مگاوات برق آبی تولید کند.

برنامه تأمین آب مشروب شهرها و استان های سیستان و بلوچستان، فارس، بوشهر، آذربایجان، غرب ایران و هم چنین ایجاد تأسیسات فاضلاب شهری برای شهرهای بوشهر، تبریز و تهران در دستور کار این وزارت خانه برای سال جاری خواهد بود اما در قسمت صنایع باید اذعان کرد که هنوز مقادیر زیادی از بودجه سالانه دولت صرف پرداخت ضرر سازمان های صنعتی کشور شده و با برنامه ای که برادران همکار در وزارت صنایع و معادن در دست اجرا دارند تعهد داده اند که بتوانند ۲۵ درصد از کل تأسیسات صنعتی مورد بهره برداری را از حالت زیان دهی به حالت سوددهی تبدیل نمایند. در این بودجه تقدیمی اعتبارات قابل ملاحظه ای جهت وزارت دادگستری در نظر گرفته شده است تا این دستگاه بتواند با استخدام پلیس قضایی و تشکیل دادگاه های مدنی خاص هرچه سریع تر نظام قضایی اسلامی را در جامعه انقلابی ما جاری و ساری گرداند و بالاخره با توجه به فعالیت های عمرانی، فرهنگی، بهداشتی و کشاورزی جهاد سازندگی و اهمیت این نهاد انقلابی برای بقاء و نگهداری انقلاب اسلامی ایران بودجه ای معادل ۸۰ میلیارد ریال که رشدی معادل ۴۵ درصد نسبت به بودجه تصویبی سال قبل به این سازمان دارد در نظر گرفته شده است با توجه به سابقه فداکاری ها و سازندگی های این نهاد انقلابی دولت امیدوار است تا جهاد بتواند امسال هم مانند سال های گذشته خدمات ارزنده ای به ملت مسلمان ایران عرضه کرده جهت آبادی عمران این سرزمین قدم های مؤثرتری بردارد.

در خاتمه لازم است به اثرات جنگ تحمیلی در بالا بردن سطح بودجه اشاره شود.

طبق برآوردی که شده است مخارج سپاه، ارتش، ژاندارمری و خرید مواد سوختی نفتی و همچنین اسکان آوارگان اعتباری معادل ۵۵۰ میلیارد ریال لازم دارد. دولت جمهوری اسلامی ایران با توجه به سابقه‌ی صرفه‌جویی در شش ماه گذشته مصمم است که چهار پنجم هزینه‌ی جنگ تحمیلی در سال جاری را از صرفه‌جویی در مصارف جاری و عمرانی و با اولویت از بودجه‌های جاری تأمین نماید. ان‌شاء‌الله!

دولت جمهوری اسلامی ایران با توجه به نقش حساس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران در نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن و همچنین نقش حساس این ارگان انقلابی در جلوگیری از نفوذ دشمن متجاوز در جنگ اخیر و اعتقاد به افزایش قدرت رزمی این نهاد انقلابی علاوه بر آنچه ارتش و ژاندارمری و شهربانی انجام می‌دهد اعتبارات لازم و مورد نیاز این سازمان را در بودجه پیش‌بینی کرده و امیدواریم مجلس شورای اسلامی با توجه به نقش حساس و سازنده سپاه چه قبل از جنگ تحمیلی و چه در حین جنگ و چه بعد از آن در دفاع از انقلاب اسلامی ایران اعتبارات لازم را تصویب نمایند.

دولت جمهوری اسلامی ایران هم‌چنین معتقد است که باید کلیه نیازهای پرستلی و مهماتی ارتش و ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران تأمین شده تا با ایجاد نیروهای نظامی و انتظامی و تهیه مهمات لازم رسالت تاریخی خود را چه در دفاع از انقلاب اسلامی ایران در این جنگ و چه پس از آن و حرکت هرچه سریع‌تر به سوی ارتش و قوای انتظامی مکتبی و قوی به‌انجام برسانیم.

بودجه‌ای که امروز تقدیم مجلس شورای اسلامی می‌شود به لحاظ هزینه بالغ بر سه هزار و سیصد میلیارد و سیصد و سی و هشت میلیون و چهل و چهار هزار (۳/۳۰۰/۳۳۸/۰۴۴/۰۰۰) ریال است.

از این بودجه مبلغ یک‌هزار و یک‌صد و نه میلیارد و سیصد میلیون (۱/۱۰۹/۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یعنی ۳۴٪ به اعتبارات سرمایه‌گذاری و عمرانی تخصیص یافته و مبلغ دو هزار و پنجاه و دو میلیارد (۲/۰۵۲/۰۰۰/۰۰۰) ریال یعنی ۶۲٪ آن به اعتبارات جاری و ۴٪ بقیه به سرمایه‌گذاری‌ها در خارج کشور و صرف در سازمان‌های خصوصی از قبیل بیمه و اوقاف و... اختصاص یافته است.

مقایسه درصد مصرف بودجه برای مصارف جاری و عمرانی سال جاری (۶۲٪ و

۳۴٪ با ارقام مشابه آن در سال گذشته (۶۳٪ و ۳۶٪) نشان می‌دهد که در تقلیل اعتبارات جاری به توفیقاتی ولو ناچیز دست یافته‌ایم. چون همان‌طوری که برادران آشنای به مسایل برای ما می‌گویند از مشکلات بودجه ما اینست که اگر بخواهیم صد تومان کار عمرانی انجام دهیم دو بیست تومان خرج آن کار می‌کنیم. به این جهت است که می‌بینید که این درصدها به این اندازه مقایره است ولی با مقایسه به سال ۵۹ و هم چنین به سال ۵۸ کم‌کم به یاری خدا و همت همه سعی می‌شود که این نسبت به یک حالت متعادلی برگردد.

تذکر این نکته ضروری است که از اعتبارات جاری بالا مبلغ یک صد و دو میلیارد و پانصد میلیون ریال (۱۰۲/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یعنی (۳٪) کل بودجه جهت مصارف جنگی اختصاص داده شده که ان‌شاءالله با اتمام جنگ صرف امور عمرانی خواهد شد. با این حساب می‌توان به رقم‌های (۵۹٪ و ۳۷٪) برای مصارف جاری و عمرانی رسید.

ضمناً توجه نمایندگان محترم را به این نکته جلب می‌نماید که شصت میلیارد ریال از پانصد و پنجاه و دو میلیارد ریال از اعتبارات ناشی از جنگ تحمیلی یعنی ۱۱٪ آن برای بازسازی مناطق جنگی و پروژه‌های عمرانی مناطق جنگ‌زده در نظر گرفته شده است.

علی‌هذا با توجه به بالا رفتن بودجه جاری دولت در امر جنگ تحمیلی (برای مصارف نظامی و اسکان و تغذیه آوارگان و...) نسبت افزایش بودجه جاری امسال نسبت به سال گذشته به میزان ۱۰٪ کاهش یافته است.

ضمناً این تذکر لازم است که مسأله‌ی جنگ به اصطلاح یک‌روند و چیزی نیست که ما سالانه جنگ داشته باشیم و پنجاه و پنج میلیارد تومان خرج جنگ کنیم. امسال با این که ۵۵ میلیارد تومان برای جنگ در نظر گرفتیم می‌بینید که بودجه جاری از ۳۶ به ۳۴ است؛ یعنی آن ۳٪ سیصد میلیارد تومان، چون که اگر شما ۲٪ را به این نحو توجه کنید ممکن است به نظرتان خیلی کم بیاید ولی کل بودجه که سیصد و سی میلیارد تومان است پیدا است که ۳٪ آن رقم بزرگی خواهد شد (رئیس - آن رقم اولی بودجه عمرانی و جاری نسبتشان چه بود؟) مقایسه درصد مصرف بودجه برای مصارف جاری و عمرانی سال جاری ۶۳٪ و ۳۴٪ و عمرانی ۳۴٪ است.

درآمد دولت

برای تأمین مخارج ذکر شده در بالا، دولت از منابع داخلی (مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم) و فروش نفت بهره خواهد برد. نیاز کشور به منابع ارزی جهت خرید لوازم و تجهیزات جنگی و همچنین مواد اولیه کارخانه‌ها و مواد غذایی مورد نیاز دولت را بر آن داشت تا نفت را به میزان مورد نیاز به بازار عرضه نماید. (مقدار نفت را الآن نمی‌گویم در کمیسیون مطرح خواهد شد. برادران و خواهران می‌توانند به آن‌جا مراجعه کنند ما طوری میزان نفت را در نظر گرفتیم که امسال و سال گذشته جمعاً مقداری بوده است که سال گذشته تصویب شده بود.) در این رهگذر نه تنها نیازهای ارزی دولت تأمین خواهد شد بلکه در صورت لزوم ذخایر ارزی کشور افزایش خواهد یافت.

دولت جمهوری اسلامی ایران معتقد است که با نظارت کاملی که به واردات مملکت دارد از امکان تبدیل ارز به کالاهای مصرفی غیرمفید جلوگیری کرده، ارز فقط به مصرف کالاهای مورد نیاز ارتش و سپاه و یا سرمایه‌گذاری‌های ثابت و مواد غذایی خواهد رسید.

در مورد منابع مالیاتی با توجه به سیاست وزارت امور اقتصادی و دارایی مبنی بر استفاده از افراد مؤمن و علاقه‌مند جهت جمع‌آوری مالیات دولت امیدوار است که درآمد مالیاتی خود را در امسال افزایش داده تا بتواند مشکلات موجود را سریع‌تر حل نماید. در این رهگذر توجه نمایندگان را به کوشش برادران وزارت امور اقتصادی که مشغول وضع سیستم مالیاتی جدیدی هستند تا بتوانند ضمن بالا بردن قدرت مالی دولت به دفع اختلافات طبقاتی کمک کنند، جلب می‌نماید: دولت امیدوار است بتواند به طرح متدهای مختلف مالیاتی غیرمستقیم برای طبقات خاص و مستقیم نه تنها قدرت مالی خود را بالا برد بلکه به کمک فقهای عالی‌قدر شورای نگهبان از این طریق با وضع قوانین به تعدیل نسبی ثروت و جلوگیری از تکاثر دست یابد.

در خاتمه تذکر این نکته را لازم می‌داند که در اجرای صحیح این لایحه دولت اقدامات اولیه را برای کنترل مصالح و لوازم اولیه مورد نیاز طرح‌های عمرانی معمول داشته و مصمم است با کمال قدرت توزیع کالاهای مورد نیاز پروژه‌های عمرانی را به‌عهده گرفته، از افزایش قیمت آنها جلوگیری به‌عمل آورد. در این‌جا لازم می‌دانم

مختصراً درباره‌ی مشخصه اصلی این لایحه چند کلمه‌ای معروض دارم.

رئیس - چون وقت نماز است وقت را باید تمدید کنیم، آقایانی که با تمدید نیم ساعت وقت موافقت قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. آقای رجایی ادامه بدهید.

شهید محمدعلی رجایی - (نخست‌وزیر) - بخشی که از این به بعد عرض می‌کنم، عبارت است از مقرراتی که در بودجه پیشنهاد شده است. بودجه شامل دو قسمت است. یک قسمت کمیّت است، یک قسمت کیفیت.

کیفیت هم خودش از بخش‌های مختلف تشکیل می‌شود. یک‌بخش آن کیفیت اجازه هزینه است. پس ما در این بودجه، دو مطلب داریم که همین الآن من خواهم می‌کنم و اصرار می‌کنم. چون برادران و خواهران ما برای اولین بار است که به‌طور جدی درباره‌ی بودجه وارد می‌شوند و فکر می‌کنند و تصمیم می‌گیرند. ما در توانین بودجه، تقریباً همه قوانینی که در دوره‌ی رژیم، وضع شده بود تا با در نظر نگرفتن مسأله‌ی ایمان مجریان، جلوی تخطی‌ها را بگیرند، با همه آنها مواجه هستیم. بنابراین آنچه که به‌عنوان توانین دست و پاگیر ذکر می‌شود، یکی از مواردش هم در این جا است و از موارد مهم است.

ما یک مورد را که پارسال هم در شورای انقلاب تصویب شده بود و آن حذف تخصیص است، آن را امسال هم پیشنهاد کردیم و دو مورد دیگر هم پیشنهاد کردیم که الآن عرض می‌کنم. فقط برادران و خواهران توجه داشته باشند آنچه که در طول ده ماه آینده می‌خواهید، فرمایشی داشته باشید که دولت اجرا کند، به این مطالب مربوط می‌شود؛ یعنی اگر ما بگوییم که موافقت‌نامه هنوز تصویب نشده است، هیچ‌گیزی نیست به این که صبر کنیم تا موافقت‌نامه که مثلاً چیزی حدود هفت‌هزار طرح در سطح کشور باید عمل بشود. این‌ها را باید در سازمان برنامه آورد، یکی یکی موافقت‌نامه‌اش را امضاء گرفت و برد. ما این را گفتیم که دستگاه‌های اجرایی عمل می‌کنند و به سازمان برنامه اطلاع بدهند تا اگر آن می‌خواهد روی طرح بررسی و اظهار نظر بکند. فکر می‌کنم آن درصدی که در این فاصله از بین می‌رود، در مقابل نیروی انسانی و رکودی که در کار پیدا می‌شود، قابل صرف‌نظر کردن است. این بخش را که ان‌شاءالله! در کمیسیون و موقع تصویب بیشتر خواهیم دید و مسأله

روشن تر می شود.

تقاضا می کنم که همه در آن روز توجه داشته باشید که این یک قانونی است که ما خودمان می خواهیم برای اجرای طرح هایمان وضع بکنیم. بنابراین اگر این قانون را هرچه دست و پاگیرتر وضع بکنیم، همان قدر خودمان درگیر آن خواهیم بود و هرچه آزادتر این قانون را وضع کنیم، نظارت و کنترل را از طریق دیگری که من به هیچ وجه، حذف آن را پیشنهاد نمی کنم، بلکه کیفیت آن را اصرار دارم از آن جا اعمال کنیم. همه ی برادران و خواهران ما که در کل کشور مشغول فعالیت هستند از هیچ گونه نظارت و کنترلی ابا ندارند و قصد این که بگویند ما هرکاری را دلمان می خواهد بکنیم بدون کنترل، هرگز چنین چیزی نیست. فقط من یک اشاره کوچک می کنم به این که در جهاد سازندگی یک ویژگی وجود دارد و همه شما در جریان هستید. وقتی که کار جهاد سازندگی مطرح می شود، می گویند که بدهید به جهاد که او علاوه بر خیلی از مزایای دیگری که دارد از مقررات محاسبات عمومی هم خلاص تر و آزادتر است. بنابراین، مسأله از این جا شروع می شود به کیفیت اجازه ای که شما می خواهید به دستگاه های اجرایی بدهید.

مشخصه اصلی این لایحه تبصره های الحاقی آن است. هیأت دولت با بهره گیری از تجارت دو ساله گذشته و با ایمان و اعتقاد به اجرای امور با رعایت نظم و ترتیب انقلابی تبصره هایی را پیشنهاد کرده است که به دستگاه های اجرایی اجازه می دهد که ضمن رعایت نظم و ترتیب و تهیه گزارش برای مقامات مسؤول، اجرای پروژه ها را هرچه سریع تر انجام دهد. در این رهگذر پیشنهادی ادامه ای لغو تخصیص عرضه شده است تا دستگاه های اجرایی بتوانند با آزادی در چهارچوب تعهد شرعی و انقلابی اعتبارات دستگاه های مختلف را در صورت لزوم جابجا کرده و پروژه های عمرانی را به خاطر قوانین دست و پاگیر متوقف نمایند.

هیأت دولت معتقد است که امر نظارت از اهمیت خاصی برخوردار است ولی در شرایط انقلابی موجود و با نداشتن اطلاعات دقیق و مجریان معتقد به تعداد کافی در دستگاه های برنامه ریزی این قانون تنها به عنوان ترمزی برای کارها عمل کرده است و تجربه سال گذشته نشان داده است که به علت تعهد مسؤولین اجرایی نه تنها حیف و میلی صورت نگرفته بلکه با توجه به مشکلات متعدد و غیرقابل پیش بینی ناشی از

جنگ مقدار ۶۰٪ بودجه تنظیمی سال گذشته هزینه شده است. (یعنی مسأله‌ی تخصیص که در سال گذشته حذف شده بود دست دستگاه‌های اجرایی را باز کرد و به آنها توان داد که در بعضی از دستگاه‌ها نزدیک به ۹۵٪ از بودجه عمرانی‌شان را صرف کردند.) الان بسیاری از این ارقام مربوط به چهار استان جنگ‌زده ما که شش ماه است در آن‌جا هیچ حرکتی مقدور نیست، تعلق دارد.

در سال جاری که برنامه‌ها مشخص‌تر و عوارض جنگ روشن شده و هم‌چنین اکثر پروژه‌های سابق ارزیابی و تصمیم‌گیری شده‌اند، با حذف این‌گونه مقررات مسلماً ما توفیق بیشتری در اجرای طرح‌های عمرانی خواهیم داشت.

به‌رحال تجربه‌ی هیأت دولت نشان داده است که در غیاب یک برنامه‌ریزی مشخص و منسجم و نبودن ضابطه صحیح و درخور جمهوری اسلامی برای تشخیص اولویت‌ها و تخصیص بودجه، این قانون با ملاک‌های شخصی و فردی اجرا شده و غالباً باعث بی‌نظمی در کار و افسردگی مسئولین اجرایی را فراهم آورده است.

از تبصره‌های مشخص دیگری که در این لایحه تقدیم می‌شود باید از تبصره اجازه حرکت و جابجایی درون دستگاه‌های اجرایی و نیز در صورت لزوم بین دستگاه‌های اجرایی (که البته با اطلاع سازمان برنامه و موافقت کمیته برنامه‌ریزی استان صورت می‌گیرد) را نام برد. با تصویب این لایحه به مسئولین اجرایی اجازه داده می‌شود که اگر در عمل مشاهده کردند که طرحی مضر است و یا در شرایط موجود قابل اجرا نیست از حبس اعتبار جلوگیری کرده و با راه انداختن پروژه دیگری که متعلق به دستگاه مزبور و یا دستگاه دیگری است، هم آن پروژه مفید را راه انداخته و هم کمک به ایجاد اشتغال که از اهم کوشش دولت است خواهد کرد.

در خاتمه باید از تبصره دیگری که طبق آن به دستگاه‌های اجرایی اجازه داده می‌شود تا در مواقع اضطراری تا ۲۰٪ از مجموع اعتبارات سرمایه‌گذاری ثابت را خارج از مقررات محاسبات عمومی هزینه کرده و گزارش توجیهی آن‌را تا حداکثر یک‌هفته به نخست‌وزیر ارائه دهند، یاد کرد. این تبصره بنا به تجربه‌های مختلفی که در طول ۲ سال گذشته، شده است پیشنهاد شده و با تصویب آن از هدر رفتن امکانات و شرایط استثنایی که در اجرای کارها اتفاق می‌افتد، جلوگیری خواهد کرد. به‌رحال این‌جانب و همکاران با علم به مفید بودن تبصره‌های مذکور در لایحه آماده

۷۶ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

ادای توضیحات بیشتری و شواهد عینی خواهیم بود. در خاتمه ضمن تقدیم لایحه‌ی بودجه سال ۱۳۶۰ به مجلس محترم شورای اسلامی امید که بتوانیم با استفاده از رهنمودهای برادران و خواهران عزیز نماینده در اجرای این لایحه هرچه بیشتر موفق باشیم. اللهم وفقنا لطلب و ترضی. (نمایندگان احسنت)^(۱)

سفر شهید رجایی به سازمان ملل در دوران نخست‌وزیری

پس از طرح مسأله‌ی جنگ ایران و عراق در سازمان ملل و ضرورت شرکت نماینده‌ی ایران در جلسات آن سازمان، آقای رجایی نخست‌وزیر، تصمیم گرفتند شخصاً به شورای امنیت رفته، نقطه‌نظرهای دولت ایران را بیان نمایند. ایشان که از چند روز قبل در جبهه‌ی جنگ حضور داشتند، عصر روز پنج‌شنبه بیست و پنجم مهرماه ۱۳۵۹، از مناطق جنگی با هواپیما وارد فرودگاه مهرآباد شدند و پس از انجام مصاحبه‌ی مطبوعاتی در فرودگاه، در رأس هیأتی مرکب از برادران: بهزاد نبوی (وزیر مشاور در امور اجرایی)، گودرز افتخار (عضو شورای نگهبان)، یک نفر از وزارت امور خارجه، سه نفر از دفتر نخست‌وزیر و چهار نفر خبرنگار و فیلمبردار از صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران و خبرنگاری پارس، عازم نیویورک شده، پس از ۱۳ ساعت پرواز، در ساعت هشت صبح جمعه به وقت تهران (نیم ساعت پس از نیمه‌شب به وقت نیویورک) وارد آن شهر شدند و در فرودگاه نیویورک مورد استقبال برادران: شمس اردکانی و شمیرانی و همچنین سفیر الجزایر در آمریکا، قرار گرفتند. هنگام خروج از محوطه‌ی فرودگاه عده‌ی زیادی خبرنگار و فیلمبردار حضور داشتند و فیلم و

خبر تهیه می‌کردند. فاصله‌ی فرودگاه تا محل اقامت به وسیله‌ی اتومبیل طی شد. در مقابل محل اقامت، که خانه‌ی نماینده‌ی ایران در سازمان ملل نیز هست، عده‌ای خبرنگار و فیلم‌بردار حضور داشتند. پس از ورود، معارفه با سفیر الجزایر و سایرین به عمل آمد.^(۱) ساعت دو بعد از نیمه‌شب، جلسه‌ای با حضور برادران: نبوی، شمیرانی، شمس اردکانی و افتخار تشکیل و پیرامون مسایل قابل طرح، بحث و تبادل نظر به عمل آمد.

صبح آن روز آقای رجایی در دفتر نمایندگی ایران در سازمان ملل حضور یافت و از همان‌جا پیام هم‌دردی و تسلیت نخست‌وزیر به‌مناسب بمباران کرمانشاه، توسط عوامل مزدور بعث عراق، به تهران مخابره شد.

ساعت پنج بعد از ظهر همان روز، قبل از شرکت در اجلاس شورای امنیت به دعوت کورت‌والدهایم دبیر کل سازمان ملل متحد، آقای رجایی با وی ملاقات و مذاکره کرد. و بالاخره در تاریخ ۲۶ مهر ۱۳۵۹ در ساعت ۱:۴۵ دقیقه در شورای امنیت سخنان مبسوطی ایراد نمود. متن سخنرانی شهید رجایی در سازمان ملل بدین شرح است:

متن سخنرانی شهید رجایی در سازمان ملل

بسم الله الرحمن الرحيم

لا یحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم ﴿۱۰۰﴾

ما در شرایطی به این‌جا آمده‌ایم که کشورمان در میان آتش جنگ برافروخته از دولت بعث و نامردمی عراق می‌سوزد و نیز در شرایطی هستیم که واقعه زلزله الجزایر به نوبه‌ی خود مردم و امام ما را سخت اندوهگین ساخته و بسیار متأسفیم که به علت شرایط جنگ نتوانستیم آن‌چنان‌که باید در جهت برآوردن نیازهای مردم برادر و مسلمان آن‌جا اقدام نماییم.

من پریروز مستقیماً از جبهه‌ی جنگ عازم این‌جا شدم، کشته‌ها و مجروحینی را که با دیدن آن‌ها دل هر انسانی هرچند کم‌احساس را به درد می‌آورد به چشم خود نظاره

۱ - هنگامی که یکی از ایرانیان از سفیر الجزایر تشکر کرد، سفیر در پاسخ گفت: «من در حقیقت خود را سفیر شما می‌دانم!»

کردم، موشک‌های ۹ متری زمین به زمین که به شهر دزفول پرتاب شده، قسمت اعظم شهر را بر سر مردم شریف و قهرمان آن دیار خراب کرده است، در دزفول متجاوز از ۳۰ کودک مجروح کمتر از ۶ ماه را که هم‌اکنون در بیمارستان این شهر بستری هستند، دیدم.

ارتش صدام حسین به بهانه‌های واهی که بهتر است حتی گفته شود بدون بهانه به خاک ما تجاوز کرده، مراکز تولیدی و اقتصادی و به خصوص مناطق مسکونی از جمله بیمارستان‌ها و مراکز آموزشی را منهدم می‌نماید و مردم بی‌گناه ما را به قتل می‌رساند. دنیا باید بداند ارتش فریب‌خورده صدام به هیچ چیز رحم نمی‌کند و خاطرات عملی هیتلر را دوباره در یادها زنده کرده است. صدام برای ادامه‌ی چند روز بیشتر حکومت وابسته خود با ۱۲ لشکر و با متجاوز از ۲۵۰۰ تانک و صدها هواپیمای جنگی و جنگ‌افزارهای فراوان دیگر به مردم کشور ما که دوران بازسازی جمهوری اسلامی را شروع کرده‌اند، سیعانه حمله‌ور شده است، دیروز در هواپیما مطلع شدم که در کرمانشاه در اثر بمباران دهستان، دبیرستان، دانشگاه و بیمارستان این شهر بیش از یک‌هزار دانش‌آموز و مردم غیرنظامی کشته و زخمی شدند ارتش بعث عراق که از انسانیت بویی نبرده است حتی اگر چند لحظه‌ای به یکی از منازل مسکونی کشورمان دست یابد از هیچ‌گونه جنایتی فروگذار نمی‌کند، منازل را غارت و حتی در بعضی نقاط بی‌شرمانه به زنان ما نیز تجاوز کرده‌اند. افراد غیرنظامی را که سشنان از ۱۸ سال بالاتر است به عنوان اسرای جنگی با خود می‌برند و آنان را به همراه دیگر اسیران جنگ شکنجه داده و به قتل می‌رسانند. ما وجدان‌های بیدار مردم سراسر جهان به خصوص مسلمانان را که در ارزش‌های مکتبی با ما هم‌عقیده‌اند به قضاوت فرامی‌خوانیم. ما متأسفیم کسانی که خود را پشتیبان انسانیت می‌دانند چگونه در برابر این اعمال وحشیانه و ضد بشری این تجاوز آشکار سکوت کرده و یا ادعای بی‌طرفی می‌نمایند.

هدف رژیم بعث و اربابانش

ملت‌ها چگونه به نمایندگان ملت خود اجازه می‌دهند که در محافل بین‌المللی بگویند ما بی‌طرف هستیم، ما می‌دانیم که بسیاری از انقلابیون دنیا در این‌جا حاضر شده و

حقوق ملت خود را مطالبه کرده‌اند ولی در نهایت همیشه این ملت‌ها بوده که توانسته‌اند با قهر انقلابی و با دست خویش تجاوزگران را بر سر جای خود بنشانند. ملت مظلوم و قهرمان ما نیز با الهام از مکتب حیات‌بخش اسلام و تحت رهبری مرجع عالی‌قدر امام خمینی، سرانجام خواهد توانست متجاوزین را شکست داده و حقوق حقه خود را از آنان بازپس بگیرد.

به‌ما خبر رسیده است که دنیا از عکس‌العمل و مقاومت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و نیز مردم مسلمان ایران در قبال ارتش صدام حیرت‌زده شده است. من صریحاً اعلام می‌کنم که ملت ما مصمم است حتی با دنبال کردن یک جنگ طولانی و مردمی نه تنها متجاوزین را سر جای خود بنشانند بلکه با این عمل خود ملت برادر و مسلمان عراق را نیز به ماهیت رژیم ضد مردمی و وابسته صدام، هرچه بیشتر آشنا سازد و نیز جوابی دندان‌شکن به امپریالیسم آمریکا دهد که مستقیم و غیرمستقیم به دولت بعث عراق کمک می‌نماید.

آمریکا با هواپیماهای آواکس خود که در عربستان مستقر کرده است، تحریرات ارتش دلیر جمهوری اسلامی ایران را ضبط و به عراق گزارش می‌دهد و هم‌چنین با منحرف کردن سیستم‌های رادار، هدف‌های غلط به جنگنده‌های ما می‌دهد. ما به کسانی که از طریق بندر عقبه در اردن برای عراق اسلحه و مهمات و قطعات یدکی ارسال می‌دارند تا ارتش بعث مردم مسلمان و ضد امپریالیسم ایران را به خاک و خون بکشد، بسوزاند و اسیر نماید هشدار می‌دهیم که تشییحات آن‌ها بی‌جواب نخواهد ماند و بدانند که ملت ما تصمیم گرفته است زنده، آزاده و مستقل بماند و از انقلاب اسلامی و انسانی خود پاسداری نماید و این‌کار را نیز به یاری خدا خواهد کرد. ابرقدرت‌ها می‌خواهند در خاورمیانه، اسرائیل دیگری را بر مردم تحمیل کنند. اگر هنوز جنایات آمریکا در سرکوبی خلق محروم و برادر مصری - مردم مسلمان جنوب لبنان کامل نشده که کوشش در تشکیل اسرائیل دیگری تحت پوشش عنوان ناسیونالیسم عربی می‌کند آیا صهیونیسم‌های اسرائیل برای انجام جنایات آنان در منطقه کافی نبوده‌اند که به دوستی دیگر به سرکردگی صدام برای نابودی معیارهای انسانی و تأمین مقاصد قدرت‌طلبانه‌اش واگذار می‌کنند و اما ما معتقدیم آتشی که به‌دست صدام در منطقه روشن شده است او و همه کسانی را که به‌وی کمک کرده و

می‌کنند، خواهد سوزاند. هدف رژیم عراق و اربابانش به‌دست آوردن جمهوری اسلامی ما می‌باشد. آنان می‌خواهند خیزش انسانی را که اخیراً آغاز شده، عقیم گذارند و ما را از ساختن ایرانی آزاد و مستقل با معیارهای انقلابی و اسلامی بازدارند، زیرا پیروزی انقلاب اسلامی ایران شکست همه نیروهای طاغوتی جهان است. مردم محروم دنیا و همه کسانی که از شرق و غرب سرخورده‌اند باید بدانند که انقلاب اسلامی ما راهی نو برای همه‌ی مستضعفین گشوده است. انقلاب ما استقبال را با نیروی ملت به‌دست آورده و بقای آن را نیز با فداکاری خود آنان و بی‌نیازی از دیگران تضمین خواهد کرد. ما معتقدیم و به تجربه دریافته‌ایم آن‌چه در جنگ سرنوشت‌ساز است ایمان و اعتقاد می‌باشد نه سلاح و مهمات و براین اساس از هم‌اکنون با قاطعیت اعلام می‌داریم که در این جنگ تحمیلی، ایمان اسلامی و انقلابی مردم برنده واقعی و اصلی خواهد بود نه آواکس‌های آمریکایی نه توپولوف‌های روسی ما در این جنگ تنها از تمامیت ارضی و منابع اقتصادی دفاع نمی‌کنیم بلکه از شرف انسانی و حیثیت مردم مسلمان کشورمان نیز حراست می‌نماییم و به‌خاطر رهبری انسانیت به‌سوی آرمان‌های اصیل انسانی می‌جنگیم، و می‌دانیم که این جنگ تحمیلی در نهایت و به‌طور قطع به پیروزی حق بر باطل خواهد انجامید. ما به دنیا ثابت می‌کنیم بدون این‌که برای مبارزه با استعمار غرب به‌دامن استعمار شرق پناه ببریم، قادریم روی پای خویش بایستیم و برای حفظ استقلال خود بیشترین بها را بپردازیم. تجاوز نظامی طیس توطئه‌ی کودتا و حمله‌ی ارتش صدام و ابرقدرت‌ها نشان داد توسل به‌زور به‌هر شکل در مقابل انقلاب اسلامی محکوم به شکست است. ما در این جنگ تحمیلی تا به حال هزاران شهید و مجروح داده‌ایم که با پرداخت غرامات مادی قابل جبران نیست اما در مقابل در انتظار روزی هستیم که مردم برادر و مستضعف عراق به آزادی و استقلال خویش رسند و صدام مجرم را در دادگاه انقلاب اسلامی عراق محاکمه و به‌سزای اعمالش برسانند و نیز این برای دیگر ملت‌های تحت ستم درسی باشد که جهت کسب استقلال آزادی و کرامات انسانی باید از خود سرمایه‌گذارند که سنت خدا بر یآوری مستضعفین به‌پا خاسته است.

ادعاهای رژیم وابسته صدام

بهانه‌های رژیم وابسته صدام برای تجاوز نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران صدام مزدور استکبار جهانی با اعتراف به این‌که خود آغازگر حمله نظامی به تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران بوده است عدم اجرای مفاد عهدنامه و موافقت‌نامه‌های سال ۱۹۷۵ را بهانه این تجاوز آشکار عنوان کرده است لازم به توضیح است که به دنبال توافق طرفین در الجزیره به هنگام تشکیل کنفرانس کشورهای صادرکننده نفت در تاریخ چهار تا شش مارس ۱۹۷۵، عهدنامه‌ی مربوط به مرز کشوری و حسن همجواری و سه پروتکل ضمیمه آن در تاریخ ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵ و چهار موافقت‌نامه‌ی اضافی و تکمیلی دیگر در تاریخ ۲۶ دسامبر همان سال و هم‌چنین سندی به عنوان فیصله قطعی و جامع کلیه مطالبات و مسایل معلق در همین تاریخ و به هنگام مبادله اسناد تصویب معاهدات مذکور بین ایران و عراق به امضاء رسید و کلیه... معاهدات و اسناد تحت شماره ۱۴۹۰۶ در دبیرخانه‌ی سازمان ملل متحد ثبت گردیده است. این اسناد گویای این حقیقت‌اند که رژیم خودکامه‌ی عراق کوچکترین دعوی و حق ضایع شده‌ای برای خود قایل نبوده و کلیه دعاوی خویش را خاتمه یافته پذیرفته است. مستضعفین جهان باید بدانند که رژیم جمهوری اسلامی ایران از آغاز پیروزی انقلاب با وجودی که می‌توانست درخواست تجدیدنظر در کلیه معاهدات خود بنماید ولی هرگز کوچک‌ترین تخلفی از عهدنامه مذکور نکرده است و جالب این‌جاست که تخلف و نقض معاهده از جانب کسانی صورت می‌گیرد که در زمان تنظیم عهدنامه نیز بر ملت مظلوم عراق حکمرانی می‌کردند و امضاهایشان در زیر عهدنامه‌ها موجود است و به علاوه این تخلف و نقض معاهده در حالی که در عهدنامه‌ها نحوه‌ی رسیدگی اختلافات حاصله پیش‌بینی شده است اکنون بر رژیم وابسته بعث عراق است که دلایل خویش را در مورد این نقض عهد ارایه دهد.

رژیم بعث عراق به خاطر نقض عهد و تجاوز به جمهوری اسلامی ایران باید اعتراف کند که یا ضد انسانی تصمیم می‌گیرد و یا به دستور اربابان ابرقدرت جهانی‌اش نه به قصد «اصلاح مغزها» بلکه برای نابودی انقلاب اسلامی دست به چنین اعمال جنایت‌کارانه و جنون‌آمیز و در عین حال ابلهانه زده است. موارد نقض معاهدات حتی قبل از اعلام لغو یک‌طرفه آن از طرف صدام حسین به شرح زیر است

دلایل نقض معاهدات

۱ - مداخله مستمر در طی ۱۹ ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در امور داخلی ایران.

۲ - نقض مفاد معاهدات مربوط به امنیت در مرز با فرستادن مأمورین و مزدوران بعثی و گروه‌های مسلح به استان‌های کردستان، کرمانشاه، ایلام، خوزستان و نیز کمک به عناصر ضدانقلاب و مخالف جمهوری اسلامی ایران در استان‌های فوق‌الذکر و حتی سیستان و بلوچستان.

۳ - پناه‌دادن و کمک به کسانی که در ایران به جرم کشتار مردم در رژیم شاه معدوم از طرف دادگاه‌های انقلاب تحت تعقیب هستند و نیز دادن همه‌گونه امکانات مادی و تبلیغاتی به آنان جهت تضعیف و براندازی رژیم جمهوری اسلامی ایران کما این‌که در حال حاضر این عناصر دو فرستنده‌ی رادیویی در عراق دارند و علیه انقلاب اسلامی ما تبلیغ می‌نمایند.

انگیزه‌ی تجاوز رژیم بعث

بند ۲ - در این‌جا به انگیزه‌ها و علل واقعی تجاوز رژیم عراق به ایران با توجه به ماهیت و موضع رژیم منفور نسبت به انقلاب اسلامی و نقش ابرقدرت‌ها می‌پردازیم.

انگیزه‌ها و عللی که رژیم بغداد را به نقض عهد و تجاوز واداشته است، چیست؟

برای پاسخ‌گویی به این سؤال باید نخست به موقعیت رژیم منفور آگاهی یافت و مروری کوتاه بر مواضع قبلی صدام در قبال انقلاب اسلامی ایران کنیم. حزب بعث حاکم عراق همان پیروان میشل عفلق معروف می‌باشد. این فراماسونر و صهیونیست مکار برای انحراف مبارزه ضداستعماری و صهیونیستی خلق‌های مسلمان و مستضعف عرب دست به ایجاد یک تشکیلات به‌ظاهر ناسیونال سوسیالیستی با تفکرات انحرافی راشیستی (نژادپرستی) زد.

پس از پیروزی عبدالناصر در مصر و تهاجمش بر علیه رژیم‌های دست‌نشانده‌ی غرب در منطقه عربی خاورمیانه و منافع آنان از آن‌جا که رژیم‌های ارتجاعی چون

شاه‌حسین و شاه‌حسن به تنهایی قادر به مقابله با تهاجم مزبور نبودند، غرب برای مقابله با ناصر و ناصرپس و رژیم‌های چپ‌نما که در شعار بسیار انقلابی‌تر از وی و در عمل حتی محافظه‌کارتر از شاه‌حسین‌ها بوده‌اند، وارد صحنه کرد؛ یکی از این رژیم‌ها رژیم بعث عراق است.

تاریخ مبارزات مردم مسلمان عرب شاهد است رژیمی که امروز با تمامی قوا و تجهیزات جنگی خود کمر به نابودی انقلاب اسلامی ما بسته نیروهایش در طی جنگ‌های اعراب با رژیم اشغال‌گر قدس هرگز قبل از پایان جنگ به جبهه‌ها نرسیده است و در حالی که شعارهای تند ضد صهیونیستی سر می‌دهد هرگز قدمی عملی بر علیه منافع صهیونیسم و نیز آزادی فلسطین برنداشته و نخواهند داشت.

از نظر داخلی نیز رژیم عراق کار استبداد و اختناق را به جایی رسانده که مرجع عظیم‌الشان‌ی هم‌چون سید محمد باقر صدر و خواهر محترمه ایشان را در زندان در زیر شکنجه به شهادت می‌رساند. موضع رژیم صدام در قبال انقلاب اسلامی ایران نیز از آغاز خصمانه و در جهت جلوگیری از به ثمر رسیدن و یا شکست آن بود. جهانیان به خاطر دارند که رژیم بعث در بحبوحه‌ی اوج‌گیری انقلاب جهت اخلال در امر پیروزی آن، امام خمینی رهبر انقلاب را وادار به خروج از عراق کرد. روابط دوستانه و برادرانه صدام با ایران در زمان شاه معدوم به مجرد پیروزی انقلاب به رابطه‌ای خصمانه که حتی قابل مقایسه با رابطه‌ی ظاهری وی با اسرائیل نیست درآمد. دستگاه‌های تبلیغاتی صدام و مزدورانش علیه انقلاب اسلامی ما به کار افتاد یا به صورت موطن و پایگاه سرسپردگان پلید آمریکا و فراریان رژیم شاه خائن و ضدانقلابیون چپ و راست در ایران مورد حمایت مادی و معنوی بعضی‌های عراق قرار گرفتند و همان‌طوری که گفته شد ایستگاه‌های رادیویی با عنوان ایرانی و بر ضد انقلاب اسلامی در آن کشور فعالیت می‌کنند. ما ملت‌های جهان را به قضاوت دعوت می‌کنیم و از آنان می‌خواهیم تا از رژیم وابسته عراق که ادعای مبارزه ضد آمریکایی را دارد بپرسند؛ چرا در قبال رژیم سرسپرده شاه معدوم چنان موضع دوستانه و در برابر رژیمی که به شهادت دوست و دشمن عملاً به حیاتی‌ترین منافع اقتصادی و استراتژیک امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم بین‌الملل ضربات جبران‌ناپذیری زده است و حتی آمریکا را وادار به تهاجم مستقیم نظامی و قطع رابطه سیاسی و نیز

تحریم اقتصادی جمهوری اسلامی ایران کرده است، چنین توطئه‌چینی‌هایی می‌کند؟ اگر موضع ضدآمریکایی بعث عراق از حد حرف تجاوز می‌کند چرا به ارتش شاه معدوم که توسط مستشاران آمریکایی اداره می‌شد کوچک‌ترین جسارتی نکرده و در عوض ارتشی را که تازه از زیر یوغ همان مستشاران خارج شده مورد تاخت و تاز قرار می‌دهد. آیا این چیزی جز یک مأموریت آمریکایی با تظاهر ضدآمریکایی نیست؟ مردم جهان به خوبی چنین شیوه‌هایی را می‌شناسند. در همین سال‌های اخیر بود که رژیم دست‌نشانده‌ی انگلیسی «جان اسمیت» را در زیمبابوه شاهد بودید که چگونه به اربابانش ناسزا گفته و حتی به ظاهر به‌وی یاغی می‌شود. ما موضع خصمانه بعث عراق را نسبت به خود چیزی جدا از مواضع ابرقدرت‌ها و در رأس آن‌ها آمریکا نسبت به انقلاب اسلامی ندانسته و نمی‌دانیم ما از پشت این تریبون به مردم جهان اعلام می‌کنیم که تجاوز نظامی عراق بخشی از توطئه‌های پسایی استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا علیه انقلابمان می‌دانیم و عراق را تجاوز ظلم و کفر جهانی علیه انقلاب اسلامی خود دانسته و دست شیطان بزرگ و شیطان‌های کوچک را در پس آن می‌بینیم. ما، مردم جهان و خصوصاً توده‌های مسلمان غرب را به تفکر و تعمق در این مسایل دعوت نموده و امیدواریم پاسخ سؤالات زیر را خود دریابند. چگونه است که رژیم بعث عراق به فرض داشتن اختلافات ارضی با ایران به جای مطرح کردن آن با الجزایر که طبق معاهدات فی مابین حکم بوده است به حمله ناگهانی هوایی، دریایی و زمینی به حریم جمهوری اسلامی دست می‌زند؟ چگونه است که هم‌زمان با این تهاجم، بختیار مزدور به عراق آمده و به ضدانقلاب داخلی فرمان تعطیل مدارس ایران را می‌دهد؟ چگونه است که تجاوز رژیم بعث عراق از حد تصحیحات مرزی ادعایی گذشته و به تلاش برای اشغال ایالات ما خصوصاً استان نفت‌خیز خوزستان منجر می‌شود؟ چگونه است که هم‌زمان با حمله صدام به خاک ایران، آمریکا آن‌را به فال نیک در جهت آزادی جاسوسان گروگان می‌گیرد؟

چگونه است که حمله‌ی عراق درست هم‌زمان با خاموش شدن آخرین شعله‌های تجزیه‌طلبی در کردستان و استقرار آخرین نهاد جمهوری اسلامی یعنی تشکیل کابینه صورت می‌گیرد؟ و بالاخره چگونه است که یاری‌دهندگان اصلی رژیم به اصطلاح انقلابی عراق در این جنگ کثیف‌ترین و پلیدترین رژیم‌های ارتجاعی وابسته به

آمریکا هم چون اردن، مصر و مراکش و غیره هستند.

همان طوری که گفتیم، بندر اردنی عقبه به صورت مهم ترین راه ارتباط دریایی عراق درآمد و فرودگاه های اردن، پایگاه و پناهگاه جنگنده های عراقی است. خلبانان و خدمه موشکی مصری فعال ترین نقش را در عراق ایفا می کنند و واحدهای ارتش اردن هم اکنون در آن کشور مستقر هستند. آیا با توجه به موارد فوق می توان جنگ رژیم بعث عراق با ایران را در رابطه با خود وی و آن هم برای چند کیلومتر مربع خاک دانست؟ در این صورت آیا ما حق نداریم جنگ مزبور را بخشی از مبارزه متحد و هماهنگ ابرقدرت ها علیه انقلاب اسلامی خود بدانیم؟ ما در این روزهای جنگ و آتش و خون، شاهد حضور هرچه گسترده تر ناوگان ها و نیروهای نظامی ابرقدرت ها در منطقه هستیم و نیز شاهدیم که چگونه بزرگ ترین قراردادهای نظامی بین دولت های اروپایی با کشورهای منطقه خاورمیانه منعقد می شود.

در همین روزهاست که با کمال تعجب مشاهده کردیم دیدگاهی که به دلیل تجاوز نظامی روسیه به افغانستان در المپیک مسکو شرکت نکرد، این بار با پذیرش حضور شوروی در افغانستان به راحتی مذاکرات سالت ۳ را آغاز می کند. آیا این نمی تواند راه گشای معمای حل سلاح روسی از اردن آمریکایی برای رژیم صدام وابسته به غرب باشد.

موضع ما در قبال جنگ تحمیلی

بند ۴ - اکنون به شرح موضع جمهوری اسلامی ایران در قبال جنگ تحمیلی و نحوه ی خاتمه آن می پردازیم. ملل جهان به خوبی آگاهند که جنگ عراق با ایران، جنگی تحمیلی و ناخواسته به سوی ماست. رژیم جمهوری اسلامی هرگز به خود اجازه نمی دهد در حالی که برادران فلسطینی و عرب در سرزمین های اشغالی و جنوب لبنان زیر فشار صهیونیسم بین المللی و امپریالیسم جهانی قرار گرفته و از جان و مال و خانه و کاشانه خود دست شسته اند. به جای مبارزه و جنگ با رژیم اشغالگر قدس نیروها و تسلیحات خود را علیه یک کشور اسلامی ولو با رژیمی ضد مردمی به کار گیرد. متأسفانه تهاجم اخیر دولت بعث عراق سبب شد که بخش عمده ای از امکانات اقتصادی و نظامی دو کشور نابود شود. گلوله هایی که باید سینه تجاوزگران فلسطین

اشغال شده را سوراخ سوراخ کند، دل‌های آکنده از ایمان برادران مسلمان را می‌درد تا جنون قدرت‌طلبی یک‌فرد را ارضاء و منافع استکبار جهانی را تأمین نماید. دولت بعث عراق پس از تجاوز در حالی که بخش‌هایی از سرزمین اسلامی ما را تحت اشغال خود درآورده و بسیاری از مردم بی‌دفاع و غیرنظامی را کشته و شهرها و کارخانجات ما را به‌ویرانی کشیده برای فریب افکار عمومی جهانیان شعار قطع جنگ و آتش‌بس را مطرح کرده است و برخی از دولت‌ها نیز متأسفانه آگاهانه یا ناآگاهانه از شعار مزبور پشتیبانی کرده‌اند ما صریحاً اعلام می‌کنیم که پایان عادلانه‌ی جنگ نظیر هر جنگ دیگر جز با سرکوب و مجازات تجاوزگران امکان‌پذیر نخواهد بود؛ این آخرین و اصلی‌ترین حرف ماست، زیرا قبول آتش‌بس از سوی کشوری که مردمش زیر چکمه‌ها و رگبارهای دشمن است تثبیت وضع متجاوز و تحمیل تجاوز به‌کشور مظلوم است. ملت ما هم‌اکنون به‌خاطر کشته و مجروح شدن بیش از هزاران دانش‌آموز در اثر حمله ارتش عراق به مدارس کرمانشاه به‌عزا نشسته است و این خود بهترین دلیل برای محکومیت رژیم وابسته بعث عراق است.

ما امروز هم‌چنین شاهد بودیم که عراق با بمباران بیمارستان آبادان ۵ نفر را کشته و ده‌ها نفر دیگر را مجروح کرده است. این حمله و صدها نمونه دیگر شمه‌ای است برای نشان دادن سبانه‌بودن رژیم بعث عراق.

بند ۵ - در پایان چند جمله‌ای در مورد علت شرکت ما در جلسه شورای امنیت سازمان ملل می‌پردازم.

هدف از شرکت ما در شورای امنیت

تعالیم اسلام و تجربیات تاریخی به‌ما نشان داده است که جز با توکل به **اللَّهُ** و تکیه بر مردم، پیروزی و غلبه بر مشکلات میسر نبوده و نخواهد بود. با توجه به‌حقیقت بالا، شرکت ما در این شورا به‌منظور دادخواهی و یا انتظار دفع تجاوز نیست. رجایی و ائق داریم که اولاً شورای امنیت با پذیرش حق و تو برای زورمندان و دارا بودن مشکلات دیگر عملاً قادر به‌خدمت جدی به‌ملل محروم و مستضعف جهان نیست و ثانیاً تاریخ گذشته این شورا مبین این واقعیت است که در مواردی نیز این شورا قادر به‌اتخاذ تصمیمات اصولی تحت فشار افکار عمومی جهان گردیده است. باز هم در اثر

مخالفت یک یا چند ابرقدرت ضمانت اجرایی برای تصمیمات مزبور وجود نداشته است. عدم اجرای قطعنامه‌های این شورا درباره‌ی اسرائیل غاصب پس از ۱۳ سال و هم‌چنین درباره‌ی رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی گواه روشنی بر مدعای ماست. لذا حضور ما در این شورا صرفاً به‌دلیل رساندن ندای مظلومیت ملت مسلمان و به‌پاخاسته‌ی ایران به گوش مردم سراسر جهان و هشدار به آنها از جانب خطر سرکوب انقلاب و بازتاب آن بر مبارزات کلیدی خلق‌های دربند می‌باشد.

هم‌چنین در این مقام بار دیگر به ابرقدرت‌ها و مستکبرین جهانی اخطار می‌کنیم که با توجه به شکست‌های پیاپی، دست از تلاش‌های مذبحخانه و توطئه علیه انقلاب اسلامی ایران برداشته و بدانند که رشد انقلاب الهی ما را که با خون ۶۵ هزار شهید به‌ثمر رسیده و با خون هزاران شهید پس از انقلاب بارور گردیده، هرگز نخواهند توانست متوقف کنند.

والعاقبه للمتقین. والسلام.

محمدعلی رجایی، نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران^(۱)

مصاحبه‌ی هاشمی رفسنجانی با روزنامه‌ی جمهوری اسلامی درباره‌ی تاریخ سوگند رئیس‌جمهور

(۱۲ مردادماه ۱۳۶۰)

س - آیا کتاب «مواضع ما» - که در واقع همان مواضع اصلی و اساسی حزب جمهوری اسلامی است - به‌وسیله‌ی آیت‌الله بهشتی نوشته شده است؟

ج - نوشتن کتاب به این شکل بود که اوایل، ما جلسه‌ای داشتیم و طی آن آقای بهشتی، آقای باهنر، آقای خامنه‌ای، من و آقای فارسی می‌آمدیم (آقای مهندس موسوی و آقای آیت هم یکی، دو جلسه‌ای آمدند) و مطالب را تقسیم می‌کردیم؛ به‌عنوان مثال، مسایل اقتصادی را غالباً آقای بهشتی می‌نوشتند. سیاست داخلی را بنده، سیاست خارجه را آقای فارسی، انسان را آقای باهنر، تاریخ را هم آقای خامنه‌ای می‌نوشتند و هرکدام از ما، هرچه تهیه می‌کردیم، می‌آوردیم و در آن جلسه می‌خواندیم. سپس مجموعه جلسه روی آن بحث می‌کرد و تصویب می‌نمود. حتی روی مضامین و مطالبش کار می‌کردیم.

بعد از این که مجموعه بحث‌ها تصویب شد، آقای بهشتی مجموعه را بردند و یک‌دوره هم خودشان روی آن کار کردند، سپس، دوباره آن را بین خودمان پخش کردیم. آخرین قلم را نیز

۹۰ کیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

آقای بهشتی زدند و به مطالب ترتیب و نظم بخشیدند.

ایشان در تمام بحث‌ها حاضر بودند. بعضی از بحث‌ها را خودشان و بعضی را دیگران نوشتند. شاید بحث‌های مربوط به اصول دین را هم ایشان نوشته باشند.

س - آیا آقای دکتر با هنر نخست‌وزیر خواهند شد؟

ج - این را نمی‌شود به‌طور حتم گفت؛ برای این که نخست‌وزیر را آقای رجایی باید به مجلس معرفی کند. تصمیم را آقای رجایی باید بگیرند و مجلس به ایشان رأی تمایل بدهد. نمی‌توان پیش‌بینی قطعی کرد. روزنامه‌ی اطلاعات نوشته بود: «قطعی شد»؛ اما از نظر ما چنین قطعیتی هنوز ثابت نیست. به‌رحال ایشان به‌عنوان یکی از کاندیداهای اصلی مطرح هستند.

س - آیا آن هواپیمایی که به‌مصر برده شده بود، به‌کشور بازگشته است یا خیر؟

ج - خیر! دولت مصر با بازگشت آن موافقت کرده و ما باید یک خلبان بفرستیم که آن را برگرداند.

س - آیا کار ایدئولوژیکی را که در حزب [به‌خصوص در سال گذشته] داشتید،

هم‌چنان ادامه خواهید داد؟

ج - بله! اساس کار ما، کار ایدئولوژیک است و محتوا و منظور اصلی حزب این است که مسلمانان را به ایدئولوژی اسلامی مسلح کند.

س - از تصمیمات مهم شورای ریاست جمهوری بفرمایید؟

ج - تصمیمات چندان مبهمی ندارد. کار مهم ریاست جمهوری همان تصویب کابینه است که حالا دیگر به‌ما مربوط نیست و آقای رجایی باید آن را تصویب بکند. ما الآن به‌قضیه‌ی وزرا کاری نداریم. فقط در موقع لزوم مصوبات را امضا می‌کنیم و کمی در زمینه‌ی هماهنگی سه قوه و تنظیم روابط فعالیت می‌کنیم. وظیفه‌ی دیگر شرکت در جلسه شورای عالی دفاع است که من به‌عنوان نماینده در آن شورا شرکت می‌کنم.

س - در زمینه‌ی جنگ چه نویدی می‌توانید به‌ما بدهید؟

ج - وضع جنگ خیلی خوب است!

س - از حال آقای خامنه‌ای بفرمایید. آیا این‌شایعه که دست ایشان فلج می‌شود،

صحت دارد؟

ج - من دیشب آقای خامنه‌ای را دیدم. معمولاً هر دو، سه روز یک‌بار زیارتشان می‌کنم. حالشان خوب است و تقریباً آن‌شدت و حدّت آثار جراحی‌ها از بین رفته و حالشان رو به بهبود است. ریه ایشان یک مقدار آسیب دیده بود که بهتر شده است. تب مختصری هم می‌کردند که آن تب، دیروز قطع شد و وقتی من رفتم، ایشان داشت راه می‌رفت. دستشان در اثر انفجار، ضربه دیده و شکسته بود. دکترها خیال می‌کردند بعد از آن‌که استخوان جوش بخورد، یک عمل عصبی هم دارند تا این‌که دست سالم شود؛ ولی اخیراً به خاطر مشاهده بهبودی در وضع حسی دست، امید زیادی پیدا شده که نیاز به عمل هم نباشد.

روزهای اول که انگشت‌های ایشان را می‌گرفتم و فشار می‌دادم، ایشان نمی‌فهمید؛ ولی حالا تا می‌گیرم، می‌فهمند. مثل این‌که صدمه وارد شده، رفته رفته برطرف می‌شود. یک مقداری هم در آن جا کمک می‌کنند و ماساژ می‌دهند و اگر همین طوری که در چند روز اخیر بوده پیش برود، احتمالاً دست، بدون عمل به حال عادی خودش برمی‌گردد. حداکثر یک عمل می‌خواهد که به جای اول برگردد، به هر حال، دست سالم خواهد بود.^(۱)

**معرفی شهید دکتر باهنر به سمت نخست‌وزیری
از سوی شهید رجایی، رئیس‌جمهور در تاریخ ۱۳۶۰/۵/۱۲**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی
براساس اصل ۱۷۴ قانون اساسی، برادر مجاهد و دانشمند متمدن محمدجواد باهنر
را به‌عنوان نخست‌وزیر معرفی می‌نماید.
امید است با شناختی که اکثراً از ایشان داریم و با توجه به کارآیی‌هایی که در انجام
وظایف محوله در سمت‌هایی از قبیل وزارت آموزش و پرورش از خود نشان
داده‌اند، مورد تأیید اکثریت قاطع نمایندگان محترم قرار گیرند.
رئیس‌جمهور - محمدعلی رجایی

نظر دکتر باهنر درباره‌ی واردات و اشتغال

س - آیا دولتی‌کردن واردات با نظام اقتصاد اسلامی منافات دارد یا نه؟ اگر ندارد،
چرا این‌کار انجام نمی‌شود؟

ج - مسأله‌ی به اصطلاح ملی شدن بازرگانی خارجی که در واقع یعنی دولتی شدن، مسأله‌ای است که در قانون اساسی پیش‌بینی شده، اما اجرای این قضیه که به معنای این، فکر نمی‌کنم باشد. برای این که صرفاً به صورت یک عملی دربیاید که توسط کارمندان رسمی دولت انجام بشود. این یک نظام دقیقی می‌خواهد که بتواند واقعاً فهم بدهد به کسانی که در این رشته‌ها کار کرده‌اند و تخصص دارند و در واقع تشویق افراد به کار و فعالیت و استفاده از مهارت‌ها و تجارب را هم بتواند تعمیم بدهد و در هر حال اصل مسأله در قانون اساسی پیش‌بینی شده، ولی نظم قانونیش؛ یعنی مجموعاً آیین‌نامه و طرحش که چگونه تنظیم شود. این هنوز تنظیم نشده و یکی از کارهایی که مجلس بایستی انجام بدهد همین مسأله هست که واقعاً یک قانون مفصل همه‌جانبه‌ای که بتواند همه جوانب امر را در برگیرد، این کار در مجلس انجام می‌شود.

س - شما فرمودید اشتغال کارمندی، اشتغال کاذب است؛ چون تولید نمی‌کند. آیا کسانی که کار خلاق دارند و پروژه‌های تحقیقاتی دارند و صنعتگر می‌باشند و تولیدات را اضافه می‌کنند، باید از کارشان جلوگیری شود؟ چرا شورای انقلاب تحت عنوان انقلاب فرهنگی، جلوی دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف را گرفته و کارهای تحقیقاتی را سرکوب نموده است؟

ج - ببینید! اولاً اشاره‌ای بکنم به مسأله اشتغال کارمندان؛ اولاً به طور کلی نگفته‌ایم اشتغال نمی‌خواهیم، اگر هم گفته‌ایم حالا تصحیح می‌کنیم نگفتیم نمی‌خواهیم بگوییم اشتغال کاذب است مطلقاً چون خدمات هم خودش نوعی کار است. آن‌چه که مورد نظر من است این‌که اشتغال کاذب را در رژیم گذشته به وجود آورده‌اند؛ مثلاً شهرداری، بالاخره لازم است، بایستی باشد، اما آن مقدار کاری که در شهرداری بایستی انجام بشود اگر قوانینی دست و پاگیر نباشد و اگر کارمند زاید استخدام نکرده باشد ممکن است مثلاً با یک سوم این تعداد کارمند، با قوانین انقلابی کار می‌شود، می‌گوییم آن دوسوم اشتغالشان، اشتغال کاذب است و الا آن یک سوم، آن یک دوم، آن تعداد افرادی که واقعاً یک عمل مفیدی را انجام می‌دهند، این خودش نوعی کار است به نام خدمات؛ چه کار گاهی تولیدی است، گاهی توزیعی است، گاهی خدمات است و نخواستم بگویم کل کارهای اداری کار کاذب است، و اما در مورد این‌که جلوی کارهای تحقیقاتی گرفته می‌شود نباید گرفته شود، اما اگر آن برادری که این جمله را نوشته، خواسته

اشاره بکند به مسأله تعطیل دانشگاه‌ها در رابطه با انقلاب فرهنگی. آن یک مسأله دیگری است برای این‌که مسأله تعطیل دانشگاه‌ها زمینه‌ای بود برای این‌که اولاً، دانشجویان در میدان عمل اجتماعی مشغول فعالیت بشوند و ثانیاً، فرصتی باشد تا نظام دانشگاهی متناسب با نظام جمهوری اسلامی تنظیم بشود و این معنایش آن نیست که شما مرکز علم را بسته‌اید ما می‌گوییم، ما می‌خواهیم دانشگاه را مرکز علم بکنیم و ان‌شاءالله! به یاری خدا! مرکز تحقیق بشود؛ یعنی اگر ظاهراً مرکز علم است واقعاً مرکز علم بشود.

سخنرانی شهید باهنر در سمینار اصناف و بازار^(۱)

زندگی‌نامه‌ی محمدجواد باهنر از زبان خودش

من، محمدجواد باهنر در سال ۱۳۱۲ در شهر کرمان متولد شدم. محله‌ی ما معروف به «محله‌ی شهر» از محل‌های بسیار قدیمی و مغروبه‌ی شهر کرمان بود و من دومین فرزند خانواده بودم که غیر از من هشت خواهر و برادر دیگر هم بود. پدرم، پیشه‌ور ساده‌ای بود که زندگی بسیار محقرانه‌ای داشت. مغازه‌ی کوچکی در سرگذر که از همین مغازه امرار معاش می‌کردیم و هم‌اکنون ۷۶ سال دارد و پیرمردی از کارافتاده است و مادرم حدود ۱۰ سال قبل فوت کردند.

من از کودکی در سن پنج‌سالگی به مکتب‌خانه‌ای سپرده شدم که نزدیک منزلمان بود، چون اولاً در آن ایام مدارس چندان زیاد نبود و بعد هم اگر بود، خانواده‌هایی امثال ما چندان دسترسی به مدرسه نداشتند، و همین پیشآمد مکتب‌خانه بسیار خیر بود، برای این‌که در همین مکتب‌خانه بانوی متدینه‌ای بود که قرآن را نزد ایشان خواندم. فرزندى داشت که آن‌روز از تحصیل‌کرده‌ها بود و بعد وارد حوزه‌ی علمیه کرمان شد به نام آقای حقیقی، و ما در همان خانه نزد ایشان خواندن و نوشتن و درس‌های معمول آن‌روز را فراگرفتیم و از حدود یازده‌سالگی به مدرسه‌ی معصومیه کرمان با راهنمایی همان حجت‌الاسلام حقیقی راه پیدا کردیم و از آن

به بعد درس های رسمی که می خواندیم، درس های طلبگی بود. مدرسه ی معصومیه بعد از سال ها بسته بودن دوره ی رضاخان، تازه بعد از شهریور ۱۳۲۰ باز شده بود و چند نفری طلبه جمع آوری کرده بود. از جمله؛ بعد از بازگشت ۲ الی ۳ سال، من و چند نفر از دوستانمان وارد این مدرسه شدیم.

تحصیلات جدید به صورت متفرقه و داوطلبانه انجام می شد. تا سال ۳۲ یعنی موقعی که من ۲۰ ساله شده بودم، توانستم ضمن ادامه ی تحصیلات دینی به گرفتن پنجم علمی قدیم موفق بشوم، تا آن سال درس را تا حدود سطح رسانده بودم و در اوایل مهرماه ۳۲ بود که به قم عزیمت کردم. وضع مالی خانواده ام آن چنان بود که به هیچ وجه قادر به پرداخت مخارج تحصیلی من نبودند و من در قم از شهریه محدودی که مرحوم آیت الله بروجردی در آن زمان می دادند؛ یعنی ۲۳ تومان در ماه زندگی می کردم، که البته پس از چندی ۵۰ تومان هم از حوزه ی علمیه ی کرمان به آن جا حواله می شد.

در سال اولی که در قم بودم، در مدرسه ی فیضیه سکونت داشتم و کفایه و مکاسب را توانستم نزد چند استاد آن روز مرحوم آقای مجاهدی، آقای سلطانی و دیگران تمام کنم. از سال ۱۳۳۳ به درس خارج رفتم. اساتید ما در درس خارج عمدتاً رهبرمان، امام بزرگوارمان آیت الله العظمی خمینی بودند که ما از همان اولین سال درس خارج، یک درس فقه و یک درس اصول از محضر ایشان استفاده می کردیم و تا اوایل سال ۱۳۴۱ - یعنی بیش از هفت سال - محضر ایشان را در دو درس درک کردم که هنوز هم بسیاری از یادداشت های درس آن روز ما از محضر ایشان به عنوان یادگار، ذخیره ی علمی خوبی برای ما باقی مانده، علاوه بر درس مرحوم آیت الله بروجردی که درس فقهی بود و می رفتم - که دیگر به تدریج آن سال ها با توجه به مرجعیت ایشان و گستردگی درس از نظر تعداد شاگردان صورت خاصی پیدا کرده بود و تا پایان سال ۱۳۴۰ که سال فوت ایشان بود باز درس ایشان را ادامه دادیم - استاد دیگر ما علامه طباطبایی بود که درس فلسفه (اسفار) را شش سال خدمت ایشان خواندیم و نیز از درس تفسیر ایشان استفاده کردیم. یادم هست از اولین روزهایی که ایشان درس تفسیر را شروع کردند و عادتشان این بود که ابتدا درس می گفتند و مطالب در جمع طلاب مورد بحث قرار می گرفت و بعد از آن که اشکالات رفع می شد و درباره اش بحث می شد، ایشان درس را

می‌نوشتند؛ و به صورت المیزان، دوره‌ی تفسیر عالی ایشان درمی‌آمد و ما چند جزو از تفسیر ایشان را از ابتدای سوره‌ی بقره به بعد در محضر ایشان بودیم و یادداشت‌های فراوانی را هم دارم و برای بنده خاطرات پرباری بود.

در این دوران، درس امام درس پرشوری بود، چون ایشان عمدتاً به تربیت طلاب پرداختند و معروف بود که طلبه‌هایی که بیشتر می‌خواستند درس بخوانند و اهل فکر و تحقیق و کار هستند، در درس ایشان شرکت می‌کنند و امروز عمده‌ی کسانی که به صورت علمای جوان شهرها یا انجمن‌های جمعیه یا از افراد شورای عالی قضایی، فقهای شورای نگهبان و مسؤولان روحانی به نام مملکت و تعداد متناهی از نمایندگان مجلس، آنهایی که نشان مقداری بالاتر است، این‌ها همه شاگردان آن روز امام بودند. ما بهترین خاطرات علمی و تحصیلی‌مان را در این دوران ۹ ساله تحصیلات قم داریم.

البته من همان اولین سال ورودم به قم بود، سال ۱۳۳۳ که به طور متفرقه کلاس ۱۲ را امتحان دادم و دیپلم کامل را گرفتم و بعد از چندی در دانشکده الهیات به ادامه تحصیلات دانشگاهی پرداختم منتهی چون دروس دانشکده الهیات برای ما تازگی نداشت، ما اصولاً به همان تحصیل قم ادامه می‌دادیم و در هفته یکی دوبار برای بعضی از دروس که لازم بود شرکت کنیم، به تهران می‌آمدیم و به این ترتیب، حدود سال ۱۳۳۷ بود که دوره‌ی لیسانس دانشگاه را هم تمام کردم و بعد از مدتی که در قم مشغول بودم توانستم دوره‌ی دکترا را هم ادامه بدهم و دوره‌ی دکترای الهیات را عمدتاً بعد از آمدن به تهران ادامه دادم و هم‌چنین یک دوره‌ی فوق لیسانس امور تربیتی را که آن روز دانشکده ادبیات تهران این دوره را داشت و بعد از دو سال این دوره را هم به پایان رساندم. در قم بیشتر علاقه داشتیم که حوزه تحرک جدیدی داشته باشد، از نظر نوع مطالعات و مسایل طرح‌شده و تحقیقات علمی، فکری و فلسفی؛ خوشبختانه این نهضت از چند سال قبل شروع شده بود و اولین دوره‌ی این حرکت توسط امام از یک طرف و علامه طباطبایی از طرف دیگر بود. شاگردانشان آقای منتظری و آقای بهشتی، آقای مشکینی و دیگران بودند که ما البته شش سال بعد به این جریان پیوستیم و لذا دوره‌های درس دوم این اساتید بزرگ را شرکت کردیم، البته به لحاظ سنمان که اقتضا می‌کرد، توانستیم ادامه بدهیم.

سال ۱۳۴۱ به تهران آمدم. انگیزه اولی این بود که در آن روزها صحبت از این بود که نماینده‌ای از حوزه‌ی علمیه قم برای تبلیغات اسلامی به کشور ژاپن برود و بنده پیشنهاد شده بودم؛ به این منظور آمدم تهران که مقدمات کار را فراهم کنم و لازم بود یک دوره‌ای هم زبان انگلیسی که زبان دوم آن‌جا بود به صورت فوق‌العاده ببینم و برای دیدن این دوره زبان و دیگر مقدمات در تهران سکونت اختیار کردم؛ منتهی آن سفر به علت مشکلاتی که پیش آمد، به تأخیر افتاد و منتهی شد به آغاز مبارزه روحانیت به رهبری امام بزرگوارمان در اواخر سال ۱۳۴۱. یعنی شاید ۶ الی ۷ ماه از سکونت ما در تهران گذشته بود و گذشته از این که برای مسافرت ما مشکلاتی پیش آوردند، از طرفی بهتر این بود که در ایران بمانیم و در جریان مبارزه همکاری کنیم. سال ۱۳۴۲ که اوج مبارزه در آن زمان بود و ۱۵ خرداد در همان سال اتفاق افتاد، ما از آن روحانیونی بودیم که از قم اعزام شدند به شهرهای مختلف برای این که محرم آن سال را به محرم حرکت و قیام تبدیل کنیم و من آن سال به همدان مأمور شدم و رفتم. خاطرم هست دستور این بود که روز ششم ماه محرم سخنرانی‌ها اوج بیشتری پیدا کند و مبارزه شدت گیرد و علتش هم این بود که گفتند: نگذارید جلسات پرجمعیت باشد والا اگر بخواهید از اوایل شروع کنید، قبل از این که اجتماعی از مردم باشد، شما را دستگیر می‌کنند و از همان روز ششم که اوج گرفت، ظاهراً روز هفتم بود که ما دستگیر شدیم، منتهی هنوز حوادث ۱۵ خرداد نبود. مردم اجتماع کردند و ما را آزاد کردند و ما مجدداً به سخنرانی ادامه دادیم. تا روز ۱۲ محرم آن سال همه‌جا مسأله اوج گرفت و ما به شدت تحت تعقیب قرار گرفتیم که دوستان، ما را مخفیانه به تهران فرستادند و در آن‌جا دستگیر نشدیم اما در پایان اسفند همان سال مصادف شد با سالگرد مدرسه‌ی فیضیه، چون فروردین همان سال ۱۳۴۲، روز اول فروردین حمله رژیم بود به مدرسه فیضیه، طبعاً بیستم اسفند برابر بود با وفات امام جعفر صادق علیه السلام و سالگرد همان حادثه‌ی مدرسه فیضیه، چون فروردین همان سال ۱۳۴۲، روز اول فروردین حمله رژیم بود به مدرسه‌ی فیضیه، یعنی اواخر اسفند بود که به این مناسبت در بازار تهران سخنرانی برگزار کرده بودند، واقع در مسجد جامع و ما مسؤول سخنرانی آن‌جا بودیم. در سه شب که سخنرانی انجام شد و اجتماع بسیار عظیمی هم گرد آمده بودند و در آن سال‌ها در نوع خودش بسیار جالب بود. شب سوم بود که پلیس زیادی به اتفاق سرهنگ طاهری معدوم که ایشان مسؤول

دستگیری ما بود، آمد و بعد از دستگیری، ما را به زندان قزل‌قلعه انتقال دادند. این اولین زندان رسمی بنده بود که حدود چهار ماه طول کشید و به محاکمه و دادگاه کشانده شد.

مسائل ما در تهران به صورت‌های مختلف ادامه پیدا کرد که یکی از آن، مشارکت و همکاری من بود در مبارزه و مسأله‌ی دومی که برایم پیش آمد همان ادامه‌ی تحصیلات دانشگاهی بود که قبلاً عرض کردم در دو رشته، و مسأله‌ی دیگر، خدمات فرهنگی بود و این از مسائلی بود که دوستان بسیار روی آن تأکید داشتند. ابتدا آیت‌الله بهشتی به آموزش و پرورش راه یافته بودند و از ابتدا، بنده‌های این‌کار را در اختیار داشتند و هم‌چنین آقای دکتر غفوری. و شاید ۷ یا ۸ ماهی گذشته بود که این مسأله به من ارجاع شد و در جریان قرار گرفتن و قرار شد که برای برنامه‌ریزی تعلیمات دینی و نوشتن کتاب‌های دینی، ما به‌طور جدی کار کنیم.

از اولین سال‌هایی که وارد آموزش و پرورش شدیم، مشکلات فراوانی بود، دوستان مقدماتش را فراهم کردند، توانستیم در قسمت برنامه‌ریزی درسی راه پیدا کنیم و جالب بود که در این فرصت که ما موفق شدیم از بخش‌های کوتاهی که در اول ابتدایی به‌عنوان مسایل دینی بایستی وارد می‌شد تا آخرین سال‌های تحصیلی دبیرستانی، کتاب‌های تعلیمات دینی بنویسیم و همین‌طور برای دوره‌های تربیت معلم و دیگر رشته‌های تحصیلی که وجود داشت.

این سال‌های آخر بود، در سال ۵۵ - ۵۶ که دیگر رژیم احساس کرده بود که مطالب کتاب‌ها چیست و لذا سخت جلو کتاب‌ها را گرفته بود و داده بود به مراکز خودشان برای سانسور و تجدیدنظر و کتاب‌های تجدیدنظر شده آن‌ها را که توانستیم دست بیاییم و مراکز وابسته‌ی ساواک و غیره دیده بودند، در حدود ۶۰٪ از مطالبی را که ما در کتاب اول و دوم راهنمایی نوشته بودیم، دورش را خط کشیده بودند و در حاشیه‌ی آن‌ها اظهارنظرهایی کرده بودند و معلوم بود که برایشان ناگوار است. از آن سال، این‌ها تصمیم گرفتند که این کتاب‌ها را جلوگیری کنند، منتهی در محظورات اجتماعی خیلی سختی قرار گرفته بودند و می‌گشتند دنبال این‌که مؤلف جدید پیدا کنند که به‌جای ما بنویسد، مؤلفی که بتواند برای آن‌ها مطالبی دلخواه بنویسد که یا نبود و یا اگر بود، جامعه نمی‌پذیرفت. چون مدت‌ها معلمین آشنا شده بودند با کتاب‌های ما، و مدت‌ها بود که معلمین به‌ما می‌گفتند، زمینه‌ی بسیار خوبی به‌ما دادید که ما اگر

۱۰۰ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

می‌خواستیم، حرف‌های خودمان را علیه رژیم بزنیم در هیچ‌یک از کتاب‌های دیگر امکان نداشت، این بهانه‌ی خوبی است و شما سر نخ مسایل را در این کتاب‌ها به‌ما داده‌اید، ما بحث‌های خودمان را می‌کنیم. این‌ها تلاش کردند برای این‌که کتاب‌هایی نوشته بشود و باز ما بر سر راهشان آمدیم و حتی با بعضی از نویسندگان اوقافی آن‌روز قرار گذاشته بودند.

قبل از آن‌که سخنرانی ما ممنوع شود، یعنی قبل از سال ۵۰، عمدتاً سخنرانی‌های ما در انجمن اسلامی مهندسين و انجمن پزشکان آن‌روز بود. مسجد هدایت، مسجد مرحوم آیت‌الله طالقانی، پاتوق ما بود که تا سه سال، ماه رمضان را آن‌جا صحبت می‌کردم. شب‌های جمعه زیادی آن‌جا صحبت کردم. مسجد الجواد تقریباً با همکاری خودمان تأسیس شد و مقدمات کارش را در جریان بودیم. در راه‌اندازی آن‌جا از نظر برنامه‌ها، با ما مشورت می‌کردند و بالاخره حسینی‌هی ارشاد که مدت‌ها آن‌جا برنامه داشتیم.

ابتدا که به تهران آمدیم با هیئت مؤتلفه آشنا شدیم که می‌دانید آن‌ها مبارزات تندی علیه رژیم داشتند و تقریباً پدیده همان انقلاب اسلامی‌ان بودند. بعد که در رابطه با مسأله‌ی منصور عده‌ای از ایشان دستگیر شدند. ما وقتی که به تهران آمدیم با راهنمایی آقای بهشتی، به‌عنوان کسی که در حوزه‌ها و کانون‌ها آموزش می‌دادیم، وارد شدیم. یادم هست از بحث‌هایی که مرحوم شهید مطهری تهیه کرده بود به‌عنوان درس‌های آموزشی، در کانون‌های مخفی استفاده می‌کردیم و بحث‌هایی هم خودمان تهیه می‌کردیم و آن‌جا این نوع همکاری را با برادران داشتیم.

مسأله‌ی دیگر، تشکیل مراکزی از این قبیل بود از جمله، کانون توحید که در تأسیس این مرکز همکاری داشتیم، هم برای طرح و ساختمان و این را عرض کنم که مهندس موسوی که الآن سردبیر روزنامه‌ی جمهوری اسلامی و وزیر امور خارجه هستند، ایشان طرح آن ساختمان را ریخت، چون رشته‌ی اصلی ایشان بود. و جالب بود که در برابر کار عظیمی که ایشان انجام داده بود، پولی دریافت نکرد و معلوم بود که برادران با هدف‌های دیگر مشغول کار هستند و می‌خواهند، کانونی درست کنند و این کانون هم کانون علمی - تبلیغی جالبی شد.

یکی دیگر، همکاری ما بود در تأسیس دفتر نشر فرهنگ اسلامی که کار مطبوعاتی بود در تهران که ادامه دارد و تا به‌حال ۲۰۰ الی ۳۰۰ کتاب را توانسته، نشر بدهد و هر ساله میلیون‌ها

نسخه کتاب‌های مفید را منتشر می‌کند و این چند ساله‌ی آخر قبل از پیروزی انقلاب تقریباً پناهگاهی شده بود؛ مخصوصاً موقعی که دیگر شرکت انتشار هم تعطیل شده بود و آنجا پانوقی شده بود برای مراجعه افرادی که می‌خواستند کتاب‌های اسلامی مفید را بخوانند.

مسأله‌ی دیگر باز تذکری است درباره‌ی دستگیری‌هایی که انجام شد نسبت به ما، در سال ۵۲ بود و ظاهراً تحت مراقبت شدید بودیم. می‌دانید که آن سال‌ها، سال‌های بسیار پر وحشتی بود. غالباً افرادی که به‌صورتی مبارزاتی داشتند، تحت نظر بودند. یک جریان خانوادگی برای من پیش آمد، خواهری داشتم که نزد ما زندگی می‌کرد و آمدند و او را دستگیر کردند و دستگیری‌های بسیار عجیبی بود، مرتب دستگیر می‌کردند و چند روز نگه می‌داشتند و گاهی در بیابان‌ها رها می‌کردند و گاهی در گوشه‌ی دیگری از شهر، و عمدتاً اصرارشان این بود که روابط ما را بتوانند از او بپرسند که ما با چه گروه‌هایی ارتباط داریم و چه جلساتی در منزل داریم و چه مسایلی را تعقیب می‌کنیم. بعد در همان رابطه هم به منزل ما ریختند و آنجا را بازبینی کردند و چند روزی هم در کمیته، کمیته‌ی کذابی آن‌روز بود که دومین دستگیری بنده بود. البته آن مسأله حدود یک‌ساله ادامه داشت و بعد دیگر ظاهراً تمام شد، ولی تحت مراقبت بودم. مکرر به مرکز ساواک احضار می‌شدم. در سال ۵۶ و ۵۷ سه نوبت مجدداً دستگیر شدم، یک نوبت در شیراز بود که هنگام حکومت نظامی بود و سخنرانی‌ها ممنوع بود و ما در دانشگاه شرکت داشتیم برای سخنرانی. روز بعد هم سخنرانی انجام شد. هنگام بازگشت راه‌ها را بستند که با لباس میدل به‌نحوی وارد دانشگاه شدم و در اجتماع عده‌ی زیادی از دانشجویان و اساتید که شرکت داشتند، سخنرانی کردم و هنگام بازگشت در هواپیما بازداشت شدم و بعد از چند روزی منتقل کردند به تهران و دو نوبت دیگر هم مجدداً در همان حوادث دستگیر شدم. ولی می‌دانید که آن‌سال‌ها چندان طولی نداشت. یک نوبتش جالب بود که ماه رمضان بود، ماه رمضان سال آخر، اجتماعی کرده بودیم در دریا، عده‌ای از علما و روحانیت مبارز جمع شده بودند که برنامه می‌ریختند برای تظاهرات و راه‌پیمایی‌ها و از این قبیل مسایل، که کشف کردند و ما ۳۰ نفر بودیم. آنجا را محاصره کردند. بعضی از ما را بین راه و بعضی را داخل منزل دستگیر کردند که بنده و آیت‌الله موسوی اردبیلی را در خیابان دستگیر کردند و ما را بردند، ولی باز مدت کوتاهی بود.

این خلاصه مسایلی بود که تا قبل از پیروزی انقلاب داشتیم که البته یکی دو نکته را هم اشاره کنم که عضویت در شورای انقلاب بود که در جریان هستید و یکی، مقدمات تأسیس حزب جمهوری اسلامی بود که باز در همان سال ۵۷ مشغول بودیم با دیگر برادران و آخرین مسؤولیتی که از طرف امام قبل از پیروزی انقلاب به من داده شد، ابلاغ فرمودند که کمیته‌ی تنظیم اعتصابات را ما تشکیل بدهیم و هدف آن کمیته این بود که به اعتصابات دامن یزنیم اما در مواردی که مثل گندم و سایر لوازم ضروری زندگی، آن‌ها را بتوانیم تنظیم کنیم، بسیار خاطره‌انگیز بود. قبل از پیروزی انقلاب که همه‌جا اعتصابات دامن زده می‌شد و ما در جریان مسایل بودیم. بعد که انقلاب به پیروزی رسید، باز یادداشتی دیگر از امام داشتیم که قرار شد، برای تنظیم امور مدارس، گروهی را تشکیل بدهیم، چون مدارس بایستی بعد از پیروزی انقلاب بازمی‌شدند و ما نگران بودیم که چه خواهد شد؟ آیا مدارس را به راحتی می‌شود باز کرد؟ خدمت امام که مذاکره شده بود، ایشان دستور فرمودند که گروهی را تشکیل بدهیم برای تنظیم امور مدارس. برادرانی را دعوت کردیم و به سرعت سازماندهی کردیم و حدود ۱۰۰ نفر را توانستیم از خواهران و برادران آماده کنیم که روز افتتاح مدارس، این گروه پخش شود در مدارس تهران و آن‌جاها رهنمودهایی بدهند و مراقبت‌هایی بکنند و خیلی هم خوب برگزار کردند و ادامه همان جریان بود که برادرمان آقای رجایی جزو همان چندنفری بودند که مسؤول سازماندهی تنظیم امور مدارس بودند که حتی وقتی اولین وزیر، آقای دکتر شکوهی از طرف دولت موقت تعیین شد، آقای رجایی و چند نفر دیگر در همین وزارت‌خانه به‌عنوان مشاورانی بودند که در واقع نقش بسیار فعالی را برای سازماندهی جدید وزارت آموزش و پرورش به‌عهده داشتند.

خبرنگار - با تشکر از این‌که مختصری از تاریخچه‌ی زندگی و مبارزات سیاسی خویش را در اختیارمان گذاردید، چند سؤال مطرح است که خدمتتان عرض می‌کنم: بفرمایید چند خواهر و برادر هستید، لطفاً بیشتر توضیح دهید؟

دکتر باهنر - خانواده ما تشکیل شده از شش خواهر که همه ازدواج کرده‌اند، حتی بعضی از فرزندان آن‌ها از جوانانی هستند که در حال حاضر مشغول انجام وظیفه می‌باشند؛ از جمله بد نیست چندتایی را نام ببرم. مجتبی هاشمی که معاون استانداری آذربایجان غربی است و

یکی دیگر هم دانشجویست و در همان استانداری مشغول است و برادر دیگرش هم در سپاه خدمت می‌کند و هستند دوسه تایی که اکثراً در نهادهای انقلابی و مدارس مشغول هستند و دو برادر دارم که یکی فارغ‌التحصیل از دانشکده علم و صنعت در رشته‌ی مهندسی است و در جریان مبارزه هم بود. ایشان هم در استانداری کرمان معاونت سیاسی دارد و برادر دیگرم در مسیر انقلاب، ایشان هم عهده‌دار سمت بخشداری یکی از توابع کرمان می‌باشد.

خبرنگار - بفرمایید در چه سالی ازدواج کرده‌اید و هم‌اکنون چند فرزند دارید؟
دکتر باهنر - ازدواج من و همسرم در سال ۱۳۴۴ در تهران اتفاق افتاد. همسرم از یک خانواده متوسط کاسب است و هم‌اکنون چهار فرزند دارم، دو پسر و دو دختر که بزرگ‌ترینشان سال اول نظری است و کوچک‌ترینشان ۳ سال دارد.

خبرنگار - آقای دکتر در صحبت‌هایتان فرمودید درس خارج، لطفاً کمی در این مورد توضیح دهید؟

دکتر باهنر - در حوزه‌های علمیه تقریباً تحصیلات در سه مرحله است. یکی مرحله دوره‌ی مقدماتی است که در آن مراحل ادبیات و معانی بیان، قسمتی منطق و مقدماتی از فقه و غیره که گاهی سه سال طول می‌کشد و گاهی ۴ سال. بعد از آن دوره‌ی سطح است. سطح، درس‌های بالاتر است. فقه و اصول و فلسفه و منطق در سطح بالاتری است و این‌ها از روی متون و کتاب‌ها خوانده می‌شود؛ یعنی استاد، کتاب‌های معینی را درس می‌دهد. متن درس مشخص است.

مرحله‌ی سوم، درس خارج است. یعنی آن‌جا دیگر جنبه‌ی تحقیق پیدا می‌کند، درس متن معین نیست که از روی صفحه و سطر به سطر بخوانند و درس بدهند. استاد یک بحث را عنوان می‌کند و بایستی به چندین منبع مراجعه شود. معمولاً خلاصه درس را شاگرد می‌نویسد، بعد مجبور است برای بررسی همین درس گاهی به ده‌ها کتاب مراجعه کند. به روایات مربوط به آیات و غیر ذالک مراجعه کند و در واقع درس خارج یعنی: درسی تحقیقی خارج از یک متن خاص که به صورت گسترده عنوان می‌شود و معمولاً افراد می‌توانند در این سطح به درجه اجتهاد هم برسند. این دیگر بستگی به ذوق و علاقه دارد که تا چه حد پیش برود.^(۱)

نظر شهید باهنر درباره‌ی تأسیس حزب جمهوری اسلامی

س - انتخاب نام حزب تحت عنوان جمهوری اسلامی به چه علت بوده است؟ آیا این نوعی سوءاستفاده نیست؟

ج - به نظر من این اصلاً حسن تدبیر و هوشیاری تبلیغاتی و اجتماعی یک حزب هست که بتواند درست در مسیر خواسته‌های به حق یک ملت شعارهای به حق یک مبارزه، حرکت کند و ما از آن جا، واقع امر این بود که حزب را در متن انقلاب و در بستر اصلی و راستین انقلاب می‌دانستیم؛ یعنی نظر این نبود که جناح‌های خاصی را در حاشیه این بستر انقلاب جلب کرده باشد به صورت گروه‌های انتقادکننده و یا دارای موضع‌ها و ایدئولوژی‌های خاص فردی، حزب از پدیده‌های انقلاب بود؛ در بستر انقلاب بود و لذا بایستی از ملموس‌ترین، شایسته‌ترین و آشنا‌ترین شعار و اصلاحات استفاده کند.

س - شایعات مختلفی در مورد تأمین بودجه‌های حزب مطرح هست و صحبت‌های مختلفی در این زمینه شنیده می‌شود؛ از گرفتن سهم امام و تأیید امام در این زمینه این را لطفاً بازش کنید که این بودجه از کجا تأمین می‌شود؟

ج - حزب دقیقاً ادامه همان حرکت انقلابی اسلامی توده مسلمان ما بود و به خاطر دارید که

در گذشته، مبارزه این نهضت خرج‌های فراوانی داشت. نهضت ما آن‌همه مسافرت‌ها، تکثیر نوارها، پخش اعلامیه‌ها، پخش کتاب‌ها، تشکیل محافل تدارکاتی که برای راه‌پیمایی و تظاهرات انجام می‌شد و غیره و ذالک. همه‌ی آنها احتیاج به بودجه‌هایی داشت و همان‌طور که می‌دانید در گذشته، بودجه این حرکت و نهضت اسلامی از طریق خودیاری مردم و گذشت‌هایی که افراد می‌کردند حتی بعضی از نان شبشان و زندگی روزمره‌شان می‌گذشتند و مقداری را صرف کارهای مبارزه می‌کردند. به همین ترتیب مردمی که در حزب گرد آمدند و همکاری اعلام کردند با تشکیل حزب دقیقاً تشکیلات حزب را به‌عنوان یک حرکت اسلامی و خدمات فی‌سبیل‌الله تلقی می‌کردند و می‌کنند و بنابراین به صورت‌های مختلف در کمک به‌اداره حزب می‌کوشند. علاوه از آن خود مسأله وجوه و سهم امام همان‌طوری که می‌دانید از مصارفش فقط اسلام است و پیشبرد تبلیغات اسلام و خدمات اسلام است و فقط کیان امت اسلام است و بنابراین اگر فعالیت‌هایی انجام می‌شود به‌صورت تبلیغات، انتشارات، تشکیل مجامع و یا مراسمی که دقیقاً در خط انقلاب اسلامی است، پوستره‌های تبلیغاتی که برای ارشاد و بسیج عمومی مردم هست برای اسلام و انقلاب اسلامی. اینها همه مسایلی که در خط امامت و قرآن و رهبری است و بنابراین از وجوه شرعی می‌توان در این راه مصرف نمود. گذشته از این مقداری هم به صورت قرض‌الحسنه گرفته شده و من فکر می‌کنم که این سوال را از بسیاری از سازمان‌ها و کانون‌ها و احزاب دیگر باید کرد.^(۱)

مصاحبه‌ی شهید باهنر با مجله‌ی نیوزویک در پاییز سال ۱۳۵۸

س - آیا به‌نظر شما این صحیح است که از نظر فرم حکومتی و دولتی تمام مسؤلیت‌ها با توجه به‌سن ایشان بر دوش امام باشد؟

ج - اولاً ارگان‌های اجرایی وسیع است. شورای انقلاب، دولت، وزرا و ارگان‌های مختلف دیگر برای اداره‌ی حکومت وجود دارد و برای نظام آینده هم به‌طور گسترده رئیس‌جمهور، مجلس شورا، نخست‌وزیر و شوراها‌ی متعدد پیش‌بینی شده است، اما مسأله‌ی رهبری و مقام رهبر مخصوصاً در یک انقلاب ایجاب می‌کند که به‌طور قاطع در مسایل حسّاس در سیاست خارجی و داخلی، رهبر به‌طور قاطع اظهارنظر نماید و الاّ کشور بعد از انقلاب با توجه به از هم‌گسیختگی که معمولاً در دوران بعد از انقلاب کشورها به‌مراه است اگر با تمرکز و قاطعیت رهبری توأم نباشد، نمی‌تواند اداره بشود، و مسأله سن ایشان با توجه به‌قدرت حقوقی و رهبری و مدیریتی که در ایشان سراغ داریم، مانع کارآیی ایشان نیست و ایشان کار رهبری خود را ادامه می‌دهند و همیشه تأکید براین دارند که حکومت آینده مستقر بشود تا وظایف ایشان کمتر شده، به‌عهده مردم گذاشته شود. به‌همین دلیل ما برای تصویب قانون اساسی اقدام

کردیم و تا یکی، دو ماه دیگر هم مسأله‌ی ریاست‌جمهوری و انتخابات مجلس انجام خواهد شد و ان‌شاء‌الله مسؤلیت ایشان کمتر می‌شود.

س - همان‌طوری که فرمودید هر انقلابی یک چنین مسائلی را پیش می‌آورد و طبیعی است که عدم وجود یک رهبر قاطع باعث از هم پاشیده‌شدن همه‌چیز خواهد شد، ولی با توجه به‌سن امام اگر خدای نکرده اتفاقی برای ایشان بیفتد، بعد از ایشان چه می‌شود؟ آیا واقعاً از هم پاشیده می‌شود یا این‌که کسی هست بعد از ایشان که همین قاطعیت و همین محبوبیت را داشته باشد؟

ج - یکی از بزرگ‌ترین پشتوانه‌های انقلاب ما نیروی آگاه و رشدیافته ملت ماست در انقلاب، ملت ما ساخته شدند و بخش عظیمی از رهبری پر دوش خود مردم است. این مردمنده که تصمیم می‌گیرند و کارآیی رهبری امام هم در همین است که دقیقاً در جهت خاص اراده مردم و همگام با مردم حرکت کرده‌اند، ما در جریان مبارزه هم به‌خوبی احساس می‌کردیم که این ملت بودند که تصمیم می‌گرفتند و حرکت می‌کردند و مقاومت می‌کردند. گذشته از این، افراد و گروه‌هایی هم هستند که می‌توانند بار رهبری را به‌دوش بکشند، منتها ما با وجود شایستگی‌های فوق‌العاده‌ای که از لحاظ رهبری در امام سراغ داریم مصلحت انقلاب را در این می‌بینیم که ملت با رهبری متمرکز و واحد امام، بسیج خود را ادامه بدهد. در هر حال برای آینده نگرانی وجود ندارد چون ملت ما تصمیم گرفته است تا آزاد زندگی نماید و کشورش را بسازد و با ظلم و استعمار و سلطه‌ی بیگانه مبارزه نماید. ملت راه خود را یافته است و ما مطمئن هستیم که این ملت در تمام فراز و نشیب‌های آینده‌ی انقلاب خویش می‌تواند به آرمان‌های خود دست یابد.

س - آیا کسانی که جانشین امام هستند، گروه‌ها هستند؛ مثلاً همین شورای انقلاب است؟

ج - بله! اینها هم هستند و خود مردم هم رشد پیدا کرده‌اند و نمی‌گذارند راهشان منحرف شود و ما عمیقاً مسأله را احساس می‌کنیم. مسأله این نیست که مردم منتظر باشند تا فرد دیگری آنها را رهبری کند، خود مردم تصمیم می‌گیرند.^(۱)

مصاحبه شهید دکتر باهنر با روزنامه‌ی اطلاعات در مورد گروگان‌ها در تاریخ ۱۰/۸/۱۳۵۹

س - آیا برای آزادی گروگان‌ها علاوه بر چهار شرط اصلی که رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی تعیین کرده‌اند، شرایط فرعی هم از سوی کمیسیون ویژه در نظر گرفته شده است یا خیر؟

ج - پیشنهادهای کمیسیون ویژه در چهارچوب همان رهنمودهای امام امت است. فقط یک مقداری حواشی دارد که جزئیات آن مورد بحث مجلس است.

س - اگر آمریکا شرایط ایران را نپذیرد، آیا گروگان‌ها محاکمه خواهند شد؟
ج - بسته به این است که در متن پیشنهاد کمیسیون ویژه چه شرایطی در نظر گرفته شده باشد و به‌رحال منطقی است که شرایط تعیین شده همراه با پیش‌بینی‌ها باشد که یک‌نوع تضمین برای اجرای شرایط فراهم آورد.

س - چنان‌چه روز یکشنبه مجدداً حدّ نصاب لازم برای تشکیل جلسه‌ی علنی فراهم نشود و عده‌ای از نمایندگان بخواهند مجلس را از اکثریت ببندازند، موضوع گروگان‌ها چگونه حل می‌شود؟ و اصولاً در این صورت آیا حکمیت امام امت را در

این زمینه لازم می‌بینید؟

ج - براساس قانون، اگر مجلس بخواهد موضوع را به امام امت ارجاع بدهد، باید به‌طور رسمی آن را تصویب کند مگر آن‌که امام خود مصلحت بدانند و حقی را که به مجلس داده‌اند، پس بگیرند و شخصاً در این قضیه اتخاذ تصمیم کنند که اصولاً من فکر نمی‌کنم چنین شرایطی به‌وجود آید و احتمال قوی این است که با پیش‌بینی‌هایی که به‌عمل آمده، روز یک‌شنبه جلسه تشکیل شود؛ چه آن‌عده از نمایندگان که با وجود حضور در مجلس در جلسه‌ی علنی شرکت نکردند، اعتقادشان این است که مسأله گروگان‌ها پیش از انتخابات آمریکا مطرح نشود و با توجه به این‌که انتخابات آمریکا روز سه‌شنبه انجام می‌شود، طبعاً طرح مسأله در روز یک‌شنبه تأثیری بر انتخابات آمریکا ندارد. پس به این ترتیب موضوع خود به‌خود منتفی است و مراحل رسیدگی به‌وضع گروگان‌ها به‌طور عادی طی می‌شود، و در نهایت باید توجه داشت که موضوع گروگان‌ها به قضیه‌ی انتخابات آمریکا و نه به قضیه جنگ با عراق ارتباطی ندارد.

س - آیا اظهارنظر شورای نگهبان در مورد تصمیم مجلس برای اعلام شرایط آزادی گروگان‌ها ضرورت دارد؟ و اصولاً شورای نگهبان دخالتی در این مورد دارد؟

ج - ظاهراً این یک طرح با لایحه‌ی قانونی نیست که شورای نگهبان بخواهد روی آن اظهارنظر کند و بر فرض هم که نظر شورای نگهبان ضروری باشد، فکر می‌کنم از این لحاظ مشکلی وجود نداشته باشد.^(۱)

نظرات شهید رجایی درباره‌ی سیاست خارجی

خط «نه شرقی - نه غربی»، محور حرکت ماست و ایدئولوژی اسلامی هم معیار برخورد ما با دولت‌های خارجی است؛ یعنی این‌که ما تمام توانمان را به کار می‌بریم که روی خط اسلام مستقل از شرق و غرب حرکت کنیم.



هر دو کشور در مورد خاتمه جنگ صحبت کرده‌اند، ولی موضع لیبی و الجزایر کاملاً متفاوت بود. لیبی با ما هم‌موضع بود؛ وقتی گفتیم آخرین سخن را در قبرستان ارتش فریب خورده صدام - یعنی در خونین شهر - خواهیم گفت، نماینده‌ی لیبی بسیار خوشحال شد و در حقیقت به‌وجود آمد و خیلی برایش مسأله جدی بود و خودش را کاملاً در این خط می‌دید ولی الجزایر در ابتدا توصیه می‌کرد به ترتیبی من شرایط آتش‌بس را اعلام کنم وقتی برای او صحبت کردم که شرایط آتش‌بس برای ما بی‌معنی است و نمونه‌هایی از انقلاب خودشان و مسایلی که در رابطه با فرانسوی‌ها داشتند، گفتم، بعد آنها هم گفتند: حق با شماست و سعی می‌کنیم به‌زودی موضع خودمان را اعلام کنیم.



روابط بین ما، و سوریه پیوندی قدیمی است و تازگی ندارد ولی این رابطه، با جنگ تحمیلی عراق و ایران تیلوری خاص پیدا کرده است و ما با سوریه روابط حسنه داریم. سوریه را به عنوان یک کشور مسلمان می دانیم؛ چون انقلاب ما اسلامی است و محتوی مذهبی دارد. هرچقدر که معیارهای ما در سوریه بیشتر پیاده شود، سوریه را بیشتر به خط اسلام نزدیک می بینیم. طبیعی است که رابطه‌ی خود را با آن تقویت می کنیم. دنیا را هم اسلام نجات می دهد و این تنها راه پیروزی ماست. ما جنگ اعراب و اسرائیل را هم جنگ مسلمانان و صهیونیست می دانیم و اصرار داریم در آن صورت یک پیوند اعتقادی عمیق در آن جنگ نمودار باشد و اخیراً هم از حمله‌ی اسرائیل به سوریه اطلاع پیدا کردیم. یک بار دیگر موضع خودمان را نسبت به این حکومت پوشالی و دست نشانده‌ی آمریکا اعلام می کنیم.



ملت مسلمان ایران با الهام از تعالیم انسان ساز (ﷺ) و اسلام و با عزمی راسخ تا پیروزی نهایی و گسترش عدالت در جهان به مبارزه خویش ادامه خواهد داد تنها تداوم این مبارزات است که به تحکیم برادری بین ملت های ایران و الجزایر و رهایی ملل تحت سلطه و تعالی انسان ها خواهد انجامید.



جمهوری اسلامی ایران با ملل مستضعف و تحت ستم قاره‌ی آفریقا، پیوندهای عمیق و ناگسستنی احساس می کند. جمهوری اسلامی ایران خواستار آن است که مسایل قاره‌ی آفریقا به وسیله‌ی خود آفریقاییان و بدون دخالت ابرقدرت ها حل و فصل شود. دولت ایران که بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران کلیدی روابط سیاسی و اقتصادی خود را با اسرائیل غاصب و نیز رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی قطع نموده است خواستار تشدید مبارزه بر علیه نژادپرستان آفریقای جنوبی است و قویاً بر این اعتقاد است که استقلال سرزمین نامیبیا جز از راه ادامه و تشدید مبارزه قهرآمیز مقدور نیست. ما از تلاش های دولت جدید چاد برای برقراری صلح و آرامش در این کشور حمایت نموده و خواستاریم که موضوع با تشریک مساعی خود آفریقاییان و بدون دخالت قدرت های خارج از قاره و دولت های مزور وابسته به امپریالیسم حل و فصل شود.



متأسفانه عربستان سعودی خود تصمیم‌گیرنده در مسایل نیست و آواکس‌هایی هم که آن‌جا هست، خود آمریکا استفاده می‌کند این است که من برای موضع عربستان سعودی ارزش اصولی قایل نیستم.



متأسفانه کشورهای سوسیالیستی دارند، ضعف‌های ایدئولوژی و شخصیتی خودشان را نشان می‌دهند. ما مسلمانیم و به جهانی‌بودن اسلام عقیده داریم. ما به خدا توکل داریم و از این‌رو مدافع حقیقت هستیم، حتی اگر به‌زیان منافع شخصی ما باشد در حالی که دیگران همیشه منافع شخصی خود را در نظر دارند. اگر یک کشور سوسیالیستی قصد کمک به ما را دارد، باید حسن نیت خود را با نبرد علیه امپریالیسم نشان دهد حتی اگر به‌زیان منافع شخصی‌اش باشد. هنگامی که ایالات متحده روابط دیپلماتیک خود را با ما قطع کرد و ما را تحریم اقتصادی کرد، این کشورهای به اصطلاح سوسیالیست مستقیم یا غیرمستقیم در کنار آن قرار گرفتند، کشورهای سوسیالیستی از حقیقت حمایت نمی‌کنند.



این‌که ما در جوامع بین‌المللی نقش انقلاب اسلامی خود را ایفا کنیم و آنها را از این حالت تشریفات و پوچی و حالت صرف اداری بیرون بیاوریم آنها را فعال کنیم. به نظر ما وقتی مجمع کشورهای غیرمتعهد تشکیل می‌شود، کشورهای عضو شرکت‌کننده باید بدانند که عدم تعهد نسبت به ابرقدرت‌ها است نه به چیزهای دیگر، باید این کنفرانس عدم تعهد را به دنیا ثابت کند. فعلاً ایران کشوری است که با یک جنگ تحمیلی از طرف رژیم صدام و متجاوز آشکار به دادخواهی می‌نشیند. حق نیست که این کنفرانس بگوید: جنگ نکنید و بدون این‌که متجاوز را شناسایی کند رأی صادر کند، این فقط سرگرمی است نه کنفرانس غیرمتعهدها! به قول یکی از معدومین قبلی، این نوع کنفرانس‌ها حکم یک باشگاه را دارد و حکم سیاسی ندارد. در هر صورت ما باید با حضور خود این نوع کنفرانس‌ها و مجتمع‌ها را به راهی بکشیم که با اسمشان تناقض نداشته باشد.



مردم ما برای ساختن یک جمهوری متکی به اسلام قیام کرده‌اند و از هر واقعه‌ای برای متکی شدن به خود بهره‌برداری خواهند کرد. پس از نظر مادی و سلاح‌های نظامی ما معتقدیم که تمام اینها می‌بایست برای نابودی صهیونیسم در قدس به کار رود.



اطمینان دارم با تکیه بر وحدت مسلمانان و همگام با کلیدی ملل محروم تحت سلطه جهانی، می‌توان به تجاوزات امپریالیسم جهانی و صهیونیسم اشغالگر پایان داد. به امید روزی که مسلمانان، بیت المقدس و سایر ممالک اسلامی را از اشغال بیگانگان و سلطه‌ی ایادی‌شان آزاد سازند.



سلام بر نخستین قبیله‌ی مسلمین جهان؛ سلام بر بیکر خونین قدس؛ بیش از ۴۰ سال است که سرزمین عزیز و مبارک قدس تحت اشغال صهیونیسم بین‌المللی است، در حالی که ملل مسلمان جهان برای تجات قدس عزیز از چنگال صهیونیسم و امپریالیسم جنایتکار آمریکا روزشماری می‌کنند و آماده هرگونه ایثار و جانپنازی هستند. پاره‌ای از دولت‌های مرتجع و وابسته که خود را به ملت‌های مسلمان تحمیل کرده‌اند به جای مبارزه با اسرائیل غاصب به دستور امپریالیسم و با گلوله‌های آمریکایی خود سینه‌ی مسلمین را می‌شکافند و با تجاوز و کشتار و جنگ‌افروزی می‌کوشند تا افکار مسلمین جهان را که آخرین نمونه آن رژیم دست‌نشانده‌ی صدام کافر در کشور عراق است، اما ملل محروم و مستضعف در ممالک اسلامی اطمینان دارند که وعده خدا حق است و حاکمیت زمین از آن مستضعفان است و روزی به دست همین مردم مستضعف و محروم دروازه قدس به روی مسلمین گشوده خواهد شد. اینک روز جهانی قدس روز مقابله مستضعفین با مستکبرین، روز تجهیز معنوی مسلمین در برابر صهیونیسم اشغالگر و امپریالیسم تجاوزکار از راه می‌رسد. این روز را که روز همبستگی و روز تجلی کامل وحدت ملت شهیدپرور ایران و روز همبستگی ما با ملت محروم فلسطین است، با شکوه هرچه تمام‌تر برگزار می‌کنیم و با فریاد دشمن شکن مرگ بر امپریالیسم، مرگ بر آمریکا به ندای رهایی‌بخش رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی لبیک می‌گوییم.



چون ما به خاک کشوری تجاوز نکردیم. ما از موجودیت خود دفاع می‌کنیم و این هم حق ماست. توقف در این مسأله یک امر غیراصولی است. ما منتظر نیستیم که شورای امنیت برای ما کار کند زیرا که برادران و خواهران ما در خونین‌شهر حرف خود را به کرسی می‌نشانند. کسانی که اسلحه به دست می‌گیرند و در میدان شهید می‌شوند، به تصمیم‌گیری‌های سازمان ملل احتیاجی ندارند.



تعالیم اسلامی و تجربیات تاریخی به ما نشان داده است که جز با توکل به **(الله)** و تکیه بر مردم، پیروزی و غلبه بر مشکلات میسر نبوده و نخواهد بود؛ لذا با توجه به حقیقت بالا، شرکت ما در این شورا به منظور دادخواهی و یا انتظار رفع تجاوز نیست. رجا و اتق داریم که اولاً شورای امنیت با پذیرش حق و تو برای زورمندان و دارا بودن مشکلات دیگر عملاً قادر به خدمت جدی به مال محروم و مستضعف جهان نیست و ثانیاً تاریخ گذشته این شورا مبین این حقیقت است که در مواردی نیز که این شورا قادر به اتخاذ تصمیمات اصولی تحت افکار عمومی جهان گردیده است، باز هم در اثر مخالفت با یک یا چند ابرقدرت ضمانت اجرایی برای تصمیمات مزبور نداشته است. عدم اجرای قطعنامه‌های این شورا درباره‌ی اسرائیل غاصب پس از ۱۳ سال و هم‌چنین درباره‌ی رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی گواه روشنی بر مدعای ماست؛ لذا حضور ما در این شورا صرفاً به دلیل رساندن ندای مظلومیت ملت مسلمان و به پاخاسته ایران به گوش مردم سراسر جهان و هشدار به آنها از جانب خطر سرکوب انقلاب و بازتاب آن بر مبارزات کلیه خلق‌های در بند می‌باشد.



مجامع بین‌المللی خیلی کوچک‌تر از این هستند که بتوانند به این مسایل رسیدگی کنند. این برادران و خواهران تاریخ‌ساز ما هستند که خودشان به این مسایل رسیدگی خواهند کرد.



در مجامع بین‌المللی چیزی عاید ما نمی‌شود و وقتی برای شرکت در سازمان ملل عازم بودم خدمت امام رفته و کسب تکلیف کردم. امام فرمودند از این مجامع چیزی عاید ما نمی‌شود.



مذاکره واقعی در جبهه‌ها صورت می‌گیرد و برادران رزمنده ما با گلوله‌های آتشین و خون‌های رنگین خود دارند، مذاکره می‌کنند و خوشبختانه پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای حاصل شده است.



موضع ما هیچ تغییری پیدا نکرده و اعضای غیرمتعهدها را نیز می‌پذیریم و همان طوری که قبلاً گفتیم، برای این‌که نشان دهیم جایی که گوش شنوا وجود داشته باشد ما حرف حقمان را حاضر هستیم، بگوییم و اما این مسأله به هیچ وجه به معنای صلح نیست.



قدرت سازمان ملل به نظر من کمتر از قدرت کشورهای غیرمتعهد است، برای این‌که باز امید در بین کشورهای غیرمتعهد است که به خودش متکی باشد در حالی‌که سازمان‌ها هرچه بزرگ‌تر می‌شوند در اختیار ابرقدرت‌ها قرار گرفته و در جهت آنها حرکت می‌کنند.

ابر قدرت‌ها و دشمنان خارجی انقلاب

هم‌چنین بار دیگر به ابر قدرت‌ها و مستکبرین جهانی اخطار می‌کنیم که با توجه به شکست‌های پایی، دست از تلاش‌های مذبحانه و توطئه علیه انقلاب اسلامی ایران برداشته و بدانند که رشد انقلاب الهی ما را که با خون شصت و پنج هزار شهید به ثمر رسیده و با خون هزاران شهید پس از انقلاب بارور گردیده، هرگز نخواهند توانست متوقف کنند.



از نظر ما ریگان و کارتر کسی نیستند که مستقلاً عمل کنند. اینها نماینده‌ی یک جریان در کشور آمریکا هستند و شما هم تجربه دارید و ما هم تجربه داریم که اگر در جهان حاکم در آمریکا از نظر اجتماعی، از نظر اقتصادی و سیاسی ایجاب بکند که جنگ باشد کارتر هم با آنها می‌جنگد و اگر ایجاب کند جنگ نباشد ریگان هم باشد نمی‌جنگد، آمریکا این طور نیست که ریگان یا کارتر مستقل بتوانند عمل کنند. به نظر من آنها عامل هستند در دست کارتل‌ها و تراست‌ها و آن کمپانی‌های بزرگ نفت و اسلحه و چیزهای دیگر هستند.



همان طوری که می‌دانید، آمریکا بعد از این که جواب منطقی ما را در رابطه با گروگان‌های ملتمان دریافت کرد، شروع کرد به عکس‌العمل‌هایی که اکثراً توطئه، از سر تا پای آن می‌باشد از خودش نشان داد و ما هم همین انتظار را داشتیم. بنده در نیویورک که بودم، اعلام کردم و به خانواده‌های آنها پیامی دادم که آمریکا به هیچ وجه نه مایل است که این مسأله حل شود و نه حتی دلش برای جان این ۵۲ نفر می‌سوزد بلکه او به دنبال یک جریان سیاسی است که خودش را شکست خورده می‌بیند و می‌گردد برای جبران این شکست.

ما در مسأله‌ی گروگان‌های ملتمان، تنها و تنها می‌خواستیم، ثابت کنیم که به وسیله‌ی آمریکا مورد تجاوز هستیم. آمریکا در کارهای داخلی کشور ما دخالت کرده و این را به همه دنیا نشان دادیم.



آمریکا ماهیت و طبعش این است که ما هم از قبل می‌شناختیم، بیخود نبود که امام می‌گفتند که هر چه فریاد دارید بر سر آمریکا بزنید، می‌شناسیم ما شیطان بزرگ را، می‌شناسیم؛ منتهی ما از قرآن الهام می‌گیریم که کید این شیطان هم بسیار ضعیف است و پیروزی نهایی با ما است.



ماهیت آمریکا برای ما روشن است، برای ما کارتر و ریگان فرقی ندارند. ما می‌دانستیم که برای آنها حقوق بشر هم مسخره است.



از نظر من ریگان و همه آنهايي که مثل ریگان فکر می‌کنند، محکوم به نابودی هستند. کردها که با سایر ایرانیان نیز رفتار غیرانسانی داشت ولی ما چنین نیستیم. مارکسیست‌ها می‌گفتند که فقط خودشان می‌توانند در ایران انقلاب کنند اما معلوم شد که فقط لاف می‌زدند. اسلام، انقلاب کرد و آنها شکست خوردند. این مارکسیست‌های شکست‌خورده با نام سوسیالیسم گرد در کردستان به این طرح‌های تفرقه‌افکنانه دست زده‌اند. اسلام که به یک ملت عقیده دارد ما اترناسیونالیسم هستیم و به یک ملت مسلمان عقیده داریم. عرب مسلمان یا گرد مسلمان معنی ندارد. آنها همه جزو یک کلیت هستند. مسلمانان ایران یا لیبی یا سوریه یا

نخست‌وزیر می‌شد، حتماً این مشکلاتی که انقلاب ما را به عقب انداخت، نبود. نظرتان در این مورد چیست؟ با توجه به این‌که خود شورای انقلاب نخست‌وزیری بازرگان را پیشنهاد داد؟

ج - درباره‌ی علت نخست‌وزیری آقای مهندس بازرگان در ابتدا نیاز به تحلیل مستقلی دارد و باید زمینه‌ی اجتماعی آن‌روز و توقعات مردم و امکانات را در نظر گرفت که ما در چه شرایطی به پیروزی رسیدیم و چه جناح‌های سیاسی در آغاز مبارزه حضور داشتند در جامعه، و چه نوع تبلیغاتی وجود داشت و آیا همان‌روز، در آغاز امکان داشت که امثال ما کاندیدا بشویم یا نه؟ به‌نظرم احتیاج به تحلیل مستقل دارد و در هر حال یک ضرورت تلخ تاریخی بود که در عین حال شاید چاره‌ای نبود و خلاصه، دلیل قضیه حضور بسیاری جناح‌ها و عوامل گوناگون اجتماعی در صحنه بود که بایستی فردی انتخاب می‌شد تا متناسب با این جناح‌های موجود بتواند، مقبولیت عمومی در جامعه داشته باشد.

س - نخست‌وزیر سابق و رئیس‌جمهور فعلی فردی است مکتبی، و شما نیز به‌حمدالله چنین هستید. با توجه به این نکته، چه تغییری در برنامه و سیاست‌های دولت ایجاد خواهد شد؟

ج - دولت آینده نسبت به دولت برادرمان رجایی از زمینه‌هایی، از نقطه‌های قوتی برخوردار است، با ملاحظه‌ی این‌که با کنار رفتن خطوط انحرافی بستر انقلاب و خروج لیبرالیسم و وابستگی به شرق و غرب از صحنه‌ی سیاسی کشور زمینه برای حاکمیت خط امام با هماهنگی و قاطعیت فراهم‌تر گشته است و موانع، در زمینه‌های سمپاشی، کارشکنی، جو‌سازی و دخالت‌های بی‌مورد سیاسی و خلاف‌کاری‌های قانونی در برابر دولت از بین رفته است؛ اما در مقابل، توقعات مردم مسلمان و انقلابی از دولت ما بیشتر خواهد بود، از آن‌رو که یک پارچه، این دولت و همه‌ی ارگان‌ها را در خط امام می‌دانند و موانع را برطرف‌شده می‌پندارند و بدین ترتیب توقع دارند که همه‌ی نابسامانی‌ها هرچه زودتر رفع گردد و این مشکل کار است که باید با دقت، کلیه‌ی زمینه‌های مشکلات موجود اقتصادی، سیاسی، امنیتی و اجتماعی که ناشی از فسادهای گذشته‌ی زمان رژیم شاهنشاهی و دخالت‌های خیانت‌بار و انحرافی جناح‌های سیاسی ضد مکتبی و ضد خط امام در دو، سه ساله‌ی بعد از انقلاب وجود

۱۲۰ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

داشته است، تشریح گردد و به روشنی برای مردم مشخص شود و با بسیج توده‌ها و همکاری جدی و مستقیم و صادقانه توده‌های عظیم میلیونی به‌سازندگی جدید متناسب با آرمان‌ها و نیازهای امت انقلابی اقدام شود.

فروریختن یک نظام سیاسی، اجتماعی، فرهنگی برای جایگزینی نهاد مطلوب و نهایی و متناسب با آرمان‌های انقلابی، فاصله‌ای طولانی در پیش است و ما این دگرگونی‌های پی‌در پی و عدم ثبات را تشبیه می‌کنیم به آن حالت تب و بحرانی که با جراحی وسیع در بدن یک انسان بیمار به‌وجود می‌آید و این دوران تب‌آلود سرانجام به‌پایان خواهد رسید و بیمار جراحی‌شده، سلامت خودش را بازخواهد یافت و به‌زندگی عادی خود خواهد رسید.

س - در مورد یکی، دو نفر از وزرایی که در کابینه‌های سابق نیز بوده‌اند، اشکالاتی از طرف نهادهای انقلابی و انجمن‌های اسلامی گرفته شده است، در این‌باره چه تصمیمی در ضمن تشکیل کابینه خواهید گرفت و این اشکالات چه تأثیری در تصمیم‌گیری شما خواهد داشت؟

ج - ما برای تشکیل کابینه‌ی جدید و تصمیم‌گیری درباره‌ی وزرای گذشته مشورت‌های فراوانی با افراد صاحب‌نظر و هم‌چنین انجمن‌های اسلامی، نهادهای انقلابی، نمایندگان مجلس و مسؤولان متعهد و صدیقمان کرده‌ایم و می‌کنیم، اما همه‌ی پیشنهادها و اظهارنظرهای گوناگونی که انجام می‌شود و متأسفانه مواردی هم سراغ داریم که حتی از طرف جناح‌های اسلامی و نهادهای انقلابی در موارد خاصی نظرهای مخالف یکدیگر داده می‌شود. ما برای این‌که اصالت انتخاب را رعایت بکنیم، به‌همه‌ی این گزارش‌ها و پیشنهادها و اظهارنظرها با دقت گوش می‌دهیم و بعد با جمع‌بندی کل این نظرات و از طرفی با توجه به مشکلات و مسایلی که در هریک از این وزارت‌خانه‌ها وجود دارد و ضرورت‌ها و الویت‌هایی که وجود دارد، ناگزیریم که انتخاب نهایی را بکنیم و امیدواریم که در این انتخاب‌ها بیشترین هماهنگی وجود داشته باشد.

س - مسؤولین کشور یک تشکیلات جنبی در کنار تشکیلات حکومت دارند، خط حاکم بر آن تشکیلات تا چه اندازه بر سیاست کشور مؤثر است؟

ج - تشکیلات سیاسی که تعدادی از مسؤولان کشور در آن هستند باری و آرمانی جز

همان آرمان‌های انقلاب و سیاست حاکم بر خط امام ندارد، و لذا، در مواضع سیاسی - ایدئولوژیک، طرح‌های اقتصادی و نظامی و بین‌المللی، از طرف تشکیلات سیاسی و نظام اجتماعی حاکم، ناهمگنی و عدم تفاهم نیست، بلکه مکمل و مؤید یکدیگر است.

س - برای تأمین کسری بودجه و با توجه به عدم همکاری اقتصادی از طرف کشورهای دیگر، چه برنامه‌ای دارید؟

ج - ملت ما به شرایط سخت عادت کرده. ما جنگ را به باری خدا پشت سر خواهیم گذاشت و سطح تولید نفت را به حدودی که پیش‌بینی شده است و در تنظیم بودجه، مورد نیاز ارزی ماست، بالا خواهیم برد و هم‌زمان برای بالا بردن سطح تولید کشاورزی و بازسازی صنایع و احیای تولیدات سنتی و توسعه‌ی صادرات در طرح‌های کوتاه‌مدت و درازمدتی که خواهیم داشت، خواهیم پرداخت.

س - مسأله‌ی مالیات تقریباً متوقف شده است، آیا تجدید نظام مالیاتی برای کمک به بودجه در نظر گرفته نشده است؟

ج - البته یکی از مشکلات دو، سه سال بعد از انقلاب ما همین تزلزل وضع مالیاتی بوده و آن هم تحلیل‌های خاص اجتماعی، سیاسی دارد. البته، جزو برنامه‌ی ما تهیه یک نظام مالیاتی قوی است که در آن بیشترین تکیه روی درآمدهای بیشتر و سرمایه‌های زیادتر باشد و در دولت برادرمان رجایی این مسأله مطرح بود، اما تهیه‌ی نظام مالیاتی جدید به علت نبودن وزیر دارایی، طی چند ماه مشکلاتی که بنی‌صدر ایجاد می‌کرد به تأخیر افتاد و برادرمان دکتر نمازی مدت کوتاهی است که تصدی این مسأله را پذیرفتند و جزو وظایف و برنامه‌های ایشان، تهیه‌ی نظام مالیاتی است که ما در این زمینه تأکید بیشتری خواهیم کرد و هیئت دولت مطمئناً این مسأله را تعقیب می‌کند، تا به ثمر برسد.

س - در دولت ایده‌آل اسلامی که در اذهان هست و می‌توان گفت در زمان حضرت علی علیه السلام پیاده شد، مسأله‌ی خمس، زکات و جزیه به عنوان مالیات اساسی مطرح بوده،

این مسأله در جمهوری اسلامی به چه صورت خواهد بود؟

ج - البته در اسلام مسأله اتفاقات به صورت‌های گوناگون و در رأس آنها به صورت زکات و در موارد خاص به صورت خمس مطرح است و نظام مالیاتی ما ضمن آن‌که باید ناظر باشد

به مبانی اسلامی و در واقع مجوز فقه اسلامی داشته باشد اما عمدتاً متوجه آن زمینه‌های اختیاراتی است که ولی امر مسلمین برای سازماندهی به جامعه‌ی اسلامی می‌تواند در اموال و درآمدها، مالیات‌هایی را تعیین کند.

س - در جامعه‌ی ما هنوز تعدیل ثروت نشده و می‌بینیم که یک قشر که سرمایه‌دار است، سود می‌برد و سود را بر علیه انقلاب اعمال می‌کند و یک قشر عظیم ملت که تقریباً کار می‌کند و استفاده را اکثراً دسته‌ی اول می‌برد. شما برای تعدیل ثروت چه برنامه‌ای دارید؟

ج - تاکنون، در این دو سال و نیم بعد از پیروزی، ما در زمینه‌ی نفی بانکداری، زمین‌خواری، سرمایه‌داری صنعتی توفیق‌های چشمگیری داشته‌ایم و هم‌چنین در زمینه‌ی مسدود کردن درآمدهای اداری و رسمی و از طرفی برای جلوگیری از اختلاس‌ها، سوءاستفاده‌ها، رشوه‌خواری‌ها و سودجویی‌های فراوان از بیت‌المال مسلمین در زمینه‌های بازرگانی و هم‌چنین سودجویی‌هایی که در زمینه‌ی توزیع انجام می‌شود، طرح ملی کردن تجارت و هم‌چنین سودجویی‌هایی که در زمینه‌ی توزیع، انجام می‌شود طرح ملی کردن خارجی، پیاده کردن اصل ۴۴ و کنترل توزیع و توسعه‌ی شرکت‌های تعاونی و تعدیل قیمت‌ها و مهار کردن تورم مطرح است. البته در زمینه‌ی مسایل کارگری و حقوق کارگر تلاش‌هایی در دو، سه سال اخیر به وجود آمده که هنوز کافی نیست، اما هرگونه اقدام چشمگیری که در این زمینه انجام می‌شود باید با توجه به شرایط خاص صنایع در حال دولتی‌شدن ما و تبدیل مدیریت‌ها و شرایط اقتصادی داخلی و خارجی صورت پذیرد. امروزه در ایران مسأله‌ای به صورت کارگر و کارفرما آن‌چنان‌که در گذشته بود، به طور گسترده در ایران وجود ندارد و همان‌طور که در گذشته هم تذکر دادم، همه‌چیز در حال دگرگونی و پذیرفتن شکل‌های تازه است و البته مطمئناً در این حالت انتقالی و بحرانی، زالوصفت‌هایی هستند که سودجویی‌های فوق‌العاده می‌کنند و اگر تاکنون امکانات در زمینه‌های دادگاهی، جزایی و تثبیت قیمت‌ها و مهار کردن سودجویی‌ها و یا تعدیل درآمدها در مواردی که هنوز مسأله کارگر و کارفرما وجود دارد، انجام نشده است، این به دلیل حالت انتقالی است از نظام خاصی و فرهنگ منحط به نظام اسلامی.

س - در رابطه با جنگ، ما می‌دانیم که ارتش نیرومند بوده و ملت هم با شروع جنگ انتظار بیشتری از نیروهای مسلح داشتند، و تا به حال همه‌ی کمبودها به حساب بنی‌صدر گذارده می‌شود. الآن با برکناری بنی‌صدر آینده‌ی جنگ را چگونه می‌بینید؟

ج - ما از همان آغاز برکناری بنی‌صدر، آثار مثبتش را دیدیم و احساس کردیم که جبهه‌ها فعال‌تر شده، آن روحیه‌ی سلحشوری اسلامی که همراه با نوعی صداقت و خلوص و شهادت‌طلبی و ایثار است سایه افکنده، چون جوّ سیاست‌کاری و فرصت‌طلبی و سوء بهره‌برداری از فداکاری برادران ایثارگرمان که توسط بنی‌صدر انجام می‌شد، از بین رفت و بنابراین زمینه‌ی حرکت برق‌آسا و ایثارگرانه‌ی رزمندگان ما فراهم گشت و ما مصرّیم و مطمئنیم که جبهه‌ها با نیروی قوی ایمانی و با یکپارچگی در بستر خط امام و اسلام به پیروزی چشمگیری نائل خواهند آمد و ما زمینه را کاملاً مساعد برای این پیروزی‌ها می‌بینیم و در این یکی، دو ماه گذشته هم کمتر روزی بوده است که ما شاهد پیروزی درخشان و امیدوارکننده‌ای نباشیم.

س - البته ارتش نیاز به اسلحه و قطعات دارد، با توجه به این‌که ایران هیچ وابستگی ندارد به شرق و غرب که کمک بکنند، اینها چطور تأمین خواهد شد؟

ج - اتفاقاً تصمیم بر عدم وابستگی به شرق و غرب و تأکید و پافشاری روی این سیاست، خود بسیاری از زمینه‌ها را در سراسر جهان برای ما به وجود می‌آورد تا بتوانیم نیازهای خودمان را بدون این وابستگی تأمین کنیم که بر و بحر وسیع است و آدمی بسیار. این فرهنگ تنگ‌نظرانه‌ی طاغوتی بود که بر افکار مردم ما و هم‌چنین کشورهای مرتجع منطقه، در گذشته تحمیل شده بود که تصور می‌کردیم، یعنی مردم طاغوت زده تصور می‌کردند که بدون وابستگی به یکی از دو ابرقدرت نمی‌توان زندگی کرد، اما، ما تجربه کردیم و ثمراتش را به‌طور گسترده‌ای می‌بینیم و می‌چشیم که قطع وابستگی به ابرقدرت‌های بزرگ، خود چشمه‌ی جوشان و فیاضی است برای زمینه‌های گسترده برای تأمین نیازها در سراسر جهان.

س - یکی از مشکلاتی که امروز در جامعه مطرح است، مسأله ترور و تروریسم است که بزرگ‌ترین فاجعه را در جریان بمب‌گذاری حزب جمهوری اسلامی به‌بار آورد.

۱۲۴ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

این فاجعه و سایر ترورهایی که اخیراً انجام گرفته، چه تأثیری بر نظام جمهوری اسلامی می‌تواند داشته باشد؟

ج - با توجه به این که نظام ما مکتبی و مردمی است، سرچشمه‌ی حرکت نظام متکی است به اسلام و متکی است به توده‌های میلیونی عظیم برخاسته از این حرکت اسلامی، و این گونه ترورها و بمب‌گذاری‌ها هرچند فاجعه‌های عظمی را نظیر شهادت شهید مظلوم و عزیز آیت‌الله بهشتی به وجود بیاورد، اما برای ملت ما مبدأ حرکت‌های جدید و انجام تولد تازه و خودجوش از درون برای جایگزینی نیروهای ارزنده در بستر نظام هست و بنابراین ضمن آن که این ترورها ضایعات بزرگی را به بار دارد ولی در فضای پر بار انقلاب اسلامی ما جز شکوفایی و آثار مثبت شهادت چیزی ندارد. البته دستگاه‌های اطلاعاتی، امنیتی و حفاظتی و نیروهای رزمی ما؛ مخصوصاً نیروی سپاه، در ایجاد مختلفش بایستی تشکل و قدرت و حضور بیشتری پیدا بکند تا بتواند در آینده جلوی هرگونه اخلال و شیطنت و افسادی را بگیرد، و هم‌چنین راجع به شهربانی که اصولاً مؤلف به حفظ امنیت شهری بوده است، بایستی بازسازی و تحرک بیشتری پیدا بکند، مسؤلیت خودش را در نظام جمهوری اسلامی بیابد و به دنبال انجام مسؤلیت‌های خودش باشد.

ملت، سخت متوقع است و بازخواست می‌کند و منتظر است که آیا شهربانی تا چه حد برای حفظ امنیت می‌تواند وظیفه‌ی خودش را انجام بدهد.

س - ریشه‌ی جریان‌های مخالف با جمهوری اسلامی را در سازمان‌هایی مانند جبهه‌ی ملی و نهضت آزادی و سرمایه‌دارانی که خون مستضعفین را می‌مکند و جوانان فریب‌خورده‌ی گروهک‌ها را که دست به جنایت می‌زنند، تغذیه‌ی مالی می‌نمایند، می‌توان جست‌وجو کرد، آیا به اندازه‌ی کافی برخورد ریشه‌ای با گروهک‌ها شده است؟

ج - البته ما در سه، چهار جناح بایستی هوشیار باشیم، یکی در منزوی کردن جناح سیاسی خط انحرافی ضد مکتب هست که در این زمینه توفیق خوبی داشتیم و شما دیدید که در این چند ماه اخیر همراه با طرد بنی‌صدر، جناح‌های ملی‌گرا و لیبرال و غرب‌گرا و مانند آن از نظر سیاسی به شدت منزوی شدند و این خود توفیق بزرگی برای جامعه‌ی ما بود و اما مسأله

جوان‌ها، عمدتاً الآن در زمینه‌ی گروهک‌های وابسته‌ای که آنها عوامل توطئه هستند و تخریب و انفجار و ترور که در هر حال عامل توطئه بایستی دستش کوتاه بشود، جوان باشد یا پیر. اما برای طرد سرمایه‌داری‌های فاسد، قبلاً گفتیم که ما در پی آن هستیم که در هریک از زمینه‌های تکاثر ثروت و افزون‌طلبی‌های نامشروعی که در جامعه وجود دارد، طرح‌های متناسب را تهیه بکنیم و زمینه‌های اجرایی متناسب را از نظر داشتن مدیریت‌های پاک و متعهد و صالح و هم‌چنین دادگاه‌ها و دستگاه‌های اطلاعاتی و مجریه‌ی قوی بتوانیم برای جلوگیری از سوءاستفاده‌ها، اقدام‌های مثبتی داشته باشیم و امیدواریم در این زمینه به‌زودی موفقیت‌هایی به‌دست بیاوریم.

س - برای صدور انقلاب باید مسأله‌ی تبلیغات خارجی و همکاری با نهضت‌های آزادی‌بخش به‌صورت فعال انجام بگیرد تا به‌حال این امر بیشتر به‌صورت لفظی بوده است، شما چه برنامه‌ای در آینده در این رابطه دارید؟

ج - شما فراموش نکنید که خود ما در زمینه‌های اقتصادی و تدارکاتی در شرایط خاص هستیم و چه بسا با توجه به امکانات، قدم‌های مناسب برداشته شده باشد، اما حمایت‌های سیاسی برای نهضت‌های آزادی‌بخش اثر بسیار زیادی در جهان دارد، کما این‌که خود ما امروز اگر از طرف ملت‌های تحت ستم و دولت‌های غیروابسته حمایت سیاسی بشویم که عمدتاً هم از همین سرچشمه‌ها حمایت می‌شویم، برای ما بسیار ارزشمند است تا همکاری‌های تدارکاتی و اقتصادی، در هر حال شرایط محدود خودمان را فراموش نکنیم، ولی محتوای آرمانی و فرهنگی ما نیز راه‌گشای ما برای سیاست‌گذاری‌های آینده است.

س - نسبت به انقلاب ایرلند، ایران تنها کشور حمایت‌کننده از آن می‌باشد، در حالی که حتی کشورها سوسیالیست مدعی انقلابی‌بودن، در این باره سکوت کرده‌اند. این حمایت از طرف ایران چه هدفی را دنبال می‌کند؟

ج - ما مصمم هستیم بر این‌که حرکت‌های ضداستعماری و ضداستکباری و آزادی‌بخش را تأیید کنیم و در هیچ‌یک از اقداماتمان، درسمان را از شرق و غرب یا دیگران نمی‌گیریم. وقتی با معیارهای آرمانی ما یک حرکتی مناسب بود، ما اقدام می‌کنیم.^(۱)

سخنرانی‌های حسن گشتاپو

از خاطرات زندان احسان نراقی (۶ مرداد ۶۰)

روزی که رادیو، فرار بنی‌صدر را اعلام کرد، من مورد ضرب و شتم قرار گرفتم. دلیل آن این بود که پاسداران، عنوان «استاد بنی‌صدر» را به من داده بودند که در آن زمان بسیار موجب بدنامی بود و ضمناً ننگبانی بی‌سواد و عامی هم در زندان حضور داشت که از زدن زندانیان لذت می‌برد.^(۱) نام او حسن بود، او خیلی دلش می‌خواست، حالت رئیس‌ها را به خودش بگیرد و فکر می‌کرد این برتری خود را با تو سری‌زدن به زندانیان چون موهایش هم بسیار کوتاه اصلاح شده بودند، زندانیان سریعاً لقب «حسن گشتاپو» را برایش برگزیدند.

هر بار که در سلول را باز می‌کرد تا ما را به دستشویی ببرد، قبل از خروج از سلول و یا در طول مسیر، برایمان سخنرانی می‌کرد، البته هدف او روشن کردن ما و زدودن افکار مسموم از قبیل غرب‌گرایی، سرمایه‌داری، مارکسیستی، صهیونیستی و یا فراماسونی، از وجودمان بود. همراهان من با حظّ تمام سخنان آگاهی‌بخش حسن گشتاپو را گوش می‌کردند، زیرا هر چه بیشتر حرف می‌زد، امکان بیشتری جهت استفاده از دستشویی‌ها وجود داشت، در حالی که به‌طور معمول، زمان کلّ استفاده از ۵ دستشویی برای ۶۰ یا ۷۰ زندانی، هشت تا ده دقیقه

۱ - با توجه به اذعان نویسنده در مورد شخصیت مثبت مسئولین زندان، از قبیل حاج رضا، شهید کچوی و... می‌توان گفت که وجود چند تن نگهبان خشن، همچون حسن گشتاپو در زندان اوین، از موارد ممکن و گاه اجتناب‌ناپذیر هر انقلابی است.

ضمناً در بعضی مواقع، حسن بدون آن‌که واقعاً بخواهد، خبرهایی را از جاهای دیگر برایمان بازگو می‌کرد. برای زندانیانی که کلاً از دنیا منفک شده و برقراری هر تماسی و کسب اطلاعاتی برایشان ممنوع بود، اخباری از قبیل ورود زندانیان جدید، وضعیت دادگاه‌ها و یا رفت و آمد شخصیت‌ها، که در یاوه‌گویی‌های حسن گشتاپو بروز می‌کرد، اغلب روشن‌گر بودند. از افتخارات او این بود که خود را از پیروان سرسخت امام خمینی می‌دانست و دوست پاسداری بود که در منزل امام، سمت محافظ داشت. این دوست مدعی بود، هرشب پس از آن‌که امام نماز خود را می‌خواند، او از پشت در اتاق صحبت‌های ایشان را با امام غایب [عج] می‌شنید، که اسرار جهان و کارهایی را که باید صورت بگیرند، برایشان نقل می‌کنند. بدین ترتیب، حسن گشتاپو در پوششی از رویاهایش، اطلاعاتی را در اختیار ما می‌گذاشت. به‌همین دلیل، علی‌رغم خشونت‌هایی که به‌خرج می‌داد، زندانیان جوان از صحبت‌هایش لذت می‌بردند، زیرا وقتی به سلول‌هایشان بازمی‌گشتند، موضوعاتی تازه جهت بحث و سرگرمی داشتند. پاسداران دیگر که منضبط‌تر و متعادل‌تر بودند و شدت عمل کمتری را به‌کار می‌بردند، اجازه نمی‌دادند حسن زیاد مقابل در سلول‌ها باقی بماند و اغلب فریادزنان به او دستور می‌دادند: «حسن زیاد حرف می‌زنی، کارت را بکن!»

به‌هرحال، این حسن بود که خبر فرار بنی‌صدر را به ما داد. از حرف‌هایش می‌توانستیم پی به عصبانیت مسؤولان زندان به‌هنگام اطلاع از جریان ببریم؛ چرا که دقیقاً آن‌را منعکس می‌ساخت. از نظر حسن، مسلماً من به‌عنوان «معلم و الگوی بنی‌صدر» مسؤولیت سنگینی را نسبت به فعالیت‌های رئیس‌جمهوری سابق به‌عهده داشته‌ام، زیرا او تصور می‌کرد زمانی که بنی‌صدر دستیار مؤسسه من بود و بیست و دو سال بیشتر نداشت، به‌گونه‌ی دیگری می‌توانستم تربیتش کنم، اما او اصلاً متوجه نبود که من در کارهای سیاسی بنی‌صدر هیچ‌گاه نقشی نداشته‌ام. در حرف‌های حسن همیشه بازتابی از آنچه در جاهای دیگر می‌شنید، ملاحظه می‌شد. آن‌روز هم پس از آن‌که سخنرانی همیشگی‌اش را کرد، طوری نشان داد که گویی می‌خواهد برود، اما چند لحظه بعد برای تنبیه کردن ما برگشت، زیرا جوانان هم‌سلول من، بدون منظور خاصی آوازی معمولی را سر دادند. حسن از منفذ در فریاد زد:

۱۲۸ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

«آوازی خوانید؟ خیلی خوب حالا خواهید دید!»

از نظر او، هر آوازی به‌عنوان طغیانی علیه نظام شناخته می‌شد، لذا به‌داخل سلول ما وارد شد و پرسید: «چه کسی اول خواند؟»

سپس چون کسی جواب نداد، با انگشت به‌من اشاره کرد و با لحنی قاطعانه گفت:

«تو، استاد بنی‌صدر، بیرون!»

از جایم برخاستم و به‌داخل راهرو رفتم.

به‌گونه‌ای تحکم‌آمیز ابراز داشت: «بگو ببینم، کی اول خواند؟»

جواب دادم: «نمی‌دانم.»

آن‌وقت شروع به‌زدن من کرد. اما پاسدار دیگری به‌نام سبزی‌علی، که از بازداشت قبلی‌ام او را می‌شناختم و پسر خوبی بود که نزد من زبان انگلیسی فرامی‌گرفت، از دور ما را دید و با عجله به‌طرفمان آمد و با لحن قاطعانه‌ای از حسن گشتاپو خواست تادست از زدن بردارد و بعد هم مرا به سلولم برد؛ اما صدای حسن را می‌شنیدم که با لحنی آکنده از خشم، زیر لب می‌گفت: «تنبیه تو هنوز تمام نشده است.»

پس فردا، اول صبح حسن سر‌کارش بود. در سلولم را باز کرد و مرا به داخل راهرو برد. او چشم‌های مرا با چشم‌بند بست و تکه پارچه‌ای در دهانم فرو برد. فقط فرصت این را داشتم که سؤال کنم: منظور از این کارها چی است؟ اما او چیزی نگفت. (بعدها به من گفت: از روش‌های زیرکانه‌ای که زندانبانان فراگرفته‌اند، راه‌های گمراه‌کننده‌ای است تا زندانیان تصور کنند که موقع اعدامشان فرارسیده است. یکی از این راه‌ها، همانا پاسخ ندادن به سوالات آنها و نگفتن محلی است که آنها را به آن‌جا می‌برند.)

آن‌روز در حالی که چشمانم بسته بودند، حسن مدتی مرا راه برد و ضرباتی وارد ساخت و بعد چشمانم را باز کرد و گفت: «حالا مجازات تمام شد»، آن‌وقت در حالی که نمی‌توانستم سرپا بایستم، در وضعیت بدی^(۱) مرا تا دم درب سلول آورد.

هنگام ورود به سلول، متوجه حالت ناراحت و نگران هم‌سلول‌هایم شدم، زیرا آنها فکر می‌کردند به‌دنبال ضربه‌های شدیدی که تحمل می‌کنم، کسی را که سرود خوانده، لو خواهیم داد.

۱ - به‌دنبال ضربه‌های او، ماه‌ها دنده‌هایم درد می‌کردند.

اما پس از دیدن من و با آن‌که غیبت طولانی شده بود، اطمینان حاصل نمودند که حرفی نزده‌ام. آنها هم بسیار دوستانه و بااحساس هم‌دردی مرا پذیرا شدند و لیوانی آب و قطعه‌ای قند بدهانم گذاردند، گویی به این وسیله، می‌خواستند از من عذرخواهی کرده باشند.

همان‌طور که قبلاً هم اشاره کردم، اکثر جوانانی که در اوین با ایشان آشنا شدم، کاملاً تحت تأثیر اصول تفکرات مارکسیستی بودند. حال هر گرایشی می‌داشتند، یعنی مارکسیست اسلامی (مجاهدین)، کمونیست طرفدار شوروی یا ضد شوروی، مائوئیست، تروتسکیست و غیره، فرقی نمی‌کرد به‌ر صورت در وجودشان نوعی سلطه استالینی و زودباوری تعجب‌انگیز و عدم آشنایی با فرهنگ سیاسی، مشاهده می‌شد. این چپ‌های استالینی، به‌گونه‌ای سیستماتیک، مذهب‌یون را فالانژ و غیرمذهب‌یون را لیبرال می‌خواندند. تمام نخبگانی که در غرب آموزش دیده بودند و یا در دانشگاه‌های ملی درس خوانده بودند، یعنی در واقع افراد کادرهای بالای کشور، از نظر ایشان لیبرال بودند و با این برچسب شناسایی می‌شدند. بدین ترتیب، چپ استالینی به‌طور کامل، تمام آگاهی‌ها و تکنیک‌هایی را که ایران، طی صد و پنجاه سال اخیر کسب کرده بود، به‌دلیل رابطه آنها با غرب، به زباله‌دان تاریخ می‌سپرد. همین تبلیغات «ضدلیبرالی» موجد خلایی در دانشگاه‌ها، ادارات، کارخانجات، بانک‌ها، بخش‌های سیاسی، فرهنگ و غیره می‌شد که پر کردن آن بسیار مشکل بود.

از این گروه‌های چپ ساده‌نگر و بی‌تجربه، خائن‌تر، حزب کمونیست توده و طرفدار شوروی بود که رهبران آن در سال ۱۳۵۸، پس از بیست و هفت سال تبعید در اتحاد شوروی اکنون به ایران بازگشته بودند. سعی آنها براین بود تا با برداشتن لقمه‌هایی بزرگ، زمان از دست‌رفته را جبران کنند و لذا تاکتیکی فرصت‌طلبانه را به کار گرفتند، به‌طوری که طی سه سال پس از انقلاب، خود را به‌عنوان مدافعان بی‌چون و چرای جمهوری اسلامی نشان دادند. رهبران این حزب، با آن‌که از نظر افکار عمومی کاملاً بی‌اعتبار بودند، مع‌ذالک دانسته‌هایشان را در اختیار نظام نوپایی گذاشتند که در زمینه اداره یک انقلاب و جامعه‌ای مدرن و تازه، بی‌تجربه بود.

بدین ترتیب، شکار لیبرال‌ها که خواست حزب توده هم بود، توسط گروه‌های چپ افراطی شروع شد و شعار آنها گردید. بعداً جناحی از نظام اسلامی هم که می‌ترسید، از طریق چپ‌های

۱۳۰ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

افراطی کنار گذاشته شود از این شعار استفاده کرد.

اعضای این جناح پس از فوت امام خمینی در سال ۱۳۶۸، مجدداً این شعار را به کار گرفتند تا به کشمکش‌های سر قدرت بپردازند و خود را به عنوان رادیکال‌های اسلامی در برابر مذهب‌یون میانه‌رو قرار دهند. من هم وقتی به اوین وارد شدم، هم‌سلولی‌هایم فوراً برچسب «روشنفکر لیبرال» را به من زدند (با تمام مشخصه‌هایی که ذکر کردم).

به‌رحال، روزی که حسن گشتاپو مرا زیر ضرباتش گرفت و سپس در داخل سلول بر روی زمین رها کرد، متوجه شدم پنج یا شش نفر از پسران جوان به آهستگی با یکدیگر صحبت می‌کنند. این افراد به مارکسیست‌های طرفدار شوروی (که البته عضو حزب توده نبودند) معروف بودند، صدایشان کردم و پرسیدم چه می‌گویند؟ یکی از آنها در حالی که لبخند می‌زد، با لحن رسمی گفت:

«تا امروز ما شما را «لیبرال» می‌نامیدیم، اما تصمیم گرفته شد تا از این پس «لیبرال مقاوم» صدایتان کنیم.»

با فشار به‌خود و با تکیه بر دو دستم از جایم قدری بلند شدم و با صدای گرفته خطاب به ۶۰ نفر هم‌سلول‌هایم گفتم:

«سوالی از شماها می‌کنم: آیا بهتر نیست انسان، لیبرال مقاومی چون من باشد تا یک انقلابی بی‌جریزه؟ شماها سرود خواندید، نه من. آیا هیچ‌کدامتان جرأت کرد به حسن بگوید که مقصر من نبودم؟»

متفقاً گفتند:

«بله حق با تو است. ما همگی مقصریم و می‌خواهیم ما را ببخشی.»

از آن روز به‌بعد با وجود نقطه‌نظرهای سیاسی متفاوت، دیگر هم‌بندهایم، مشاجره‌ای با من نمی‌کردند و هربار مدیر مسؤؤل زندان کسی را برای صحبت درباره‌ی مسایل زندان می‌خواست، این من بودم که از طرف هم‌سلول‌هایم انتخاب می‌شدم، زیرا عملاً حالت تنفرشان نسبت به لیبرالی که من باشم از میان رفته بود.^(۱)

نظر شهید محمدعلی رجایی درباره‌ی گروگانگیری

ما به هیچ وجه آزادی جاسوسان را با لوازم یدکی یا اسلحه یا این چیزها مربوط نمی‌کنیم. به نظر ما مسأله‌ی جاسوسان یک مسأله است که به ملت ما بستگی دارد. همه هم‌وطنانم که ۳۵ سال گروگان آمریکا بودند و مبارزه می‌کردند، ما هم در آن جا مبارزه می‌کردیم.



هدف ما در گروگان‌گیری، عمده هدفمان سیاستی بود که می‌خواستیم، آمریکا را رسوا کنیم و به‌عنوان یک جنایت‌کار در دنیا معرفی کنیم که تا حدود زیادی در این امر موفق بوده‌ایم.



آمریکا تصور می‌کند بین ارگان‌های اجرایی و سازمان‌های دولتی ایران اختلاف وجود دارد و فکر می‌کرد، می‌تواند از این مسأله به‌عنوان یک حربه سیاسی استفاده کند در حالی که از نظر ایران تمام مسایل روشن است و این آمریکاست که همین ۵۲ گروگان برایش مطرح نیست و تنها یک هدف سیاسی را تعقیب می‌کند.



وقتی ما این کار را کردیم، آمریکا پول‌های ما را، چه آنهایی را که مستقیماً در آن کشور داشتیم، ضبط کرد و بلوکه کرد و چه آنهایی را که به وسیله‌ی آن نوکر شاه به آمریکا منتقل شده بود. آنها را هم پاسداریش را به عهده گرفت و نیز شرکت‌هایی که با ما ارتباط داشتند؛ این شرکت‌ها را هم مورد حمایت قرار داد و به آنها اجازه داد که برعلیه‌ی ما اقامه دعوی کنند و حال آنکه خود شخصاً مسؤول این مسأله بودند. ما گفتیم که باید پول‌های ما را پس بدهند که این مسأله‌ی باج‌خواهی نیست، اگر چنانچه توی این رابطه یک شرکتی آمده و برعلیه ما اقامه دعوی کرده با آنکه تقصیر آمریکا بوده است این را نباید ما جریمه‌اش را بدهیم یا جنس‌هایی را که ما خریده بودیم و پول آنها را داده بودیم، پس بایستی برای ما می‌فرستادند حالا که فرستاده باید بدهد، برای این که حقانیتمان را برای این مسأله نشان بدهیم و به عبارت دیگر برای آنکه نشان بدهیم ما در این راه به هیچ وجه هدف مادی نداریم و ما برای احقاق حق آزادی در ایران، این حرکت را کردیم، گفتیم که آمریکا نمی‌خواهد این را به ما هم بدهد. آنهایی که پول نقد ما هست مسأله روشن است، بدهد به الجزایر، این به هیچ وجه جنبه باج‌خواهی ندارد.



آمریکا در ایران سفارت‌خانه نداشت؛ این یک لانه‌ی جاسوسی بود. آمریکا در این لانه‌ی جاسوسی برای روزنامه‌ها نیز تصمیم می‌گرفت و در هر کاری دخالت می‌کرد. دانشجویان پیرو خط امام با تسخیر سفارت‌خانه و افشای اسناد آن، این مسأله را ثابت کردند. برادران ما با گروگان‌گیری به مردم جهان ثابت کردند که ایران می‌تواند حتی با ابرقدرت آمریکا رودر رو شده و ماهیت آن را به جهانیان معرفی کند. ما با این کار خود ثابت کردیم که تا ما با هم متحد هستیم، آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند، بکند.

کسانی در کشور ما بودند که با این حرکات با تردید نگاه می‌کردند که آمریکا به ایران حمله خواهد کرد. اینها کسانی بودند که توان این مردم و انقلاب را درک نکرده بودند و حال آنکه مردم ما ثابت کردند که انقلابشان از ویژگی‌های خاصی برخوردار است و می‌تواند بزرگ‌ترین مسایل و مشکلات خود را حل کند. ملت تصمیم به اشغال لانه‌ی جاسوسی گرفت

و این حرکت را انجام داد تا این که امام حل مسأله گروگان گیری را به عهده ی مجلس گذاشت و این در حالی بود که جهانیان از این فرمان امام تعجب کردند.

ما موفق شدیم شرایط مجلس را بر آمریکا تحمیل کنیم. کار به جایی رسید که کلیه ی روزنامه ها در جهان چگونگی تسلیم آمریکا را نوشتند و دیدیم آن طوری که بسیاری از روشنفکران فکر می کردند این کار باعث منزوی شدن ایران نشد. این کار پیروزی بزرگی برای ملت ما بود، زیرا آمریکایی که جانش به پول بستگی داشت، اعلام کرد این بزرگ ترین رقم پول بود که تاکنون از بانک های آمریکایی خارج شده است.



در پی پیام حج سال گذشته امام امت و رهنمودهای ایشان مبنی بر مبارزه بی امان با آمریکا و هم چنین به منظور عینیت بخشیدن به نفرت عمیق امت مسلمان نسبت به آمریکا و آخرین توطئه هایش یعنی پناه دادن به شاه معدوم، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام اقدام به اشغال جاسوس خانه آمریکا کردند.

به اعتقاد ما، اشغال جاسوس خانه و گروگان گیری جاسوسان و مأموران در ایران نتایج مثبت خارجی فراوانی به همراه داشت. از نظر خارجی، گرفتن جاسوس خانه به افسانه شکست ناپذیری آمریکا خاتمه داده و به مستضعفین جهان نشان داد که ابر قدرت ها هر چند خشمگین و مصمم باشند در قبال ایمان و اراده ی مردم متحد هیچ غلطی نمی توانند، بکنند. هم چنین اشغال جاسوس خانه و برملا شدن فعالیت های درون آن ماهیت به اصطلاح سفارت خانه های ابر قدرت ها را برای جهانیان روشن تر کرده و نشان داد که تحت پوشش مصونیت سیاسی چه توطئه ها در داخل همین سفارت خانه ها بر علیه ی مخالفین، ابر قدرت ها تدارک می شود و بالاخره اشغال جاسوس خانه و دستگیری گروگان ها حداقل آمریکا را در اعمال جاسوسی خود در کشورها و ادار به جزم و احتیاط بیشتری کرد.

این حرکت انقلابی در داخل، وحدت و یکپارچگی مردم ما را بر امام و خط امام دوچندان کرد و مقاومت آنها را در قبال شداید و حصر اقتصادی بالا برده، گرچه از این روحیه مقاومت و حتی آمادگی برای روزه استفاده نشد.

اشغال جاسوس خانه به شعار «بعد از شاه، نوبت آمریکاست» تحقق عینی بخشید. این عمل

۱۳۴ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

بر روی تمام تحلیل‌ها و ارتباطات، خط بطلان کشید و خط نه شرقی و نه غربی امام را طوعاً و یا کره‌اً بر سیاست جمهوری اسلامی حاکم کرد. افشای اسناد جاسوس‌خانه نیز کمک فراوانی بر مردم شهیدپرور ما در شناخت چهره داخلی عناصر به‌ظاهر ملی، گروه‌های به‌ظاهر چپ و حتی به‌ظاهر ضد آمریکایی و هم‌چنین سلیقه‌های غیرانقلابی مایل به‌سازش با آمریکا گردید. سیاستی که می‌رفت تا در صورت موفقیت، امام را برای جلب رضایت آمریکا از صحنه‌ی سیاست خارجی کنار زده و فعالیت دادگاه‌های انقلاب و غیره را متوقف کند.

اشغال جاسوس‌خانه، سبب محاصره‌ی اقتصادی و انزوای ما گردید که به‌نظر ما یکی از ثمریخس‌ترین نتایج این حرکت انقلابی بود. دولت جمهوری اسلامی باید فردای پیروزی انقلاب، خود داوطلبانه روابط اقتصادی را با آمریکا قطع می‌کرد.^(۱)

مصاحبه‌ی مطبوعاتی، رادیوتلوویزیونی شهید باهنر

(مورخ ۱۳۶۰/۵/۲۸)

س - سیاست دولت جمهوری اسلامی در مقابل جریان‌های اخیر، در مقابل کشورهای اروپای غربی به‌ویژه فرانسه و انگلیس بر چه مواضعی استوار است؟

ج - ما مکرر اعلام کرده‌ایم بر این‌که مواضع سیاسی ما براساس «نه شرقی و نه غربی» و براساس استقلال استوار است و ما روابطمان را با کشورهای خارجی با این اصول و معیارهای خودمان تنظیم خواهیم کرد. ما بر معیارها و اصول انقلاب اسلامی خودمان متکی و پابرجا هستیم.

س - بعد از فرار بنی‌صدر و رجوی به پاریس و ربوده شدن ناوچه‌ی ایرانی، آیا دولت فرانسه بالاخره موضع خود را نسبت به انقلاب اسلامی ایران صریحاً اعلام داشته یا خیر؟

ج - ما موضع خودمان را به‌عنوان کشوری که از انقلاب و از معیار و اصول خودش دفاع کرده، صریحاً در مقابل فرانسه اعلام کرده‌ایم. ما فرارکردن بنی‌صدر و رجوی را به‌عنوان پناه‌دادن به یک فردی که متهم به جنایت و خیانت هستند، این‌را محکوم کرده‌ایم و خواستار

۱۳۶ کی بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

استرداد آنها هستیم و ما این پناهندگی را پناهندگی سیاسی تلقی نمی‌کنیم و تسهیلاتی که دولت فرانسه برای ضدانقلاب فراهم کرده، ما این را موضعی خصمانه تلقی می‌کنیم. ما مصراً خواستاریم که توطئه‌های ضدانقلاب در آن کشور خاتمه داده شود و در مورد ناوچه، ما با قاطعیت اعلام می‌کنیم که کشورهای خاصی در آن منطقه مسؤول هستند. البته ما بعد از بررسی‌های لازم در مورد دزدیده شدن ناوچه اعلام می‌کنیم و این دزدی دریایی به‌ضرر خود کشورهای غربی اروپایی است، بودن ناوچه نه یک قهرمانی جنگی است بلکه یک نوع دزدی دریایی و بین‌المللی است. این راهزنی دریایی را که باعث ربه شدن ناوچه‌ی ما گردیده، دلیل بر ناامنی منطقه می‌دانیم و دقیقاً مراقب این جریان می‌باشیم و آن را تعقیب خواهیم کرد و اگر فرانسه مجروحین و ربایندگان کشتی را تحویل ندهد، فرانسه را مسؤول این ناامنی‌ها می‌دانیم.

س - در مورد این‌که گفته بودید که امیدهای نزدیکی به پیروزی جنگ دارید، لطفاً در این مورد توضیح بیشتری بدهید و لطفاً وضع کلی جبهه را بیان نمایید.

ج - باز هم تکرار می‌کنم که امیدهای نزدیکی به پیروزی جنگ داریم، ولی فعلاً این را از ما نخواهید و طرح‌های نظامی را بعد از عمل و اجرا ملت خبردار خواهد شد و من فقط اطمینان می‌دهم که زمینه برای پیروزی فراهم است. گروه‌های رزمی ما، ارتش و سپاه پاسداران و بسیج همه از یک روحیه‌ی بسیار قوی برخوردارند و خوشبختانه از نظر سلاح و مهمات هم کمبود نداریم و آمادگی رزمی ما خیلی خوب است و زمینه برای پیشرفت فراهم است، طرح‌ها هم در دست اجرا است.

س - به‌طور کلی برنامه‌ی دولت در زمینه‌ی رسیدگی به مردم مستضعف و پاکسازی ادارات چیست؟

ج - در همدی برنامه‌های دولت جای پای حمایت از مستضعفین به چشم می‌خورد. یکی از اساسی‌ترین شعارهای انقلاب ما حمایت از مستضعفین است که اصلاً حرکت انقلابی توده‌های ما برای این بود که مستضعفان به حاکمیت و وراثت برسند. ما امیدواریم در تمام زمینه‌های مختلف بتوانیم از مستضعفان حمایت کنیم. در مسأله‌ی پاکسازی هم باید لایحه‌ی پاکسازی تصویب بشود و معنی پاکسازی هم این نیست که خیل، خیل از اداره‌ها تصفیه بشوند. اگر چنانچه خائنی، مفسدی، غارتگری وابسته به رژیم گذشته وجود داشته باشد، باید از ادارات

بیرون برود و بعد از بیرون رفتن این اشخاص بیشترین تلاشمان را برای جذب نیروی جدید خواهیم گذاشت.

س - در میان معاونین شما کسانی هستند که انقلابی نیستند، آیا تغییر و تحولی در معاونین وزرای شما انجام خواهد شد؟

ج - البته قرار است یک بازبینی از معاونین بشود. البته در مورد بعضی از معاونین شایعه‌هایی وجود دارد که ما خیلی از اینها را درست نمی‌دانیم، ولی اگر کسانی در میان معاونین، افراد نابابی باشند، عوض خواهند شد و از معاونین خوب گذشته هم حمایت می‌شود و معنای آمدن دولت جدید هم این نیست که همه چیز را بخواهیم زیرورو کنیم. ما در واقع خودمان را ادامه‌ی راه دولت مکتبی برادر رجایی می‌دانیم.

س - کنفرانس کلی حزب جمهوری اسلامی چه وقت تشکیل خواهد شد؟

ج - اجازه بدهید بعد از آن که شورای مرکزی حزب تصمیم گرفت، اعلام بشود.

س - خط مشی دولت شما با جبهه‌ی پایداری و مخصوصاً دولت لیبی چیست؟ و

در مورد جبهه‌ی اسلامی توضیح دهید.

ج - موضع ما در این زمینه، مبارزه‌ی قاطع و بی‌امان با دولت غاصب اسرائیل است و با همه‌ی کشورهای عضو جبهه‌ی پایداری همکاری خواهیم کرد. رابطه‌ی ما با کشور لیبی خوب و صمیمانه است. مسأله‌ی تشکیل جبهه‌ی اسلامی دقیقاً یکی از اهداف انقلاب ماست و ما معتقدیم که مبارزه‌ای در منطقه پیروز می‌شود که متکی به آرمان اسلامی باشد. مکرر به برادران فلسطینی گفتیم تا مبارزه‌ی فلسطین از محدوده‌ی آرمان‌های ناسیونالیستی بیرون نیاید و متکی به محتوای ایدئولوژی اسلامی نشود، نمی‌تواند به‌طور قاطع پیروز بشود. ما این پیشنهاد را به برادران فلسطینی و کشورهای خط مقدم جبهه و کشورهای دوست در منطقه داده‌ایم که جبهه‌ی اسلامی با محتوا و آرمان اسلامی تشکیل بشود و این از حمایت توده‌های عظیم مسلمان منطقه برخوردار خواهد شد. و با چنین محتوای غنی می‌توان خیلی سریع و قاطع بر دولت صهیونیست پیروز شد.

س - رابطه‌ی دولت شما با کشورهای اروپا چه خواهد بود؟

ج - ما اصولاً اعلام کرده‌ایم که اساس روابط ما با دنیا، روابط خصمانه نیست، درست

برخلاف اتهامی که دیگران به ما می‌زنند. مسأله‌ی ما این است که ما قاطع در مقابل امپریالیسم ایستاده‌ایم و حاضر به تسلیم نیستیم. ما حاضر نیستیم که سلطه‌ی ابرقدرت‌ها را چه شرق و چه غرب بپذیریم. ما با هرگونه رابطه‌ی سیاسی - اقتصادی که منتهی بشود به این که استقلال ما را از بین ببرد و ما را وابسته نماید، مخالفیم. ما نمی‌توانیم، بپذیریم که هر کشوری دشمنان ما را تأیید کند و توطئه‌گران را در کشورش بپذیرد و علیه ما توطئه کند.

س - اگر به هر حال فرانسه از استرداد بنی‌صدر سرباز زند، دولت چه کار خواهد کرد؟

ج - ما در هر حال اصرار و پیشنهاد خودمان را در این که این یک مسأله‌ی پناهندگی سیاسی نیست، ادامه خواهیم داد. ما ایشان را به عنوان مجرم می‌شناسیم و درخواست استردادشان را داریم و روی این مسأله تأکید و پافشاری خواهیم کرد.
س - در مورد صادرات نفت و برنامه‌های دولت در این مورد.

ج - مسأله‌ی صادرات نفت جزء برنامه‌های ماست، منتها ما بر روی قیمت‌گذاری نفت تأکید داریم که قیمت را پایین نخواهیم آورد و در شرایطی که عربستان سعودی به وجود آورده و با افزایش نفت، بازار جهانی را اشباع کرده است، ما این را نوعی خیانت می‌دانیم و برای پایین آوردن به سطح تولید مناسب به عربستان سعودی اصرار می‌کنیم و ما نیز به میزانی که مورد نیازمان باشد، تولید خواهیم کرد.

س - اگر ایران تکنیسین و متخصص لازم دارد، آیا بستن دانشگاه‌ها به این کار لطمه نمی‌زند؟

ج - بستن دانشگاه‌ها دقیقاً به خاطر خدمت به همین بوده است که با برنامه‌ریزی‌های دقیق، بیشتر بتوانیم به تربیت کادر تکنسین برای آینده بپردازیم. درست است که بستن دانشگاه‌ها در یک سال و نیم و یا دو سال از نظر کمی به ما صدمه زد، اما امیدواریم که با برنامه‌ریزی قوی که انجام می‌شود، از نظر سطح کیفی جبران بشود. تازه از نظر سطح کمی هم همان طور که اشاره کردم، اقداماتی انجام گرفته است.

س - در مورد وضعیت کسانی که دستگیر شده‌اند، آیا محاکمات دقیق درباره‌ی آنها اجرا می‌شود؟

مصاحبه‌ی مطبوعاتی شهید باهنر ۱۳۹۹

ج - ما به دادگاه‌های خودمان اعتماد داریم و آنها دقیقاً سعی می‌کنند ضوابط واقعی را رعایت بکنند و اصول را رعایت می‌کنند.

مصاحبه با شهید باهنر درباره‌ی مسایل اجتماعی ایران (به تاریخ آذرماه سال ۱۳۵۸)

س - علت فحشاء و فساد را در چه می‌بینید و مسایل اقتصادی را در این‌زمینه چقدر مؤثر می‌دانید؟

ج - مسأله‌ی روسپی‌گری یکی از مشکلات اجتماعی و اخلاقی هر جامعه‌ای است و علل و عوامل آن را باید از جهات مختلف بررسی کرد. یکی از عوامل، همان‌طور که اشاره کردید، مسایل اقتصادی است؛ یعنی وقتی در جامعه کار به قدر کافی وجود نداشت و توزیع عادلانه‌ی ثروت نبود، خانواده‌ها حمایت نشدند، تأمین اجتماعی تعمیم پیدا نکرد، زن‌ها در موقعی که شوهرشان را از دست می‌دهند یا به صورت‌های دیگری سرپرست می‌شوند، زمینه‌ی اشتغال و حمایت اجتماعی برایشان وجود نداشت، طبعاً یکی از راه‌های تأمین معیشت مسایل ناموس و فحشا خواهد بود.

اما تنها علت این نیست، برای این‌که ما در جوامع پیشرفته صنعتی و اقتصادی هم می‌بینیم مسأله‌ی فساد و فحشا با درصد بسیار وسیعی وجود دارد، بنابراین باید علل دیگری هم وجود داشته باشد.

علت دیگر روسپی‌گری، سوء تربیت اخلاقی است؛ یعنی وقتی در جامعه تعلیم و تربیت کافی وجود نداشت و جامعه را به‌سوی فضایل و خصلت‌های پاک و روابط سالم اجتماعی گسیل نداشت و افراد را به‌صورتی بار نیاورد که بتوانند به‌سوی یک زندگی انسانی و پاکیزه اسلامی پیش بروند، رفته رفته مسأله‌ی فسادهای جنسی رایج می‌شود، خاصه این‌که یکی از ریشه‌های جنسی آن، انگیزه‌های شهوانی است که در زن و مرد وجود دارد و وقتی یک کنترل و تبدیل و جهت‌گیری خاصی وجود نداشته باشد برای این مسایل شهوی و جنسی، طبعاً ممکن است افراد به‌سوی فساد و سوءاستفاده کشانده شوند. بنابراین عامل سوء تربیت هم بسیار مؤثر است. عامل دیگری که مؤثر هست، شرایطی است که برای تسهیل امر ازدواج و تشکیل خانواده بایستی در جامعه فراهم شود؛ یعنی وقتی تشکیل خانواده در یک محیطی ناگزیر به‌دنبال این بود که مثلاً مرد جوان دارای اشتغال و درآمد کافی باشد و یا خود تشکیل زندگی با نوعی مخارج سنگین و هزینه‌های کمرشکن و تشریفات دست و پاگیر همراه باشد، طبعاً امکان تشکیل خانواده مشکل خواهد شد. از طرفی هم غریزه‌ی جنسی وجود دارد و کنترل و هدایت آن هم فقط در سایه‌ی ایمان بسیار قوی و تربیت خیلی قاطع امکان‌پذیر است و بنابراین، زمینه برای فساد فراهم خواهد شد.

البته علل و عوامل دیگر اجتماعی هم وجود دارد؛ مثلاً نوع برخورد با مسایل و وسایل تبلیغی، رسانه‌های گروهی، مطبوعات و فیلم‌ها که خوشبختانه این مسأله در حوزه‌ی جمهوری اسلامی بسیار ضعیف شده ولی در رژیم گذشته می‌دیدیم که وسایل تهییج شهوت از طریق نمایشنامه‌ها، فیلم‌ها و عکس‌ها و آنچه که در مجلات و رادیوتلوویزیون و غیره منعکس بود به این مسأله کمک می‌کرد.

بنابراین نمی‌توانیم تنها، مسایل اقتصادی را عامل بدانیم ولی منکر هم نمی‌توانیم باشیم که این مسأله بسیار مؤثر است. شاید در همین گزارشی که شما تهیه کرده‌اید و بررسی‌هایی که کردید به‌خوبی دریافته‌اید که مقدار زیادی عامل اقتصادی مؤثر بود ولی علل و عوامل دیگر را هم نبایستی از نظر دور داشت.

س - یکی از مددکاران می‌گفت این روسپی‌هایی که در قلعه هستند، در واقع روسپی نیستند بلکه تفاله‌های روسپی‌گری در شمال شهر هستند. از آن‌جا که مسایل

اقتصادی بیشتر در جنوب شهر می‌تواند حاکم باشد، روسپیی‌گری در شمال شهر چگونه مساله‌ای خواهد بود؟

ج - شاید توجیه این بحث را در همان بند اول گفتیم که صرفاً مسایل اقتصادی علت نیست و حتی گاهی رفاه اقتصادی زمینه‌ای است برای ترویج فساد و فحشا. اصلاً زندگی اشرافی، درآمد فوق‌العاده، درآمدهای بادآورده ایجاد می‌کند که زمینه‌هایی برای خرج‌کردنشان پیدا شود و طبعاً اولین زمینه‌ها برای خرج‌کردن یک پول بادآورده، تأمین لذت‌ها و شهوات است در زمینه‌ی خوراک، لباس و بالاخره مسایل جنسی و غیره، وانگهی با داشتن امکانات بیشتر اقتصادی، امکان مسافرت به کشورهای که این مسایل در آنها بیشتر فراهم هست و امکان تهیه آن‌چه که تحریک جنسی را بیشتر می‌کند و امکان شرکت در محافل که این محافل، عیش و شهوت را فراهم می‌کند برای آنها و به این ترتیب پول، راه را باز می‌کند برای تهییج و تحرک بیشتر شهوت و به این ترتیب شاید بتوانیم نظر آن برادر مددکار را تأیید کنیم که این مسأله در مناطق مرفه و اشرافی‌منش امکان رواج و توسعه‌اش بیشتر خواهد بود.

البته نخواستم بگویم که خود رفاه یا تأمین زندگی عامل فساد است، خواستم بگویم، اشرافی‌گری و پول بادآورده و بی‌حساب باعث کشانده‌شدن به فساد و فحشا می‌شود. در همین زمینه، من در مورد دزدی‌ها و سوءاستفاده‌های مالی هم باز همین نظر را دارم، بعضی می‌گویند که بدخاطر تنگدستی و فقر اقتصادی است که دزدی در یک مملکت رواج پیدا می‌کند. ما می‌خواهیم، بگویم این بسیار مؤثر است اما تنها عامل نیست برای آن‌که ما می‌بینیم، بسیاری از سوءاستفاده‌چی‌ها و اختلاس‌گراها و کسانی که از رشوه‌های زیاد استفاده می‌کنند یا دستبرد به بیت‌المال می‌زنند و غیر اینها، نه بدخاطر فقر اقتصادی‌شان است بلکه بدخاطر این‌که آن حالت سودجویی و نفع‌طلبی در آنها گسترده شده و آن، زیربنای خصلت‌های بد اخلاقی آنهاست که آنها را می‌کشاند به این‌که دزدی بکنند و چه بسا او هم به دنبال این بوده که چندی در تعیش بی‌حساب به سربرد.

ما در محیط اسلامیمان یک‌په‌دی نگاه نمی‌کنیم و انسان را دارای ابعاد گوناگون می‌دانیم، انسان بعد مادی دارد، بعد معنوی هم دارد، جنبه‌های اقتصادی دارد، خصلت‌های اخلاقی هم دارد و یا در واقع آن فوران انگیزه‌های حیوانی و شهوانی در درون هست و تأمین نیازهای

طبیعی و معمولی زندگی هست، ممکن است وقتی کسی فقر اقتصادی داشت و زندگی برایش فراهم نبود به فساد کشانده شود. بالعکس ممکن است که مسأله‌ی فقر اقتصادی مطرح نباشد بلکه آن انگیزه‌های شهوی و سودجویی‌ها و سودپرستی‌ها و خودخواهی‌ها و خودکامگی‌ها و قدرت‌طلبی‌ها و اینها هم افرادی را به زورگویی، جنایت، دزدی، قتل و غیره بکشاند. می‌خواهم بگویم که دقیقاً با این تک‌بعدی فکر کردن و این‌که ما فقط عامل فسادها و انحراف‌ها را مسایل اقتصادی بدانیم، مخالفیم. ضمن این‌که عمیقاً عامل اقتصادی مؤثر هست و زمینه را برای بسیاری از مفاسد فراهم می‌کند اما نه بدان‌صورت که تنها عامل، فقر اقتصادی است. بدان‌گونه که اگر برای همه، زمینه‌های اقتصادی فراهم شد، دیگر فسادی نخواهد بود، دیگر دزدی نخواهد بود، نه، بلکه بایستی علاوه بر تأمین نیازهای زندگی برای همه و ایجاد رفاه و عدالت اجتماعی در زمینه‌های اقتصادی، تربیت‌های اخلاقی و معنوی هم در محیط جامعه وجود داشته باشد تا انسان ساخته شود و بخشی از ساخته شدن انسان را، تأمین نیازهای اقتصادی و اجتماعی فراهم می‌کند اما ابعاد دیگری هم دارد که بایستی به آن ابعاد هم رسید.

س - برای اصلاح اخلاق و فرهنگ روسپی؛ مخصوصاً اگر چند سالی را در قلعه یا امثال آن‌جا گذرانده باشد، برنامه درازمدت لازم است. راه دیگری برای این‌کار سراغ ندارید؟

ج - برای آن‌که ما بتوانیم در زمینه‌ی روسپی‌ها برنامه‌ای را پیش‌بینی بکنیم که بتواند، آنها را از این منجلاب نجات دهد، دقیقاً بایستی با عواملی که قبلاً گفتیم مبارزه کرد؛ یعنی اگر اینها از نظر زندگی اقتصادی تهی دست هستند، بایستی شرایطی به‌وجود آورد برای تأمین معیشت و زندگی‌شان، آنها را در اردوگاه‌ها و محیط‌های تربیتی پرورش صحیح داد سپس به کارهای مناسب مشغولشان کرد تا احساس کنند که از دسترنج خودشان زندگی می‌کنند و دارای یک حرمت و حیثیت اجتماعی هستند. البته این‌که صرفاً به‌صورت مستمری ماهانه پولی بلاعوض در اختیار آنها گذاشته شود چون آن‌ها را از آن تحرک و داشتن یک روحیه‌ی امید بازمی‌دارد، چندان صحیح نیست مگر این‌که طرف نتواند هیچ‌کاری بکند. آن‌طور نیست که بعد از مدتی آلودگی و گرفتاری‌های جنسی باز هم انگیزه‌ها آن‌قدر فروزان باشد که اگر زندگی آنها به صورت دیگری تأمین شود، باز هم به آن مسأله کشانده خواهند شد. بنابراین اولاً باید شرایط

کار برایشان فراهم کرد، بعد دادن یک دوره‌ی تعلیمات و آموزش فنی و آموزشی در رشته‌های خدمات فنی و هنری و غیره. همراه با دادن این آموزش‌ها، آموزش‌های اخلاقی و ایدئولوژیکی هم به آنها باید داد؛ چون دقیقاً آموزش اخلاقی وقتی مؤثر است که زمینه‌های اشتغال و امید و رفاه زندگی هم برایشان فراهم شود، و الا در حالی که آنها در فقر و گرفتاری دست و پا می‌زنند، انسان بخواهد فقط برایشان تعلیم اخلاقی بدهد، چندان تأثیر ندارد.

بنابراین نوعی تربیت و آموزش شغلی پیدا کنند و نیز آن عامل سومی که گفتیم؛ یعنی جنبه‌ی شرایط برای ایجاد همسر و تشکیل عائله، اگر واقعاً تشخیص داده شد که می‌شود برای آنها کسانی را پیدا کرد که با آنها ازدواج کنند، شرایط ازدواج را برایشان فراهم کرد. پس هم شرایط کاری و اقتصادی و هم شرایط تربیتی و ایدئولوژیکی و هم ایجاد شرایط مناسب برای ازدواج آنها.

س - می‌دانید که تعداد زیادی برای رفع احتیاج جنسی به قلعه می‌روند. در موقعیت فعلی آیا شما ترجیح می‌دهید که درب قلعه بسته باشد یا باز؟

ج - مسأله، بسیار مسأله‌ی پیچیده‌ای است. در هر حال نمی‌شود، فساد و فحشا را تجویز کرد، ولی یک طرفه هم نباید اقدام کرد، بلکه باید به‌طور هماهنگ و اصولی با فساد مبارزه شود. به‌طور کلی اگر ما عوامل فساد را از بین ببریم، دیگر جایی برای فساد باقی نخواهد ماند. جوانان که در هر حال گرفتار این نوع فساد و فحشا هستند و فقر فرهنگی دارند، فقر تربیتی دارند، فقر اجتماعی دارند و همان نبودن شرایط مناسب برای ازدواج هم وجود دارد. یعنی، به نظر من باید یک برنامه‌ریزی هماهنگ و همه‌جانبه به‌وجود بیاید تا بتواند، مبارزه را موفق به‌ثمر برساند.

س - تنها خود روسپی‌ها نیستند که در این آتش می‌سوزند، بلکه بچه‌های آنها نیز قربانی این راهند. به‌عنوان مثال به‌بچه‌ای که از طرف روسپی پیش دایه گذاشته می‌شود، برای این‌که ساکت باشد و گریه نکند، تریاک خورانده می‌شود و یا به‌عنوان مثال روسپی همان فرهنگ و گفتاری را که در قلعه به‌کار می‌برد در مورد بچه‌اش هم به‌کار می‌برد. قبلاً فرمودید، یکی از راه‌های ابتلا به فساد، تربیت غلط است. حال که چنین بچه‌هایی از طرف پدر و مادر درست تربیت نمی‌شوند، فکر می‌کنید آموزش و

پرورش ما به چنان مرحله‌ای رسیده که بتواند به آنها مسلط شود و حداقل مقداری در وجودشان تأثیر بگذارد؟

ج - می‌دانید، فساد وقتی که در یک جامعه رخنه بکند، حوزه‌ی این فساد به تدریج گسترش پیدا می‌کند در ابعاد مختلف و تنها یک رگه خاصی از روابط اجتماعی یا مسایل اجتماعی نیست، بلکه در دیگر نهادهای اجتماعی باز اثر می‌گذارد و آفات و عوارض به تدریج گسترش پیدا می‌کند، مسأله‌ی روسپی‌گری عوارض فراوان دارد از جمله مسأله‌ی بچه‌ها، بچه‌ای هم که متعلق به این روسپی‌هاست، حق حیات دارد و بایستی برایش شرایط تربیتی فراهم کرد، بایستی برایش شرایط زندگی فراهم کرد، منتها این صحیح نیست که ما اول تجویز کنیم که مادران اینها به دنبال فساد و فحشایشان باشند و ما صرفاً به فکر بچه‌های آنها باشیم، به نظر می‌رسد، هماهنگ با نجات مادران، بایستی شیرخوارگاه‌ها یا کودکانستان‌ها و مهدهای تربیتی برای این بچه‌ها هم فراهم شود و روی آن برنامه‌ی خاص و وسیع‌تری اجرا شود. مدارس ما در شرایط حاضر به دنبال برنامه‌ای که سالیان دراز در این مملکت اجرا شده، کارش را انجام می‌دهد و تاکنون تغییرات نسبی هم در زمینه‌های مختلف آن انجام شده، ولی هنوز به حد نصاب نرسیده که ما بتوانیم بگوییم، کافی است برای انجام یک تربیت همه‌جانبه، مخصوصاً در مورد کسانی که زمینه‌های انحرافشان از نظر خانوادگی زیاد بوده، اینها باید یک تربیت خاصی رویشان انجام شود و بعد چنان‌چه مادرهایشان را توانستیم آن‌طور تربیت کنیم که اینها برگردند به جامعه و در محیط‌های پاک، طبعاً بچه‌ها هم به دامن مادرها برخواهند گشت و بایستی با آنها زندگی بکنند. در هر حال این گناه خود بچه‌ها نیست که یا از راه مشروع و یا نامشروع به دنیا آمده‌اند. او به عنوان یک موجود انسان از نظر اسلام حق زندگی و تربیت و اشتغال و حیات دارد.

س - دولت تاکنون درباره‌ی مسأله‌ی روسپی‌گری و کلاً فحشا، از جمله خود قلمه، چه برنامه‌هایی پیاده کرده و اگر پیاده نکرده، چه تصمیماتی در این زمینه دارد؟

ج - تا آنجایی که ما اطلاع داریم برنامه‌های وسیعی تاکنون انجام نشده، یک مقدار محدود کردن همین قلمه بوده، در صورت امکان، بستن آن برای مدتی و در مورد معدودی از آنها یک محیط کارآموزی و تربیتی درست شده ولی خیلی محدود است. باید مطالعاتی انجام

۱۴۶ هجری بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

شود و بررسی‌هایی انجام گیرد که چه باید کرد؟ برای آینده هم توضیحاتی که دادیم، می‌تواند زمینه برنامه‌ریزی باشد برای آینده‌ی این قلعه؛ یعنی باید حتماً در فکر ایجاد مراکز وسیع و عمومی تربیتی و فرهنگی و اجتماعی برای این‌زنها بود و آنها را بعد از دادن مدتی آموزش حرفه‌ای و فنی و شغلی و علاوه بر آن تربیت فکری و ایدئولوژیکی اسلامی، آنها را آماده کرد برای بازگشتن به جامعه؛ طبعاً برنامه‌ریزی برای این‌کار و ایجاد مدیریت و تشکیلات و امکانات در این مورد لازم است. اما اجرایش ممکن است، مدتی طول بکشد منتها تا آنجایی که من اطلاع دارم این امید وجود دارد و غفلت نشده است و چاره‌ای هم نیست. به هر حال نظام آینده ما نظام جمهوری اسلامی است و بایستی کلیه‌ی نهادهای اجتماعی مناسب، با ضوابط جمهوری اسلامی به وجود بیاید و اداره بشود. در مورد قلعه یا مراکز نظیر قلعه در جاهای دیگر و اصلاً در برابر فساد و فحشا و عقب‌ماندگی بایستی برنامه‌ریزی بشود و ما امیدواریم که در کنار دیگر برنامه‌ریزی‌هایی که انجام می‌شود، بتوان سرعت بیشتری به این کار داد و به نتیجه رسید. (۱)

نظر شهید محمدعلی رجایی درباره‌ی مسائل اقتصادی انقلاب

بی‌کاری کنونی چندان ارتباطی با سرمایه‌داری ندارد، بی‌کاری محصول خاص هر انقلابی است. آیا انقلاب روسیه، انقلاب سرمایه‌داری بود. آیا پس از انقلابشان آن‌ها دچار مسأله‌ی بی‌کاری نبودند، آیا پس از انقلاب در فرانسه بی‌کاری و تورم به‌بار نیامد؟ وقتی که کشوری مانند ایران از شر نظام سرمایه‌داری خلاص می‌شود و هزاران شرکت که هرکدام به‌طور متوسط ۲۰۰ تکنسین و مهندس دارد، تعطیل می‌شوند، بی‌کاری خیلی هم طبیعی است. من ارقام دقیقی در دست ندارم ولی می‌توانم بگویم که ما هزاران شغل مصنوعی داشتیم که در اساس مولد نبوده و انگلی بودند، هزاران نوع شغل مختلف در سراسر ایران بود از جمله فروش بلیت‌های بخت‌آزمایی. ما حدود ۱۲۰۰۰ پیشخدمت رستوران «گارسون» داشتیم. آیا فکر می‌کنید که آنها از آن مشاغل به‌درستی سود می‌بردند؟ این نوع بی‌کاری پنهان بود و زنه‌ی سنگینی بر دوش اقتصاد به‌حساب می‌آمد. کسب آزادی برای ما یک چیز است و تأمین شغل آنها برای ما یک چیز دیگر.

هدف انقلاب ما پاکسازی جامعه و تصفیه استنمارگران و انگل‌های جامعه بود. در این روند،

۱۴۸ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

ممکن است ما سبب بی‌کاری شده باشیم. اما تورم بیشتر ناشی از تحریم اقتصادی و این جنگ است، بگوئید ببینیم این کدام کشور است که دچار تورم نباشد؟



از برنامه‌هایی که فراموش شده، مسأله‌ی ایجاد یک نوع تعادل ثروت است در جامعه؛ در ۱۸ ماه گذشته نه دولت به سرمایه‌داران کاری داشته است و نه خود آنان در سطح وسیعی حرکت کرده‌اند، بلکه بیشتر توجه به بالا آمدن سطح طبقه پایین بوده است که به نظر من نه کافی است و نه اسلامی، لذا دولت آینده باید از سرمایه‌داران بزرگ بخواهد که در اعمال خود تجدید نظر کنند.



بر دهقانان و روستاییان زحمتکش مسلمان و انقلابی که قلب من همواره برایشان می‌تپد و بر دست‌های پر برکت و پینه‌بسته آنها که با خلوص به تولید مشغولند بوسه می‌زنم، واجب است که همت کنند و هم‌دوش دیگر هموطنان متعهد در جهت احیای قنوات قدم بردارند.



رژیم جنایتکار و خائن پهلوی که مجری سیاست‌های استعماری آمریکا و سایر جهانخواران بود کشاورزی ایران را همچون فرهنگ و اقتصاد و... به فساد و تباهی کشید و ملت مظلوم ما را در تأمین احتیاجات اولیه‌ی غذایی محتاج جهانخواران نمود. امروز مملکتی خراب که همه‌چیزش وابسته به خارج است و سال‌ها تلاش و کار می‌خواهد تا ساخته شود به‌دست ما رسیده است و برای ساختن این ویرانه به‌سال‌ها تلاش خالصانه نیازمند هستیم. بر ما و همه‌ی مردم مسلمان و قهرمان ایران است که همت کنیم و برای احیای کشاورزی که قدم اول در رسیدن به خودکفایی است با تمام توان بکوشیم.



تولیدات آن‌چنان نشان دهیم که این نیز یک طریق برای کوییدن مشت محکم بر دهان ضدانقلاب باشد.

- مسأله‌ی بسیار مهم، تقسیم عادلانه همین امکاناتی است که در کشور ما وجود دارد و مردم ما با رشد انقلابی خود در توزیع این امکانات سهم شده‌اند و در کوچه‌ها و مساجد

مراکزی تأسیس شده که نفت و سایر مواد مورد احتیاج را که باید به‌طور محدود مصرف شود، بین مردم عادلانه تقسیم کنند.

- عاجزانه تقاضا می‌کنم برای آن‌که مشت محکم‌تری بر دهان صدام و اربابان آمریکایی او بزنید در این راه باز هم تلاش کنید.



برای تداوم انقلاب احتیاج به کار و تولید بیشتر از یک‌سو و هزینه و مصرف کمتر از سوی دیگر می‌باشد. انقلاب فقط با شعار و تظاهر، قوام و تداوم نمی‌یابد، لذا هرچه بیشتر کار و تولید و هرچه کمتر خرج و مصرف برای بیت‌المال ایجاد کنیم، امید است که با اجرای این موارد خواست امام عزیزمان را که رسیدن به خودکفایی است، جداً تعقیب نماییم.



انقلاب یک انقلاب مارکسیستی نیست که زمین را به‌عنوان عنصر اصلی انقلاب می‌داند بلکه برای ما زمین یک وسیله است. در انقلاب مارکسیستی اگر زمین را از فرد بگیرند از انقلاب روی‌گردان می‌شود ولی در جامعه ما این تمهد است که فرد را موظف می‌کند.



اسلام اداری جامعه را به‌عنوان امانت می‌داند و هرکس در هرجایی که خدمت می‌کند آن‌جا به‌عنوان امانتی است در دستش و خداوند ما را امر می‌کند تا امانات به اهلش سپرده شود. از این‌جا متوجه می‌شویم که برای در اختیار داشتن امانت اهلیت لازم است و اگر کسی تخصص هم داشته باشد اهلیت نداشته باشد، نمی‌تواند امانت‌دار باشد.



در روند انقلاب ما، کارگران سهم به‌سزایی داشتند چه در پیروزی سیاسی انقلاب و چه در پیروزی صنعتی ما. ما در این دو سال و اندی که از انقلاب می‌گذرد، شاهد تلاش‌های برادران و خواهران کارگرم‌ان بودیم و دقیقاً احساس می‌کنیم که در کارگاه هم به‌عنوان یک سنگر علیه امپریالیسم جهان‌خواار آمریکا که صنعت ما را به‌عنوان مونوپل خود قرار داده و در بسیاری از موارد ما را وابسته به‌خود کرده، تلاش می‌کند که هرچه بیشتر ما را به وابستگی صنعتی برساند.



۱۵۰ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

ما نفت را برای سوزاندن و استفاده‌های مادی نمی‌خواهیم، بلکه از آن در جهت مبارزه با امپریالیسم استفاده خواهیم کرد چرا که از نفت هم به‌عنوان سلاح می‌شود استفاده کرد.



کشور ما با توجه به انقلابی که درش صورت گرفته، کاملاً آمادگی دارد که بدون درآمد نفت زندگی کند شکی نیست که بودن درآمد نفت در پیشرفت مادی جامعه ما نقش دارد و دولت نمی‌تواند منکر بشود به این‌که داشتن امکانات مادی تأثیری در تصمیم‌گیری‌های کارهای مملکتی ندارد ولی انقلاب ما و آن حرکت تکاملی مردم ما یک مسأله‌ای است که به‌نظر دولت در تنگدستی عمیق‌تر صورت می‌گیرد تا در رفاه و داشتن امکانات بیشتر، و من امیدوارم که هریک پیچی که در نبودن درآمد نفت ساخته می‌شود به اندازه یک کارخانه ذوب آهن در ساختن مردم کشور ما نقش داشته باشد.



وقتی آمریکا محاصره‌ی اقتصادی می‌کرد، امام جالب‌ترین و عمیق‌ترین جمله را در رابطه با این برخورد بیان کردند و آمریکا با شنیدن این جمله کمرش شکست؛ زیرا امام نگفت هرچور باشد خوراکی و ماشین به‌دست می‌آوریم؛ بلکه گفت ما هر روز، روزه می‌گیریم. این جمله بود که کمر آمریکا و هم‌فکران او را در صحنه‌ی مبارزه حق و باطل شکست.



مسأله‌ی عرضه و تقاضا در تعیین قیمت‌ها یک سیستم غربی است و ما در اسلام هیچ دلیلی نداریم که اگر جنس در بازار کم بود قیمت آن بالا برود.



من واقعاً نمی‌دانم که چگونه است مردمی که در شهر هستند، وقتی یادشان می‌آید که یک روستایی ۶۵ ساله‌ی فقیر و یا مریض از مرض یا فقر خود رنج می‌برد هم‌چنان از امکانات عمومی مملکت بی‌حساب استفاده می‌کنند و فریاد نمی‌کشند و مسؤولان را وادار نمی‌کنند که از این لحظه‌ای که به این آگاهی رسیدند، هیچ پولی برای پخش خرج نکنند و ببرند از مستضعف‌ترین مردم شروع کنند.



این مردم مسلمان با شیوه‌های انقلابی خود در تقسیم عادلانه ارزاق بین هم آن‌چنان کریمانه برخورد می‌کنند که همان‌طوری که در انقلاب نشان داده‌اند در تحمل مشکلات ناشی از جنگ هم اثبات می‌کنند که، ای دنیا! ای امپریالیست شرق و غرب! ای مزدور! ای صدام! تو نمی‌توانی با جلوگیری از ورود ارزاق ما را وادار به تسلیم بکنی. ما پیروز خواهیم شد، زیرا جنگی که از روی عقیده است، شکست ندارد.



مردم باید به ترتیب استضعاف در سطح کشور مورد توجه قرارگیرند زیرا مردمی هم هستند که از آب معمولی و یا از نان محرومند.



ما دیگر اجازه نخواهیم داد، جهت شکستن محاصره‌ی اقتصادی، دروازه‌های کشورمان به روی واردکنندگان محصولات و بنجل‌های آمریکایی باز بشود.



بداعتقاد ما تا هنگامی که ما به اصول انقلابمان متکی باشیم و آن‌را از یاد نبریم، آمریکا دست از محاصره برنخواهد داشت؛ اگرچه ظاهراً آن‌را بشکنند. ما فکر می‌کنیم بهترین راه برای مقابله با این محاصره، رسیدن به خودکفایی است.



امروز این حرکت‌هایی که می‌گوید ما از آمریکا اسلحه می‌گیریم تا با آمریکا بجنگیم، انحرافی است، یعنی چه؟ ما به خودمان متکی خواهیم شد و از خودمان ما به خواهیم گذاشت و با داشتن امامی چون حسین که وقتی حق را در خطر دید از زن و بچه و خانواده خود گذشت و با یزید معامله نکرد ما با داشتن چنین رهبری و چنین مکتبی که زندگی را داشتن عقیده و پیکار در راه آن معرفی کرده، راه ما در آینده اتکای به‌خود است ولو در جنگ اگر آمریکا و همفکرانش به‌ما بگویند سازش کنید تا گندم به‌شما بدهیم ما یک نان را سی و شش میلیون نفری خواهیم خورد و زیربار این ذلت نخواهیم رفت. حرکت ما برای این است که از نظر تجهیزات تا آخرین گلوله پیشرفته‌ای را که بتوانیم بدون وابستگی، بدون کوچک‌ترین تمایل به ظالم به‌دست بیاوریم آن‌را بر سرشان فرو خواهیم ریخت. ما از این جنگ حداکثر بهره‌برداری

۱۵۲ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

انقلابی را خواهیم کرد و با فرصتی که پیدا کرده‌ایم ثروتمان را عادلانه بین خودمان تقسیم می‌کنیم و هرچه نان داریم با هم می‌خوریم، هرچه نفت داریم همه با هم استفاده می‌کنیم، هرچه شکر داریم همه با هم می‌خوریم، ولو اگر لازم باشد کم می‌خوریم ولی دست‌گدایی به سوی این کفار هرگز دراز نخواهیم کرد.



شما باید هر وقت من را می‌بینید، بپرسید چه می‌کنی؟ و حتی سر من فریاد بکشید البته فریادی برادرانه و همچون اعضای یک خانواده که برای مستضعفان چه کرده‌ای؟ آنها هنوز چیزی ندارند، هنوز روابط اجتماعی همانند دوران طاغوت است و نفاق و ربا و دروغ رواج دارد و ما هم باید این آمادگی را داشته باشیم که ما را بکشند. ما اگر اختلافی هم داریم باید برادرانه باشد و در همین جهت که برای اسلام و مردم چه کرده‌اید، اگر اختلاف جریانی باشد آن وقت است که باید در مقابل آن ایستاده و آن را کوبید.^(۱)

از خاطرات زندان احسان نراقی اعجاز پزشکان

(تابستان ۱۳۶۰)

صبح روز بعد، یکی از پاسداران اطلاع داد که پزشکی برای عیادت بیماران، ساعت ۹ صبح به بخش ما می‌آید و چهار یا پنج زندانی را خواهد دید، تصمیم بر آن شد تا نیازمندترین افراد به‌معالجه انتخاب شوند، که با توجه به وضع جسمانیم، مرا به‌عنوان اولین نفر برگزیدند. وقتی به انتهای راهرو می‌رفتیم، هیچ تصویری از هویت پزشک مربوطه نداشتیم؛ اما به‌محض دیدنش، آن‌هم در کنار میز چرخ‌دار حامل داروها که بر روی پتویی نشسته بود، دوست قدیمی‌ام پرفسور مفیدی را شناختم.

این محقق بزرگ، سال‌های سال مسؤول انستیتوی مالاریاشناسی و بیماری‌های مناطق حاره‌ای در دانشگاه شناخته می‌شد و برخلاف سایر پزشکان معروف تهران، مطب خصوصی‌اش را رها کرده و خود را وقف تحقیقات نموده بود. پرفسور به‌دلیل آن‌که به‌خوبی از وضع دنیا در زمینه‌ی بهداشتی مطلع بود، لذا از کارشناسان بسیار معتبر سازمان بهداشت جهانی محسوب می‌گردید. مدت بیست‌سال از زندگی دانشگاهی را مشترکاً و به‌گونه‌ای

تنگتنگ، در زمینه‌ی تحقیقات علمی و اصلاحات آموزش عالی ایران، سپری کرده بودیم. به‌خصوص مفیدی بیشتر از این نظر برایم ارزشمند بود که ضمن فروتنی تمام، همیشه برای همکاری اعلام آمادگی می‌کرد.

در سال‌های ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸ طرح هیئت امنای دانشگاه‌ها و طرح اولیه قانون مربوط به هیأت علمی - تحقیقاتی دانشگاه‌های کشور با همکاری ما دو نفر تنظیم و پیشنهاد شد، به‌طوری که پس از گذشت ۱۵ سال، هنوز این قانون به‌قوت خود باقی است.

دلیل حضور پرفسور مفیدی در اوین این بود که او تحت فشار دوستان و همکارانش، در یک دوره بحرانی در زمان شاه، وزارت آموزش عالی را در دولت ازهارای پذیرفت، که البته سه ماه بیشتر طول نکشید. طی این مدت کوتاه، صدها نفر از اساتید دانشگاه به‌بانه‌ی درخواست بازگشایی دانشگاه‌ها به‌مقر وزارتخانه می‌آمدند، در حالی که هدف اصلی آنها دامن‌زدن به انقلاب بود. با این‌که مفیدی شخصاً سعی نموده بود با این مراجعین به توافق برسد، دولت نظامی هرگونه تجمع در ایوان وزارتخانه را ممنوع اعلام کرد.

اعتصابیون به این ممنوعیت وقعی نگذاشتند، آن‌وقت سربازانی که در خیابان مستقر بودند بر روی آنها در ایوان طبقه‌ی ششم آتش گشودند به‌طوری که یکی از آن افراد به‌شدت صدمه دید.^(۱) پس از انقلاب، با آن‌که مفیدی کمترین دخالتی در این امر نداشت، دوبار دستگیر و بار دوم به سه سال زندان محکوم گردید. هنگام محاکمه‌اش، کوشش زیادی کردم تا اعتصابیون آن‌موقع، در برابر دادگاه حاضر شوند و نسبت به بی‌گناهی او شهادت دهند. به‌هرحال، از انقلاب به‌بعد دیگر او را ندیده بودم، لذا برخورد اتفاقی ما در اوین به‌صورتی آکنده از احساسات و خاطرات رخ داد که سعی می‌کردیم دو پاسدار ننگهبان ما متوجه این حالات نشوند؛ خصوصاً که لحظه‌ای نگاهشان را از ما برنمی‌گرفتند. چشم‌هایمان پر از اشک و گلوهایمان خشک شده بودند. یکی از پاسداران که روستایی جوانی بود، مشکوک شد و با وجود آن‌که چیزی به یکدیگر نگفته بودیم، احساس کرد، همدیگر را می‌شناسیم، لذا روی به‌دکتر نمود و پرسید:

«این را شما می‌شناسید؟»

پزشک در حالی که سرش را پایین می‌انداخت، جواب داد:

«حرف‌هایی درباره‌اش شنیده‌ام.»

پروفسور مفیدی مرا معاینه کرد و متوجه شد، هم فشار خونم بالا است و هم قلبم نامنظم می‌زند. چون در برابر پاسداران از رفتار بدی که با من شده بود، نمی‌توانستم چیزی بگویم؛ لذا دکتر متوجه نمی‌شد که ناهنجاری جسمی من از کجا ناشی شده است. در پاسخ به سؤالات او، خیلی تند و سریع چند کلمه انگلیسی گفتم تا بداند کتک خورده‌ام و تشخیص صحیحی بدهد. دکتر دارو و ویتامین در اختیارم گذارد و به پاسدار محافظم گفت:

«این زندانی ناراحتی قلبی دارد. هر سه‌شنبه که به این‌جا می‌آیم، باید او را عیادت کنیم.»

به این ترتیب، من هر سه‌شنبه او را می‌دیدم و به لطفش توانستم به‌صورت یک داروخانه کوچک برای افراد سلولم درآیم، زیرا من شخصاً تمایلی به استفاده از دارو نداشتم ولی متوجه شده بودم که نسل جوان ایرانی، دارو و خصوصاً تقویت‌کننده و ویتامین زیاد مصرف می‌کند. به این ترتیب، هر سه‌شنبه صبح فهرستی از داروهای موردنیاز هم‌بندهایم را به‌ذهن می‌سپردم و چون در برابر پاسدارم نمی‌توانستم، واقعیت را ابراز کنم، می‌گفتم آنها را برای خودم می‌خواهم... این دکتر خوش‌طینت، با ما همدست شد و نسخه‌های بالابندی برای من می‌نوشت که پاسداران را متعجب می‌ساخت. او به آنها می‌گفت که من به‌شدت مریضم. به‌رحال، این تمهید باعث شد تا محبوبیت من به‌عنوان همان «لیبرال مقاوم» افزایش یابد.

پروفسور مفیدی یک‌سال دیگر هم در زندان باقی ماند. او در تمام طول اسارتش، خدماتی ارزنده به زندانیان نمود، زیرا از ساعت ۷ صبح الی پاسی از شب گذشته، به‌همراه چرخدارش از این‌بخش به آن‌بخش می‌رفت و روزانه از صدها بیمار عیادت می‌کرد.

در مورد دکتر شیخ [الاسلام‌زاده] وزیر دولت هویدا هم که به‌هنگام دومین بازداشت‌م از او یاد کردم، باید بگویم که طی هجده ماه گذشته نقش با اهمیت‌تری یافته و سرپرستی تمام خدمات پزشکی زندان را عهده‌دار گردیده بود. او به‌عنوان جراح - شکسته‌بند، اعمال جراحی مهمی انجام می‌داد. شهرت دکتر شیخ به‌قدری زیاد شده بود که پس از مجروح شدن آیت‌الله قدوسی دادستان کل انقلاب، به‌وسیله‌ی بمبی که در دفتر کارش جاسازی شده بود، پاسداران برای نجاتش به‌وی مراجعہ کردند، اما دیگر دیر شده بود. پس از به‌ثمر رسیدن

۱۵۶ کی بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

انقلاب، شیخ که قرار بود با سایر سران رژیم سابق به جوخه‌ی اعدام سپرده شود، دوبار از آن رهایی یافت. مجاهدین در آن زمان - یعنی اواخر سال ۱۳۵۷ و اوایل ۱۳۵۸ - نقش مهمی را در میان طبقه سیاسی ایفا می‌کردند. آنها دادگاه‌های اسلامی را مورد شماتت قرار دادند که چرا شیخ و بعضی دیگر را محکوم به اعدام نکرده‌اند. از زمانی که اوین در اختیار افراد جمهوری اسلامی قرار گرفت، طرح کار و فعالیت پزشکان زندانی در آن، به‌عنوان اولین مرحله در تجدیدنظر در نگرش نسبت به اشخاصی از رژیم گذشته محسوب می‌شد که آنها را طاغوتی می‌نامیدند.

از نظر مسلمانان سرسختی چون پاسدارها، پذیرش پزشکان در میان خود همانند خدش‌های بر بینش انحصارطلبی‌شان بود که تصور می‌کردند در تمام امور خودکفا هستند. اما این نظر خصوصاً در زمان جنگ، دگرگون شد؛ چرا که در این دوران، پزشکان هم مانند بسیاری دیگر از طاغوتیان، از قبیل افسران ارتش و خلبانان جنگی که جانشان را فدا کردند، خدمات شایسته‌ای انجام دادند. به این ترتیب آن افراد سرسخت دریافتند که الزاماً تمام طاغوتی‌ها بد نیستند.

بازگردیم به زندگی در سلول زندان، ساعت ۷ صبح پاسداری در زندان را که تمام شب قفل بود با کلیدی می‌گشود و نان با قطعه‌ای پنیر در اختیارمان می‌گذاشت. مقسم غذا، با دقتی همیشگی بر آن می‌شد تا به وسیله‌ی نخ، پنیر را به قسمت‌های مساوی تقسیم کند. اگر پاسدار زندان، گاهی خرما برایمان می‌آورد، آن نیز به گونه‌ای منصفانه توزیع می‌شد. به‌هنگام ظهر، پاسدار دیگری در حالی که قابله بزرگ برنج همراهش بود، مقابل در سلول می‌آمد و به تعداد هر نفر کفگیري غذا به مسؤول سلول تحویل می‌داد.

شام به‌طور معمول عبارت بود از سیب‌زمینی و سبزیجات، هفته‌ای یک‌بار هم نغری دو عدد تخم‌مرغ آب‌پز به‌ما می‌دادند که در واقع شب جشن ما بود. غذای گوشتی در مجموع خیلی کم بود اما غذا برایمان کافی به‌نظر می‌رسید، بیشترین کمبود ما در زمینه‌ی شست‌وشوی خودمان بود. فقط هر پانزده روز یک‌بار، حق استفاده از دوش آب‌گرم داشتیم. دو ماه پس از زندانی شدنم در اوین، صحبت‌های شدیدی را از رادیوی زندان علیه سازمان عفو بین‌المللی شنیدیم، برای هم‌بندهایم توضیح دادم که مطمئناً این تشکیلات انسانی درباره‌ی شرایط

زندانیان در زندان‌های ایران اعتراض نموده است. بعد از ظهر همان روز، دادستان کل دادگاه، لاجوردی برای اولین بار مقابل سلول ما آمد و نسبت به کمبودهایمان سؤال نمود. همراهان مرا به عنوان سخنگویشان معرفی کردند. من هم از او خواهش کردم تا نانی با کیفیت بهتر در اختیارمان بگذارند و امکان استفاده بیشتر از دوش آب‌گرم را برایمان فراهم کنند. همان شب به نحوی بی‌سابقه، پاسداران ما را برای استفاده از آب‌گرم بردند و اجازه دادند تا هر وقت می‌خواهیم از آن استفاده کنیم.

انزوایی همانند آنچه در اوین برای ما وجود داشت، بدون تردید از نظر روانی، اثرات شدیدی بر انسان می‌گذارد، به گونه‌ای که در بی هر تماس با خارج از پنجره کوچک سلول ما، فقط شاخه‌های درختی بر تپه روبه‌رو دیده می‌شد. روزی یکی از زندانیان پیشنهاد کرد بر شاخه دیگری بالا برود تا بتواند، تمام درخت را ببیند. او وقتی پایین آمد، پیروزمندانه گفت: نه تنها درخت را دیدم بلکه سگی را هم در پای آن مشاهده نمودم. به دنبال این حرف، نیمی از زندانیان هم ابراز تمایل کردند تا بر روی دوش هم بروند و از آن روزنه صحنه را ببینند، زیرا دیدن هم‌زمان درخت و سگ برای آنها پدیده‌ی مهمی محسوب می‌شد، چرا که نه تنها یک‌نواختی زندگی روزمره‌شان را به هم می‌زد، بلکه رابطه‌ای میان ایشان و دنیای کاملاً منفک شده از آنها، ایجاد می‌کرد.

ورود زندانیان جدید هم، که اطلاعاتی درباره‌ی آنچه خارج از زندان می‌گذشت از ایه می‌کردند، به همین ترتیب بود. بعضی از این جوان‌ها که کاملاً تحت تأثیر عقاید مختلف مارکسیستی انقلابی قرار داشتند، هنوز فکر می‌کردند، نظام اسلامی به زودی سرنگون خواهد شد. مجاهدین جوان هم که طی تظاهراتی اسلحه به دست دستگیر شده و یا به وسیله‌ی دوستان گرفتار شده، لو رفته بودند اعتقاد داشتند، مسعود رجوی (که آن موقع در پاریس بود) رهبری قیامی بزرگ علیه نظام را عهده‌دار خواهد شد. آنها می‌گفتند: شورشیان درهای اوین را خواهند گشود و هزاران زندانی را آزاد خواهند نمود. آن وقت مجاهدین بیچاره‌ای که با امید به فردایی بهتر، حاضر به ابراز ندامت و پشیمانی نبودند، در سحرگاه به سمت جوخه‌های اعدام برده می‌شدند. در این حرکت اجتناب‌ناپذیر به سوی مرگ، آنها کماکان کوربینی خود را نسبت به تبلیغاتی حفظ می‌کردند که مثلاً بیان می‌داشت، طی یک درگیری مسلحانه خیابانی، ۳۰۰ نفر

از اعضای سازمان جان به سلامت بردند، زیرا سازمان برای این عملیات ۵۰۰ کشته پیش‌بینی می‌کرد، در حالی که ۲۰۰ نفر بیشتر از میان نرفتند...

از این‌جا بود که به ضایعات حاصل از صدور «افکار انقلابی» غرب، در طول چند دهه‌ی اخیر، به کشورهای امریکای لاتین و سپس کشورهای آفریقایی و آسیایی، واقعاً پی بردم. مسؤولان خودکامه این کشورها، درست مانند شاه، اگرچه با استناد به معبود خود - یعنی رشد و پیشرفت اقتصادی - توانستند تقلید کورکورانه‌ای از غرب بنمایند، اما در عوض این نخبگان انقلابی، در زمینه مفاهیم عقیدتی طرز فکر دیگری ارایه ندادند (یعنی در این مورد هم از غرب تقلید کردند)

آنها همانند فن‌سالارهای اقتصادی، بدون آن‌که خصوصیات تاریخی و جامعه‌شناسانه ملت‌ها را در نظر بگیرند، صرفاً سعی کردند تا طرح‌های انقلابی را که غربی‌ها تنظیم کرده ولی هیچ‌گاه در خطه خودشان به کار نگرفته بودند، عیناً مورد استفاده قرار دهند.^(۱)

برنامه‌ی دومین دولت جمهوری اسلامی ایران دولت شهید دکتر باهنر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعَزِّزُ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا النُّفَاقَ وَ أَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنْ
الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

ترجمه: «خدایا، از تو حکومت پر ارج و کرامتی را آرزو می‌کنیم که با آن اسلام و مسلمین را بلندمرتبه و متعالی و نفاق و منافقین را زبون و حقیر گردانی و ما را در آن چنان جامعه‌ای از کسانی قرار دهی که انسان‌ها را به‌سوی اطاعت از تو و اجرای قوانین تو می‌خوانند و برای تلاش و جهاد در راه تو ایستاده‌اند و پیشروان راه‌های دشوار آینده‌اند. خدایا، از تو می‌خواهیم که بدین‌گونه کرامت و عزت راستین دنیا و آخرت را به‌ما عطا فرمایی...»

اینک که وجدان بیدار ملت ما به پیروی ولایت فقیه و رهبری مرجع عالی‌قدر تقلید حضرت امام خمینی، استکبار جهانی آمریکا و اذنباش را درهم شکسته است و می‌رود که بالهام از مکتب حیات‌بخش و جاودانی اسلام با تلاشی پیگیر و ثمربخش حاکمیت مستضعفین

۱۶۰ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

را تحقق بخشد، دومین دولت جمهوری اسلامی ایران در آستانه‌ی تشکیل است. این دولت در زمانی تشکیل می‌شود که انقلاب عظیم ما با باروری از خون شهدا، هم‌چنان در راه استقلال، آزادی، حکومت اسلامی به‌پیش می‌رود و رهبری آگاهانه امام در مراحل حساس و خطیر باعث درهم کوبیدن تمام محاسبات و مناسبات امپریالیستی و صهیونیستی گردیده است که رهبری امام و فداکاری امت، خود سرفصل جدیدی در تاریخ انقلابات جهان خواهد بود.

این دولت با توجه به حکومت اسلام که برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست، بلکه تبلور آرمانی امتی است که به‌خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی، راه خود را به‌سوی هدف نهایی (حرکت به‌سوی اللَّهُ بگشاید، برنامه‌های کلی خود را به‌شرح زیر اعلام می‌دارد:

۱- در زمینه‌های فرهنگی

ملت ما در جریان تکامل انقلابی خود از غبارها و زنگارهای طاغوتی زدوده شده و از آمیزه‌های فکری بیگانه خود را پاک نموده و به مواضع فکری و جهان‌بینی اصیل اسلامی بازگشت نموده است و اکنون برآن است که با موازین اسلامی، جامعه نمونه خود را بنا کند، لذا بر چنین پایه‌ای رسالت دومین دولت جمهوری اسلامی این است که زمینه‌های اعتقادی نهضت را عینیت بخشد و شرایطی را به‌وجود آورد که در آن انسان با ارزش‌های والا و جهان‌شمول اسلامی پرورش یابد.

۲- در زمینه‌های اقتصادی

در تحکیم بنیادهای اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست، نه همچون دیگر نظام‌های اقتصادی متمرکز و تکاثر ثروت و سودجویی. با این دیدگاه برنامه اقتصادی دولت فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های امت به‌پاخاسته ایران در جهت رفع کامل وابستگی است.

۳- در زمینه‌های خدماتی

دولت سعی خواهد کرد که زمینه لازم برای رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه در مسایل مربوط به خدمات را برای همه مردم مخصوصاً طبقه مستضعف جامعه فراهم سازد.

۴- در زمینه‌های سیاسی

این دولت بار رسالت مکتبی، یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در گسترش حاکمیت قانون خدا را در جهان عهده‌دار خواهد بود و روابط داخلی و خارجی خود را بر این اساس تنظیم خواهد نمود.

به‌طور خلاصه، برنامه دولت که حرکتی است برای پیروزی مستضعفین بر مستکبرین تضمین‌گر نفی هرگونه استبداد فکری و اجتماعی انحصار اقتصادی می‌باشد و با نهادها و بنیادهای انقلابی که پایه تشکیل جامعه به مفهوم «امت» است براساس مکتب، ارتباط مستمر و هماهنگ خواهد داشت.

این دولت با تکیه بر اصول فوق با تمام توان تکیه خواهد کرد که خط امام بیش از پیش در جامعه عینیت یابد و در نتیجه مستضعفین جهان امیدواریشان به تحقق نهایی آرمانشان بیشتر گردد.

در این راه دولت از همه امکانات موجود استفاده خواهد کرد و به یاری خدای بزرگ و کمک رهبر و مردم و مجلس، ایمان کامل دارد و امید است، بتواند آن همه خواست و آرزوهای برآورده نشده و به‌حق مستضعفین جهان را برآورده سازد و تکلیف خود را برابر پروردگار بزرگ و برای رضای او - که تنها معیار اساسی ارزش‌هاست - و در جهت خواست امام و مصلحت امت اسلامی به انجام رساند. ان‌شاءالله!

من الله التوفیق و علیه التکلان

حادثه ۸ شهریور ۱۳۶۰

و من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه فمنهم من قضى نحبه و منهم من ينتظر و ما بدلوا تبديلا.

سرانجام رجایی، یادگار سال‌ها زجر و شکنجه در زندان‌های رژیم سفاک پهلوی، مردی که پست و مقام و زروزیور این دنیا او را نفریفت و از صراط مستقیم و راه خدا بازش نداشت؛ مردی که هیچ‌گاه امام خویش را تنها نگذاشت، به‌همراه یار همیشگی‌اش عارف و رزمنده بزرگ دکتر باهنر نیز به خیل شهیدان راه حق پیوستند.

حادثه بدین طریق اتفاق افتاد که بعد از ظهر روز یک‌شنبه ۸ شهریور هنگامی که رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر به‌همراه ده تن دیگر از برادران در جلسه‌ای در ساختمان مرکزی نخست‌وزیری شرکت کرده بودند بر اثر انفجار بمبی که به‌دست عوامل ناپاک آمریکا در محل برگزاری جلسه کار گذاشته شده بود به‌شهادت رسید.

اجساد شهدای این فاجعه به‌صورتی سوخته بود که به‌هیچ‌وجه شناسایی آنها ممکن نبود. از سوی دیگر در میان زخمی‌های این حادثه اثری از برادران باهنر و رجایی به‌چشم نمی‌خورد، و بدین ترتیب حدس زده شد که ۲ جسد از سه جسد متعلق به رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر باشد و بالاخره در ساعت آخر همان شب از روی علاماتی که در دندان‌های هرکدام از آنها

وجود داشت اجساد شناسایی شد.

صبح روز دوشنبه ۹ شهریور در پی اعلام شهادت برادران رجایی و باهنر و پیام شورای موقت ریاست جمهوری که در آن از مردم برای تشییع پیکر پاک شهیدان دعوت به عمل آورده بود، گروه‌های مختلف مردم دستجات گوناگون از نخستین ساعات بامداد کار و کسب خود را تعطیل و با هر وسیله ممکن به سوی خیابان‌های مرکزی شهر و به طرف مجلس شورای اسلامی که مراسم تشییع از آن‌جا آغاز می‌شد به راه افتادند.

موج توفنده‌ی امت به پا خاسته‌ی ایران در حالی که با ناله و فغان به طرف مجلس حرکت می‌کردند، طی شعارهایی ضمن درخواست مؤکد از دادگاه‌های انقلاب برای مبارزه قاطع و بی‌امان با تروریست، آمادگی خود را برای مقابله با این پدیده‌ی شوم و ننگین اعلام داشتند. تراکم جمعیت به حدی بود که در ساعت ۹ صبح از میدان حسن‌آباد تهران تا مقابل مجلس شورای اسلامی امکان هیچ‌گونه حرکت وجود نداشت و خیابان‌های اطراف نیز مملو از جمعیت بود، انبوه جمعیت خواهران و برادران در حالی که با چشمان گریان بر سروسزینه‌ی خود می‌زدند و گل‌های سرخی نیز در دست داشتند شعار می‌دادند:

روز عزاست امروز

عزا عزاست امروز

صاحب عزاست امروز

امام امت ما



در ساعت ۸:۳۰ دقیقه در حالی که مردم با شعارهایشان ابرقدرت‌های شرق و غرب را محکوم می‌کردند، نوار سخنرانی شهید رجایی پخش شد و مردم متعهد و انقلابی همیشه در صحنه با چشمانی گریان به سخنان مقلد امام گوش فرامی‌دادند، مردم در دسته‌های مختلف با قلبی آکنده از اندوه فراوان با حمل تصاویری از برادر رجایی و برادر باهنر شهدای ساختمان نخست‌وزیری را کفن پوشیده و **الله اکبر و لا اله الا الله** گویان با دادن شعارهایی چون:

«ما اهل کوفه نیستیم حسین تنها یماند امت اگر بمیرد، امام تنها یماند»

به سوی بهشت زهرا در حرکت بودند. ضمناً در مراسم تشییع جنازه یاران امام - شهید رجایی و شهید باهنر - برادران حجت‌الاسلام خلخالی، حجت‌الاسلام معادیخواه، برادر فخرالدین حجازی، آیت‌الله ربانی املشی دادستان کل کشور، حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای،

۱۶۴ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

برادر کیاوش، سرهنگ شهید نامجو، و بالاخره حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی و یکی از اعضای خانواده رجایی بیانات کوتاهی ایراد فرمودند.

سرانجام انبوه جمعیت همچون رودی خروشان همراه با آمبولانس‌های حامل شهیدان از طریق خیابان خیام به خیابان‌های جنوبی شهر و به طرف خیابان آرامگاه به راه افتادند. در ساعت تقریباً یک بعدازظهر، آمبولانس‌های حامل شهدا وارد بهشت زهرا شدند، و پیکر پاک این دو فرزند صدیق اسلام نیز همچون دیگر یارانشان در ساعت ۲:۴۵ دقیقه بعدازظهر به داخل مزارشان انتقال یافت.

از طرفی پیش از ظهر همان روز گروه زیادی از اقشار مختلف مردم مسلمان و متمهد به منظور عرض تسلیت به حضور امام امت رهبر انقلاب اسلامی در حسینیه جماران گرد آمدند، امام امت در این دیدار بیاناتی ایراد فرمودند.

عامل فاجعه ۸ شهریور ۱۳۶۰

مدتی پس از حادثه دردناک نخست‌وزیری، آیت‌الله ربانی املشی دادستان انقلاب جریان انفجار را شرح داد و عامل آن را معرفی نمود. وی گفت:

«عامل انفجار نخست‌وزیری، شخصی به نام مسعود کشمیری بوده است که دبیر شورای امنیت نیز بوده است و علی‌الظاهر بمبی در کیف خود جاسازی کرده است که به‌طور عادی و معمولی بدون این‌که هیچ‌کس به او ظنین شود و هیچ‌کس هم کیف او را بازرسی و رسیدگی نمی‌کرده و او خیلی عادی و طبیعی بود که کیفش را در دست بگیرد و برود در جلسه شرکت کند و از آن‌جایی که منشی جلسه هم بود، کنار مرحوم شهید رجایی و شهید باهنر بنشیند و این‌کار را کرده و کیف خود را هم در کنار آنها قرار داده و طوری هم تنظیم کرده بود که انفجار، اولین بار این دو شخصیت بزرگ و ارزنده و عزیز را بگیرد، و خود او هم رفتاری معمولی داشته است، گاهی بیرون می‌رفته، داخل می‌شده، بالین و آن صحبت می‌کرده است، می‌رفته است چیزی از بیرون می‌آورده و گاهی چای می‌داده است، در بین یکی از این مواقعی که رفت و آمد می‌کرده است، به بیرون رفته و دیگر برنگشته و در همان موقع این انفجار به‌وجود آمده و این عزیزان را از ما گرفت و کشمیری فرار کرد و هم‌اکنون نیز متواری

حادثه‌ی ۸ شهریور ۶۰ هـ ۱۶۵

است و زنده است، مگر این‌که سازمان مناقین از آن‌جایی که ببینند او شاید مثلاً وجودش برایشان مضر باشد، وی را از بین برده باشند.

حادثه ۸ شهریور از نظر آیت‌الله خلخالی

در ساعت سه و پنج دقیقه‌ی بعد از ظهر روز ۸/۶/۶۰، صدای مهیبی در اطراف مجلس پیچید. بعداً معلوم شد که این صدا از نخست‌وزیری بوده است. نمایندگان مجلس که عصر همان‌روز جلسه داشتند و جلسه هنوز شروع نشده بود، با شنیدن صدا، بیرون ریختند و من خود شاهد زیانه‌کشیدن شعله‌های آتش از پنجره‌ها و در قسمت شمالی ساختمان نخست‌وزیری بودم. آقای بهزاد نبوی را که سراسیمه بود، به دفتر آقای هاشمی آوردند و من هم به آن‌جا رفتم. او حرفی نزد، ولی آقای هاشمی گفت: ممکن است زخمی شده باشند و یا ممکن است مرده باشند.

من به ایشان پرخاش کرده و گفتم: بالاخره نمی‌گذارید ما این گروهک را پاکسازی کنیم و بعد به‌گریه افتادیم.

آقای هاشمی گفت: با این حال بیرون نرو.

گفتم: بر اعصابم مسلط هستم.

جلسه‌ی علنی ساعت ۵ بعد از ظهر تشکیل شد. ابتدا آقای خوئینی‌ها و سپس خود آقای هاشمی، ریاست جلسه را به‌عهده گرفتند؛ ولی همه پریشان بودیم. کم‌کم روشن شد که رجایی و باهنر رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر، به دست گروهک‌ها به‌شهادت رسیده‌اند. بعد هم معلوم شد که بمب‌گذار اصلاً خود کشمیری بوده است در حالی که ما ابتدا تصور می‌کردیم او جزء شهدا است. حتی سه تابوت تهیه کرده بودند؛ یکی برای رجایی و دیگری برای باهنر و سومی برای کشمیری؛ حال آن‌که او عامل نفوذی مجاهدین خلق و بمب‌گذار بوده و فرار کرده بود. این جریان، پس از یک‌هفته معلوم شد. او به‌قدری مورد اعتماد آقای رجایی بود که اسناد سری و فوق‌سری دولت را نگهداری می‌کرد و آقای رجایی به او اقتدا می‌نمود، و او برای گول‌زدن مردم مسایل شرعی و فتوای امام را بیان می‌کرد.

۱۶۶ هجرت و پنج سال در ایران چه گذشت؟

جلسه‌ای که رجایی و باهنر در آن شرکت داشتند، در مورد امنیت کشور بود. در آن جلسه، چند نفر از دولت‌مردان از جمله رئیس شهربانی، آقای دستجردی و فرماندهی ژاندارمری، احیایی شرکت داشتند. سرانجام معلوم شد که آن دو نفر و یک رهگذر و چند نفر پاسدار نیز کشته شدند. جنازه‌های رجایی و باهنر را که کاملاً سوخته بودند، برای تشییع به داخل مجلس آوردند و شناختن آنها ممکن نبود؛ مگر از طریق دندان‌های آنها، زیرا قسمتی از دندان‌های آنها مصنوعی بود. آقای رجایی یک دندان طلای سفید داشت که از روی آن شناخته شد. قرار شد که فردا مورخه ۶۰/۶/۹، ساعت هفت صبح از رادیو شهادت آن دو و عزای عمومی اعلام شود.^(۱)

بخش دوم

نخست وزیر آیت الله محمد رضا مهدوی کنی

کابینه‌ی مهدوی‌کنی

بعد از حادثه هشتم شهریور ۱۳۶۰، کابینه‌ی آقای محمدرضا مهدوی‌کنی، با تغییر مختصری در کابینه قبلی به مجلس معرفی شد و خود ایشان در تاریخ ۱۳۶۰/۶/۱۱، با ۱۷۷ رأی موافق و دو رأی مخالف و هشت رأی ممتنع از مجلس رأی اعتماد گرفت و این رأی قاطع نمودار انسجام مجلس در مقابل مخالفین بود. روز بعد نیز، اعضای کابینه از مجلس رأی اعتماد گرفتند. (از مجموع ۱۸۷ رأی، ۱۷۰ رأی موافق دادند) البته برای کل کابینه رأی داده شد و برای هر یک از وزرا جداگانه رأی نگرفتند، زیرا به‌جز آقای نیک‌روش (وزیر کشور)، وزرا همان وزرای قبلی، - یعنی اعضای کابینه باهنر - بودند و احتیاجی نبود تا در اطراف اشخاص بحث شود. با روی کار آمدن حاج شیخ محمدرضا مهدوی‌کنی، نخست‌وزیر در حقیقت یکی از اعضای شورای سه نفره رهبری کشور تعیین شد. ایشان به اتفاق دو نفر دیگر - یعنی رئیس مجلس و رئیس دیوان عالی کشور - تا انتخاب رئیس جمهوری، کشور را اداره می‌کردند.

آیت‌الله عبدالکریم موسوی اردبیلی، رئیس شورای عالی قضایی و آقای علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس بود. پس از این رأی‌گیری تعطیلات مجلس به‌مدت پانزده روز آغاز

۱۷۰ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

شد. این تعطیلی جنبه‌ی سیاسی نداشت؛ بلکه به‌عنوان تعطیلات تابستانی بود.

حوادث ناگوار و ترورها

﴿ روز ۱۴ شهریور ماه ۱۳۶۰، حدود ساعت نه صبح، در دفتر دادستان کل انقلاب، آقای قدوسی، بمب آتش‌زا گذاشته شد و در اثر انفجار، بدن ایشان متلاشی شد و در دم، جان سپرد. معالجات سرهنگ وحید دستجردی، رئیس کل شهربانی و رئیس پلیس نیز که در اثر انفجار دفتر ریاست جمهوری و نخست‌وزیر جراحات سختی برداشته و بدنش کاملاً سوخته بود، مفید واقع نشد و ایشان هم به‌خیل شهدا پیوست.

﴿ روز جمعه مورخه ۲۰ شهریورماه ۱۳۶۰، آیت‌الله آقای حاج اسدالله مدنی، نماینده‌ی امام در تبریز پس از نماز جمعه در حالی که سه رکعت از نماز عصر را نیز در محراب عبادت خوانده بود، به‌دست یکی از عوامل خودفروخته مجاهدین و با نارنجک دستی، به‌شهادت رسید و شش نفر دیگر هم در اطراف ایشان شهید شدند.

مصاحبه‌ی هاشمی رفسنجانی با خبرنگاران داخلی و خارجی درباره‌ی هدف هیأت ایرانی

(۳۰ شهریورماه ۱۳۶۰)

س - آیا شما نماینده‌ای به کنفرانس کشورهای غیرمتعهد که در بغداد برگزار می‌شود، خواهید فرستاد؟

ج - خیر! تا رژیم صدام در عراق هست، ما در هیچ کنفرانسی در بغداد شرکت نمی‌کنیم؛ [برای این] که جنگ خانمان‌سوز فعلی را صدام علیه ما شروع کرده و باعث کشتار هزاران مسلمان ایرانی و عراقی گردید. صدام، ثروت مردم مسلمان عراق را خرج ابزار جنگی می‌کند تا از آنها علیه انقلاب اسلامی استفاده کند.

س - بنی‌صدر گفته است که دولت ایران نمی‌خواهد، جنگ تمام شود؛ زیرا چنان‌چه ارتش از جنگ فارغ شود، برای رژیم خطرناک خواهد بود!

ج - بنی‌صدر همین دروغ‌ها را گفت که مردم او را از کشور بیرون کردند. ارتش ما یکی از افتخارات ماست که قاطعانه مشغول دفاع از کشور است. ما امیدواریم که این ارتش از جنگ فارغ شود و در سازندگی کشور شرکت کند. اگر ارتش آن‌چنان بود، الآن هم نمی‌جنگید. در

۱۷۲ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

واقع، سران فاسد ارتش در گذشته، تصفیه شده‌اند و بدنه ارتش ما از جوانان مسلمان و فرزندان کارگران و کشاورزانی تشکیل شده است که در زمان شاه نیز علیه مردم نجنگیدند و به فرمان امام از پادگان‌ها خارج شدند.

بنی‌صدر، نه ماه تمام، وقت ارتش ما را در جنگ تلف کرد؛ ولی از روزی که او فرار کرده است، ما ضرباتی کاری به دشمن زده‌ایم. یکی از این ضربات دیروز بود که طی آن، پنجاه تانک عراقی را سالم به غنیمت گرفتیم.

س - وقتی آمریکا و شوروی به شما کمک نمی‌کنند و موضع کشورهای اسلامی نیز مشخص است و هیچ کمکی از خارج دریافت نمی‌کنید، آیا رابطه خرید اسلحه از اسرائیل صحیح بوده است؟

ج - وقتی آمریکا کمک نکند، اسرائیل نیز به طریق اولی کمک نخواهد کرد. ما اگر بخواهیم حتی یک سوزن اسلحه از اسرائیل بخریم، ابتدا با عراق صلح خواهیم کرد. وقتی امام خمینی یک روز مشخص را به نام «روز قدس» برای طرح مسأله‌ی فلسطین و افشای توطئه‌های اسرائیل و آمریکا تعیین کردند، این ضربه برای اسرائیل است.

ما می‌توانستیم بیش از آن‌چه که از اسرائیل بگیریم، از خود آمریکا - که قبلاً هم پول آن را پرداخته‌ایم - بگیریم؛ ولی نیازی نداریم. در ایران به حد کافی اسلحه وجود دارد و قسمت اعظم احتیاجات نظامی ما توسط کارخانجات داخلی ساخته می‌شود. اگر هم احتیاجی داشته باشیم، کشورهای چون استرالیا، سوئیس، هلند و... هستند که تولیدات آمریکایی دارند و در فروش آن با یکدیگر رقابت می‌کنند. ما می‌توانیم از آنها بخریم؛ حتی چیزهایی را که اسرائیل ندارد.^(۱)

محسن رضایی فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی:
**هدف آمریکا از جنگ تحمیلی به سازش کشیدن
انقلاب اسلامی ایران بود.**

سرویس سیاسی کیهان - محسن رضایی فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در گفت‌وگویی اختصاصی با خبرنگار کیهان، نقطه‌نظرهای خود را در مورد آینده‌ی جنگ، اوضاع جبهه‌ها، وضع گروهک‌ها و استراتژی آمریکا در ایران تشریح کرد.

وی در ابتدا به تشریح اهداف حمله عراق به ایران و رابطه آن با استراتژی آمریکا در ایران پرداخت و گفت: برای این‌که بفهمیم مسأله‌ی جنگ به دنبال چه هدفی در ایران صورت گرفت و امپریالیست‌ها و ابرقدرت‌ها چه هدفی از مسأله جنگ داشتند باید قبل از هرچیز بدانیم که اصلاً هدف اساسی آمریکا در مقابله با انقلاب ایران چیست؟ یا این‌که آمریکا برای رسیدن به منافع وسیع استراتژیک و اقتصادی که در ایران دارد، چه خط مشی و استراتژی را دنبال می‌کند. با این‌کار به راحتی می‌توانیم تمام برخوردهای آمریکا را تفسیر و تجزیه و تحلیل کنیم و بین این تاکتیک‌های مختلف و گاه متناقض آمریکا، یک ارتباط منطقی سیاسی برقرار بکنیم.

با بررسی‌های مختلف و اطلاعاتی که از بیانات سران آمریکا و از اسناد لانه‌ی جاسوسی به‌دست ما رسیده به این نتیجه رسیدیم که استراتژی آمریکا چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب بر سرکار آوردن یک دولت میانه‌رو بوده است. دولتی که در آن غرب‌زده‌ها حاکمیت داشته باشند و از طریق این دولت میانه‌رو، آمریکا می‌خواست منافع درازمدت خود را در ایران در کنار روسیه شوروی برای سال‌های سال، تضمین بکند.

آمریکا برای رسیدن به این استراتژی از ابزار مختلف استفاده کرده و می‌کند. این ابزار در رابطه با دو هدف بود، که از همان استراتژی که ذکر شد، نشأت می‌گیرد. این دو هدف یکی براندازی و تضعیف جمهوری اسلامی و خط امام و دیگری رشد دادن و ارتقای سیاسی - اجتماعی دادن خط میانه‌روی و سازشکاری و تقویت جناح‌های غرب‌زده بود. این هدف‌ها در مجموع آمریکا را به آن استراتژی که گفته می‌رساند.

آمریکا در زمان‌های مختلف، تاکتیک‌های مختلفی را به کار برد. از جنگ گرفته تا کودتا تا حمله نظامی طیس و درگیری‌های اخیر داخلی. این تاکتیک‌های داخلی را آمریکا در رابطه با اهداف گفته‌شده، پیش می‌برد؛ یعنی هروقت زمینه‌های میانه‌روی در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران برای آمریکا امیدبخش بوده، مثل زمان دولت موقت و آقای بنی‌صدر، آمریکایی‌ها به این توجه داشتند که از تاکتیک‌های نظامی به‌عنوان یک ملاط‌کار و به‌عنوان این‌که بتوانند میانه‌روها را به حاکمیت بیشتر برسانند، استفاده می‌کردند. در حقیقت هدف‌های اساسی آن‌ها از تاکتیک‌های نظامی و یا براندازی این نبوده که کل خط بنی‌صدر و یا خط دولت موقت از بین برود، بلکه آن‌ها را به‌عنوان چاشنی مطلب استفاده می‌کردند تا بتوانند این خط میانه‌روی را بر سرکار نگهدارند و تقویتش بکنند.

رضایی در ادامه سخنانش گفت: در مقابل، هروقت که زمینه‌های میانه‌روی در حاکمیت جمهوری اسلامی ضعیف می‌شد (مثل جریان‌ات سقوط دولت موقت و یا لانه جاسوسی) و از طرف دیگر خط امام به حاکمیت می‌رسید، مثل شروع کار مجلس، کناره‌گیری حداقل ۱۵ نفر از نمایندگان که وابسته به «سیا» و یا غرب‌زده بودند و نیز پس از روی کار آمدن یک دولت مکتبی که آمریکا به‌دنبال این تحولات تمام امیدهای خود را از دست‌رفته دید، مسأله جنگ را مطرح کرد و روی بُعد تخریب و بُعد براندازی قوی‌تر رفت.

هدف آمریکا از جنگ تحمیلی به سازش کشیدن... ۱۷۵

بنابراین هر وقت زمینه‌های میانه‌روی بود، از تاکتیک‌های نظامی به‌عنوان یک ملاط و یک چاشنی استفاده می‌کرد، اما هر وقت زمینه‌های میانه‌روی در حاکمیت جمهوری اسلامی مفهومی نداشت و برعکس خط امام در حال اوج به‌قدرت رسیدن بود، آمریکا مجبور بود از تاکتیک‌های تخریبی برای براندازی خط امام استفاده بکند. مسأله‌ی جنگ را ما در این چهارچوب می‌بینیم؛ یعنی آمریکا می‌خواست با این جنگ، دولت و مجلس مکتبی را از بین ببرد.

هدف جنگ

- هدف جنگ چه بود؟

- هدف این بود که صدام خوزستان را ظرف سه‌روز بگیرد، زیرا عراق با ۱۴ لشکر نیروی زمینی، یک لشکر گارد ریاست جمهوری و یک لشکر مخصوص، نیروی دریایی و نیروی هوایی خود، بزرگ‌ترین قدرت نظامی منطقه خاورمیانه بعد از انقلاب اسلامی محسوب می‌شد. آمریکایی‌ها با این نیرو می‌خواستند در یک مدت کوتاه خوزستان؛ یعنی گلوگاه اقتصادی ایران را بگیرند. جریان آن قدر تمام شده بود که حتی روسیه شوروی (با این‌که عامل اصلی این جنگ آمریکا بود) وقتی دید کار تمام شده است مجبور به سکوت شد؛ یعنی تمام قدرت‌ها فکر می‌کردند کار ایران تمام است، حتی آن‌هایی که مخالف ذهنی هم بودند، سکوت کرده بودند تا بفهمند که عاقبت جنگ چیست؟ زیرا که با برآورد نیروهای کلاسیک احتمال قوی می‌دیدند که این جنگ، جنگ نابرابری است و پشت سر عراق نیروهای بسیار زیادی خوابیده و این بود که حدس می‌زدند کار ایران تمام شده است. هدف هم این بود که در مدت سه‌روز خوزستان به‌تصرف دربیاید و بعد با تجربه‌ای که انگلستان از اسرائیل داشت و بعدش آمریکا وارث این تجربه شد، سعی کنند که ایران را سر میز مذاکره بنشانند و با برگ برنده‌ای که دارند؛ یعنی اشغال خوزستان ایران را از موضع ضعف به‌سازش بکشند تا ایران به صدور انقلابش نپردازد، مجبور به سازش با ابرقدرت‌ها بشود و مجبور بشود از این سیلی محکمی که به‌قول امام به گوش غرب و آمریکا زده، عقب‌نشینی کند و به مواضع لیبرالی و میانه‌روی که استراتژی آمریکا هم همین بود، برود.

مراحل مختلف جنگ

فرماندهی سپاه پاسداران سپس به تشریح مراحل مختلف جنگ پرداخت و گفت: جنگ از زمانی که شروع شد، سه مرحله را پشت سر گذراند. مرحله اول زمانی بود که عراق تهاجم خود را آغاز کرده بود و ما قصد متوقف کردن عراق را داشتیم. این مرحله از ابتدای جنگ تا چند ماه طول کشید. در این مرحله عراق مرتب تهاجم می‌کرد و ما سعی داشتیم که عراق را متوقف کنیم.

مرحله‌ی بعد، مرحله‌ای بود که بعد از توقف پیشروی عراق شروع شد. در این مرحله ما به فکر تهاجم افتادیم. تهاجم را در یک مرحله با برتری وضعیت کلاسیک شروع کردیم؛ یعنی آمدم گفتیم که خوب، تانک‌ها، توپخانه و لشکرهايمان را به کار گیریم و علیه عراق وارد صحنه بشویم. این تجربه را کردیم ولی دیدیم که ناهرابری بسیار زیاد است و عراق با نیروهای کلاسیکی که دارد خواسته‌اش این است که ما با این شیوه با او بجنگیم و دیدیم که ما نمی‌توانیم در بُعد صرفاً کلاسیک، تجربه موفقی داشته باشیم.

این مرحله هم طول کشید و حملاتی که ما کردیم گرچه در ابتدا حملات موفقی بود، اما در آخر دیدیم که نتوانست ما را به یک پیروزی چشمگیری برساند. از این به بعد ما وارد یک مرحله جدیدی شدیم و آن تکیه بر نیروهای مردمی در پیوند با تجارب کلاسیک بود. در این مرحله ما معجونى مرکب از مردم، بسیج، پاسداران، عشایر، نیروهای ارتش و ژاندارمری درست کردیم. این تجربه جدید تجربه بسیار بدیعی در کل دنیا بود و سابقه نداشت در جنگی که دشمن با قدرت کلاسیک وارد صحنه شده ما فقط با مردمان و با تکیه بر نیروهای کلاسیک وارد صحنه شویم. همین شیوه باعث شد عراق در مراحل چند کاملاً با شکست مواجه شود. در مرحله‌ی اول جنگ ابتدا ما فکر می‌کردیم تهاجم خیلی وسیع است. اردن، مصر و کشورهای خلیج هم پشت سر حمله بودند. لحظات اول به فکر ما رسیده بود که اگر نتوانیم در مقابل تهاجم دفاع بکنیم به کوه‌های خوزستان پناهنده بشویم و از آنجا بتوانیم جنگ را پیش ببریم، اما پیام امام در این موقعیت رهنمود بسیار توانبخشی بود که صادر شد. امام فرمودند که یک دزدی به مملکت رسول‌الله حمله کرده و این دزد را باید از بین برد.

علی‌رغم آمادگی‌های سیستماتیک و کلاسیکی که نداشتیم و آماده نبودیم برادران سپاه،

ارتش و بسیجی وارد جنگ‌های پارتیزانی با عراق شدند. من به یاد می‌آورم که در خوزستان برادری بود به نام شهید غیور اصلی که مسئول آموزش سپاه خوزستان بود، ایشان توانستند با ۱۵۰ نفر، نیروهای عراقی را که با دور زدن سوسنگرد و بستان تا حمیدیه آمده بودند، از طریق شیخون‌هایی که می‌زدند، تا ۷۰ کیلومتر به عقب برانند. این آغازی بود برای این که ما وارد جنگ‌های پارتیزانی و چریکی علیه عراق بشویم و عراق را متوقف کنیم و عراق به این ترتیب زمینگیر شد و ما در حقیقت ایشارها و خون‌هایی که دادیم عراق را متوقف کردیم؛ یعنی به تعبیری خون شهدا باعث سد شدن راه عراق شد و هیچ چیز دیگر در مرحله‌ی اول جنگ مفهوم نداشت. در حقیقت پیام امام و خون شهدا باعث شدند که ما در مرحله‌ی اول جنگ بتوانیم عراق را زمینگیر بکنیم.

مرحله‌ی تهاجم

فرمانده‌ی سپاه پاسداران سپس به تشریح مرحله‌ی دوم جنگ پرداخت و گفت: مرحله‌ی دوم جنگ که مرحله‌ی جنگ کلاسیک بود، طبق آمادگی‌هایی که چند ماهه اول جنگ به دست آورده بودیم، امید داشتیم که از طریق جنگ کلاسیک بتوانیم مسأله‌ی تجاوز عراق را حل کنیم اما در این مرحله هم دیدیم که از این راه هم نمی‌توان مسأله را حل کرد و به دنبال آن روی بُعد جدید جنگ رفتیم و آن عبارت بود از جنگ‌های پارتیزانی مخلوط‌شده با جنگ‌های کلاسیک که هم‌اکنون عراقی‌ها در این مورد کاملاً درمانده شدند.

اسرائیلی که بازداشت کردیم دقیقاً به این مسأله اعتراف کردند که ژنرال‌های عراقی وقتی در اتاق جنگ هستند همیشه می‌گویند که طبق این تبصره باید به فلان‌جا حمله کرد، طبق آن تبصره جنگی باید به فلان‌جا حمله کرد و تمام فکر و ذکر نیروهای رزمی عراق در حال حاضر معیارهای جنگ کلاسیک است و در این مسأله مانده‌اند که نیروهای ایرانی در چه ساعتی در روز حمله می‌کنند. این مسأله اصلاً قابل تعیین و تفکر برای عراقی‌ها نیست که نیروهای ایرانی چگونه می‌آیند و به کجا حمله می‌کنند؛ مثلاً عراقی در تانک خود نشسته است و می‌بیند که موتورسواری سریع به او نزدیک می‌شود و با آر - پی - جی ۷، تانک او را بین می‌برد.

موتورسوارهای ما که الآن با آر - پی - جی، شکار تانک می‌کنند آن قوتی را که در دل عراقی‌ها نسبت به نیروهای تانک و زرهی خودشان بود، از بین برده و الآن نیروهای عراقی کاملاً در یأس به سر می‌برند. در این مراحل که تا این جا بوده، نقش مردم ابعاد بسیار بالایی دارد. نقش مردم را باید از خانواده شهدا فهمید. ما افرادی داشتیم که پسرش در جبهه شهید شده بود ولی خودش آمد اسلحه پسرش را برداشت و در جبهه آن قدر جنگید تا شهید شد. در موارد دیگر از یک خانواده می‌بینیم که چند نفرشان شهید شده‌اند. در جبهه‌ها موارد زیادی داریم که فردی برادرش شهید شده و خود وی هم آمده به جبهه و می‌گوید که می‌خواهد شهید شود. این نقش مردم چه در بُعد شهادت و چه در بُعد پشتیبانی از جبهه‌ها نشانگر این مسأله است که تا زمانی که مردم با قدرت در جبهه هستند و همان‌طور که امام به ملت دستور داد که سرلوحه‌ی مسایل آنان جنگ باشد، ما هیچ نگرانی از مسأله‌ی جنگ نداریم.

آینده‌ی جنگ

رضایی در مورد آینده‌ی جنگ گفت: آینده‌ی جنگ را ما احساس می‌کنیم که کاملاً به نفع ماست. با یک احتساب کاملاً درستی می‌توان گفت که جنگ از عید به این طرف کاملاً به نفع ما بوده است و هم‌چنان هم به نفع ما ادامه دارد.

اگر آینده‌ی جنگ برای آمریکا بود که خوزستان را بگیرد، که این مسأله همان روزهای اول منتفی شد بنابراین آینده‌ی جنگ از همان روزهای اول به نفع ما بود. تجاربی که ما در جبهه‌ها داشتیم، تضمین‌کننده دقیق این مسأله است که آینده‌ی جنگ به نفع ماست؛ به عنوان مثال پس از این که بنی صدر فراری و عامل امپریالیسم فرانسه در ایران، از فرماندهی کل قوا برکنار شد، عملیات دارخوین صورت گرفت. عملیات دارخوین را باید گفت که تاکنون به هیچ وجه در جامعه شکافته نشده. عملیات دارخوین به گونه‌ای بود که عراق احساس می‌کرد که دو لشکرش در خطر افتاده و این بدان دلیل بود که ما یک منطقه استراتژیک را تصرف کرده بودیم.

این باعث شد که عراق از جاده‌ی ماهشهر عقب‌نشینی کند. عراق که امید داشت به آبادان

برسد و پل خرمشهر را نگه داشته بود تا از طریق آن به آبادان بیاید، مجبور شد آن را منفجر کند. در جبهه‌های دیگر هم از جمله طراح و چند موضع دیگر عراق عقب‌نشینی کرد. روزهای اول ما فکر می‌کردیم که این عقب‌نشینی‌ها به خاطر آن است که عراق به آبادان حمله بکند، اما وقتی پل خرمشهر را منفجر کرد، احساس کردیم که عراق به شدت ضعیف شده و وحشت کرده است. این عملیاتی که در دارخوین انجام شد نقطه‌ی عطفی بود در تجارب بعد از جنگ و در پیروزی‌هایی که بعد از عید به‌دست آوردیم. این عملیات در سراسر جبهه‌ها ادامه خواهد یافت و این نقاط عطف را که ما در جبهه‌ها می‌بینیم تضمین آن آینده‌ای است که ما به مردمان می‌گوییم متعلق به ما است. البته این‌ها را ما فقط از بُعد نظامی بررسی می‌کنیم. بگذریم از این مسأله که دیده نشده وقتی باطلی بر علیه حقی وارد میدان می‌شود، همیشه باطل پیروز از صحنه بیرون بیاید.

اوضاع جبهه‌ها

فرماندهی سپاه پاسداران در ادامه‌ی سخنانش به تشریح وضعیت جبهه‌ها پرداخت و گفت: از بالای مریوان تا نوسود، منطقه‌ای است که ما در خاک عراق پیشرفت کردیم و در آنجا توانستیم زمین‌هایی را از عراق بگیریم و نیروهایمان را در آن مستقر بکنیم و راه‌های تدارکاتی عراق را زیر آتش توپخانه و حملات پارتیزانی قرار بدهیم. در منطقه‌ی نوسود تا شمال قیطور و شیلر، عراق در خاک ایران حضور ندارد. از شمال از گله و باویسی تا سومار عراق به عمق ۱۵ تا ۲۰ کیلومتر از خاک ایران حضور دارد. عراقی‌ها که در اوایل جنگ تا حمیدیه آمده بودند، با مقاومت پاسداران و کمک هواییروز به منطقه طراح بازگشتند. در منطقه غرب، عراقی‌ها به قسمت سرپل ذهاب، چم امام حسن و کوره‌ی موش آمدند که پس از درگیری با نیروهای رزمنده به منطقه «قراویز» و بازی دراز، عقب‌نشینی کردند و هم‌اکنون در جنوب نیز تپه‌های الله‌اکبر، دب حردان و طراح را ما از دست آن‌ها گرفتیم. سوما در دست دشمن بود که بازپس گرفتیم. اشویه که در دست ضدانقلاب بود و امید بزرگی برای عراق محسوب می‌شد، تسخیر شد و به‌دست نیروهای اسلام افتاد. در جبهه‌ی دزفول که دشمن به نزدیکی‌های دزفول رسیده بود به «دوسلک»، «کوت کاپن» و «رقاییه» عقب رانده شده.

۱۸۰ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

مهران در دست عراق است. بستان، نفت‌شهر، قصرشیرین و خرمشهر هم در دست دشمن است.

در مجموع وضعیت نیروهای ما از زمانی که عراق مرتباً تهاجم می‌کرد و بعد مرحله‌ای که ما خود را تثبیت کردیم، از مرحله تثبیت به این طرف مرتباً خاک‌هایی که عراق از ما گرفته بود، پس گرفتیم و هیچ‌موردی دیده نمی‌شود که بگوییم عراق بعد از آن مرحله پیشرفت داشته، بلکه مرتباً ما پیشروی می‌کردیم و اگر بخواهیم با آن مقدار خاکی که از عراق در دست داریم محاسبه کنیم، می‌توانیم بگوییم که حدود ۵۰ درصد پیشروی داشتیم.

وی سپس به‌مسئله‌ی حمایت فرانسه از عراق اشاره کرد و گفت: به‌دنبال عملیات دارخوین که شرح آن گفته شد، عراق قصد داشت که کاملاً عقب‌نشینی بکند و از این طرف رود کارون برود. نشانه‌های این تصمیم را هم گفتیم که عبارت بود از انفجار پل خرمشهر و عقب‌نشینی از جاده‌ی ماهشهر و قرار بود عراق یک لشکر و نیم و یا دو لشکر خود را که از رود کارون عبور کرده بودند، به‌طرف خود عقب بکشد اما با اطلاعاتی که به‌دست ما رسیده، دولت فرانسه تماس‌هایی با عراق می‌گیرد، به‌عراق امیدهایی می‌دهد. از جمله می‌گوید که قرار است در ایران تمام مقامات را از بین ببرند و به‌دنبال این مسئله عراق یک امیدواری‌هایی پیدا می‌کند و از عقب‌نشینی‌هایش بازمی‌ماند و یک لشکر و نیم از نیروهای خود را در این طرف رود کارون نگه می‌دارد.

وگرنه به‌دنبال عملیات دارخوین ما برآورد کرده بودیم که عراق از این طرف رود کارون برود و از جاهای دیگر نیز عقب‌نشینی بکند، اما امیدهایی که به‌عراق داده بودند، باعث شد که عراق از عقب‌نشینی منصرف شود به امید این که روزی بتواند خوزستان را تصرف کند.^(۱)

دومین قسمت گفت‌وگوی اختصاصی کیهان با
محسن رضایی، فرماندهی سپاه پاسداران:
گروه‌های معارب هیچ تکیه گاهی جز ابر قدرت‌ها ندارند.

سرور سیاسی کیهان - در قسمت اول گفت‌وگوی اختصاصی کیهان با محسن رضایی، فرماندهی سپاه پاسداران، نقطه‌نظرهای وی را در مورد آینده‌ی جنگ، استراتژی آمریکا در ایران، تحولات جبهه‌ها و... خواندید. اینک دومین قسمت مصاحبه که در آن فرماندهی سپاه در مورد اختلافات بنی‌صدر با سپاه، وضع گروهک‌ها، تصفیه در سپاه پاسداران و... اظهارنظر کرده است از نظرتان می‌گذرد:

محسن رضایی در مورد مشکلات و درگیری‌های سپاه با بنی‌صدر هنگامی که وی فرماندهی کل قوا بود، گفت: به تعبیری می‌توان گفت که بنی‌صدر به‌عنوان فرماندهی کل قوا، سدی در راه رشد و توسعه سپاه بود. او با دوره‌های آموزشی که ما می‌خواستیم با کمک برادران ارتش بگذاریم، مخالفت می‌کرد. با توسعه‌هایی که می‌خواستیم به سپاه بدهیم، مخالفت می‌کرد. با گسترشی که می‌خواستیم به واحد اطلاعات سپاه بدهیم، بسیار مخالف بود. در مورد امکاناتی که می‌خواستیم برای سپاه فراهم کنیم، سنگ‌اندازی می‌کرد. استراتژی و

خط مشی بنی صدر به طور کلی این بود که از یک طرف رشد سپاه را متوقف کند، و از طرف دیگر کوشش می کرد که بر سپاه مسلط بشود.

درگیری هایی که با ایشان قبل از ریاست جمهوری و در رابطه با مسأله ی لانه جاسوسی داشتیم باعث شده بود که ما از همان ابتدا، خط و ربط بنی صدر را بفهمیم و می دانستیم که وقتی بنی صدر فرماندهی کل قوا شد، در رابطه با سپاه چه قصدی دارد. ایشان وقتی که می خواست فرماندهی برای سپاه تعیین کند، گفته بود که ۶ نفر نباید در سپاه باشند. شش نفری که از ارکان سپاه بودند و در واقع خط سپاه را تعیین می کردند و سال های سال در کنار امام و یا نمایندگان ایشان با رژیم شاه می جنگیدند. این همان روز اول گفت که اگر من بخواهم فرماندهی برای سپاه تعیین کنم این ۶ نفر نباید باشند و یا این که ایشان فقط می بایست فرماندهی سپاه را تعیین کنند، می گفتند که شورای عالی سپاه را هم من باید تعیین کنم. هم چنین مسؤولان واحدهای حساس سپاه را می خواست خودش تعیین کند.

ما در این رابطه مقاومت فراوان کردیم، به طوری که ایشان خدمت امام رفت و امام به ایشان گفت که شما باید با برادران شورای عالی سپاه به تفاهم برسید و علی رغم این که این حرف را امام به ایشان زده بودند ایشان فرماندهای را برای سپاه تعیین کردند که مورد موافقت برادران شورا نبود و طوری شد که او در همان دوسه روز اول مجبور به استعفا شد. بعد، وقتی که بنی صدر می خواست فرماندهی جدیدی را تعیین بکند ما تلاش های زیادی کردیم تا این که سرانجام کلاه بزرگی بر سرش رفت و کسی را تعیین کرد که در خط خودش نبود، پس کل خط مشی بنی صدر یکی تسلط بر سپاه و دیگری جلوگیری از رشد و توسعه سپاه بود. هم چنین می خواست تمام نیروهای خط امام را از سپاه تصفیه بکند، که این البته با پشتیبانی و رهنمودهای به موقع امام، امکان پذیر نشد.

هم چنین بنی صدر می کوشید که بین سپاه و ارتش اختلاف بیندازد. وقتی که پیش برادران ارتشی بود، مرتب از سپاه بد می گفت و یک سری مواردی می گفت که باعث ناراحتی برادران ارتشی می شد. اگر یک برادر پاسدار اشتباهی می کرد، بنی صدر در جلسه ای که با فرماندهان ارتش داشت آن را در بوق می کرد و باعث می شد که برادران ارتشی از ما ناراحت بشوند، این بود که در زمان بنی صدر هر چه ما تلاش می کردیم که با برادران ارتشی به وحدت برسیم

و برادران ارتشی تلاش می‌کردند که با سپاه به وحدت برسند، بنی‌صدر مانع می‌شد.

افزایش قدرت رزمی سپاه

محسن رضایی سپس به‌مسئله‌ی افزایش قدرت رزمی سپاه در رابطه با جنگ تحمیلی اشاره کرد و گفت: قدرت رزمی و آموزش سپاه از زمان شروع جنگ تا الآن افزایش بسیار زیادی پیدا کرده و این را این‌جا نمی‌توان مطرح کرد، مگر این‌که انسان به جبهه‌ها برود و ببیند که چگونه یک پاسدار ۱۸ ساله‌ای فرماندهی عملیات یک‌محور است و یا چگونه برادران بسیج ۱۴ - ۱۵ ساله، با آر - پی - جی ۷، به‌شکار تانک می‌روند. قبل از آن در سراسر خوزستان وقتی که جنگ شروع شد، در مجموع سلاح‌های آر - پی - جی ۷ ما از تعداد انگشتان دست بیشتر نبودند و اصلاً برادران ما در این رابطه آموزشی ندیده بودند. در حقیقت تدارکات ما، رشد ما، آموزش و تجربه‌اندوزی ما به‌طورکلی در طول این جنگ امکان‌پذیر شده است و ان‌شاءالله از این تجربیات می‌توانیم در جنگ آینده که با اسرائیل است، استفاده کنیم.

قدرت رزمی ما در این جنگ بسیار بالا رفته است. الآن برادراتی داریم که مشغول آموزش تانک، توپخانه، سلاح‌های نیمه‌سنگین، سلاح‌های ضدهوایی و... هستند. هم‌چنین در این رابطه از پیوند سپاه و ارتش می‌توان نام برد. شاید یکی از نعمات بزرگ جنگ این بود که اختلاف بین سپاه و ارتش به‌کلی از بین رفت. در جبهه اصلاً بحث بر سر اختلاف سپاه و ارتش نیست، بحث این است که چگونه پاسدار و ارتشی این دشمنی را که روبه‌روی خود دارند از بین ببرند. همین‌زمینه باعث شد که برادران ارتشی تجارب خود را به برادران سپاهی منتقل کنند و ما توانستیم در جنوب، آموزش‌های خوبی را با کمک امکانات برادران ارتشی به برادران سپاهی بدهیم.

الآن سپاه به‌گونه‌ای است که می‌توان در جنگ با اسرائیل در عمل و نه به‌عنوان یک‌شعار روی آن حساب کرد و ما به‌مردم قول می‌دهیم که این آمادگی را داریم با تجربیات به‌دست آمده در جبهه نبرد با اسرائیل نقش موثری ایفا کنیم.

نقش شهید محمد منتظری

فرماندهی سپاه، سپس به نقش شهید محمد منتظری در شکل‌گیری سپاه پاسداران اشاره کرد و گفت: ایشان یکی از بنیان‌گذاران سپاه بودند که با شهید مطهری و عده‌ای دیگر از برادران اصیل خط امام شروع به راه‌اندازی تشکیلات سپاه کردند و توانستند دیدگاه‌های بسیار خوبی به سپاه بدهند.

شاید بُعد نهضت‌های آزادیبخش و صدور انقلاب از ابعادی باشد که برادر شهید ما محمد منتظری توانستند در سپاه ایجاد کنند و ثمرات آن را ان‌شاءالله در سال‌های بعد خواهیم دید. ایشان همیشه می‌گفتند: سعی کنید با این توطئه‌هایی که آمریکا در داخل به وجود آورده و می‌خواهد ما را از دشمن اصلی‌مان که خود آمریکا و اسرائیل است، منحرف کند زود خودتان را بیرون بکشید تا بتوانید به مسایل اصلی برسید و این از دیدگاه‌های بسیار خوبی است که ایشان در اول تأسیس سپاه به سپاه دادند.

محسن رضایی سپس به تشریح نقش واحد جنبش‌های آزادیبخش سپاه پاسداران پرداخت و گفت: این واحد تاکنون موفقیت‌های خوبی داشت. ابتدا چون تجربه کافی نداشتیم، برخورد ما با نهضت‌های آزادیبخش مقداری کند بود و ما نیروی اصلی‌مان را روی شناسایی جنبش‌ها گذاشتیم، این بود که کار ما نمود خیلی بالایی نداشت، اما پس از کسب مقداری تجربه از چندماه قبل ما رشد خیلی خوبی کردیم. در حال حاضر عملیات پارتیزانی که در درون عراق دارد صورت می‌گیرد، تقریباً به کمک این واحد از سپاه انجام می‌شود. فعالیت‌های دیگری که در جاهای دیگر انجام می‌شود، با کمک این واحد است که طرح آن‌ها به دلیل مسایل امنیتی صلاح نیست ولی در مجموع توانستیم از چندماه به این طرف موفقیت‌های خوبی داشته باشیم. همین سمینار نهضت‌های آزادیبخش که الآن در جنوب تشکیل شده به دعوت سپاه صورت گرفته و این نشان‌دهنده‌ی فعالیت‌هایی است که از این پس هم چنان ادامه خواهد یافت.

تصفیه در سپاه

فرماندهی سپاه پاسداران در ادامه‌ی سخنانش به‌مسأله‌ی تصفیه در سپاه اشاره کرد و گفت: این تصفیه‌ها در سطح خیلی محدود بوده و تصفیه خیلی آن‌چنانی صورت نگرفته است و

این هم به آن دلیل بود که یک سری افرادی در سپاه بودند که طرز تفکرهای مختلفی داشتند و با برداشت‌هایشان فرق می‌کرد. این‌ها را ما از خیلی وقت می‌خواستیم بیرون بکنیم اما آقای بنی‌صدر که قصد داشت سپاه را همیشه در حالت تضعیف نگاه دارد، مانع این کار می‌شد. بعد که این‌ها از جلوی ما رد شد ما توانستیم به آن سری افرادی که می‌بایستی دوره‌هایی می‌دیدند و بعد به سپاه بیایند، بگوییم که بروند و مطالعه و یا خودسازی بکنند و بعد اگر اصلاح شدند دوباره به سپاه بیایند و مشغول بشوند. البته همان‌طور که گفتیم این تصفیه‌ها خیلی محدود بود و شاید بیشتر از ۲۰ نفر هم نشوند و به نظر من اصلاً قابل ذکر نیست.

وی در مورد بازداشت تعدادی از افراد سپاه گفت: دو سه نفر به دلیل سهل‌انگاری‌هایی که شده بود، بازداشت شدند. از جمله در روزهای اول تظاهرات خیابانی سپاه برخورد فعالی با آن نکرده بود، و این ناشی از همان تأخیری بود که در امر تصفیه صورت گرفته بود. در مورد بازداشت‌شدگان، موارد سهل‌انگاری، کم‌کاری، مقاومت در برابر تصفیه خودشان و کارهای خلاف دیگری گزارش شده بود که برای بررسی بیشتر ما این‌ها را به دادستان انقلاب سپاه که از طرف شورای عالی قضایی در سپاه مستقر شده، واگذار کردیم و در مجموع دادستانی سپاه این‌ها را برای مدتی بازداشت کرده بود. امر بازداشت هم هیچ ارتباطی به خود سپاه ندارد. یک سری شکایاتی بود که به دادستانی انقلاب داده بودند و آن‌ها این کار را کردند.

رسیدگی به خانواده‌های شهدا

محسن رضایی در مورد برنامه‌های سپاه برای خانواده شهدای سپاه پاسداران گفت:

چون ما اعتقاد داریم که شهادت یکی از معیارهای اصلی حرکت و انگیزه سپاه است با شهدای خودمان و خانواده‌هایی آنان به گونه‌ی دیگری برخورد می‌کنیم. ما معتقدیم که اگر خانواده‌های شهدا را از خود سپاه جدا بکنیم تقریباً یک‌نوع برخورد اداری با مسأله است و «قداست» شهید در نظر گرفته نمی‌شود، به همین دلیل ما به بنیاد شهید پیشنهاد کردیم که کار شهدا را خودمان می‌کنیم، البته هماهنگ با ضوابط و اصولی که بنیاد شهید در این رابطه در نظر گرفته است. خوب مشکلاتی هم در این رابطه داریم که امیدواریم در آینده بتوانیم این مشکلات را رفع بکنیم.

رضایی در مورد وضع گروه‌ها گفت: وضع گروه‌ها الآن به‌جایی رسیده که عمده نیروهایشان را از دست دادند. فقط دو تا جریان مانده بود یکی جریان نفوذی و دیگری جریان تظاهرات که آن‌هم غالب افرادی که این‌ها برای تظاهرات داشتند دستگیر شدند و خطری که معمولاً گروه‌ها دارند خطر زایش و زاینده‌گی است که خطر زایش آن‌ها هم از بین رفته و دلیلش این است که حیات سیاسی این‌ها به‌خطر افتاده است. کارشان به‌گونه‌ای بوده که تمام گروه‌های دیگر آن‌را محکوم کردند و کشورهای انقلابی هم کارشان را محکوم کردند. در صحبتهایی که برادران ما با رهبر کره شمالی داشتند، ایشان گفتند که من یک معیار خوبی به‌دستم آمده و آن این است که هرکسی با انقلاب ایران دربیفتد این آمریکایی است و می‌گفت که تاکنون اصیل‌ترین فردی که من در دنیا دیدم که بدون سازش با آمریکا در افتاده، آن رهبر شماس و امام خمینی ضدامپریالیست‌ترین فرد در دنیا است و این معیار شناسایی کشور بزرگی است که سال‌ها در دنیا زندگی کرده و جنگ‌هایی هم با آمریکا داشته است. این مسأله هم چنین نشان می‌دهد که گروه‌هایی که الآن با ما در افتادند نه در خارج و نه در داخل، به‌جز ابرقدرت‌ها هیچ تکیه‌گاهی ندارند، لذا زاینده‌گی و زایش آن‌ها از بین رفته است و به این ترتیب تنها نیروهایی که تاکنون تهیه کرده‌اند، باقی می‌مانند که این‌ها هم عمدتاً دستگیر شده‌اند، فقط جریان نفوذی ایشان مانده بود که آن‌هم همان‌طور که قبلاً گفتیم، چیز پیچیده و عجیب و غریبی نبوده است؛ مثلاً یک طرفی در دادستانی بود که از چندی قبل به او مشکوک بودند، منتها به‌دلیل بُعد عاطفی که در برادران هست باعث شد که تصمیم قاطع و صریحی نگیرند. این گروه‌ها باعث شدند که در این زمینه ما تجارب کافی به‌دست بیاوریم و از این پس دیگر با مسایل برخورد عاطفی نداشته باشیم و در عین حال بدون دلیل بدین نشویم و نسبت به مسایل، برخورد قاطعانه داشته باشیم. اگر این موارد را مقامات ما و ملت ما جدی بگیرند و به‌مسأله‌ی حفاظت بها بدهند، ان‌شاءالله قادر خواهیم بود، بقایای این‌ها را که ماندند و به‌قول خودشان می‌خواهند نیرو جمع کنند و سازماندهی دوباره بدهند، از بین ببریم.

فرمانده‌ی سپاه پاسداران در پایان از مردم خواست که جنگ را سرلوحه کارشان قرار بدهند و افزود: ما اگر بتوانیم هرچه زودتر جنگ را تمام و ایران را به‌صورت یک قدرت نظامی در منطقه تثبیت بکنیم، برای همیشه آمریکا و سایر ابرقدرت‌ها به‌موضع انفعالی

گروه‌های محارب هیچ تکیه گاهی جز... ۱۸۷

خواهند افتاد و ترس و وحشتی که از ما در دل کشورهای منطقه خواهد افتاد، باعث می‌شود که ما سیاست تهاجمی در پیش بگیریم و این همان هدفی است که الآن ما از جنگ داریم و راه‌حلش هم این است که مردم با قوت بیشتر بدون این که جریانات داخلی روی آن‌ها اثر بگذارد با صبری که اتمی ما در میدان‌های جنگ داشتند، به مسأله‌ی جنگ بهای بیشتری بدهند و نیروهای بیشتری به جبهه‌ها بفرستند تا هرچه زودتر از این مشکل رها بشویم و به مسایل خارجی انقلاب پردازیم.^(۱)

**گفت‌وگو با بهزاد نبوی، به مناسبت هفته سالگرد جنگ:
برای این‌که جنگ طولانی شود، بنی‌صدر دستور داد نیروهای ایران
۶۰ کیلومتر عقب‌نشینی کنند!**

مهندس بهزاد نبوی، وزیر مشاور در امور اجرایی و سخنگوی دولت جمهوری اسلامی ایران، طی گفت‌وگویی اختصاصی به مناسبت فرارسیدن هفته سالگرد جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، به سؤالات خبرنگار اطلاعات پیرامون علل اصلی تجاوز رژیم بعثی صدام مزدور به جمهوری اسلامی ایران، تلاش‌های ابرقدرت‌ها برای ضربه‌زدن به انقلاب اسلامی ایران، عدم آمادگی نیروهای ایران در شهریور ۵۹ و نقش بنی‌صدر در طولانی‌تر شدن جنگ، پاسخ داد.

متن گفت‌وگوی خبرنگاران اطلاعات با مهندس بهزاد نبوی به این شرح است:

س - علل اصلی تجاوز و تهاجم رژیم بعث عراق را به جمهوری اسلامی ایران، چگونه می‌بینید؟

ج - علت‌ها تاکنون به کرات توسط مسؤولین و برادران عزیزمان گفته شده است و علت اصلی را توطئه‌ی آمریکا و امپریالیزم و صهیونیزم برای شکست انقلاب اسلامی ایران می‌دانم.

نقش مخالفین

چیزی که در این جا لازم به تذکر است این هست که مخالفین انقلاب اسلامی؛ خصوصاً جناح‌های منافق و لیبرال در ابتدای شروع جنگ و ماه‌های بعد از آن، همیشه این چنین تبلیغ می‌کردند، که آغازگر جنگ، ما هستیم. بگذریم که خود «صدام» نیز همین عقیده را دارد و جنگ را به گردن ما می‌اندازد، اما این جناح‌های داخلی که در واقع همان ستون پنجم دشمن خارجی بودند، با زبان و قلم و تبلیغات خود طوری وانمود می‌کردند که ما مسبب شروع جنگ هستیم و دلیل آن را هم می‌آوردند که همیشه نیروهای خط امام و دولت جمهوری اسلامی دم از صدور انقلاب زده و شما با دادن شعار چپ‌روانه «صدور انقلاب»، سبب شدید تا «صدام» به شما حمله و تجاوز کند.

این جا من فکر می‌کنم پاسخ این استدلال را از نظر مردم باید روشن کنیم، و بعضاً در پادگان‌های نظامی تحت تبلیغات بنی صدر می‌دیدم که به بعضی از برادران ارتشی هم یک چنین چیزی را القا می‌کردند.

بگذریم از این که چنین مسایلی خودش خیانتی بود که نیروهای ارتش را تضعیف می‌کرد، اما می‌بایستی این مسأله به خوبی شکافته می‌شد و اصولاً اگر در جهان مکانیزم، حاکمیت ابرقدرت‌ها را و نحوه تسلط آن‌ها بر کشورهای زیردستان را در نظر بگیریم، هرگز یک چنین تحلیلی از تهاجم «صدام» به ایران نخواهیم کرد. در واقع رابطه رژیم‌های تحت سلطه و ابرقدرت حاکم، رابطه‌ی خادم و مخدوم، و رابطه‌ی ارباب و نوکر است و این نوکر به دستور ارباب جنگ می‌کند و به دستور ارباب صلح می‌کند.

اگر ما بهترین روابط را با صدام می‌داشتیم، اگر دستور از مافوق می‌رسید که باید به ما حمله کند، این کار را می‌کرد، و باز اگر بدترین روابط را با صدام می‌داشتیم و مافوق دستور نمی‌داد، به هیچ وجه او اجازه و جرأت این چنین حمله‌ای را به خودش نمی‌داد.

صدام نمی‌توانست یک سال جنگ علیه ما را تدارک ببیند مگر با حمایت آمریکا و صهیونیسم بین‌المللی که در این جنگ به او، علیه ما کمک می‌کنند؛ به عنوان مثال می‌گویم کشورهای دیگری بودند که در طول این مدت بعد از پیروزی انقلاب حتی در اطراف خود ما و همسایگان ما مورد شدیدترین حملات تبلیغاتی ما قرار گرفته‌اند، حتی خیلی بدتر از رژیم

صدام، اما می‌بینیم حتی این نوع کشورها نه تنها کوچک‌ترین حمله به جمهوری اسلامی نکردند بلکه پس از تجاوز صدام نیز بعضی از آنها در موضع دولت قرار می‌گیرند و کمک‌هایی هم می‌کنند و این به آن خاطر است که نظام جمهوری اسلامی را قبول دارند و ما به آنها نگفته‌ایم که صدور انقلاب را قبول نداریم بلکه به دلیل شرایط و موقعیت خودشان هست که چنین ایجاب می‌کند.

امپریالیسم؛ خصوصاً آمریکا و غرب به آن کشورهای اطرافمان که در درون خودشان دچار بحران هستند، دستور می‌دهند که با ما از در صلح و سازش دریابند و الا استعداد و امکان حمله به ما را داشته‌اند، و حتی اگر بدترین رفتار و یا بهترین رفتار را با آنها داشته باشیم. تجاوز صدام به خاک کشور ما بخشی از یک برنامه‌ی حساب‌شده طولانی از ابتدای پیروزی انقلاب تا به حال بوده است. حرکت‌هایی که در کردستان شد و در سیستان و بلوچستان نمودار شد، و بلای که بر سر انقلاب فرهنگی گروه‌های چپ و منافق راه انداختند، کودتای نوژه و حمله طیس، و سرانجام تجاوز نظامی صدام؛ اینها همه یک طبیعت دارند، آمریکا که انقلاب ما را می‌شناسد، روسیه هم که انقلاب ما را می‌شناسد و می‌دانند که خصوصیات انقلاب ما چیست و اگر این انقلاب در مملکت ما پا بگیرد، رژیم‌های وابسته به هر کدامشان در منطقه نابود خواهند شد. حرکتی که سال گذشته در عربستان در «مسجد الحرام» می‌شود زنگ خطر بزرگی است برای آمریکا، حالا ما چه شعار صدور انقلاب اسلامی بدهیم و یا ندهیم، آمریکا در جهت ریشه‌کنی ما تلاش می‌کند.

وقتی که وضع افغانستان به این صورت است و دولت روسیه نتوانسته پس از این همه مدت، قیام مردم افغانستان را سرکوب کند، ناشی از کمک آمریکا؛ مثلاً به چهار گروه وابسته به غرب در افغانستان نیست، بلکه این نفس انقلاب ایران است که حیات می‌بخشد به انقلاب اسلامی افغانستان. پس این یک شعار انحرافی بود که مناقین و لیبرال‌ها و غرب‌زده‌ها از ابتدای جنگ برای پوشاندن ضعف‌ها و سستی‌های خود، مثل چماق بر سر نیروهای مسلمان خط امام کوبیدند که چون شما گفتید صدور انقلاب، این طوری شده در حالی که هرگز این طور نبود و هرگز صدور انقلاب را هم به مفهوم قشون‌کشی نظامی به هیچ کشوری مطرح نکردیم.

س - چرا اقدامات لازم برای مقابله و دفع تهاجم نظامی رژیم عراق به موقع انجام

شد و علت پیشروی سریع نیروهای عراق در داخل ایران چه بود؟

ج - این سؤالی است که ماه‌ها و ماه‌ها در بین خودمان مطرح می‌کردیم، آن‌موقع نمی‌خواستیم برای این‌که اختلافی در جامعه به‌وجود نیاید، آن‌را به‌صورت استیضاح از «بنی‌صدر» مطرح کنیم. واقعیت این‌است که به‌هنگام حمله نظامی صدام به‌خاک کشورمان ما هیچ نوع آمادگی نداشتیم، حتی یادم هست وقتی که به‌اتفاق برادر شهیدمان رجایی به‌همراه بنی‌صدر به غرب کشور رفتیم در اتاق جنگ آرایش نظامی را که نشان دادند مشخص می‌کرد که این حملاتی که در روزهای ۲۴ و ۲۵ شهریور به غرب می‌شود یک‌بهانه و یک‌وسيله سرگرمی است تا در جنوب حملات گسترده بکنند و تمام گزارشات نیز به‌همین ترتیب بود اما آقای بنی‌صدر به‌جای این‌که در فکر تجهیز قوا باشد و در این‌مدت هفت‌ماه هم که فرمانده کل قوا بود یک‌کسی نبود که از او بپرسد چرا کارنامه نوشتی که کارت در ارتش چه بود و آمادگی رزمی ارتش را چگونه تجدید و یا زیاد کردی و اصلاً به‌کجا رسیدی و چند تا هواپیما داشتیم، و بعد از آن‌موقع که به‌قول خودش گزارش رسیده بود که صدام می‌خواهد به ایران حمله کند چه اقدامی کرد، و اتفاقاً او (بنی‌صدر) حرف جالبی در یکی از مصاحبه‌هایش گفته بود که (این مسأله‌ای که پیش آمد من با امام درمیان گذاشتم و امام فرمودند: هیچی نیست و هیچ غلطی نمی‌تواند بکنند)، نه این‌که خیلی معتقد به ولایت فقیه بود!

این‌درست مثل همان حرفی است که در کودتای ۲۸ مرداد به حزب توده گفتند که چرا تو در مقابل کودتا با وجود آن نیرویی که داشتی شرکت نکردی؟ و حزب توده پاسخ داد که ما به مصدق گفتیم که امکان دارد کودتا بشود اما مصدق گفت که من بر اوضاع مسلط هستم، در حالی‌که خودشان در میان افسران کودتاچی هم نفوذ داشتند و «مهدی‌همایونی» یکی از افسران حزب توده بود که در بین افسران کودتاچی بود و آن‌ها می‌دانستند که می‌خواهد کودتا بشود اما بعداً که خواستند عذر بیاورند، می‌گفتند که ما گفتیم و آنها گفتند ما مسلط هستیم.

الآن مسأله‌ی عمده این‌است که در ابتدای شروع جنگ ما واقعاً آمادگی کامل نداشتیم و آن‌هم ناشی از بی‌لیاقتی فرماندهی کل قوای وقت بود که به‌جای این‌که به جنگ و جبهه و آمادگی نیروهای مسلح برسد، تمام کار و وقت او صرف توطئه و نوشتن کارنامه و مقاله‌نویسی در روزنامه انقلاب اسلامی و توطئه و تلاش برای این‌که جانشین امام شود، بود و تلاش برای

۱۹۲ هجری بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

این که مقابل نیروهای خط امام بایستد و دوباره غرب را بر مملکت حاکم کند، به همین دلایل است که ما آمادگی کافی نداشتیم و در روزهای اول با وجود شجاعت و شهامت بی نظیری که برادران ارتشی و سپاه و تمام مردم انجام می دادند، آن عقب نشینی های عجیب و غریب ۳۰ کیلومتر و ۶۰ کیلومتر را شاهد و ناظر بودیم! (۱)

حجت الاسلام رفسنجانی:
**ما مطمئن هستیم که پیروز می شویم و به همین دلیل
مذاکره هم نمی کنیم.**

آنچه مسلم است، این است که عراق تجاوز کرده و هنوز هم در خاک ماست و ما به هر کس که به ایران آمد، گفتیم: به شما وکالت می دهیم، بروید و تحقیق کنید. اگر ما متجاوز بودیم ما را محکوم کنید و خسارات جنگ را از ما بگیرید و اگر عراق متجاوز است، عراق را محکوم کنید و خسارت جنگ را از عراق بگیرید.

ما می گوئیم: شما مسلمانید؛ طبق قانون ﴿تَاوَبُوا﴾ و حکم ﴿تَاوَبُوا﴾ با متجاوز حرف بزنید، جلوی متجاوز را بگیرید و این درست نیست که ما وقتی یک مسلمان به مسلمان دیگر تجاوز کرد، ظالم و مظلوم را با هم نصیحت کنیم.

ما مطمئن هستیم که پیروز می شویم و بنابراین نمی خواهیم به متجاوز جایزه تجاوز بدهیم و به همین دلیل مذاکره هم نمی کنیم. چرا که آخرین چیزی که صدام می تواند به دست بیاورد، این است که بگوید من توانستم ایران را به پای میز مذاکره بکشانم و غرور انقلابی ایران را بشکنم.

۱۹۴ هجری بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

صدام باید شکست خورده از این جنگ خارج شود. که این شکست مساوی خواهد بود با سقوط او. صدام با این تجاوزش نامشروع‌ترین حکومت منطقه را دارد و دیگر صلاحیت ماندن در منطقه را ندارد. (۱)

**وزیر مشاور و سخنگوی دولت در مصاحبه‌ای اعلام کرد:
علیرغم ایجاد موانع مختلف از طرف آمریکا،
ایران در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل شرکت می‌کند.**

مهندس بهزاد نبوی وزیر مشاور در امور اجرایی و سخنگوی موقت دولت، روز پنج‌شنبه در یک مصاحبه، پیرامون دارایی‌های توقیف‌شده‌ی ایران در آمریکا توضیحاتی داد. مهندس نبوی در پاسخ این سؤال که وضعیت پول‌های بلوکه‌شده‌ی ایران در آمریکا به‌چه صورت است، گفت: ما حدود ۱۰ تا ۱۱ میلیارد دلار پول در آمریکا به‌صورت بلوکه‌شده داشتیم، و در ماجرای اشغال لانه‌ی جاسوسی به‌صورت بلوکه در آمد که پس از امضای بیانه‌ی الجزایر قرار شد این پول‌ها به ایران برگردد.

وی گفت: از دل این مبلغ، حدود ۴ میلیارد دلار آن، پول‌هایی بود که ایران از بانک‌های آمریکایی گرفته بود که ما ترجیح دادیم این وام‌ها را بپردازیم و بدین ترتیب روابط مالی خود با آمریکا را قطع کرده باشیم، زیرا شرایطی که آمریکا پیشنهاد کرده بود به‌هیچ‌وجه قابل قبول نبود.

مهندس نبوی افزود: صرف‌نظر از ۴ میلیارد دلار، مبلغی بین ۶ تا ۷ میلیارد دلار از این

۱۹۶ ک بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

پول‌ها می‌بایست به دولت ایران ارجاع می‌شد که از این مبلغ در دو مرحله یک‌بار حدود سه میلیارد و بار دیگر یک میلیارد دلار به‌طور نقد دریافت کردیم و یک میلیارد آن هم طبق بیانیتهای الجزایر در حساب بانک مرکزی الجزایر می‌باشد و ما هیچ چیز در بانک‌های آمریکایی به‌صورت بلوکه شده به‌غیر از همین ۲ میلیارد دلار که بابت جاسوسخانه توقیف شده، نداریم.

مهندس نبوی تأکید کرد: برای ما کیفیت مسأله مهم است؛ کمیّت و مقدارش چیز مهمی نیست، و ما در این زمینه به داوری بین‌المللی شکایت و اعتراض کرده‌ایم.

سؤال شد: با توجه به این‌که سفارت ایران در واشنگتن در تصرف آمریکاست و آمریکا ادعا کرده است که سفارت خود در تهران باید در اختیار سوئیس قرار گیرد، آیا چنین چیزی در عهدنامه‌ی الجزایر ذکر شده است یا خیر؟

مهندس نبوی گفت: چنین چیزی وجود نداشته و آمریکا صریحاً نقض عهدنامه کرده است. وزیر مشاور در مورد عملکرد دادگاه‌های صالحه که مأمور رفع اختلاف مالی ایران و آمریکا شده‌اند، گفت: این یک حکمیت بین‌المللی است که سه قاضی از طرف ایران و سه قاضی از طرف آمریکا و سه قاضی مورد توافق طرفین تعیین شوند تا به‌دعاوی مذکور رسیدگی کنند و در این زمینه هنوز کار خود را شروع نکرده‌اند تا بتوانیم قضاوت کنیم و ما در این رابطه فعالانه برخورد می‌کنیم.

مهندس نبوی در پاسخ این سؤال که اگر آمریکا به‌تعهد خود عمل نکند، ایران چه عکس‌العملی نشان خواهد داد؟ گفت: آمریکا در این زمینه بیشتر پیش ما گرو دارد؛ چون پول‌های ما تقریباً در حساب الجزایر است و هیئت داوری بین‌المللی در این زمینه شرایط سختی را طرح کرد که اگر آمریکا به این شرایط تن در ندهد، می‌توان مجازات‌های سختی را برایش قائل شد و ما بعید می‌دانیم که آمریکا نقض عهد کند.

مهندس نبوی در مورد سفر اخیر هیئت ایرانی به نیویورک جهت شرکت در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل اظهار داشت: این مسأله را سفیر سوئیس در تهران به وزارت خارجه اطلاع داده و ظاهراً مثل این‌که قراردادی بین آمریکا و سازمان ملل می‌باشد که اگر آمریکا عنصری را نامطلوب تشخیص داد، می‌تواند مانع ورود آن به‌خاک خود شود و خود این

مسأله نشان‌دهنده‌ی آن است که سازمان ملل باید خود را از شر آمریکا خلاص کند تا این چنین تحت تسلط آمریکا نباشد، تا مطیع سیاست ایالات متحده نباشد.

وی گفت: دولت جمهوری اسلامی ایران قصد دارد در این جلسه شرکت کند، چرا که حضورش ضروری است، ولو این که تمام جو سازی‌های دولت آمریکا وجود داشته باشد. دولت ایران قصد ندارد تسلیم این جو سازی‌ها شود.

وی در پایان گفت: شاید یکی از مقاصد آمریکا همین باشد تا ایران در این جلسه شرکت نکند تا بتواند در غیاب ایران مسایلی را علیه این کشور عنوان کند و گرچه ما به این مراجع بین‌المللی اعتقاد نداریم، زیرا که هیچ کدام برای ملت‌ها کار نکرده‌اند، با این حال حضور ما در مجمع ضروری است و همان طور که برادر شهیدمان آقای رجایی در اجلاس مشترک شورای امنیت شرکت کرد و بدون این که اهمیتی به آن بدهد از شورای امنیت به عنوان بلندگویی استفاده کرد و نظرات دولت جمهوری اسلامی را بیان داشت؛ ما نیز با شرکت در این اجلاس سعی خواهیم کرد تا صدای انقلابمان و ندای حق طلبانه‌ی خود را به گوش جهانیان برسانیم.^(۱)

نظر دادستان کل کشور در مورد توبه منحرفین، برخورد با ضدانقلاب و اغتشاش برای تعطیلی مدارس

حجت الاسلام ربانی املشی، دادستان کل جمهوری اسلامی ایران در یک مصاحبه اختصاصی با خبرنگار ما شرکت کرد و به سؤالات وی در رابطه با ترورهای اخیر و گروهک‌های منافق پاسخ گفت.

اولین سؤال خبرنگار ما مربوط به مسعود کشمیری و واقعه‌ی انفجار دفتر نخست‌وزیری بود.

دادستان کل کشور در پاسخ گفت: کشمیری یک عامل نفوذی در نخست‌وزیری بود و قبلاً هم در جاهای دیگر و در قسمت‌های مختلف و در نهادهای انقلابی کار می‌کرد تا سرانجام به نخست‌وزیری و دبیری شورای امنیت رسید و کارهای مهم دیگری نیز در اختیارش بود. او در روز انفجار، کیفی را که درونش ماده‌ی منفجره بوده، کنار میز شهید رجایی و شهید باهنر گذاشته است. شرکت کردن کشمیری در چنین جلسه‌ای عادی بوده و خودش چند دقیقه قبل از انفجار، از نخست‌وزیری خارج شده است؛ ضمناً همسر کشمیری هم فرار کرده است.

توبه‌ی منحرفین چگونه قبول می‌شود؟

سؤال شد: عده‌ای از طرفداران یا اعضای مجاهدین خلق تلفنی با روزنامه تماس می‌گیرند و می‌گویند: قبلاً از هواداران مجاهدین خلق بوده‌اند و فعالیت‌هایی هم داشته‌اند، ولی دستشان به‌خون کسی آلوده نیست، در تخریب و آتش‌زدن جایی نیز به‌هیچ عنوان شرکت نداشته‌اند، حالا هم به‌کلی دست از فعالیت‌های سیاسی به‌نفع آن سازمان برداشته‌اند و از سوی دیگر حاضر نیستند در مصاحبه‌های رادیوتلوویزیونی شرکت کنند و توبه‌نامه بنویسند. مسؤولین مملکتی چه ضوابطی برای این‌گونه افراد در نظر گرفته‌اند؟

دادستان کل کشور در پاسخ به این سؤال گفت: این‌ها که حاضر نیستند توبه‌نامه بنویسند و یا در مصاحبه شرکت کنند، معلوم می‌شود که هنوز توبه نکرده‌اند. کسی که توبه و بازگشت از این‌کار بکند؛ یعنی آن‌کار را انحرافی و خلاف می‌دانسته و بازگشت کرده و اگر آن‌را غلط می‌دانسته، باید از آن‌راه برگردد و اعلام کند. توبه آن‌ها توبه سیاسی است، توبه سیاسی باید در معرض افکار عمومی قرارگیرد و برای مردم مشخص شود که این آدم که تا به‌حال منحرف بوده از این انحراف دست برداشته و گرنه اگر بخواهد مخفیانه یک عملی را انجام بدهد، کاملاً روشن است که این‌ها می‌خواهند به‌وسیله‌ی این‌که ادعا می‌کنند ما توبه کرده‌ایم از مجازات قانونی فرار کنند و در افکار گذشته و در ضدیت با اسلام و مسلمین باقی بمانند. کسانی از این گروه‌ها که از این انحراف بازمی‌گردند و توبه می‌کنند توبه آنها باید برای مسؤولین امر ثابت بشود و لحظه ثبوت فعلاً این‌گونه تشخیص داده شده که این‌ها می‌آیند در تلویزیون مصاحبه می‌کنند و اعلام می‌کنند و به‌مردم می‌گویند که توبه کرده‌ایم و اطلاعاتشان را در اختیار مسؤولین امر می‌گذارند و انحراف خود را به‌اطلاع مردم می‌رسانند و مردم را از وارد شدن در چنین انحرافات بازمی‌دارند. اگر چنین چیزی شد، آن‌وقت مسؤولین قضایی به‌این نتیجه می‌رسند که این‌ها توبه کرده‌اند و بازگشته‌اند، اما اگر بگویند: ما حاضر به‌مصاحبه نیستیم و نمی‌گوییم این‌راه انحرافی بوده و حاضر نیستند به مسؤولین آن سازمان کوچک‌ترین اهانت و جسارتی بکنند، با این‌که می‌بینند آن‌ها دارند مردم را به‌چه انحرافی می‌کشاند و چگونه یک مملکت آرام را به‌فساد می‌کشاند، چگونه تروریسم را در این

۲۰۰ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

مملکت رواج می دهند، به این صورت ما نمی توانیم باور کنیم که این ها توبه کرده اند.

گروه دیگر

سؤال شد: آن هایی که یک سال و یا یک سال و نیم قبل فعالیت داشته اند و همان زمان به کلی دست از فعالیت خود برداشته اند، این ها هم لازم است خود را معرفی کنند و توبه نامه بنویسند؟

حجت الاسلام ربانی املشی در پاسخ به این سؤال گفت: آن ها هم مثل دیگران در صورتی که تائب باشند، بیایند و برای مقامات قضایی ثابت کنند که توبه کرده اند. طریقه ی اثبات توبه هم به این صورت است که اطلاعاتشان را بگویند و به مردم اظهار کنند که ما قبلاً خلاف کرده ایم. آن ها هم مثل دیگران اگر ثابت کردند که توبه کرده اند و بازگشته اند، آزادند، اما اگر این مطلب ثابت نشد و لو این که چند روزی هم آن ها از فعالیت های خیلی شدید دست بردارند، ما نمی توانیم به انیم و صبر کنیم تا موقعی که این ها شروع کردند ما دست به کار بشویم. قوه ی قضائیه مسؤلیت دارد، علاوه بر این که فساد را از بین ببرد، برای پدید آمدن فساد و جلوگیری از وجود فساد هم باید تلاش بکند.

غرض ورزی و گزارش دروغ

از دادستان کل کشور سؤال شد: امکان این هست که روی غرض ورزی و یا اختلافاتی، کسی گزارش خلافی به مقامات مسؤول ارایه کند و در نتیجه بی گناهی دستگیر شود؟ مقامات قضایی در رابطه با این مسأله چه تدابیری اندیشیده اند؟

وی در پاسخ به این سؤال گفت: البته احتمال این مسأله هم هست که در این بین غرض ورزی هایی بشود، ولی چه می شود کرد؟ در یک چنین موقعیت حساس و سرنوشت ساز که ما می بینیم یک دسته ای تروریست در همه جا ایستاده اند و برای همه کار آمادگی دارند، در یک چنین موردی شاید همه جای دنیا و ملت ما به ما اجازه می دهند که مسؤولین قضایی احتیاط بکنند. آیا یک نفر بی گناه یک ماه، دو ماه کمتر یا زیادتر یا چند روزی برای مشخص شدن وضعیت در زندان بماند، بهتر است یا خون ۷۰ یا ۸۰ هزار شهید پایمال شود؟

شکی نیست که ما باید حرمت خون شهدا را بدانیم و برای حفظ و حراست از این مملکت و سد کردن راه بیگانگان به این مملکت این جور گرفتاری‌ها را تحمل کنیم. افرادی را هم که چنین گرفتاری‌هایی دارند اگر انسان‌های علاقه‌مند و مسلمان و علاقه‌مند به سرنوشت این مملکت باشند، خواهی نخواهی نباید از این مطلب ناراحت بشوند. از این گونه اشتباهات در همه زندگی وجود دارد. در زندگی شخصی خود ما هم وجود دارد، در زندگی اجتماعی هم ممکن است از این گونه گرفتاری‌ها بدون هیچ گناه متوجه یک انسانی بشود، اما اولیای امور چه گناه و تقصیری دارند؟

مأموران هم تنها با اطلاع گرفتن و گزارش همسایه‌ها صدر در صدر که علم پیدا نمی‌کنند، می‌روند تحقیق می‌کنند، اگر اشتباه بوده، آزاد می‌کنند و چاره‌ای نیست تا مأموران بررسی و تحقیق می‌کنند باید آن‌جا باشند، چه می‌شود کرد؟ آیا راهی جز این دارد؟ اگر راه بهتری به نظرشان می‌رسد، بگویند تا ما عمل کنیم.

افزایش تعداد بازجوها

سؤال شد: با افزایش بازجوها، به‌کار متهمین زودتر رسیدگی نمی‌شود؟
دادستان کل گفت: در مورد افزایش تعداد بازجوها، در صورتی که امکان داشته باشد، مطلب درستی است، اما ما آن‌چه را که در امکانات داشته باشیم، دریغ نمی‌کنیم. البته می‌دانید که ما وارث یک حکومت طاغوتی بودیم، در زمان گذشته بازجوها و قضاتی که بتوانند در دادگاه‌های انقلاب انجام وظیفه بکنند کمتر ساخته شده بودند و ما برای این‌کار کمتر مهیا بودیم. الان بازجوها و بازپرس در دادسراهای انقلاب کم داریم، ولی آن‌چه داریم همیشه و از هر فرصتی که دارند استفاده می‌کنند، تا زودتر بتوانند به‌کار مردم برسند و خدای ناکرده بی‌گناهی در زندان باقی نماند، البته باید متوجه باشید که ادعاها کمتر مطابق با واقع است. من دیده‌ام خیلی از پدر و مادرها خیلی از فامیل‌ها، خیلی از دوستان ادعا می‌کنند فلانی را که دستگیر کرده‌اند، گناهی ندارد، ولی وقتی با دادسرا تماس می‌گیریم، معلوم می‌شود که خودش اقرار کرده و گفته این کتاب مال من بوده یا این اسلحه مال من بوده، ولی فامیل و دوستان در بیرون کاسه‌های داغ‌تر از آش هستند. من نمی‌گویم که هیچ‌وقت بی‌گناه دستگیر

۲۰۲ که بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

نمی‌شود، اما در صدش خیلی کم است.

اغتشاش در مدارس

سؤال بعدی این بود که این روزها اعضای گروهک‌های مخالف رژیم سعی دارند به هر طریقی که ممکن است، مدارس را به تعطیلی و اغتشاش بکشانند، در این زمینه دستگاه‌های قضایی کشور چگونه با این‌ها مقابله می‌کنند؟

حجت‌الاسلام ربانی املشی در پاسخ به این سؤال گفت: اولاً تلاش این‌ها در مقابل ملت، تلاش مذبوحانه است. این‌ها می‌خواستند در خیابان‌ها راه‌پیمایی راه بیندازند. این‌ها تصور کردند، می‌توانند مثل ملت ایران، راه‌پیمایی‌های میلیونی، یک میلیونی، دو میلیونی و سه میلیونی راه بیندازند. چند روزی آمدند بیرون، دیدند از بیست نفر، سی نفر - همان‌هایی را که از مخفی‌گاه‌ها آوردند - بیشتر نشد. آمدند در خیابان، چند شعار دادند و دیدند دو نفر از بیرون هم به این‌ها ملحق نمی‌شود.

به قول خودشان خیال کردند از این‌راه می‌توانند یک تظاهرات وسیع راه بیندازند. آمدند دیدند ملت واقعاً آن‌ها را نمی‌خواهد. این‌ها در همان محدودیت خودشان محصورند. عده‌شان از همان معدودی که در زیرزمین و مخفی‌گاه‌ها و خانه‌های تیمی دارند، از آن حد تجاوز نمی‌کنند و شاید خیلی از آن‌ها هم گرفتار این‌ها شده‌اند و حتی این‌ها، این‌کار را هم می‌کنند که اگر متوجه شوند، کسی می‌خواهد از گروه بیرون و کنار برود، به قول خودشان او را اعدام انقلابی می‌کنند و واقعاً بعضی از آن‌ها در محظور گیر کرده‌اند، آن‌ها اگر بخواهند آن‌جا بمانند، نمی‌دانند چکار کنند، بیرون بیایند نمی‌توانند، شاید خیلی‌ها نمی‌توانند، در هر صورت این‌ها هرگز نمی‌توانند موفق شوند مدارس را به تعطیلی بکشانند و به اعتصاب بکشانند. راه‌پیمایی اول مهر به مردم نشان داد که این‌ها فرزندان ما و اسلام هستند. همین‌هایی هستند که طرفداران حکومت و اسلام هستند. چگونه می‌توان در مقابل این‌ها مقاومت کرد؟ قوه قضاییه سخت در مقابل این‌ها خواهد ایستاد و به این‌ها ترحم نخواهیم کرد. ترحم به این‌ها یعنی ترحم به پلنگ تیزدندان و این یعنی مبارزه با یک ملت ستمدیده و مظلوم که دارد از زیر یوغ استبداد بیرون می‌آید. این‌کار یعنی نادیده گرفتن خون ۷۰ هزار شهید، و ما هرگز

به خود اجازه نمی‌دهیم که به آن‌ها ترحم بکنیم. ما با قاطعیت هرچه تمام‌تر در مقابل آن‌ها می‌ایستیم.

سؤال شد: دادستانی انقلاب اعلام کرده است که چند تن از کسانی را که در واقعه‌ی هفتم تیر دست داشته‌اند اعدام کرده است؛ ضمناً تکمیل همایون، انتظاریون و بنی‌صدر هم جزء کسانی هستند که در این حادثه دلخراش دست داشته‌اند. در این مورد توضیح بیشتری دهید؟

دادستان کل جمهوری اسلامی ایران در پاسخ گفت: من درست اطلاع ندارم، ولی طبق اظهار آن‌ها با اطلاعاتی که از انتظاریون به دست آمده، معلوم شده که این‌ها دست داشته‌اند و ما از قبل می‌دانستیم که بنی‌صدر آن‌چنان گرگ درنده‌ای است که از هیچ چیز پاکی ندارد. برای من غیرمنتظره نیست که بنی‌صدر در چنین فاجعه‌ی بزرگی دست داشته باشد. او درست مثل شاه، طالب مقام و ریاست بود، همان‌طور که شاه می‌گفت: یک میلیون جمعیت کشته شود تا من باقی بمانم و بعضی‌ها حتی گفته‌اند او گفته نصف این مملکت از بین برود ولی من باقی بمانم، بنی‌صدر را ما چنین آدمی می‌دانستیم. یک چنین احساسی در او می‌دیدیم و حتی آن مواقعی که محکم و قاطع صحبت می‌کرد، ما می‌دانستیم که او ملت را ندارد. من خودم کاملاً این احساس را داشتم که می‌گفتم: او پشتش به‌جایی بند است و یقیناً دلگرمی بزرگی دارد. من آن‌روزها احساس نمی‌کردم این دلگرمی از کجا و چگونه است ولی بعد معلوم شد که این‌ها عامل نفوذی در این مراکز داشتند و دلگرمیشان این بود که بله ما می‌توانیم به وسیله‌ی عوامل نفوذی این‌ها را از بین ببریم و به‌تصور خودشان اگر با هفتاد و چند نفر در حزب و چند نفر در نخست‌وزیری و چند نفر از دادرای انقلاب از بین بردن این مملکت از بین می‌رود و به‌هم می‌خورد و بر ویرانی این مملکت حکومت می‌کنیم دیگر نمی‌دانند هر تعداد از مسؤولین را شهید کنند ما ملت را داریم. این امت به‌پاخاسته و قهرمان را داریم و تا وقتی که این امت به‌پاخاسته و قهرمان هست، امکان ندارد دست‌نشانده‌های اجنبی بتوانند در این مملکت حکومت کنند. این‌ها تصورات واهی و غلطی است.^(۱)

نامه‌ی آیت‌الله منتظری به امام خمینی در مورد ضعف عملکرد شورای عالی قضایی و ایجاد گروه‌گرایی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

تاریخ: ۱۳۶۰/۷/۵

بسم الله الرحمن الرحيم
محضر مبارک آیت‌الله العظمی امام خمینی (مدظله‌العالی)

پس از سلام، با این‌که مدتی است موفق به زیارت حضرت عالی نشده‌ام و تصمیم داشتم برای امور جاریه‌ی کشور که طبعاً هرکدام مسؤولی دارد مزاحم اوقات شریف نشوم ولی برحسب احساس وظیفه‌ی شرعی لازم می‌دانستم به‌نحو اجمال خاطر حضرت عالی را به‌جریاناتی که در مهم‌ترین ارگان‌های ضامن بقای انقلاب و کشور می‌گذرد، جلب کنم:

۱ - ضعف شورای عالی قضایی و بالنتیجه دادگاه‌های انقلاب به‌حدی است که افراد صادق و متعهدی که خود در متن آن‌ها هستند، می‌گویند: اوضاع جاری در زندان اوین و بسیاری از زندان‌های شهرستان‌ها از قبیل اعدام‌های بی‌رویه و احیاناً بدون

حکم قضات شرع یا بدون اطلاع آن‌ها و گاهی به‌رغم مخالفت با آن‌ها و ناهماهنگی بین دادگاه‌ها و احکام صادره و تأثیر جو‌ها و احساسات و عصبانیت‌ها در احکام صادره و حتی اعدام دختران سیزده چهارده ساله به‌صرف تندزبانی بدون این‌که اسلحه در دست گرفته یا در تظاهرات شرکت کرده باشند کاملاً ناراحت‌کننده و وحشتناک است، فشارها و تمزیرات و شکنجه‌های طاقت‌فرسا رو به‌افزایش است. آمار زندانیان به‌حدی است که بسا در یک‌سلول انفرادی پنج نفر باید با وضع غیرانسانی بمانند حتی به‌آن‌ها نوعاً امکانات نمازخواندن هم داده نمی‌شود، و به‌تعبیر یکی از قضات شرع هرج و مرج و خودمختاری مسؤولین بازجویی و بازپرسی سخت‌نگران‌کننده است. اعدام‌های اخیر معمولاً از مهره‌های رده‌ی سوم و چهارم و سمپات‌ها می‌باشد و مهره‌های اصلی کاملاً به‌کار مشغولند و از اعدام‌شدگان، قهرمان‌سازی کرده و افراد دیگری را به‌دام انداخته و به‌میدان می‌فرستند. اگر مهره‌های اصلی و مؤثر اعدام می‌شدند و کار توجیهی روی اغفال‌شدگان انجام می‌شد - نظیر آنچه با گروه فرقان انجام شد - امید بود که ریشه‌ی این گروه‌ها و فکر آن‌ها کنده شود، ولی با زیاد شدن آمار معدومین، مسکن است در کوتاه‌مدت جریان ترور ضعیف گردد ولی بالاخره با شکل و تجربیات پیچیده‌تری جوانه می‌زنند و مشکل هم‌چنان باقی است. زمزمه‌هایی حتی از خانواده‌های متعبد و مذهبی شروع شده که معلوم نیست گسترش نیابد، چون خون، طبعاً تحریک‌کننده‌ی عواطف و احساسات است، و بالاخره اموری در زندان‌ها می‌گذرد که اگر حضرت‌عالی اطلاع داشتید قطعاً به‌آن‌ها رضایت نمی‌دادید. البته این مطالب را کسی به‌حضرت‌عالی می‌نگارد که از اول مخالف گروه‌ها بوده و از آن‌ها هم ضربه خورده و سعی دارد عقل و فکر را حکم قرار دهد و تحت تأثیر احساسات آنی واقع نشود.

۲ - سپاه پاسداران تقریباً به‌صورت اهرم گروه‌ها و افراد درآمده، در برخوردها و تصفیه‌ها و عزل و نصب‌ها کمتر تقوی و خط‌اسلام و رهبر مطرح است، و بسا احياناً به‌جای تصفیه‌ی افراد مشکوک یا مظنون، افراد صالح و مفید تصفیه و حقوق آنان قطع شود، و پیش‌بینی می‌شود اگر سپاه به‌این‌وضع پیش برود در آینده‌ی نزدیکی این ارگان انقلابی متلاشی یا به‌صورت یک‌ارگان انتظامی بی‌خاصیتی درآید. لازم است

۲۰۶ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

به هر نحو ممکن، سپاه از گروه‌های نجات یابد و نمایندگی حضرت عالی در آن به شکل فعال و مؤثر درآید.

والسلام علیکم و ادام الله ظلکم

۲۸ ذی القعدة ۱۴۰۱ - حسینعلی منتظری^(۱)

آیت‌الله مشکینی، دستغیب و بسیاری از شخصیت‌های سرشناس به خامنه‌ای رأی می‌دهند.

در عرصه‌ی انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی حمایت از حجت‌الاسلام خامنه‌ای برای ریاست جمهوری ادامه دارد و با اعلام کاندیداهای مشترک ائتلاف بزرگ برای انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس شورای اسلامی می‌توان گفت که تکلیف انتخابات مجلس هم روشن شده است.

امروز آیت‌الله مشکینی امام‌جمعه‌ی موقت تبریز که خود از فقها و اساتید سرشناس حوزه‌ی علمیه‌ی قم است، اعلام کرد که به حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای برای ریاست جمهوری رأی می‌دهد. آیت‌الله مشکینی ضمن تأکید بر این نکته که باید مردی مؤمن و متدین و مبارز را برای ریاست جمهوری انتخاب کرد، خاطر نشان کرده است: آقای خامنه‌ای متعهد به اسلام و ﴿تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ﴾ و مرد قلم است. من از روی تحقیق عمیق به این نتیجه رسیده‌ام که ان‌شاءالله در هفته آینده همه آقای خامنه‌ای را انتخاب کنند.

از سوی دیگر آیت‌الله دستغیب امام‌جمعه‌ی شیراز ضمن دعوت عموم مردم به شرکت گسترده در انتخابات، یادآور شده است تمام شرایط مقام ریاست جمهوری که در قانون اساسی ذکر شده در آقای خامنه‌ای جمع است.

۲۰۸ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

دکتر نوریبخش رئیس بانک مرکزی نیز از نامزدی حجت‌الاسلام خامنه‌ای برای ریاست جمهوری پشتیبانی کرده است.

حجت‌الاسلام شجونی نماینده‌ی کرج در مجلس شورای اسلامی از حجت‌الاسلام خامنه‌ای پشتیبانی نموده و آقای مرتضی نبوی وزیر پست و تلگراف نیز اعلام کرده است که به حجت‌الاسلام خامنه‌ای رأی می‌دهد.

حجت‌الاسلام موسوی تبریزی که دادستانی کل انقلاب را به عهده دارد از حجت‌الاسلام خامنه‌ای حمایت کرده است.

شب گذشته دکتر حسن غفوری وزیر نیرو که خود کاندیدای ریاست جمهوری است در جریان برنامه تبلیغاتی تلویزیونی‌اش رسماً اعلام کرد که به حجت‌الاسلام خامنه‌ای رأی می‌دهد. این اعلام نظر در مورد سایر کاندیداها نیز قابل پیش‌بینی است.

بنابراین مجموعه رویدادها و شواهد حکایت از آن دارد که سرانجام حجت‌الاسلام خامنه‌ای مرد خطبه‌های بلیغ و امام جمعه تهران در مرکز توجه و علاقه رأی‌دهندگان برای انتخاب ریاست جمهوری قرار خواهند داشت.

انجمن اسلامی قدس مسجدالرضا^{علیه‌السلام} طی اطلاعیه‌ای اعلام کرده است که به روحانی مبارز و خدمتگزار و فرزند صدیق اسلام و امام و امام جمعه منتخب امام، حضرت حجت‌الاسلام سید علی خامنه‌ای رأی می‌دهد تا با انتخاب این روحانی مبارز و پیرو خط امام گامی دیگر در راه نابودی امپریالیسم جهانی برداشته باشد.

ائتلاف بزرگ

حزب جمهوری اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، انجمن اسلامی معلمان در یک ائتلاف بزرگ، کاندیداهای خود را به شرح زیر معرفی کرده‌اند.

بسم الله الرحمن الرحيم

یکبار دیگر زمینه‌ای مشخص برای نشان دادن وحدت و یکپارچگی و حضور موثر مردم در صحنه پدید آمده است تا هم پایه‌های خیرگزاری‌های صهیونیستی را افشا کند و هم ضدانقلاب منزوی و عاجز داخلی را رسواتر سازد. انتخابات مجلس شورای

اسلامی به نشانه‌ی دلپستگی و همبستگی تمام بین ملت و نمایندگانش باید با شور و شرکت هرچه گسترده‌تر برگزار گردد. بر همین میناهاست که از میان کاندیدها با توجه به ضرورت حتمی ائتلاف:

۱ - خواهر عاتقه صدیقی (رجایی) ۲ - برادر سیدرضا زواره‌ای ۳ - حسین کمالی را برای این مرحله از انتخابات مجلس شورای اسلامی معرفی می‌کنیم. امیدواریم نقش و قدرت مجلس هر روز بیش از پیش در راه پاسداری، تداوم و گسترش انقلاب اسلامی و در پرتو رهبری‌های پیامبرگونه امام خمینی و اصل ولایت فقیه افزون گردد. والسلام!

۳ مهرماه ۱۳۶۰

هم‌چنین از میان احزاب و گروه‌ها، «نهضت مجاهدین خلق ایران» طی اطلاعیه‌ای از نامزدی حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای برای ریاست‌جمهوری پشتیبانی کرد. متن اطلاعیه به شرح زیر است:

به نام خدای شهیدان

در آستانه‌ی انتخابات ریاست‌جمهوری، پس از شهادت برادر محمدعلی رجایی و آمادگی قبول این مسؤلیت از طرف حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای، نهضت مجاهدین خلق ایران وظیفه خود می‌داند که در این امر فعال شده و موضع خود را مشخص نماید. نهضت مجاهدین خلق رأی مثبت خود را به حجت‌الاسلام خامنه‌ای جهت ریاست‌جمهوری همراه با توضیحات زیر اعلام می‌دارد:

پاره‌ای از مواضع ایشان:

- ۱ - پذیرش ولایت فقیه به‌عنوان یک امر اسلامی انقلابی
- ۲ - قبول این‌که دفع تجاوز بهت متجاوز از میهن اسلامی مان به‌عنوان اصلی‌ترین مسأله در این مرحله برای انقلاب است که از این طریق با تروریسم در درون نیز به بهترین وجه مبارزه می‌شود و منزوی می‌گرداند.
- ۳ - ایمان و عمل به خط مشی آزادی قدس و علاقه به مسأله‌ی فلسطین.
- ۴ - مبارزه پیگیر و مستمر با رژیم سلطنت و ساواک و تحمل تبعید و زندان و

۲۱۰ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

ممنوعیت منبر و بعد از انقلاب تداوم این مبارزه با سرسپردگان غرب در درون و با
صدام در جبهه‌های جنگ.

۵ - حمایت قاطع از بند ج.

به امید این که ایشان نیز همچون برادر رجایی از نفت به عنوان وسیله‌ای جهت
حاکمیت مستضعفین استفاده نمایند.^(۱)

کسانی که روز انتخابات رعب و وحشت ایجاد کنند بلافاصله اعدام خواهند شد.

کسانی که در روز انتخابات ریاست جمهوری قصد اغتشاش و بلوا در کشور را داشته باشند، پس از دستگیری بلافاصله اعدام خواهند شد. هم‌چنین برای خلع سلاح گروهک‌های مسلح در کشور یک طرح ضربتی به‌مورد اجرا گذاشته شده و براساس این طرح پاسداران موفق شده‌اند طی ده روز اخیر ۲۰۰ نفر از اعضای شاخه نظامی سازمان مجاهدین خلق و سایر گروهک‌های مسلح را با مقادیر زیادی اسلحه و مهمات دستگیر کنند. هم‌چنین عامل اصلی بمب‌گذاری در دفتر دادستان کل انقلاب دستگیر شد و عده‌ای نیز در رابطه با انفجار در ساختمان نخست‌وزیری دستگیر شدند. شبکه براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران نیز در تهران کشف شد.

حجت‌الاسلام سیدحسین موسوی تبریزی دادستان کل انقلاب ضمن اعلام مطالب فوق در یک گفت‌وگوی اختصاصی با خبرنگار سرویس خبری روزنامه اطلاعات در مورد موضع دادستانی کل انقلاب در قبال گروهک‌های مسلح اظهار داشت:

بسم الله الرحمن الرحيم

موضع دادستانی، یک موضع قاطع اسلامی است، چون در این کشور جمهوری اسلامی حکمفرماست و اکثر مردم از این جمهوری اسلامی پشتیبانی می‌کنند و خواهان این جمهوری هستند، در نتیجه ما باید خواسته‌ی مردم و خواسته‌ی اسلام را در نظر بگیریم و لذا نمی‌توانیم در برابر این‌گونه مسایل بی‌تفاوت باشیم. موضع ما یک موضع قاطع اسلامی است.

وی گفت: دادسرا و دادگاه‌های انقلاب اسلامی و دادگستری موظفند جرایم را پیگیری و کشف کنند و مجرم را پیدا کنند و مجرمین را به شدیدترین وجه ممکن مجازات نمایند. در مجازات مجرمین و متخلفین هیچ‌گونه اغماضی نخواهد شد. طی بخشنامه‌ای که به کلیه‌ی دادگاه‌ها و دادسراهای سراسر کشور ابلاغ شده از مسؤولان امر خواسته شده با مجرمین و متخلفین برخورد قاطع داشته باشد.

دادستان کل انقلاب در رابطه با انفجارات و درگیری‌ها و راه‌پیمایی‌های اخیر گفت: در پی انفجار بمب در دفتر دادستانی کل انقلاب اسلامی که منجر به شهید شدن آیت‌الله علی قدوسی دادستان کل انقلاب اسلامی سابق شد، عامل اصلی بمب‌گذاری توسط پاسداران شناسایی و دستگیر شد. هم‌چنین پاسداران موفق شدند عاملین انفجار نخست‌وزیری را دستگیر کنند، و بازرسین مشغول بررسی پرونده این‌عده هستند.

آقای موسوی در قسمتی دیگر از سخنانش اظهار داشت: حدود ۲۰۰ نفر از گروهک‌های مسلح منافق که در این‌مدت در خیابان‌ها راه‌پیمایی می‌کردند، دستگیر شده‌اند.

حجت‌الاسلام موسوی تبریزی در مورد اطلاعیه ده ماده‌ای دادستان کل انقلاب گفت: هفته‌ی گذشته پرتحرک‌ترین هفته‌های دادگاه‌ها و دادسراهای انقلاب بود و ضمناً پاسداران موفق شدند در شهرستان‌ها عده‌ای از محاربین را در خانه‌های تیمی و مخفی‌گاه‌ها دستگیر و به مقامات مسؤول انقلابی تحویل دهند.

هم‌چنین تعدادی از عاملین ترور شخصیت‌ها و بمب‌گذاری‌ها دستگیر و تحویل مقامات مسؤول قضایی شدند اما در مورد اطلاعیه سابق دادستانی کل انقلاب باید عرض کنم که این اطلاعیه به‌قوت خود باقی است و افرادی که مسلح هستند و یا

اینکه در خانه‌هایشان اسلحه دارند، هرچه زودتر اسلحه‌های خود را تحویل مراکز انتظامی، سپاه و کمیته‌ها دهند و اگر از این کار امتناع ورزند و خدای ناکرده سپاه پاسداران و کمیته‌ها از آن‌ها اسلحه‌ای کشف کنند، به شدیدترین وجه ممکن مجازات خواهند شد. این را هم باید بگویم که از شهرستان‌ها به من خیر رسیده که تعدادی از اعضای گروهک‌های سیاسی اسلحه خود را تحویل داده‌اند و طبق اطلاعیه ده ماده‌ای دادستانی کل انقلاب آزاد شده و امان‌نامه دریافت کرده‌اند.

از دادستان کل انقلاب سؤال شد: در مورد خلع سلاح گروهک‌های مسلح چه اقداماتی انجام داده است و در آینده چه برنامه‌هایی در این زمینه دارد؟

آقای موسوی پاسخ داد: برای خلع سلاح عمومی و خلع سلاح گروهک‌های محارب با خدا و رسول خدا طرح‌هایی داده شده و در تهران به‌مورد اجرا درآمده است. وی گفت: در ده روز اخیر پاسداران جان بر کف براساس طرحی که داده شده بود، موفق شدند ۳۰ خانه تیمی سازمان‌های منافق را به‌همراه مهمات و اسلحه کشف و متهمین را دستگیر کنند.

حجت‌الاسلام موسوی تبریزی در مورد افراد فریب‌خورده توسط منافقین و گروهک‌های محارب گفت: در مورد این افراد بحث‌ها و گفت‌وگوهایی شده است و نتیجه آن این است که افراد گول‌خورده و ساده‌لوح باید خود را به مراکز انتظامی و دادرها و دادگاه‌ها معرفی نمایند و اطلاعاتی را که دارند در اختیار مسئولین امر قرار دهند و مسئولین امر هم با خوشرویی با آن‌ها رفتار کنند. وی افزود: بعضی فریب‌خوردگانی که از مقامات مسئول بالای خود می‌ترسند توصیه می‌کنیم که ما از آن‌ها مراقبت خواهیم کرد. در مرحله اول بررسی احکام و گزارشاتی که از طرفین دادگاه‌ها و دادرهای انقلاب سراسر کشور به دادستانی کل انقلاب می‌رسد، دادگاه‌های ذی‌صلاح به این‌گونه پرونده‌ها رسیدگی می‌کنند و پس از رسیدگی هیأتی به‌محل اعزام می‌شوند و پس از تحقیقات کامل و نتیجه آن، در صورت نیاز تصمیمات جدیدی برای پاکسازی و بازسازی آن دادگاه‌ها و دادرها خواهند گرفت.

و اما در مورد قضاتی که در دادگاه‌های انقلاب با قاطعیت عمل نمی‌کنند و در دادرسی سهل‌انگاری می‌کنند باید بگویم که این افراد در دادگاه‌های انقلاب محاکمه خواهند شد.

وی سپس افزود: من از این فرصت استفاده می‌کنم و به کلیدی قضات دادگاه‌ها و دادرهای انقلاب توصیه می‌کنم که با مجرمین و محاربین و آن‌هایی که در برابر نظام جمهوری اسلامی ایران مسلحانه ایستاده‌اند قاطعانه برخورد کنند و اگر در این کل سهل‌انگاری کنند خود قاضی مربوطه متخلف شناخته شده و محاکمه خواهد شد.

دادستان کل انقلاب در مورد زندانیان کشور گفت: من اکنون آمار دقیقی از زندانیان کشور ندارم ولی در بین زندانیان عده‌ای هستند که به‌تکلیف هستند.

وی گفت: همان‌طور که اطلاع دارید، گروه‌های آمریکایی در برابر نظام جمهوری اسلامی ایران و مردم مسلمان و بی‌دفاع ایستاده‌اند و اعلام جنگ مسلحانه نموده‌اند و در اماکن و سازمان‌ها بمب‌گذاری نموده و شخصیت‌ها را ترور می‌کنند ما نیز باید با آن‌ها قاطعانه برخورد کنیم که در این رابطه تعدادی از اعضا و کادر مرکزی و شاخه نظامی و سیاسی سازمان مجاهدین خلق و دیگر گروهک‌های منافق محاکمه شده‌اند و تعدادی نیز در زندان‌ها تا تعیین تکلیف باقی خواهند ماند؛ ضمناً باید متذکر شوم که دادستانی کل انقلاب، گروه‌های ضربتی را برای بررسی وضع این عده از زندانیان تشکیل داده که هم‌اکنون مشغول بررسی پرونده‌ها هستند.

حجت‌الاسلام موسوی تبریزی در مورد امنیت روز انتخابات ریاست جمهوری (دهم مهرماه) گفت: برای روز رأی‌گیری انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس شورای اسلامی دو مرحله در نظر گرفتیم: اولین مرحله پیشگیری از حوادث ناگوار احتمالی و حفاظت از صندوق‌ها و اماکنی است که مردم برای دادن رأی مراجعه خواهند کرد.

آقای موسوی دادستان کل انقلاب در ادامه سخنانش گفت: کسانی که در روز انتخابات (جمعه دهم مهرماه)، قصد ایجاد اغتشاش و رعب و وحشت داشته باشند، توسط پاسداران و مأموران انتظامی دستگیر و بلافاصله در دادگاه‌های انقلاب محاکمه و اعدام خواهند شد، چون برای این‌گونه افراد محارب در زندان‌ها جایی نیست و نگه‌داشتن این اشخاص محارب باعث اتلاف وقت است.

دادستان کل انقلاب در مورد کشف شبکه براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران گفت: آن‌طور که به‌من اطلاع دادند، یک شبکه براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران کشف شده که در رأس آن آمریکای جهان‌خوار، مصر و چند کشور عربی بوده و

به اصطلاح قصد کودتا در ایران را داشتند. ایادی داخلی این شبکه که عده‌ای نظامی پاکسازی شده و بازنشسته و تعدادی غیرنظامی بودند به اتفاق رهبرانشان قبل از انجام هرگونه عملیاتی شناسایی و دستگیر شدند. البته چند تن از این گروه موفق به فرار شدند که پاسداران و مأموران انتظامی و انقلاب در تعقیب آنها هستند. وی گفت: این افراد از خارج تغذیه می‌شدند و مدارکی در این زمینه به دست آمده است.^(۱)

طی یک ترور خائنانه در مشهد، حجت‌الاسلام هاشمی نژاد به شهادت رسید

حجت‌الاسلام سیدعبدالکریم هاشمی نژاد، دبیر حزب جمهوری اسلامی خراسان و از روحانیون مبارز و متعهد ایران، ساعت ۸ بامداد امروز طی یک سوء قصد خائنانه به شهادت رسید و به لقاء الله پیوست.

در حادثه‌ی صبحگاه، به‌هنگامی که شهید حجت‌الاسلام هاشمی نژاد در حال بازگشت از کلاس پاسخگویی به سؤالات از پله‌های ساختمان حزب جمهوری اسلامی مشهد پایین می‌آمد، یکی از اعضای گروهک تروریستی منافقین آمریکایی که قبلاً در حزب رخنه کرده و پس از شناسایی اخراج شده بود، به نام «هادی علوی فتیله‌چی» خود را به نزدیک ایشان رسانیده و با قراردادن نارنجک جنگی روی شکم شهید حجت‌الاسلام هاشمی نژاد و انفجار آن، وی را به شهادت رساند.

براساس گزارش خیرنگاران اطلاعات در مشهد در اثر انفجار این نارنجک، یکی از دست‌های تروریست خائن قطع شد و یک تن از نگهبانان حزب به نام محسن توکلی و یکی از شرکت‌کنندگان در کلاس پاسخگویی به سؤالات، به نام عطا ظریف، مجروح

شدند، که هر سه آنان جهت مداوا به بیمارستان انتقال یافتند.

اعلام عزای عمومی در خراسان

به دنبال شهادت روحانی مجاهد و عالم ربانی، حجت‌الاسلام سید عبدالکریم هاشمی نژاد که صبح امروز طی یک سوء قصد خائنه و به وسیله‌ی یکی از عوامل جنایتکار منافقین در مشهد به فیض شهادت نائل شد، از سوی آیت‌الله ابوالحسن شیرازی، امام جمعه مشهد و استانداری خراسان به مدت سه روز در این استان عزای عمومی اعلام شد.^(۱)

گفت و گو با حجت الاسلام سید علی خامنه‌ای: جنگ تحمیلی با شکست فضاحت‌بار نیروهای صدامی پایان خواهد گرفت.

حجت‌الاسلام سید علی خامنه‌ای امام جمعه‌ی تهران، نماینده‌ی امام در شورای عالی دفاع و کاندیدای ریاست‌جمهوری اسلامی ایران در مصاحبه‌ای پیرامون آینده جنگ، اثرات جنگ، نقش مردم در جنگ و ستون پنجم دشمن مطالبی بیان داشت.

وی در مورد جنگ و آینده‌ی آن گفت: با توجه به تلاش و کوششی که امت قهرمان ما و رزمندگان شجاع اسلام انجام داده‌اند، به‌جرات می‌توان گفت که از لحاظ کمی و کیفی وضعمان از آغاز جنگ بهتر شده است، اما در مورد آینده جنگ با توجه به مشاهدات کنونی و تجربیات یک‌ساله ما و وضع نیروهای دشمن این مسأله بسیار روشن است که جنگ تحمیلی عراق با پیروزی نیروهای ما و شکست فضاحت‌بار نیروهای صدامی پایان خواهد گرفت.

وی در مورد تأثیر جنگ بر روی نیروهای نظامی با اشاره به این‌که جنگ به نیروهای ما احساس مسؤولیت و تعهد بیشتری نسبت به حفاظت انقلاب بخشید، اظهار

داشت: میدان جنگ جایگاهی است برای تقویت ایمان و این موقعیت برای نظامیان ما به وجود آمد و لذا اکنون پس از گذشت یک سال نظامی ما تبدیل به یک انسان مجرب، باایمان، با صلاحیت و ارزشمند شده است. امام جمعه تهران در مورد نقش مردم در جنگ گفت: تاکنون نقش مردم بسیار عالی بوده و کمک‌های بی‌دریغ آنان در پشت جبهه نقش مهم و تأثیر شگرفی در روحیه رزمندگان ما داشته است؛ به‌عنوان مثال وقتی مردم از ائتلاف مختلف مخصوصاً روحانیون به‌داخل جبهه رفته و در سنگرها با نظامیان به گفت‌وگو می‌نشینند، این شور و هیجان و حرکتی برای پیشرفت به وجود می‌آورد.

نماینده‌ی امام در شورای عالی دفاع در این مصاحبه در مورد ستون پنجم دشمن و نحوه‌ی برخورد با آنان گفت: با ستون پنجم دشمن یک نحوه‌ی مقابله بیشتر وجود ندارد و آن قاطعیت و جدیت است و این به آن معنا نیست که هرکس را به‌عنوان ستون پنجم به حساب آورد، بلکه باید در مقدمات کار دقت و مراقبتی به کار برد که در این مورد دستگاه‌های انتظامی مسؤولند.

وی افزود: ما در ابتدای جنگ در نقاط جنگی به‌خوبی شاهد اعمال ضدانقلابی و فعالیت‌های دشمن شادکن این عوامل بودیم که اصرار می‌کردیم این امر و عاملانش باید افسا شده با آنان به‌شکل انقلابی و مناسب دوران جنگ و محیط جنگی رفتار بشود.

حجت‌الاسلام خامنه‌ای در پاسخ این سؤال که پس از خنثی‌شدن این نقشه امپریالیزم و خاتمه جنگ، برخورد امپریالیزم را با انقلاب اسلامی چگونه می‌بینید؟ گفت:

تردیدی نیست که امپریالیزم ما و انقلابمان را رها نخواهد کرد، اما آیا این مقابله باز جنگ خونینی خواهد بود یا تدابیر دیگر این قابل بررسی است، پس از جنگ احتمال این‌که تجاوزات دیگری را امپریالیزم به انقلاب ما تحمیل کند و یا بهران‌های داخلی را تشدید کند و دستگاه‌های اقتصادی را به‌فلج بکشاند و از این قبیل کارها وجود دارد، ولی ما در مقابله با کل این حوادث به یک عامل اصلی متکی بوده و خواهیم بود و آن روح معنویت انقلاب است که امت ما را برگرد محور واحدی جمع می‌کند و به آن‌ها انگیزه و نشاط و حرکت می‌دهد که ما آن معنویت انقلاب را حفظ خواهیم کرد،

که در این صورت در مقابله با مشکلات هیچ مسأله‌ای فوق‌العاده نخواهیم داشت و هم‌چنان‌که تاکنون در مبارزه با مشکلات موفق بوده‌ایم در آینده نیز چنین خواهیم بود.

سقوط خونین شهر

حجت‌الاسلام خامنه‌ای سپس پیرامون سقوط خونین شهر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین وقایع جنگ تحمیلی گفت: البته هنوز بخش شرقی خرمشهر در این طرف کارون در اختیار ماست و به‌عنوان یک قلعه جنگی علیه نیروهای متجاوز عمل می‌کند و این یکی از مسایل مهم جنگ است.

جریان به این صورت بود که پس از حرکت وسایل سنگین نیروهای عراقی از شلمچه به سوی خرمشهر و رسیدن آن‌ها به ابتدای شهر و گمرک نیروهای ما که چنان انسجامی نداشتند و تشکیل شده بودند از تعدادی پاسدار، نیروهای داوطلب، ژاندارمری، نیروهای وابسته به نیروی دریایی (تکاوران) و غیره می‌جنگیدند و نیروهای متجاوز را تا شلمچه پس می‌زدند ولی شب که می‌شد به‌علت این‌که نیروهای ما تانک و وسایل سنگین نداشتند، نمی‌توانستند بمانند و برمی‌گشتند و صبح که می‌شد دوباره می‌دیدند که نیروهای عراقی بازآمده‌اند، البته آن‌ها متکی بودند به نیروهای پشتیبانی خود در داخل عراق در حالی‌که نیروهای ما هرچه فریاد می‌کشیدند و استمداد می‌طلبیدند، توپ می‌خواستند، توپ‌های دور زن می‌خواستند و به این‌ها جوابی داده نمی‌شد. آن‌هایی که مانده بودند به‌اضافه‌ی افراد مدافع از پاسداران و نیروهای داوطلب توی مساجد جمع شده بودند و در آخر، مسجد جامع خرمشهر شده بود یک سنگر اصلی. در آن موقع ما در دزفول نیروهای زیادی را جمع‌آوری کرده بودیم و نظامی‌ها طرخی داشتند که از دزفول دشمن را منهدم کنند. بنی‌صدر هم در دزفول بود و از طرح آن‌ها حمایت می‌کرد و تا آن‌جا که می‌توانست به اهواز نمی‌آمد و فکر می‌کرد که در نقطه‌ای که ما مستقر هستیم مثلاً در عوامل رزمنده و مردم نفوذی داشته باشیم و فکر می‌کرد با بودن ما، جا و موقعی برای امر و نهی ندارد.

به‌هرحال ایشان در دزفول بود و دزفول را از نزدیک می‌دید و دیگر نمی‌توانست موقعیت اهواز و آبادان و خرمشهر و سوسنگرد را درست درک و لمس کند و نیازهایشان را بفهمد، لذا طرح موجود در آن‌جا را همین‌طور حمایت می‌کرد. به

این طرح هنوز هم بعد از گذشت یک‌سال از آغاز جنگ و بعد از گذشت حداقل ده ماه از این جریان هنوز برای اجرای این طرح می‌گفتند امروز می‌کنیم، فردا می‌کنیم و بنی‌صدر هم دفاع می‌کرد، ولی هنوز هم اجرا نشده، ما می‌گفتیم حالا که خرمشهری‌ها این‌قدر احساس احتیاج به تانک می‌کنند، شما یک واحد تانک‌تان را بین خرمشهر و شلمچه مستقر کنید تا دشمن نتواند به‌شهر حمله کند و آن‌را تصرف کند. این‌ها به انواع معاذیر متشبث شدند و گفتند نمی‌شود.

اتمام حجت

اگر در اهواز این امکان بود، قطعاً من از اهواز می‌فرستادم منتهی اهواز خودش وضعیتی مشابه خرمشهر بود. چند لشکر بزرگ عراق آن‌را تهدید می‌کردند و نیروی مدافع شهر ضعیف بود و یقیناً اگر عراقی‌ها آن روزها می‌دانستند که نیروی مدافع اهواز چقدر است تردید نمی‌کردند و شهر را می‌گرفتند، طوری مانور می‌شد که عراقی‌ها تصور می‌کردند نیروی بزرگی جلوی آن‌هاست و دو تا لشکر جلویشان هست در حالی که یک‌لشکر هم نبود. آن‌روز وضع نیروهای مدافع ما در اهواز خیلی ناپسامان بود لذا ما از اهواز نیرویی نمی‌توانستیم برای خرمشهر بفرستیم و باید از دزفول می‌فرستادیم یا از هرجای دیگری که فرمانده نیروی زمینی می‌فرستاد که آن هم در دزفول مستقر بود.

هرچه ما گفتیم، اعتنایی نکردند. من نامه‌ای نوشتم به آقای بنی‌صدر و در آن اتمام حجت کردم و گفتم که من از کی به‌شما این مطلب را می‌گفتم و امروز خرمشهر خونین شهر شده است و هنوز هم سقوط نکرده که این نامه را نوشتم. این نامه در مرکز اسناد سری مجلس شورای اسلامی و هم‌چنین در بایگانی شورای عالی دفاع موجود است. همان‌وقت سپردم به‌همه این‌جاها که این نامه جزء اسناد تاریخی بماند. گفتم من اتمام حجت می‌کنم و شهر سقوط خواهد کرد و نوشتم این واحدهایی که من می‌گویم باید بفرستید ولی اعتنایی نشد و در نتیجه خرمشهر با وجود مقاومت دلیرانه‌ای که عناصر رزمنده داخل مسجد جامع می‌کردند تاب مقاومت نیاورد و عراقی‌ها از چند سو وارد شهر شدند و آخرین نیروهای ما از مسجد جامع بیرون آمدند و از زیر پل، خودشان را به‌طرف آبادان کشیدند. البته افراد زیادی هم در آن‌جا

شهید شدند به این ترتیب بود که نیمی از شهر که قسمت مهمش هم بود سقوط کرد و این در تاریخ جنگ نقطه‌ی بسیار تعیین‌کننده‌ای بود، هم برای ما بسیار بد بود و هم برای عراقی‌ها خیلی خوب و روحیه آن‌ها را بالا برد و مردم ما را شکسته و افسرده می‌کرد.

خوشبختانه بعد از فرمان امام که دایر بر وجود دفاع از آبادان صادر شد، نقش تعیین‌کننده‌ای در حراست از آبادان داشت و اگر آن فرمان نبود شاید آبادان از دست می‌رفت که سقوط آبادان برای ما فاجعه‌آمیزتر بود تا سقوط خرمشهر.

برخورد با بنی صدر

نماینده‌ی امام در شورای عالی دفاع در جواب این سؤال که به‌عنوان اولین روحانی که لباس نظامی به تن کردید و به اهواز رفتید، رابطه‌ی اهواز و دزفول و برخوردهایتان با بنی‌صدر چگونه بود؟ گفت: زمانی که به‌اتفاق دکتر چمران به اهواز رفتیم بنی‌صدر در تهران بود. روزهایی بود که غبار غم و افسردگی تمام آن مناطق را پوشانده بود و دشمن تا چند کیلومتری اهواز آمده بود و از دو طرف شهر را تهدید می‌کرد. ارتشی‌های ما و افراد لشکر ۹۲ که در اهواز مستقر بودند به کلی روحیه‌هایشان را باخته بودند. من افسری را دیدم که در داخل ستاد از دستپاچگی گریه می‌کرد و بدمن می‌گفت: آقا یک فکری بکنید. من به او تشر زدم و گفتم که خجالت نمی‌کشی. اگر تو که افسری با من با این روحیه برخورد کنی، زیردست‌های تو چه می‌کنند؟

خوب، رفتن ما به نظامی‌ها و مردم یک مقداری روحیه داد و بعد به‌اتفاق مرحوم دکتر چمران ستاد جنگ‌های نامنظم را تشکیل دادیم. در این ستاد هم نیروهای مردمی و عشایر و غیره می‌آمدند و نام‌نویسی می‌کردند و گروه‌های نفوذی متعددی گسیل می‌شدند و به عراقی‌ها ضربه وارد می‌کردند. آقای بنی‌صدر آن موقع هنوز به خوزستان نیامده بود ایشان فقط یک سفر به عین‌خوش رفته بود. در آن‌جا در مصاحبه‌ای گفت: من در عین‌خوش هستم و عین‌خوش دست خود ماست بعد که بنی‌صدر از آن‌جا خارج شد به فاصله‌ی یکی دو ساعت عراقی‌ها عین‌خوش را گرفتند و ایشان هم با وجود این‌که به آن‌جا رفته بود کاری نکرد که نیروهای آن‌جا استحکام

بیشتری پیدا کنند و با تشویق و یا با هر وسیله‌ی دیگر کاری کنند که مانع از دست‌دادن عین‌خوش شود.
متأسفانه با سقوط عین‌خوش ما دشت‌های دزفول را در حقیقت از دست دادیم.

سهل‌انگاری بنی‌صدر

سؤال شد: آیا فکر می‌کنید که این امر عمدی بوده است یا خیر؟

حجت‌الاسلام خامنه‌ای در جواب گفت: نه. من نمی‌گویم که ایشان متعهد بوده؛ یعنی قهراً متعهد نبوده و سهل‌انگاری و بی‌توجه نسبت به قضایا بود و بیشتر جنبه‌های تبلیغاتی را در نظر می‌گرفت. برای او یک مصاحبه در عین‌خوش بیشتر ارزش داشت تا توجه به این‌که آیا عین‌خوش واقعاً دست ما خواهد ماند یا نه. بعد که عراقی‌ها از عین‌خوش عبور کردند و سراسر دشت و بقیه جاها و دهلران را گرفتند ما زیر فشار مردم دزفول قرار گرفتیم و به تهران منعکس کردیم. فرماندهی نیروی زمینی و اندکی بعد آقای بنی‌صدر به آن‌جا رفتند و شروع کردند به بازسازی نیروهای پراکنده‌ای که از جلوی عراقی‌ها گریخته و پشت پل کرخه متمرکز شده بودند آن‌ها را بازسازی کردند به این‌سوی کرخه بازگرداندند.

بنی‌صدر وقتی به آن‌جا رفت و دید این‌ها مشغول کار هستند در آن‌جا ماند، چون خیلی مایل بود در منطقه‌ای خیلی نزدیک جبهه مانده باشد و احساس می‌کرد از جهات تبلیغاتی مفید است هم در داخل جبهه و هم در داخل ملت این بود که دزفول را انتخاب کرد در حالی‌که اگر به اهواز می‌آمد هم به دزفول تسلط داشت و هم به خرمشهر و آبادان. علت نیامدن او به اهواز این بود که ما آن‌جا بودیم و فکر می‌کرد که نمی‌تواند با ما بسازد در حالی‌که ما قصد معارضا با او را نداشتیم. اگر به اهواز می‌آمد همکاری می‌کردیم خیلی راضی بودیم منتهی خودش نمی‌توانست تحمل کند دزفول از نظر امکانات زندگی بهتر بود و پایگاه امن و امانی در آن‌جا داشت. روابط ما به این‌گونه بود تا آخر هم هر جا ما نظری داشتیم او مخالفت می‌کرد و هر طرحی که ما می‌دادیم با آن مخالف می‌شد. ما مجبور بودیم کارهای جبهه اهواز را با اعمال نفوذ و فشار خودمان راه بیندازیم و آن‌ها سعی می‌کردند کمکی به اهواز نکنند و متأسفانه کلاً روابط بین دزفول و اهواز روابط سالمی نبود تنها وضعیت روحیه‌ی آقای

بنی صدر و شکل سیاسی بازی او این را بر ما تحمیل کرده بود. سؤال شد: سرنوشت ستاد جنگ‌های نامنظم که توسط شما و شهید چمران تشکیل شده است پس از شهادت شهید چمران چه خواهد شد و آیا زیر نظر خود شما عمل خواهند کرد یا در اختیار ارگان دیگری قرار می‌گیرد؟

نماینده‌ی امام در شورای عالی دفاع در جواب گفت: آمدند پیش من که من خودم بروم آن‌جا و ستاد را سرپرستی کنم. اگر من می‌رفتم آن‌جا نمی‌توانستم دائماً آن‌جا بمانم و از طرفی کار ستادی آن‌جا را من اداره می‌کردم ولی کار نظامی را باید فرد دیگری عهده‌دار می‌شد. مرحوم چمران خودش نظامی بود و از کارایی نسبتاً بالایی در زمینه‌ی جنگ‌های چریکی برخوردار بود. من قصد داشتم فردای روزی که حادثه ترور در مسجد برایم پیش آمد به آن‌جا بروم ولی بعد از حادثه و در بیمارستان در جریان امور نبودم و بعد هم به تدریج که به هوش و حال برگشتم توان نداشتم که مستقیماً در کار آن‌جا دخالت کنم در همان زمان بود که شورای عالی دفاع تصویب کرد که ستاد جنگ‌های نامنظم زیر نظر ارتش باشد و ارتش هم اعلامیه‌ای داد. من البته در بیمارستان بودم و به این‌کار هم موافقت داشتم در حال حاضر وضعیت آن‌جا به این صورت است که این‌ها رسماً وابسته به ارتش هستند و عملاً مثل سابق جداست لیکن مجموع برادرانی که آن‌جا هستند برای اداره ستاد کافی نیستند حقیقت هم این است که الآن نیازی هم به این ستاد وجود ندارد، زیرا کار جنگ‌های نامنظم را خود سپاه هم می‌تواند به خوبی انجام دهد و افراد ستاد می‌توانند به سپاه بپیوندند و آن‌جا کار کنند و اگر کسی هم مایل باشد، می‌تواند به ارتش برود.^(۱)

در گفت و گوی اختصاصی با کیهان اعلام شد: نظرات رئیس دیوان عالی کشور درباره‌ی احکام دادگاه‌های انقلاب، زندان‌ها، دادگستری و عفو بین‌المللی

آیت‌الله موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور در یک مصاحبه‌ی اختصاصی با کیهان، نظرات خود را در مورد احکام دادگاه‌های انقلاب، نحوه‌ی رسیدگی به جرایم، وضع زندان‌ها و زندانیان، تأسیس سازمان بازرسی کل کشور، خواست‌های سازمان عفو بین‌الملل، استخدام قضات جدید، پلیس قضایی و... بیان داشت.

در ابتدا رئیس دیوان عالی کشور در مورد احکام دادگاه‌های انقلاب، نحوه‌ی رسیدگی به جرایم و مجازات‌های تعیین‌شده، گفت: دادگاه‌های انقلاب براساس قوانین اسلامی و ضوابط اسلامی حکم می‌کنند. ضوابط و قوانین اسلامی در فقه شیعه یا گروه‌های دیگر در کتاب‌های خودشان خیلی روشن و بین است. برای این‌که روی این‌ها ۱۴ قرن است که کار شده است و دادگاه‌های انقلاب به اتکای این‌ها عمل می‌کنند.

مسأله‌ای که ما از ابتدا به آن توجه داشتیم و الآن نیز به آن توجه داریم منتها کمتر فرصت کرده بودیم و امیدواریم به‌یاری خدا با فرصتی که پیش آمده آن قسمت را جبران کنیم

این است که این قوانین و ضوابط براساس اسلام هرچند روشن است اما باید مدون شود، حدود و مرزهایش معین شده، ماده به ماده تفکیک شود. اگر بدین صورت درآید دیگر سلیقه‌های شخصی دخالت نخواهد داشت و اشتباهات خیلی کم خواهد شد. ما مقدمات این کار را شروع کرده‌ایم در این مدت ۲ الی سه بار این کار را انجام دادیم اما به‌طور موقتی و شتاب‌زده. این دفعه امیدواریم با فرصت و نیروی بیشتری این‌ها را دقیقاً توسط فقها و حقوقدان‌ها تنظیم و تدوین کنیم و با تنظیم و تدوین این‌ها ضعف‌ها هم برداشته شود.

آیت‌الله موسوی اردبیلی در مورد وضع زندان‌ها و زندانیان و نحوه‌ی رفتار با آن‌ها اظهار داشت: زندان‌ها و زندانیان در ایران سه رقم هستند؛ یک رقم زندانیان عادی غیرمعتادین هستند؛ یک رقم آن‌ها زندانیان عادی هستند که در رابطه با مواد مخدر از قبیل پخش و حمل و قاچاق و اعتیاد و امثال این‌ها دستگیر شده‌اند؛ یک رقم دیگر آن‌هم مربوط می‌شود به گروهک‌ها و گروه‌ها و ضدانقلاب که البته به این‌ها باید اسرای جنگی را نیز اضافه کنیم.

در آن دو قسمت اول که قبلاً هم ما آن‌را بررسی کرده بودیم در ۱۵۵ زندان، حدود بیست و چند هزار نفر زندانی عادی و معتاد داریم و اما اسرای جنگی و زندانیان گروه‌ها به هیچ‌گونه نمی‌توان تعدادشان را گفت، برای این‌که هیچ حالت ثباتی ندارند. نحوه‌ی گرفتاری این‌ها طوری است که گاهی، گروهی، گرفته می‌شوند و در این گروهی گرفتن‌ها بلافاصله با رسیدگی ابتدایی یک مقداری از آن‌ها آزاد می‌شوند. آن‌هایی که اطمینان می‌شود به این‌که دستگیری آن‌ها اشتباهی بوده است؛ البته آمار دقیق این‌گونه زندانیان در اختیار شورای زندان‌ها است که مستقیماً تحت نظر دادستان کل کشور اداره می‌شود، و اما در مورد رفتار با این‌ها تلاش می‌شود هرچه ممکن است با این‌ها انسانی رفتار بشود از نظر بهداشت، غذا، مسکن متأسفانه ساختمان‌های زندان‌های ایران در شرایط خوبی نیست. از سابق ساختمان‌هایش کهنه است، تعمیرات لازم نشده و این تعمیرات هم که می‌شود اساسی نیست، دو، سه زندان تازه‌ساز داریم و دو زندان خوب داریم که در اختیار زندانیان سیاسی می‌باشد. در این‌جا من ناچارم از برادرانی که در وزارت مسکن کار می‌کنند به‌عنوان گله عرض کنم: دادگستری از اول سال تلاش کرد که این آقایان در تعمیرات اساسی زندان‌ها شتاب کنند، عجله کنند، تذکرات زیادی هم در این باره داده شد، دعوت‌ها شد، جلسات تشکیل شد اما

مشکلات وزارت مسکن طوری بود که نتیجه مطلوب عاید نشد، هم سال گذشته و هم امسال اعتباری که در بودجه برای این کار در نظر گرفته شده بود، جذب نشد. امسال هم متأسفانه باید بگویم جذب نخواهد شد و این بسیار موجب تأسف و تعجب است و امیدواریم با این تذکر این برادران به فکر جبران این کار باشند.

رئیس دیوان عالی کشور درباره‌ی نحوه‌ی کار دادگستری و این که آیا جریان عادی رسیدگی به دعاوی طی می‌شود یا خیر، گفت: تلاش می‌شود رسیدگی‌ها از نظر کیفیت در سطح بالایی قرار بگیرند. منظورم از کیفیت بالا، کیفیت تشریفات نیست، منظورم تلاش برای حفظ حقوق و مال مردم است. من نمی‌خواهم بگویم که این تلاش‌ها طوری بوده که همه ظن‌ها برداشته شده، اما تلاش مفید بوده و الآن هم هر روز به این تلاش افزوده می‌شود. بنابراین به‌طور کلی من می‌توانم بگویم در دادگاه‌های انقلاب بعضی نارسایی‌ها و ضعف‌ها هست و بودن این‌ها طبیعی است، اما تلاش برای کسب حقوق مردم زیاد می‌شود، البته باید به این نکته هم اشاره کنم که اگر این ضعف‌ها هست تعدی در کار نیست از قبیل پرونده‌سازی، اعمال غرض و نظایر این‌ها، یک وقت ممکن است نبود امکانات یا تراکم کار سبب شود یک نارسایی در کل به وجود آید.

آیت‌الله موسوی اردبیلی در مورد سازمان بازرسی کل کشور و تفاوت‌های آن با گذشته اضافه کرد: سازمان بازرسی کل کشور طبق ماده‌ی ۱۷۰ قانون اساسی پیاده شده و اختیاراتش خیلی وسیع است. این سازمان همه ادارات و وزارت‌خانه‌ها و ارگان‌های مملکتی و نهادهای انقلابی را بازرسی می‌کند و نتیجه را به مقامات قضایی، دیوان عدالت اداری، وزیر هر وزارت‌خانه، نخست‌وزیر و مقامات مسؤل دیگر می‌گوید؛ یعنی هم گزارش می‌کند و هم پیگیری تا نتیجه مشخص شود، اختیاراتش هم خیلی وسیع است و دامنه‌ی فعالیتش خیلی زیاد. این را من می‌توانم بگویم که ما به بازرسی کل کشور بالاخص بازرسی اداری آن که الآن شروع می‌شود خیلی امیدواریم این سازمان ممکن است از چند روز آینده کار آموزشی‌اش را در رادیو تلویزیون شروع کند و یک مقداری هم کار بازرسی دارد که الآن استخدام می‌کند و کار را انجام می‌دهد.

رئیس دیوان عالی کشور در مورد گزارش‌ها و خواست‌های سازمان عفو بین‌الملل و شرایط

ورود نمایندگانش به ایران گفت: در این مورد امام و دیگران، جواب‌هایی نسبت به این سازمان داده‌اند و شاید به‌جا نباشد که دیگر من مطلبی بیان کنم ولی ناچارم بگویم که یک ملت در شرایط ما و یک جهانی در شرایط فعلی با واقعیت‌های ملموسی که دارد ما حق داریم در صداقت و صمیمیت این‌رقم نهادها تردید نکنیم؛ خصوصاً وقتی که می‌بینیم نحوه‌ی دخالت و نفوذ ابرقدرت‌ها در ارگان‌های بین‌الملل و سازمان‌های بین‌المللی و نحوه‌ی عملکرد آن‌ها، تقاضاهای ملاقات، دیدار از زندان‌ها و زندانیان در کشورهای مختلف و شرایط گوناگون، ما را وادار می‌سازد که مقداری تأمل کنیم آیا کار این‌ها تا چه حدودی می‌تواند از انگیزه‌ی انسان‌دوستی و حقوق‌دوستی برخوردار باشد و اگر چنین است سؤالات زیادی برای ما مطرح است که جوابش را نمی‌دانیم.

آیت‌الله موسوی اردبیلی در مورد استخدام قضات جدید و کمبود قضات اظهار داشت: ما از نظر قضات هم در دادگستری کمبود داریم و هم در دادگاه‌های انقلاب، کمبود ما هم کم نیست، زیاد است. شرایط قضاوت را در لایحه‌ای که به مجلس فرستادیم و در حال تصویب است گفته‌ایم. در نظر داریم، دانشکده حقوق قضایی تحت نظر دادگستری تشکیل بشود و کارهای زیادی از آن‌هم انجام شده. دانشکده هم به‌زودی باز خواهد شد و شاگرد می‌پذیرد، البته از دانشکده‌های حقوق خارج هم که در این زمینه کار می‌کنند شاگرد می‌پذیرد و اما قضات شرع را از میان تحصیل‌کرده‌های علوم قدیمه و اسلامی با شرایط خاصی از قبیل امتحان و مصاحبه و امثال این‌ها می‌گیرند.

رئیس دیوان عالی کشور در مورد این‌که گفته می‌شود هنوز دادگستری را به‌چشم بازمانده‌ای از رژیم سابق می‌بینند، گفت: اگر منظور این‌ها این است که قوانین همان قوانین سابق است، یک‌مقداری صحیح است و یک‌مقداری درست نیست. آن‌قسمت که درست نیست، آیین دادرسی مدنی است که عوض شده. آن‌که به‌تصویب نرسیده، قوانین زیادی به‌شکل تک‌ماده و لایحه به‌مجلس داده شده، در این زمینه کارهای زیادی نیز انجام شده، یک‌مقداری تصویب نشده که در میان آن‌ها همان وضع سابق است ولی به‌طورکلی آیین دادرسی کیفری و قوانین کیفری هنوز به‌آن صورتی که باید اسلامی شود، نشده است و اگر منظور این است که قوانین دست و پاگیری که سابقاً بوده و هنوز عوض نشده باز این حرف

حق است و اگر منظور این است که عناصری که سابق با یک ضوابط خاصی در دادگستری استخدام شده‌اند، همان‌هایی هستند که عمل می‌کنند باز این حرف حق است، البته این به آن معنی نیست که هیچ قانون اسلامی در دادگستری نیست و هیچ قاضی مسلمانی در دادگستری نیست. این حرف از یک تندی، و افراطی بودن برخوردار است. در مورد اسلامی کردن قوانین دادگستری اقداماتی صورت گرفته است. دفتری به نام دفتر تحقیقات و بررسی‌ها و تهیه لوایح اسلامی در عرض چند روز گذشته تنظیم شده برای این منظور و برای این که همه قوانین کشور را این دفتر که اعضایش مرکب است از حقوقدانان سطح بالا و فقها و دانشمندان اسلامی و بعضی اساتید. این‌ها با یک مطالعه حساب شده و دقیق بررسی کنند و همه قوانین را براساس اسلام تدوین نمایند. این دفتر مقدمات کار خود را انجام داده و ما به این دفتر خیلی امید بسته‌ایم و امیدواریم این دفتر با کار مستد و روزانه خود این نیاز را برطرف سازد.

رئیس دیوان عالی کشور در مورد این که دادگاه‌های انقلاب زیر نظر شورای عالی قضایی کار می‌کنند، اظهار داشت: شورای عالی قضایی ارگانی است در رأس قوه‌ی قضاییه اعم از دادگستری و دادسرا و دادگاه انقلاب و برطبق قوانین موجود تعیین همه قضات در دادسرا و دادگاه چه انقلاب و چه دادگستری و قسمت‌های محاکم دیگر، عزل و نصب و تغییر سمت و امثال این‌ها در صلاحیت شورای عالی قضایی است سابق بعضی از مقامات مستقیماً از طرف امام تعیین می‌شدند و گاهی با اجازه از طرف بعضی آیات و اساتید قم تعیین می‌گشتند ولی طبق قوانین مصوب فعلی همه این مسایل در صلاحیت شورای عالی قضایی قرار گرفته است.

رئیس دیوان عالی کشور درباره‌ی پلیس قضایی و طرز کارش افزود: پلیس قضایی از نظر قانون در مرحله تصویب است و از نظر عمل حدود یک سال است که روی آن کار شده است. آیین‌نامه‌ها و قوانین عادی هم تنظیم شده است و وظایفش تعیین شده. کاری که پلیس قضایی می‌کند یک مقداری کار ابلاغ و اجرا است و یک مقداری هم کار نیروی مسلح را انجام می‌دهد برای اعتبار ابلاغ و اجرا، احضار و امثالهم؛ فعلاً حدود ۲۰۰ نفر در مرحله آموزش قضایی و نظامی آموزش عملی هستند و قرار است هر ماه ۱۰۰ الی ۱۲۰ نفر نیز استخدام بشوند و مشغول کار بگردند.

آیت‌الله موسوی اردبیلی در مورد افراد یا اشخاصی که شکایتی نسبت به احکام صادره و پرونده‌ها در دادگاه‌های انقلاب دارند، اظهار داشت: راجع به پرونده‌های دادگاه‌های انقلاب همان‌جوری که راجع به پرونده‌های دادگستری اعتراض روی آن می‌شود روی آن‌ها هم اعتراض می‌شود. منتها باید اعتراف کنم که این اعتراض‌ها اکثراً پایه‌ای ندارد؛ یعنی هرکسی که در هر پرونده‌ای محکوم می‌شود تصور می‌کند که بر او ظلم شده است. و این پرونده باید بار دوم و سوم مطرح شود تا به او بگویند که حق با شماست. متأسفانه این حالتی است که در اکثر پرونده‌ها هست.

در دادگستری، پرونده‌هایی در شرایط خاصی ۵ بار مورد رسیدگی قرار گرفته، بعد از ۵ بار که این‌ها محکوم شده‌اند، معتقدند که باید برای بار ششم تقاضای اعاده دادرسی بکنند، البته این منافاتی ندارد که در بعضی موارد طرف حق دارد تقاضای اعاده دادرسی کند.

الآن شورای عالی قضایی تلاش می‌کند مراجعی را برای این‌کار تعیین کند - البته قبلاً هم بود - آن‌را تکمیل کند و بعضی از پرونده‌ها هم با همین شرایط در حال حاضر مورد رسیدگی است؛ بعضی از قضات شرع محاکمه شده‌اند و محکوم شده‌اند؛ بعضی از قاضی‌های دادرها یا محاکم شرع در مظان این هستند که باید محاکمه بشوند و این‌جور نیست که این دادگاه‌ها و دادرها هرکاری خواستند بکنند و هیچ‌کس به‌سراغشان نرود.

رئیس دیوان عالی کشور در پایان در مورد اظهارات خبرگزاری‌ها و نشریات خارجی در مورد زندان‌ها و اعدام‌ها گفت: البته ما از آن‌هایی که اهلند از این‌ها دعوت می‌کنم آمار و اسامی این‌ها را به‌ما بدهند ما بررسی کنیم و نتایجش معلوم بشود که آیا آمار درست است و یا خیر؟ هدف این‌ها جو‌سازی است. این‌ها این حرف‌ها را زمانی می‌توانند بگویند که آمار دقیق دستشان باشد ما شدیداً دنبال این‌کار هستیم؛ مثلاً اخیراً به‌ما خبر دادند که در اصفهان روی یک پرونده دقت کافی نشده است، همین امروز بازرسی برای آن‌جا کسی را تعیین کرد که برود و پرونده را بخواند یا همان‌طور که قبلاً هم گفتیم چندی قبل در اهواز یک قضاوتی شد که به‌نظر شورای عالی قضایی این یک اشتباه بود که اکنون حاکم شرع این پرونده تحت محاکمه است که از خود دفاع کند. من می‌توانم به‌شما قول بدهم که این‌ها با همه سمپاشی‌هایی که می‌کنند، دادگاه‌ها و دستگاه‌های قضایی فقط از روی ترس از خدا و علاقه

به حقوق بشر و اعتقاد به کرامت و فضیلت انسانی تلاش می‌کنند و سعی و تلاش می‌کنند که حقی را از کسی ضایع نکنند و ما حاضریم این را ثابت کنیم. منتها حرف زدن و ثابت کردن یک مسأله است، جار و جنجال راه انداختن و جو سازی کردن، شعار دادن، فحش گفتن که همیشه وسایل و ابزار دست ماجراجویان سیاسی و غیر سیاسی بوده، مسأله‌ای است دیگر.

رئیس دیوان عالی کشور در زمینه‌ی کار لایحه دیوان عدالت نیز اضافه کرد که شورای عالی قضایی بر روی این لایحه مدت‌ها کار کرده است و برای تصویب آن را به مجلس شورای اسلامی فرستاده است و ما امیدواریم حداقل برای آزمایش هم که شده به ما اجازه داده شود که این کار را شروع کنیم. یک دیوان عدالت خوب در کنار یک سازمان بازرسی قوی که بتواند همه ارگان‌ها و نهادها از جمله نخست وزیر، رئیس جمهور و غیره را محاکمه کند، می‌تواند مقدار زیادی از مشکلات را برطرف و تقایص را رفع کند.^(۱)

کسانی که در مبارزات مسلحانه علیه جمهوری اسلامی شرکت می‌کنند، حکمشان جز اعدام چیز دیگری نخواهد بود.

« اگر کسی در روز انتخابات اغتشاش کند در ردیف محاربین و اعضای گروهک‌های محارب می‌باشد.

« مجازات اعدام برای افرادی است که ارشاد نمی‌شوند.

« به‌دستور امام به زندانیان ملاقات حضوری با خانواده‌هایشان داده می‌شود.

حجت‌الاسلام موسوی تبریزی بعد از ظهر روز دوشنبه در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی با شرکت جمعی از خبرنگاران داخلی و خارجی شرکت کرد و به سؤالات خبرنگاران پیرامون عملکرد دادگاه‌ها و احکام صادره در مورد انواع مختلف متهمین، نقش ستون پنجم در رابطه با پیروزی چشمگیر رزمندگان اسلام در جبهه‌های حق علیه باطل و نقش دادگاه‌های انقلاب در ارشاد متهمین، هم‌چنین پیرامون اغتشاشات و درگیری‌های روز یک‌شنبه تهران پاسخ گفت.

حجت‌الاسلام موسوی تبریزی دادستان کل انقلاب ابتدا ضمن اشاره به حوادث بعد از

انقلاب و پایداری و مقاومت مردم مسلمان ایران گفت: در این دو سال خداوند این عظمت را در امت ما نشان داد و امت ما هم اصالت انقلابشان را با عظمت خودشان نشان دادند و اضافه کرد که تصور نمی‌رود در کشورهایی که انقلاب شده این چنین ملت آن مقاوم باشند. دادستان کل انقلاب سپس با اشاره به جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اظهار داشت: در تاریخ هیچ کشوری نمی‌توان این چنین در مقابل جنگی حتی یک سال ایستادگی کرد و در هفته جنگ دیدیم که این حماسه به اوج خود رسید و در عین حالی که ملت ما در عرض یک سال با صدام جنگیده، در این مدت مستمراً با گروهک‌های آمریکایی و منحرف از انقلاب مبارزه کرده است، ملت ما ارزش‌های صحیح انقلاب را درک کرده و بر روی آن‌ها ایستادگی خواهد کرد.

وی در ادامه سخنان خود به توضیح جریان آتش‌افروزی و درگیری‌های خیابانی روز یکشنبه تهران پرداخت و گفت: جریان این‌روز برای ما این مسأله را نشان داد که ملت ما در دو جبهه می‌جنگد و در دو جبهه شهید می‌دهد و در هر دو جبهه هر روز مستقیم‌تر و مقاوم‌تر از پیش می‌شود.

وی اضافه کرد: هنگامی که سپاهیان اسلام در جبهه‌ها پیروزی‌های چشمگیری به دست می‌آورند، ستون پنجم در داخل می‌خواهد ملت ما را از نظر روحی به ضعف و سستی بکشاند و مشاهده کردیم که چطور ملت در مقابل آنان ایستادگی کرد و از دادگاه‌های انقلاب خواستند که در مقابل ستون پنجم قاطعیت به خرج دهند.

وی در ادامه سخنان خود به حمله منافقین به یک نمایشگاه بین‌المللی عکس رزمندگان جبهه و شهدای عزیز جنگ تحمیلی در مشهد که آن‌ها را به رگبار می‌بندند و در نتیجه یک پیرمرد ۸۰ ساله و یک بچه‌ی هشت‌ساله به شهادت می‌رسند و به حمله آن‌ها به محل ثبت‌نام افراد بسیج در تبریز که نگهبان بدون سلاح درب را، به شهادت می‌رساند، اشاره کرد.

سپس دادستان کل انقلاب در پاسخ به این سؤال که در برابر این‌ها چه خواهید کرد؟ گفت: ما جز رعایت قوانین اسلامی چیزی نباید اجرا کنیم که این‌ها محارب و قاتل و تروریست هستند و اموال بیت‌المال مسلمین را به آتش می‌کشند و حکمشان در اسلام اعدام

است و اگر ثابت شود این‌ها مسلحانه مبارزه کرده‌اند حکمشان جز اعدام چیزی دیگر نخواهد بود و موضع ما در مقابل آن‌ها همین است، مگر این‌که دست از این کارهایشان بردارند. وی هم چنین در مورد آمار دستگیرشدگان ضدانقلابیون از ۱۵ خردادماه جاری تاکنون اظهار داشت: در مقابل شهدای انقلاب اسلامی که در جبهه‌های جنگ و پا در جبهه‌های داخلی تقدیم اسلام کرده‌ایم ما حتی یک صدم از ضدانقلابیون را هم اعدام نکرده‌ایم.

حجت‌الاسلام موسوی تبریزی در پاسخ به این سؤال که چه اقداماتی دربارهی اعتشاشات احتمالی روز انتخابات ریاست جمهوری اتخاذ شده است، گفت: اگر کسی در روز انتخابات اغتشاش کند او در ردیف محاربین و اعضای گروهک‌های محارب می‌باشد و در این زمینه از سوی وزارت کشور و دادستانی تصمیماتی اتخاذ شده است.

وی هم چنین در مورد ملاقات خانواده‌های زندانیان اوین با زندانیان گفت: به دستور امام حتی به آن‌ها اجازه داده می‌شود که حضوراً با خانواده‌هایشان ملاقات کنند.

دادستانی کل انقلاب سپس ضمن اشاره به منافع غارتگران بین‌المللی که اموال کشور اسلامی ایران را به غارت می‌بردند، گفت: دشمنان این انقلاب هیچ‌گاه دست از توطئه برنخواهند داشت و اضافه کرد: ما آن‌روز ناامید خواهیم شد که آمریکا دست از توطئه بردارد.

وی سپس به این مطلب اشاره کرد که بچه‌هایی که کمتر از ۱۶ سال دارند چون مکلف نیستند و لذا مجازات هم نمی‌شوند. مگر این‌که در عملیات تخریب و انفجار شرکت کنند که در این صورت تا رسیدن به رشد فکری صحیح و خارج شدن از حالت ضعف و کسالت روحی در دارالتأدیب نگهداری خواهند شد تا بالاخره به آغوش گرم خانواده‌های خود بازگردند. و در این رابطه خیرگزاری‌های ضداسلام تبلیغ می‌کنند که دادگاه‌های انقلاب ایران بچه‌ها را می‌کشند، در حالی‌که در این مورد حتی یک نفر هم اعدام نشده است و بچه‌های ۱۲ و ۱۳ ساله در دارالتأدیب نگهداری می‌شوند.

حجت‌الاسلام موسوی تبریزی در پایان این مصاحبه به نقش دادگاه‌های انقلاب در ارشاد متهمین اشاره کرد و خاطر نشان ساخت: با این‌که مردم از دادگاه‌های انقلاب انتظار

کسانی که در مبارزات مسلحانه علیه جمهوری ... ۲۳۵

قاطعیت دارند، اما دادگاه‌ها حتی مجرمینی را که در ترورها دست داشته‌اند، نصیحت کرده و تا آخرین لحظات از آنان می‌خواهند که توبه کرده و به آغوش ملت و به راه اسلام بازگردند و ترویج افکار اسلام در میان زندانیان مانند تحویل کتاب و روزنامه و فرستادن معلم مسلط به مسایل اسلامی برای ارشاد آنان هم‌چنان اعمال می‌شود.

وی در خاتمه این مصاحبه گفت: مجازات اسلامی یک بُعد قضیه است و بُعد دیگر آن ارشاد مردم است و مجازات برای کسانی است که ارشاد نمی‌شوند.^(۱)

ملت ایران، فردا رئیس جمهوری جدید را انتخاب می‌کند.

براساس تأیید طرح قانونی اصلاح قانون انتخابات میان دوره‌ای مجلس شورای اسلامی در شورای نگهبان سن رأی دهندگان در انتخابات مجلس نیز مانند انتخابات ریاست جمهوری ۱۵ سال تمام خواهد بود.

فعالیت‌های انتخابی برای کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات میان دوره‌ای مجلس شورای اسلامی به پایان رسید و با پایان گرفتن کار تبلیغات در صورتی که به نفع و یا رد هر یک از کاندیداها تبلیغات صورت بگیرد، متخلف به دادگاه فرستاده خواهد شد.

کار رأی‌گیری از ساعت ۷ صبح فردا در شعب مختلف اخذ رأی آغاز خواهد شد و میلیون‌ها نفر برای انتخاب ریاست جمهوری و نمایندگان میان دوره‌ای مجلس شورای اسلامی پای صندوق‌های رأی خواهند رفت.

ستاد انتخابات وزارت کشور، فرمانداری تهران و فرمانداری‌های حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و انتخابات ریاست جمهوری در سراسر کشور آمادگی کامل خود را برای برگزاری انتخابات اعلام کرده‌اند.

هم‌چنین لوازم و وسایل انتخابات از سوی ستاد انتخابات وزارت کشور به تمام نقاط کشور

ارسال شده است و از این نظر هیچ گونه مشکلی در بین نیست. مدت اخذ رأی ۱۰ ساعت خواهد بود و در صورت نیاز مدت اخذ رأی تمدید خواهد شد.

سن رأی دهندگان برای انتخابات مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری، ۱۵ سال تمام و ملاک محاسبه سن رأی دهندگان روز دهم مهرماه ۱۳۶۰ (۱۳۶۰/۷/۱۰) خواهد بود و بنابراین متولدین بعد از تاریخ دهم مهرماه ۱۳۴۵ نمی توانند در انتخابات شرکت کنند.

انتخابات سراسری اقلیت کلیمیان ایران برای مجلس شورای اسلامی نیز فردا در سراسر کشور انجام خواهد شد و برگزاری این انتخابات به عهده فرمانداری تهران گذاشته شده است.

اصلاح قانون انتخابات

طرح قانونی اصلاح قانون انتخابات میان دوره ای مجلس شورای اسلامی که در جلسه ششم مهرماه کمیسیون داخلی مجلس تصویب شده بود، مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت. متن نامه ی شورای نگهبان به مجلس شورای اسلامی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه ی شماره ی ق/۲۲۷۱ مورخ ۶۰/۷/۸، طرح قانونی اصلاح قانون انتخابات میان دوره ای مجلس شورای اسلامی مصوب کمیسیون امور داخلی مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۶۰/۷/۶، از نظر اکثریت اعضای شورای نگهبان مغایر موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

دبیر شورای نگهبان - لطف الله صافی

براساس طرح مذکور که به صورت ماده واحده، به تصویب رسیده است سن رأی دهندگان در انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز مانند انتخابات ریاست جمهوری ۱۵ سال تمام خواهد بود، قانون مذکور که از تاریخ تصویب بر این مدت سه سال به صورت آزمایش قابل اجرا می باشد از سوی شورای موقت ریاست جمهوری جهت اجرا به دولت ابلاغ گردید.

۲۳۸ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

حذف ۲ کاندیدای نمایندگی مجلس

ستاد انتخابات میان دوره ای مجلس شورای اسلامی در فرمانداری تهران اعلام کرد: با بررسی مجددی که بر روی پرونده انتخاباتی آقایان حسن عبادی و علیرضا مخملیان کاشانی به عمل آمد، اسامی این دو کاندیدا از لیست کاندیداهای مجلس شورای اسلامی در تهران حذف شد.

هم چنین آقای نجف قلی حبیبی کاندیدای نمایندگی انتخابات میان دوره ای مجلس شورای اسلامی در تهران به منظور حفظ وحدت انصراف خود را از کاندیداتوری مجلس شورای اسلامی در تهران اعلام کرد.^(۱)

بخش سوم

ریاست جمهوری سید علی خامنه‌ای
و
نخست‌وزیری میرحسین موسوی

سومین رئیس جمهور ایران با ۱۶ میلیون و ۸ هزار و ۵۷۹ رأی انتخاب شد.

معاون دادگستری در زمینه برگزاری انتخابات در کردستان و آذربایجان غربی گفت: با این که در قسمت هایی از کردستان درگیری وجود داشت، ولی هموطنان کُرد ما در آن مراکز با شور خاصی در انتخابات شرکت کردند و در آذربایجان غربی نیز تعداد شرکت کنندگان از انتخابات گذشته ریاست جمهوری ده درصد بیشتر بوده است.

مصطفی تهرانی، فرماندار تهران نیز در زمینه اعلام نتایج قطعی شمارش آرا در تهران گفت: جمعاً در شهرستان تهران دو میلیون و ۲۸۶ هزار و ۳۳۴ نفر شرکت کرده اند که از این تعداد آرا، دو میلیون و ۷۹ هزار و ۹۵۱ رأی اختصاص به حجت الاسلام سیدعلی خامنه ای داشت.

فرماندار تهران گفت: آقای علی اکبر پرورش ۶۸/۱۵۲ رأی، آقای سیدرضا زواره ای ۲۲/۶۶۸ رأی و آقای حسن غفوری فرد ۲۱/۱۸۴ رأی را به خود اختصاص دادند. همچنین، ۱۴۶ هزار و ۵۵۹ رأی نیز به علل مختلف محاسبه نشد که از این تعداد ۹۴/۳۷۹ رأی به علت مخدوش بودن و ۸۷۷۷ برگ رأی نیز به نام افراد متفرقه داده شده بود و تعداد ۴۳/۴۰۳

۲۴۲ که بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

رأی نیز سفید بوده است.

با پایان گرفتن شمارش آرای انتخابات سومین دوره ریاست جمهوری حجت‌الاسلام سید علی خامنه‌ای با ۱۶ میلیون و ۸ هزار و ۵۷۹ رأی از مجموع ۱۶ میلیون و ۸۴۷ هزار و ۷۱۷ رأی، اکثریت مطلق آرا را به دست آورد.

دکتر محمدحسین سرورالدینی، معاون سیاسی و اجتماعی وزارت کشور، ضمن اعلام نتایج فوق گفت: آقای سید علی اکبر پرورش ۳۴۱/۸۷۳ رأی، آقای دکتر حسن غفوری فرد ۷۸/۶۹۱ رأی و آقای سیدرضا زواره‌ای ۶۲۱۹۲ رأی، بقیه آرا را به خود اختصاص داده‌اند. معاون وزارت کشور افزود: آرای سفید و متفرقه و مخدوش در این دوره از انتخابات، ۳۵۶/۴۱۱ رأی بوده است.

دکتر سرورالدینی در زمینه‌ی اجرای مراحل بعدی انتخابات ریاست جمهوری گفت: با اعلام نتیجه رسمی و تأیید وزارت کشور، نتایج رسماً به شورای نگهبان اعلام خواهد شد و شورای نگهبان نیز حداقل سه روز و حداکثر یک هفته فرصت خواهد داشت تا به شکایات رسیده شده، رسیدگی و نتیجه انتخابات را رسماً تأیید و اعلام نمایند.

وی افزود: پس از تأیید شورای نگهبان، اعتبارنامه‌ی ریاست جمهوری از سوی شورای نگهبان صادر خواهد شد و سپس وزیر کشور مراتب را به استحضار مقام رهبری خواهد رسانید و مقام رهبری نیز حکم ریاست جمهوری را تنفیذ خواهند کرد و سپس رئیس جمهور رسماً کار خود را آغاز خواهد کرد.

براساس اطلاعات واصله شمارش مجدد آرای انتخابات میان دوره‌ای مجلس شورای اسلامی در شهرستان تهران امروز پایان خواهد یافت، و به طوری که از اسامی حائزین اکثریت تاکنون مشخص است، کاندیداهای ائتلاف بزرگ که حسین کمالی، سیدرضا زواره‌ای و همسر شهید رجایی می‌باشند به احتمال زیاد اکثریت مطلق آرا را به دست خواهند آورد.

لازم به توضیح است که از شهرستان تهران باید سه نماینده به مجلس شورای اسلامی راه پیدا کنند. (۱)

خامنه‌ای، رئیس جمهوری اسلامی ایران که بود؟

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعلی خامنه‌ای در سال ۱۳۱۸ در یک خانواده روحانی در مشهد مقدس به دنیا آمد.

پدرش حجت‌الاسلام حاج سیدجواد خامنه‌ای از علمای باتقوا و زاهد مشهد بود و مادرش فرزند حجت‌الاسلام سید هاشم نجف‌آبادی است. او پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی در مشهد، وارد مدرسه‌ی نواب این شهر شد و در آنجا به تحصیل علوم دینی پرداخت. طی این مدت از محضر استادانی چون آیت‌الله میلانی و آیت‌الله حاج شیخ هاشم قزوینی، تلمذ کرد. وی، هم‌چنین دو سال از درس خارج خود را در مشهد گذارند.

در سال ۱۳۳۶ به نجف اشرف مشرف شد و پس از مدت کوتاهی به وطن بازگشت. در سال ۱۳۳۷ به قم عزیمت کرد و در محضر استادانی چون آیت‌الله العظمی بروجردی، آیت‌الله خمینی و آیت‌الله حائری به کسب فیض پرداخت.

در قیام پانزده خرداد و آغاز حرکت پیامبرگونه‌ی امام خمینی نیز در کنار ایشان بود و در حالی که حامل پیام امام در مورد عاشورای ۴۲ برای آیت‌الله میلانی بود در بیرجند دستگیر شد. وی هم‌چنین همراه با عده‌ای از مدرسین در حوزه، یک سازمان مکتبی - سیاسی مخفی را

طرح ریزی کردند که در پی کشف این سازمان، حضرت آیت‌الله منتظری و آیت‌الله ربانی دستگیر و زندانی و او و چند نفر دیگر متواری شدند. خامنه‌ای در سال ۱۳۴۳ مجدداً به مشهد بازگشت. در این شهر پیوسته مورد تهدید و آزار ساواک و عوامل شاه معدوم قرار داشت.

علی‌رغم این مسأله، با جدیت به تدریس فقه و اصول برای طلاب پرداخت و درس‌های نهج‌البلاغه و تفسیر وی اقشار مختلف مردم و به‌ویژه نسل جوان مشتاق را به خود جلب کرد. او در تمام مدت زندگی انقلابی خود در پیشاپیش انقلاب و نهضت اسلامی ایران حرکت می‌کرد، به‌گونه‌ای که بین سال‌های ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۷، شش بار به زندان افتاد و در این مدت سلول‌های انفرادی جایگاه او بود.

در سال ۵۴، پس از آزادی از زندان، کلاس‌های ایدئولوژی تطبیقی و مقایسه‌ای را گسترش داد و با سخنرانی‌های پرشور در سراسر کشور اندیشه‌ی اسلامی و انقلابی را در سطح جوانان گسترش داد و در سال ۵۵ به اتفاق جمعی از روحانیون متمدن، طرح جامعه‌ی روحانیت مبارز سراسر کشور را ریختند.

در همین سال، به ایرانشهر و از آن‌جا به جیرفت تبعید شد. او چه در فاصله‌ی زندان‌ها و چه در تبعیدها از تعقیب و آزار ساواک درامان نبود.

حجت‌الاسلام خامنه‌ای به‌هنگام اوج‌گیری انقلاب اسلامی مردم ایران، به دعوت مرحوم استاد شهید آیت‌الله مطهری و از سوی امام خمینی به عضویت شورای انقلاب درآمد.

و پس از پیروزی انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی نیز علاوه بر ادامه‌ی عضویت در شورای انقلاب در سنگرهای حساسی به خدمت خود ادامه داد:

۱ - نمایندگی شورای انقلاب در وزارت دفاع،

۲ - سرپرستی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی،

۳ - نمایندگی امام در شورای عالی دفاع،

۴ - نمایندگی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی،

۴ - امامت جمعه تهران و سرانجام در انتخابات اخیر با اکثریت مطلق «شانزده

میلیون و هفت‌هزار و نهصد و هفتاد و دو رأی (۱۶/۰۰۷/۹۷۲) از آرای مردم ایران به ریاست جمهوری انتخاب شد.

خامنه‌ای، رئیس‌جمهوری اسلامی ایران که بود؟ ۲۴۵

رئیس‌جمهوری اسلامی ایران، دارای تألیفاتی نیز می‌باشد، از جمله این تألیفات «آینده در قلمرو اسلام» که در سال ۴۴ انتشار یافته و در همان زمان توقیف شد، «مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان»، «ادعای نام‌های علیه تمدن غرب» [ترجمه]، «صلح امام حسن [ترجمه]»، «طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن»، «صبر»، «از ژرفای نماز»، «زندگی امام صادق علیه السلام»، «درس‌هایی از نهج البلاغه» [مجموعه سخنرانی] است.

رئیس‌جمهوری اسلامی ایران هم‌زمان با آغاز جنگ تحمیلی، لباس رزم پوشیده و با حضور در جبهه‌های مختلف و گفت‌وگو با رزمندگان اسلام در عین بالا بردن روحیه‌ی آن‌ها، به بررسی اشکالات و نقایص پرداخته و با یاری دیگر اعضای شورای عالی دفاع به سازمان‌دهی نیروهای مسلح پرداخت.

در تاریخ ششم تیرماه سال جاری به‌دنبال انفجار بمبی که از سوی منافقین در یک ضبط صوت تعبیه شده بود، به‌هنگام سخنرانی در مسجد اباذر، مجروح شد ولی به‌زودی سلامتی خود را بازیافت. او پس از بهبودی، پیوسته بر این جمله تکیه می‌کند که: «احساس می‌کنم عمر دوباره امانتی است که خداوند جهت خدمت هرچه بیشتر به‌اسلام و مردم به‌من عطا کرده است.»

حجت‌الاسلام والمسلمین خامنه‌ای - که به‌دنبال شهادت دکتر باهنر به‌اتفاق آرا به دبیر کلی حزب جمهوری اسلامی انتخاب شد - ازدواج کرده و دارای چهار فرزند است.

حمله‌ی شدید وزیر خارجه ایران به آمریکا و دولت‌های مرتجع در سازمان ملل

به گزارش خبرنگار اعزامی خبرگزاری پارس از نیویورک، مهندس موسوی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران که برای شرکت در سی و ششمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، به نیویورک سفر کرده است، دیروز نطق مهمی در این مجمع ایراد کرد. متن سخنان وزیر امور خارجه که در اختیار خبرگزاری پارس قرار گرفت بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿و نريد ان نمى على الذين استضعفوا فى الارض و نجعلهم الائمة و نجعلهم الوارثين﴾
«اللهم آية ۵، سوره قصاص»

نمایندگان محترم! خانم‌ها و آقایان!

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی، به بهای خون بیش از ۶۰ هزار شهید و یک صد هزار معلول با شعارهای الله اکبر، استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی و با جهت‌گیری ضد استکباری - ضد استبدادی، در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ به پیروزی رسید. انقلاب اسلامی ما بر پایه‌ی تعالیم قرآنی تساوی حقوق و برابری و برادری تمام

انسان‌ها را سرلوحه اهداف خود قرار می‌دهد.

انقلاب ما انسان را به‌عنوان اشرف مخلوقات مضمون اصلی و محتوای تاریخ‌ساز جهان می‌داند و لذا تلاش در راه اعتلای مقام معنوی انسان و تکامل اخلاقی او را رسالت مهم و جاودانی خویش می‌شمارد و رهاسازی انسان‌ها را از کلیه قیود ناهنجار و استعماری در صدر برنامه‌های خویش قرار می‌دهد.

عرفان و سیاست

از آن‌جا که در ذهن ملت ما مبارزه، سیاست، عرفان و دیانت مفاهیم جدا از هم نیستند الزاماً خطوط اساسی و مشی کلی سیاست خارجی ما را مکتب اسلام تعیین کرده و براین اساس برقراری صلح جهان شمولی که تأمین‌کننده‌ی منافع انسان‌های مظلوم و تحت ستم باشد، هدف ملت ماست، ما مصمم هستیم که در روش خود کوچک‌ترین لغزشی به شرق و یا غرب، آمریکا، شوروی یا چین نداشته باشیم تا مستقل بمانیم.

ما مصمم هستیم که با پیروی از تعالیم عالیه و رهایی‌بخش اسلام، جهان بهتری بسازیم و الگویی تازه از انسانیت را به‌بشریت تشنه عدالت و برای سراسر جهان ارائه دهیم.

ما به‌جهانیان اطمینان می‌دهیم که ایران اسلامی و انقلابی در پی ایجاد آشوب در جهان نیست. ما به‌صراحت انقلابی می‌گوییم که درک آن انگیزه‌هایی که مردم مسلمان ما را این‌چنین به‌مقاومت و دادن قربانی‌ها وامی‌دارد، شناخت سیاست خارجی ایران است و این شناخت می‌تواند باب مراودات جدیدی را براساس احترام به استقلال کشورهای مستضعف و احترام به‌حق حاکمیت آن‌ها پایه‌گذاری کند. نمایندگان محترم!

ما در کشورمان بیش از یک‌قرن در معرض تشعشع ارزش‌های غربی که برپایه‌ی اصالت ماده، اصالت پول و اصالت زور استوار شده است، قرار داشتیم و پس از انقلاب، بزرگ‌ترین دشواری ما، زدودن آثار این نظام ارزشی غیرانسانی بوده است و اینک می‌توانیم بگوییم که ملت ما با انقلاب عظیم خود و با دادن شهدای بسیار نه تنها خطوط گرایش به‌غرب را تقریباً ناپدید کرده است، بلکه قادر شده است نظام

ارزشی حاکم بر جامعه را زیر و رو نماید. از این روست که امپریالیسم آمریکا و دیگر قدرت‌های استکباری، پایگاه‌های فرهنگی خود را در میان مردم مرفه که تحت تأثیر رویای آمریکایی قرار دارند، جست‌وجو کرد. بهافت انسانی سازمان‌های چپ آمریکایی که بعضی از آن‌ها رنگ اسلامی نیز بر چهره زده‌اند نشان می‌دهد که عمدتاً این نیروها از خانواده‌های سرمایه‌داران بزرگ و تکنوکرات‌ها و بوروکرات‌های نزدیک به دستگاه شاه تشکیل شده‌اند. خانواده‌هایی که نظام اسلامی منافع آن‌ها را از بین برده و سیلی سختی به چهره‌شان نواخته است.

شهید رجایی، رئیس‌جمهور ما که به‌دست اینان کشته شد در گذشته یک دستفروش ساده و بسیار فقیر بوده است و شهید باهر تمام زندگی خود را با حداقل درآمد گذرانده بود. سوابق دولتمردان کنونی ایران، نشان می‌دهد که تماماً از خانواده‌های مستضعفی هستند که انقلاب اسلامی ما با مشت‌های برافراشته آنان به‌ثمر رسید.

ارزش یک‌انسان

در ایران امروز، اعتبار یک‌انسان، ارزش یک‌انسان به‌خاطر نخست‌وزیر بودنش، رئیس‌جمهور بودنش، ثروتمند بودنش و قدرتمند بودن نیست بلکه ارزش انسان به‌نسبت زیبایی روح او و ایثار او و از خودگذشتگی اوست؛ به‌همین دلیل است که رهبر بزرگ انقلاب ما امام خمینی می‌گوید: «رهبر ما آن‌کودی ۱۳ ساله‌ایست که با بستن بمب به‌خودش، خود را در زیر تانک‌های دشمن انداخت تا آن‌را منفجر سازد.» شهادت ۷۴ تن از دولتمردان، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر، رئیس‌دیوان‌عالی کشورمان، همه صحنه‌هایی از مبارزه عمیق بین آن ارزش‌های ضدبشری آمریکایی و ارزش‌های اسلامی است.

امروز آمریکا در ایران آخرین دست‌وپای مذبوحانه خود را می‌زند و ایادی آمریکا نیز چون ارباب خود می‌اندیشند که با کشتار رهبران مردم، می‌تواند راه را برای بازگشت آمریکا هموار سازند.

حقیقت ناب

اینان نمی‌دانند که نظام جمهوری اسلامی ایران، قائم به‌لطف خدای بزرگ و متکی

به میلیون‌ها انسان در صحنه است. نمونه واضح این مسأله، شهادت نزدیک به صد نفر از دولتمردان و رهبران انقلابی در جامعه ماست و اگر در هر کشور دیگری با هر نظامی صورت می‌پذیرفت، به‌طور حتم واژگون می‌گشت، ولی نظام جمهوری اسلامی ایران، با خون این عزیزان استوارتر و با اتحاد مردم قوی‌تر شده است. مردم ما و به تبع آن‌ها دولتمردان ما، تلاش در راه برپایی نظام جمهوری اسلامی ایران را تلاش برای پیروزی حقیقت ناب می‌دانند و شهادت در راه خدا را یک فداکاری عاشقانه می‌شمارند و مرگ را در پیجده‌ای برای عبور به فضای لایتنهای بهشت و مقام قرب به‌خدا می‌دانند و ما می‌دانیم سران ابرقدرت‌ها نمی‌توانند این معنا را بفهمند. اتفاقاً علت شکست تمام برنامه‌های آمریکا در ایران در همین نکته نهفته است.

آمریکا که برای سقوط جمهوری اسلامی ما کمر بسته است، با هواپیماها و نیروهای نظامی خود، از مسیر طیس علناً به‌ما حمله می‌کند در داخل ایران هم کودتا می‌ریزد و جنگ داخلی و خارجی به‌ما تحمیل می‌کنند.

حقوق بشر

با ایادی خود بهترین و باتقواترین انسان‌های ما را ترور می‌کنند و در عین حال خود را حامی حقوق بشر نیز می‌دانند. مردم ما به مدعیان حقوق بشر که دست‌های خود را تا مرفق به خون انسان‌های مستضعف فرو کرده‌اند به‌دیده‌ی تمسخر می‌نگرند و می‌دانند که حقوق بشری که مدافع آن سران آمریکا باشد از چه جنس و قماش است. این همان حقوق بشری است که در مقابل کشتارهای جهانی میلیون‌ها مظلوم از سوی آمریکا سکوت می‌کند ولی در مقابل مجازات آدم‌کشانی است که دست به قتل رئیس‌جمهور یک کشور انقلابی می‌زنند. فریاد برمی‌آورد: این همان حقوق بشری است که یک اطلاعیه برای محکومیت اسرائیل به خاطر کشتار مکرر زن و بچه و پیرمردهای جنوب لبنان صادر نکرد. این همان حقوق بشری است که فقط با منطق صهیونیسم و امپریالیسم سازگار است. این همان حقوق بشری است که مدعیان آن و سردمداران آن سازندگان و طراحان بمب‌های نوترونی و اتمی در سراسر جهان هستند و حاضرند اسلحه‌ای بسازند که در یک چشم به‌هم‌زدن میلیون‌ها انسان را

بی توجه به کوچکی و بزرگی، بیماری و سلامت ناپود سازد. آیا اصولاً مسخره نیست که خانه همه این مدافعان حقوق بشر در آمریکا باشد و نه در یک کشور چون بنگلادش، ایران، نامیبیا، آنگولا، لیبی، هند، ویتنام، الجزایر، سوریه و مالزی. ما به صراحت اعلام می‌کنیم به حقوق بشری که مدافع آن مال‌اندوزان و زورمندان امپریالیسم بین‌المللی و صهیونیسم و نژادپرستان اروپایی و آمریکایی می‌باشند، اعتقادی نداریم. ما اصولاً بشریت را در جوامع اروپایی و آمریکایی در حال مسخ و ناپود شدن می‌دانیم و هم‌اکنون در کشورهای مستضعف، چهره‌ی تازه بشریت در حال تولد است و این چهره بسیار متفاوت از آن سیمایی است که آمریکا آن را تصویر می‌کند.

توطئه‌های آمریکا

نمایندگان محترم! خانم‌ها و آقایان!

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، استکبار جهانی و در رأس آن آمریکا که با سرنگونی رژیم فاسد پهلوی و شاه معدوم یکی از بزرگ‌ترین پایه‌های قدرت خود را در منطقه از دست داده بود برای جبران شکست و حفظ منافعش تمام کوشش خود را در اجرای اهداف زیر متمرکز کرده است.

۱ - حمله مستقیم به خاک جمهوری اسلامی ایران از طریق طیس که با تأییدات خداوند متعال و به طریق معجزه‌آسایی عقیم ماند.

۲ - اقدام به تجزیه ارضی در ترکمن صحرا و کردستان با کمک ژنرال‌های فراری شاه و گروه‌های چپ‌نمای آمریکا البته این توطئه نیز در زیر چرخ‌های پر قدرت انقلاب اسلامی مضمحل شد و اکنون آخرین نفس‌های خود را می‌کشد.

۳ - افکندن ایران در ورطه‌ی یک تجربه اجتماعی به منظور شکستن اتحادی که ضامن پیروزی انقلاب بود برای اجرای این اهداف امپریالیسم از متناقضان و فرصت طلبانی که چهره آنان در جریان انقلاب ناشناخته مانده بود، استفاده کرد و با طرح خطوط سیاسی عوام‌فریبانه و ظاهرالصلاح و غیراسلامی در صدد تضعیف رهبری و تفرقه نیروها برآمد. این توطئه هم با حرکت انقلابی توده‌ها که منبث از فرمان رهبر انقلاب و متکی به موازین اسلام بود، نقش بر آب شد.

جنایات بعث عراق

۴ - استفاده از رژیم وابسته و مزدور بعث عراق که در تمام مراحل انقلاب، شیطان صفتانه با جنایات‌های گوناگون به تضعیف و تخریب انقلاب اسلامی مشغول بود که شمه‌ای از آن‌ها عبارتند از:

الف - ایدای ایرانیان مقیم عراق و اخراج دسته جمعی آنان به صورت قهرآمیز خصمانه از آن کشور و اخراج بالغ بر صد هزار ایرانی و عراقی به اتهام ایرانی بودن این قبیل افراد به طریق غیرانسانی از عراق اخراج و بعضاً در مرزهای دو کشور به هلاکت رسیدند، اموال منقول و غیرمنقول بیش از صد و پنجاه هزار تن از ایرانیان مقیم عراق طی یک سال اخیر عدواناً تصرف و ضبط شده است.

ب - محروم ساختن مسلمانان ایران از زیارت عتبات مقدسه که برای مردم ما اندوه بزرگی است.

ج - ایذا و اذیت و شکنجه و کشتار علمای دین و روحانیون مبارز در خاک عراق از جمله به شهادت رساندن آیت‌الله سید باقر صدر و خواهر دانشمند و مبارز ایشان که برای جهان اسلام دو ضایعه بزرگ به شمار می‌رود.

د - حمله به مدارس ایرانی در عراق و دستگیری معلمین و ضرب و شتم در زندانی کردن خانواده‌های ایشان که با وجود تماس‌ها و مکاتبات مکرر صلیب سرخ از سرنوشت آن‌ها اطلاعی در دست نیست. پناه دادن به بسیاری از وابستگان و نظامیان فراری که در کشتارهای وسیع رژیم شاه دست داشتند و تشکیل گروه‌های سیاسی و نظامی و انجام عملیات خرابکارانه جهت براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران و تأسیس رادپوهایی به زبان فارسی ترکی ارمنی - کردی ترکمن بلوچی، جهت تحریک و ایجاد تفرقه و فتنه‌های قومی و مذهبی در داخل کشور براساس سیاست‌های شوونیستی که بی‌شبهت به افکار نازی‌ها نیست.

ر - صدور کارت شناسایی برای ایرانیان خوزستانی که به وسیله‌ی استانداری بصره صادر شده است.

ح - ایجاد دفتر به اصطلاح جبهه آزادیبخش عربستان و تهدید و تحریک برادران عرب‌زبان ایرانی علیه جمهوری اسلامی ایران که بعضاً در جریان تهاجم به ایران هدف بمباران ارتش بعث قرار گرفتند.

ط - اقدام به آدمکشی و خرابکاری‌های گوناگون در داخل ایران از جمله انفجار مکرر لوله‌های نفت جنوب ایران - لازم به یادآوری است که رژیم عراق از اول انقلاب تا ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۹ که حمله همه‌جانبه خود را آغاز کرد، جمعاً ۴۲۵ بار به خاک ایران تجاوز کرده است که مدارک و شواهد آن موجود است.

چون اجرای این برنامه‌های گسترده نتوانست حرکت کوبنده انقلاب را متوقف کند، رژیم بعث عراق به تحریک امپریالیسم آمریکا حمله گسترده به خاک میهن اسلامی ما را از زمین و هوا و دریا آغاز کرد به خیال این‌که قسمتی از وطن ما را تصرف کرده جبهه جدیدی برای تخریب ایران بگشاید و سرانجام نظام جمهوری اسلامی را سرنگون کند.

اینک که دومین سال جنگ تحمیلی آغاز می‌شود، میلیون‌ها نفر آواره و هزاران نفر شهید و ده‌ها هزار نفر زخمی و معلول و میلیاردها دلار زیان اقتصادی در نتیجه این جنگ خانمان‌سوز عاید جمهوری نوپای اسلامی و ملت ستمدیده عراق شده است.

رژیم عراق در حین جنگ کراراً بیمارستان‌ها، مدارس و مساجد را به آتش کشیده و مناطق مسکونی و مردم غیرنظامی را با موشک‌های زمین به زمین و بمباران‌های هوایی هدف قرار داده و به‌ویزانی شهرهای اشغالی و کشتار مردم بی‌گناه و به‌اسارت درآوردن تعداد زیادی از غیرنظامیان پرداخته است. رفتار عراق با اسرا نیز با هیچ‌یک از موازین بین‌المللی مطابقت نداشته و گزارشات صلیب سرخ جهانی هم براین امر گواهی می‌دهد.

تروریست‌های عراقی

گستاخی رژیم بعثی عراق به‌حدی است که تروریست‌های عراقی در لباس کارکنان سفارت عراق در دهلی‌نو دو هفته قبل، تظاهرات صلح‌آمیز دانشجویان ایرانی را که با اجازه‌ی قبلی پلیس هند انجام می‌گردید، مورد حمله مسلحانه قرار داده و نه تنها ۶ نفر از برادران ایرانی را به‌خاک و خون کشیده‌اند بلکه سه نفر پلیس هندی نیز به‌وسیله این تروریست‌های جنایتکار مجروح شدند. این‌تنها مورد از عملیات تروریستی عراق در کشورهای دیگر نیست در گذشته نیز بارها جهانیان شاهد

عملیات تروریستی و تخریبی عراق در سایر کشورها بوده‌اند. هنوز اخبار مربوط به انفجارهای عراق در کشور کویت که دروغ‌پردازان عراقی بی‌شرمانه دولت جمهوری اسلامی ایران را مسؤول آن‌ها معرفی کرده که خوشبختانه عوامل عراقی آن در کویت شناسایی شدند.

بمباران تأسیسات نفتی کویت

در خاطره‌ی مردم جهان و به‌خصوص مردم منطقه زنده است، منتهی عراق به‌جای این‌که از کارهای فضاحت‌بار و ابلهانه گذشته‌اش درس بیاموزد دوباره دولت جمهوری اسلامی ایران را مسؤول بمباران تأسیسات نفتی کویتی معرفی کرده است و آمریکا هم به‌استناد اطلاعات واصله از آواکس‌هایش که تاکنون نقشی جز همکاری با آتش‌افروزی‌های مزورانه عراق و اسرائیل نداشته‌اند ادعای عراق را تأیید کرده است. ما ضمن این‌که، این اتهامات را شدیداً رد می‌کنیم، اعلام می‌داریم که اظهارات وزیر خارجه آمریکا مبین توطئه وسیعی است که برای تحریک دولت‌های مرتجع و مزدور منطقه علیه کشور ما در دست اجراست اما امپریالیسم آمریکا باید بداند که با این شعبده‌بازی‌ها نمی‌تواند رژیم عراق را از مهلکه‌ای که خود آمریکا مسؤول آن‌است نجات دهد. ملت آمریکا و همه ملت‌های جهان باید بدانند که افسانه‌ای که وزیر خارجه آمریکا اعلام کرده است برای فروش آواکس‌ها به مزدوران آمریکا در منطقه است.

به‌رحال، این آواکس‌ها به‌دست حکام مرتجع منطقه برسد و یا نرسد این رژیم‌ها نخواهند توانست حتی با کمک مستقیم آمریکا در برابر اراده‌ی ملت‌های خود مقاومت کنند و ما این رژیم‌ها را نصیحت می‌کنیم که عوض اتکا به ابرقدرت‌ها به‌دست خود نزدیک شوند و به اراده مردم برای رهایی احترام بگذارند. پرواضح است که رژیم عراق در واقع همان هدف‌هایی را دنبال می‌کند که صهیونیسم غاصب فلسطین به‌خاطر آن‌ها در منطقه به‌وجود آمده است.

سؤال

بدین ترتیب این‌بار دست امپریالیسم و صهیونیسم؛ یعنی بزرگ‌ترین دشمنان انقلاب

از آستین رژیم عراق بیرون آمده است.

سؤال اساسی ما این است: آیا بدون اجازهی اسرائیل و امپریالیسم آمریکا دولت اردن می‌تواند از بندر عقبه برای عراق اسلحه ارسال دارد؟ آیا بدون اجازه آواکس‌ها در منطقه و چشم فرو بستن عراق، هواپیماهای اسرائیلی می‌توانستند نیروگاه‌های اتمی را در خاک عراق بمباران کنند تا زمینه تبلیغاتی وسیعی به نفع عراق در سراسر کشورهای غربی فراهم سازند؟ آیا اسرائیل می‌توانست بهتر از این در صحنه‌های سیاسی از عراق پشتیبانی نماید؟

چه کسانی بالا فاصله بودجه تجدید بنای این نیروگاه‌ها را در اختیار عراق قرار دادند؟ چرا فرانسه این بار دیر به اسرائیل آمادگی خود را برای ترمیم و تعمیر این نیروگاه‌ها و جبران خسارت‌های عراق اعلام می‌دارد؟ گذشت زمان همان‌طور که ماهیت رژیم آمریکایی شاه را به جهانیان نشان داد این بار نیز روشن خواهد کرد که چگونه رژیم بعثی عراق در جهان اسلام به صمیمی‌ترین یار اسرائیل تبدیل شده است.

شرایط ایران برای پایان جنگ

علی‌رغم جنایات و فجایعی که نمونه‌ای از آن ذکر شد، جمهوری اسلامی ایران، هیأت‌های کنفرانس اسلامی و غیرمتعهدها و سازمان ملل متحد را پذیرا شد ولی متأسفانه رژیم عراق به خواست‌های برحق و مشروع جمهوری اسلامی ایران توجهی ننموده است. این خواست‌ها به‌قرار زیرند:

۱- خروج بی‌قید و شرط کلیه نیروهای متجاوز عراق از اراضی اشغالی ایران.

۲- تشخیص متجاوز و محکوم نمودن آن توسط یک دادگاه صالحه بین‌المللی.

۳- اجرای مفاد عهدنامه‌ی ۱۹۷۵ الجزایر.

۴- پرداخت خسارت به‌کشوری که مورد تجاوز قرار گرفته است.

جای شگفتی است که رژیم عراق در صدد است کنفرانس سران غیرمتعهد را در سال ۱۹۸۲ در بغداد برگزار کند و حال آن‌که خود با تجاوز به یک‌کشور انقلابی اصول اساسی منشور ملل متحد و جنبش غیرمتعهدها را آشکارا نقض نموده و از آن شگفت‌تر آن‌که نماینده‌ی چنین کشوری به‌عنوان رئیس مجمع عمومی سازمان ملل

متحد انتخاب شود.

در حیات سازمان ملل متحد این اولین بار است که نماینده‌ی یک کشور عضو سازمان به کشور دیگری که آن هم عضو می‌باشد علناً تجاوز نموده و نماینده‌ی کشور متجاوز به ریاست مجمع عمومی که مهم‌ترین رکن سازمان ملل متحد می‌باشد، انتخاب گردیده است.

دولت عراق در ظرف ۱۲ ماه گذشته اصول و مقاصد ملل متحد مندرج در مقدمه منشور را علناً نقض نموده. ماده‌ی ۶، از منشور تصریح می‌کند که هریک از اعضای ملل متحد که در تخلف از اصول مندرج در این منشور اصرار ورزد ممکن است بنا بر توصیه‌ی شورای امنیت و تصویب مجمع عمومی از عضویت سازمان ملل اخراج گردد. علی‌رغم مفاد این ماده عراق نه تنها از سازمان ملل اخراج نشده بلکه به ریاست مجمع عمومی نیز انتخاب شده است که نوعی حمایت و تشویق مستقیم متجاوز است. بی‌تردید، در آینده هم دولت‌هایی که اصول و موازین حقوقی سازمان ملل را موافق و همراه با مقاصد نامشروع خود بیابند، در نقض و زیرپا گذاشتن این اصول تردیدی به خود راه نخواهند داد. همان‌طور که تاکنون چنین بوده است دولت جمهوری اسلامی ایران سکوت جامعه‌ی بین‌المللی را در برابر تجاوز آشکار دولت بعث عراق بی‌تفاوتی نسبت به استقلال و تمامیت خود تلقی نموده و آنرا تهدیدی بزرگ برای صلح جهانی می‌داند. در این جا می‌خواهم که توجه نمایندگان محترم را به دیگر آثار شوم عراق به ایران معطوف بنمایم.

۱ - دادن بهانه به آمریکا جهت اعزام ناوگان جنگی و حضور فعال نظامی در منطقه و تهدید امنیت کشورهای منطقه و تشکیل نیروهای چندملیتی واکنش سریع.

۲ - ضربه زدن به وحدت کشورهای اسلامی و خدمت به اذامه‌ی تجاوزات اسرائیل غاصب علیه سرزمین‌های اسلامی و اعراب.

۳ - انحراف توجه جهان اسلام از مسأله‌ی فلسطین به مسایل دیگر و سعی در منحرف کردن مبارزات ملل مسلمان علیه امپریالیسم و صهیونیسم.

۴ - ناپودی منابع عظیم مادی و انسانی دو ملت مسلمان ایران و عراق و تهدید سایر منابع کشورهای منطقه.

نمایندگان محترم! از آن جا که منطقه‌ی خلیج فارس یکی از حساس‌ترین راه‌های آبی

بین‌المللی است، دولت جمهوری اسلامی ایران با قدرت کامل مراقب سلامت عبور و مرور بلامزاحمت کلیدی کشتی‌هایی است که کالاهای غیرنظامی حمل می‌نماید. جمهوری اسلامی ایران به سهم خود حق عبور و مرور آزادانه و بی‌ضرر کشتی‌ها را در این منطقه حساس آبی تضمین می‌نماید. مع الوصف اجازه نخواهد داد کشتی‌ها محموله‌ی جنگی برای عراق حمل نمایند، چون آنرا نقض اصول بی‌طرفی نسبت به‌دول متخاصم می‌داند و ناگزیر است برای عدم تشویق عراق به استمرار جنگ، این‌گونه محموله‌های نظامی را ضبط و کشتی‌های حامل آنرا به مقاصد خود هدایت نماید.

نمایندگان محترم!

امت مسلمان ایران، توطئه‌های امپریالیسم بر علیه کشور جمهوری اسلامی ایران و دیگر ملل مسلمان جهان را با مسأله صهیونیسم آمیخته می‌داند و اگرچه ممکن است بعضی از کشورهای ارتجاعی و وابسته به آمریکا تجاهل کنند.

سرکوبی ملت‌های ستمدیده

ولی یک میلیارد مسلمان جهان به‌عیان ملاحظه می‌کنند که مسأله‌ی صهیونیسم از امپریالیسم آمریکا جدایی‌ناپذیر است. زور زرادخانه‌های آمریکایی و صهیونیستی و توطئه‌های گسترده آنان و توافق این دو کشور در زمینه‌ی همکاری‌های استراتژیک جهت سرکوبی ملت‌های ستمدیده عزم ما را برای مبارزه هر لحظه محکم‌تر می‌کند و ما هم‌چنان که بارها اعلام کرده‌ایم همراه برادران سوری و لبنانی و فلسطینی آماده‌ی بازپس گرفتن تمام سرزمین‌های اشغال‌شده توسط رژیم صهیونیستی هستیم. ما بر منطق زور و سرنیزه در کشور خود با مشت‌های برافراشته‌مان غلبه کردیم و در صحنه‌ی بین‌المللی یک میلیارد مسلمان بالاخره چنین خواهند کرد.

رهبر کبیر انقلاب اسلامی ما امام خمینی گفته است: این قرن، قرن پیروزی مستضعفین بر مستکبرین است و ملت ما به‌عنوان جزئی از امت بزرگ یک میلیاردی مسلمان براین باور است و طبق آن حرکت می‌کند. از دیدگاه ما، رفع تجاوز و اعاده‌ی کامل حقوق مردم فلسطین یک‌وظیفه مذهبی تلقی می‌شود و اعتقاد داریم که معضل اصلی خاورمیانه جز به‌دست مسلمانان حل نخواهد شد و نعره‌های شوونیستی و

بازی‌های سیاسی شرق و غرب قادر به حل شرافتمندانه و عادلانه آن نخواهد بود. به همین جهت دولت جمهوری اسلامی ایران اندیشه تشکیل جبهه اسلامی علیه صهیونیسم و امپریالیسم را مطرح نموده و امیدوار است که در آینده‌ی نزدیک مراحل عملی تشکیل این جبهه تحقق پذیرد.

دولت جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم جنگ با نیروهای متجاوز عراق و تلاش برای طرد آنان از خاک خود هرگز از وظایف اسلامی خویش در قبال مسأله‌ی فلسطین و خاورمیانه به‌طور اعم غافل نبوده و نخواهد بود.

مسأله‌ی خاورمیانه

ما با تمام امکانات در برابر تجاوزات رژیم صهیونیسم علیه ملت‌های برادر سوریه، فلسطین و لبنان ایستاده و خواهیم ایستاد و بدون هیچ‌گونه تعصب نژادی و یا ضدیت با قوم یهود اعلام می‌کنیم صهیونیسم به‌عنوان یک حرکت سیاسی مبتنی بر نژادپرستی و توسعه‌طلبی که رسالت آسمانی حضرت موسی علیه السلام را پوشش جنایات خود قرار داده از دیدگاه ملل آزادپنخواه جهان مردود و غیرقابل تحمل است.

نمایندگان محترم! خانم‌ها و آقایان!

من در این‌جا لازم می‌بینم نظر دولت متبوع خود را در مورد طرحی که اخیراً برای حل مسأله‌ی خاورمیانه ارائه شده و ما آن‌را طرح کمپ دیوید دوم می‌دانیم اعلام کنم این طرح به‌ظاهر جدید که برای به‌اصطلاح آزادی ساحل عربی رود اردن و نوار غزه تهیه شده و متضمن به‌رسمیت شناختن اشغال‌کننده‌ی فلسطین است از نظر ما مردود است و صریحاً تأکید می‌کنم که هدف این طرح که به‌توصیه آمریکا تهیه شده، ادامه تجاوزات آمریکا و به‌سازش‌کشاندن مقاومت فلسطین و مسلمانان جهان است و ملل مسلمان نمی‌توانند در مقابله با توطئه‌ای به این‌وسعت بی‌تفاوت بمانند.

نمایندگان محترم! دولت جمهوری اسلامی ایران اعتقاد دارد تجاوز نظامی یک ابرقدرت به افغانستان و تحمیل رژیمی ناخواسته به مردم آن‌کشور نباید فقط از بُعد نقض استقلال و تمامیت ارضی ملت مستضعف افغانستان مدنظر قرارگیرد، زیرا چنین تجاوزی حیثیت انسانی، آداب و سنن و فرهنگ و مهم‌تر از همه ایمان و باورهای مذهبی آن‌مردم را زیرپا گذاشته است. جمهوری اسلامی ایران به‌خاطر فرهنگ، زبان،

سنن، تاریخ و در رأس آن‌ها دین مشترک اسلام با مردم ستمدیده‌ی افغانستان نمی‌تواند در برابر این تجاوز سکوت اختیار نماید.

بهانه‌ی حضور آمریکا در منطقه خاورمیانه

و از همین جاست که جمهوری اسلامی ایران نخستین کشوری بود که تجاوز نظامی اتحاد جماهیر شوروی به خاک افغانستان را محکوم نمود و خواستار خروج فوری و بدون قید و شرط قوای نظامی اشغالگر از خاک افغانستان شد. با کمال تأسف باید اعلام نمود آمریکا حضور گسترده خود را در اقیانوس هند و بعضی از کشورهای ارتجاعی به علت حضور شوروی در افغانستان قلمداد می‌نماید.

ما یقین داریم خروج نیروهای شوروی از افغانستان نه تنها بهانه حضور آمریکا را در منطقه از دست او خواهد گرفت بلکه باعث خواهد گشت عروسک‌های آمریکایی طرفدار اسرائیل نیز در منطقه وسیله‌ی عوام‌فریبی خود را تحت عنوان خطر کمونیسم از دست بدهند. اگر واقعاً دولت شوروی یک دولت ضدامپریالیسم می‌باشد نباید خود با دست خود وسیله‌ی گسترش نفوذ امپریالیسم را در منطقه فراهم آورد. اگر شوروی حضور آمریکا در اقیانوس هند را خطری برای خود می‌پندارد باید بداند که تنها وجود یک دولتی متکی به مردم و اسلامی و ضدآمریکایی در افغانستان می‌تواند این خطر را کاهش دهد و در درازمدت از بین ببرد.

دولت جمهوری اسلامی ایران یگانه راه حل مسأله افغانستان را خروج قوای نظامی اشغالگر خارجی از آن کشور و شناسایی حق تعیین سرنوشت مردم افغانستان به دست خودشان می‌دانند و در این رابطه هر نوع مذاکره‌ای را که در آن نمایندگان واقعی مردم افغانستان کنار گذارده شوند مردود می‌شمرد.

رقابت ابرقدرت‌ها

نمایندگان محترم!

دولت جمهوری اسلامی ایران خواستار تبدیل اقیانوس هند به یک منطقه صلح و عاری از هرگونه سلاح‌های هسته‌ای و حضور ابرقدرت‌ها بوده و معتقد است حضور نظامی و پایگاه‌های نظامی نیروهای بزرگ در اقیانوس هند صلح کشورهای ساحلی

را به خطر انداخته و امکان دخالت و سلطه‌جویی و توطئه‌چینی مداوم آن‌ها را در امور داخلی کشورهای منطقه فراهم ساخته و افزایش می‌دهد. کما این‌که ایجاد نیروهای ضربتی آمریکا در منطقه‌ی اقیانوس هند و خلیج فارس باعث تشنج در منطقه گردیده و ملاً باعث رقابت ابرقدرت‌ها و بحرانی‌شدن اوضاع منطقه خواهد شد.

ایران موضوع اقیانوس هند را از مسایل مربوط به کشورهای ساحلی دانسته و مخالف با مداخله ابرقدرت‌ها در این منطقه است و معتقد است منافع و بهره‌برداری از منابع بستر اقیانوس مزبور باید صرف توسعه اقتصادی و بهبود زندگی کشورهای ساحلی و حوزه‌ی اقیانوس هند گردد.

ایران از قطعنامه‌ی سازمان ملل متحد مبنی بر تبدیل اقیانوس هند به یک منطقه صلح پشتیبانی می‌نماید، و عقیده دارد اجرای سریع و کامل قطعنامه مزبور مانع از رقابت ابرقدرت‌ها در این اقیانوس و ایجاد تشنج بیشتر خواهد شد.

نمایندگان محترم!

امروز ما در جهان، روز به روز با استفاده بیشتر از نیروهای نظامی که رو به سرعت فزاینده‌ی مسابقه تسلیحاتی است رو به رو هستیم. زرادخانه‌های هسته‌ای دو ابرقدرت و همچنین قدرت‌های امپریالیستی دیگر روز به روز گسترده‌تر و پیچیده‌تر می‌شود و این گستردگی نه تنها در زمینه‌ی سلاح‌های استراتژیک و اتمی بلکه در مورد سلاح‌های متعارف نیز روزافزون می‌گردد و به نحوی که ملت‌های محروم ستمدیده نیز برای تأمین امنیت خود ناگزیر هرچه بیشتر به نیروهای نظامی روی آورند.

فریاد اعتراض علیه سلاح‌های مخرب

منابع و ثروت‌هایی که بایستی در جهت رفاه و تعالی مردم رنج‌کشیده و گرسنه جهان به کار گرفته شود، صرف تقویت نیروهای نظامی و جنگ‌افزارهایی می‌کنند که عاقبت‌الامر منافع آن نصیب ابرقدرت‌ها می‌شود. توسعه و گسترش سلاح‌های هسته‌ای و افزایش کشورهایهایی که روز به روز امکان بیشتری برای دستیابی به این‌گونه سلاح‌های مخرب و ضدانسانی را کسب می‌کنند، جامعه بشری را در لبه‌ی

پرتگاه مخوفی قرار داده است که هرچه زودتر بایستی برای آن چاره‌ای اندیشید. باوجود تمام مصایبی که در اثر مسابقه تسلیحاتی ابرقدرت‌ها بر جهان تحمیل شده باکمال تأسف اخباری مبنی بر تصمیم آمریکای جهانخوار در زمینه تولید بمب نوترونی به گوش می‌رسد. غیرانسانی بودن این سلاح بر کسی پوشیده نیست و نشانگر ماهیت و خصلت جنایتکارانه گرداندگان آمریکا است و امروز بر کلیه ملت‌های صلح‌دوست جهان و در درجه اول بر ملت آمریکا فرض است که فریاد اعتراض خود را بر علیه تولید این سلاح مخرب بلند کنند.

نمایندگان محترم!

دولت آمریکا با این منطق که منطقه خلیج فارس دارای منافع حیاتی برای آمریکا و کشورهای غربی می‌باشد خود را به حق می‌داند که برای تأمین این منافع دست به هرگونه اقدام تجاوزکارانه علیه کشورها و مردم مستضعف این منطقه بزند.

هدف‌های غیرمردمی آمریکا

این کشور به بهانه‌ی دفاع از منافع خویش سعی دارد به هر وسیله‌ای تلاش مردم مسلمان کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس را برای خارج شدن از زیر سلطه قدرت‌های امپریالیستی و به دست گرفتن سرنوشت خویش خنثی و هرگونه حرکت استقلال طلبانه خلق‌های تحت ستم این منطقه را سرکوب نماید. به اعتقاد جمهوری اسلامی ایران برنامه تشکیل نیروی واکنش سریع که در این اواخر با سرعت به مرحله‌ی اجرا درآمده است، یکی دیگر از اقدامات آمریکا در جهت تأمین هدف غیرمردمی خود در این منطقه می‌باشد. تردیدی نیست دلایلی که برای تجهیز و تشکیل این نیرو از طرف دولت آمریکا و هم‌پیمانانش ارائه گردیده است به هیچ وجه قابل قبول نبوده و صرفاً در جهت توجیه مقاصد استعماری آمریکا و هم‌دستان او در منطقه می‌باشد. به همین جهت جمهوری اسلامی ایران تشکیل این نیرو را چیزی جز یک توطئه و اقدام مسلحانه علیه مردم مسلمان و کشورهای اسلامی منطقه نمی‌داند و باید متأسفانه اضافه نمایم که در این مسیر بعضی از دولت‌های غیرمردمی منطقه نیز با این سیاست تجاوزکارانه هماهنگی و انطباق فکری نشان می‌دهند. همان‌طور که همگان می‌دانند و به تجربه ثابت شده است چنین اقداماتی نه تنها کمکی به استقرار صلح در منطقه و

نتیجتاً صلح جهانی نخواهد نمود بلکه موجب تشدید جوّ تشنج و خشونت نیز می‌گردد و بهانه به قدرت‌های دیگر می‌دهد که اقدامات مشابهی به عمل آورند. از این رو است که معتقدیم حضور هرگونه نیروی خارجی که در جهت تأمین منابع استعماری ابرقدرت‌ها اعم از بلوک شرق و یا غرب در منطقه خلیج فارس به‌طور اخص و در اقیانوس هند به‌طور اعم مخل آرامش و ثبات سیاسی منطقه و تهدیدی جدی برای صلح جهانی است و براساس همین امر بوده است که جمهوری اسلامی ایران بارها اعلام نموده، خواهان عدم دخالت و پایان حضور نظامی قدرت‌های خارجی در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند و برچیده‌شدن تمام پایگاه‌های نظامی آن‌ها در این منطقه می‌باشد.^(۱)

کاندیداهای ائتلاف بزرگ به مجلس راه یافتند.

خانم عاتقه صدیقی، آقای سیدرضا زواره‌ای و آقای حسین کمالی از سوی مردم شهرستان تهران، به‌عنوان نمایندگان میان‌دوره‌ای مجلس شورای اسلامی، انتخاب شدند.

مصطفی تهرانی فرماندار تهران در گفت‌وگویی ضمن اعلام پایان کار شمارش آرای انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس شورای اسلامی در شهرستان تهران گفت: جمعاً دو میلیون و ۱۱۶ هزار و ۲۵۸ نفر در دو هزار حوزه‌ی رأی‌گیری در سطح شهرستان تهران شرکت کرده و به‌کاندیداهای مورد نظر خود رأی دادند.

فرماندار تهران میزان آرای ۱۶ نفر از کاندیداهای میان‌دوره‌ای مجلس در شهرستان تهران را به‌این شرح اعلام کرد:

۱ - خانم عاتقه صدیقی (رجایی)، یک‌میلیون و ۸۴۲ هزار و ۷۴۶ رأی.

۲ - سیدرضا زواره‌ای، یک‌میلیون و ۷۲۵ هزار و ۲۱۰ رأی.

۳ - حسین کمالی، یک‌میلیون و ۶۵۶ هزار و ۴۱۹ رأی.

۴ - خانم منصوره اخوان، ۵۹/۱۷۰ رأی.

۵ - علی مهاجرانی، ۵۸۷۲۵ رأی.

۶ - علی سهرابی، ۵۸/۱۰۳ رأی.

۷ - زهرا پورحقوقی، ۳۰/۹۳۲ رأی.

۸ - سیداصغر خرم، ۲۹/۶۳۵ رأی.

۹ - سیدابوالقاسم حزاوه‌ای، ۲۶/۹۷۷ رأی.

۱۰ - اصغر جمالی فرد، ۲۳/۴۵۹ رأی.

۱۱ - عبدالله لرزاده، ۱۵/۹۱۴ رأی.

۱۲ - فخری اسدشوستری، ۱۲/۶۰۷ رأی.

۱۳ - بنی شوکت پورلطفی، ۱۱/۶۶۲ رأی.

۱۴ - موسی خیرحبیب‌الهی، ۱۱/۰۱۳ رأی.

۱۵ - اشکابوس سعدلو، ۱۰/۰۴۱ رأی.

۱۶ - فرامرز قدردان حصاری، ۳/۸۰۰ رأی.

ضمناً در این انتخابات ۱۲۰/۹۰۷ برگ آرای باطله اعلام شد که در بین آرای باطله،

۹۸۹ برگ رأی به نام افراد متفرقه، ۴۴/۷۹۷ برگ رأی سفید و بقیه مخدوش بوده است.

آقای تهرانی هم چنین گفت: از تاریخ این خبر به مدت دو روز ساکنان شهرستان تهران

می‌توانند در صورت داشتن شکایت مراتب را به ستاد انتخاباتی مستقر در فرمانداری تهران

اعلام دارند.^(۱)

گزارش مشکلات جنگ به حضرت امام از زبان آیت الله منتظری

س - گویا در مراحل مختلف جنگ به ویژه در سال های آخر عده ی زیادی از دست اندرکاران امر جنگ از طریق حضرت عالی بن بست ها و مشکلات پیچیده ی جنگ را با حضرت امام (رضوان الله علیه) مطرح می کردند، لطفاً اگر خاطره ای در این زمینه دارید، بفرمایید.

ج - اجمالاً در آن اوایل آقای خامنه ای با این که رئیس جمهور بود، ولی کمتر در جریان مسایل جنگ بود، بیشتر آقای هاشمی در امور جنگ دخالت می کرد، مثلاً آقای محسن رضایی از جبهه به آقای هاشمی تلفن می کرد. آقای هاشمی هم دستور می داد که فلان کار را بکنید یا فلان جا بروید، حالا یا امام این اختیارات را به آقای هاشمی داده بودند یا این که آقای هاشمی خودش کارها را به دست می گرفت، نمی دانم. من در چند جلسه ای که در بحران های جنگ در تهران بودم گاهی راجع به بعضی مسایل تلفن زده می شد، آقای هاشمی خودش تصمیم می گرفت که این کار را بکنید یا نکنید، از طرف دیگر مشکلات و مسایل را چه نیروهای رزمنده و چه فرماندهان آن ها نوعاً به من مراجعه می کردند، من می گفتم: بروید به مسؤولین

بگویند، می گفتند: گفته ایم به حرفمان گوش نداده اند. بعد من همدی این مسایل را جمع می کردم و یک وقت خدمت امام می رسیدم و این مسایل را مطرح می کردم. گاهی بعضی از فرماندهان در کارشان شبهه می کردند و می گفتند: ما داریم زمینهای کشته شدن بعضی از این جوانها را فراهم می کنیم، فرماندهی قوی نیست، برنامه ریزیها قوی نیست، برنامه هایمان لو می رود، خیلی از برنامه هایی که تنظیم شده بود، لو رفت و بچه های مردم شهید شدند، من این چیزها را به امام منتقل می کردم، فرماندهی جنگ خیلی خوب نبود، ارتش و سپاه با هم اختلافهایی داشتند و زیر بار هم نمی رفتند، سپاه می خواست ارتش را یدک بکشد، ارتش هم می خواست زیر بار سپاه نرود، نیروهای سطح پایین و متوسط سپاه هم از دست بعضی مسؤولینشان گله داشتند، مثلاً یک روز چهل نفر از اینها آمدند منزل ما و اشکالاتی داشتند که اشکالاتشان هم وارد بود، از امام هم وقت گرفته بودند که خدمت ایشان بروند، اما مخالفان آنها این وقت را لغو کرده بودند، با این که از طرف امام به آنها قول داده شده بود ولی به آنها اجازه نمی دادند بروند حرفشان را بزنند، بعد اینها بازگشتند رفتند به جبهه و خیلی از آنها شهید شدند، دل پرخونی داشتند از بی برنامه گی ها، از خط بازیها و مشکلات دیگری که وجود داشت؛ در همان نامه ای که من به امام نوشتم قسمتی از آن این بود:

«اشکال مهم این است که کارهای اساسی کشور خلاصه شده در چند نفر با مشاغل و گرفتاری های زیادی که دارند، و ای کاش کارهای مهم را به افراد قوی و اهل، محول می کردند... ۵ - بالاخره فعلاً مسأله ی جنگ تحمیلی مهم ترین مسأله است و من مطلعم که بین ارتش و سپاه هماهنگی وجود ندارد و هیچ یک زیر بار فرماندهی دیگری نمی رود و یکدیگر را قبول ندارند و فعلاً اثر موعظه و نصیحت هم موقت است، و جنگ بیش از هر چیز نیاز به فرماندهی واحدی که مورد پذیرش باشد دارد و الا تلفات زیاد و بازده بسیار کم خواهد بود، به نظر می رسد چون آقای خامنه ای تا اندازه ای از وضع جنگ و جبهه و ارتش با اطلاع است چه مانعی دارد فرماندهی حملات را ایشان عهده دار شوند، و چنانچه بهی صدر مدتی در جبهه بود ایشان هم در وقت حملات کارهای تشریفاتی را رها و با رعایت تسر و احتیاط در جبهه باشند و مستقیماً نظارت و فرماندهی کنند و بلکه در آنجا با مشاهده ی اوضاع از نزدیک بتوانند بسیاری از مشکلات را نیز حل نمایند، قدرت فرماندهی ایشان از آقای

هاشمی بیشتر است، باشد خداوند تبارک و تعالی کمک کند و پیروزی را نصیب لشکر اسلام نماید، ان شاء الله تعالی.»

در آن وقت صدام خودش می آمد در جبهه، فرماندهی می کرد، اما ما فرماندهی نداشتیم، با تلفن می خواستند کارها را حل کنند، از جبهه تلفن می زدند به آقای هاشمی و ایشان هم گاهی با تلفن می خواستند جنگ را فرماندهی کنند! من در ادامه ی این نامه این مطلب را هم نوشته بودم که:

در حال حاضر شاید راهی جز تحمل وضع دلخراش موجود نباشد ولی اگر دو سال قبل با وسعت نظر به تذکرات و درددل فرماندهان متعهد و رزمندگان عزیز که متأسفانه اکثر آنان با دلی پر درد به شهادت رسیدند، توجه شده بود فرصت ها از دست نمی رفت و امروز راه های پیشرفت بر ما مسدود نمی شد، ولی چه کنیم که غرور بعضی مسؤولین بالا و بی اعتنایی آنان به نظرات دیگران کار را به این جا رساند، از حدود دو سال پیش تا حالا بسیاری از افراد مخلص ارتش و سپاه و نمایندگان مجلس و افراد روشن و بصیر و متعهد نسبت به تحولات سپاه و ارتش و روش جنگ و اشکالات کار گفتند و نوشتند که از حد خارج بود و ممکن بود که از افکار آنان استفاده کرد ولی کسی به آنان توجه نکرد و نتوانستند درد خود را که از نزدیک در جبهه ها مشاهده کرده یا از زبان فرماندهان بالا و پایین شنیده بودند به اطلاع حضرت عالی برسانند، و هروقت تصمیمی می گرفتند مسؤولین که حیثیت خود را نزد حضرت عالی و مردم در مخاطره می دیدند، جو ی می ساختند که آنان موفق نشوند، و گذشت آن چه گذشت و باز هم می گذرد.

دو نامه ی مختصر ضمیمه، نمونه ی کوچک از نامه های زیادی است که بعد از هر حمله و شکستی، فرماندهان رده ی دو و سه جبهه ها به این جانب می نویسند و با نگرانی شدید و شک در مشروعیت کار خود به این جانب مراجعه می کنند، و من آنچه توانستم با صحبت های خصوصی و عمومی خطاها و اشتباهات و سهل انگاری های آقایان و فرماندهان بالا را توجیه کرده ام، ولی هنگامی که می گویند واقعیات تلخ و سهل انگاری ها را عیناً برای آقایان گفته ام و تذکر داده ایم، ولی توجه نکرده اند یا این که گناهان را به گردن یکدیگر انداخته اند در این صورت چه باید کرد، و در جواب آنان چه باید گفت؟ وقتی که بعضی از افراد سابقه دار و متعهد از مسؤولین

سپاه می آیند و می گویند به داد سپاه برسید که سپاه در حال انفجار است، جواب آنان چیست؟

... معمولاً بعد از هر شکستی که بالاخره همه می فهمند، به جای بررسی دقیق شرایط و عوامل آن و استفاده از تمام نظریات و انتقادات فرماندهان جزء و رزمندگانی که شاهد قضا یا مصائب بوده اند، یک سری خلاف واقع ها و پیروزی های خیالی و تهدیدهای توخالی در رسانه های گروهی و نماز جمعه ها تحویل خلق الله داده می شود که باعث تعجب حاضرین در جبهه ها می شود، و تمام قصورات و تقصیرات زیر پوشش تبلیغات قرار می گیرد و افراد مقصر یا خاطی هیچ گونه احساس ترس یا نگرانی نمی کنند و یا به گردن یکدیگر می اندازند و مرتباً خطا روی خطا و شکست روی شکست نصیب انقلاب و مردم می شود.»

مثلاً در یک عملیات، صدام گفته بود: ما چهار هزار ایرانی راکشته ایم، بعد در رادیو تلویزیون ما گفتند: اصلاً ما چهار هزار نفر بیشتر نیرو در آن قسمت نداشته ایم، اتفاقاً همین مطلب را به امام گزارش داده بودند و ایشان در سخنرانی خود گفته بودند که صدام ادعا کرده که ما چهار هزار نفر از ایرانی ها راکشته ایم در حالی که ما اصلاً چهار هزار نفر در آن منطقه نیرو نداشته ایم! بعد از خود جبهه - از بعضی فرماندهان و کسانی که حضور داشتند - آمدند به من گفتند: «این مطلب خلاف واقع است، ما هفتاد هشتاد هزار نفر نیرو در آن قسمت داشته ایم و چهار هزار نفر از آن ها شهید شده اند»؛ من دیدم این مسأله در روحیه ی بعضی از نیروها اثر خیلی بدی داشته است، لذا رفتم تهران و به امام گفتم: «آقا این گزارش ها را بدون تحقیق نگویند، شما می فرمایید ما چهار هزار نفر بیشتر نیرو نداشته ایم در حالی که این مطلب خلاف واقع است.»، ایشان گفتند: «بله معلوم می شود این ها گزارش غلط به من داده اند.»

نمونه ی دیگر این که وقتی نیروها را از فاو بیرون کشیدند، فرستادند طرف حلبچه، نتیجه ی کار این شد که فاو خالی شد و صدام آمد به راحتی فاو را گرفت، بعد به شلمچه حمله کرد و چندین هزار نیرو را هم در آنجا از بین برد. تصرف حلبچه کار خوبی نبود و باعث شد که صدام به آنجا حمله کند و مردم آنجا را با شیمیایی قتل عام نماید. چنانکه گفته شد حدود پنج هزار نفر از مردم محلی در حلبچه کشته شدند، و من در آن هنگام برای همدردی با آنان یک مجلس سوگواری به نام شهدای حلبچه در مسجد اعظم قم تشکیل دادم و از همه ی طبقات

و حتی از دفتر مرحوم امام در آن شرکت کردند. اصلاً خالی کردن فاو و فرستادن نیروها به حلبچه کار پخته‌ای نبود، و بیشتر از همه قضیه‌ی انتخابات قضایا رالو داد، در همان وقت انتخابات بود، در رسانه‌ها اعلام کردند که فاو هزار و هفتصد نفر رأی داشته، و پیدا بود که این نیروهایی که در فاو هستند همه رأی می‌دهند و این اعلام لو داد که در فاو، هزار و هفتصد نفر نیرو بیشتر نیست و باعث شد که صدام حمله کرد و فاو را گرفت، بعد آمد به شلمچه هم حمله کرد و دوباره تا نزدیکی اهواز آمد، ما میلیاردها تومان در فاو خرج کرده بودیم که همه به دست صدام افتاد؛ من در خاتمه‌ی آن نامه نوشتم:

«... در خاتمه با کمال معذرت از اطالهی کلام به عرض می‌رساند در اثر حساسیت وضع فعلی و پیچیدگی مسایل کشور و انقلاب و بالاتر از همه مشکلات جهان اسلام و مسلمین از یک طرف و از طرف دیگر کثرت توقعات و انتظارات جهان اسلام از حضرت عالی، سران سه قوه‌ی کشور هم کارشان زیاد است و هم در برخی مسایل تخصص ندارند و نمی‌شود همه‌ی امور به آقایان محول باشد، می‌گویند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ده نفر مشاور از قبایل مختلف داشتند، لذا بسیار مناسب است ده نفر از صاحبان فکر و بصیرت در زمینه‌ی مسایل مختلف از جنگ و اقتصاد و سیاست با رعایت تعهد، به تدریج شناسایی و انتخاب شوند، ضمناً یکی دو نفر از کسانی که به انقلاب و اسلام اعتقاد دارند و از جهاتی مخالف خوانی می‌کنند در میان آنان باشند تا افکار در اثر برخورد، پخته شود و سعی شود از افراد غیر شاغل فارغ‌البدل که فرصت بحث و فکر داشته باشند، انتخاب شوند و کار آنان فقط فکر در مسایل کشور و ارایه‌ی طرح و خطوط کلی در زمینه‌ی مسایل اجرایی باشد.»

علی‌ای حال، در آن وقت اشکال مهم این بود که صدام در هر حمله‌ای، اتاق جنگ داشت و افسران عالی‌رتبه حضور فعال داشتند و خودش هم می‌آمد در جبهه، ولی در کشور ما مسایل با تلفن می‌خواست حل شود، آقای خامنه‌ای که رئیس‌جمهور بود، چندان در مسایل جنگ دخالت نداشت، آقای میرحسین موسوی نخست‌وزیر هم عملاً صاحب رأی نبود و هرچه می‌گفتند باید انجام می‌داد، عملاً آقای هاشمی و احمدآقا، هرچه تصمیم می‌گرفتند عملی می‌شد، حتی گاهی آقای موسوی نخست‌وزیر از سوی خودش کاری می‌کرد آن‌ها به او تشر می‌رفتند. گاهی اوقات که ارتش و سپاه با هم درگیر بودند یا فرمانی می‌آمد که آمادگی اجرای

آن را نداشتند یا به نظر آن‌ها درست نبود، افراد سپاه و ارتش به من متوسل می‌شدند؛ مثلاً یکی از فرماندهان سپاه در همان بحران از شلمچه به من تلفن کرد که ما در فاو شکست خورده‌ایم، به ما می‌گویند در شلمچه عمل کنید، ما امکانات نداریم، این جا هم شکست می‌خوریم، شما به تهران بگویید؛ اتفاقاً در شلمچه هم عمل کردند و شکست خوردند، منظور این که این جور چیزها را به من می‌گفتند من هم گاهی خودم اقدام می‌کردم و به بیت امام و مسؤولین منتقل می‌کردم و گاهی می‌گفتم خودتان با مسؤولین مطرح کنید.

س - راجع به این مسایل، حضرت عالی مکاتبه می‌کردید یا این که خدمت امام می‌رفتید و مسایل را مطرح می‌کردید؟

ج - راجع به این مسایل هم خدمت امام می‌رفتم و از نزدیک مسایل را می‌گفتم و هم نامه می‌نوشتم.

س - آیا این مسایل به غیر از امام به بقیه‌ی مسؤولین هم منعکس می‌شد؟

ج - سران کشور خودشان در تهران جلساتی داشتند ولی با من یک ماه یا دو ماه یک بار جلسه داشتند که بعضی وقت‌ها آن‌ها به قم می‌آمدند و بعضی وقت‌ها که جلسه پیش امام و در منزل ایشان تشکیل می‌شد من به تهران می‌رفتم و در آن جلسات این مسایل را مطرح می‌کردم.^(۱)

گفت‌وگویی اختصاصی کیهان با آیت‌الله ربانی املشی نظرات دادستان کل کشور درباره‌ی سقوط هواپیمای نظامی، مجازات‌ها و دستگاه‌های قضایی و امنیتی

آیت‌الله ربانی املشی دادستان کل کشور در یک مصاحبه‌ی اختصاصی با کیهان نظر خود را پیرامون سقوط هواپیمای سی ۱۳۰، محاکمات و اعدام گروه‌های مسلح ضدانقلاب، تبلیغات غربی‌ها، انتخابات شورای عالی قضایی و... اظهار داشت.

وی در ابتدا در مورد نتایج بررسی‌ها و تحقیقات پیرامون سقوط هواپیمای سی - ۱۳۰ گفت: در مورد هواپیمای سی - ۱۳۰ بیشتر احتمال سقوط طبیعی می‌رفت و کمتر احتمال می‌دادیم که به‌وسیله‌ی بمب منفجر شده باشد، زیرا بمب‌گذار هرگز ساعت انفجار را طوری قرار نمی‌دهد که چند دقیقه به‌رسیدن مقصد مانده باشد، زیرا ممکن است هواپیما با قدری سرعت بیشتر، زودتر هم برسد در نتیجه تحقیقاتی هم که تا به‌حال از طرف کارشناسان انجام گرفته احتمال خرابکاری خیلی کم است و بیشتر احتمال در مورد سقوط طبیعی است. دلیل بر مطلب این‌است که می‌دانیم انفجارهایی که به‌وسیله‌ی خرابکاری انجام می‌گیرد، معمولاً اوایل پرواز هست و هیچ‌وقت انفجار را طوری قرار نمی‌دهند که موقع رسیدن، انفجار

انجام بگیرد.

دادستان کل کشور در مورد اظهارات خبرگزاری‌ها و نشریات خارجی درباره‌ی زندان‌ها و اعدام افراد و اشخاص بدون جرم و فقط داشتن عقیده‌ای نسبت به یک سازمان گفت: نماینده‌ی سازمان حقوق بشر در ملاقاتی که با من داشت از وضعیت زندان‌ها اظهار نگرانی کرد و از من تقاضای بازدید از زندان‌ها را می‌کرد. من از ایشان پرسیدم که آیا حدود و تعزیراتی را که ما در اسلام داریم شما جزو شکنجه می‌دانید که پاسخ داده شد: اگر براساس موازین و به‌دستور دادگاه باشد ما این‌ها را شکنجه نمی‌دانیم. من در پاسخ گفتم که اگر این‌طور باشد مطمئن باشید در ایران شکنجه نیست. ما نه به‌خاطر سازمان حقوق بشر و یا سازمان‌های دیگر و یا شرق و غرب که از ما خوششان بیاید شکنجه نمی‌کنیم بلکه به‌خاطر خدا از حدود اسلام تجاوز نمی‌کنیم. من یکی دوبار که شنیدم از حدود تجاوز شده رسیدگی کرده‌ام ولی ما تعزیرات را در اسلام جزو شکنجه نمی‌دانیم و این‌ها را حدود الهی می‌دانیم. اسلام به‌ما اجازه داده که زانی و زانیه را شلاق بزنیم. شرابخوار را شلاق بزنیم و این‌ها حدود معینی دارد و کسی نباید از آن تجاوز کند.

حتی یک‌بار در زمان شهید قدوسی در یکی از زندان‌ها خلافی انجام شده بود، دستور داده شد که آن‌کسی که این‌خلاف را انجام داده بود، عیناً نسبت به او عمل بشود و دیگر هرگز کسی از حدود تجاوز نکند. البته دیگران هم که در مراکز مختلف انجام وظیفه می‌کنند، مردان متدین و مسلمان هستند و ما تصور نمی‌کنیم که از حدود تجاوز کنند و اما در مورد سرو صداهایی که مجامع بین‌المللی برای حقوق بشر و غیره می‌کنند تصور نمی‌کنم دیگر برای هیچ ایرانی شک و تردیدی وجود داشته باشد که هدف این‌ها از این سرو صداهای چیست. هر جا که اربابانشان دستور می‌دهند، این‌ها یک‌باره مثل بمب منفجر می‌شوند و هر وقت که ارباب‌هایشان دستور نمی‌دهند آب از آب تکان نمی‌خورد. آیا با وجود این‌مسایل دیگر برای کسی تردیدی پیدا می‌شود که این تبلیغات حساب شده است. اسرائیل این همه فلسطینی‌های بی‌پناه را، لبنان مظلوم را، زیر رگبارها و گلوله‌های توپ قرار داده و بمب‌افکن‌ها بر سر آن‌ها بمب می‌ریزند و هزاران کشته و معلول و مصدوم و مجروح برجای می‌گذارند ولی تا به حال صدای یک نفر از این حقوق بشری‌ها در هیچ‌جای دنیا بلند نشده اما وقتی ما در دادگاه یک نفر

تروریست را محکوم و اعدام می‌کنیم، سرو صدای این‌ها بلند می‌شود که اعدام در ایران بالا رفته است. ما به هر مقدار که جنایتکار و مخالف با استقلال این ملت و مملکت و معاند با اسلام وجود داشته باشد به همان مقدار هم مجازات خواهیم داشت، و هیچ باکی نداریم از این‌که بگوییم ۵۰ تن از محاربین و معاندین با اسلام و مسلمین را اعدام کردیم ما صریح می‌گوییم کسانی که از حدود **﴿تَجَاوَزُوا﴾** تجاوز بکنند و به گفته‌ی **﴿لَا تُحِبُّهُ﴾**، مجازات این‌ها اعدام باشد و گذشت درباره‌ی آن‌ها جایز نباشد، اعدام می‌کنیم.

هفتاد و چند نفر را ابادی رجوی در مرکز حزب جمهوری اسلامی از بین می‌برند و اکنون شاهد هستیم که همین آقا که در رأس تروریست‌ها است زیر پر و بال و محبت و عنایت همان سازمان حقوق بشری‌ها، همان مهد دموکراسی‌ها، همان فرانسه‌ای که گل سرسید دموکراسی و آزادی و آزادمنشی و انسان‌دوستی است! قرار گرفته است. بنی‌صدر و رجوی فرماندهی تروریست‌ها هستند و خیلی فرق است بین ترور و محاکمه در دادگاه. البته در بعضی از کشورها ممکن است مجازات اعدام وجود نداشته باشد ولی ما مجازات اعدام را به گفته‌ی **﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاتٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ﴾** داریم که البته از حدود نباید تجاوز کنیم. البته در همان جاهایی که مجازات اعدام نیست در خیابان‌ها ده‌ها و صدها نفر را به‌رگبار مسلسل می‌بندند و از بین می‌برند و خود را طرفدار حقوق بشر و آزادمنشی و آزادیخواه و دموکرات نشان می‌دهند.

دادستان کل کشور در مورد کار پلیس قضایی گفت: ما افرادی را که برای پلیس قضایی مهیا کرده‌ایم زیر پوشش دیگری غیر از پلیس قضایی استفاده می‌کنیم ولی به‌عنوان پلیس قضایی هنوز مشغول به‌کار نشده‌اند و از نظر قانونی احتیاج به‌تصویب لایحه در مجلس شورای اسلامی دارد.

ربانی املشی در مورد این‌که آیا سران سازمان مجاهدین خلق دستگیر شده‌اند یا نه؟ گفت: «آمار دستگیری آن‌ها بسیار کم است زیرا یک‌دسته‌شان به‌خارج فرار کرده‌اند و دسته‌ای دیگر در داخل کشور برنامه‌ریزی می‌کنند و هیچ‌وقت خود را در معرض خطر قرار نمی‌دهند و نوجوانان کم‌سن و سال را سپر خویش قرار می‌دهند. آنان در خانه نشسته‌اند و فقط دستور می‌دهند. اگر روزی هم کار برایشان مشکل شود از کشور فرار می‌کنند. امیدواریم بتوانیم با

سرنخ‌هایی که به دست آمده، آن‌ها را دستگیر کنیم تا این بچه‌ها و نوجوان‌هایی که فریب آن‌ها را خورده‌اند و خود و دیگران را در معرض خطر انداخته‌اند، از شر اینان نیز راحت کنیم.

در مورد سعادت‌ی که یکی از محورهای اصلی سازمان بود، باید بگوییم: دقایق آخر زندگی در افکارش تجدیدنظری پیدا شده بود و تا حدی از غفلت و گمراهی شدید این سازمان بیرون آمد وی در آخرین لحظات زندگی بعد از محکومیت به مرگ که همه راه‌ها را به سوی خود بسته می‌دید و می‌دانست باید خدا را ملاقات بکند به حقیقت و واقعیتی رسیده بود و به فکر افتاد که قدری بهتر فکر کند و در همان موقع شاید خدا نیز او را هدایت کرده و به همین مقدار خداوند عنایت داشته است که سعادت‌ی با گفتن آن وصیت‌نامه از بار گناهان گذشته‌اش کاسته شود. البته این فکری نبود که قبلاً داشته باشد و ایشان مثل دیگران فکر می‌کرد؛ منتها در درجه‌ی ایثار، یکنواختی وجود ندارد. ان شاء الله با گرفتاری کم و یا اصلاً پاک شده باشد و خدا را ملاقات کرده باشد چون گرفتاری سران آنان خیلی زیاد است و تمام گناه این جوانانی که کشته می‌شوند، همه برگردن سران آنان است.

دادستان کل کشور در پاسخ به این که چگونه باید از نقش رادیوتلوویزیون در روشن کردن اذهان عمومی و افشاگری گروه‌های مسلح بیشتر استفاده کرد؟ اظهار داشت: رادیوتلوویزیون می‌تواند نقش بهتری داشته باشد تا اگر کسی نقاط ابهامی داشته باشد آن‌را مرتفع کند. اما در عین حال تصدیق می‌کنم که ما نه تنها نقص تبلیغات داریم از نظر ترور بلکه از هر جهت نقص تبلیغاتی داریم، حتی برای تولید بیشتر و اقتصاد کشور نیز تبلیغ نداریم شاید تبلیغات بیگانگان نیز بر روی این نقص ما باشد که مطلب برایشان روشن نیست و اگر تبلیغات حتی نسبت به اعدام‌ها در رادیوتلوویزیون ما خوب بود، شاید بیگانگان تا این درجه درباره‌ی ما نمی‌توانستند تبلیغات سوء داشته باشند. البته یک ستادی هم برای تبلیغات نسبت به همین امر تشکیل شده که نسبتاً خوب کار می‌کند. از طرف دیگر، مردم در مجامع بزرگ از دادگاه‌ها قاطعیت بیشتری می‌خواهند و تصور می‌کنند که مسؤولان عفو و اغماض بیش از حد دارند البته ما نیز حتی الامکان سعی می‌کنیم که اعدام‌ها را کم کنیم و اگر کسی کوچک‌ترین قابلیت برای اصلاح داشته باشد، حاضر نیستیم برای او مجازات اعدام را در جایی که اسلام به ما اجازه داده است، اعمال بکنیم.

انتخابات شورای عالی قضایی

ربانی املشی در زمینه‌ی انتخابات شورای عالی قضایی هم‌چنین گفت: این انتخابات به‌زودی انجام می‌گیرد و از طرف ستاد تبلیغات ستاد انتخاباتی شورای عالی قضایی آخرین مرحله قبل از انتخابات انجام می‌گیرد؛ یعنی باید برای افرادی که کاندیدا شده‌اند، نامه بنویسند، تا آمادگی آنان برای شرکت در انتخابات کتباً اعلام شود و این کار سه‌روز بیشتر طول نمی‌کشد و در ظرف این سه‌روز کاندیداها باید آمادگی‌شان را اعلام بکنند و بلافاصله انتخابات انجام می‌شود.

ربانی املشی در مورد کار خود در ستاد انقلاب فرهنگی گفت: حدود هشت‌ماه است که از ستاد انقلاب فرهنگی به‌دلیل این‌که به‌کارهای آن‌جا نمی‌رسیدم، کناره‌گیری کرده‌ام، و این وظایف را بردوش برادران دیگر گذاشته‌ام.

لایحه‌ی قصاص

آیت‌الله ربانی املشی در مورد لایحه‌ی قصاص و این‌که عده‌ای مثلاً معتقدند باید در جامعه ابتدا فقر را از بین برد و سپس دست دزد را قطع کرد، گفت: لایحه از نظر ما تمام شده است و ما آن‌را برای تصویب به مجلس فرستاده‌ایم و از نظر ما حالت غیرمنتظره‌ای وجود ندارد، اما مسأله‌ای که بعضی از این روشنفکران باها اظهار می‌دارند که باید زمینه کاملاً فراهم بشود بعد مجازات‌ها اعمال شود، در این مورد باید بگویم که این تقریباً اعتراضی به پیغمبر اسلام ﷺ است. پیغمبر در مدینه هم این احکام را اجرا می‌کرد. آیا زمانی که پیغمبر این احکام را اجرا می‌کرد از نظر اقتصادی هیچ‌گونه ایراد و اشکالی در جامعه وجود نداشت؟ آیا تمام زمینه‌ها فراهم شده بود؟ این‌طور که این‌ها می‌گویند اصلاً نباید زندانی وجود داشته باشد. آیا در همه‌جای دنیا دزدها بدون مجازات هستند؟ مسلماً نه. ولی مجازات‌ها با هم فرق دارد. ما می‌گوییم زندان مجازات قاطعی برای دزد نیست و طبق اظهارات اینان باید گفت که ما فعلاً تا ایجاد زمینه‌ی اجتماعی، هیچ‌گونه مجازات، قطع ید، قصاص و شلاق زدن نباید داشته باشیم و اصولاً باید به‌دادگستری دستور داده شود که مجرمین را فقط نصیحت و ارشاد کنید اگر بنا، بر این است که تا فراهم شدن چنین زمینه‌ای اجرای مجازات‌های اسلامی را نکنیم،

امکان‌پذیر نیست و ما ناگزیریم که مجازات‌های اسلامی را درباره‌ی مجرمین قبل از فراهم‌شدن زمینه‌ی اجتماعی اجرا بکنیم و اصولاً یک‌قسمت از فراهم‌شدن زمینه‌ی اجتماعی به‌وسیله‌ی همین مجازات‌ها است البته در کنار این مجازات‌ها نصیحت و ارشاد، دلالت و کارایی فرهنگی نیز داریم. در هیچ‌جای دنیا برای رسیدن به‌ارشاد تنها بدون اجرای مجازات‌ها استفاده نکرده‌اند. متتها ما مسلمان و معتقد به ﴿تَلَاك﴾ هستیم و همان مجازات‌های ﴿تَلَاك﴾ را اجرا می‌کنیم.

دادستان کل کشور در زمینه‌ی دگرگونی دادگستری اظهار داشت: در این‌مورد احتیاج به‌قوانینی برای دگرگونی در دادگستری داریم. لویایی را هم در این‌زمینه تنظیم کرده و به‌مجلس فرستاده‌ایم. متأسفانه آن‌لویایی که بشود با آن در دادگستری دگرگونی ایجاد کرد هنوز تصویب نشده و منتظریم وقتی که تصویب و به‌ما ابلاغ شد در اجرای آن هیچ‌گونه کوتاهی و تعلل نکنیم.

ریانی املشی درباره‌ی اقدامات مربوط به‌حفاظت از جان شخصیت‌ها گفت: این مسأله فعلاً از مسؤولیت‌های قوه قضاییه نیست و مسؤولیتش برعهده‌ی قوه مجریه است. آن‌ها تا جایی که در وسع دارند در این‌مورد تلاش می‌کنند، البته تصدیق می‌کنیم که نظم کافی و کامل وجود ندارد ولی سپاه مرتباً به‌ما قول می‌دهد که مشغول نظم هستند و بناست تشکیلات منظمی برای حفاظت از مسؤولین درست کنند.

وی با اشاره به‌سازمان اطلاعاتی افزود: این مسأله نیز از مسؤولیت‌های قوه قضاییه نیست و از مسؤولیت‌های قوه مجریه است و گفته می‌شود که در فکر تشکیل آن هستند. از اشتباهات ما در اوایل پیروزی انقلاب این‌بود که تصور می‌کردیم حکومت اسلامی نیازی به‌هیچ‌گونه تشکیلات اطلاعاتی ندارد، در حالی که جمهوری اسلامی با حقانیتی که دارد، دشمنان بیشتری از سایر حکومت‌ها خواهد داشت و هر قدر که دشمن بیشتر باشد آمادگی ما نیز باید بیشتر بشود؛ یعنی اگر نظام شاهنشاهی با تمام دنیا، شرق و غرب سازش کرده بود، در عین حال برای ادامه‌ی حکومت، سازمان اطلاعاتی تشکیل داده بود، صرفاً برای مقابله با نیروهای داخلی بود. اما درست است که ما نیروهای مخالف داخلی داریم اما دشمنان خارجی زیادی داریم، شرق و غرب در مقابل ما ایستاده‌اند و عوامل آن‌ها در کشور کم نیستند. ما

۲۷۶ کیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

می‌بایست از روز اول در فکر سازمان اطلاعاتی باشیم و متأسفانه نبودیم و امیدواریم که این سازمان اطلاعاتی درست بشود.^(۱)

مصاحبه‌ی هاشمی رفسنجانی با روزنامه‌ی جمهوری اسلامی

(۱۶ مهرماه ۱۳۶۰)

س - با وجود انتخابات رئیس‌جمهور جدید، آیا دولت فعلی تغییر خواهد کرد یا

خیر؟

ج - از نظر قانونی لزومی به تغییر آن نیست. این دولت، دولتی است که فقط ممکن است با استعفا و یا با استیضاح از طرف مجلس برکنار گردد. فکر می‌کنم اکثریت و شاید همه‌ی اعضای کابینه از کسانی باشند که قبلاً آقای خامنه‌ای هم نسبت به آن‌ها نظر مساعد داشته‌اند؛ چون در این مورد با هم مشورت می‌کردیم. آقای مهدوی هم که مورد قبول همه ما هستند.

این امر بسته به میل خود وزرا و دولت است و فرد مسؤول اگر مایل باشد به مسؤولیت خود ادامه دهد و اگر مسؤولیت دیگری داشته باشد، کنار می‌رود. اگر مصلحت این باشد که کار کند، کار می‌کند و اگر مصلحت این باشد که جای دیگری انجام وظیفه نماید، چنین خواهد کرد.

س - موضع‌گیری شما در شورای عالی دفاع، در زمان بنی‌صدر چگونه بود؟

ج - در شورای عالی دفاع، برای این که بتوانیم کارها را نظم بدهیم، اصل و اساس، مبتنی بر همکاری بود؛ مخصوصاً در دوره‌ای که امام، اختیارات زیادی به شورای دفاع داده بودند. ولی یک اختلاف بینشی بین ما و ایشان (بنی صدر) وجود داشت که روی کیفیت حرکت‌ها هم اثر گذاشت؛ از جمله روی کیفیت جنگ. معمولاً رفقای ما طرفدار این بودند که سریع‌تر و جدی‌تر و ایثارگرانه‌تر وارد جنگ بشویم و زودتر مسأله را خاتمه بدهیم. به‌طور معمول ما بر سر این موضوع درگیری داشتیم. ما طرفدار تحرک بودیم و او عملاً به‌رکود جنگ کمک می‌کرد.

می‌توانم بگویم که در آن موقع ما بعید می‌دانستیم که ایشان در زمینه‌ی جنگ سوءنیتی داشته باشد؛ ولی با شرایطی که اخیراً پیش آمده و حمایت غرب و عراق از بنی صدر، کم کم برای ما این احتمال مطرح است که ایشان از رکود جبهه‌ها حمایت می‌کرد. این، یک برنامه‌ریزی بود که حالا یا بنی صدر آن را انتخاب کرده بود، یا بر او تحمیل شده بود و یا این که خودش در تصمیم‌گیری شریک بود.

به‌هرحال، این درگیری همیشه بین ما وجود داشت؛ به‌حدی که این اواخر ما خدمت امام رسیدیم و گفتیم که با توجه به اختیارات زیاد شورای عالی دفاع و درگیری‌های موجود در شورا، این مرکز تصمیم‌گیرنده نمی‌تواند به این شکل کار کند، لذا امام آن اختیارات را پس گرفتند و گفتند که شورای عالی دفاع، طبق وظایفی که در قانون اساسی ذکر شده است، عمل کند.

آن روزی که امام اختیارات وسیعی به شورای دفاع دادند، قبل از آن، بنی صدر تصور دیگری داشت، ولی بعد دیده نشد؛ لذا سعی می‌کرد شورا را نیز به هم بزند؛ چون می‌دانست که افکارش چندان با مجلس و دولت سازگار نیست و نمی‌تواند با این‌ها کار بکند. ایشان فکر کرده بود که اگر آن شورای پُر اختیار تشکیل شود، دستش بازتر می‌شود؛ اما امام با هوشیاری تمام، ترکیب شورا را به‌نحوی درست کردند که رئیس و دو نفر از نمایندگان مجلس هم به آن اضافه شوند و به این ترتیب به‌گونه‌ای شد که در آن شورا، باز هم خط امام اکثریت پیدا کرد و بنی صدر متوجه شد که در آن جا هم نمی‌تواند افکار خودش را بدون منازعه به کار گیرد.

ایشان برای شورای عالی دفاع، جدیت چندانی قائل نبود و معمولاً به خوزستان می‌رفت تا این شورا اصلاً تشکیل نشود و دائم بهانه می‌آورد که من باید در خوزستان باشم. با این حال، ما به دنبالش به خوزستان می‌رفتیم تا جلسه را در آنجا تشکیل بدهیم. بنی صدر در آنجا هم به رهنحوی که می‌توانست وقت‌کشی می‌کرد تا کمتر به مسایل برسیم. لذا در آن موقع، شورا نمی‌توانست در زمینه‌ی جنگ فعال باشد.

س - آیا شما برای جلوگیری از سقوط خرمشهر پیشنهادهای ارائه دادید و به آن توجهی نشد؟

جواب - همه گفتند. چقدر این نماینده‌های خوزستان در مجلس داد زدند و از ته دل گریه کردند. پاسداران آنجا داد می‌کشیدند و خواستشان این بود که یک واحد ارتشی برای حمایت از نیروهای درگیر به آنجا برود. بنی صدر می‌گفت که نمی‌توانیم بفروسیم و نداریم. سعی او بر این قرار گرفته بود که خرمشهر و آبادان را بدهیم و نیروهایمان را در شمال حفظ کنیم و بعد که برخورد مسلط شدیم، شهرها را پس بگیریم.

بالاخره بنا بر این شد که نگذاریم آبادان سقوط بکند. من به اهواز رفتم و در آنجا مستقر شدم و تلفنی با تهران صحبت کردم. قرار شد که هزار نفر از نیروهای کمیته به کمک بیایند. تا زمانی که من در آنجا بودم، پانصد نفر از آن‌ها آمدند. ما در همانجا ماندیم و امکانات آن‌ها را برای رفتن به آبادان فراهم کردیم. سپس به تهران بازگشتیم و تعدادی نیروی متفرقه جمع کردیم تا به آبادان رفته و از سقوط شهر جلوگیری کنند. در این زمان، بنی‌صد پذیرفت که بعد از سقوط خرمشهر، دیگر نگذاریم آبادان سقوط بکند.

س - علت عدم سقوط آبادان چه بود؟

ج - آبادان جداً در خطر سقوط بود و یا آن محاصره و تحت آن شرایط، به‌جز دریا، هیچ راه ارتباطی دیگری نداشت. وقتی امام دستور شکستن محاصره آبادان را دادند؛ دیگر آن‌ها نتوانستند مخالفت بکنند. به ترتیب، نیروها فشار آوردند و اجازه ندادند که راه دریا مسدود بشود، چرا که این امکان وجود داشت.

به فرمان امام و به هر قیمتی که بود، نیروها از راه روستاها و کوره‌راه‌ها خود را به آبادان رساندند و بلافاصله یک جاده خاکی در جنوب جاده ماهشهر-آبادان

۲۸۰ کی بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

احداث شد. به همین دلیل، محاصره مقداری سبک شده و آبادان ماند. در واقع اگر این فرمان امام نبود، من فکر می‌کنم که آبادان هم از دست رفته بود.
س - تاکنون برای رفع توقیف از اموال ایران در آمریکا، چه اقداماتی انجام گرفته است؟

ج - الآن ما با آمریکا تقریباً در حال جنگ و دعوا هستیم و کاری که آن‌ها می‌توانند علیه ما انجام دهند این است که اموال ما و وسایلی را که از آن‌ها خریده‌ایم، تحویل ندهند. البته به اندازه‌ای که بخواهند شکل قانونی به قضیه بدهند و اموال ما را نگه دارند، بهانه هم دارند. شرکت‌های آمریکایی که از ایران اخراج شده‌اند، برای قراردادهایی که ناتمام مانده است، ادعای خسارت می‌کنند. چنین مسایلی میان ما مطرح است که باید حل بشود.

آن‌ها می‌گویند که شما سفارت و اموال ما را گرفته‌اید و بایستی تکلیف آن‌ها روشن بشود. آن‌ها در ایران، منافع از دست‌رفته زیادی دارند - البته منافع غاصبانه - و ادعای ذی‌حق بودن می‌کنند؛ در واقع به واسطه این بهانه‌هاست که اموال ما را نگه می‌دارند. بالاخره این مسایل باید به یک طریقی حل بشود.

در این باره، برای کسب اطلاعات بیشتر، باید از کمیسیونی که دعاوی ما و آمریکا را بررسی می‌کند، سؤال شود.

س - نظرتان راجع به مصادف شدن فعالیت شدید جبهه‌ها علیه کفار یعنی با اعتشاشی که منافقین در تهران به وجود آوردند، چیست؟

ج - مطمئناً صدام، بنی‌صدر، رجوی و به‌طور کلی ضدانقلاب، با دشمنان خارجی ما همکاری می‌کنند. البته نمی‌توانم بگویم که ریشه این همکاری دقیقاً به کجا و چه کسی می‌رسد، اما قاعدتاً از ابتدا وجود داشته است. پول‌های زیادی که در اختیار این‌ها بوده، این همه خرجی که منافقین در داخل می‌کنند، این همه اسلحه و مهمات و خانه تیمی و امکانات رادپوهای خارجی حمایت‌کننده، همگی نشان می‌دهد که یک‌نوع همکاری بین دشمنان خارجی و داخلی وجود دارد، کاری که دشمنان داخلی می‌توانند برای همکاران خود بکنند، طبعاً همین است. در واقع وقتی که آن‌ها نیاز بیشتری پیدا

می‌کنند، این‌ها باید طوری عمل بکنند که آثار روانی آن ضربه را خنثی کنند، حتی اگر بفهمند که ما برنامه‌ای داریم و می‌خواهیم ضربه‌ای بزنیم، باید به‌گونه‌ای عمل کنند که ما موفق نشویم.

به‌عنوان مثال، شهادت آقای رجایی و آقای باهنر، به‌احتمال خیلی قوی، مربوط به طرح‌هایی است که در آن‌زمان و با حضور آن‌ها تصویب کرده بودیم و بایستی با همکاری دولت و ارتش اجرا می‌شد. البته آن‌ها از قبل، قصد انجام چنین کاری را داشتند؛ ولی زمان آن‌را طوری انتخاب کردند که ما را فلج بکنند. هم‌چنین بعد از پیروزی در شمال آبادان، منافقین دیوانه‌وار و به‌شکل انتحاری به‌خیابان‌ها ریختند تا شور و هیجان را از مردم بگیرند.

این‌ها به‌مشهد می‌روند و آقای هاشمی‌نژاد را در آن‌جا شهید می‌کنند. در حقیقت، علت انتخاب مشهد این بود که چون لشکر ۷۷ خراسان یکی از عوامل پیروزی محسوب می‌شد و در پی آن، مردم خراسان با شور و شوق فوق‌العاده‌ای به‌طرف ستاد لشکر، راه‌پیمایی کردند. این‌ها این جنایت را [مخصوصاً] در مشهد انجام دادند تا شور موضعی آن‌جا را نیز بخوابانند.

در حال حاضر، تمام حرکات این‌ها دقیقاً هماهنگ با مواردی است که منافع عراق را در زمینه‌ی جنگ تشکیل می‌دهد.

س - توصیف شما در مورد شور و هیجان مردم در انتخابات و رأی فراوانی که آقای خامنه‌ای آورده‌اند، چیست؟

ج - من از قضیه انتخابات بسیار خوشحال هستم. به‌نظرم می‌رسد که مردم ما بعد از این همه جذر و مود و نشیب و فراز و بحث‌های مخالف و موافق و تهمت‌ها و جواب تهمت‌ها و تبلیغات رادیوهای بیگانه، الآن واقعاً انتخاب کرده‌اند.

در واقع، بعد از گذشت دو سال و نیم و رویارویی با همه مشکلات انقلاب و شناختن مسؤلان ذی‌ربط، چنان‌چه مردم از انقلاب ناراضی باشند، باید از افرادی مثل آقای خامنه‌ای و بنده ... ناراضی می‌بودند. با این حال می‌بینیم که مردم در همین شرایط، آن‌هم در طول یکی دو ماه فاصله، مشتاقانه به‌پای صندوق‌های رأی می‌روند.

تحریم‌های دشمنان و تهدیدات آن‌ها مبنی بر ایجاد اغتشاش، رعب و وحشت در میان مردم و القائاتی از این قبیل، همگی نتیجه‌ای معکوس برای دشمنان داشته است. بنابراین، انسان عمیقاً مطمئن می‌شود که مردم این انقلاب را درک نموده و آن را قبول کرده‌اند، در غیر این صورت، هیچ دلیل دیگری وجود ندارد که مردم در عرض این مدت کوتاه، دوباره به پای صندوق‌ها بروند و در چنین سطح وسیع و چشمگیری رأی بدهند. البته ما از قبل به حضور مردم اعتماد داشتیم؛ اما این روند روز به روز بهتر می‌شود. این امر، مسؤولان را دلگرم‌تر می‌کند؛ در جبهه‌ها تأثیر خوب می‌گذارد؛ دشمنان را مأیوس می‌کند؛ مردم را صاحب انقلاب نشان می‌دهد؛ و در مجموع، در بردارنده‌ی آثار و نتایج خوب و مفیدی است. به عقیده‌ی من، بهترین چیزی که ما امروز داریم، همین آرای موافق مردم است.

س - وقتی شما به دیدار امام می‌رفتید و از جناح لیبرال‌ها گله‌مند بودید، امام چه می‌گفتند و [به خصوص] در مورد بنی‌صدر چه نظری می‌دادند؟

ج - ما همیشه نظر امام را از خودمان صائب‌تر می‌دانستیم. تیپ رفقای ما این طور هستند. اگر امام موردی را تشخیص می‌دادند، ممکن بود که ما مصلحت تشخیص ایشان را نفهمیم، ولی ته دل‌مان مطمئن بودیم که ایشان بهتر از ما می‌فهمند.

در مورد بنی‌صدر، تشخیص‌مان این بود که باید چهره او روشن بشود، اما امام این را قبول نداشتند و می‌گفتند که مصلحت نیست. ما هم قبول می‌کردیم که مصلحت نیست. شاید الآن بشود قبول کرد که باز حق با امام بوده است و این مسایل، می‌بایست رفته رفته و در طول زمان روشن می‌شد. در حقیقت کسی که مردم بیش از ده میلیون رأی به او داده بودند، مشکل بود که یک‌دفعه چهره‌اش را روشن کرد؛ اما در عمل و در طول یک‌سال و اندی، حرف‌ها زده شد و موقعش که رسید، امام هدایت کردند و گفتند که باید این‌طور بشود و شد. روی هم رفته، ما همیشه خون‌دل خورديم؛ منتهی چون با نظر امام عمل می‌کردیم، ته دل‌مان همیشه راضی بود. در واقع بین خودمان و خدا حجت داشتیم. ما حرف امام را برای کار خودمان حجت می‌دانیم؛ یعنی الآن هرکاری را انجام بدهیم که با اجازه امام و دستور امام باشد، حجتی برای ماست و آن را با خیال کاملاً

راحت انجام می‌دهیم و هیچ وقت هم پشیمان نمی‌شویم. وظیفه ما و وظیفه هر مسلمان دیگری که امام را به عنوان ولی فقیه قبول دارد، این است که طبق دستور ایشان عمل بکنند و قانع باشند. اگر هم اشتباه باشد - که هر انسان غیر معصومی ممکن است اشتباه بکند - این اشتباه معفو است و نفعش بیش از ضررش است.^(۱)

متن نامه‌ی وزیر کشور به امام، در مورد ریاست جمهوری خامنه‌ای

متن نامه‌ی وزیر کشور به حضور امام خمینی در مورد انتخاب سومین ریاست جمهوری ایران، به شرح زیر در مراسم دیروز تنفیذ حکم ریاست جمهوری حجت‌الاسلام خامنه‌ای به وسیله‌ی حجت‌الاسلام سیداحمد خمینی قرائت شد:

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مقدس رهبر عالی‌قدر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی مدظله!

احتراماً در اجرای مبحث اول از فصل نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتخابات ریاست جمهوری برطبق مفاد قانون انتخابات برگزار و حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای سیدعلی خامنه‌ای با اکثریت مطلق ۱۶/۰۰۸/۵۷۹ رأی از مجموع ۱۶/۸۴۷/۷۱۷، به ریاست جمهوری کشور جمهوری اسلامی ایران، انتخاب گردیدند. شورای نگهبان قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره‌ی ۳۷۸۵ مورخ ۱۳۶۰/۷/۱۵، صحت انتخابات را تأیید و اعتبارنامه‌ی مشارالیه را صادر نموده

است.

اینک بر طبق مادهی ۶۲ قانون انتخابات ریاست جمهوری حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای سید علی خامنه‌ای را به عنوان رئیس جمهور منتخب به حضور رهبر عالی قدر و بنیانگذار جمهوری اسلامی، معرفی و اعتبار نامدهی ایشان به ضمیمه تقدیم می‌گردد.

با سلام و دعا

سید کمال الدین نیک‌روش، وزیر کشور^(۱)

متن اعتبارنامه‌ی ریاست جمهوری آقای خامنه‌ای

بسم الله الرحمن الرحيم

الذین ان مکتاهم فی الارض اقاموا الصلوة و اتوا الزکاة و امروا بالمعروف و نهوا
عن المنکر و لله عاقبة الامور

اعتبارنامه‌ی ریاست جمهوری اسلامی ایران

مورخ ۱۵ مهرماه ۱۳۶۰

شورای نگهبان تأیید می‌نماید: آقای سیدعلی حسینی‌خامنه، فرزند سیدجواد، دارای شناسنامه‌ی شماره‌ی ۲۱۷، صادره مشهد، متولد ۱۳۱۸ «ه ش»، در انتخابات ریاست جمهوری که در تاریخ ۱۰ مهرماه ۱۳۶۰ برگزار شده با اکثریت مطلق ۱۶/۰۰۸/۵۷۹ رأی از ۱۶/۸۴۷/۷۱۷ رأی به‌عنوان رئیس جمهوری کشور جمهوری اسلامی ایران، انتخاب گردیده است.

احمد جنتی - ابوالقاسم خزعلی - عبدالرحیم ربانی شیرازی - غلامرضا رضوانی - لطف‌الله صافی - یوسف صانعی - علی اراد - گودرز افتخار جهرمی - محمد صالحی - حسین مهرپور - مهدی هادوی - محسن هادوی

امام، رای ملت به ریاست جمهوری خامنه‌ای را تنفیذ کرد.

در خجسته روز عید سعید قربان مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری حجت‌الاسلام سید علی خامنه‌ای طی آیین باشکوهی در حسینیه‌ی جماران برگزار شد. در این مراسم پس از تلاوت آیاتی از قرآن مجید حجت‌الاسلام حاج سیداحمد خمینی متن نامه‌های وزیر کشور، شورای نگهبان و متن حکم تنفیذ امام خمینی را قرائت و سپس حجت‌الاسلام سید علی خامنه‌ای رئیس‌جمهوری کشورمان سخنانی ایراد کرد. آن‌گاه امام خمینی رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران سخنان مهمی خطاب به حضار و ملت مسلمان ایران ایراد فرموده‌اند.

براساس همین گزارش در این مراسم، فقیه عالیقدر آیت‌الله منتظری، آیت‌الله موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور، حجت‌الاسلام والمسلین هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی، آیت‌الله مهدوی‌کنی نخست‌وزیر و کلیه‌ی اعضای کابینه و نمایندگان مراجع عظام گلپایگانی، مرعشی نجفی و شیرازی، اعضای شورای نگهبان قانون اساسی، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شورای عالی قضایی، دادستان کل انقلاب، جامعه مدرسین حوزه‌ی علمیه قم، اعضای شورای عالی دفاع، شورای فرماندهی سپاه پاسداران،

فرماندهان نیروهای سدگانه ارتش جمهوری اسلامی ایران، نمایندگان ستاد مشترک، رؤسای دوائر سیاسی - ایدئولوژیک ارتش، شهربانی، ژاندارمری، شورای سرپرستی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، نمایندگانی از جبهه‌های آزادی‌بخش و نیز گروهی از جانبازان انقلاب و خانواده‌ی شهدا و خبرنگاران داخلی و خارجی حضور داشتند.

متن حکم ریاست جمهوری آقای خامنه‌ای

بسم الله الرحمن الرحيم

«ما ننسخ من ایت او ننسهانات به خیر منها او مثلها.»

گرچه دست جنایتکاران و منافقان، رئیس جمهور متعهد و مؤمنی را از ملت مجاهد ایران گرفت و یکی از خدمتگزاران صدیق را به شهادت رساند و ملت عزیز را از خدمت او، و او را از خدمت به ملت محروم کرد و گمان کرد که با ترور اشخاص، ملت به پاخاسته از تصمیم خود عقب می‌نشیند و در خدمت به اسلام بزرگ سستی می‌ورزد و در نتیجه راه برای قدرت‌های چپاولگر باز می‌شود، ولی شرکت بی‌سابقه‌ی مردم کشور، امید بدخواهان را مبدل به‌پأس، و طمع آزمندان را برای همیشه برید.

آمریکا و تروریست‌های وابسته و پیوسته به آن با تبلیغات خود، ملت شریف ایران و ارتش وفادار به اسلام را از هدف بزرگ اسلامیشان منحرف معرفی می‌نمایند و وسایل ارتباط جمعی غرب؛ خصوصاً آمریکا و صهیونیسم برای جهان‌خواران و مزدوران‌شان کاخ‌های سفید خیالی ساخته تا با شکست ایران در انتخابات، به سوی ایران مهد شیرزنان و شیرمردان هجوم آورده و با محو اسلام، حکومت سلطنتی یا جمهوری دموکراتیک خلق برقرار و کشور را تا ابد مورد چپاول قدرتمندان؛ خصوصاً آمریکا قرار دهند، ولی شرکت عمومی ملت شجاع و متعهد در انتخابات و پیروزی‌های پی در پی قوای مسلح در جنوب و غرب و حضور مداوم ملت در سرتاسر کشور از طرفی و از طرف دیگر سرکوبی اشرار وطن‌فروش در داخل و پشت جبهه و بدانزوآکشدن ملی‌گرایان پیوسته به آمریکا، کاخ‌های تخیلی آنان را فروریخت.

خداوند متعال بر ما منت نهاد که افکار عمومی را برای انتخاب رئیس جمهوری

متعهد و مبارز و در خط مستقیم اسلام و عالم به دین و سیاست، هدایت فرمود که امید است با حسن تدبیر و کمک قوای سه گانه و پشتیبانی ملت بزرگ مشکلات یکی پس از دیگری رفع و احکام مقدس اسلام به طور دلخواه در سطح کشور اجرا گردد.

این جانب به پیروی از ملت عظیم الشان و با اطلاع از مقام و مرتبت متفکر و دانشمند محترم، جناب حجت الاسلام آقای سید علی خامنه‌ای ایده‌الله تعالی رأی ملت را تنفیذ و ایشان را به سمت ریاست جمهوری اسلامی ایران منصوب نمودم و رأی ملت مسلمان متعهد و تنفیذ آن محدود است به این که ایشان به همان نحو که تاکنون خدمتگزار اسلام و ملت و طرفدار قشر مستضعف و به حکم ﴿اشدء علی الکفار رحما بینهم﴾ بوده‌اند از این پس نیز به همان تعهد باقی باشند و از طریق مستقیم انسانیت و اسلام انحراف نمایند که ان شاء الله نمی‌نمایند و در این موقع خطیر که بدخواهان خارج و داخل و بلندگوهای ابرقدرت‌ها؛ خصوصاً آمریکای جنایتکار با هر وسیله می‌خواهند ملت و دولت و مجلس و دادگاه‌های ایران را متهم کنند و به گمان فاسد خود تزلزلی در ارکان جمهوری اسلامی ایجاد نمایند، لازم است رئیس‌جمهور با کمک همه‌ی ارگان‌های جمهوری اسلامی و با تشریک مساعی یکدیگر، جریانات امور را به طوری هماهنگ و موافق اسلام کنند که بهانه را از دست بدخواهان بگیرند. گرچه بسیاری از آنان با احکام اسلام و حدود و تعزیرات آن موافقت ندارند.

آقای رئیس‌جمهور و سایر دست‌اندرکاران و دولتمردان در جمهوری اسلامی باید بدانند که ملت شریف ایران بر همه آنان محبت و منت دارند، چرا که این ملت فداکار است که در اول انقلاب با نثار خون جوانان خود و زحمات طاقت‌فرسا، پیروزی را به دست آورد و همه را از زندان‌ها و تبعیدها و انزواها و اختناق‌ها نجات داد و همین ملت است که از اول پیروزی تاکنون، در صحنه بوده و از کشور و ارتش و سپاه و سایر قوای مسلح و دولت و مجلس و شورای عالی قضایی و دادگاه‌ها پشتیبانی نموده و با کمک و همت همین ملت، دشمنان داخل و خارج را سرکوب و حزب‌الله را به جای احزاب و گروه‌های شیطان، نشانند و هم‌اینانند که با شوق و شغف به آقای رئیس‌جمهور، بیش از ۱۶ میلیون رأی دادند و بر کرسی ریاست جمهوری نشانند و هم‌اینانند که به خواست خداوند تعالی قادرند کشور را حفظ و از شر شیاطین نجات

۲۹۰ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

دهند و اینانند که بر همدی ماها و شماها حق دارند و همه می‌بایست دین خود را به آنان ادا کنیم و در خدمت ملت؛ خصوصاً مستضعفین که سنگینی این جمهوری به دوش آنان بوده و بدون کوچک‌ترین توقعی در خدمت اسلامند، با جان و دل کوشا باشیم و مادام که همه ما و شما در خدمت مردم هستیم، آسیبی به جمهوری اسلامی وارد نمی‌شود و ملت بزرگ و بیدار و در صحنه، جواب همه یاوه‌سرایان و زورگویان را می‌دهد. از خداوند متعال پیروزی اسلام و مسلمین را خواستارم.

والسلام علی عبادالله الصالحین

روح‌الله الموسوی الخمینی^(۱)

مرگ آقای سادات و نطق آقای بازرگان! «محمد خاتمی»

وقتی خبر مرگ «سادات» و به دنبال آن شور و شادی مردم را در بانگ‌های «الله اکبر» شان شنیدم، عزیزی درد آشنا که اهل اندیشه و عمل و قلم است، گفت: «امشب برو و یک سرمقاله در این رابطه بنویس» و من که ذهنم از هنگام شنیدن شایعه تا تبدیل آن به خبری مسلم، پراز موضوعات فراوان قابل طرح در این زمینه بود، کاملاً برای پذیرش این پیشنهاد آمادگی داشتم و آن را دنبال کردم ولی درماندم که کدام موضوع را و از چه دیدگاهی بررسی کنم.

خیانت مردی را که خدمتگزار آمریکا و صهیونیسم بود و بزرگ‌ترین خیانت را به همه مستضعفان و به خصوص مسلمانان منطقه کرده است؟ و سرکرده آدمکشان و جنایتکاران، «ریگان» وی را دوست نزدیک خود می‌داند، و مرگ او نفرتش را برمی‌انگیزد و تروریست مشهور و برنده جایزه صلح نوبل!! قتل وی را به دشمنان صلح! نسبت می‌دهد و او را شریک صلح اسرائیل می‌خواند؟

از توطئه‌های خیانت‌آمیزی که این روزها برای منطقه در دست اجرا است و نقشه‌هایی که سلطه‌طلبان و به خصوص شیطان بزرگ در آستین دارند تا به انقلاب اسلامی که همچون

آتشفشان، زندگی پلید انگل‌های وابسته به بیگانه و دشمنان آزادی و استقلال خلق‌های منطقه را تهدید می‌کند و در همه این‌ها، سادات به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مهره‌های آمریکا در معادلات سیاسی، نظامی و اقتصادی امپریالیسم به حساب می‌آید، ضربه یزنند؟ از خشونت ددمنشانه‌ای که رژیم پلیسی فرعون مصر در مقابله با مخالفان به‌جان آمده‌اش اعمال کرده است؟ از سرکوب حرکت اسلامی و دستگیری و آزار و جرح و قتل مسلمانان بیدار شده مصری؟ از وضع رقت‌باری که سیاست «جان‌نشین ناصر» در صحنه‌ی بین‌المللی پیدا کرده است؟ از بغضی که به‌هنگام حضور در کنفرانس بین‌المجالس گلویم را می‌فشرد، هنگامی که می‌دیدم نمایندگان سادات، رویاروی همه آزادیخواهان، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، در کنار اسرائیل، آمریکا، انگلستان، نیوزیلند و... و هم‌نوا با آنان برای تثبیت پایه‌های جنایات آمریکا و هم‌پیمانانش جبهه می‌گیرند و به اصطلاح رأی می‌دهند؟ و به یاد می‌آوردم که اینان از سرزمین «ناصر» آمده‌اند که روز و روزگاری کانون حرکت استقلال‌طلبانه در منطقه حساس خاورمیانه بود و از...؟

نمی‌دانستم چه بنویسم، از کجا آغاز کنم و به کجا ختم. تنوع و فراوانی موضوعات قابل طرح و تحلیل، در کارم گره انداخت و تا دیروقت در اندیشه بودم و بالاخره ناتوانی خود را در تصمیم‌گیری چنین توجیه کردم که: بگذار تا مشخص شود که قتل سادات از سوی کدام جناح و جریان صورت گرفته است و در همان حال می‌دانستم که این توجیه، تنها بهانه‌ای است برای نجات از بلا تکلیفی، چرا که به‌رحال مرگ سادات، صرف‌نظر از عوامل و انگیزه عمل و ماهیت و موضع کسانی که به‌این‌کار دست زده‌اند، به‌خودی‌خود مسأله‌ای است که مجرد از این عوامل هم می‌توان درباره‌ی آن سخن گفت و خاصه این‌که امروز بر هیچ‌کس پوشیده نیست که مصریان به‌شدت علیه فرعون مستکبر حاکم بر سرزمین و سرنوشتشان برآشفته‌اند و شور اسلامی رهبران و مسلمانان مخالف رژیم در اوج است و امیدوارکننده. تا صبح شد و به مجلس آمدم.

آقای بازرگان به‌عنوان ناطق پیش از دستور، پشت تریبون قرار گرفتند و من چون دیگران منتظر که چه خواهند گفت؟ به‌ویژه آن‌که در این‌هنگامه وقت را از دیگری قرض کرده بودند. آیا از توطئه‌ی آمریکا و مزدورانش علیه انقلاب اسلامی و تلاش آنان برای نجات صدام سخن می‌گویند؟ از جنایاتی که به‌دست عوامل آمریکا در ایران و علیه مردمی‌ترین انقلاب معاصر صورت می‌گیرد؟ از رسوایی‌های بنی‌صدر و رجوی که اینک به‌بختیار و اویسی ملحق

شده‌اند؟ از فاجعه‌های مکرری که به‌دست عوامل و مزدوران «سیا» و «موساد» در ایران انقلابی آفریده شده است و بهترین چهره‌های متقی و مبارز و مجاهد در میان آتش سوخته‌اند؟ خاصه این‌که در رابطه با شهادت این عزیزان تاکنون از سوی ایشان و هم‌زمانشان، مطلبی جز، تسلیت خشک در حدی که بسیاری از سیاستمداران خارجی و حتی زمامداران وابسته دنیای سوم علی‌الرسم و به‌منظور رعایت اصول دیپلماتیک! داده‌اند، صادر نشده است.

از شور و حماسه‌ای که این مردم ایثارگر و فداکار به‌کوری چشم دشمنان دین و مبین اسلامی در جریان افتخارآفرین انتخاب سومین رئیس‌جمهور از خود نشان دادند و قدردانی از این مردم بیدار که خار چشم دشمنانند و ایمانشان سرمایه زوال‌ناپذیر انقلاب اسلامی؟ و از... بالاخره منتظر که به‌دنیال دعوت‌های مکرر امام برای پیوستن به‌سیل خروشان مردم مسلمان و قهرمان شاید تحولی به‌سوی کمال و اعلام موضعی تازه به‌نفع انقلاب اسلامی و همگامی با توده‌های انبوه که حضورشان در صحنه و پشت سر امام، ایران را به‌صورت قدرتمندترین کانون مبارزه با جهان‌خواران و عوامل ناپاکشان در منطقه و ایران درآورده است. دیری نیاید که دریافتیم این انتظار بیهوده است. آقای بازرگان با مقدمه‌ای که جهت اظهار مظلومیت از سوی ایشان تمهید شده بود، ذکر و یادی از سابقه عقیدتی، آزادی‌خواهی و مبارزاتی خویش نمودند و به‌اصل مطلب پرداختند که مثل همیشه عبارت بود از اعتراض به جمهوری اسلامی. در صورت ابراز نگرانی از اوضاع جاری مملکت و دلسوزی نسبت به سرنوشت انقلاب و اسلام.

سخنان آقای بازرگان به‌خصوص با اشاره‌ای که به‌سوابق خویش کردند، مرا از بلا تکلیفی شب پیش بیرون آورد و موضوع مناسب برای سرمقاله در رابطه با مرگ سادات را یافتم. آقای بازرگان، ضمن تأسف از خون‌هایی که ریخته می‌شود و اثاث و دارایی‌هایی که از بیت‌المال به‌هدر می‌رود، به‌دفاع از «جوانان جانناز»!! و نونهالانی برخاستند که جگرگوشگان و امید مملکت! هستند؛ به‌همان نظم و نسق که در بلندگوهای تبلیغاتی امپریالیسم خبری می‌شنویم و بدین ترتیب از کسانی دفاع به‌عمل می‌آید که خشن‌ترین شکل آشوب را به‌فرمان رهبران خائن و فراری خود در متن انقلاب ناب و منحصر به‌فرد ایران برپا می‌کنند و بهترین فرزندان اسلام را از پای درمی‌آورند و کودکان خردسال را در آتش خشم کور خود می‌سوزانند و انبوهی از جوانان پاکباز و مؤمن و فداکار را ناجوانمردانه هدف رگبار قرار می‌دهند و هر آن‌کس را که دلش به‌عشق اسلام و انقلاب اسلامی می‌تپد، شناسایی می‌کنند تا

در موقع مناسب به شهادت برسانند و کوچه و خیابان و بیمارستان و فروشگاه و بنیاد شهید و... را با بمب و نارنجک و کوکبل مولوتف به آتش می‌کشند، و امروز آقای بازرگان برآشفته می‌شوند که حتی چرا به اینان آمریکایی می‌گویند، آن‌هم به داعیه سخنگویی از سوی موکلین و از تربیون مجلس شورای اسلامی که هنوز در آتش سوگ نمایندگان عزیزی می‌سوزد - که به دست همین جوانان پاکباز! و نونهالانی که مایه امید مردمی هستند که آقای بازرگان از سوی آنان سخن می‌گویند - به شهادت رسیده‌اند. حادثه دلخراش انفجار بمب در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی که به شهادت ۷۴ تن از عزیزان والامقام و خدمتگزار اسلام و یار امام و از جمله ۲۷ تن از نمایندگان ارجمند مردم منجر شد، مگر نشانگر اوج وحشیگری این خلق بریدگان نیست؟ و مگر این عمل وحشیانه در حالی صورت نگرفت که دادگاه‌های انقلاب، هنوز قاطعیت لازم را در برابر جریان شوم منافقین محارب از خود نشان نداده بودند؟ همان جریان‌هایی که بیشتر نیز دست افرادش به خون زنان و مردان ساده و بی‌آلایش که نه صاحب مقام و منزلتی رسمی بودند، نه در کوران درگیری‌های سیاسی قرار داشتند، آلوده شده بود؟

و آیا در برابر سیل خون و آشوب و ترور، آن‌هم در زمانی که مظلوم‌ترین انقلاب عالم، مورد بی‌رحمانه‌ترین تجاوزات نظامی، اقتصادی، سیاسی و تبلیغاتی است باید دست روی دست گذاشت و دست آدمکشان را در جنایت بازگذاشت؟

چرا چنین عاطفه و احساسی نسبت به این انقلاب مظلوم و رهبر مظلوم‌تر آن و در برابر خون هزاران شهید که جرمی جز دفاع از حقانیت اسلام و تلاش برای نجات مستضعفان را ندارند، ابراز نمی‌شود؟

آقای بازرگان!

بسیاری از کسانی که امروز در همین دادگاه‌های انقلاب (که مورد اعتراض شماست) تنها به خاطر دفاع از اسلام و پاسداری از دست‌آوردهای انقلاب اسلامی، شب و روز زحمت می‌کشند، انسان‌هایی سرشار از عاطفه و رحمتند، اما مسؤولیت اسلامی و تعهد انسانیشان و نیز فرمان خدا، آنان را وامی‌دارد که قاطعانه در برابر آدمکشانی که موجودیت انقلاب و جمهوری اسلامی را به خطر انداخته‌اند، بایستند و فساد را از ریشه برکنند.

ما هم دلمان به حال این جوانان که هرچند فریب خورده‌اند، اما امروز دستشان به خون پاکان آلوده است و ابزار تخریب و براندازی نظام، در دست دشمنان آشتی‌ناپذیر اسلام و انسان شده‌اند، می‌سوزد.

ما هم معتقدیم که باید ریشه‌ها را بررسی کرد و با تدبیر یا مسایل برخورد نمود، ولی اگر بخواهیم به تحلیل جریاناتی که به این‌جا انجامید بپردازیم، بزرگ‌ترین گناه به‌گردن جریانی خواهد افتاد که از آغاز در سیر طبیعی انقلاب اخلاص کرد و بسیاری از جوانان ساده‌دل را از انقلاب رمانید و آنان را به‌دام رهبران گروهک‌هایی که از آغاز هم معلوم بود بالاخره کارشان به تروریسم خواهد انجامید، افکند.

وقتی که دولت موقت در اثر بینش ناسازگارش با محتوای انقلاب اسلامی و با سوءاستفاده از نام و اعتباری که به برکت اسلام و عنوانی که از رهبر انقلاب گرفته بود، راه آشتی دادن انقلاب سازش‌ناپذیر اسلامی با آمریکا را برگزید، وقتی طعن‌ها و لحن‌ها به‌جای این‌که متوجه آمریکا شود، نهادهای انقلابی و جوانان پرشور و دلسوزان به‌حال مستضعفان را هدف قرارداد، وقتی که فریاد برآمد که انقلاب به‌پایان رسیده است و امروز باید با آرامش و متانت!! و منطق دوران‌دیشی! به‌سازندگی بپردازیم و ملاقات با برژینسکی نشان داد که کدام سازندگی و نظمی مورد نظر است، بسیار بودند جوانان پرشور ولی کم‌تجربه و اطلاعی که این‌مواضع را با مواضع اصلی انقلاب و رهبری عوضی گرفتند و گروهک‌های مفسد انحصارطلب ملحد یا التقاطی، با هیاهو چنین وانمود کردند که جمهوری اسلامی و دولت موقت عین یکدیگرند، و بدین‌وسيله توانستند بسیاری از این جوانان ساده‌دل را به‌سوی خود جلب و با کار مداوم، آنان را برای چنین روز تلخی آماده سازند.

در این‌زمینه فراوان می‌توان سخن گفت، ولی امروز که کل انقلاب شکوهمندمان مورد تهدید قرار گرفته است و تمام جریانات ضداسلامی، وابسته، خصلتی، کج‌اندیش و... با حمایت همه‌جانبه آمریکا و اسرائیل و به‌طورکلی امپریالیسم، دست به‌دست هم داده و رویاروی انقلاب اسلامی و جمهوری برآمده از آن، ایستاده‌اند و به‌تخریب و ترور و ارباب اقدام می‌کنند، فقط می‌توان با قاطعیت عمل کرد تا به یاری خدا و با تکیه بر اراده‌ی خلل‌ناپذیر خلق برای همیشه جبهه‌ی متحد ضدانقلاب را از پای درآورد یا دست‌کم از توش و توان انداخت، و تحلیل را به‌فرصت‌های مناسب دیگر موکول کرد.

طنز آقای بازرگان، آن‌جا که از انتساب آشوبگران به آمریکا برمی‌آشوبند، خود حکایت‌گر نوعی نگرش آمریکایی به‌مسایل است. می‌گویند: «این جوانان جان‌ناز! در خانواده‌ای آمریکایی زاده نشده و برنگشته‌اند که بتوان مزدورشان خواند»، و بدین‌ترتیب، تشخیص درست امام و امت را که دشمنان داخلی بزرگ‌ترین انقلاب ضدامپریالیستی - ضدصهیونیستی

معاصر؛ یعنی انقلابی که کاری ترین ضربه‌ها را به منافع آمریکا زده است و بیش از هر نهضت و انقلابی، سیاست‌های تجاوزکارانه آمریکا را رسوا نموده است و موجی انفجاری در دنیای اسلام علیه وابستگی، و شوری شگرف برای بازگشت به هویت آزادساز اسلامی ایجاد نموده است. آمریکایی می‌خوانند و اعمال و مواضع آنان را به نفع آمریکا می‌دانند، به تمسخر می‌گیرند.

این سؤال‌ها جا دارد که: آیا شاه مخلوع که گوی سبقت را از همه حکمرانان جهان سوم در سوق دادن کشور به سوی وابستگی تام به غرب و خصوصاً آمریکا و رواج فرهنگ مصرفی به عنوان پایه‌ی وابستگی ربوده بود، در خانواده‌ی آمریکایی زاده شده یا از آمریکا برگشته بود، یا این که شاه آمریکایی نبود؟

آیا سادات خائن که - سخنرانی آقای بازرگان موضوعی را به ذهنم آورد تا به بهانه‌ی مرگ او مطلبی را دربارهی آن موضوع بنویسم و در پایان به آن اشاره خواهم کرد - دست در دست بگیرد به قیمت خیانت به همه آرمان‌های استقلال طلبانه و ضدامپریالیستی و ضدصهیونیستی بر آستان کاخ سفید و پنتاگون زیوانه بوسه زد، از خانواده آمریکایی بود یا برگشته از آمریکا؟ یا این که سادات آمریکایی نبود؟

آیا آقای بنی صدر که دفترش کانون هماهنگی همه نیروهای ضدانقلاب از وابستگان به رژیم سابق و سرمایه‌داران وابسته و نمایندگان طبقات مرفه و سیاستمداران ورشکسته گرفته تا خرابکاران و تروریست‌ها شده بود و آمریکا همه امیدهایش را برای بازگشت به ایران به وی بسته بود، از خانواده‌ی آمریکایی بود یا برگشته از آمریکا؟ بله، او از فرانسه آمده بود ولی فرانسه که تربیت‌کننده‌ی بانزاکت‌ترین متخصصان و سیاستمداران فهمیده و عاقل و واقع‌شناس است!!

آیا آقای رجوی که روز و روزگاری، آقای بازرگان را نماینده‌ی بورژوازی که طبق تحلیل‌های ماتریالیستی حضرات ماهیتاً آمریکایی است می‌دانست، و امروز که به منظور رهبری مقاومت ضدامپریالیستی در ایران به دامن فرانسه آویخته است؛ و برای تکمیل مبارزات ضدآمریکایی این اواخر سفری به آمریکا کرده است یا کمال شهامت؛ به تمجید از بورژوازی ملی برخاسته و برای سرنگونی جمهوری اسلامی پیشنهاد اتحاد با بورژواها را می‌دهد و از صمیم دل آرزو می‌کند که «تونس» به‌بلای ایران مبتلا نشود و حکومت مترقی «بورقیبه»؛ به سرنوشت شاه که ایران را به سوی دروازه تمدن بزرگ می‌برد، دچار نشود و «جرج بال»،

به سیاستمداران آمریکا اکیداً توصیه می‌کند که مجاهدین خلق! را به‌عنوان جناح نیرومند مخالف با رژیم ارتجاعی! ایران مورد حمایت و تقویت قرار دهند و بالاخره مورد تمجید و ستایش فراوان رادیوها و سخن‌پراکنی‌های آمریکا و اسرائیل و بی‌بی‌سی و... است. آیا آقای مسعود رجوی از خانواده آمریکایی است؟ گرچه اخیراً از آمریکا به‌فرانسه برگشته است.

و امروز، همان جوانان پاکباز، که شما به‌دفاع از آنان برخاسته‌اید، چشم و گوش بسته به فرمان آقای رجوی و همپالگی‌هاشان و به کمک بازمانده‌های رژیم شاه و در هنگامی که نیروهای رزمنده جمهوری اسلامی درگیر دفن تجاوز رژیم آمریکایی صدام هستند، به کشتار و تخریب دست می‌زنند.

مراد از آمریکایی بودن، نحوه‌ای از دید و بینش است که به‌سادگی ابزار دست سیاست‌های توسعه‌طلبانه‌ی آمریکا می‌شود و به‌خاطر برخورداری از همین دید و بینش، جریانی که شما در رأس آن قرار دارید همواره از مواضع ضدآمریکایی جمهوری اسلامی - البته با توجهات گوناگون - اظهار نارضایتی و حتی مخالفت قوی و عملی کرده است و چه نقضی در کار شما است که فردی چون امیرانتظام، جاسوس و مزدور آمریکا تا سطح معاونت نخست‌وزیر و سخنگوی دولت موقت بالا می‌آید - لایه امیرانتظام هم آمریکایی نیست - و الا کسی نمی‌گوید که شخص شما با آمریکا سروسری دارید.

و نیز مراد از آمریکایی بودن، انحصارطلبی دیوانه‌وار گروهک‌هایی است که چون هیچ پایگاهی در میان خلق ندارند، برای رسیدن به قدرت، به‌دامن بیگانگان می‌آویزند و امروز این آمریکا است که پندارگرایانه برای سرنگونی جمهوری اسلامی به‌مجاهدین خلق! دل بسته است و از آنان حمایت می‌نماید.

جناب آقای بازرگان، با اشارتی به‌سابقه عقیدتی، آزادیخواهی و مبارزاتی خویش، سخن را آغاز کردند تا لاحقاً، رنگ حقانیت به‌خود بگیرد. و لاحقاً عبارت بود از اعتراض به‌مشئبه اسلامی مسؤلان و توده‌های انبوه مردم در مقابله قاطع با ضدانقلاب آشوبگر و نیز اعلام مراتب آزادی‌خواهیشان! نسبت به‌آن‌چه در رابطه با براندازی نظام جمهوری اسلامی، طبق طرح‌هایی که از سوی جهان‌خواران تهیه شده است و به‌دست خائنان فراری که از چنگ خلق گریخته‌اند و به‌دامن بزرگ‌ترین دشمنان استقلال و آزادی ملت‌ها آویخته‌اند و نیز هواداران فریب‌خورده‌اشان و همسنگران! هم‌چنان در سنگر مبارزه با آن‌چه پسند خاطرشان نیست ولو این‌که مورد قبول اعتقادی و عملی اکثریت قاطع مردم شهیدپرور باشد، پابرجا هستند.

آقای بازرگان از سوابق خود سخن گفتند و راست هم گفتند و کسی نیز تردید ندارد که ایشان اهل قبله و «میزان» و نمازند، مبارزه کرده‌اند و به زندان رفته‌اند.

ایشان از این که اعلیحضرت! از وظایف سلطنت عدول می‌فرمایند و مرز «سلطنت» و «حکومت» قاطی می‌شد، سخن گفته‌اند و برای «آزادی» و «دموکراسی» و دست‌یابی به «فضای باز سیاسی!» جهت راه‌یابی به پارلمان حتی در زمان شاه، مبارزه کرده‌اند و بالاخره در این اواخر با کمال شهامت گفته‌اند که: «شاه باید برود.»

عظمت این گستاخی و شهامت! هنگامی معلوم می‌شود که بدانیم ماه‌ها پیش از این اعلام مواضع، همین مردم مکتبی مورد تمسخر و اعتراض، به خیابان‌ها ریخته و فریاد «مرگ بر شاه» برآورده و آمریکا را دچار سرسام کرده و هزاران شهید داده بودند. و نیز مدت‌ها پیش از آن، رهبر انقلاب، سرنگونی رژیم شاهنشاهی - نه تنها رفتن شاه - را به عنوان اولین هدف تغییرناپذیر انقلاب اعلام کرده بودند.

ابتکار تاریخ‌ساز! «... باید برود» یکبار دیگر هم در زمان قدر قدرتی اعلیحضرت بنی‌صدر، به کار گرفته شد ولی این بار برخلاف بار اول که مثلاً به نفع مردم و به زیان شاه، موضع گرفته شده بود، آن‌که می‌بایست برود نه بنی‌صدر، بلکه مجلسی بود که رکن مهم نظام جمهوری اسلامی و اساس ثبات و استقرار حاکمیت مردمی اسلام و مانع بزرگ بازگشت دیکتاتوری و اختناق در جامعه و به تعبیر امام «عصاره فضیلت ملت و برآمده از بانگ‌های الله اکبر مردم» است و آقای بنی‌صدر که همان روز هم ماهیت وابسته و آمریکایی و شخصیت دیکتاتورما‌بشان بر کسی پوشیده نبود، می‌بایست بمانند و به وظایف خود عمل کنند!

هنگامی که آقای بازرگان بعد از مدت‌ها، مجدداً از پایگاه آزادیخواهی آن‌هم از تریبون مجلس شورای اسلامی حرکت مبارزاتی خود را با حاکمیت مظلوم شروع کردند یادم آمد: از آن روز که ضدانقلابیون اهل فکر و نزاکت! هر صبحگاه به عشق «میزان» از خانه بیرون می‌آمدند و به عشق «انقلاب اسلامی» به خانه بازمی‌گشتند.

از آن روزی که ارگان «نهضت آزادی»، هم‌نوا با ارگان «دفتر هماهنگی ضدانقلاب» علیه خط امام؛ یعنی اسلام اصیل و علیه همه ارگان‌های انقلابی و شخصیت‌های کارساز و پاک‌باخته انقلاب اسلامی چون: بهشتی، رجایی، هاشمی، خامنه‌ای و... به منظور تغذیه ارگان‌های تبلیغاتی آمریکا و اسرائیل و بختیار و... مطلب می‌نوشتند و دشنام و ناسزای می‌گفتند.

یادم آمد که چگونه در مقاله «فرزندان مکتبی و مجاهد» تلاش شده بود تا:

اولاً، با نیش‌های گزنده، جریان مکتبی (یعنی اکثریت قریب به اتفاق این مردم معتقد و پیرو خط امام و ایثارگر و فدakar) را جریانی خشن، متمصب، بی‌منطق، انحصارطلب و خلاصه بیگانه با اسلام (البته به‌دیده‌ی غرب‌گرایان متمدن!) معرفی می‌کند.

ثانیاً، جریان ملحد منافق را جریانی انقلابی که در نهایت متضمن اشتباهاتی است که با نصیحت قابل رفع است!! بنمایاند.

ثالثاً، چنین وانمود کند که خط امام (که هم آمریکا را از ایران بیرون کرد و هم جریان‌ات انحرافی سازشکار را از صحنه خارج نمود)، چیزی است در حد گروهک‌های بی‌پایه و مایه (که دیدیم چون پایگاهی در میان خلق نداشتند، چگونه به‌دامن دشمن خلق؛ یعنی آمریکا آویختند).

این تحلیل و تلاش بدان‌جهت بود تا جریانی محافظه‌کار که به‌علت ناسازگاری برنامه‌هایش با محتوای انقلاب اسلامی در صحنه سیاست جامعه به‌سختی شکست خورده و از اعتبار و حیثیت افتاده بود، از طرف تحلیل‌گر معظم؛ مثلاً به‌کرسی داوری درباره‌ی جریان‌ات اجتماعی نشانده شود و بدین‌طریق، به‌عنوان خطی سالم و معقول و میانه‌رو! که بالمآل باید حاکمیت را مجدداً به‌دست بی‌کفایت او سپرد در جامعه مطرح شود.

و یادم آمد از آنچه طی دو سال و نیم گذشته از سوی آقای بازرگان و از سوی بدخواهان عقده‌ای غرب‌زده و رفاه‌طلب منتهی از کانال نام و اعتبار آقای بازرگان بر سر انقلاب اسلامی آمده بود.

مطمئناً آقای بازرگان، جبری مسلک نیستند و می‌پذیرند که آزادی و اختیار، ریشه در سرشت آدمی دارد و اگر چنین است، همواره و در هر لحظه باید شخصیت هر انسانی را با توجه به موضوع‌گیری فعلی و انتخاب آخرش مورد ارزیابی قرار دارد.

درست است که سابقه عقیدتی و مبارزاتی را به‌کلی نمی‌توان نادیده گرفت ولی همه «بها» را به سابقه دادن، خود گمراهی بزرگ و گمراه‌کننده است و تازه هنگامی که از مواضع عقیدتی و مبارزاتی و آزادیخواهانه گذشته نیز سخن به‌میان می‌آید باید این مواضع را باز کرد و تحلیل نمود و انگیزه‌ها و زمینه‌های ذهنی آن‌ها را مورد بررسی قرار داد تا دریافت که آیا تمام این‌ها را براساس معیارهای ارزشی اصیل اسلامی می‌توان پذیرفت یا نه.

و در این مورد بدون این‌که به‌بحث تفصیلی بپردازیم همین اندازه می‌توان گفت که پیروزی انقلاب اسلامی ایران بر بینش‌ها و مواضع انقلابی بسیاری از مدعیان انقلابی‌گری در دنیای

معاصر خط بطلان کشید چه رسد بر نگرش‌ها و مواضع محافظه کارانه غرب‌گرا که به‌هرحال نمی‌توانند جز در چارچوب‌های غرب‌پسند حتی از مبارزه با ظلم و طرفداری از عدالت و حقوق بشر! تصویری داشته باشند و از همین‌جا است که راه بسیاری از کسانی که اهل اعتقاد و نمازند و خود مدعی مبارزات اسلامی، از اسلام ناب و انقلابی که جهان را شگفت‌زده کرده است و نیرویی برتر از همه نیروهای مادی را در صحنه سرنوشت در صحت اینار و پایمردی این مردم مسلمان و قهرمان به‌نمایش گذاشته است، جدا می‌شود و مردم ما هم همین اسلام را می‌خواهند، پس راه دو تا است نه سلیقه و مردم هم این را خوب می‌فهمند.

و آن‌چه گذشت بر سبیل استطراد بود! به‌منظور نوشتن یادداشتی درباره‌ی «سادات» که به‌هرحال به‌بهانه‌ی مرگ این خائن بزرگ می‌بایست مطلبی نوشت.

در میان همه آن‌چه که درباره‌ی «سادات» می‌توان گفت و - چه فراوان - به‌برکت نطق آقای بازرگان خاصه وقتی از سابقه خود سخن می‌گفتند، به‌این صرافت افتادم که سادات را در رابطه با سابقه و لاحق‌ه‌اش! تند و شتابان بنگرم و بنمایانم.

سرگذشت «سادات» از عبرت‌های بزرگ روزگار است. مرگ او را مقایسه کنید با مرگ سلفش «ناصر» که جهان عرب و دنیای سوم را تکان داد و بسیاری از محرومان جهان به‌شدت بر فقدان او گریستند و امروز وقتی سادات می‌میرد، آنان که متأثر می‌شوند، ریگان و کارتر و کیسینجر و بگین و نمیری و... هستند. اما مردم؟ از سوی حکومت نظامی حتی حق شرکت در مراسم به‌خاک‌سپاری او را ندارند، چرا که کارگزاران حکومت مصر دریافته‌اند که اگر مردم بیایند، با دست‌های خود وارثان و جانشینان سادات را نیز به‌همان سرنوشتی دچار خواهند کرد که سادات دچار شد.

عکس‌العمل مسلمانان و محرومان و آوارگان فلسطین و همه آزادگان در برابر مرگ سادات، شادی وصف‌ناپذیر است و چرا، مگر سادات کیست؟

سادات سابقه‌ای خوب و درخشان داشت، وی همان افسر جوان و پرشوری است که روزی در کنار ناصر و دیگر هم‌زمان، از اعضای مؤثر سازمان افسران آزاد (ضباط‌الاحرار) بود، سازمانی ضدامپریالیست، ضدصهیونیست، ضداقتتاق و ضدوابستگی و طرفدار عدالت و آزادی. سازمانی که عاقبت شاه مستکبر مصر، «فاروق» را به‌زیر کشید. و همین آقای سادات در کنار ناصر رویاروی سلطه‌طلبان ایستاد و کانال سوئز به‌همت این جوانان و به‌کمک مردم مصر ملی شد.

ناصر به کمک همزمانش و از جمله سادات، روزگاری مصر را به صورت قلب تپنده و دهان پر خاشجو و جان سازش ناپذیر دنیای سوم در آورده بود ولی این کانون آزادی و استقلال، امروز به دست همین آقای سادات (با سابقه طولانی مبارزاتی و آزادیخواهی و عدالت طلبی) به صورت یکی از بزرگ ترین پایگاه های تجاوز امپریالیسم در منطقه و جهان درآمد است.

این عبرت بزرگی است که بنگریم چگونه افسر آزاد دیروز و یار و همزم «ناصر»، طی یک دگردیسی شگفت انگیز سیاسی، مبدل به دشمن اسلام و دشمن آزادی و استقلال مردم مصر و همه مردم منطقه می شود.

اگر سادات در همان سال های اول دهه ی هفتاد یا پیش از آن می مرد، به صورت یک شخصیت محبوب و احياناً یک قهرمان از جهان می رفت اما امروز آن چه نثار او می گردد نفرت و نفرین همه مسلمانان بیدار و همه آزادیخواهان و حقیقت طلبان است.

سادات، سابقه ی خوبی داشت ولی قضاوت دربارهی هر انسان را باید موکول به آخرین انتخاب او نمود و یا کسی چه می داند شاید سادات از آغاز هم سرسپرده ی ایرقدرتان سلطه گر بود و همگامی و همراهیش با ناصر و مبارزات آزادیخواهانه و مردمیش نیز به فرموده و فرمان اربابان برای کسب وجهه ظاهری در نظر مردم صورت می گرفت تا به هنگام مقتضی یا تکیه بر همین سابقه ساختگی، بتواند فریبکارانه بر مردم مسلط شود و هنگامی که پایه های قدرتش استوار شد و رقبیان را از صحنه خارج کرد و سازمان پلیس او نفس مردم را در سینه ها حبس نمود، با مردم مصر چنان کند که فاروق هم نکرد.

هرچه هست، آن چه امروز از فرعون مصر؛ یعنی سادات خوش سابقه! باقی مانده است نامی است که نفرت انگیز است و بایگانی انبوهی از پرونده های سیاه اعمالش جهت تثبیت پایه های رژیم اشغالگر فلسطین و تسهیل تجاوزات آمریکا در منطقه و دشمنی با مردم نوکری امپریالیسم.

اینک سادات مرده است ولی حقیقت هم چنان زنده و سرشار از توان، و این حقیقت امروز شکوه مندتر از همیشه در مصر در حاله ای از ایمان اسلامی و خشم مقدس مردم نسبت به آمریکا و ایرقدرت ها و رژیم وابسته ساداتی تجلی یافته است.

امروز حرکتی عظیم در سراسر دنیای اسلام پدید آمده است که کانون زوال ناپذیرش در ایران اسلامی است. و کج اندیشان خوش سابقه و بدسابقه و بدخواهان تنگ نظر نیز باید فهمیده

۳۰۲ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

باشند که قدرت رویارویی با ایمان و اراده توده‌های بیدار و به‌پاخاسته را ندارند.

عاقبت کار همه ختم به‌خیر باد!

والسلام! (۱)

پاسخ مهندس بازرگان به سرمقاله‌های کیهان

مهندس مهدی بازرگان طی نامه‌ای به کیهان، به سرمقاله‌های چاپ‌شده در روزهای ۱۶ و ۱۸ و ۱۹ مهرماه، پاسخ گفته است. کیهان در زیر، متن جواب ایشان به سرمقاله‌ها و هم‌چنین متن کامل سخنرانی ایشان در مجلس شورای اسلامی را چاپ می‌کند و در پی آن پاسخی نیز برای این دو مطلب دارد که می‌خوانید:

جناب آقای محمد خاتمی!

نماینده‌ی امام و سرپرست روزنامه‌ی کیهان

چهارشنبه ۱۵ مهرماه گذشته، که در اثر هیاهو و حملات عده‌ای از همکاران محترمان در مجلس شورای اسلامی از حق قانونی و نوبتی ۱۵ دقیقه نطق قبل از دستور محروم شده، نیمه‌کاره رها کردم و به‌صندلی خودم، که شرف جوار دارد، برگشتم و ناسزاها و ناروایی‌ها فروکش کرد، به‌طرف شما خم شده، گفتم: آیا روزنامه‌ی کیهان حاضر است متن تمام کمال نطقم را چاپ کند، فرمودید: بلی! به‌شرط آن‌که خودم هم اظهارنظری بکنم. گفتم: چه بهتر! فردا عصر از سرعت عمل

روزنامه‌ی کیهان به تحسین درآمده، دیدم مسابقه را قبل از آن‌که حریف حاضر شده و یا داور سوت بکشد، برده‌اید. نه یک مقاله بلکه سه مقاله از ۱۶ تا ۱۹ مهرماه «اظهارنظر» و «اظهار لطف» فرموده، خوانندگان را گیج کرده‌اید که بدانند اصلاً بحث روی چیست و دعوا بر سر لحاف کیست؟...

حالا جناب آقای خاتمی! (و شورای محترم نویسندگان روزنامه و انجمن اسلامی کیهان) آیا حاضرید وعده‌ای را که داده‌اید، ادا فرمایید؟ پیاده شده، قدری به پای حریف بی دست و پایتان راه بروید؟ اگر انصاف وجود داشته و قرار باشد در این سال قانون، قانون مطبوعات رعایت شود، قاعده امر خواهید فرمود، این نامه و متن کامل نطقم، که نسخه‌هایی از آن همان‌روز زیراکس و پخش شد و احتیاطاً یک نسخه تقدیمتان می‌کنم. در اولین شماره‌ی جریده‌ی اسلامی و انقلابی کیهان درج گردد. لااقل خوانندگان خودتان بدانند این جنجال که در کشور به پا کرده‌اند و به همت بعضی از آقایان نمایندگان شریف اعلام و در تاریخ ثبت شد که در ایران، آزادی عقیده و بیان، حتی در مجلس نمایندگان آن‌هم برای استفاده مؤدبانه و ملتسانه، خاموش کردن جنگ خانگی وجود ندارد، در چه موضوع و به چه علت بوده است.

من در آن‌روز یک حرفی زدم، درست یا نادرست. به قول آن‌مرد مؤمن آل‌فرعون که درباره‌ی حضرت موسی به‌درباریان نصیحت کرده، می‌گفت: چرا می‌خواهند کسی را که می‌گوید ارباب من خدا است بکشید، بگذارید حرفش را بزنند، اگر دروغ می‌گوید زیان آن‌را خودش خواهد چشید، اما اگر راست می‌گوید، وای به حال شما، از بلاهایی که خیر می‌دهد!^(۱)

من بیچاره که بعد از شش هفت‌ماه انتظار کشیدن نطق قبل از دستور و قرض کردن وقت از آقای صباغیان، به قول شما سکوت را شکسته، به حرف آمدم. نه زور و اسلحه‌ای در دستم بود، نه افسون و سحر کلام داشتم و نه قدرت دولتی و مقامی در اختیارم قرار داشت که به فرض سوءنیت و قصد خیانت کسی را وادار به خرابی و فساد کنم یا آتش و کشتاری به‌راه اندازم. پس این خشم و یورش ده بیست نفر نمایندگان سکوت حاکی از رضای جناب آقای رئیس برای چه بود؟

۱- و قال رجل مؤمن من آل فرعون یکنم ایمانه انتقلون رجلا ان یقول ربی الله و قد جاءکم بالبینات من ربکم و ان یک کاذبا فعلیه فعلیه کذبہ و ان یک صادقاً یصیبکم بعض الذی یمدکم ان الله لایهدی من هو مسرف کذاب. ﴿سوره مؤمن، آیه ۲۹ و ۳۰﴾

مردم را هم که می‌فرمایید اکثریشان با شما هستند و راه خود را یافته‌اند. با تمام کردن نطق که مچم بهتر باز می‌شد و رویم سیاه‌تر می‌شد! حرف‌هایم دامنه و بردی بیش از حدود امواج صوتی حنجره‌ام یا اف ام رادیوی دولتی نداشته، بدون آن‌که سروصدایی در مملکت و در دنیا به‌راه بیفتند، به‌زودی باد هوا می‌شد! آیا حق نبود همان‌طور که خواهش کرده بودم تا آخر گوش می‌دادند و آیا حق نیست شما هم این متن را در روزنامه بگذارید تا همگی ثابت کنید مسلمان پیرو قرآن، مشمول مژده‌ی خدا و هدایت‌یافته‌ی صاحب عقل هستید که فرمود: فبشر عبادالذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئکالذین هد سهم الله و اولئک هم اولوالالباب. من‌که جز ادب و احترام و دلسوزی برای همه کشته‌شدگان و برای انقلاب و ایران چیز بدی نگفته و بدی نخواستہ بودم.

اما قضیه به‌غوغای آن‌جلسه و خفقان این بنده ختم نشد. هنوز از کرسی خطابه پایین نیامده، سیم‌های روابط عمومی مجلس به‌کمیته اصناف بازار اتصال پیدا کرده، دو وانت جمعیت با پارچه‌های تعارف و تمنا، برای تظاهرات «طبیعی مردمی» به‌راه افتاد. تلویزیون نماز سر چهارراه و راه‌پندان را که با نطق‌های آتشین و شعارهای علیه افراد «ضد قرآن و ضد دین» به‌طرفه‌العین درست شده بود، پخش کرد. دو روز بعد در خطبه‌های نمازهای جمعه‌ی وحدت‌آفرین که باید ذکر خدا و استغفار باشد و دعوت به‌چنگ‌زدن دسته‌جمعی به‌ریسمان الهی برای خدمت و حق در جهت تهمت و تفرقه و تخاصم (که این همه امام منع کرده‌اند) فریادها بلند شد.

رسانه‌های گروهی و روزنامه‌های انحصاری (از جمله کیهان عزیز) از آسمان و ریسمان با پس و پیش‌کردن گفته‌های بنده در گذشته و با تحریف و ادعا، به‌خالی‌کردن عقده‌ها و پراکندن کینه‌ها پرداختند. گفتند و نوشتند و نوشتید که این‌بابا! اگر اهل نماز و مبارزه بوده است و به‌دعوت امام قبول خدمت و فداکاری کرده از کجا معلوم مثل سادات از اول مأمور نمک‌خواه‌انده آمریکا برای روز مبادا نبوده است، آزادیخواهی او از غرب‌زدگی است، ضد امام و ضد انقلاب است، فلان موقع در روزنامه‌اش انحلال مجلس را خواسته «کی برود» گفته، تا روز انقلاب اصرار می‌کرده است شاه حتماً سلطنت کند و یک‌کلمه از قانون اساسی جا به‌جا نشود و بعد از آن‌که مردم هزار هزار کشته شدند و شاه پا به‌رکاب فرار گذاشت، اعلامیه‌ی «شاه برود» را نوشت،

روزنامه‌ی میزان هم‌آهنگی با دفتر هماهنگی رئیس‌جمهور مملکت داشته و چرا طرفدار آزادی قلم بوده، جسارت به دولت‌مردان کرده، به مکتب‌ها نیش زده، آن‌ها و مجاهدین را فرزندان عزیز خوانده، نطق قبل از دستورش را به عوض دلسوزی به حال مردم و انقلاب و جمهوری چرا اختصاص به خوشحالی از ترور سادات نداشته است... و از این قبیل ایرادها که ارتباطی به آن نطق نداشت و تماماً در جهت لجن‌مال کردن و کینه‌توزی و انهدام و اعدام بر مبنای تضاد و تخاصم مارکسیستی است. بسیار طبیعی است که مملکت باید از وجود این قبیل اشخاص پاکسازی شود تا کسی سودای مبارزه و خدمت در راه آزادی و استقلال و اسلام در سر نپروراند.

بهتر است به جوایگویی اتهامات و اظهار نظرهایتان بر نیایم و به خوانندگان محترم کیهان احاله دهم. در آن چه مربوط به سوابق می‌باشد - که البته و ان شاء الله به قصد پاداش و جلب مشتری و مقام نبوده است - به کتاب‌ها و مقالات و عملیات و اعلامیه‌ها مراجعه نمایند؛ مثلاً ببینید آیا در آن زمان و شرایط که نهضت آزادی به تاسی از رهبر ملی، مصدق می‌گفت: در رژیم مشروطه سلطنتی، پادشاه سلطنت می‌کند نه حکومت. معنای این حرف چه بود؟ و چرا به جرم آن، مرحوم طالقانی و سایر نهضتی‌ها به حبس‌های ده سال و کمتر محکوم شدند و کسان دیگری از ملیون و روحانیون جرأت گفتن آن را نداشتند و آیا انقلابی‌ترین کلام نبود؟ هم‌چنین ملاحظه کنند که اعلامیه «شاه برود»، ۶ شهریور ماه ۱۳۵۷ نهضت آزادی بعد از کشتار فجع میدان شهدا بود یا چهار ماه قبل از فرار شاه در دی ماه ۱۳۵۷. در آن چه هم که مربوط به نطق قبل از دستور و القای شبهات و اتهامات بعد از آن می‌شود، عین نطق را از اول تا آخر ملاحظه کرده، خواهند دید چه گفته‌ام و چه خواسته‌ام...

والسلام علی من اتبع الهدی

مهدی بازرگان

مصاحبه‌ی هاشمی رفسنجانی با خبرنگاران داخلی درباره‌ی مذاکره با عراق. (۲۰ مهرماه ۱۳۶۰)

س - لطفاً نظر خود را در مورد رد یا قبول مذاکره با عراق بفرمایید.

ج - ما به هیچ وجه حاضر نیستیم که پیش از خروج نیروهای دشمن از خاکمان مذاکره‌ای بکنیم. صدام هنوز از مذاکره درباره‌ی اروندرود صحبت می‌کند و قصد دارد قبل از خروج از سرزمین‌های ما، اطمینان‌هایی پیدا کند، ولی ما به هیچ وجه حاضر به مذاکره در مورد اروندرود نیستیم و قرارداد سال ۱۹۷۵ برای ما معتبر است و باید اجرا بشود.

صدام برای خروج از بن‌بستی که خود درست کرده، به دنبال بهانه است و می‌خواهد از ما قول مذاکره و یا چیزی شبیه به آن بگیرد.

س - نظرتان درباره‌ی پیشنهاد اعلام صلح بدون قید و شرط صدام چیست؟

ج - از نظر من، در پیشنهادات «حبیب شطی» مطلب تازه‌ای دیده نمی‌شد و

در آن، فقط برخی تعبیرها و کیفیت و نوع برخورد تغییر کرده بود. تاکنون نیز این پیشنهاد به‌طور رسمی به‌ما اعلام نشده است، ولی اگر صدام، شخصاً با این پیشنهاد موافق باشد، طبیعاً باید از خاک ما بیرون برود. ما جلوی آن‌ها را نمی‌گیریم؛ در واقع آن‌ها هستند که جنگ را ادامه می‌دهند. ما جنگ نداریم و تنها دفاع می‌کنیم.

قرار شد که آقای موسوی - وزیر امور خارجه - متن کامل مطالب آقای «حبیب شطی» را به‌طور رسمی به‌شورای عالی دفاع گزارش کند تا به آن رسیدگی شود؛ اما در جلسه شب گذشته، تنها گزارش‌های آقای موسوی - که به‌تازگی از خارج بازگشته‌اند - مطرح شد و پیشنهاد «حبیب شطی» به‌طور رسمی عنوان نشد. فکر می‌کنم به این دلیل که در دستور جلسه قرار نگرفته بود، آقای موسوی تنها خلاصه‌ای از پیشنهادات ایشان را مطرح کرد.

س - بخشی از طرح «حبیب شطی» در مورد آتش‌بس و خروج نیروهای عراقی به‌طور همزمان می‌باشد. نظر شما چیست؟

ج - من شخصاً نمی‌توانم در این مورد نظر بدهم. این مسأله مربوط به شورای عالی دفاع است و این شورا باید تصمیم بگیرد. هم‌چنین، نظر امام نیز [که فرماندهی کل قوا هستند] باید جلب شود و اگر قرار بر انعقاد قراردادی باشد، باید مجلس آن را تصویب کند.

حرف ما تغییر نکرده و کماکان این است: بیرون رفتن متجاوز، شناسایی متجاوز و محاکمه آن، گرفتن خسارت و اجرای قرارداد الجزایر.^(۱)

پلیس عربستان سعودی با «باتوم» به حجاج ایرانی حمله کرد.

در پایان آخرین روز توقف زائرین خانه خدا در منا، صبح و بعد از ظهر پریروز، حجاج ایرانی در حرکت به سوی حجرات جهت زدن سنگ به شیطان، راه پیمایی باشکوهی انجام دادند که طی آن جانبازان انقلاب اسلامی به همراهی دیگر زائران بیت الله الحرام به نمایش سنگ زدن واقعی به شیطان بزرگ؛ یعنی آمریکا پرداختند.

براساس این گزارش در راه پیمایی صبح پریروز، پلیس سعودی در مقابل «جرمه بزرگ» با باتوم به راه پیمایان هجوم برد و ضمن وارد آوردن ضرب و شتم به عده‌ای از زوار، هشت نفر از ایرانیان را که ۵ زن در میان زنان بودند و چند سیاه پوست را که به صفوف راه پیمایان ملحق شده بودند، دستگیر کردند و در حال حاضر غیر از دو نفر بقیه دستگیر شدگان آزاد شدند.

این گزارش حاکی است: پلیس سعودی در این درگیری بدون هیچ نوع ملاحظه‌ای به حجاج حمله کرده و حتی چند پیرزن و پیرمرد را هم که مشخص نشده از کدام کشورند، مورد ضرب و شتم قرار داده است.

زائران ایرانی و دیگر زائران در طول این دو راه پیمایی که عکس‌هایی از امام خمینی رهبر

انقلاب اسلامی و پرچم جمهوری اسلامی ایران را با خود حمل می‌کردند. شعار می‌دادند: «لا اله الا الله، محمد رسول الله»، «اسرائیل و آمریکا عدو الله»، «لا شرقیه - لا غربیه، جمهوری اسلامی»، «پایها المسلمین! اتحده اتحده»، «الله واحد، خینی قائد».

بنا به همین گزارش، در صبح روز عرفات نیز راه پیمایی مشابهی توسط حجاج ایرانی در صحرای عرفات انجام گرفت که طی آن مسلمانان جهان نظاره گر فریاد و خروش امت اسلامی ایران علیه جهانخواران به‌ویژه رژیم اشغالگر قدس و آمریکا بودند.

براساس یک آمارگیری رسمی از طرف مقامات سعودی امسال مسلمانان ۷۲ کشور از پنج قاره جهان شرکت داشتند.

بنابه همین آمار، بیشترین زوار به ترتیب از کشورهای: نیجریه، مصر و جمهوری اسلامی ایران بودند.

به گزارش خبرنگاران اعزامی خبرگزاری پارس با کوشش پیگیر سفارت جمهوری اسلامی ایران در جده کلیه زائرین ایرانی خانه‌ی خدا که قبل از مراسم حج به وسیله‌ی مأمورین پادشاهی سعودی دستگیر شده بودند قبل از آغاز مراسم و اعمال حج، آزاد و موفق به انجام مناسک حج شدند. بنابر همین گزارش، تعداد دستگیرشدگان ایرانی ۴۷ نفر بود که ۱۶ نفر از آنان را بانوان تشکیل می‌دادند.

بنابر همین گزارش، آزاد شدن زندانیان ایرانی موجبات تعجب و تحسین سایر زندانیان را فراهم آورد و تا حدی که زندانیان هنگام آزاد شدن دستگیرشدگان ایرانی یک صدا فریاد می‌زدند: «زنده باد خمینی».

براساس این گزارش، اعتبار و نفوذ سفارت جمهوری اسلامی در جده سبب تعجب دیپلمات‌های خارجی در این شهر نیز شده است.^(۱)

رئیس جمهور در مجلس سوگند یاد کرد.

در جلسه علنی امروز مجلس شورای اسلامی، حجت الاسلام والمسلمین سیدعلی خامنه‌ای رئیس‌جمهوری، مراسم تحلیف به‌جای آورد.

در این جلسه که ساعت ۸:۳۰ دقیقه‌ی صبح به‌ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی و با تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید آغاز شد، ابتدا ناطق پیش از دستور، آقای کاشانی نماینده‌ی قمصر و کاشان درباره‌ی تنفیذ ولایت فقیه از سوی امام و از اعتماد امام نسبت به‌مجلس و نیز در قسمتی راجع به‌سخنان بازرگان و عکس‌العمل نمایندگان سخنانی ایراد کرد.

سپس آقای هاشمی رفسنجانی درباره‌ی پاسخ امام به‌نامه‌ی ایشان، آن‌را نشانه اعتماد امام به‌مجلس شورای اسلامی دانست. وی این اعتماد را سپس به نمایندگان و ملت شریف ایران تیریک گفت و از امام بزرگوار تشکر کرد. وی هم‌چنین تأکید کرد که امام، مجلس شورای اسلامی را برای اظهار نظر و تشخیص موضوعات اساسی در اداره‌ی کشور، صالح می‌دانند.

وی به‌عنوان رئیس مجلس گفت: ما به امام اطمینان می‌دهیم که در مسیر اجرای قانون اسلام استفاده صحیحی بنماییم، و مجلس تصمیم دارد و ثابت کرده، خواهان اجرای کامل اسلام است و مجلس حاضر نیست چیزهایی را که با تشخیص افرادی ممکن است به‌ذائقه

۳۱۲ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

کسانی خوش بیاید به عنوان اسلام عرضه کند و حاضر نیست که به گوشه‌ای از اسلام خدشه وارد کند.

ما وظیفه خودمان را برای پیاده کردن اسلام راستین می‌دانیم و این اعتماد بسیار عظیم امام، وظیفه‌ی ما را سنگین تر کرده است. ما اگر به عنوان قانونگذار تا به حال کاری کردیم، الآن مسؤولیت بسیار بزرگ تری داریم. خدای ناکرده اگر به افراط و تفریط چیزی در افکارمان کشیده شده یا چیزی را به مردم عرضه کنیم که از اسلام انحراف داشته باشد، مسؤولیت بسیار بزرگی را متحمل شده‌ایم؛ و پیش خداوند مسؤول هستیم و باید پاسخگو باشیم. امیدواریم که بتوانیم در عمل ثابت کنیم متعهدیم و به کلیات و جزئیات فقه و اصول اساسی اسلام احترام می‌گذاریم و اجازه نمی‌دهیم کسی از وادی اصیل اسلام منحرف بشود. رئیس مجلس به مطبوعات و اهل قلم و آن‌ها که تربیونی در اختیار دارند و به عنوان اسلام و انقلاب می‌خواهند حرف بزنند یا عمل کنند توصیه کرد که امام در آن ذیل فرمودند که به متصدیان اجرا گوشزد شود که اگر چنانچه از مقررات تعیین شده عدول کنند مجرم شناخته می‌شوند و باید تعزیر شوند. وی سپس به طور کلی به تجربیات شورای انقلاب و مواد خلاف مجریان اشاره کرد و گفت: تصمیماتی که مجلس می‌گیرد با نهایت دقت ضوابط را رعایت می‌کند عناوین اولیه و ضرورت‌ها و حرج‌ها را در نظر می‌گیرد و با بحث‌های فراوان، ان شاء الله به نقاط صحیحی خواهد رسید. و در مورد اجرا هم از الآن ما تذکر می‌دهیم که مواظب باشند و خود را آماده کنند برای انضباط.

مراسم تحلیف

آقای هاشمی سپس در مورد ایجاد جوّی که بهانه به دست دشمنان بدهد به مطبوعات تذکر داد و در پایان درباره‌ی انتخابات و رأی بیش از ۱۶ میلیون به آقای خامنه‌ای گفت: ما بسیار خوشحالیم که با آرای مردم می‌توانیم به راهی که داریم، ادامه دهیم.

سپس مراسم تحلیف رئیس جمهوری در مجلس با حضور رئیس دیوان عالی کشور و رئیس دولت و وزرای کابینه و اعضای شورای نگهبان و جمعی از جانبازان انقلاب و خانواده شهدا آغاز شد.

آقای خامنه‌ای در قسمتی از سخنان خود هنگام سوگند یادکردن گفت: امروز این مراسم برای برادر مخلص شما از این جهت هیجان‌انگیز است که در حقیقت بر زبان آوردن و تصریح کردن چیزی است که به‌طور طبیعی با کاندیدا شدن برای ریاست جمهوری و قبول این مسئولیت بر دوش او وجود داشته و سنگینی می‌کرده است و بالخصوص از این جهت این مراسم هیجان‌انگیز است که جامعه ما از صدر تا ذیل در طول این دو سال و نیم؛ مخصوصاً در طول یک‌سال اخیر صحنه‌ای از وفای به عهدها را مجسم کردند و ترسیم افتخارآمیزی در مقابل چشمان ما دائماً قرار دارد. واقعاً درست است این آیهی من المؤمنین رجلا صدقوا ما عاهدوا لله علیه.

وفای به عهد و پیمان آن‌هم به‌چنین شکل خونین مخصوص طبقات پایین جامعه ما نشد. همه‌جا طبقات بالا از درگیری با مشکلات بزرگ جان‌ستان و زندگی‌گیر معاند فرماندهان معمولاً کمتر در جنگ‌ها شهادت نصیبشان می‌شود، سران و بزرگان و پیشروان کشور کمتر معمولاً دچار حوادث سخت و خونین می‌شوند. در جامعه ما این‌طور نبود، ما افتخار می‌کنیم کسی مانند آیت‌الله شهید بهشتی را در میان شهدای خود می‌بینیم، این چیز کمی نیست.

افتخار می‌کنیم تعدادی از وزرا و نیز نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور و نمایندگان مردم شهید دادیم، این نشان می‌دهد وفای به عهد مخصوص قشر خاصی نبوده است. حالا در چنین جوئی با چنین عشقی و با این شور صدق در عمل به پیمان و عهد، بنده به‌عنوان رئیس‌جمهور در مقابل یک ملت، متعهد و مسؤولم.

امروز در مقابل شما که نمایندگان آن ملت هستید، می‌خواهم در الفاظ مشخصی به‌زبان آورم. این بسیار مهم و اساسی است. اولاً بنده به‌عنوان یک متعهد، وظایفی را به‌عهده می‌گیرم که این وظایف را متن قانون اساسی مشخص می‌کند، ثانیاً به‌مقتضای فرمایش علی‌امیرالمؤمنین علیه السلام حق دو طرفی است. شما که نمایندگان ملت هستید، حقوقی را به‌عهده می‌گیرید و من بدان اشاره می‌کنم.

حق ملت بر من این است که من به‌اعتمادی که مردم به‌من سپردند، پاسخ مقتضی دهم، باید ببینیم که مردم به‌شخص مشخصی به‌نام خامنه‌ای رأی دادند یا به‌یک جریان رأی دادند؟ واضح است که به‌یک شخص رأی نمی‌دهند، بلکه به‌یک جریان رأی می‌دهند. این جریان در

۳۱۴ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

وجود یک روحانی مبارز و علاقه‌مند به مبارزه و دست‌اندرکار به انقلاب و متعهد به اصول اسلام رأی دادند و به روحانیت که رأی می‌دهند به اسلام رأی داده‌اند.

رأی به روحانیت، رأی به استقلال و هویت اسلامی این انقلاب است و رأی به کور کردن خطوط انحرافی تحت هر نامی در این انقلاب است.

وی سپس به حق نمایندگان که ارشاد و هدایت رئیس‌جمهور باشد، اشاره کرد. پس از سخنان رئیس‌جمهور مراسم قرائت سوگندنامه در حضور رئیس دیوان عالی کشور انجام گرفت.^(۱)

**مصاحبه‌ی وزیر امور خارجه با نیویورک تایمز:
حکومت ما از پشتیبانی مردم برخوردار است
و ضرورتی برای پنهان‌کاری ندارد.**

مهندس موسوی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی که برای شرکت در سی و ششمین اجلاس سالانه‌ی مجمع عمومی سازمان ملل به نیویورک سفر کرده بود، در پنجمین روز اقامت خود در این شهر در یک مصاحبه اختصاصی با روزنامه‌ی نیویورک تایمز درباره‌ی اوضاع داخلی ایران و آمار اعدام‌شدگان سؤال کرد. مهندس موسوی در پاسخ با تأکید بر وجود ثبات در داخل کشورمان درباره‌ی ترور شخصیت‌های ایران گفت: این مسأله پدیده‌ای است که نشان می‌دهد اقلیتی در مقابل مردم قرار گرفته‌اند و عوامل نفوذی آنان با رخنه در دستگاه‌های دولتی به این‌گونه اعمال دست می‌زنند و برعکس حرکت عمیق مردم ایران، این یک پدیده گذراست.

وزیر امور خارجه کشورمان درباره‌ی قسمت دوم سؤال گفت: دولت جمهوری اسلامی ایران به‌طور رسمی آمار اعدام‌شدگان را اعلام می‌کند و مانند بعضی از رژیم‌ها، حکومتی در ایران حاکم نیست که کسانی که مجازات می‌شوند مجازاتشان از نظر

مردم پنهان بماند، بلکه حکومت ما از پشتیبانی مردم برخوردار است و ضرورتی برای پنهان کردن این گونه مسایل وجود ندارد. خبرنگار نیویورک تایمز در ادامه‌ی مصاحبه گفت: در ایران چندین ده هزار نفر اعدام شده‌اند.

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در پاسخ گفت: اصولاً اگر ما می‌خواستیم چنین کشتارهایی انجام بدهیم، انقلاب صد در صد شکست می‌خورد و این شایعه‌ای بیش نیست. وی افزود: هرکس در ایران مجازات شود بلافاصله مشخصات وی، جرایم و تمام ویژگی‌هایش اعلام می‌شود. در رژیمی که مطابق رقم شما آدم بکشند، مردم آن کشور نمی‌توانند بپایند و در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کنند و نسبت به سابق آرای بیشتری به رئیس‌جمهوری جدید بدهند و عملاً چنین کشتاری مردم را از صحنه‌ی سیاسی خارج می‌کند، در صورتی که ما روزبه‌روز مواجه به گسترش شرکت مردم در امور سیاسی هستیم و به‌عنوان مثال می‌توان شرکت گسترده مردم را در تشییع جنازه‌ی آقای رجایی و دکتر باهنر ذکر کرد که تلویزیون‌های اروپا گوشه‌ای از این صحنه را نمایش دادند و این صحنه به‌خوبی نشان‌دهنده‌ی روحیه و استواری مردم است.

انعکاس اخبار ایران

مهندس موسوی درباره‌ی انعکاس اخبار ایران در خارج از کشور گفت: متأسفانه مسایل ایران را آژانس‌های خبری بین‌المللی، و دیگر رسانه‌ها در اروپا و آمریکا قلب شده، منعکس می‌کنند که حتی مشکلاتی را هم برای خود آنان در ایران به‌وجود آورده است.

وزیر خارجه ایران برای مثال مخابره و انعکاس اخبار ایران توسط خیرگزاری رويتر را نام برد که ظرف یک‌ماه در ۴۰ مورد اخبار ایران را قلب کرده است.

مهندس موسوی در ادامه‌ی سخنانش افزود: من خود روزنامه‌نگار هستم و سردبیر و پایه‌گذار روزنامه‌ی جمهوری اسلامی بوده‌ام و نسبت به مسایل خبری حساسیت دارم، ولی این آژانس‌های مطبوعاتی تاکنون برخلاف حقیقت گام برداشته‌اند، و مجدداً به‌عنوان مثال می‌توانم بگویم که خبرگزاری فرانسه در مسافرتی که به بنغازی کرده بودم خبری را مخابره کرد که من در آن‌جا اعلام کرده‌ام: جنگ عراق علیه ایران، جنگ عرب‌ها و فارس‌ها است در

حالی که نه تنها من بلکه هیچ فرد ایرانی به خودش اجازه نمی‌دهد که چنین مسأله‌ای را عنوان کند.

خبرنگار نیویورک تایمز گفت: ما نمی‌توانیم قربانی اشتباهات دیگران شویم. مهندس موسوی در پاسخ گفت: جو ایران در مجموع باید نسبت به رسانه‌های غربی و بعضی نشریات، دگرگون شود تا امکان بازگشت و فعالیت خبرنگاران غربی به وجود آید. جو کنونی ایران به خاطر قلب اخبار ایران، علیه خبرنگاران غربی؛ به ویژه خبرنگاران آمریکایی بسیار تند است، ولی خبرنگاران ژاپنی که نسبتاً بی‌طرف هستند، در ایران فعالیت می‌کنند. هم چنین فرانس پرس نیز با این که بعضی از اخبار را قلب می‌کند، اما چون این مسأله شدید نیست در ایران به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

حذف مخالفین؟

خبرنگار نیویورک تایمز سؤال کرد: اگر حکومت ایران از حمایت مردم برخوردار است، چرا سعی می‌کند مخالفین خود را از صحنه خارج کند؟ وزیر امور خارجه ایران در پاسخ گفت: انقلاب ایران متکی به نیروهای خارجی نیست و در این انقلاب یک خط اساسی وجود دارد که توده‌های مردم به آن عقیده دارند و گروهی به خاطر انحصارطلبی و در دست گرفتن قدرت از راه اسلحه خواستند در برابر این حرکت بایستند و مسلم است که در مقابل کشتار زن و بچه، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر انقلاب ما نمی‌تواند ساکت بماند و ما برای حفظ و حراست انقلاب خود حاضریم بیش از آنچه شهید داده‌ایم، قربانی بدهیم و ترجیح می‌دهیم که مبارزه ادامه یابد تا این انقلاب بماند و برای استمرار انقلاب، طبیعی است که هر گروه و یا دسته‌ای بخواهند با حرکت مسلحانه در مقابل انقلاب بایستند از بین خواهند رفت و این پدیده‌ای طبیعی در مقابل انقلاب عظیم اسلامی ایران است.

فعالیت احزاب و گروه‌ها

مهندس موسوی درباره‌ی فعالیت احزاب و گروه‌ها در ایران به خبرنگار نیویورک تایمز

گفت: براساس قانون اساسی ما اگر گروه‌ها و احزاب به این قانون احترام بگذارند و توطئه و اقدام مسلحانه انجام ندهند در کشور ما آزاد هستند و این آزادی به حدی است که حتی می‌توانند از تلویزیون دولتی استفاده بکنند؛ و نمونه‌اش را می‌توان مناظره‌های آزاد فداییان خلق (اکثریت) و حزب توده در تلویزیون ایران دانست و سایر گروه‌ها که با خط اصلی هم همگام نیستند، مثل گروه دکتر پیمان نیز توانستند شرکت کنند. هم چنین بارها از گروهی که هم‌اکنون حرکت مسلحانه انجام می‌دهد، خواسته شد که نماینده‌ی خود را برای شرکت در مناظره‌ی تلویزیونی معرفی، و براساس قانون اساسی حرکت بکنند.

وی افزود: حتی بعد از توطئه‌های مسلحانه این گروه، به آن‌ها گفته شد اگر اعلام بکنند که جنگ مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی نمی‌کنند و اسلحه را کنار بگذارند و از راه‌های سیاسی وارد شوند، می‌توانند آزادانه نشریات خود را منتشر کنند و فعالیت‌های سیاسی خود را به راحتی انجام دهند و حتی نماینده‌هایی به مجلس بفرستند، ولی متأسفانه آن‌ها با اسلحه و از راه بمب‌گذاری و انفجار وحشیانه در خیابان‌ها، میادین و مساجد، به میدان آمدند.

خبرنگار نیویورک تأمیز درباره‌ی فعالیت آزاد حزب توده گفت: چون این حزب از حزب جمهوری اسلامی پشتیبانی می‌کند، آزاد است؟

مهندس موسوی در پاسخ گفت: خیر! فقط حزب توده نیست که فعالیت می‌کند، بلکه فداییان خلق اکثریت نیز هستند و جنبش مسلمانان مبارز که خطش مقابل خط حاکم است، نیز آزاد است و حتی رهبر آنان با شهید بهشتی نشستند و بحث کردند، و یک شاخه از مجاهدین خلق به نام نهضت مجاهدین خلق هم در ایران فعالیت دارند.

خبرنگار نیویورک تأمیز سؤال کرد: اگر شما به مقابله زور با زور باور دارید، به عنوان مثال اگر دولت آمریکا بیاید در این‌جا شما را گروگان بگیرد، خوب است یا بد؟

آقای موسوی در پاسخ گفت: مسأله این است که شرافت ما و آزادی ما بستگی به این انقلاب دارد. ما بعد از مدت‌ها رنج و مصیبت و ضربه خوردن از رژیم‌های وابسته به غرب و امپریالیسم، خودمان را آزاد کردیم و این آزادی را که برای ما بسیار پرهیاست به سادگی از دست نمی‌دهیم و حاضریم در راه تأمین این آزادی و شرافت انسانی، خود را فدا بکنیم و اصولاً مسأله‌ی مرگ و حیات انقلاب برای ما مطرح است.

مسأله‌ی گروگان‌ها

از مهندس موسوی سؤال شد: اگر به عقب بازگردیم و به مسأله‌ی گروگان‌ها نگاه کنیم، شما اکنون آن را یک اشتباه می‌دانید، یا یک کار مثبت؟

وی در پاسخ گفت: عمق این عمل و معنای آن شاید سال‌ها به طول انجامد تا در جهان غرب احساس بشود. به‌طور کلی مسأله‌ی گروگان‌گیری به دلیل عملکرد نادرست سفارت آمریکا در ایران صورت گرفت و همان‌طوری که امام خمینی فرمودند: «شروع یک انقلاب دوم بود!» و عملاً بعد از آغاز این مرحله از انقلاب هست که ما می‌توانیم دقیق‌تر هویت اصلی و اسلامی خودمان را احساس بکنیم و دقیقاً بعد از این عمل است که ما احساس می‌کنیم دیگر خرگوش آزمایشگاهی در زیر تیغ مستشرقین و دانشمندان غربی و تمدن غربی نیستیم و بعد از این عمل است که ما چشم در چشم قدرت‌های بزرگ می‌اندازیم و احساس می‌کنیم که ما نیز می‌توانیم راجع به تمدن‌های دیگر و قدرت‌های دیگر به قضاوت بنشینیم و در مورد آن‌ها ارزش‌گذاری و ارزیابی بکنیم.

وی افزود: اتفاقات سیاسی که بعد از گروگان‌گیری در ایران به وجود آمد، منجر به برکناری طبیعی جناح متمایل به آمریکا در ایران شد و این یکی از نتایج گروگان‌گیری است، بنابراین معنای این مسأله در انقلاب ما بسیار عمیق است و از ابعاد گوناگون و گسترده آن در زمینه‌های سیاسی - فرهنگی و معنوی می‌توانیم صحبت کنیم و این ابعاد هیچ‌گاه قابل ارزیابی با مسایل مادی نیستند.

مهندس موسوی هم چنین افزود: ما به همه ملت‌ها حق می‌دهیم که اگر دیپلمات‌های ما نیز کارهایی را که دیپلمات‌های آمریکایی در ایران می‌کردند، انجام دادند، در مورد آن‌ها همان اقدام ما را معمول دارند.

وی افزود: این مسأله از جنبه‌ی فردی مطرح نیست، بلکه وقتی به مسأله‌ی گروگان‌ها نگاه می‌کنیم، در یک جنبه یک مورد انسانی تلقی می‌شود، چون به مسأله‌ی شخصیت گروگان‌ها برمی‌گردد، ولی مسأله‌ی دوم بازگشت به نظام آمریکایی است که یک نظام تجاوزگر است و به خودش حق می‌دهد که آزادانه برای منافع دولت آمریکا دست به اعمال غیرقانونی بزند و طبیعی است که این عمل «گروگان‌گیری» به هیچ وجه متوجه آن جنبه انسانی قضیه نبوده، بلکه

۳۲۰ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

متوجهی محکومیت یک نظام تجاوزگر بوده است.

مسأله‌ی مجاهدین یا مسأله‌ی کردستان

خبرنگار نیویورک تایمز سؤال کرد: مسأله‌ی مجاهدین بیشتر شما را نگران کرده یا

مسأله‌ی کردستان؟

وزیر امور خارجه کشورمان پاسخ داد: مسأله‌ی کردستان برای ما تقریباً در حال پایان یافتن است و آن‌ها آخرین پایگاه‌هایشان را نیز از دست داده‌اند.

وی افزود: مسأله‌ی مجاهدین تا شش ماه قبل حتی می‌توانست به صورت یک آلترناتیوی مطرح شود، به دلیل تظاهرات مذهبی که آن‌ها داشتند و با آن تظاهرات مذهبی می‌توانستند پایگاهی در میان مردم داشته باشند، و با از دست دادن پایگاهشان در میان مردم و انفجارات اخیر که توسط عوامل نفوذی‌شان در دستگاه حکومتی انجام گرفت، ما احساس می‌کنیم در آینده شاید توسط همین عوامل ضرباتی به ما زده شود، ولی چون شبکه‌ی آن‌ها کاملاً از هم پاشیده شده این ضربات برای ما خطر جدی نمی‌تواند داشته باشد و به‌طور کلی مجاهدین خطری برای سیستم حکومتی ما نیستند.

وزیر امور خارجه با اشاره به شهادت آیت‌الله مدنی در تبریز گفت: این مسأله باعث شد که بقایای حزب خلق مسلمان در آذربایجان به‌طور کامل ریشه‌کن شود.^(۱)

حجت الاسلام والمسلمین رفسنجانی به تروریست‌های اقتصادی اخطار کرد.

نماز وحدت‌آفرین عبادی - سیاسی جمعه‌ی این هفته، هم‌چون جمعه‌های پیش به امامت حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی امام جمعه‌ی موقت تهران، در میعاد دین و دانش (دانشگاه تهران) برگزار شد.

سخنران قبل از خطبه‌های نماز آقای دکتر ولایتی نماینده‌ی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی بود.

در ابتدای شروع مراسم این هفته، آیاتی از کلام‌الله مجید قرائت و سپس به مناسبت عید سعید غدیر، قطعه شعری قرائت شد. آن‌گاه چند بیت در مدح حضرت علی علیه السلام خوانده شد که توسط نمازگزاران تکرار شد، پس از آن، گروه هنری حزب‌الله به مناسبت عید سعید غدیر، سرودی اجرا کرد.

آقای ولایتی نماینده‌ی مردم تهران در مجلس، عید غدیر خم را تبریک گفت و آرزو کرد در سایه‌ی ولایت مولای بزرگمان حضرت علی علیه السلام، بتوانیم این انقلاب اسلامی را به رهبری، رهبر بزرگمان و تأییدات خداوند متعال، به سمت پیروزی ببریم و آن‌را ان‌شاء‌الله ملت ما و ملت

اسلام به حکومت عدل حضرت مهدی علیه السلام متصل بگردانند. وی افزود: در یکی دو هفته‌ای که گذشت، ملت ما به حمد الله به یکی از پیروزی‌های درخشان و چشمگیر خویش نائل آمد و آن انتخاب رئیس جمهوری مکتبی، مبارز، مخلص، متواضع و از شاگردان به نام امام بود. رأی قاطع و بسیار غرورانگیزی که ملت ما به جناب حجت الاسلام سیدعلی خامنه‌ای داد، مشت محکمی بود به دهان یاوه‌گویان. وی افزود: در حال حاضر ما باید در دو جهت عنایت داشته باشیم: یکی در داخل و دیگری در خارج از کشور. در داخل کشور، مسایل موجود را باید یکی پس از دیگری و هرچه زودتر حل کرد، برای این‌که هرچه در حل مسایل موجود تعلل بکنیم، ضایعاتی که در آتیه پیش می‌آید، جبران‌ناپذیر است. اولین مسأله، تأمین امنیت است. باید مردم و دست‌اندرکاران مملکت که همین ۳۶ میلیون نفر هستند، تلاش کنند تا این امنیت که کم و بیش برقرار شده، پابرجا بماند.

برای حصول به یک چنین مقصدی، حتی باید تمرکز اطلاعات و اقدامات و امکانات در جهت سازماندهی واحد عمل شود. باید از پراکنده‌کاری و تشتت در امر امنیت پرهیز کرد. باید نهادهای انقلابی و کمیته‌ها را تقویت کرد و در طریق صحیح سوق داد. باید سپاه پاسداران، بخش‌های مربوط به حفاظت و اطلاعات و امنیت خویش را تقویت کند. ما خواستاریم و امیدواریم که در جهت تأمین امنیت، تلاش‌های بیشتر و منسجم‌تری بشود.

آموزش‌های اسلامی

دکتر ولایتی در ادامه‌ی سخنان خود به مسأله‌ی آموزش‌های اسلامی در مدارس و دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی اشاره کرد و گفت: باید خمیرمایه‌ی آموزش‌ها، تعلیمات اسلامی باشد. امر آموزش مسایل ایدئولوژی و اعتقادی را باید جدی گرفت.

سومین مسأله بنیه دفاعی کشور باید پیش از پیش تقویت شود و آن هم با تکیه بر نیروهای انسانی و ایمان ملت اسلامی ما امکان‌پذیر است. باید تلاش کرد تا زن و مرد در دفاع از خود و اسلام و کشور اسلامی سهیم باشند و باید در ارتقای کمی و کیفی بسیج اقدام شود. ما از سپاه پاسداران می‌خواهیم که در امر توسعه‌ی بسیج کوشش کنند، تا بسیج ۲۰ میلیونی تحقق واقعی یابد.

نکته‌ی چهارم مسأله‌ی اقتصادی است. حکومت و دست‌اندرکاران خدمت باید به‌ندای این مردم در جهت برقراری قسط و عدالت پاسخ بدهند. کارهای انجام شده کافی نیست و باید وسعت یابد. جامعه ما دیگر محتکر و سفته‌باز را در بین خود تحمل نخواهد کرد. مردم ما خواستار یک اقتصاد اسلامی و برخورداری از یک حداقل زندگی رفاهی هستند.

اقدامات دولت در مورد امر توزیع کالا، عادلانه و خوب است. باید کوشش نمایند امکانات حیاتی که برای زندگی این مردم لازم است از اختیار زالوصفتانی که در کمین نشسته‌اند، خارج شود. باید امکانات حیاتی ملت از دسترس این‌ها دور باشد. ما خواستاریم که این اقدامات اقتصادی دولت در جهت صحیح‌تر ادامه یابد.

مسأله‌ی مالکیت

وی افزود: در اسلام مالکیت محترم است، اما افراد باید وجوهات شرعیه خود را بدهند و بر حکومت است که اگر نداده‌اند، پستانند. دکتر ولایتی هم‌چنان گفت: حدود مالکیت بسیار دقیق و حساس است. باید به‌دست خبرگان مشخص شود تا ملت تکلیف خودش را بداند. خوشبختانه امام در مورد ضروریات و مسائل، مشکل‌گشا خواهند بود و مجلس شورای اسلامی با توجه به‌بافت و ترکیبی که دارد و عملکردی که در عرض این‌مدت داشت، نشان داد که خواستار اجرای احکام اسلامی است.

مسایل بُعد جهانی انقلاب

دکتر ولایتی سپس در ادامه‌ی سخنانش، مسایل مربوط به‌خارج از کشور و یا بُعد جهانی انقلاب را مورد بررسی قرار داد و گفت: صدور انقلاب اسلامی غیر از صدور کالا است. نزدیک سه سال است که از انقلاب می‌گذرد. آثاری که در خارج از کشور مشاهده می‌شود، نشان می‌دهد که انقلاب ما صادر شده است و برآنیم که گام‌های دیگر را بییماییم. از مناطق بسیار مهمی که انقلاب ما صادر شده و بنا داریم بیش از پیش توجه داشته باشیم، منطقه‌ی خاورمیانه است. این منطقه به‌لحاظ سیاسی و استراتژیکی، مهم‌ترین منطقه‌ی عالم است. لذا طبیعی است کوچکترین حرکتی که در این منطقه انجام شود، تعادل جهانی را برهم می‌زند، لذا

مخالفین اسلام تلاش کرده و می‌کنند که دست مسلمین را از این منطقه کوتاه کنند. مخالفین اسلامی برای جلوگیری از هر انقلابی، اسرائیل را در این منطقه به‌وجود آوردند. آن‌ها وطن‌پرستی را به‌شکلی که در مقابل اسلام پایستند، توسعه دادند، کمونیسم را در این منطقه به‌وجود آورده و تقویت کردند که اسلام از این منطقه رخت برهنده. گذشت زمان نشان داد که تمام کوشش‌های آنان برای جایگزینی اسلام در این منطقه نتوانست پا بگیرد. این‌ها باید بدانند امت عرب از امت اسلام جدا نیست و این جداسازی یک توطئه‌ی استعماری است. وی افزود: آیا این ننگ نیست که ۳ میلیون اسرائیلی به‌یک میلیارد مسلمان جهان زور بگویند.

وی تأکید کرد: راه نجات امت اسلام، بازگشت به اسلام است. راه نجات نهضت‌های آزادی‌بخشی که به‌غیر از اسلام راهی می‌جویند، برای پیروزی بر دشمن غاصب، تنها راه اسلام است. خوشبختانه انقلاب اسلامی ما صادر شده است و آثار آن در ممالک همسایه قابل لمس است.

خطبه‌ی اول نماز جمعه

حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی در خطبه‌های نماز خود، به‌دنبال بحث دوهفته‌گذشته خود در مورد قانون و ضمانت اجرایی آن سخن گفت و به‌وجود سه وسیله‌ی اساسی برای ضمانت اجرای قانون؛ یعنی زور، دانش و ایمان اشاره کرد.

وی سپس در مورد این سه وسیله‌ی ضمانت اجرای قانون، به‌تفصیل توضیحاتی داد و گفت: وسیله‌ای که بیشتر در مکتب انبیاء روی آن تکیه شده، ایمان است. وی گفت: البته از نظر اسلام هر سه وسیله اجرای قانون، پذیرفته می‌باشد و وقتی در نظام کیفری اسلام قطع دست، دزد، اعدام محارب، شلاق‌زدن زناکار وجود دارد، پیدا است که وسیله‌ی زور را نیز پذیرفته است، ولی واقعیت این است که اسلام مایل نیست که زور، عمومی‌ترین وسیله اجرای قانون باشد، زیرا اولاً زور وسیله‌ی عامی برای اجرای قانون نیست، ثانیاً «زور» بیشتر در محیط حیوانات و انسان‌های غیرمتمدن است. علم را هم نمی‌توان وسیله‌ی عام اجرای قوانین به‌حساب آورد و نمی‌تواند ضامن اجرای همیشگی قانون باشد، ولی ایمان، قطعی‌ترین

وسیله‌ی ضمانت اجرای قانون است و بهترین مثال جامعه‌ی مؤمن نیز جامعه‌ی خود ما است. امام جمعه موقت تهران، آن‌گاه به‌مسأله‌ی جنگ‌زدگان اشاره کرد و گفت: یکی از معجزه‌های انقلاب اسلامی ایران، اداره‌ی جنگ‌زدگان است که با مقایسه همه معیارهای موجود دنیا، کار فوق‌العاده‌ای است.

عراق، آمریکا و دشمنان داخلی ما روی مسأله‌ی جنگ‌زده‌ها، به‌عنوان بمب عظیم مغرب ساعتی حساب کرده بودند و محاسبه می‌کردند که با گرفتن شهرها، مردم این شهرها وقتی پراکنده و بی‌خانمان شدند، در جامعه می‌ریزند و آن‌را منفجر می‌کنند. حساب می‌کردند که ضدانقلاب وارد آن‌ها می‌شود و آن‌ها را به تظاهرات و تحصن می‌کشاند و جامعه را متزلزل می‌کند و شروع هم کردند. مجاهدین، پیکاری‌ها و فداییان اقلیت، به‌میان آن‌ها رفتند که از بین آن‌ها سرپاگیری کنند، ولی این بمب ساعتی که به‌کار گرفته بودند، به‌خوبی مهار شد و برعکس وسیله‌ای شد برای ادامه‌ی جنگ. آن‌ها می‌خواستند از اردوگاه‌های آوارگان محل فساد و بی‌عفتی بسازند، در حالی‌که امروز محل تربیت بچه‌ها شده است. این بچه‌ها با همه فقر و کمبودی که در اردوگاه‌ها دارند، به‌عاملی برای پیشبرد انقلاب و ادامه‌ی جنگ تا پیروزی تبدیل شده‌اند. در این موضوع سه عامل وجود دارد که یکی از آن‌ها ایمان مردم است. مردم پذیرفته‌اند که از جنگ و در انقلاب محرومیت‌ها را باید تحمل کرد. عامل دیگر خود مردم و کمک‌های آن‌ها است. عامل سوم مسئولان جنگ هستند که همیشه برای حل مشکلات راه می‌افتند و علاقه‌مندی خود را به انقلاب نشان می‌دهند و خانواده‌های معلول‌دار و شهید و مجروح‌داده، بهترین پشتوانه‌های انقلابند.

تروریسم و برخورد با آن

امام جمعه موقت تهران سپس به‌مسأله‌ی تروریسم و برخورد با تروریسم اشاره کرد و گفت: تروریست‌های داخلی از سه وسیله؛ یعنی ایمان، اطلاع و ترس، محروم بودند. ایمان نداشتند زیرا مخالف انقلاب و همه نهاد‌های انقلابی بودند. بی‌اطلاع بودند چون گردانندگان گروهک‌ها مانع مطلع شدن بچه‌ها می‌شدند و قبل از این‌که زور به‌کار رود، این‌ها هرکاری که می‌خواستند انجام می‌دادند. این‌ها اگر ارشاد نشدند، معقول نیست که توقع داشته باشیم که

به آنها اجازه داده شود که آنارشیست‌بازی در مملکت درآوردند. البته بعد از سرکوبی این تروریست‌ها، نوبت تروریست‌های اقتصادی است. پس اگر تروریست‌ها ارشاد نشدند، باید متوسل به سومین وسیله‌ی اجرای قانون که همان زور و ترس است، شد. امیدوارم این بچه‌ها از این به بعد طوری رفتار کنند که دادگاه‌های ما با تنبیه‌های کوچک‌تر هم بتوانند مسأله را حل کنند و احتیاجی به اعمال آخرین حد آن نباشد.

برنامه‌ریزی‌های دولت جدید

امام جمعه موقت تهران در قسمت دیگری از سخنان خود به ضرورت وجود آمار در کشور اشاره کرد و گفت: دولت جدید در برنامه‌ریزی برای آینده کشور به نقاط محروم اولویت داده است. برای این منظور باید تمام شرایط روستاها را شناخت. به همین جهت جهاد سازندگی آماده شده که از روستاها آمارگیری کند و برای هر روستا شناسنامه‌ای تهیه کند تا آن‌ها به کامپیوترها داده شوند و مسؤولان بتوانند هنگام برنامه‌ریزی روی آن حساب کنند. از تمام ائمه‌ی جماعت و کسانی که مردم به آن‌ها اعتماد دارند و از همه مردم خواهش می‌کنم در این مورد همکاری کنند.

مسائل جاری منطقه

حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی در دومین خطبه‌ی نماز در مورد مسائل جاری منطقه و همچنین مسائل داخلی سخن گفت. وی با اشاره به حضور گسترده مردم در انتخابات ریاست جمهوری گفت: رئیس‌جمهوری را انتخاب کردید که از نظر من شایسته‌ترین فرد برای این جمهوری است و نمایانگر جامعه واقعی اسلامی می‌باشد. و فعال‌ترین نماز جمعه وقتی خواهد بود که شخص دوم مملکت شما و کسی که ۱۶ میلیون رأی پشت سر خود دارد، در محراب بایستد و مسؤولیت‌ها را با مردم در میان بگذارد. وی گفت: اکنون با رفتن آن کثافت‌هایی که مانع بودند، جوّ جامعه و جوّ حکومت سالم شده است و اعلام استعفای نخست‌وزیر محبوب و با ارزش، آیت‌الله مهدوی‌کنی برای بازگذاشتن دست رئیس‌جمهور، نمایش یکی از این صحنه‌ها است.

وی سپس در مورد نامه‌ی امام به مجلس گفت: داشتن این اعتماد به مجلس برای نمایندگان مردم و خود مردم، موجب افتخار است و امیدواریم مجلس آزمایش خوبی در جهت رعایت اصول مقررات اسلام بدهد. من همین‌جا اخطار می‌کنم که ممکن است شیاطینی که دست‌اندرکارند، برای ایجاد جو ناسالم، شیطنت کنند و به این صورت که بگویند ممکن است افکار تندی در مجلس باشد و حدود مالکیت را بشکنند و بروند پیش علما، شیطنت کنند و نظر علما را دچار تردید کنند و در جامعه جو ناسالم ایجاد کنند.

امام بعد از یک سال و نیم، این مجلس را شناخته‌اند و این کار را با شناخت انجام داده‌اند و مطمئن باشند که مجلس میراثر از این است که چپ‌گرایی کند و امیدواریم در سایه‌ی این اعتماد و مراعات حدود و ثغور اسلام، هم مشکلات را برطرف و هم به جامعه اعتماد بدهیم که حدود مالکیت‌ها و فعالیت‌های اقتصادی، کشاورزی، صنعتی و حرکت‌های تولیدی که در جامعه شود با توانین حساب‌شده‌ای که بگذرانیم، بتوانیم راه حرکت جامعه را باز کنیم.

امام جمعه موقت تهران، سپس در رابطه با انقلاب اسلامی در کشورهای خارج و پیام امام راجع به حج، به پادشاه عربستان و حادثه سقوط فرعون مصر و حرکت وسیع مسلمانان در تونس، مغرب، مصر و سودان، و تظاهرات روشنگرانه برادران و خواهران ما در مکه و استقبال مسلمانان از آن‌ها سخن گفت و افزود: همه این‌ها نوید می‌دهد که جامعه انقلابی و اسلامی ما مشکلات را یکی پس از دیگری از بین می‌برد و حرکت‌های اسلامی در این کشورها که با الهام از انقلاب اسلامی ایران است، راهی است که از اول اسمش را صدور انقلاب گذاشته‌ایم و آنچه دشمنان ما از آن می‌ترسیدند، همین صدور انقلاب بود که در حال حرکت است و اگر ما درگیر جنگ و تروریسم و ضدانقلابیم، خوشحالیم که فکرمان دروازه‌های ایران را شکسته است.

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی امام جمعه موقت تهران در پایان خطبه‌ی دوم نماز گفت: فتح دروازه‌های آبادان توسط ارتش اسلام، مردم عراق را خوشحال کرده است. وی هشدار داد: توطئه‌ی جدیدی در حال تکوین است و این توطئه به‌زودی به سراغ ما خواهد آمد.

تحویل آواکس به مصر و عربستان دلایل این توطئه‌ها است. بمباران کویت نیز نوعی دیگر

۳۲۸ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

از توطئه است که بلندگوهای غربی آنرا به ما نسبت می دهند و ما را محکوم می کنند. اینها از پیشرفت انقلاب اسلامی ایران احساس خطر می کنند.^(۱)

نطق آقای بازرگان در مجلس شورای اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

لئن بسطت الی یدک لتقتلنی ما انا بباسط یدی الیک لاقتلک انی اخاف الله رب العالمین^(۱)

آنچه در چند دقیقه آینده خواهید شنید نه سخنی است سیاستمدارانه و نه لایحه‌ای دفاعیه. دردلی است از قلب‌های سوخته و استغاثه از جانب کسی که قبول دارید سال‌های طولانی از عمر پرفراز و نشیب خود را در آرزوی آزادی و استقلال ملت عزیز ایران و عدالت و اسلام و به‌جای اختناق و اسارت و جور و کفر به‌سر برده تلاش‌ها و توفیق‌ها داشته، محرومیت‌ها چشیده و در آستانه‌ی انقلاب، لیبیک اجابت به‌رهر آن گفته، صادقانه و فداکارانه همکاری و سپس قبول مسؤلیت‌ها بنابه دعوت معظم‌له کرده است و حالا هم که به‌آخرین روزهای زندگی رسیده و در اشتیاق لقاءالله است با صبر و سربلندی تهمت‌ها و تهدیدها را که پاداش انقلابی خدمت و صراحت یا اغوای مفرضین است، تحمل می‌نماید.

اگر انگیزه‌ام در سی چهل سال گذشته مال و مقام و ریا بوده، این عرایض را هم به‌همان حساب بپذیرید و با استماع و سکوت کوتاهی که خواهید داشت بر من منت بگذارید ولی اگر همیشه روی عقیده و وظیفه و لااقل با حسن نیت عمل می‌نموده‌ام، حالا هم خارج از آن خط

۱ - اگر تو دست خود را به‌قتل من بگشایی من دستم را به‌سوی تو دراز نمی‌کنم که تو را بکشم. من از خدای پروردگار جهانیان بیم دارم. ﴿سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۲۸﴾

قدم بر نمی‌دارم و قبلاً از عنایتان تشکر می‌نمایم.

بنا به وظیفه‌ی نمایندگی مردم تهران و مراجعات و انتظارات جمع‌کشی‌ری از هموطنان به مصداق فرمان: یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک فان لم تفعل فما بلغت رسالتہ و اللہ یعصمک من الناس^(۱) احساس مسؤولیت و رسالتی از جانب بندگان خدا کرده‌ام و با توکل به پروردگار علیم حکیم مبادرت به رساندن آن‌چه در زبان و دل و حقوق آن‌ها است، می‌نمایم. امیدوارم در پیامم، حق و حقایقی وجود داشته و با خواهران و برادران ایمانی در مجلس و در خارج رو به‌رو باشم که دستور و ذکر فان الذکری تنفع المؤمنین^(۲) تحقق مطلوب پیدا کند. این احساس مسؤولیت و وظیفه، نه تنها در برابر موکلین و هموطنان است بلکه در برابر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران که با عشق فراوان سهم‌ناچیزی در بنیانگذاری و پیروزی اولی و اعلام استقرار دومی داشته و سوگندی که به حفظ قانون اساسی خورده‌ام، نیز می‌باشد. هم‌چنین برای حیثیت و توفیق رهبری انقلاب در به‌ثمررساندن صحیح و کامل آن به‌سود ایران و اسلام.

با کمال تأثر و با توسل به درگاه ذوالجلال، باید اقرار کنیم که آتشی هولناک در کشور عزیزمان شعله کشیده، خرمن امت و دولت و دین را مورد تهدید قرار داده، کمتر کسی است که در صدد خاموش کردن آن برآید؛ بعضی می‌کوشند آتش را افروخته‌تر ساخته بر خرمن طرف مقابل بیندازند...

همه بلعیده می‌شوند، حوزه‌های علمیه از گل‌های سرسید خود خالی می‌شود که «اذا مات العالم ثلم فی الاسلام ثلمه لایسدها شیئی»^(۳)، برادران ارزنده و غیرقابل‌جیرانی از مسؤولین دولتی و لشکری و از سپاه و کمیته به‌شهادت می‌رسند، به‌همراه جان‌ها، اثاث و دارایی‌ها از بیت‌المال و از ملت به‌هدر می‌رود، افرادی بی‌گناه در معابر و منازل کشته و معلول می‌شوند و هم‌چنین، نونهالان دختر و پسر و کسان وابسته و هوادار یا برکنار که در درگیری‌های خیابانی و دادگاه‌های انقلابی، قربانی التقات و انحراف یا انتقام می‌گردند.

۱ - ای بیخبر! آن‌چه را از پروردگارت به‌تو نازل شده است برسان و اگر (چنین) نکردی رسالت خود را انجام نداده‌ای و خداوند تو را از مردم حفاظت می‌کند. ﴿سوره مائده، آیه ۷۱﴾
 ۲ - و پنده ده و بدان‌که پند و یادآوری به‌مؤمنین فایده می‌رساند. ﴿سوره ذاریات، آیه ۵۵﴾
 ۳ - چون عالمی بمیرد، شکافی در اسلام پدید می‌آید که چیزی قادر به‌بستن آن نمی‌شود.

نونهالانی که هرچه باشد جگرگوشگان و پرورش یافتگان امید این مملکت بوده، عاشق وار یا دیوانه وار، فداکار یا گناهکار در تاس لغزنده ای افتاده اند.

در حالی که هر طرف گروه مقابل را منافق یا مرتجع و ضد اسلام و عامل امپریالیسم می خوانند، نه روحانیون ارجمند و مکتبی های غیرتمندمان از آمریکا وارد شده اند و نه جوانان جانباز در خانواده های آمریکایی زاییده و بزرگ گشته اند که بتوان مزدورشان خواند! پس چرا این سان ریختن خون یکدیگر را مباح و بلکه واجب می شمارند؟! مصیبت بارت را از همه و حاصل خشونت ها و بی رحمی ها، افزوده شدن ناراضی ها و انتقام خواهان و برگشت کنندگان از انقلاب و دین است و حیثیت و حقانیت اسلام که در دنیا لکه دار می شود.

صمیمانه و خودمانی می پرسیم: آیا ما و شما با هر اختلاف که در سن و سابقه داریم، به مبارزه پرداختیم و به رهبری امام به انقلاب برخاستیم که دست آخر سر از جنگ خانگی و برادر و فرزندکشی در آوریم؟ مردم بی شمار شهرها و دهات این همه کشته و آواره دادند یا ارتشیان دلاور و سپاهیان جانباز و سایر داوطلبان جان برکف با یک سال شهادت و شهادت ما را به پیروزی نهایی و دفع دشمن خارجی نزدیک کردند که داخله مان خراب و سوخته و ماتم زده گردد؟ آیا خدا ما را برای چنین برنامه آفریده است؟ آیا اسلام رحمت و وحدت تعلیم ویرانی و وحشت به ما داده است؟! ... خدایا! روا مدار که سرنوشتان چون قوم بنی اسرائیل شود که بر خود ستم کرده، راه کبر و شرک و قساوت پیش گرفتند و مستحق تادیب الهی: «فاقتلوا انفسکم ذالکم خیر لکم عند بارئکم»^(۱) گشتند!

نمایندگان محترم متعهد!

اگر آنچه هست و آنچه را که می شود خوب و درست می دانید و در جبین کشتی نور رستگاری تضمین می کنید، من حرفی ندارم و از گستاخی عذر می خواهم ولی مسلماً ز هر طرف که شود کشته، سود کفار است و زیان مرگبار برای ایران و اسلام، حتی برای جهانیان. برای بیگانه دشمن آیا شرایطی مطلوب تر از این می شود که عقده های حقارت و استعفا از شخصیت و مسؤولیت چنان بر ما مسلط شده باشد که با فراموش کردن اصل قرآنی «ان الله

۳۳۲ ❁ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

لایفایر ما بقوم حق یغیروا ما بانفسهم»^(۱) و پشت کردن به کلام پرمعنای علوی «دائک منک و دوائک فیک»^(۲) خود را بی‌کاره و بی‌تقصیر، و خارجی را همه‌کاره و تنها مقصر بدانیم و آن وقت به جای آن‌که به تجزیه و تحلیل صحیح جریان‌ها و شور در علل و چاره‌ها بنشینیم و روحیه‌ها و رویه‌ها را از مرام شیطانی به مرام رحمانی تغییر دهیم، تلافی ناکامی‌ها را با تهمت و تفرقه و تضعیف خود درآوریم!

آیا فکر کرده‌اید که این درافتادن‌ها و برانداختن‌ها، جاده صاف‌کن برای بازگشت مجدد استبداد و استیلای شرق و غرب باشد؟ آن‌ها می‌خواهند از یک طرف عناصر مصمم مقاوم ما، یکدیگر را قبلاً نابود کنند و عامه مردم از ناامنی و کشتار و قحطی بدستوه آمده، با آغوش باز به استقبال هر کودتاگر خائن قهار بروند.

البته خطاب من به هر دو طرف دعوی است و آن‌چه می‌جویم نجات مملکت، پیروزی جمهوری اسلامی ایران و اعتلای اسلام است.

همه می‌دانید که همواره و از سال‌ها پیش از پیروزی انقلاب، التقاط و نفاق را از هر کس و هر جا باشد با قاطعیت و با روشنی رد کرده، مدافع وفادار اصالت اسلام بوده و هستم و خیلی بی‌خبری و بی‌انصافی می‌خواهد که به یاران طالقانی و مطهری و به دوستان نهضت آزادی نسبت لیبرالیست و سازشکار یا غرب‌زده و آمریکایی بدهند! مبارزه‌ی مسلحانه و محاربه با جمهوری اسلامی نوپای ایران، به جای مبارزه‌ی پارلمانی و قانونی را محکوم می‌کنم، ضمن آن‌که جلوگیری از آزادی‌های حقه و فقدان امنیت لازم برای مبارزه قانونی را یکی از علل این پیش‌آمدها می‌دانم، و به فرض که از راه‌های مشروع قانونی و امنیت قضایی برای انتقاد و اعتراض و اظهارنظر و به‌کرسی نشاندن حق، محروم باشیم باز هم در عالم برادری ملی و دینی بر طبق سنت و عقیده دیرینه‌ام، تأسی بر فرزند صالح پدرمان آدم را که به برادرش می‌گفت: «لئن بسطت الی یدک لتقتلنی ما انا بباسط یدی الیک لاقتلک انی اخاف الله رب العالمین» بر تجاوز مسلحانه و تلافی‌های ناچارانه یا فرار و تشکیل دولت در کشور بیگانه را که هر چه باشد به‌نام و به نفع آن‌ها تمام خواهد شد، ترجیح می‌دهم.

۱ - همانا که خداوند وضع قومی را تغییر نمی‌دهد مگر آن‌که آن‌ها خود را تغییر دهند. (سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۱۲)
۲ - درد و بیماری تو از خودت می‌باشد و درمانت در خودت است.

با فرصت نطق کوتاه قبل از دستور که تنها موضع برای ابراز عقیده مان می باشد و ذر طرح اصلی مقصود، فعلاً بحثی راجع به مقصرین و مشکلات و سوءسیاست ها و راه حل ها نمی کنم، ضمن آن که خود را خارج از جمع مسؤولین و مقصرین نمی شناسم.

از این تریبون از رهبر عالیقدر انقلاب و مراجع عظام، رئیس جمهور، هیأت دولت و نهادهای انقلاب، شورای نگهبان، شورای عالی قضایی و مخصوصاً از برادران و خواهران نمایندگان مجلس و همه گروه ها و مردم ایران استمداد می کنم که از هر راه که می توانند به این بلیه بزرگ پایان دهند و همگی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ﴿تَوَكَّلْ﴾ گردن نهند و با توجه به اوضاع بس خطیر و عواقب شومی که هیچ گروهی را در آن سود و پیروزی نخواهد بود، به توقف جریان و تجدیدنظر بپردازند که «ان تنصروا الله يتصرکم».

آخر در کجای تاریخ، ملتی و دولتی و آیین حقی توانسته است روی اسلحه دوام بیاورد و توسل به خونریزی و تشدید در خشونت و بال روزگارشان نگردیده، بدفرجامی به بار نیاورده باشد؟ عدالت غیر از انتقام و تعدی است و سیاست موفق نمی تواند خالی از حکمت و تقوی و رحمت باشد.

«ربنا اغفر لنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا و ثبت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین»^(۱).

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته

۱۳۶۰/۷/۱۵

نطق نیمه تمام قبل از دستور مهدی بازرگان

مجلس شورای اسلامی

توضیح کیهان

در پاسخ به سخنرانی آقای بازرگان به آن چه قبلاً در سرمقاله های کیهان آمده است، به اضافه تذکری کوتاه درباره ی جمله دیگری از این سخنرانی بسنده می کنیم. ایشان می گویند: «مصیبت بارتر از همه و حاصل خشونت ها و بی رحمی ها، افزوده شدن ناراضی ها و انتقام خواهان و برگشت کنندگان از انقلاب و دین است و حیثیت و حقانیت اسلام که در دنیا

۱ - پروردگارا! گناهان ما و زیاده روی ما را در اداره کارمان بپامرز و قدم های ما را استوار کن و بر گروه کافران یاری امان نما. ﴿سوره ی آل عمران، آیه ی ۱۴۱﴾

لکه‌دار می‌شود.»

بسیار خوب! در نظر جناب بازرگان، حکومتی متهم به خشونت و بی‌رحمی می‌شود که تنها طی ۴ ماه در اثر قهرمانی‌های جوانان جاننازا، رئیس دیوان‌عالی کشور، رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، ده‌ها جوان ایثارگر و پرشور از پاسداران و بسیجیان و صدها مرد و زن و کودک معصوم به خاک و خون کشیده می‌شوند و باز هم آن‌که مظلوم نموده می‌شود و مورد دفاع قرار می‌گیرد نه مظلوم‌ترین حکومت عالم که تلاش‌گران در راه براندازی آن است.

نگرانی ایشان از افزوده شدن ناراضیان و انتقام‌خواهان و برگشت‌کنندگان از انقلاب و دین نیز هنگامی معنی پیدا می‌کند که بدانیم تعداد کل شرکت‌کننده در سومین دوره‌ی انتخاب ریاست‌جمهوری قریب سه میلیون نسبت به اولین دوره، افزوده شده است و آرای آقای خامنه‌ای متجاوز از پنج میلیون از آرای کسی که به فتوای نهضت آزادی می‌بایست بماند و مجلس شورای اسلامی به نفع او منحل گردد م‌فزون‌ی گرفته است، کدام دین و کدام انقلاب مورد نظر است آقای بازرگان؟

اما در مورد لکه‌دار شدن حیثیت و حقانیت اسلام در دنیا نیز باید روشن کرد که کدام دنیا مراد است؟ به نظر ما برای درک درست مطلب باید به میان محرومان و نمایندگان آنان رفت تا شور و شوقشان را نسبت به اسلام و امیدی که به رهبری امام دارند، دریافت والا غریبان و منافع خبری و تبلیغاتی غربی از خیلی مسایل و از جمله سازش‌ناپذیری جمهوری اسلامی در برابر امپریالیسم و؛ به خصوص آمریکا ناراحتند.

بالاخره لحن تعبیرات آقای بازرگان را اندکی تغییر دهید، خواهید دید که تفاوت چندانی میان سخنان ایشان و بسیاری از مقالات و گزارش‌هایی که در رادیوهای ضدانقلاب و رسانه‌های گروهی امپریالیستی می‌آید، وجود ندارد.

از همین جا منتقل می‌شوم به یکی دو نکته در جوابیه ایشان به کیهان:

آقای بازرگان از این‌که حتی در مجلس نمایندگان آزادی عقیده و بیان وجود ندارد سخت ابراز ناراحتی می‌کنند و راست هم هست.

دیگر گروهک‌های ملحد و منحرف و محارب نمی‌توانند آزادانه علیه نظام جمهوری اسلامی به لجن‌پراکنی پردازند و زمینه براندازی را فراهم آورند.

دیگر نمی‌شود آزادانه به نهادهای انقلابی که بر ریشه‌ی خون هزاران شهید ایستاده‌اند تاخت و تاز نمود و دیگر آزادانه نمی‌توان اذهان مردم را مشرب نمود و آزادانه از اعدام رذل‌ترین سرسپردگان رژیم شاه؛ چون «هویدا» برآشت.

دیگر آزادانه نمی‌شود در جمهوری اسلامی مکتب و مکتبی را به باد تمسخر گرفت و بالاخره نمی‌توان آزادانه، جریاناتی که به جنگ مسلحانه دست زده و رویاروی مردمی‌ترین رژیم عالم ایستاده‌اند، تقویت روحی و سیاسی نمود.

عکس‌العملی که در برابر سخنان آقای بازرگان در مجلس پیش آمد گرچه درست نبود ولی کاملاً طبیعی بود و به نظر من آنچه قابل توجه است، خویشتن‌داری کسانی است که شاهد این همه خون و ایثار بوده‌اند و جمهوری عزیزتر از جان خود را این همه مظلوم می‌بینند و سخنان آقای بازرگان را (با هر نیتی که ادا شده باشد) هم‌سو و هم‌آهنگ با سخنان دشمنان مسلم اسلام و انقلاب و مردم می‌یابند و باز هم صبر می‌کنند.

آقای بازرگان می‌گویند: «هنوز از کرسی خطابه پایین نیامده، سیم‌های روابط عمومی مجلس - به کمیته‌ی اصناف بازار، اتصال پیدا کرده و دو و انت جمعیت... راه افتاد» لابد در این مورد روابط عمومی مجلس خود پاسخ را خواهد داد و من نیز در این جا نمی‌خواهم قیم روابط عمومی مجلس باشم ولی نکته‌ای را لازم به تذکر می‌دانم، آقای بازرگان!

برای بسیج مردمی که جهت تشییع پیکرهای پاک شهید رجایی و شهید باهنر ظرف سه ساعت و بدون هیچ تمهیدی خیابان‌ها را انباشتند، سیم‌های روابط عمومی مجلس به کار نیفتاده و این همه مردم با دو و انت نیامده بودند.

گویا شما در آن مراسم تشریف نداشتید و اینک من برای اطلاع شما خبر را از قول صدا و سیمای جمهوری اسلامی و از روزنامه‌ها (از جمله کیهان عزیز!) و نیز مقامات رسمی نقل نمی‌کنم بلکه از دو منبع معتبر!! یعنی صدای آمریکا و فرانس پرنس می‌گویم که این هر دو منبع از عدد صدها هزار سخن می‌گفتند.

آقای بازرگان!

وقتی مردم، جهت نشان‌دادن انزجار خود از جبهه‌ی ملی (که هیچ‌گاه نهضت آزادی

مشخصاً در برابر این جبهه که حکم قرآنی را غیرانسانی خوانده بود، موضع نگرفت گرچه دخالت در راه پیمایی را نفی کرد (خیابان‌ها را به طرفه‌العینی پر کردند، سیم‌های روابط عمومی مجلس به کار نیفتاد و دو وانت، مردم را نیاوردند و نیز برای به‌زیر کشیدن آقای بنی‌صدر و هم‌مسلمانان و مدافعان وی، مردم بدون این‌که نیازی به سیم‌های روابط عمومی مجلس و دو وانت باشد به‌صحنه آمدند.

و از همه مهم‌تر، این همه شور ضدآمریکایی و طرفداری میلیون‌ها انسان پاک‌باخته از اشغال‌لاندهی جاسوسی آمریکا و ابراز انزجار از کارگزاران و جاسوسان آمریکا در ایران نظیر «امیرانتظام» و این همه شعار مرگ بر آمریکا از طریق سیم‌های روابط عمومی مجلس در سرها و زبان‌ها نیفتاده است. و برای آنان که ایمان و بیداری و اراده این مردم را باور دارند تردیدی نیست که هرگاه اساس نظام در مخاطره باشد مردم خود به‌خود حاضر خواهند بود و همواره صحنه را به‌زیان دشمنان انقلاب اسلامی طوفانی خواهند کرد.

و اما از انحصاری بودن رسانه‌های گروهی چه بگویم؟ که وقتی همین روزنامه‌ی کیهان که فتح‌شده انقلاب است و نمی‌تواند و نباید به‌هیچ‌گروه و جریانی وابسته باشد و فقط بودن در خدمت اسلام و خط اصیل رهبری اسلامی که مدار انقلاب است، شایسته آن است بله، وقتی همین روزنامه، روزگاری بی‌مهابا کار ارگان «نهضت آزادی» را می‌کرد، حتی نیم‌کلمه از انحصاری بودن آن نگفتید که سهل است بلکه آن‌را نمونه‌ی یک روزنامه آزاد! دانستید ولی امروز... می‌بخشید که قلم گستاخ است! آخر چند ماهی است که صندلی صاحب قلم «شرف جوار» دارد باز هم نظر به‌احترامی که برای شخص آقای بازرگان قائل هستم به‌هیچ‌وجه علاقه‌مند به‌باز کردن بیشتر مطالب ایشان؛ به‌خصوص در قسمت‌های آخر سخنرانیشان نیستم. والسلام علی من اتبع الهدی^(۱)

مشاور قضایی بنی صدر اعدام شد.

۲۵ نفر از اعضای فعال گروهک فرقان و سازمان مجاهدین خلق و هم‌چنین منوچهر مسعودی مشاور قضایی بنی صدر معزول، اعدام شدند.
در این زمینه دادستانی انقلاب مرکز، اطلاعیه‌ای به شرح زیر انتشار داده است:

بسمه تعالی

کسانی که با شما به مقابله برخاستند راهی جز فنا ندارند. ﴿لَا تَكْفُرْ﴾
این نوید الهی که مفسدین را عاقبتی جز ذلت و مؤمنین را نهایی جز نصرت نباشد.
و این حقیقت غیر مکتوم در تاریخ روزگاران گذشته چون سرگذشت پیامبران معظم
الهی نظیر ابراهیم، یوسف، موسی و محمد ﷺ و دیگر انسان‌های حق‌جو، به‌خوبی و
به‌روشنی آفتاب نمایان است. والا این‌که مخالفینی را چه شده که از این دنیای حقایق
قیح نیستند، امری است بدیهی که کلام الهی در این مورد می‌فرماید: ایشان را چشم و
گوش و زبانی برای سوءنیت و استماع و بیان حقایق نیست. و به‌راستی که آن‌ها کور و
لال هستند و سرانجامی جز هلاکت یا فلاکت ندارند.

امت دلیر و شجاع و رزمندگان همیشه در صحنه انقلاب! همان‌گونه که مطلعید انقلاب اسلامی ما را مجالی از توطئه‌ی ابرقدرت‌ها نیست و پیامد‌آوران استعمار این ددمنشان از خدا بی‌خبر که مرگ خویش را در رشد این انقلاب حقیقی می‌بینند، لحظه‌ای از مقابله با آن‌ها غافل نشده و پیوسته در صدد نابودی این انقلابند. ولکن به‌فرموده‌ی شهید مظفر: آیت‌الله بهشتی، بهشت را به‌بها دهند نه به‌بهبانه. و این خود بیانگر واقعیتی است که تداوم انقلاب را استقامتی بیش از پیش و ارزان‌تر از مرحله‌ی پیروزی آن لازم است. و این به‌جز بر اراده‌ی سازش‌ناپذیر شما ساخته نیست که می‌بایست در برابر عواید آن پایدار ایستاده و هرگونه توطئه‌ای را با دست توانای خویش خنثی سازید تا در برابر ایثار خونین‌کفنان شاهد زمان سرافراز باشید.

دادگاه‌های انقلاب که مسؤولیتی به‌سزا در نابودی توطئه‌گران وابسته و مزدور دارند با صدور احکام الهی در مورد مجرمین این تعهد شرعی را ایفا نموده و ۲۵ نفر از مفسدین فی‌الارض را به‌جزای دنیوی اعمال کربه خویش محکوم کردند و حکم صادره در محوطه‌ی زندان اوین به‌مورد اجرا گذاشته شد.

اسامی و خلاصه‌ی جرایم معدومین به‌این شرح اعلام می‌گردد:

۱ - فرشته نوربخش، فرزند مهدی، عضو شاخه‌ی مرکزی سازمان منافقین و معاون تدارکاتی شاخه‌ی مرکزی سازمان به‌جرم تهیه مواد منفجره و مهمات برای سازمان آمریکایی منافقین جهت سرنگونی نظام جمهوری اسلامی. رهبری تظاهرات ننگین ۱۶ شهریور ۱۳۶۰ که منجر به‌ضرب و جرح و به‌شهادت رسانیدن مردم بی‌گناه گردید. شرکت در جلسات و منازل تیمی سازمان و سرپرستی تیم‌های عملیاتی و اقدام علیه‌ی جمهوری اسلامی.

۲ - راضیه آل‌طاهر، فرزند جلال، عضو سازمان ضدخلقی، مسؤول کل تشکیلات سازمانی دبیرستان‌های پیام و حنیف، مسؤول اجرایی سیاسی سازمان و سرکاپ تیم‌های متعدد سازمانی به‌جرم شرکت فعال در اکثر تظاهرات مسلحانه و درگیری‌های خیابانی و مسؤولیت فرماندهی تیم‌های مختلف، کمک‌های مالی فراوان به‌سازمان، حضور در خانه‌های تیمی و اقدام علیه‌ی جمهوری اسلامی ایران.

۳ - معصومه علی‌محمدی سنجانی، فرزند میرزا علی، عضو سازمان ضدخلقی منافقین و مسؤول تیم‌های مختلف عملیاتی سازمان به‌جرم شرکت در خانه‌های تیمی، شرکت

در تیم‌های تشکیلاتی منافقین، فرماندهی تیم‌های سازمانی، رهبری تیم‌های تبلیغاتی و شرکت در قرارهای سازمانی

۴- فرید تقوی شیرازی، فرزند محمدعلی، عضو سازمان ضدخلقی منافقین و مسؤول شاخه‌ی تبلیغاتی سازمان به‌جرم پرتاب نارنجک به‌طرف ساختمان سپاه پاسداران و کمیته، تیراندازی به‌طرف ۹ نفر در عملیات جداگانه که منجر به مجروح شدن و به‌شهادت رسیدن چند تن از برادران پاسدار گردیده است، شرکت در تظاهرات مسلحانه اخیر و اقدام علیه جمهوری اسلامی.

۵- شیوا مرات، فرزند صمد، عضو گروهک ضدخلقی فرقان به‌جرم ارتباط با کادر مرکزی گروه و زندگی در خانه‌های تیمی، حمل و نگهداری اسلحه و مهمات در خانه‌های تیمی به‌دفعات مکرر. جذب جوانان بی‌گناه و قرار دادن آن‌ها در جهت امیال ضدخلقی سازمان، عضویت در شاخه‌ی تبلیغاتی و عملیاتی سازمان و اقدام علیه جمهوری اسلامی.

۶- حسن ملکی‌پور، فرزند قلی، عضو گروهک تروریستی و ضدخلقی فرقان به‌جرم اقدام به ترور و به‌شهادت رسانیدن شخصیت‌های مملکتی، تهیه تدارکات جهت انجام عملیات تخریبی و شناسایی افراد مؤمن به انقلاب و شخصیت‌ها، همکاری فعال با شاخه‌ی تبلیغاتی و تهیه نوشته‌ها و مقالات و اخبار غیرواقعی و مغرضانه بر علیه مسؤولین جمهوری اسلامی.

۷- اکبر مددی، فرزند احمد، عضو سازمان آمریکایی منافقین و عضو تیم‌های نظامی سازمان به‌جرم حمله و پرتاب نارنجک به‌طرف مراکز بسیج و سپاه پاسداران، به‌آتش‌کشیدن و سرقت مسلحانه.

۸- اکبر دادخواه، فرزند عظیم، عضو سازمان ضدخلقی منافقین، ساختن کوکتل مولوتف و شرکت در تیم‌های عملیاتی سازمان، فعالیت شدید در تیم‌های سازمانی و حضور در خانه‌های تیمی، شرکت در میتینگ‌ها و درگیری‌های خیابانی اخیر سازمان.

۹- جعفر رحیمی با نام مستعار ایوب، مسؤول بخش فرهنگی سازمان شاخه‌ی مشهد، مسؤول نشر و توزیع نشریه مجاهد در سراسر ایران و مسؤول امور مالی سازمان، به‌جرم سرپرستی تیم‌های مختلف سازمان و فرماندهی آن‌ها، شرکت فعال در تظاهرات مسلحانه اخیر و اقدام به تیراندازی به‌طرف مردم بی‌گناه، تهیه‌ی تدارکات و

کسک‌های مالی فراوان به‌سازمان.

۱۰ - منوچهر مسعودی، فرزند سید پیحی، مشاور قضایی بنی‌صدر معزول به‌جرم کودتای خزنده علیه جمهوری اسلامی، همکاری فکری و عملی با گروهک‌های محارب و ضدانقلاب که قصد براندازی جمهوری اسلامی را داشته، تضعیف رهبری جهت به‌انحراف‌کشاندن انقلاب اسلامی، طرح مسایل خلاف و کذب و مغرضانه برای متشنج‌نمودن انقلاب و کوبیدن شخصیت‌ها و تضعیف نهادهای انقلابی، دخالت بی‌مورد در امور قضایی و اخاذی از خانواده‌ها و وابستگان متهمینی که به‌نحوی از آنها در ارگان‌های انقلابی مشکلی داشته‌اند، زنای محصنه به‌کرات و اقدام علیه اسلام و مسلمین.

اسامی معدومین از شماره ۱۱ تا ۲۵:

۱۱ - حبیب‌الله اسدیان، فرزند فتح‌الله

۱۲ - اصغر قروزان، فرزند فرض‌علی

۱۳ - منوچهر ولی‌زاده گومه‌چشم، فرزند سیف‌الله

۱۴ - داود تاجیک، فرزند مصطفی

۱۵ - جواد قنبری، فرزند رمضانعلی

۱۶ - محمد قاسمی تاج، فرزند عیسی

۱۷ - علیرضا مرندی، فرزند قاسم

۱۸ - منصور جعفری، فرزند صفرعلی

۱۹ - رسول دارو، فرزند نعمت‌الله

۲۰ - مصطفی اسلامی، فرزند عباس

۲۱ - علی اصغر مهدی‌زاده، فرزند محمد

۲۲ - حسن کازرانی، فرزند اصغر

۲۳ - عباس قادری، فرزند سراصلان

۲۴ - ابراهیم نعمتیان، فرزند عباس

۲۵ - ویدا شاملو، فرزند محمد

از اعضا و هواداران فعال سازمان‌ها و گروهک‌های ضدخلقی و آمریکایی منافقین و فداییان اقلیت بوده که در اکثر درگیری‌های خیابانی اخیر که منجر به ضرب و جرح و به‌شهادت رسیدن مردم بی‌گناه گردیده مشارکت مستقیم داشته و با حضور در خانه‌های تیمی، پرتاب کوکتل مولوتف به مراکز مختلفه، سرقت مسلحانه و شناسایی افراد حزب‌اللهی و شخصیت‌ها و تهیه تدارکات و مهمات جنگی برای سازمان به‌مخالفت با اسلام و مسلمین برخاسته بودند.

روابط عمومی دادستانی انقلاب جمهوری اسلامی مرکز^(۱)

با انتشار اطلاعیه‌ای:
**وزارت خارجه، شرایط ورود هیأت بررسی سازمان
عفو بین‌المللی به ایران را اعلام کرد.**

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، با انتشار اطلاعیه‌ای، شرایط ورود هیأت بررسی سازمان عفو بین‌المللی به ایران را اعلام کرد و اضافه نمود که در صورت احراز این شرایط، دولت و ملت ایران با کمال بزرگواری این هیأت را خواهد پذیرفت. متن اطلاعیه‌ی وزارت امور خارجه به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

«استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا، برای پشتمبانی از ایادی آدمکش خود در کشور ما و نیز تلاش گسترده‌اش برای براندازی نظام جمهوری اسلامی، از ترفندهای گوناگونی سود می‌جوید. اصلی‌ترین محور فعالیت تبلیغاتی امپریالیسم آمریکا در چند ماهه گذشته، سازمان‌های مشابه جز کمک و این بوده است که به جهانیان چنین وانمود سازد که در ایران ثباتی وجود دارد.

شرکت نزدیک به ۱۷ میلیون تن در انتخابات ریاست جمهوری، پیروزی بزرگ در جبهه آبادان و حضور مستمر و گسترده توده‌ای میلیونی در صحنه، این محور تبلیغاتی را به‌طور کامل درهم شکست و اینک آمریکا می‌کوشد با استفاده شگردی تازه قوه‌ی قضایی انقلابی کشور ما را مورد تهاجم تبلیغاتی خود قرار دهد تا شاید به‌نمایش بی‌جان ضدانقلاب، جانی تازه بدهد. هیاهوی سازمان عفو بین‌المللی درست در چهارچوب این توطئه‌ی تازه، معنای خود را پیدا می‌کند؛ همان‌سان که رهبر بزرگ انقلاب فرمودند: هدف هیاهوی این سازمان و دیگر، یاری‌رساندن به‌اربابان خود نیست.

از آن‌جا که ما به‌سلامت نظام و قدرت الهی آن یقین داریم و دلیل روشن این مسأله عیان‌بودن تمام فعالیت‌هایی است که از طریق قوای سه‌گانه کشورمان انجام می‌پذیرید، مانعی نمی‌بینیم تا واقعیات جامعه اسلامی ما در معرض دیدگان توده‌های میلیونی جهانیان قرار گیرد.

و این امپریالیسم است که سعی می‌کند به‌هرنحو ممکن این‌واقعیات در معرض قضاوت انسان‌های مستضعف جهان قرار نگیرد.

با توجه به‌درخواست اخیر سازمان عفو بین‌المللی برای بازدید از جریان قضایی در جمهوری اسلامی ایران، وزارت امور خارجه‌ی جمهوری اسلامی ایران برای آن‌که یک‌بار دیگر فریبکاری این‌گونه سازمان‌ها و ماهیت پنهان آن‌ها را برای جهانیان افشا نماید، پیشنهادات اصولی و روشن زیر را به‌عنوان شرط ورود هیأتی از این سازمان برای بررسی واقعیات مربوط به‌قوه‌ی قضایی ما، و گزارش آن، به‌جهانیان اعلام می‌نماید:

- ۱- برای آن‌که هرگونه شبهه‌ای در مورد تمایلات صهیونیستی این سازمان از اذهان زدوده شود، پیشنهاد می‌شود به‌صورت صریح کشتارهای «کفر قاسم» و «دیرپاسین» و جنوب لبنان که توسط جنگ‌افروزان اسرائیلی صورت گرفته است صریحاً با ذکر مورد، توسط این سازمان محکوم گردد، و در مورد شرایط وحشیانه زندان‌های رژیم اشغالگر قدس و شکنجه‌های طاقت‌فرسای آن افشاگری به‌عمل آید.
- ۲- برای آن‌که شبهه‌ای در زمینه‌ی وابستگی این سازمان به‌امپریالیسم آمریکا وجود نداشته باشد، پیشنهاد می‌شود این سازمان دخالت‌های آمریکا را در امور ملت‌های

دیگر به‌ویژه مصر، السالوادور و عربستان محکوم سازد و به‌بهانه‌ی سیاسی بودن این موضوعات و خارج بودن آن‌ها از چهارچوب رسالت‌هایی که عفو بین‌المللی برای خود قائل است شانه از زیر تعهدات انسانی خالی نکند.

یقیناً گردانندگان این سازمان بهتر از هرکس دیگر می‌دانند که دخالت‌های آمریکا در امور ملت‌های دیگر باعث کشتارهای وسیع و گسترده‌ای در سراسر جهان گردیده است، که فاجعه ۱۷ شهریور در میدان شهدای تهران، یک نمونه از آن‌ها است.

چه کسی است که نداند که جنایات بر علیه زندانیان سیاسی منفک از شرایط سیاسی و عملکرد دولت‌ها نیست و ضعف این پندار در آنجا آشکار می‌شود که عفو بین‌المللی برای بازخواست از آمریکا - به‌عنوان خشن‌ترین و خونخوارترین رژیم روی زمین - صرفاً به‌دلیل ادعای این دولت مبنی بر نداشتن زندانی سیاسی، برای خود حقی قائل نیست!

۳ - در بیانیه‌های این سازمان بارها به‌اصول پذیرفته‌شده جهانی و یا حقوق بین‌المللی اشاره شده است. ما می‌خواهیم این سازمان به‌شکلی روشن اعلام نماید آیا اصول حقوق اسلامی که یک‌میلیارد مسلمان به آن باور دارند جزو این اصول پذیرفته‌شده‌ی جهانی هست؟ و یا این‌که در نظر این سازمان، جهان مساوی آمریکاست و هر اصلی که مورد پسند رژیم جنایتکار آمریکاست، جهانی نیز محسوب می‌گردد؟

۴ - در آن صورت که سازمان اعلام نماید اصول حقوق اسلامی را نیز جزو حقوق پذیرفته‌شده بین‌الملل می‌پذیرد، سازمان اعلام نماید آیا گردانندگان این سازمان و افراد اعزامی آن به‌این حقوق آشنایی دارند و آیا به مکانیسم‌های پیچیده و طولانی تربیت قاضی شرع در اسلام و دادگاه‌های اسلامی وقوف دارند یا نه؟

۵ - طبیعی است که ما انتظار داشته باشیم در میان هیأت اعزامی حداقل یک حقوقدان مسلمان و متعهد که دقیقاً به فقه اسلامی و قضایی آشنایی داشته باشد، حضور یابد و ما پیشنهاد می‌کنیم که در این زمینه از دانشمندی چون شیخ کوشک... در مصر و یا دیگر فقهای ناوابسته که کششی به‌سمت آمریکا نداشته باشند، استفاده گردد.

۶ - سازمان تعهد نماید اگر بعد از مسافرت به ایران، ثابت شد تبلیغات و ادعاهای سابق سازمان دروغ بوده است، رسماً از ملت بزرگ ایران عذرخواهی کند.

۷ - سازمان باید قبل از ورود به ایران، عمل جنایتکارانه‌ی گروه مجاهدین خلق را که

باعث کشتارهای وسیع خیابانی شده‌اند و بیش از ۱۰۰ نفر از دولتمردان متقی ما را به شهادت رسانده‌اند، به زن و بچه و پیرمرد، رحم نکرده و در مساجد و معابر و بیمارستان و مغازه‌ها بمب گذاشته‌اند، اتوبوس‌ها را آتش زده‌اند، و بچه‌ها و بزرگسالان بی‌گناه را سوزانده‌اند. به شکل واضح محکوم نماید و اگر تردیدی در این زمینه برای سازمان وجود دارد، دولت جمهوری اسلامی ایران حاضر است دلایل کافی در اختیار سازمان عفو بین‌المللی قرار دهد تا تمام جنایات فوق را ثابت نماید. به شرط این‌که این اسناد از طرف سازمان عفو بین‌المللی منتشر گردد.

۸ - سازمان مزبور تضمین نماید که متن کامل و بدون سانسور گفت‌وگوهای خود با مقامات مسؤول قضایی ایران را در اختیار افکار عمومی جهان قرار دهد و در این زمینه بدون مجامله و بهانه آوردن، جواب دهد که این مذاکرات در کدام نشریه و در کدام رادیو و کدام کانال تلویزیونی اروپایی و آمریکایی پخش خواهد شد و برای قدم اول، پخش کامل بیانیه موجود می‌تواند علامت صداقت سازمان در این مورد محسوب گردد.

اگر سازمان ادعا می‌کند این وسایل در اختیار او نیست، پس چگونه است که هنگام حمله به نظام انقلابی ما تمام بوق‌ها به صدا درمی‌آیند. در این صورت آیا همین دلیل کافی نیست تا سازمان بدانند که بازپچه‌ای در دست امپریالیسم خبری نشده است؟ مسلماً با احراز شرایط فوق، دولت و ملت ما با کمال بزرگواری، این هیأت را خواهد پذیرفت و اینک برعهده‌ی سازمان عفو بین‌المللی است که ثابت کند بازپچه‌ی آمریکا و متحدانش در سراسر دنیا نیست.

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران^(۱)

دادستان کل انقلاب اسلامی:
**سازمان عفو بین‌المللی با اجازه‌ی ابر قدرت غرب کار می‌کند
و با اشاره‌ی آن، سکوت اختیار می‌کند.**

حجت‌الاسلام موسوی تبریزی دادستانی کل انقلاب اسلامی از ظهر روز گذشته در یک مصاحبه‌ی مطبوعاتی و رادیوتلوویزیونی شرکت کرد و به‌سؤالات خبرنگاران داخلی و خارجی پیرامون نقش اساسی دادگاه‌های انقلاب، سازمان عفو بین‌المللی، صدور انقلاب، فجایع اخیر شیراز، تروریسم اقتصادی، نحوه‌ی ملاقات با زندانیان و اقدامات دادستانی برای خلع گروهک‌های مسلح و مسایل دیگر پاسخ گفت.

صدور انقلاب

حجت‌الاسلام موسوی تبریزی دادستان کل انقلاب در ابتدا، ضمن تشریح ویژگی‌های صدور انقلاب گفت: انقلاب اسلامی ایران را گروه خاصی انجام ندادند، بلکه ملتی براساس فهم و شعوری که داشت، پی به‌فهم ارزش‌های انسانی برد و همین امر آنان را وادار به ایثار کردن و شهید دادن کرد.

وی با اشاره به مبارزه‌ی مردم مسلمان مصر گفت: اکنون که در مصر افراد مسلمان مبارزه می‌کنند، عقیده دارند که انقلاب آنان از نظر شکل، شبیه انقلاب اسلامی ایران است؛ و رهبر انقلاب اسلامی ایران، رهبر انقلاب آنان نیز هست. با توجه به این‌که تبلیغات اجانب و سادات معدوم علی‌هی انقلاب اسلامی ما وسیع و ارتباط ما به‌طور کل با مصر قطع بود، می‌بینیم که مردم مسلمان مصر پی به ارزش‌های واقعی انقلاب اسلامی ایران برده‌اند و فهمیده‌اند که به‌انسان هیچ قدرتی جز «اللَّهُ» و هیچ قانونی جز قانون الهی، نباید حکومت کند.

وی در ادامه‌ی این مطلب افزود: ابرقدرت‌ها چه بخواهند یا نخواهند، انقلاب اسلامی ایران صادر خواهد شد. و اکنون حرکات انقلاب در سودان، مصر، عراق، افغانستان و... تمام ابرقدرت‌ها را به‌خصوص شیطان بزرگ را به‌وحشت انداخته است، به‌طوری‌که واقعیات را فراموش کردند؛ و از روی نادانی و ناآگاهی دست به‌اعمالی می‌زنند که منجر به شکست آنان در منطقه می‌شود.

نقش حساس دادگاه‌های انقلاب

دادستان کل انقلاب در رابطه با این‌موضوع که امروز دشمن با توسل به‌جنگ خارجی و داخلی، شیوه‌های ترور و انفجار را که نشانه‌ی یأس دشمن و توان ما است، پیش گرفته و در این‌رابطه دادگاه‌های انقلاب در بیشتر مایوس‌کردن دشمن و افزایش توان انقلاب اسلامی نقش اساسی می‌توانند ایفا کنند، اظهار داشت: به‌نظر من، دادگاه‌های انقلاب اسلامی در تمام موارد حساس نقش فعالی در ادامه‌ی انقلاب داشتند؛ و هرکه درگذشته، ایران را تهدید کرده است - مانند جریان آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، جریان حزب آمریکایی به‌نام خلق مسلمان - در مقابله با این‌توطئه‌ها، فقط دادگاه انقلاب تبریز بود که با کمترین صدمه توانست این توطئه‌ها را شکست بدهد.

وی سپس افزود: دادگاه‌های انقلاب در همه‌مواقع حساس ایستادگی کردند و باید این‌کار را انجام دهند، چون مسؤولیتی بزرگ به‌عهده دارند، و مردم نیز انجام این‌مسؤولیت را می‌خواهند. گاهی مردم از شهرستان‌ها تماس می‌گیرند و می‌گویند که حکام شرع ما در برابر اشرار قاطعیت لازم را ندارند، و این خواست مشروع مردم است و دادگاه‌های انقلاب جز

۳۴۸ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

اجرای عدالت، کاری ندارند. و در موقع عفو، عفو؛ و در هنگام قاطعیت، شدت عمل نشان می‌دهند. دادگاه‌های انقلاب اسلامی برای حفظ دستاوردهای انقلاب و برای مبارزه با توطئه‌گران علیه انقلاب تأسیس شده و به‌خاطر همین هدف، قضات شرع، دادستان‌ها، دادیاران ایستادگی کردند و شهید هم دادند. و امروز نقش فعالی در تثبیت ایران دارند؛ و در آتیه هم خواهند داشت.

اطلاعیه‌ی ده ماده‌ای دادستانی

دادستان کل انقلاب اسلامی در مورد اطلاعیه‌های مکرر دادستانی خطاب به گروهک‌های مسلح و اجرای مفاد اطلاعیه‌ی ۱۰ ماده‌ای دادستان و مشاهده‌ی بقایای عوامل تخریب و ترور گفت: اطلاعیه‌ی ۱۰ ماده‌ای دادستان هم‌چنان به‌قوت خود باقی است و تعداد زیادی از اشرار که جنایت و خیانت می‌کردند دستگیر شده‌اند ولی هنوز اشرار و منافقین در میان مردم هستند و در صدد ضربه‌زدن به جمهوری اسلامی هستند.

وی افزود: گروهک‌های محارب و یاغی، قیام مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی می‌کنند و دست به تخریب و ترور و انفجار و رعب و وحشت می‌زنند و حتی افرادی مانند کفاش و عطار را ترور می‌کنند و در شیراز عملی را مانند سینما رکس آبادان انجام می‌دهند و بپچی ۲ ساله خردسالی را می‌سوزانند. مردم مسلمان ما خواهان محاکمه و مجازات کسانی که این چنین اعمال ضدانقلابی را انجام می‌دهند، در دادگاه‌های انقلاب هستند.

سکوت عفو بین‌المللی درباره‌ی زندانیان ایرلندی و سرکوبی دانشجویان

مسلمان

وی سپس در ادامه‌ی سخنان خود، به سرکوبی تظاهرات دانشجویان مسلمان در آمریکا و مبارزات آزادیخواهان ایرلندی اشاره کرد و گفت: در زندان‌های انگلیس، آزادیخواهان ایرلندی که اعتصاب غذا کرده بودند و فقط تقاضایشان این بود که با آنان مانند زندانیان سیاسی رفتار شود، چرا سازمان عفو بین‌المللی از زندان‌های انگلیس دیدن نکرد تا حداقل کسانی را که اعتصاب غذا کرده بودند، از مرگ نجات دهد.

پذیرش توبه‌ی تروریست‌ها

سپس حجت‌الاسلام موسوی در رابطه با تبلیغات ضدانقلاب در مورد اعدام‌ها گفت: اگر تروریست‌ها توبه کنند و اطلاعات خود را در اختیار دادگاه‌های انقلاب بگذارند، ما آنان را تأمین جانی می‌دهیم، ولی تا وقتی تروریست‌ها اسلحه به‌دست دارند و دست به تخریب و انفجار می‌زنند، ما نمی‌توانیم با آنان موضع دوستانه داشته باشیم، بلکه باید موضع عادلانه داشته باشیم و حکم الهی را اجرا کنیم.

مرگ سازمان منافقین نزدیک است

دادستان کل انقلاب در مورد وضعیت منافقین گفت: گزارشات و آمارهای به‌دست آمده، نشان می‌دهد که بیشتر نیروهای آنان دستگیر شدند و پرونده‌هایشان در حال تکمیل شدن است و روی هم رفته، نیروهای آنان رو به اضمحلال است.

دادستان کل انقلاب در ادامه‌ی این مطلب گفت: اینان (منافقین) بعد از ماجرای ۳۰ خرداد، حتی یک نفر را نتوانستند جذب تشکیلات خود بکنند، بلکه برعکس بعد از ۳۰ خردادماه حدود ۸۰ درصد از هواداران فریب‌خورده منافقین حاضر به همکاری با آنان نشدند؛ و فهمیدند که اینان خائند و لاقفل آنان معتقدند که نباید با نظام جمهوری اسلامی مبارزه مسلحانه کرد؛ و منافقین در میان رده‌های بالای خود عناصری را پاکسازی و ترور کردند، چون معتقد بودند که نباید با این نظام، مسلحانه جنگید؛ و این مسأله می‌رساند که مرگ یک سازمان مخفی و چریکی نزدیک است.

وی سپس افزود: گروه دیگری از هواداران می‌خواهند توبه کنند و اطلاعات خود را در اختیار دادگاه‌های انقلاب بگذارند و به‌کسانی که هنوز متوجه‌ی این مطلب نشدند، نصیحت می‌کنم که به‌طور ناآگاهانه در اختیار اجانب قرار نگیرند و فرصت کافی برای توبه دارند و می‌توانند اطلاعات خود را بدهند و بدانند که مجازات نخواهند شد.

اسناد جنایت ضدانقلاب

دادستان کل انقلاب به‌مورد سوءاستفاده‌ی گروهک‌ها از آزادی، اشاره کرد و گفت: عکس

و فیلم‌های مستندی داریم که در توطئه‌های کردستان، آذربایجان شرقی، خوزستان و جریانات دانشگاه، گروهک‌های اقلیت، منافقین و پیکار، رهبری توطئه‌ها را به عهده داشته‌اند و در نشریات خود دروغ‌های بزرگی را به مسؤولین مملکت نسبت می‌دادند.

حجت‌الاسلام موسوی تبریزی ضمن اشاره به تلاش‌های مذبحخانه منافقین مبنی بر تحریم سخنان امام و کتاب‌های استاد مطهری برای هواداران‌شان اظهار داشت، که امروز زندانیان در زندان‌ها بر سر کتاب‌های مطهری دعوا می‌کنند و عاشقانه آن‌ها را مطالعه می‌کنند و سخنان امام را از تلویزیون مشاهده می‌کنند و از اعمال گذشته‌ی خود، پشیمان هستند و افسوس می‌خورند.

بازگشت به آغوش خانواده و ارشاد زندانیان

وی در ادامه‌ی سخنان خود اضافه کرد: کسانی که اعمال تخریبی - انجام ندادند وقتی در زندان‌ها که اکنون مدرسه‌ای برای آنان می‌باشد - ارشاد شدند، به آغوش خانواده‌های خود بازخواهند گشت.

دادستان کل انقلاب افزود: برای ملاقات زندانیان با خانواده‌شان، برنامه‌ای را ترتیب دادیم که در شرف انجام است و حداقل ماهی یک‌بار و یا بیشتر، می‌توانند زندانیان با خانواده خود ملاقات کنند.

عملکرد سازمان وابسته عفو بین‌المللی

وی سپس به تبلیغات سازمان عفو بین‌المللی اشاره کرد و گفت: سازمان عفو بین‌المللی با اجازه‌ی ابرقدرت غرب کار می‌کنند و با اشاره آن سکوت می‌کنند. چطور این سازمان وقتی آیت‌الله صدر و خواهر بزرگوارش در زندان عراق زیر شکنجه شهید شدند و هم‌اکنون که زندان‌های عراق پر از مبارزین می‌باشد، اظهارنظری نکردند و یا در زندان‌های انگلیس که چریک‌های ایرلندی اعتصاب غذا کردند و جان سپردند، سازمان عفو بین‌المللی به آن‌جا نرفت و در این مورد سخن نگفت؟

وی اضافه کرد: سازمان عفو بین‌المللی وابسته به ابرقدرت‌هاست و این سازمان، جنایات

منافقین را محکوم نکرد و در حادثه‌ی انفجار بمب در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی که بهترین فرزندان قرآن و اسلام شهید شدند، مطلبی نگفت؟ چطور وقتی که در مصر و سودان، رسماً اعلام می‌کنند که مخالفین را می‌کشیم، ریگان پشتیبانی می‌کند و این سازمان اظهار نظری نمی‌کند؟

ضابطه‌ی عفو افراد دستگیر شده

آن‌گاه دادستان کل انقلاب در مورد پخش برنامه‌های تلویزیونی درباره‌ی کسانی که اظهار ندامت یا توبه می‌کنند و تأثیر آن بر روحیه‌ی مردم گفت: مردم بسیار خوشحالند که می‌بینند آنان به آغوش جامعه بازمی‌گردند و هم‌چنین بر روی روحیه‌ی زندانیان تأثیر مثبت و به‌سزایی دارد.

وی اضافه کرد: ارقام و اطلاعات آماری که ما از دستگیرشدگان داریم این است که ۹۰ درصد آنان توبه کرده‌اند و از نظر ارشادی در زندان، برنامه‌هایی ترتیب داده‌ایم.

حجت‌الاسلام موسوی تبریزی در مورد ضابطه عفو در مورد متهمین و محکومین؛ به‌خصوص افراد گروهک‌ها گفت: ضابطه کلی این است که توبه کنند و برگردند، به‌طوری‌که مطمئن شویم که این‌ها دیگر خیانت نمی‌کنند و ایجاد تخریب و رعب و وحشت در جامعه نمی‌کنند، اگر به این مسأله یقین پیدا کنیم، این ضابطه عفو است و آنان از زندان آزاد می‌شوند، و تا به حال صدها نفر آزاد شدند و در عید سعید غدیر امسال عده‌ی زیادی از افراد این گروهک‌ها که اطمینان حاصل کردیم از مواضع قبلی خود برگشته‌اند، از زندان اوین آزاد شدند.

آتش‌سوزی اتوبوس شیراز، کار منافقین بود

سپس دادستان کل انقلاب در ادامه‌ی مطلب خود افزود: متهمین دادگاه‌های انقلاب در هر شرایطی می‌توانند از وجود وکیل مدافع در صورت تمایل استفاده کنند. وی در پاسخ به این سؤال که آیا مسؤلیت آتش‌سوزی یک اتوبوس در شیراز و مرگ دو کودک خردسال را تاکنون گروهی به‌عهده گرفته است یا خیر؟ اظهار داشت: منافقین وقتی مشاهده کردند که جنایتی مانند

۳۵۲ کی بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

سینما رکس آبادان خیلی فجع است تا حال نتوانستند به جنایت‌های خود افتخار کنند و بگویند ما این جنایت را انجام دادیم، ولی شواهد و قرائنی که وجود دارد نشان می‌دهد این عمل، کار منافقین بوده است و طبق تحقیقاتی که دادسرای انقلاب شیراز کرده و دنبال جریان نیز هستند، تقریباً مشخص شده چه کسانی بوده‌اند.

برخورد قاطع با تروریست‌های اقتصادی

وی سپس به تروریسم اقتصادی اشاره کرد و گفت: ما با این مسأله به‌طور قاطع برخورد خواهیم کرد و این مسأله قهری است، مثل یک تروریست قاتل جانی که اسلام اجازه می‌دهد آن‌ها را اعدام کنیم. برای این‌که می‌خواهند اهداف مقدس یک ملتی را نابود کنند و اجانب را بر ایران مسلط کنند و ما با افراد جنایتکاری که می‌خواهند به وسیله‌ی احتکار و خیانت‌های اقتصادی دیگر در جامعه شرارت کنند، برخورد قاطعانه خواهیم کرد و اگر کسی از قانون تخلف کرد و به تروریسم اقتصادی دست زد، در دادگاه‌های انقلاب به‌عنوان ضدانقلاب محاکمه و مجازات خواهد شد.

پذیرش برادران کرد

وی هم‌چنین در رابطه با کردستان و مسأله‌ی عفو، با توجه به این‌که بوکان پاکسازی شده، گفت: اخیراً افراد بسیاری از برادران مسلمان کُرد، به‌دادگاه‌های انقلاب اسلامی کردستان مراجعه و امان‌نامه دریافت کرده‌اند و اکنون شهرهای کردستان حالت عادی پیدا کرده و همان‌طور که امام امت فرموده‌اند: الآن اگر مردم مسلمان کُرد به‌شهرشان برگردند و خود را معرفی کنند و حتی اگر در سابق اشتباهاتی هم کرده باشند، نسبت به اعمال گذشته آنان اغماض خواهد شد.

ضعف تبلیغات ما

دادستان کل انقلاب در پایان، ضمن اشاره به ضعف تبلیغاتی جمهوری اسلامی ایران در داخل و خارج گفت: این مطلب صحیحی است که ما تبلیغات کمتر داریم و با فعال‌شدن

وزارت امور خارجه و سفارتخانه‌های دولت جمهوری اسلامی ایران در خارج، مسأله‌ی تبلیغات؛ یعنی آگاهی مردمی که نمی‌دانند در ایران چه می‌گذرد، بیشتر خواهد شد و در مورد این‌که تبلیغات دشمن جمعاً قوی است و آن‌ها از صدور انقلاب وحشت دارند، می‌بینند که انقلاب ما روز به روز در کشورهای دیگر ریشه می‌دواند و رشد می‌کند. دادستان کل انقلاب هم چنین از ملت عزیز ایران به‌خاطر قدردانی و پشتیبانی از دادگاه‌های انقلاب، اظهار تشکر کرد.^(۱)

امام: برای نزدیکی سپاه با روحانیت، از آقای منتظری کمک بگیرید.

پیش از ظهر دیروز، فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نماینده‌ی امام در سپاه و شورای مرکزی سپاه پاسداران به‌حضور امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی رسیدند و گزارشاتی از وضع سپاه و عملکردهای آن تقدیم امام امت کردند. در این ملاقات، امام خطاب به آنان مطالبی بدین شرح بیان داشتند:

بسم الله الرحمن الرحيم

باید بعضی از تجربیاتی را که در طول زندگی دارم به شما بگویم. از وقتی که رضاخان بر سرکار آمد، من متوجه بودم و این‌طور می‌فهمیدم هر چیزی که برای اسلام مفیدتر بود، حمله به آن بیشتر می‌شد. آن‌روز، روحانیت مهم‌ترین پایگاه ملت در مقابل اجانب بود، لذا شدیدترین حملات به آن می‌شد. با شعر و نثر و هرچه داشتند به آن حمله می‌کردند، و برای اضمحلالش درهای بعضی ادارات را به‌روی آنان

گشودند، و در حوزه‌ها و شهرها به قدری آنان را در فشار قرار دادند که ما از صبح تا به‌شام در باغ‌ها زندگی می‌کردیم. با عاشورا و تسلیفات اسلامی شدیداً مخالفت کردند، چون می‌دانستند که این پایگاهی است برای رسوایی حکومت‌ها. حال، ضدانقلاب و اجانب علاوه بر روحانیت به سپاه هم حمله می‌کنند. از این حملات، انسان می‌فهمد که سپاه برای ایران و اسلام مفید است. سپاه باید بیشتر از این تابع اسلام فقاقت شود، و تقایص خود را جبران نماید تا برای اسلام و نهضت مفیدتر گردد.

مسائلی را باید گوشزد کنم: اول این که باید سعی شود اعضای شورا در کمال تفاهم باشند و از اختلاف پرهیزند و الا شکست می‌خورند. امروز مردم متوجه‌اند و اگر خدای نکرده شما با هم اختلاف داشته باشید، خوب می‌فهمند و از شما زده می‌شوند. شما باید کاری کنید که مردم همان‌گونه که تا به حال شما را پذیرفته‌اند، بپذیرند.

تمام ایران یک ارگان سیاسی است. ضدانقلاب و اجانب اگر دیدند برای از بین بردن اتحاد شما با حمله‌ی نظامی نمی‌شود کار کرد، با نفوذ اقدام می‌نمایند تا شما را از درون بپوسانند. امروز حفظ حیثیت سپاه پاسداران بر همه؛ مخصوصاً خودتان لازم است. دوم این که باید سعی شود بین ائمه‌ی جمعه و سپاه پاسداران تفاهم باشد. اختلاف بین امام جمعه و سپاه امری عادی نیست، بلکه دستی در کار است و عده‌ای این کار را می‌کنند تا هم سپاه و هم روحانیت را تضعیف نمایند، و با روش خاصی وارد شده‌اند. باید اشخاصی را مأمور کنید تا اگر در شهری، اختلافی بین روحانیت و سپاه است، برطرف کنند. سوم که شاید مهم‌ترین مسأله است، مسأله‌ی تعلیماتی است که در سپاه داده می‌شود، و باید توجه داشته باشید تا کسانی که برای این کار انتخاب می‌کنید، کاملاً شناسایی شوند تا این که خدای نکرده مواجه نشویم با التقاط. باید توجه کنید که اسلام همان است که از صدر اسلام تاکنون فقها آن را حفظ کرده‌اند. در بعضی موارد، قدرت داشته‌اند و پیاده کرده‌اند و در بیشتر موارد دست‌نخورده در ﴿تَفَكُّهُ﴾ و اخبار و کتاب‌های فقه موجود است. توجه کنید تا کسانی ظاهرالصلاح، اسلام‌شناس نشوند و یک‌مرتبه متوجه شوید از راه راست منحرف شده‌اید؛ یعنی سعی کنید اسلامتان از روحانیت جدا نشود، و با آنان که اسلامشان با روحانیت

مخالف است، مخالفت کنید. متوجه باشید از آنجا که شما بیشتر زحمت می‌کشید، شیاطین از همه بیشتر متوجهی شمایند تا شما را از بین ببرند. مسأله‌ی دیگر صدور انقلاب است که بارها گفته‌ام ما با کسی جنگی نداریم.

امروز انقلاب ما صادر شده است. در همه‌جا اسم اسلام است و مستضعفین به اسلام چشم دوخته‌اند. باید با تبلیغات صحیح اسلام را آن‌گونه که هست به دنیا معرفی نمایید. وقتی ملت‌ها اسلام را شناختند قهراً به آن روی می‌آورند و ما چیزی جز پیروز شدن احکام اسلام در جهان نمی‌خواهیم. من به شما نصیحت می‌کنم که حیثیت و جاهت خود را در میان مردم حفظ کنید، البته در بین شما، جوان‌های تندی هم هستند که باید آن‌ها را تعدیل کنید تا کارهایی را که برخلاف مشی کل سپاه است، انجام ندهند. برای نزدیکی سپاه با روحانیت، از آقای منتظری که در قم هستند، کمک بگیرید. برای خدا تبلیغات کنید که تبلیغات امر مهمی است. به همان اندازه که تبلیغات برای مستکبرین و زورگویان مضر است، به همان اندازه و یا بیشتر برای مستضعفین مفید است. مراعات حال مردم را بنمایید. انصافاً مردم ایران حق بزرگی بر انقلاب دارند. به خدا بیشتر اعتماد کنید. خداوند همه شما را محترم و معزز نگاه دارد و دست دشمنان اسلام را قطع کند! ^(۱)

مجلس نخست وزیری دکتر ولایتی را تأیید نکرد

در جلسه‌ی علنی امروز مجلس شورای اسلامی که به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی و با تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید آغاز شد، پس از سخنرانی ناطقین قبل از دستور، برای تأیید نخست‌وزیری دکتر ولایتی رأی‌گیری به عمل آمد که نخست‌وزیری وی، با ۸۰ رأی مخالف و ۷۴ رأی موافق و ۳۸ رأی ممتنع از مجموع آرا، مورد تأیید قرار نگرفت.

در جلسه‌ی امروز که ساعت ۸:۳۰ آغاز گردید، آقای اسماعیل مغزی نماینده‌ی مردم ملایر و صباح زنگنه نماینده‌ی مردم شیراز سخنانی ایراد کردند، سپس رئیس مجلس، حادثه‌ی تصادف آقای اصغری نماینده‌ی بناب و ملکان، و کشته‌شدن ایشان را به خانواده و نمایندگان مجلس تسلیت گفت.

وی در ادامه‌ی سخنان خود درباره‌ی سالگرد شهادت آیت‌الله حاج آقا مصطفی خمینی افزود: برخوردار امام با مرگ فرزندش این‌طور است که می‌داند این شهادت در روند تکاملی انقلاب مؤثر است، آن‌را از الطاف خفیه الهی نام می‌برد.

آن‌گاه رئیس مجلس، سالگرد شهادت فرزند امام را همراه با شهادت دیگر فرزندان امام در جبهه‌ها، به امام و ملت مسلمان ایران تبریک و تسلیت گفت.

۳۵۸ کی بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

آقای هاشمی هم‌چنین یادآوری کرد که امروز اربعین شهادت آیت‌الله مدنی و نیز سالگرد هجوم طاغوت به شهر قهرمان همدان می‌باشد. وی هم‌چنین در پایان، شهادت داماد آقای ملک‌پور نماینده زردشتیان در مجلس را که در جبهه شهید شده‌اند به ایشان تبریک و تسلیت گفت و سپس تذکرات نمایندگان قرائت گردید، و نیز اعتبارنامه‌ی عجم، نماینده‌ی جدید مشهد تصویب شد. آنگاه مجلس وارد دستور شد که اولین دستور آن، رأی‌گیری برای تأیید نخست‌وزیری دکتر ولایتی بود که از مجموع آرای ۱۹۲، ۷۴ رأی موافق و ۳۸ رأی ممتنع و ۸۰ رأی مخالف، اعلام گردید که بدین ترتیب نخست‌وزیری ایشان از طرف مجلس رد شد. در این رأی‌گیری، ۱۳ نفر حق رأی نداشتند و ۲ نفر نیز رأی ندادند و مجموع نمایندگان در مجلس، ۲۰۷ نفر بودند.^(۱)

دکتر ولایتی که بود؟

دکتر علی اکبر ولایتی در سال ۱۳۲۴ در تهران متولد شد. وی تحصیلات خود را در مدارس بهرام و نادر (افشار) و جم (قلهک)، به پایان رساند و در سال ۱۳۵۰ از دانشکده پزشکی دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد و در سال ۱۳۵۳ موفق به اخذ درجه‌ی تخصصی در بیمارستان عفونی اطفال در مرکز طبی کودکان گردید و در سال ۱۳۵۴، جایزه‌ی بهترین مقاله در طب کودکان را گرفت.

دکتر ولایتی سپس برای تکمیل تحصیلات خود عازم آمریکا شد و در سال ۱۳۵۵ به اخذ درجه‌ی فوق تخصصی در بیماری‌های عفونی نائل گردید. وی در آمریکا به عضویت انجمن اسلامی دانشجویان مقیم آمریکا درآمد.

دکتر ولایتی که ضمناً عضو هیأت مدیره‌ی انجمن اسلامی پزشکان و عضو هیأت علمی دانشکده تندرستی نیز می‌باشد در تأسیس مراکز امداد و درمان با همکاری روحانیون و پزشکان متعهد، فعالیت داشته است. ایشان در نخستین دوره‌ی انتخابات مجلس شورای اسلامی به عنوان نماینده‌ی مردم تهران، به مجلس راه یافت و به عضویت کمیسیون بهداری و بهزیستی درآمد.

ولایتی، برای انجام مناسک حج به عربستان سعودی سفر کرده و مسافرت‌هایی نیز به یونان و انگلستان داشته است و آخرین سفر وی به کوبا برای شرکت در کنفرانس بین‌المجالس بود. دکتر ولایتی که عضو جامعه‌ی پزشکان جمهوری اسلامی است، تألیفات زیادی در رشته‌ی تخصصی خود دارد که از جمله می‌توان کتاب بیماری‌های عفونی (در دو جلد) کتاب آنتی‌بیوتیک‌ها و مقالات متعدد تخصصی پزشکی و اجتماعی را نام برد.

دکتر ولایتی پیش از پیروزی انقلاب، دانش‌یار و مدیر آموزشی دانشکده علوم تندرستی بود و پس از پیروزی انقلاب در مدیریت آموزشی و معاونت امور درمانی وزارت بهداشتی و بهزیستی خدمت کرد.

دکتر ولایتی، از سال ۱۳۴۰ مبارزات سیاسی خود را آغاز کرد و در سال ۱۳۴۲ با پیوستن به فعالیت‌های سیاسی - ایدئولوژیک زیرزمینی امام خمینی و تداوم آن با پیروزی انقلاب و شرکت در بنیانگذاری انجمن اسلامی دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه تهران، نقش اساسی داشت.

خط امام از نظر نخست‌وزیر معرفی شده به مجلس چنین است:

«از خط اسلام راستین که به عقیده‌ی من همان خط تشیع راستین است و در زمان ما پیشوای این خط امام است و وظیفه‌ی کسانی که مؤمن به انقلاب اسلامی هستند این است که این خط را رها نکنند.»

دیدگاه‌های سیاسی - اقتصادی و...

دکتر ولایتی در مراسم نماز جمعه‌ی هفته‌ی پیش تهران که در دانشگاه تهران برگزار شد، دیدگاه‌هایش را تا حدودی و به‌طور اختصار نسبت به مسایل روز بیان کرد.

وی در جهت تأمین امنیت داخلی یادآور شد که باید نهادهای انقلابی و کمیته‌ها را تقویت کرد و در طریق صحیح سوق داد، باید سپاه پاسداران، بخش‌های مربوط به حفاظت و اطلاعات و امنیت خویش را تقویت کند.

دکتر ولایتی برگسترش و تعمیق آموزش‌های ایدئولوژیک اسلامی در مدارس تأکید ورزید و ضرورت ایجاد بسیج ۲۰ میلیونی با شرکت توده‌های میلیونی را برشمرد.

دکتر ولایتی اقدامات انجام شده در زمینه توزیع عادلانه کالاها را مورد تأیید قرار داد و بر استمرار چنین اقداماتی در جهت قطع غارتگری زالوصفتان و تأمین منافع مردم تأکید ورزید.

دکتر ولایتی راجع به مسأله‌ی مالکیت، اظهار داشت، در اسلام مالکیت محترم است، اما افراد باید وجوهات شرعی خود را بدهند و بر حکومت است که اگر نداده‌اند، بستاند. وی افزود: حدود مالکیت، بسیار دقیق و حساس است؛ باید به دست خبرگان مشخص شود، تا ملت تکلیف خود را بداند. خوشبختانه امام در مورد ضروریات و مسائل، مشکل‌گشا خواهند بود و مجلس شورای اسلامی با توجه به بافت و ترکیبی که دارد و عملکردی که در عرض این مدت داشت، نشان داد که خواستار اجرای احکام اسلامی است.

دکتر ولایتی در زمینه‌ی مسایل سیاست خارجی در منطقه‌ی خاورمیانه، یادآور شد که تنها راه نجات امت اسلام، بازگشت به اسلام است. امت عرب از امت اسلام جدا نیست، او پرسید که: این ننگ نیست که ۳ میلیون اسرائیلی به یک میلیارد مسلمان جهان زور بگوید؟!

با انتشار یک سند خیلی محرمانه:
**وزارت خارجه، تبانی دو عضو عالی رتبه‌ی سازمان عفو بین‌الملل
با سفیر شاه مدفون در انگلیس را فاش کرد**

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، طی اطلاعیه‌ای سند خیلی محرمانه‌ای از ملاقات سفیر دولت شاهنشاهی ایران در لندن با دو تن از نمایندگان سازمان عفو بین‌الملل، به نام‌های دیوید سیمپسون و مارتین انالز، را که در محل سفارت دولت شاهنشاهی انجام گرفته است، منتشر کرد.

متن کامل سند که حاوی گفت‌وگوی پرویز راجی سفیر شاه مخلوع، با مارتین انالز دبیر کل سازمان عفو بین‌الملل و دیوید سیمپسون رئیس بخش انگلیسی سازمان عفو بین‌الملل بوده، به این شرح است:

خیلی محرمانه

رمز، تاریخ: ۲۵۳۶/۱۲/۱۱

شماره‌ی ۲۹۱۳۴

از لندن به مرکز

جناب آقای عباس علی خلعتیری وزیر امور خارجه!

دیروز ناهار، آقای مارتین انالز دبیر کل سازمان عفو بین الملل و آقای دیوید سیمپسون رئیس بخش انگلیسی این سازمان، بنا به دعوت قبلی در سفارت میهمان این جانب بودند. نکات عمده‌ی گفت و گوهایی را که با نامبردگان به عمل آمد، به شرح زیر به استحضار عالی می‌رساند:

۱- به آقای انالز گفتم که دیروز گزارش وکیل شما در برابر کمیته‌ی سازمان‌های بین‌المللی کنگره‌ی آمریکا را دریافت کردم و امیدوار بودم بعد از تماس‌های اخیر، لحن گزارش مساعدتر از این باشد.

خسناً یک نسخه از اعلامیه‌ی دولت شاهنشاهی را که هنوز آقای انالز ندیده بود، به‌وی دادم. بعد از مطالعه‌ی آن با خوش‌رویی گفت: مطالب آن‌را می‌پذیرم ولی صحیح نیست اگر گفته شود که سازمان، لحن خودش را نسبت به ایران تغییر نداده است، بلکه لحن سازمان همان‌طور که در گزارش سالانه منعکس است به‌نحو محسوس نسبت به ایران تغییر کرده است. وی در تأیید نظر خود راجع به تغییر رویه سازمان نسبت به ایران، اشاره به صفحه‌ی ۱۰ گزارش سازمان به کنگره آمریکا کرد.

۲- آقای انالز گفت: مطالبی که کنفدراسیون دانشجویان ایرانی عنوان می‌کند آن قدر پرچ و مهمل است که نشان می‌دهد ساواک چقدر خوب در بین آنان نفوذ کرده است و مطمئناً اگر ساواک پشتیبانی خود را از آنان قطع کند، کنفدراسیون به‌زودی از هم پاشیده می‌شود.

۳- به آقای انالز گفتم که دو سؤال خصوصی از شما دارم، یکی این‌که اگر برای شما با استدلال روشن شود که اوضاع در ایران در زمینه‌ی حقوق بشر، تغییر اساسی یافته و بهبودی یافته، آیا تصور می‌کنید که این یک خودکشی سیاسی برای سازمان خواهد بود. از کارهایی که در این زمینه در ایران انجام شده است، تعریف کنید و آیا فکر می‌کنید این اقدام به‌اعتبار جهانی شما لطمه خواهد زد؟ وی گفت: نه خیر! به هیچ وجه باعث سلب اعتبار ما نخواهد شد و همین‌که عیبی عنوان نشود، تغییر نظر ما را منعکس می‌کند.

گفتم: به نظر شما چه کار می‌باید برای ذکر این محاسن انجام داد؟ گفت: به‌عنوان فرد خصوصی و دوست شما می‌گویم که مؤثرترین قدمی که برای بهبود سیمای شما در

این مدت برداشته شده، دعوت از آن روزنامه‌نگار بلژیکی بود که از زندان‌ها بازدید کرد و اضافه کرد که البته اگر محاسن کار شما از زبان لرد چالفون بیان شود تأثیر کمتری دارد تا از زبان یک نفر بی طرف.

گفتم: کاندیدایی برای این کار داری؟ گفت: باید دربارهی آن فکر کرد. وی ادامه داد: اکنون مصری‌ها سیاست گشودن درها به روی روزنامه‌نگاران را اعمال می‌کنند و از آن نتیجه گرفتند. گفتم، مسأله‌ی ایران با مصر فرق دارد. ما در ایران ملاحظات ژئوپلیتیکی داریم. گفت: مصر هم کشوری در حال جنگ است. گفتم: شاید اسرائیل مناسب‌تر از شوروی باشد. آقای انالز اضافه کرد: اقدام دیگری که می‌تواند انتقادکنندگان از وضع شما را خلع سلاح کنند، انتشار گزارش صلیب سرخ بین‌المللی است.

۴ - از آقای انالز پرسیدم: آیا ایران هنوز در شمار کشورهای قرار دارد که در زمینه‌ی حقوق بشر نسبت به آن‌ها انتقاد می‌شود؟ گفت: اکنون بعضی کشورها مثل آفریقای جنوبی بالاتر از سایر جاها قرار دارند. پرسیدم: اسرائیل چطور؟ جواب داد: سازمان‌های سرشناس یهود؛ مانند کنگره یهودیان جهان همیشه روابط منطقی و صحیح با سازمان ما داشته‌اند.

۵ - آقای انالز از وقایع تبریز و قم پرسیدند. با استناد به فرمایشات ملوکانه‌ی شاهنشاه توضیح دادم که این اغتشاشات نتیجه‌ی فعالیت و اتحاد نامقدس ارتجاع سرخ و سیاه است و سپس نقش این عوامل را به تفسیر شرح دادم.

پرویز راجی سفیر شاهنشاهی ایران در لندن در خاتمه‌ی گزارش ویژه‌ی خود از لندن می‌نویسد: این ملاقات در پیروزی از سیاست حفظ تماس و باب گفت‌وگو با سازمان عفو بین‌الملل که مورد تصویب ذات اقدس شهریاری قرار گرفته است، انجام شد. و استنباط این جانب به‌طور کلی این است که در طرز فکر و رویه‌ی سازمان مذکور نسبت به ایران، بهبود نسبی صورت گرفته است. مراتب برای استحضار خاطر جناب عالی گزارش شد.^(۱)

۲۵۳۶/۱۲/۱۱

پرویز راجی

کدام یک نخست‌وزیر می‌شود؟

به‌دنبال رد پیشنهاد نخست‌وزیری دکتر ولایتی در مجلس شورای اسلامی که ناشی از رأی عدم تمایل مجلس به ایشان بود، بار دیگر بحث پیرامون «نخست‌وزیر» و این‌که «چه کسی نخست‌وزیر خواهد شد؟» در محافل سیاسی بالا گرفته است.

در پی مصاحبه‌ی خبرنگاران اطلاعات و کیهان، با رئیس‌جمهوری که روز پنج‌شنبه بعد از اعلام رأی عدم تمایل مجلس به‌دکتر ولایتی انجام گرفت، ایشان اظهار داشتند که ۵ نفر از سوی رئیس‌جمهوری جهت احراز پست نخست‌وزیری در نظر گرفته شده‌اند. در همین مصاحبه از سوی حجت‌الاسلام خامنه‌ای رئیس‌جمهور اعلام گردید که در جلسه آینده‌ی مجلس (فردا) رئیس‌جمهور شخص دیگری را در جهت احراز پست نخست‌وزیری به‌مجلس پیشنهاد خواهند کرد.

براساس اخبار به‌دست آمده توسط خبرنگاران سرویس سیاسی اطلاعات، آگاهان سیاسی پیش‌بینی می‌کنند افراد مورد نظر جهت احراز پست نخست‌وزیری عبارتند از: مهندس میرحسین موسوی (وزیر فعلی امور خارجه)، علی‌اکبر پرورش (وزیر فعلی وزارت آموزش و پرورش)، محمد غرضی (وزیر فعلی وزارت نفت)، مهندس میرسلیم (سرپرست بنیاد امور جنگ‌زدگان)، و دکتر حسن غفوری (وزیر نیرو).

چند تن از نمایندگان مجلس که نظر آن‌ها در مورد نخست‌وزیر آینده سؤال شده بود در مورد مهندس موسوی وزیر امور خارجه بر این اعتقاد بودند که بهتر است ایشان در پست خود باقی بمانند و به‌عنوان نخست‌وزیر پیشنهاد نشود. زیرا ایشان توانسته است وزارت امور خارجه را پس از ماه‌ها رکود، فعال کرده، حرکت ملموس و مثبتی در این وزارتخانه به‌وجود آورد.

به گزارش خبرنگاران ما از سوی دیگر، جسته و گریخته شنیده می‌شود که جوّ مجلس، هیچ‌یک از کاندیداهای احتمالی را به‌اندازه‌ی آقای «پرورش» مورد نظر ندارد، زیرا پرورش، مدت‌ها در سنگر مجلس کار کرده و اکثر نمایندگان از وی شناخت کافی دارند. روی هم رفته، می‌توان گفت: «پرورش» بهترین شانس برای احراز پست نخست‌وزیری را داراست.

هم‌چنان‌که در بالا آمد در میان کاندیداهای پست نخست‌وزیری از دکتر غفوری وزیر نیرو هم یاد می‌شود که قبل از این، استانداری خراسان را به‌عهده داشت. کاندیدای دیگر پست نخست‌وزیری، مهندس میرسلیم است که از شروع جنگ تحمیلی عراق با ایران، سرپرستی امور مربوط به جنگ‌زدگان و اردوگاه‌های جنگ‌زدگان را به‌عهده دارد. وی قبل از احراز پست، مدت‌ها هم‌دوش آیت‌الله مهدوی‌کنی در وزارت کشور، مقام معاونت سیاسی این وزارتخانه را به‌عهده داشت و یک‌بار قبل از نخست‌وزیری شهید رجایی قرار بود به‌عنوان کاندیدای نخست‌وزیری به‌مجلس پیشنهاد شود، ولی با مخالفت عده‌ای روبه‌رو شد.^(۱)

موسوی به عنوان نخست وزیر معرفی شد

حجت الاسلام سیدعلی خامنه‌ای رئیس جمهوری، با ارسال نامه‌ای به مجلس، میرحسین موسوی (وزیر امور خارجه) را به عنوان نخست وزیر به مجلس معرفی کرد. این نامه که به شرح زیر است، امروز در جلسه‌ی علنی مجلس شورای اسلامی، توسط رئیس مجلس قرائت شد:

بسم الله الرحمن الرحيم

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی!

پیرو عدم موافقت اکثریت نمایندگان محترم با نخست وزیری برادر گرامی و ارجمند دکتر علی اکبر ولایتی، اینک مجدداً برابر اصل ۱۲۴ قانون اساسی برادر عزیز و گرانمایه آقای میرحسین موسوی به عنوان نخست وزیر معرفی می‌گردد.

خواهشمند است مجلس محترم را جهت اخذ رأی تمایل در جریان امر قرار دهید.

سیدعلی خامنه‌ای - رئیس جمهوری اسلامی ایران

خبرنگار پارلمانی اطلاعات می‌نویسد: در پی این معرفی، مجلس شورای اسلامی، روز پنجشنبه (پس فردا) در مورد اخذ رأی تمایل نسبت به این معرفی جلسه تشکیل خواهد داد و

۳۶۸ به بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

تصمیم خواهد گرفت.

جلسه‌ی امروز مجلس

مجلس شورای اسلامی صبح امروز جلسه‌ی علنی تشکیل داد. در این جلسه که ساعت ۸ و ۴۰ دقیقه و پنج دقیقه به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی و با تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید آغاز گردید، اولین ناطق پیش از دستور آقای بیت اوشانا، نماینده‌ی ارامنه و آشوریان مطالبی ایراد کرد و سپس حجت‌الاسلام حسن روحانی طی بیاناتی نکاتی را درباره‌ی سفر حج و نیز مسایل صدا و سیما که وی نماینده‌ی مجلس در شورای سرپرستی آن می‌باشد، مطرح کرد. آن‌گاه رئیس مجلس تذکرات نمایندگان به‌مسئولین دولت را قرائت کردند و سپس مجلس وارد دستور شد.

ابتدا اعتبارنامه‌ی نمایندگان جدید تهران آقایان زواره‌ای، کمالی و خانم عاتقه صدیقی و نیز اعتبارنامه‌ی راشد، نماینده‌ی مردم مغان مورد تصویب نمایندگان قرار گرفت.^(۱)

میرحسین موسوی کیست؟

میرحسین موسوی خامنه‌ای در سال ۱۳۲۰، در خامنه (قصبه‌ای نزدیک تبریز) متولد شد. در سال ۱۳۴۱ برای ادامه‌ی تحصیل وارد دانشکده‌ی معماری و شهرسازی دانشگاه ملی گردید و در سال ۱۳۴۸ با اخذ درجه‌ی فوق لیسانس معماری و شهرسازی، فارغ‌التحصیل شد. طی تحصیل در دانشگاه، همراه چند تن از دوستان خود اولین انجمن اسلامی دانشگاه ملی را پایه‌گذاری کرد و بعد از اتمام دانشگاه، شرکت سمرقند را که در حقیقت پوششی برای مبارزه با رژیم سابق محسوب می‌گردید، با همان دوستان تأسیس کرد.

در اوایل سال ۱۳۵۲ تمام افراد این شرکت، در یورش ساواک دستگیر گردید که بعد از مدتی به علت فقدان مدارک، همه اعضا به‌غیر از شهید حسن آلا‌پوش و آقای عبدالعلی بازرگان آزاد گشتند.

از سال ۱۳۵۳، به تدریس در دانشگاه ملی پرداخت و در سال ۱۳۵۵ با چند تن از برادران مسلمان «جنبش مسلمانان ایران» را پایه‌گذاری کردند.

بعد از پیروزی انقلاب به عضویت شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی درآمد و با همکاری برادران دیگر، روزنامه‌ی جمهوری اسلامی را که اولین روزنامه‌ی اسلامی بعد از

۳۷۰ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

انقلاب و ارگان حزب جمهوری اسلامی است پایه‌گذاری کرد و با سمت مدیر مسؤول و سردبیر روزنامه، به خدمت خود ادامه داد.

• موسوی در فاصله‌ی اردیبهشت ۱۳۵۸ تا استعفای دولت موقت در شورای انقلاب عضویت داشته است و سمت دیگر میرحسین موسوی، تصدی وزارت امور خارجه است و مدت هشت سال نخست‌وزیر آقای علی خامنه‌ای بود.

آیت موسوی اردبیلی: جو سازی در مورد دادگاه‌ها، جنبه‌ی سیاسی دارد

بعضی از حکام شرع که قبلاً محکوم شده بودند، هم‌اکنون در اوین دوران محکومیتشان را می‌گذرانند.

انتخاب دو عضو شورای عالی قضایی به‌زودی خاتمه می‌یابد.

آیت‌الله موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور در مورد اعدام‌های اخیر، مجازات و عملکرد دادگستری در یک برنامه‌ی رادیو تلویزیونی سخن گفت.

وی درباره‌ی اعدام‌هایی که بیشتر در نوشته‌ها و گفته‌های خارجیان مطرح می‌شود، گفت: هدف آنان جو سازی است. این اظهار نظرها چندگونه‌اند: بعضی‌ها با مجازات اعدام مخالفند که این از نظر قوانین فعلی و مبانی اسلامی حرف بی‌ربطی است، از نظر فکری هم این مسأله در دنیا یک فکر موقتی نبوده، فقط آن‌ها می‌خواهند بگویند که ما مترقی فکر می‌کنیم و با اصل اعدام مخالفیم. این‌گونه اظهار نظرها جایش این‌جا نیست. بعضی می‌گویند ما اعدام را قبول داریم، اما در این موارد، مجازات اعدام نیست و چیز دیگری است که این یک بحث

حقوقی است. بعضی‌ها می‌گویند اعدام‌های شما آمارش خیلی بالا است و بررسی و تحقیق پیرامون آن کمتر می‌شود.

رئیس دیوان عالی کشور در این جا افزود: این که می‌گویند آمارش خیلی بالاست به عقیده‌ی من این‌ها بی‌انصافی می‌کنند. وقتی این حرف را می‌توانند بگویند که اولاً آمار دقیق در اختیارشان باشد. آمار را روزنامه‌ها منتشر می‌کنند و این‌ها مقایسه می‌کنند با آن اعلاناتی که در دنیا می‌شود که معمولاً ۵۰۰۰ نفر را می‌کشند و می‌گویند ۵۰۰ نفر را کشتیم. این‌ها، این‌ها را مقایسه می‌کنند. آماری که ما می‌دهیم، واقعیت است. این‌ها باید این آمار را با آمار واقعی قضایای مشابه مقایسه کنند، هر چند با موقعیت خاصی که ما داریم، دشمن‌هایی که ما داریم، جو سازی که می‌کنند و دخالت‌هایی که ابر قدرت‌ها در امور کشور ما می‌کنند، این مدعیان باید بیایند و این پرونده‌ها را بخوانند و ببینند این افراد چه می‌کنند و کارشان از کجا سرچشمه می‌گیرد. من نظر آنان را در مورد این که آمار اعدام‌ها خیلی بالاست نمی‌پذیرم، ولی اگر هم فرضاً چنین باشد، باید گفت اگر قرار شد در یک مملکت مثلاً دزدها را بگیرند زندانی کنند، دزد هم زیاد باشد، باید به دلیل بالا بودن آمار، دزدها را نگیرند؟ و مثلاً به بهانه‌ی بالا بودن آمار، قاتل‌ها را باید ول کنند؟ و ما این‌که می‌گویند کیفیت پایین است و بچه‌ها و بی‌تقصیرها را می‌کشند، ما دنبال این مسایل هستیم.

روز جمعه من در قم به اتفاق بعضی از برادران، پرونده‌هایی را که مورد شبهه بود، بازبینی و مطالعه کردیم و در یک مورد مجازاتی که تعیین شده بود، به نظر من سنگین آمد. این باید از حاکم شرع سؤال شود که علت چیست؟ من نمی‌خواهم این‌طور نظر بدهم که در میان این همه قضاوت‌ها در این همه محکمه‌ها هیچ تخلفی نشده. من که نمی‌خواهم شعار بدهم. من می‌خواهم یک واقعیتی را روشن کنم که کارهایی در این سطح، در این حجم و در این موقعیت ممکن است یک درصدی هم گاهی اشتباه شده باشد، البته این اشتباه چون راجع به حقوق مردم است، پی‌گیری می‌شود.

چندی پیش قضاوتی در اهواز شده که به نظر شورای عالی قضایی هم رسید. این قضاوت حداقل یک اشتباه دارد. روی این اصل، پرونده را خواستیم و به دادگاه عالی فرستادیم و هم‌اکنون حاکم شرع این پرونده تحت محاکمه است که دفاع کند و حتی بعضی از حکام شرع

که قبلاً محکوم شده بودند، در حال حاضر در اوین هستند و دوران محکومیتشان را می‌گذرانند. گاهی این هست و این پیگیری می‌شود که این نقص‌ها و ضعف‌ها که در کار هست، برطرف شود.

رئیس دیوان عالی کشور افزود: جو سازی به این صورت، یک جنبه سیاسی دارد؛ زیرا آن‌ها حقیقتاً دلشان به حال مردم ما نسوخته است و فقط می‌خواهند جو سازی کنند. وی اضافه کرد: به دنبال انحلال سازمان بازرسی سابق، سازمان بازرسی جدید در مجلس شورای اسلامی تصویب و ابلاغ شد. حجت‌الاسلام دکتر محقق نیز به ریاست آن انتخاب شده‌اند که به زودی ایشان برنامه‌ی کارشان را اعلام و مشخص خواهند کرد که چگونه مردم دردهایشان را مطرح و به کجا مراجعه کنند، و اگر ضعف‌ها و نقص‌هایی در کار بود، این‌ها بروند و ببینند، گزارش کنند تا ان شاء الله این ضعف‌ها برداشته شود.

آیت‌الله موسوی اردبیلی در زمینه‌ی کار لایحه‌ی دیوان عدالت گفت: شورای عالی قضایی، ماه‌ها روی این لایحه کار کرد و سپس آن‌را برای تصویب به مجلس شورای اسلامی فرستاد؛ اکنون منتظریم که مجلس آن‌را تصویب یا حداقل به کمیسیون بفرستد و برای آزمایش هم که شده به ما اجازه دهد که کار را شروع کنیم تا بیش از این در این مهم تأخیر ایجاد نشود.

اگر دیوان عدالت در کنار سازمان بازرسی بسیار قوی به کار افتد؛ یعنی بتواند هم ارگان‌ها و نهادهای مملکتی، وزیر، نخست‌وزیر، رئیس‌جمهور، قاضی و غیرقاضی را محاکمه کند و خود سازمان بازرسی هم سالی یک‌بار همه ارگان‌ها را بازرسی کند، من فکر می‌کنم مقدار زیادی از نقایص اداری حل بشود. ما فقط منتظر تصویب و ابلاغ این قانون هستیم.

رئیس دیوان عالی کشور هم چنین گفت: از کارهای دیگری که در دادگستری انجام شده، ایجاد دفتر تحقیقات و بررسی‌ها در دادگستری است تا لوایح را براساس مبانی اسلامی و برای رفع مشکلات تدوین و تنظیم نماید و اما در مورد ترمیم دو عضو دیگر شورای عالی قضایی کارت‌های لازم بین قضات توزیع شده و امیدواریم هرچه زودتر کار انتخاب این دو عضو شورای عالی قضایی خاتمه یابد.

آیت‌الله موسوی اردبیلی در پایان افزود: ما در دادگستری قضات شریف، خوب، پاکدامن، مؤمن، متعهد و وظیفه‌شناس بسیار داریم که با همت آنان طی سال ۱۳۵۹، یک میلیون و

۳۷۴ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

هشتصد هزار پرونده مورد رسیدگی قرار گرفت و مختومه اعلام شد. (۱)

حجت الاسلام لاهوتی، به علت سکنه‌ی قلبی درگذشت

سخنران رئیس مجلس شورای اسلامی در مورد درگذشت حجت الاسلام لاهوتی حجت الاسلام لاهوتی نماینده‌ی مردم رشت در مجلس شورای اسلامی بر اثر حمله‌ی قلبی در بیمارستان قلب تهران درگذشت.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی این‌خبر را در جلسه‌ی علنی امروز مجلس، اعلام کرد و در حالی که به شدت می‌گریست، گفت:

صبح امروز خبر بسیار تلخی به ما رسید و برادرمان، همکارمان و هم‌زمان جناب حجت الاسلام آقای لاهوتی به‌دنبال حادثه‌ای (سکنه‌ی قلبی) که برایشان اتفاق می‌افتد و سابقه‌ی کسالت قلبی که داشتند به بیمارستان قلب تهران منتقل شدند، ولی معالجات مؤثر واقع نمی‌شود و ایشان دارقانی را وداع می‌گویند.

برای ما نمایندگان مجلس که جای ایشان را خالی می‌بینیم و برای شخص من که مدت ۲۰ سال است در کنار هم مبارزه می‌کردیم و سال‌های طولانی زیر یک سقف در زندان‌ها بوده‌ایم روز تلخی است و این ضایعه را به خانواده‌ی ایشان و به دوستان تسلیت عرض می‌کنم.^(۱)

مطالبی درباره‌ی آیت‌الله لاهوتی

تغییر نام پادگان لاهوتی به حُرّ

مرحوم آیت‌الله لاهوتی یکی از مبارزین سرسخت قبل از انقلاب، سال‌ها با فرزندش وحید، در بازداشتگاه اوین، زندانی بود. به‌شهادت دیگر مبارزان زندانی در بازداشتگاه، وی شدیدترین و سخت‌ترین شکنجه‌ها را تحمل کرد و حاضر نشد مثل بعضی از سران گروه‌های سیاسی و دیگران با نوشتن ندامت‌نامه از شاه تقاضای عفو کند.

رسم در زندان چنین بود؛ گاهی زندانی را وادار می‌کردند دوست، همدم، هم‌رزم یا منسوبین خود را که در زندان بودند، شکنجه کند. تا این‌که یک‌روز از مرحوم آیت‌الله لاهوتی می‌خواهند که فرزندش را شلاق بزند، ولی او از انجام این عمل خودداری می‌کند؛ آن‌گاه از وحید، فرزند وی می‌خواهند که پدرش را شلاق بزند؛ وحید با نفرت تفی بر روی شکنجه‌گر می‌اندازد. این شکنجه‌گر پدر و پسر را تحویل زندانبانان دیگر می‌دهد که هر دوی آن‌ها را شلاق بزنند.

روزهای پس از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، که پادگان‌ها توسط چریک‌های مسلح و مردم سقوط کرد، پادگان باغ‌شاه (سابق) به‌نام پادگان لاهوتی نام‌گذاری شد. این نام روی این پادگان بود تا

این که مرحوم لاهوتی پس از چندی دستگیر شد...

لا هوتی پس از انقلاب

مرحوم آیت‌الله لاهوتی در یک مصاحبه با دانشجویان دانشگاه علم و صنعت نظرش را نسبت به انقلاب چنین بیان داشت: «ما هر روز شاهد شیوع مرض خودبزرگ‌بینی هستیم». مرحوم لاهوتی درباره‌ی ضایعات انقلاب، تاریخ را به شهادت طلبیده و اشاره کرد: «گاه دیده شده که انقلاب اسلامی نیز بعد از پیروزی دچار ضایعاتی شده، برای درک چگونگی آن باید به تاریخ اسلام رجوع کنیم. ما امروز متوجه می‌شویم که در این مقطع از تاریخ، وارث چه چیز و چه کسی هستیم و چه باید می‌کردیم و چه باید بکنیم...»

وی در ادامه‌ی سخنانش گفته بود: «... غلط است که اگر تصور بکنیم انقلاب اسلامی ما به خوبی و خوشی تمام شده، و اینک ما مانده‌ایم و یک جامعه‌ی متعالی اسلامی، اما جمهوری اسلامی هنوز به‌طور کامل در هیچ‌کجای ایران پیاده نشده است، البته این امر طبیعی است... متأسفانه در جامعه‌ی ما بر سر مقام و منصب اختلاف است، ما مثل کرم ابریشم دور خودمان تارهایی تنیده‌ایم و تمام روزه‌های نجات را داریم می‌بندیم. هر روز شاهد شیوع مرض خودبزرگ‌بینی هستیم، و این امری خطرناک است. جایی که امام خالصانه می‌گوید: ما نوکر ملتیم، باید دید این خودبزرگ‌بینی و قدرت‌طلبی‌ها از کیست؟ یک مسلمان متعهد، باید از پذیرفتن مقام‌هایی که انجام مدیریت آن از عهده‌اش خارج است، امتناع کند...»

مرحوم لاهوتی در این سخنرانی مسایل مختلف را مطرح کرد، در پایان سخنرانی سؤالات متعددی طرح شد که مرحوم لاهوتی به آن‌ها پاسخ گفت.

از ایشان پرسیده شد: علت کناره‌گیری شما از سپاه پاسداران چه بود؟

وی پاسخ داد: قرار بود سپاه پاسداران ضمن این‌که مرکز نظامی است، مرکز آزادی اسلامی نیز باشد، از طرفی طبق آیین‌نامه‌ی این سپاه، بعد از خاتمه‌ی دوره‌ی شش‌ماهه‌ی فرماندهی، فرماندهان سپاه پاسداران بایستی در سراسر کشور انتخاب شوند و بر سرکار بیایند، اما این اصل اجرا نشد. بعد از پایان شش ماهه‌ی اول، مشاهده شد که می‌خواهند شورای اولیه‌ی فرماندهی را ابقا کنند. سعی کردم که از این امر خلاف جلوگیری کنم، اما

به علت اعمال قدرت و زور از بالا، موفق نشدم. بنابراین برای این که در این کار نادرست سهم نداشته باشم بهتر دیدم، استعفا بدهم.

از ایشان سؤال شد: نظر شما درباره‌ی مسایل و مشکلات اخیر اصفهان در رابطه با کمیته‌ها چیست؟

ایشان اظهار داشت: از اول هم اعتقاد داشتم که کمیته‌ها باید چنان اصلاح شوند که در نظر مردم به مثابه مسجد به شمار آیند، اما چنین نشد. در حال حاضر، کمیته‌ها به این صورتی که کار می‌کنند جز ایجاد نارضایتی نتیجه‌ای به بار نمی‌آورند. در اصفهان هم در این مورد اشتباهاتی شد، من حق را به گروه متحصنین می‌دهم.

از آقای لاهوتی سؤال شد: کنار گذاشتن مسعود رجوی را توسط امام، چگونه توجیه می‌کنید؟

وی اظهار داشت: امام را متهم کردن به طرفداری از یک حزب و یا یک گروه خاص، اشتباه است. امام را سنگر عقاید و منافع خود قرار دادن کار درستی نیست. چرا باید سردمدارانمان کاری بکنند که مسأله‌ای به نام کنار گذاشتن مسعود رجوی پیش بیاید و آن وقت آن را بر گردن امام بگذارند. این باعث می‌شود که حرکت ما به فاجعه تبدیل شود.

در پایان از آقای لاهوتی در رابطه با درگیری‌های بندرعباس و نقش ایشان در حل این مسأله سؤال شد، ایشان پاسخ دادند: مسأله‌ی بندرعباس نیز مثل سایر مسایل مرزی ایران، ظاهری داشت و باطنی... قضیه اختلافی بود که بین عده‌ای از دبیران و معلمان و مدیر کل آموزش و پرورش این منطقه به وجود آمده بود، مدیر آموزش و پرورش بعد از انقلاب بنابه تشخیص خود، تعداد ۳۰ نفر از دبیران بندرعباس را که محبوب و مطلوب دانش‌آموزان بودند، مورد بی‌لطفی قرار داد و آن‌ها را به جرم داشتن نوعی ایدئولوژی که به ظن او مخرب و منحط آمده بود، از خدمت منصرف یا منتقل کرد. این مسأله، موجب اعتراض و نارضایتی سایرین قرار گرفت و به راه‌پیمایی، زد و خورد، تعطیلی مدارس و کشته شدن یک نفر انجامید. ۳۰۰ نفر از دبیران به حکم دادستان انقلاب بندرعباس دستگیر و زندانی شدند. بنده که مأمور حل این ماجرا شدم، پس از یک جلسه‌ی هفت هشت ساعته با دبیران بازداشت‌شده، با آن‌ها به توافق رسیدم. آن‌ها در مقابل، قول بازگشایی مجدد مدارس، از زندان آزاد شدند و به

این ترتیب مسأله‌ی بندرعباس فیصله یافت.

استعفای لاهوتی

آیت‌الله لاهوتی، سرپرست سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در روز ۲۸ آبان ۱۳۵۸، استعفای خود را تقدیم امام خمینی کرد که مضمون آن از این قرار بود:

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک فرماندهی کل قوا و رهبر انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی (دامت برکاته) با کمال احترام به عرض عالی می‌رساند، با این‌که تصمیم داشتم در حساس‌ترین ارگان مبارزاتی؛ یعنی سپاه پاسداران در راه اسلام و امام امت تا آخرین قطره‌ی خون خویش خدمت نمایم، ولی با کمال معذرت به پیشگاه محترم آن حضرت اعلام می‌دارد به‌عللی از جمله کسالت قلبی، بیش از این در این پایگاه نمی‌توانم در خدمت اسلام و مسلمین باشم!

آرزو مند در جای دیگر تا آخرین حد توانم به خدمت سربازیم ادامه دهم.

ارادتمند و مخلص - فرزند شما، لاهوتی

سرپرست سپاه پاسداران، طی نامه‌ی جداگانه‌ای که برای پاسداران سراسر کشور فرستاده بود، با اشاره به بیماری قلبی اعلام کرد که دلایل استعفای خود را طی مصاحبه‌ای مطرح خواهد کرد. متن نامه‌ی آیت‌الله لاهوتی برای پاسداران به این شرح بود:

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت برادران عزیز، یاران صمیمی و فداکار اسلام، سپاه پاسداران شریف انقلاب اسلامی در سراسر ایران!

هرگز مایل نبودم در این شرایط سخت و مشقت‌بار تنهایتان گذارم، ولی چه می‌شود کرد که روزگار اجازه‌ی بیش از این را در کنار شما سروران عزیز نداد. دوست داشتم که تمام آن‌چه را که منجر به استعفایم شد روشن کنم، ولی مثنوی هفتاد من کاغذ می‌شود. به همین جهت، در یک مصاحبه‌ی مفصل، مطلب خود را روشن بیان خواهم

۳۸۰ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

نمود. به امید پیروزی اسلام و شما برادرانم.

لاهوری

بنی صدر و لاهوتی

مرحوم آیت‌الله لاهوتی، پس از انتخاب بنی صدر به ریاست جمهوری، تلگرافی به این مضمون به بنی صدر مخابره نمود:

جناب آقای بنی صدر، ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران!

امیدوارم و دعا می‌کنم که شما موفق به رفع مشکلات و برآورد حاجات و نیازمندی‌های ملت ستمدیده‌ی ایران گردید.

شما و ملت ایران به خوبی واقفید که علت پیروزی قاطع شما، شخص خودتان بودید که روحانیت مبارز هم در سراسر مملکت شما را تأیید کرد. خوشبختانه چهره‌های فرصت طلب ماهیت خود را به خوبی نشان دادند و برای ملت ایران بیشتر آفتابی شدند. شاید فهمیده‌اند در میان ملت پایگاه قوی و استوار ندارند. فقط امام امت را در پیشاپیش خود سپهر کرده و خاصه خرجی می‌کنند و خود را بیش از هر گروه به امام نزدیک تر نشان می‌دهند و مرتکب هزاران اشتباه غیرقابل بخشش می‌گردند. ابا و امتناعی ندارند؛ چرا که فرصت طلب غیر از این نمی‌تواند باشد.

عجبا! چهره‌هایی که دیروز حتی از امضا کردن اعلامیه‌های امام، صادره از پاریس ابا و امتناع داشتند و پای مبارکشان حتی یک‌روز و حتی یک‌بار هم به زندان آریامهری باز نشد و در مقابل همه چیز با ترس و وحشت روبه‌رو می‌شدند، امروز نزدیک‌ترین چهره به امامند...

ملت ما برای رهایی از حکومت چنین گروهی به شما روی آورده و پناهنده شده‌اند و رأی قاطع خود را به شما داده‌اند، امیدوارم شما همان چهره‌ای باشی که نشان داده‌ای... آقای بنی صدر به هوش باشید که بار سنگینی بر دوش دارید. شما در مقابل شهدا و ملت ایران و تاریخ نسل آینده، مسؤول خواهید بود. من به همه‌ی ملت ایران اعلام می‌کنم که با انتخاب شما، کار را تمام شده ندانسته و در انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی (چرا که دولت شما پس از انتخابات، تشکیل می‌شود) به ارشادات و تذکرات شما توجه کافی مبذول نمایند و همه‌جا با شما و همراه شما باشند.

باشد که شما بر مشکلات که چون کوهی عظیم در مقابل است، پیروز گردید و برای صلکت، موجب افتخار و برای اسلام، سرباز وفادار و برای ملت، برادر مهربان و برای امام، پیرو آگاه و برای مستضعفان، رهبر دانا و توانا باشید.^(۱)

با تقدیم احترام

۱۳۵۸/۱۱/۱۰ - حسن لاهوتی

روز جمعه ۷ آذرماه ۱۳۵۹، آیت‌الله لاهوتی (نماینده‌ی مجلس و امام جمعه و نماینده‌ی امام در شهرستان رشت) که بعدعوت (دفتر هم‌آهنگی و همکاری‌های مردم با رئیس‌جمهور در مشهد) به آن شهر رفته بود در اجتماع ده‌ها هزار نفر از اهالی مشهد، سخنانی در میدان شهدای این شهر ایراد کرد.

آیت‌الله لاهوتی در قسمتی از سخنان خود اظهار داشت: شما مردم مشهد! شما ملت ایران! آن روزهایی که هزاران نفر امثال من در زندان به سر می‌بردیم، با دادن هزاران شهید، ما را از زندان کوچک خود به زندان بزرگ رسانیدید، در حالی که دنیا تصور نمی‌کرد که شما مردم بدون اسلحه بر طاغوت پیروز شوید، ولی دنیا دید بار دیگر از میان خانه‌های گلین، مردی برخاست که بر مستکبران جهان فریاد برداشت. این مرد هم اکنون در بین مردم است و قلب او در یکی از دهکده‌های نزدیک تهران می‌تپد؛ تا وقتی یک مظلوم در دنیا وجود داشته باشد، قلب او آرام نخواهد گرفت...

آیت‌الله لاهوتی به سخنان خود چنین ادامه داد: خطاب من بر همه‌ی مردم و استان و استانداران تا یک فرد عادی است که می‌گویم موجب شکست انقلاب ما، شما خواهید بود اگر بخواهید خودکامگی کنید و حضور مردم را در صحنه نپذیرید. این امام است که می‌گوید: میزان، آرای مردم است. شما ای متصدیان! ای کسانی که در زیر لوای اسلام، اسلام را ملعبه قرار داده‌اید! مردم انقلاب نکرده‌اند تا من به عنوان وکیل و شما به عنوان‌های دیگر بر آن‌ها حکومت کنیم؛ بلکه انقلاب کردند تا اسلام پیاده شود... بدانید اگر کسی بتواند با زور و چماق حکومت کند، قیل از شما آریامهر بود، ولی ملت اتحاد داشت و با اتحاد، بر زور چماق پیروز شد.

وی سخنان خود را چنین ادامه داد: حتی ساواک وقتی استاد شریعتی را دستگیر می‌کرد، به‌کانون کاری نداشت زیرا نمی‌خواست عکس‌العمل مردم را برانگیزد.

ای‌زماداران استان! اگر شما نتوانید در روز روشن جلو حمله‌کنندگان را بگیرید، آن‌ها را دستگیر کنید. مردم باور نخواهند کرد که شما با آن‌ها همدست نبوده‌اید. مگر استاد شریعتی چه می‌گفت یا این پیرمرد می‌خواست چه کاره شود؟ او که نمی‌خواست رئیس دیوان عالی کشور شود...

لاهوتی در قسمتی از سخنانش چنین گفت: چرا برخی خود را بیش از دیگران وابسته به‌امام می‌دانند و پشت سر امام پنهان شده‌اند؛ امام با هیچ‌کس قوم و خویشی ندارد و امام همه‌ی مردم است؛ این‌قدر امام امام نکنید. براساس گفته‌های خود امام که فرمودند: میزان آرای مردم است و هرکس رأی بیشتری در میان مردم دارد، او به‌امام نزدیک‌تر است. این‌که امام بارها رئیس‌جمهور، بنی‌صدر را تأیید کرده، من در این‌جا در کنار قبر امام هشتم به‌شما می‌گویم پس از امام اگر کسی باشد که بتواند انقلاب شما را به پیروزی برساند و بتواند کشتی انقلاب را در این دریای متلاطم به‌ساحل پیروزی رهنمون سازد، فقط بنی‌صدر است. من بدون این‌که بخواهم برای بنی‌صدر تبلیغ کنم، چون او نیاز به تبلیغ ندارد و من هم آدمی نیستم که درباره‌ی کسی بی‌جا حرف بزنم و شناختی که از بنی‌صدر دارم این حرف را می‌زنم. سخنان مرحوم لاهوتی در تأیید بنی‌صدر و استاد محمدتقی شریعتی که به‌جایگاه آمده و کنار لاهوتی قرار گرفته بود، پایان یافت.^(۱)

انتقاد از خود

آیت‌الله لاهوتی که مدتی سرپرستی سپاه پاسداران را برعهده داشت، در پاسخ به‌یک خبرنگار داخلی که چه انتقادی بر خود می‌بینید، گفت: اول از همه بگویم این ستون (انتقاد از خود) را مرتب خوانده‌ام؛ باید گفت در این ستون بعضی از آقایان به‌جای انتقاد از خود، به‌ترویج از خود پرداخته‌اند. در هر صورت از من که در انتقاد از خود که اصل و اساسی هست برای جامعه، به‌نقد نکات مثبت می‌پرداختم بسیار برابم آسان‌تر و بهتر بود، چرا که چند

نکته‌ی مثبت که در زندگی ام بود برایتان می‌گفتم. یکی از چیزهایی که من از آن خسارت دیده‌ام، عصبانیت و هیجان است و اعتراف می‌کنم که انسانی هستم بسیار عصبانی و بسیاری از حقانیت‌هایی که در دیدگاهم روشن بوده به‌خاطر همین مسأله، باطل محسوب شده. دیگر این‌که در گذشته نسبت به افراد مختلف در جامعه بیش از حد خوش‌بین بودم و خسارت این مسأله را هم دیده‌ام. در همین‌جا باید توضیح بدهم که در اثر مبارزه با این حالت، اکنون دیگر به این صورت عمل نمی‌کنم.

اما این انتقاد را باید در رابطه با مسؤولیت در سپاه بگویم به این ترتیب است که مسایل را که باعث استعفایم از سپاه شد، قبلاً دریافته بودم و باید خیلی زودتر از سپاه کناره‌گیری می‌کردم براساس همان مسایلی که دریافت کرده بودم معتقد بودم و هستم که اگر برخورد اسلامی با مشکلات در سپاه نشود فاجعه‌ی بسیار به‌بار خواهد آمد.

خبرنگار از مرحوم آیت‌الله لاهوتی سؤال می‌کند: ممکن است بگویید این مسایل که می‌گویید چه چیزها بوده‌اند؟

آیت‌الله لاهوتی اظهار می‌دارد: به‌طور اجمال بگویم من در سپاه تشخیص داده بودم که اگر مسایل اعتقادی ریشه سپاه نباشد و هم‌چنین استقلال و عدم وابستگی در سپاه رعایت نشود، سپاه در درازمدت به‌صورت ژاندارم و پاسبان رژیم گذشته درمی‌آید.

عامل و انگیزه‌ی یک‌سپاهی اگر غیر از پاسداری از انقلاب مسایل دیگری باشد، سپاه در آینده از مسیر اصلی‌اش منحرف می‌شود و من با امام این مسأله را در میان گذاشتم و ایشان گفته‌اند که سپاه نود درصد باید از نظر اخلاق و عمل اسلامی پاسدار باشد و ده درصد باید به‌تفنگ تکیه کند و عملاً این‌طور نیست.

خبرنگار از آیت‌الله پرسید که وابستگی سپاه به چه حزبی و گروهی و دسته‌ای است؟ آیت‌الله این‌بار، با خنده پاسخ داد: از کثرت وضوح، احتیاج به توضیح نیست که چه گروه و دسته‌ای طالب و خواستار این وابستگی و عدم استقلال سپاه هستند.

وی در پاسخ به سؤال دیگر خبرنگار که چرا به‌هنگام استعفا دست به افشاگری نزدیدی؟ جواب داد: هنگامی که به‌خدمت امام رسیدم و از ایشان خواستم که در سپاه نباشم، مسایلی مطرح شد که احساس کردم که موقعیت ایجاد نمی‌کند که تفرقه‌ای ایجاد شود، البته

نمی‌خواهم آن انتقاد را که از آقایان مسؤولان کردم راجع به خودم بگویند و اعمال گذشته را فقط توجیه کرده باشم و به جای انتقاد به ترویج خود بپردازم. دیگر مسأله مهمی را، که در رابطه با انتقاد از خود بیان کنم، این مسأله است که در شرایط کنونی انقلاب آن طور مخلصانه و صادقانه که در قبل از انقلاب عمل می‌کردم، نمی‌کنم. شاید قبول کردن این مسؤولیت‌ها آدم را از وظیفه‌ی اصلی منحرف کند در هر صورت این هم انتقادی است حداقل بر من...^(۱)

نامه‌ی سید احمد خمینی به مجلس

این نامه را مرحوم سید احمد خمینی به نمایندگان مجلس شورای اسلامی در ۲۷ بهمن‌ماه ۱۳۵۹ نوشته است:

حضور محترم نمایندگان مجلس شورای اسلامی!

پس از عرض سلام، مسأله‌ای که دو روز پیش در رشت و کوچکصفهان اتفاق افتاد یکی از جریان‌های خطرناکی است که اگر همگی دست در دست یکدیگر نگذاریم و برای علاجش فکر عاجل نکنیم، نمی‌دانم به کجا منتهی می‌شود و از طرفی بارها و بارها امام فرموده‌اند که اظهار عقیده آزاد است و توطئه ممنوع است. بارها یکی از افراد سرشناس جامعه‌ی انقلابی ما در یکی از نقاط ایران تصمیم به سخنرانی دارد، عده‌ی معدودی دست به آشوب و خرابکاری می‌زنند و به عنوان اعتراض به این موضوع یکی دو روز هم در این باره عده‌ی معدودی فریاد می‌زنند و صدایشان خاموش می‌گردد...

نمی‌دانم چرا مسؤولین مملکتی در این باره هیچ نمی‌گویند و چرا چماقداران را دستگیر نمی‌کنند و در مقابل مردم ستم‌کشیده که تازه از زیر یوغ چماقداران رژیم پهلوی نجات یافته‌اند، محاکمه نمی‌کنند؟ چرا در این زمینه ساکتند؟ به خدا قسم! تاریخ درباره‌ی آنان بد قضاوت خواهد کرد...

آنچه موجب شد این نامه را بنویسم، فقط و فقط به خاطر مسؤولیتی که احساس می‌کنم؛ مثلاً در رشت برادرم آقای لاهوتی، می‌خواهند صحبت کنند؛ روز قبل خدمت

امام می‌رسند و بعد راهی رشت می‌شوند. در رشت عده‌ی معدودی به سخنرانی ایشان حمله می‌کنند و مجلس را به هم می‌زنند و داخل مسجد، نزدیک دو ساعت او را زندانی می‌کنند. آیا می‌دانید چه کسی را زندانی می‌کنند؟

شخصی را که در رژیم شاه به اقرار همه با انصاف‌ها از تمام روحانیون دربند بیشتر شکنجه شده است. شخصی که بعد از دو سال هنوز جای شکنجه در بدن او به خوبی پیداست. یا کسی را که در طول پانزده سال مبارزه‌ی امام، دائماً در زندان مشغول مبارزه در سطح بالا بوده است؛ شخصی را که می‌توان معلول انقلاب نامید؛ شخصی را که آقای هاشمی رفسنجانی می‌گوید او را به حدی زدند، وقتی با من مواجهش کردند او را نشانختم... شخصی که پاهای او بعد از چهار ماه هنوز طوری مجروح بوده که قادر به ایستادن نبوده است. شخصی را که به خاطر این‌که به امام فحش نداده، چند ساعت او را آویزان کردند؛ شخصی که تمام سردمداران امروز حاضر نبودند یک‌روز شکنجه او را تحمل کنند...

آری! عده‌ای جاهل و ناآگاه و یا تحریک‌شده او را در خط امام نمی‌دانند. کسی را در خط امام نمی‌دانند که هنوز یک‌هفته از عبارت امام که: «هرکس لاهوتی را اذیت کند، مرا اذیت کرده است» نمی‌گذرد، چرا؟!... روز بعد در کوچک‌صفهان سخنرانی می‌کند، دوباره همان عده به مجلس او حمله می‌کنند. خانمش را که در ماشین نشسته بوده است بیرون می‌آورند و کتک می‌زنند و بعد چرخ ماشین‌اش را با گلوله ۳ - پنجر می‌نمایند و ساعت‌ها او را در مسجد، خانه‌ی خدا زندانی می‌کنند، در و پنجره‌ی مسجد را می‌شکنند، که عمال شاه در طول ۳۷ سال سلطنت دست به این کار نزدند. آخر چگونه می‌شود عمق فاجعه را ترسیم کرد؟ من به هیچ وجه کاری با آقای لاهوتی که امروز چه بر سر او می‌آید، ندارم. من به سکوت مبارزین دیروز شدیداً اعتراض دارم.

آخر فرض کنیم که این برادر با عده‌ای هم مخالف باشد و یا از عده‌ای هم خوشش نیاید، باید با او این‌گونه رفتار کرد؟... عزیزانم! دعایی و خاتمی، چرا ساکتید؟ چرا هیچ نمی‌گویید؟ مگر چه مرگتان شده؟ من از دیگران توقع ندارم؛ اما شما دیگر چرا که امید ما بودید؟ لایه شما هم استدلال‌تان این بوده اگر فریاد برآورید چماقداری بد است، ضد انقلاب از آن بهره‌برداری می‌کند؟

اگر امروز جلو این از خدا بی خبران را بگیریم، فردا نوبت افراد دیگر می‌رسد. جریان چماق و چماق‌کشی یکی از بدترین و وحشتناک‌ترین مسایلی است که اگر سریعاً در راه حلش برنیاییم برای هیچ‌کس، هیچ چیز نمی‌ماند. دیروز او را مخالف خط امام می‌دانستند و امروز او را مسلمان نمی‌دانند و فردا این حکم بر تمام جاری است. آیا مسؤولین رشت نمی‌توانند عده‌ی معدودی را دستگیر کنند، اگر نمی‌توانند اقرار کنند به آن و مسؤولیت سنگین امروزشان را به عهده‌ی کسانی که لایق ترند بگذارند و اگر می‌توانند چرا انجام نمی‌دهند؟ آخر چرا دستگاه قضایی از این موضوعات بی‌تفاوت می‌گذرد... چرا از مردم نمی‌خواهد که آنان را بگیرند تا در مقابل مردم رسوایشان کند. اگر واقعاً نمی‌توانند، چرا ساکتند؟ صریحاً بگویند در مقابل ۲۰ یا ۳۰ نفر از اشرار سپاه و شهربانی و بسیج عاجز است تا مردم خود اقدام کنند و حق یک‌مشت رذل و پست را کف دستشان بگذارند؟

نمایندگان بزرگوار!

شما امروز در مقابل ملت شریف و عزیز مسؤولید؛ اگر شما مبارزان راه آزادی بوده‌اید... آیا سکوت شما دلیل بر قبول این‌گونه موضوعات نیست؟ آیا در جمهوری اسلامی باید با افراد این‌گونه رفتار شود؟ آیا شما که فریاد جمهوری اسلامی را می‌زدید، مقصودتان این جمهوری بود که عده‌ای این‌گونه حیثیت افراد را لجن مال کنند و تمام افراد مسؤول این مملکت از بالا تا پایین ساکت باشند؟ چرا در چند دقیقه هرکسی یا گروهی را بخواهند دستگیر می‌کنند؟ و این چماق‌داران بی‌آبرو، آزادانه به اسم اسلام و امام هرکاری بخواهند می‌کنند؟

نمایندگان شریف و محترم!

اگر تا زود است جریان چماق‌داری را از ریشه نکنید، فردا خیلی دیر است و شما خود قربانی این نوع تفکر می‌شوید!

چماق‌داری یک پینش سیاسی است که اگر دیر بچنبید بر تمام جریان‌ات سیاسی غلبه می‌کنند... شما را به‌خدا بیایید در مقابل این نوع برخوردهای غیرمنطقی عکس‌العمل مطلوب را نشان بدهید و از شهربانی و سپاه و بسیج سؤال کنید و ببینید که یک نفر اصلاً دستگیر شده است یا خیر؟

اگر دستگیر شده است، همان‌گونه که برای کشف کودتا عمل نمودند و بیش از ۱۰۰۰ نفر را دستگیر کردند، در این عمل هم که کودتایی است واقعی علیه انقلاب و اصالت ما، علیه ارزش‌های عالی انسانیت، علیه عدالت اجتماعی، از یک نفر شروع کنید و سرنخ‌ها را پیدا کنید و بدون کوچکترین رودر بایستی علناً آن‌ها را محاکمه نموده و حکم اسلام را که محکومیت است درباره‌ی آنان جاری نمایید. آخر این نشد که در این مملکت کسی مصونیت نداشته باشد...

مطلب بر سر شناخت است. بیاییم مکتب خط امام را بهانه قرار ندهیم، واقعیات را از آن‌ها که واقع‌گرا هستید، بپذیریم...^(۱)

موسوی نخست‌وزیر شد.

مجلس امروز جلسه‌ی علنی داشت. در این جلسه که ساعت ۸ و نیم به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی آغاز گردید، قاری پس از تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید، به خواندن چند بیت شعر در عزاداری سیدالشهدا و حلول ماه محرم پرداخت.

سپس، ناطق پیش از دستور، آقای ارومیان نماینده‌ی مردم مراغه سخنانی را در رابطه با ماه محرم ایراد کرد. سپس، رئیس مجلس، پیش از ورود به دستور، مطالبی را درباره‌ی ماه محرم و اثر آن در انقلاب اسلامی ما و نیز ماه محرم سال ۱۳۵۷ ایراد کرد.

و نیز رئیس مجلس در سخنان خود به درگذشت یکی از نمایندگان و هم‌رزم و هم‌سلول خود که بیست سال در زندان‌ها همراه وی بوده است، جناب حجت‌الاسلام حسن لاهوتی، نماینده‌ی مردم رشت سخنانی ایراد کرد و رحلت ایشان را بر اثر سکنه‌ی قلبی به‌خانواده و دوستانشان تسلیت گفت. آن‌گاه وی تذکرات نمایندگان به مسؤولان دولت را قرائت کرد.

سپس مجلس وارد دستور شد و درباره‌ی نخست‌وزیری آقای سیدحسین موسوی، رأی‌گیری به‌عمل آمد و بعد نتایج آرای اخذ‌شده از سوی رئیس مجلس به این شرح قرائت شد:

مجموع آرای اخذ‌شده: ۲۰۲ رأی

آرای موافق: ۱۱۵ رأی

آرای مخالف: ۳۹ رأی

آرای ممتنع: ۴۸ رأی

در نتیجه مجلس به آقای موسوی رأی تمایل داد. در ضمن مجموعاً ۲۱۱ نفر از نمایندگان در مجلس شرکت داشتند که چند تن از آنان حق رأی نداشتند. سپس رئیس مجلس گفت: امیدوارم که این اعتماد مجلس به جناب مهندس موسوی برایشان و بر ملت مسلمان ما و برای ریاست جمهوری مبارک باشد و ایشان موفق بشوند که در پست نخست‌وزیری خدمات ارزنده‌ای به این کشور بفرمایند و ما در انتظاریم که کابینه‌ی ایشان هرچه زودتر معرفی شوند.^(۱)

جنگ عراق - ایران و ایالات متحدهی آمریکا

در ۱۹۷۵، شاه ایران و صدام حسین، پیمان الجزایر را امضا کردند و به سال‌ها خصومت و کشمکش‌های مرزی پایان دادند. در نتیجه‌ی پیمان مذکور، شاه حمایت نظامی و مالی خود را از شورشیان گُرد قطع کرد و عراق نیز ادعای خود مبنی بر حاکمیت بر آبراه اروندرود را پس گرفت و موافقت کرد منازعه‌ی آبی خود بر سر آبراه مذکور بر اساس مرز تالوگ (حاکمیت مشترک ایران و عراق)، حل و فصل کند. هر دو کشور، هم‌چنین خدشه‌ناپذیری مرزهای شناخته‌شده‌ی خود را پذیرفتند و متعهد شدند که در امور داخلی یکدیگر دخالت نکنند. روابط دو جانبه، در سطح دوستانه باقی ماند.

با رخداد انقلاب اسلامی، روابط تهران - بغداد دستخوش وخامت فزاینده شد و دو طرف همدیگر را به داشتن مقاصد نامطلوب متهم کردند. ایران، عراق را به قاچاق سلاح به ناراضیان عرب در خوزستان، اجازه دادن به نیروهای مخالف [آیت‌الله] خمینی برای تأسیس یک ایستگاه رادیویی در خاک عراق و تجاوزات نظامی ادواری به خاک ایران متهم کرد.

عراق نیز، به نوبه‌ی خود ایران را به کمک‌رسانی به شورشیان گُرد عراق و حزب الدعوة متهم کرد؛ حزب مذکور یک گروه انقلابی زیرزمینی شیعه در عراق است و به سرنگونی حزب

بعث و ایجاد یک جمهوری اسلامی در عراق معتقد است. بدیهی است که مضامین شورانگیز تشیع در کنار پیروزی بنیادگرایان در ایران، ناراضیان شیعه عراق را برای رهبری یک تحول اساسی تحریک کرده باشد. حزب بعث دلایل چندی برای ترس از شیعیان عراق داشت: آنان با وجود برخوردار بودن از اکثریت جمعیت، نسبت به اقلیت سنی از شرایط پایین تری از زندگی برخوردار بودند و توسط اقلیت مذکور به طرزی کارآمد از داشتن سهمی عمده در قدرت دولت محروم شده بودند.

این تنها عراق نبود که احساس آسیب پذیری می کرد. ایده ی بنیادگرایی شیعی، پایه های دیگر دولت های عربی حوزة خلیج فارس را هم تکان می داد؛ دولت هایی که شکننده، محافظه کار و سرکوبگر بوده و هنوز هم هستند. انقلاب ایران در واقع به توده های عرب و بعضاً شیعه ی منطقه ی خلیج فارس، جانی تازه بخشید.

ترس مشترک تمامی حکومت های حوزة خلیج فارس از این که انقلاب اسلامی ثبات منطقه را برهم زند، پرزیدنت صدام حسین را در موضع خصمانه تری نسبت به ایران قرار داد. او سرانجام در اواسط سپتامبر ۱۹۸۰، طی یک نطق در تلویزیون ملی این کشور، به طور یک جانبه پیمان الجزایر را لغو کرد و آن را در آتش سوزاند. وی جسورانه اعلام کرد که اروندرود مالکیتی عربی دارد و او با اکراه و بدناچار، پیمان ۱۹۷۵ را با شاه امضا کرده است. یک هفته بعد، در بیست و دوم سپتامبر ۱۹۸۰، و در بحبوحه ی بحران گروگان ها، عراق احتمالاً با نظر موافق عربستان سعودی، چراغ سبز ایالات متحده و تشویق برخی ایرانیان تبعیدی که گفته می شود اطلاعات لازم در مورد ارتش ایران را در اختیار عراق قرار داده بودند، خاک ایران را مورد تجاوز قرار داد، و یکی از خونین ترین جنگ های قرن ما را آغاز کرد.

هدف اصلی صدام حسین این بود که با رقم زدن یک شکست قاطعانه و سریع بر ایران؛ همانند شاه دهه ی ۱۹۷۰، به قدرت برتر منطقه ی خلیج فارس تبدیل شود. وی اهداف دیگری هم دنبال می کرد از جمله: تحکیم حاکمیت عراق بر آبراه شط العرب، نابودی نهضت بنیادگرایی شیعی در ایران و اپوزیسیون داخلی شیعه مخالف با حاکمیت خویش، تصرف و در صورت امکان ضمیمه سازی استان نفت خیز و عرب نشین خوزستان به خاک خود، به قدرت رساندن یک دولت دست نشانده و ضد [آیت الله] خمینی در منطقه ای که وی به تصرف آن امید داشت،

سرنگونی [آیت‌الله] خمینی و ظاهر شدن به‌عنوان یک قهرمان پان‌عریسم عرب در حد و اندازه‌های پرزیدنت عبدالناصر مصری که توانسته بود عجم‌ها را شکست دهد.

تهاجم پرزیدنت صدام حسین بر پندارهای وی در خصوص آسیب‌پذیری ایران مبتنی بود. براساس محاسبات او، ارتش بی‌روحیه‌ی ایران که به‌واسطه‌ی کودتاهای نافرجام، اعدام فوری مقام‌های عالی‌رتبه‌ی آن و پاکسازی‌های گسترده تضعیف شده بود، یارای مقاومت در برابر ارتش منظم و تادندان مسلح عراق را نداشت. وی تصور می‌کرد که رقابت موجود میان بنیادگرایان و بنی‌صدر، توانایی ایران برای متحد ساختن نیروهای خود بر ضد عراق را به‌شکل جدی تضعیف خواهد کرد. بی‌تردید او در اثر ناکامی ایران در خاتمه دادن به بحران گروگان‌ها و دشمنی ایجاد شده میان ایران و ایالات متحده به‌واسطه‌ی آن، انزوای بین‌المللی ایران و تحریم‌های اقتصادی و نظامی واشنگتن علیه ایران که شامل تحریم فروش یا تحویل قطعات یدکی به نیروهای مسلح مجهز به سلاح‌های آمریکایی ایران می‌شد، به‌چنین تهاجمی دست زد. خلاصه آن‌که یک کشور پر هرج و مرج که یک قیام انقلابی بزرگ را پشت سر می‌گذاشت و در حال جنگ با خود و بیشتر کشورهای دنیا بود، طعمه‌ای آن‌چنان تحریک‌کننده به‌نظر می‌آمد که فردی جاه‌طلب هم‌چون صدام حسین را یارای حمله نکردن به آن نبود.

اما بسیاری از محاسبات صدام حسین، اشتباه از آب درآمد و درست به‌همین خاطر، وی نتوانست به هیچ‌یک از اهداف خود نایل آید. پس از هشت سال نبرد، سرانجام جنگ در وضعیتی برابر و با برجا نهادن ویرانی اقتصادی و کشته‌شدن افراد بسیاری از طرفین، پایان پذیرفت.

صدام حسین از تاریخچه‌ی انقلاب‌ها بی‌خبر بود؛ تهاجمات خارجی در طول تاریخ همواره منجر به استحکام انقلاب‌ها و به‌قدرت رسیدن عناصر رادیکال شده است؛ به‌عنوان مثال؛ تهاجم ارتش‌های اتریش و روسیه در آوریل ۱۹۷۲ به فرانسه، نه تنها نتوانست منجر به‌روی کار آمدن رژیم سابق شود، بلکه زمینه‌های تثبیت و استحکام انقلاب فرانسه را فراهم کرد. حدود یک‌سال پس از تهاجم مذکور، «ژاکوبین»‌های رادیکال، با شکست «ژیروندن»‌های میانه‌رو، دوره‌ای از رعب و وحشت را برقرار کردند. در ایران، تهاجم عراق به ایران، این‌کشور را متحد کرد، انقلاب اسلامی را استحکام بخشید و عناصر بسیار محافظه‌کار ائتلاف انقلابی را

تضعیف کرد.

صدام حسین، هم‌چنین از درک صحیح اهداف سیاست قدرت‌های بزرگ غربی و به‌ویژه ایالات متحده نسبت به عراق در طول جنگ عراق - ایران و پس از آن عاجز ماند. در پی سقوط شاه در ۱۹۷۹، و به‌ویژه پس از بحران گروگان‌گیری و تهاجم شوروی به افغانستان در دسامبر ۱۹۷۹، ایالات متحده اهداف سه‌گانه‌ای را در خلیج فارس دنبال کرد: دور نگه‌داشتن اتحاد جماهیر شوروی از خلیج فارس، مهار انقلاب اسلامی و مراقبت از میادین نفتی و اطمینان از جریان آزاد نفت ارزان. خلیج فارس در این میان از اهمیتی استراتژیک برخوردار بود؛ جیمی کارتر در مورد خلیج فارس آشکارا اعلام کرد که ایالات متحده به‌هر وسیله‌ی لازم و از جمله استفاده از نیروهای نظامی، منافع حیاتی خود را در این منطقه حفظ خواهد کرد (دکترین کارتر). او در راستای عملی ساختن اظهارات مذکور، دستور تشکیل نیروهای واکنش سریع را در مارس ۱۹۸۰ صادر کرد. در ۱۹۸۳ این مرکز برنامه‌ریزی نظامی، جای خود را به فرماندهی مرکزی ایالات متحده داد که وظیفه‌ی طراحی و هماهنگی عملیات نظامی ایالات متحده را در منطقه‌ی خلیج فارس برعهده داشت.

ایالات متحده در راستای نیل به این اهداف، یک استراتژی دوپایه‌ای را دنبال کرد: پایه‌ی نخست و اصلی استراتژی مذکور، عبارت بود از تقویت و مسلح کردن عربستان سعودی و ایجاد ساختار امنیتی منطقه‌ای برای مهار ایران. ایالات متحده بالا‌فاصله پس از شروع جنگ، دو فروند هواپیمای آواکس به عربستان سعودی اعزام کرد. (یک‌سال بعد، عربستان سعودی پنج فروند هواپیمای آواکس خریداری کرد.) به‌گفته‌ی استیون ام‌رسون، تا سال ۱۹۸۵، عربستان سعودی، کشوری با جمعیتی در حدود ۱۴ میلیون نفر، با خرید هفتاد میلیارد دلار تجهیزات نظامی و قطعات یدکی آن‌ها، به خریدار شماره‌ی یک تسلیحات نظامی ایالات متحده؛ یعنی همان وضعیت ایران زمان شاه در سال ۱۹۷۵، تبدیل شده بود. ایالات متحده، پادشاهی سعودی را به پیشرفته‌ترین سلاح‌های موجود مجهز ساخت و در آن‌کشور یک سیستم ارتباطی الکترونیکی برپا کرد که به گفته‌ی برخی صاحب‌نظران، با سیستم موجود در ناتو برابری می‌کرد.

لورنس کرب، چنین اظهار کرده است:

بدین ترتیب ما عملاً نسخه‌ی دومی از پایگاه‌های هوایی و بنادر ایالات متحده را که هزینه‌ی آن از سوی عربستان سعودی پرداخت شده بود، در آن قسمت از جهان برپا کردیم تا هرگاه مجبور به رفتن به آن‌جا شدیم، ایالات متحده بتواند از آن استفاده کند. پایگاه‌های نظامی پشتیبانی بسیاری احداث شد که از ظرفیت کافی برای حمایت نیروهای ایالات متحده در جریان نبردهای بزرگ منطقه‌ای، برخوردار بود. این پایگاه‌ها در جریان بحران کویت در سال ۱۹۹۱، در جنگ با عراق مورد استفاده قرار گرفت.

چهار ماه پس از شروع جنگ عراق - ایران و آن‌هنگام که روند تجهیز عربستان سعودی به آرامی پیش می‌رفت، شورای همکاری خلیج فارس با حضور عربستان سعودی، کویت، بحرین، قطر، امارات متحده‌ی عربی و عمان تشکیل شد. مأموریت اصلی شورای مذکور، جلوگیری از کشیده شدن دامنه‌ی جنگ عراق - ایران به تمامی منطقه بود و در همین راستا اعلام شد که حمله به یکی از اعضا، به منزله‌ی تهاجم به کلیه‌ی اعضای پیمان امنیتی مذکور به حساب می‌آید این مسأله، خود هشدار آشکار به ایران برای توجه کافی به اقداماتش بود. ستون دوم استراتژی مهار ایران، عبارت از نزدیک شدن به عراقی بود که در آن‌زمان هیچ‌گونه روابط رسمی با ایالات متحده نداشت و هنوز در فهرست کشورهای حامی تروریسم وزارت خارجه‌ی آمریکا قرار داشت. نزدیک شدن به عراق که از حمایت عرب‌گرایان آمریکایی، عربستان سعودی و کویت برخوردار بود، به‌عنوان روشی مؤثر برای خنثی‌سازی انقلاب ایران و بازگرداندن عراق به جمع خانواده‌ی ملل به حساب می‌آمد. از این‌رو، حتی قبل از آغاز جنگ عراق - ایران، روابط غیررسمی میان بغداد و واشنگتن به طرز چشمگیری بهبود یافته بود.

نزدیکی آرام به عراق، دقیقاً تمایلات جاه‌طلبانه‌ی پرزیدنت صدام حسین را در راستای تبدیل شدن به یک ابرقدرت منطقه‌ای تکمیل کرد. از این‌رو، وی با اشتیاق زیاد از موضع جدید ایالات متحده استقبال کرد، چرا که [صدام] حسین به دنبال جلب رضایت آمریکا برای حمله‌ی خود به ایران بود.

به گفته‌ی کنت تیمرن، واشنگتن با تهاجم مذکور مخالفتی نکرد. در این‌که ایالات متحده از حمله‌ی مذکور قبلاً اطلاع داشته، تردید چندانی وجود ندارد. گفته می‌شود به فاصله‌ی چند هفته

پیش از تهاجم مذکور، [صدام] حسین ضمن دیدار از عربستان سعودی، متحد نزدیک ایالات متحده، خاندان سعود را از نیات جنگی خویش آگاه کرده بود. از این گذشته، ماهواره‌های پیشرفته‌ی ایالات متحده به آسانی قادر به شناسایی تحرکات تدارکاتی عراق برای آغاز جنگ بودند. منافع ایالات متحده آن‌چنان در معرض خطر قرار داشت که با تهاجم عراق هیچ‌گونه مخالفتی نکرد. ایران هم‌چنان گروگان‌های آمریکایی را در اختیار داشت؛ عملیات نجات طیس برای آزادی گروگان‌ها ناکام مانده بود؛ کودتای نوژه توسط جمهوری اسلامی خنثی شده بود و انقلاب اسلامی به تدریج بر تندروی خویش می‌افزود؛ شاید به همین دلیل است که به‌رغم محکومیت شدید تهاجم شوروی به افغانستان از سوی ایالات متحده، آمریکا نه تنها تجاوز عراق به ایران را محکوم نکرد، بلکه از شناسایی عراق به‌عنوان آغازگر آن هم خودداری ورزید.

اما یک حقیقت مهم برای [صدام] حسین قابل هضم نبود و آن این بود که اگرچه ایالات متحده به‌وی برای حمله به ایران، چراغ سبز نشان داد و در طول دوران جنگ نیز از حمایت‌های بی‌شائبه‌ی غرب برخوردار شد، اما گویی قرار نبود او به‌قدرت برتر منطقه تبدیل شود که وی با حرارت تمام در پی آن بود. منطق استراتژی ایالات متحده بر این اصل استوار بود که او تنها از قدرت کافی برای مهار انقلاب اسلامی برخوردار شود. هدف آمریکا طی جنگ عراق - ایران، نظاره‌ی نابودی طرفین متخاصم، یا همان هدف بریتانیا در نبرد آلمان با شوروی در جریان جنگ جهانی دوم، بدون دادن اجازه به یکی از آن‌ها برای پیروزی بر دیگری و یا به‌گفته‌ی کیسینجر، اطمینان از وجود دو بازنده در یک جنگ واحد بود.

در ماه اول جنگ، نیروهای عراقی توانستند با تصرف بیش از ۱۴۰۰۰ کیلومتر مربع (۵۴۰۰۰ مایل مربع) از خاک ایران، پیروزی عمده‌ای را رقم زنند. در ماه‌های بعد، آنان هم‌چنین شهر بندری خرمشهر را تصرف کردند و به حملات موفقیت‌آمیز خود ادامه دادند، اما تسلیم ایران ناممکن می‌نمود؛ آمیزه‌ای از شور زایدالوصف مذهبی و ناسیونالیسم پرشور و حرارت [ایرانی]، تمامی آحاد کشور را با همدیگر متحد ساخت و میلیون‌ها تن از مردم به‌صورت داوطلب راهی جبهه‌های نبرد شدند.

قطعه‌نامه‌ی نخست سازمان ملل، که در سپتامبر ۱۹۸۰ به تصویب رسید، خواهان آتش‌بس

فوری شد، اما از شناسایی عراق به عنوان متجاوز و درخواست از این کشور برای بازگشت به مرزهای شناخته شده بین المللی خودداری کرد؛ از این رو، ایران به درستی از پذیرش قطعنامه‌ی مذکور خودداری ورزید. [صدام] حسین نیز به زعم این که برنده‌ی جنگ خواهد بود، این قطعنامه را نپذیرفت و لذا جنگ ادامه پیدا کرد. در این مرحله از جنگ و در حالی که عراقی‌ها ابتکار عمل را در دست داشتند، واشنگتن سیاستی بی طرفانه در پیش گرفت.

دو سال طول کشید تا ایران توانست نیروهای خود را بسیج کند. ایران، که هدف اصلی اش دفع تجاوز عراق از قلمرو مرزهای خود بود، چهار مشکل عمده پیش رو داشت که کارآمدی آن در عرصه‌های نبرد را با دشواری مواجه می‌کرد. نخست آن که رقابت‌ها و کشمکش‌هایی میان ارتش منظم و سپاه پاسداران بر سر اتخاذ یک استراتژیک مناسب نظامی وجود داشت. دوم، تعارض شدید میان بنی‌صدر و بنیادگرایان، جمهوری نوپا را تا سرحد نابودی پیش می‌برد. در بردهای از زمان که اتحاد و یکپارچگی بیش از هر زمان دیگری مورد نیاز بود، تفرقه و اختلاف رایج بود. سوم بروز درگیری خونین میان مجاهدین و جمهوری اسلامی، که در آن شمار زیادی از مقام‌های بلندپایه‌ی دولت کشته شدند، مانع از تمرکز کامل ایران بر جبهه‌های نبرد می‌شد، و سرانجام این که، خودداری واشنگتن از فراهم ساختن قطعات یدکی برای نیروهای مسلح ایران، این کشور را در موضع ضعف قرار داد.

پیش از فرارسیدن سال ۱۹۸۲، جنگ وارد مرحله‌ی جدیدی شده بود؛ بنی‌صدر عزل شده و مجاهدین ریشه کن شده بودند و بنیادگرایان قدرت را به طور کامل در دست داشتند. در ماه مه همان سال، خرمشهر بازپس گرفته شد و هزاران تن از سپاهیان عراقی اسیر شدند. ایران پس از این رویداد، بخش‌هایی از سرزمین‌های از دست رفته خود را بازپس گرفت و حملات موفقیت‌آمیز خود علیه عراق را در خاک عراق آغاز کرد. به رغم ایثارگری‌های هزاران تن از جوانان ایرانی که در قالب - به اصطلاح - تهاجمات انسانی سازماندهی می‌شدند، حملات ایران توانست پیروزی قاطعی را به نفع این کشور رقم زند.

در این مقطع، ایران با در دست داشتن ابتکار عمل جنگ، فرصتی طلایی یافته بود تا از موضع قدرت، آن را خاتمه دهد. اما جمهوری اسلامی، به پشتوانه‌ی پیشروی‌های خود، به چیزی جز سرنگونی [صدام] حسین و یا تصرف تمام خاک عراق راضی نمی‌شد. درست به خاطر این

تکبر و خودبزرگ‌بینی بود که تهران تمام پیشنهادهای صلح، و از جمله طرح صلح جامعه‌ی عرب به سال ۱۹۸۲ را رد کرد که خواستار آتش‌بس فوری، عقب‌نشینی کامل نیروهای عراقی از خاک ایران و پرداخت هفتاد میلیارد دلار خسارت به ایران از طریق بانک بازسازی اسلامی شده بود.^(۱)

پیام ریاست جمهوری مجلس باید حدود فعالیت بخش‌های دولتی، خصوصی و تعاونی را سریعاً معین کند.

حجت‌الاسلام والمسلمین سید علی خامنه‌ای، رئیس‌جمهوری اسلامی ایران، عصر دیروز پیامی خطاب به ملت مسلمان ایران فرستاد.

رئیس‌جمهوری در قسمتی از سخنان خود با اشاره به وحدت کامل مردم از بدو پیروزی انقلاب گفت: این حضور مردم در صحنه و آگاهی آنان است که از ۱۹ میلیون رأی‌دهنده، نزدیک به هفده میلیون آن در یک مسأله اتفاق نظر دارند و یک نفر را به عنوان ریاست‌جمهوری برمی‌گزینند، و من به این مسؤلیت افتخار می‌کنم. وی افزود: خودم را رئیس‌جمهور مردم نمی‌دانم؛ رئیس‌جمهور ملت ما، این توده‌ی عظیم مردمی است که مرا به عنوان ریاست‌جمهوری انتخاب کرده‌اند.

رئیس‌جمهور در قسمت دیگری از سخنانش پیرامون مسأله‌ی جنگ اظهار داشت: مسأله‌ی جنگ یکی از مهم‌ترین مسایل ماست و ملت مسلمان ایران خوب می‌داند که این جنگ چرا شروع شد و به قول امام: «الخير في ما وقع». حجت‌الاسلام خامنه‌ای افزود: این جنگ

نتوانست ما را حتی یک قدم به عقب برگرداند و ما دشمن را به معنی درست کلمه، به‌مخمسه انداخته‌ایم و دشمن ما واقعاً پشیمان است که به این جنگ دست زده و دقیقاً به فضل خدا، برتری در تمام جبهه‌ها در دست ماست. رئیس‌جمهور گفت: زمانی که دشمن در اوایل جنگ، ۶۰ کیلومتر پیشرفت داشت یک پیروزی برای او بود، اما زمانی که ما او را کیلومتر کیلومتر به عقب راندیم، شصت برابر آن پیروزی از آن ماست.

مشروح کامل پیام رئیس‌جمهور

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام بر هم‌میهنان عزیز و برادران و خواهران در سراسر کشور!
از بعد از ششم تیرماه که حادثه‌ی به اصطلاح سوء قصد برای من پیش آمد تا به حال فرصت یک گفت‌وگو با خاطر جمع را با شما هم‌میهنان نداشتم.
روز قبل از ششم تیرماه روز جمعه بود که من خطبه‌ی نماز جمعه را، ادا و صحبت کردم و روز بعد، آن حادثه پیش آمد. از آن روز به بعد، ۴ ماه و چند روز می‌گذرد که من توانستم فقط چند مصاحبه کوتاه کنم و مقدار کمی به مناسبت گفتار پیش از انتخابات گفت‌وگو داشتم و این اولین باری است که بعد از چند ماه مسؤلیت جدیدی که شما به من دادید، مسایلی عرض کنم. البته در این چند ماه حوادث بسیاری در کشور ما اتفاق افتاد؛ حوادثی که هر کدام از آن‌ها اگر در تاریخ ملتی پیش بیاید، به عنوان یک حادثه‌ی برجسته و مهم تلقی خواهد شد. شهادت دسته‌جمعی عده‌ای از برگزیدگان و رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر برگزیده‌ی مردم در یک حادثه‌ی واحد، حوادث فراوان سیاسی در داخل کشور، که البته هر کدام از این حوادث حاکی از یک جریان سیاسی در خارج از کشور هم بوده و امروز که من با شما صحبت می‌کنم با سستی و با مسؤلیتی صحبت می‌کنم که این مسؤلیت را در چهارماه قبل نداشتم و چون مسؤلیت ریاست جمهوری را شما مردم با رأی خود به من دادید، قبلاً این جمله را لازم می‌دانم بگویم بعد از تشکر از شما مردم که اعتماد کردید و من را به عنوان رئیس‌جمهور معرفی کردید، باید بگویم که من به این سمت و این مسؤلیت افتخار می‌کنم، زیرا مسؤلیت ریاست جمهوری در کشوری که این طور قهرمانانه و ممتاز در حرکت است و بزرگ‌ترین مسایل سیاسی و نظامی و اقتصادی را که می‌گذراند آن هم

در این برهدی حساس تاریخ ملت برای هرکسی که پیش بیاید افتخار بزرگی است. اما در عین حال یک نکته دیگر را باید بگویم که من خودم را رئیس این جمهور عظیم نمی‌دانم. جمهور ملت ما و توده‌ی عظیم مردم ما که بنده را به‌عنوان رئیس خودشان انتخاب کرده‌اند در میان خود، انسان‌های برگزیده‌ی بسیاری را دارند. چقدر انسان‌های باتقوا، عالم و دانشمند و عناصر برگزیده از لحاظ فکری و روحی و با عملی در این جامعه زیاد هستند و من در جامعه‌ای که علما و دانشمندان، هنرمندان، گویندگان، شعرا و سیاستمداران، روشنفکران، عناصر از جان گذشته و فداکار، مادران، پدران از فرزند و جوان دست‌کشیده و دیگر عناصر استثنایی به‌فراوانی وجود دارند. در یک جامعه‌ای من خودم را رئیس این جمهور عظیم می‌دانم. این نامی است که قانون اساسی به‌من داده، اما من خودم را خدمتگزار و امین این مردم به‌حساب می‌آورم و شما بدانید همه برادران و خواهران من در سراسر کشور بدانند آن‌چه را که من برای خودم قائل هستم، امین و امانت‌داری و شخص مورد اطمینان این جمهور است و امیدوارم بتوانم با این سمت و امانت‌داری جمهور وظایف خودم را انجام دهم.

شرایط کنونی

چند جمله درباره‌ی شرایط کنونی کشور با شما حرف دارم. اعتقاد من براین است، این شرایطی که مردم مرا به‌ریاست جمهوری انتخاب کردند، شرایط سیاسی کشور در بهترین وضع خود قرار دارد، هیچ‌وقت در تاریخ گذشته‌ها؛ هم‌چنان در دوران نزدیک به‌سه‌سالی که از آغاز پیروزی انقلاب ما می‌گذرد، ملت ما در چنین شرایط خوبی از لحاظ سیاسی قرار نداشتند.

در قسمت بعدی پیام رئیس‌جمهور آمده است: من چند سرفصل را برای شما ذکر می‌کنم تا شما توجه کنید که ملت ما و کشور ما از لحاظ شرایط سیاسی در وضعیت بسیار خوبی قرار دارد. اولاً حضور عظیم مردم در صحنه‌ی سیاست و تغییر سرنوشت کشور که هیچ‌وقت مردم ما این‌طور در صحنه آگاهانه حضور نداشت. امروز مردم در صحنه حضور دارند و این حضوری آگاهانه است و شما یک‌نگاه به‌انتخابات ریاست جمهوری ببیند که قریب یک‌ماه از این انتخابات می‌گذرد و ببینید که از حدود ۱۹ میلیون حق رأی‌دار در کشور، هفده میلیون شرکت می‌کنند؛ یعنی همه

یک نظر دارند، در یک نظر اتفاق می‌کنند که این در تاریخ ملت ما یک پدیده فوق‌العاده و حادثه می‌باشد. درست است که ما رفرااندوم جمهوری اسلامی را گذرانده‌ایم و ۹۹ درصد مردم، نظام جمهوری اسلامی را انتخاب کرده‌اند، اما باید توجه بکنیم که آن روز این همه خطوط سیاسی گوناگون در کشور حکمفرما نبود. این خطوط سیاسی انحرافی سازشکارها و قدرت‌های خارجی لیبرال‌ها، منافق‌ها، کافرهای رویاروی و محارب‌های صریح این همه در کشور ما کار نمی‌کردند و طبیعی بود با آن تبلیغات خود گرمی و شور نزدیک به آغاز انقلاب مردم آن رأی را دادند، اما بعد از آنی که نزدیک به سه سال از انقلاب می‌گذرد این همه روی ملت ما از سوی بیگانگان کار می‌شود و این همه خطوط انحرافی به فعالیت می‌افتند تا بتوانند ملت را منحرف کنند، در عین حال ملت با این قاطعیت در انتخابات ریاست جمهوری شرکت می‌کند و این رأی را به یک نفر که به‌هردلیلی آن را پسندیدند و به‌او اطمینان کرده‌اند، می‌دهند. و این یک پدیده‌ی بسیار مهم است و حاکی از انسجام مردم و آگاهانه عمل کردن مردم است.

دومین مطلب برای این که ادعای من را ثابت کند، مبنی بر خوب بودن شرایط سیاسی کشور است. امروز در کشور ما خطوط انحرافی و حتی چهره‌های منحرف افشا شده. برای انقلاب یکی از مسایل مهم این است که خطوط انحرافی در جامعه رشد کند و پروبال بگیرد، کسانی را بتوانند از مردم به‌خود جذب کنند، چهره‌هایی را علم کنند و با جایی که در میان مردم باز می‌کنند، بتوانند مردم را تقسیم کرده و انقلاب را به تباهی بکشند، البته جامعه ما هم دارای چنین خطوطی بوده، کسانی در میان ملت ما بودند که خودشان را همه‌کاره انقلاب می‌دانستند، اصلاً صاحب انقلاب می‌دانستند و فکر می‌کردند که اگر مردم و یا قشرهای خاصی بار انقلاب را بر دوش کشیدند و آن‌را به‌ثمر رساندند، زمانی که پیروز شدند دیگر دخالت نکنند و جا را باز کنند تا آن‌ها حکومت کنند و این مسأله برایشان قابل قبول نبود که یک فردی از طبقه‌ی مستضعف و از خانواده‌ی فقیر و محروم و یا حتی بدون داشتن مدرک بالای علمی و یا بدون داشتن سابقه‌ی سیاسی و یا فردی از روحانیون بیاید در سطح بالای کشور قرار بگیرد. اوایل انقلاب این‌گونه افراد ملاحظه هم نمی‌کردند، به‌زبان هم می‌آوردند و خطاب به روحانیون می‌گفتند: شما بروید در مساجد درس بخوانید و

نمازتان را به‌جا بیاورید و بگذارید ما کارمان را انجام دهیم. وقتی به روحانیون این چنین می‌گفتند؛ طبعاً به‌تودی مردم لعنی تندتر از این داشتند و آن‌ها را داخل آدم نمی‌دانستند. کسانی بودند که سعی می‌کردند خودشان را در قلب این انقلاب جای بدهند و خود را سخنگوی معنوی انقلاب بدانند و با تظاهر به‌طرفداری از مردم، اختیار مردم را در دست بگیرند. از این‌گونه گروه‌ها، چهره‌ها و جریان‌ها در جامعه‌ی ما وجود داشتند و کم هم نبودند و از ناحیه‌ی بین‌المللی هم حمایت می‌شدند؛ بعضی‌ها هم مورد حمایت ابرقدرت غرب و بعضی‌ها مورد حمایت ابرقدرت شرق قرار داشتند و از آن‌ها حمایت می‌شدند و این‌ها اگر در جامعه‌ی ما میدان می‌یافتند و افشا نمی‌شدند، در آینده خطر بزرگی را برای انقلاب می‌توانستند به‌وجود بیاورند و در اغلب انقلاب‌های دنیا خطر و زاویه‌های انحرافی از همین‌جا شروع شده و نیروهای انقلابی به‌تدریج به‌وسیله‌ی این‌گونه افراد کنار می‌رفتند و صحنه برای آن‌ها هموار شده و آن‌ها آمدند با تبلیغات و کارها و ترفندهای ویژه‌ی خودشان، زمام کار انقلاب را به‌دست گرفته و آن‌را منحرف کردند. در جامعه‌ی ما چنین چیزی بوده و امروز شما می‌بینید که این جریان‌ها و حتی چهره‌های خاصی از این جریان‌ها، برای مردم ما افشا شده است و مردم برای این‌ها پشیزی اعتبار قائل نیستند و این خطر در حقیقت از سر مردم رفع شده و گروه‌های سازشکاری که حاضر بودند با آمریکا و با قدرت‌های بزرگ سازش کنند، برای این‌که به‌خیال و ادعای خود مملکت را حفظ کنند و در واقع خود را سرپا نگاه‌دارند، این‌ها افشا شده‌اند. گروه‌هایی که حاضر بودند با هر قیمتی شده خود را در دل مردم جا بیندازند و متکی به‌شرق و یا غرب باشند، افشا شده هستند.

منافقین، سازشکاران، لیبرال‌ها و گروه‌های وابسته به‌شرق و غرب، امروز دیگر آبرویی نزد این مردم ندارند؛ یعنی این مردم از زبان امام که صادق‌ترین زبان انقلاب است و خودِ امام در واقع تبلور عینی انقلاب می‌باشند از زبان چنین شخصیتی این‌ها را شناختند و خود امام با کمال قاطعیت و صراحت منافق، لیبرال و گروه‌های مخالف و سازشکاران را افشا کرده و یک‌جریان خط امامی انقلابی بی‌حیله در متن جامعه باقی مانده که اگر به‌تفضل الهی این خط تجزیه نشود و در آینده به‌کساد دچار نشود و به کم‌کاری و رکود نیفتد، می‌تواند این مملکت را تا سالیان درازی پیش ببرد و این یکی

از خصوصیات زمان ماست؛ قبل از این چند ماهی اخیر چنین حالتی وجود نداشت.

صدور انقلاب

خصوصیت دیگری که زمان ما و دوره‌ی ما دارد، برهه‌ی خاص کنونی است که شرایط ریاست جمهوری اخیر در آن انجام گرفته است که انقلاب ما علی‌رغم همدی مخالفت‌ها به جهان صادر شده است. همه یادتان است که امام فرمودند: «نگویید انقلاب نباید صادر شود، بلکه انقلاب ما باید صادر شود»، البته از این جمله سعی کردند دست‌های خبیث سیاست‌های امپریالیستی و شبکه‌های صهیونیستی برداشت غلط کنند و بعد هم به همسایگان ما گفتند که انقلاب ایران می‌خواهد در کشور شما شورش بیندازد، در حالی که مقصود این نبود. بعد هم امام بارها این‌را بیان کردند مقصود این است که فرهنگ و روح واقعی انقلاب مانند هوای لطیف بهاری است که در و حصار نمی‌شناسد و بند فاصله و خط مرز نیز نمی‌تواند مانع آن بشود، عبور می‌کند، و صادر می‌شود هیچ حصار و دری وجود ندارد تا بتواند جلوی هوای لطیف بهاری و عطر گل‌های فروردین و اردیبهشت را بگیرد و انقلاب، آن عطر خوش خود را به مشام‌های مشتاقان خواهد رساند و شما می‌بینید که در کشورهای مختلفی که جزو اذنان آمریکا در منطقه بودند، انقلاب اسلامی حضور خودش را نشان داده بدون این‌که ما کمترین دخالتی داشته باشیم.

در مصر و عراق و در مناطق دیگر در حال شکوفا شدن است. پیام ما به ملت‌ها رسیده و من در قسمت سیاست خارجی به آن اشاره خواهم کرد.

در دنیا، ما در مجامع بین‌المللی مطرح شدیم. اگر به مدت بیش از دو سال نگذاشتند ما وزارت خارجه داشته باشیم و نگذاشتند تا سیاست خود را در مجامع بین‌المللی احیا کنیم، امروز این تقیصه مرتفع شده. دنیای غرب و دنیای جهان اسلام و شرق و دنیای محرومان و مستضعفان و دنیای مردم با فرهنگ و تمدن، کمابیش با مسایل و آرمان‌های ما آشنا می‌شوند و ما را درک و لمس می‌کنند و بعد از این نیز ما را خواهند شناخت و این یکی از خصوصیات است که شرایط ممتاز سیاسی امروز را به وجود آورد، بنابراین من باید به شما بگویم امروز که شما در آستانه و نزدیکی پایان سومین سال پیروزی انقلاب هستید از لحاظ سیاسی وضع متمیزی داریم چه از

لحاظ سیاست خارجی و داخلی و چه در اصول و پایه‌های آن. آقای خامنه‌ای سپس افزود: من با این مقدمه و توجه به چند بخش از مسایل کشور می‌پردازم چون ممکن است وقت کم بیاید و نگفته بماند. آن را می‌گذارم برای فرصت دیگر و اگر عمری باشد ان شاء الله گاهی یک بار مسایل اساسی و مهم کشور را با شما در میان بگذاریم چه در گفتارهای تلویزیونی و چه در مجامع بین‌المللی که ما مسایل را مطرح کنیم.

مسایلی که من می‌خواهم رسیدگی کنم یکی اقتصاد و دیگری جنگ می‌باشد که از اساسی‌ترین مسایل ماست و سیاست خارجی که این‌ها عمده مسایل ماست و در این باره بحث خواهم کرد. در درجه‌ی اول، جنگ را با شما در میان می‌گذارم.

مسأله‌ی جنگ

جنگ امروز در حقیقت مهم‌ترین مسأله است و در این زمینه چیزهای بسیاری به شما گفته‌اند و امروز ملت ما می‌داند که این جنگ چرا شروع شد و عراق چرا به ما حمله کرد و می‌داند که این جنگ چه برکاتی برای ما داشت؟

همان‌طور که امام فرمودند: «الخیر فی ما وقع». این جنگی که واقع شد خیر ما در آن بود و می‌دانند که گذشته‌ی جنگ چگونه بوده و من راجع به وضع کنونی و آینده جنگ می‌خواهم چند توضیح بدهم. اولاً: این جنگ یک سرسوزن نتوانست ما را واپسته کند، با این که حدود ۱۳ ماه است در حال جنگیم و با گذشت ماه‌های متوالی بیش از یک سال برتری در میدان جنگ با ماست و دشمن را به معنی درست کلمه به‌مخمصه انداخته‌ایم. دشمن ما از این که حمله را شروع کرده واقعاً امروز پشیمان است با وجود این ما در این مدت البته سلاح هم خریده‌ایم اما نه در آن مقیاسی که یک کشور در حال جنگ سلاح می‌خرد.

سلاح و مهمات چیزی نیست که بتوان در آن قناعت کرد. کشوری که در حال جنگ است که نمونه‌ی آن کشور عراق است وقتی سلاح می‌خرد؛ یعنی میلیاردها پول در این راه مصرف می‌کند و مرتباً برایش سلاح و مهمات می‌آورند. ما سلاح و مهمات خریده‌ایم اما یک صدم یک کشوری که در حال جنگ بوده، خرج نکرده و سلاح نخریده‌ایم. ما با آن چه که داشته‌ایم، جنگیدیم؛ با قناعت و ایمان جنگیدیم؛ فرزندان ما

درست می‌گویند که سلاح ما «الله اکبر» است و اتکای ما به خدا و ایمان ما به خداست و در موارد بسیاری، پشتیبانی از سوی ملت، جایگزین کمبود سلاح شد و ما توانستیم سلاح‌های از کار افتاده‌ی خود را به‌کار بیندازیم. توانستیم از سلاح‌های غیر مدرن به‌جای مدرن استفاده کنیم و از سلاح مدرن بیش از اندازه که استفاده می‌کنند، استفاده کنیم و در حال حاضر هم همان‌کار را می‌کنیم.

ما با مصرف نیروی انسانی مؤمن توانستیم جای خالی سلاح را پر کنیم. روحیه‌ی ما همواره بهتر از قبل است؛ آثار ضربات کوبنده که در اول جنگ وارد شد را به تدریج پاک کنیم و خلاءها و نقیصه‌ها را بپوشانیم. امروز در میدان جنگ با آن‌که به‌جایی هم وابسته نشدیم و پول زیادی هم خرج نکردیم و به‌نسبت دشمن تلفات آن‌چنانی هم نداده‌ایم، با وجود این، برتری در میدان جنگ با ماست و این جز لطف و توفیق خدا عامل دیگری ندارد و کمک شما مردم بود که توانست روحیه‌ی نظامی را شاداب کند و به‌کار وادارد و در میدان‌های جنگ و در جبهه، در پشت جبهه و شهرهای کنار جبهه این مطلب را لمس کردم و اگر کمک مردم نبود نظامی و پاسدار ما این‌جور نمی‌جنگیدند و کمک روحی و جسمی مردم توانست این‌ها را وادار کند تا بتوانند خوب بچنگند و ما جنگ را تاکنون برده‌ایم.

البته شما می‌دانید دشمن وقتی حمله می‌کند و از غفلت اول ما استفاده می‌کند و ۶۰ کیلومتر جلو می‌آید، این یک پیروزی است برای او و اما وقتی که ما این ۶۰ کیلومتر را ۶۰ کیلومتر کیلومتر پیش می‌رویم و او را به عقب می‌رانیم در حقیقت ۶۰ پیروزی برای ماست و این پیروزی‌ها ادامه دارد و باز هم ادامه خواهد داشت و دشمن در این مناطق به کلی از خاک ما خارج شده است. آینده‌ی جنگ متعلق به ماست و ما در این امر هیچ شک نداریم و امروز وضع ارتش و سپاه پاسداران ما و وضع نیروهای درگیر دیگر ما از گذشته به مراتب بهتر است، البته توصیه من این است که جنگ را مردم ما هم‌چنان مسأله‌ی اول خود بدانند. ما اگر این جنگ را با سربلندی و پیروزی به پایان برسانیم بیش از نیمی از مشکلات اقتصادی و سیاسی ما حل خواهد شد و دشمن به همین دلیل است که جان‌سختی نشان می‌دهد و نمی‌خواهد بگذارد که ما جنگ را با پیروزی تمام کنیم و دشمنان بزرگ و جهانی ما به رژیم وابسته عراق کمک می‌رسانند و نمی‌گذارند که این جنگ تمام شود و این به‌خاطر همین است که اگر ما

این جنگ را بتوانیم با پیروزی به پایان برسانیم، مشکلات ما ان شاء الله حل خواهد شد.

اقتصاد

اما راجع به اقتصاد کشور، من پیشنهاد کردم که وزرای اقتصادی و صنایع معادن و وزیر بازرگانی و مسؤولان ستاد بسیج اقتصادی بیایند بیشتر با شما صحبت کنند و این کار ان شاء الله خواهد شد و این لازم است که مردم ما در جریان مسایل اقتصادی کشور خود که در حقیقت این مسایل ترکیبی است از مشکلات و موقیقت‌ها قرار گیرند.

اما، من قبل از آنی که وزرای امور اقتصادی برای شما صحبت کنند شمه‌ای از مسایل اقتصادی را برای شما بازگو می‌کنم. اولاً می‌دانید که اقتصاد ما، یعنی اقتصادی که از نظام گذشته برای ما به ارث رسیده، دو خصوصیت داشت: اول این که وابسته به قدرت‌های خارجی بود؛ یعنی از ماشین‌آلات تا ابزار صنعتی و کشاورزی تا مواد اولیه برای کارخانجات تا وسایل گوناگون توسعه کشاورزی تا مواد خوراکی و اجناس زینت‌آلات پوشاک و غیره را همه برای ما از خارج می‌آمد و به قول یکی از دوستان، کارخانه‌ای که یک جنسی تولید می‌کرد، وسیله‌ای بود برای مصرف کمپانی خارجی و شاطر ما که نان می‌پخت در حقیقت گندم آمریکا را به تنور می‌برد؛ یعنی در همه شئون وضع اقتصادی ما وابسته بود و ما وابسته به خود نبودیم.

خصوصیت دوم این بود که درآمد ملی ما وابسته به صنعت نفت بود؛ یعنی ما در صادرات خود بیشترین تکیه بر صنعت نفت داشتیم و داریم و می‌دانید که بزرگ‌ترین مشتری‌های نفت هم همان کمپانی‌های غربی هستند و در کشور ما بزرگ‌ترین مشتری آمریکا و ژاپن بودند و کشور ما از دو طرف در محاصره‌ی انگلستان پولادین دست دشمن بود که می‌توانست هر لحظه گلوی اقتصاد ما را بفشرد. این خصوصیت اقتصادی است که ما به ارث برده‌ایم و از نظام گذشته برای ما باقی مانده، البته در این دو سه سال، خیلی کارها در جهت قطع وابستگی انجام گرفته. ما شیرهای نفت را روی بعضی‌ها بسته‌ایم و تولیدمان را به حداقل رساندیم و با کم کردن تولید، به عمر مخازن نفتی خودمان افزوده، بر روی تولید اجناس داخلی تأکید کرده و کشاورزیمان یک رونق تازه‌ای پیدا کرد. مزارع ما سرسبز شد، گندم و برنج کاشته شد، به طوری که

امسال یک میلیون تن محصول برنج داریم و موارد قابل توجهی بیش از سال گذشته گندم داریم و ملت احساس کردند که بایستی روی پای خود بایستد.

اما این وابستگی برای ما ضایعاتی دارد و دشمن کوشش کرده از این ضعف حداکثر استفاده را بکند تا ما را زیر فشار قرار دهد و این نکته را باید همین جا بگوییم: همان طور که دشمن در جبهه‌ی سیاسی و نظامی در محاسباتش اشتباه کرده بود و ما را کمتر از آنچه که نیرو داشتیم به حساب آورده بود و سزای این سوء محاسبه را کشید در این جبهه اقتصادی هم نتوانست قدرت ملت ما را برآورد کند و این نیروی انقلاب و ایمان را در مردم ما ندید. شاید اگر ملت دیگری بود و شرایط انقلابی نبود می توانست دشمن را موفق کند، اما تاکنون دشمن ما نتوانسته از این فشارها سودی ببرد، چون ملت در مقابل دشمن مقاومت کرد.

نکته‌ی بسیار مهمی که در این جا وجود دارد این است که اگر ملت ما مشاهده می کند که پاره‌ای نارسایی‌های اقتصادی در جامعه است؛ مثلاً گرانی اجناس یا در بعضی مواقع کمبود آن‌ها را احساس می کند و یا اگر بی کاری تا حدودی در جامعه بدچشم می خورد، باید بدانند که این حوادث و ریخت و پاش‌های مقاومت است. ما می توانستیم در مقابل آمریکا مقاومت نکنیم. ما می توانیم برای مستقل کردن اقتصاد خودمان به این حکومت اسلامی سرسختی نشان ندهیم. بلافاصله هم‌دی این نارسایی‌ها به صورت کوتاه مدت برطرف می شد، اما وضع ما و وابستگی ما در درازمدت هم چنان بدتر خواهد شد.

بنی اسرائیل در زمان حضرت موسی وقتی که از مصر خارج شدند و خواستند که در مقابل نظام جابراهی فرعونی مقاومت کنند در بین راه سختی‌هایی داشتند و به موسی پیغمبر عظیم‌الشان شکایت می کردند و آن طور که ﴿تِلْكَ﴾ ذکر می کند: مواد خوراکی معینی را صورت می دادند و می گفتند ما از این‌ها می خواهیم و پیدا بود که این مواد در آن جا نبود در آن جا تسلی الهی و «من سلوا» بود اما خوراک گوناگون نبود. موسی در جواب می گوید: اگر از آن‌ها می خواهید، باید به مصر بروید، برگردید در همان شرایط جابراهی زندگی کنید و پیدا بود که بنی اسرائیل راضی نبودند که از این فشار قابل تحمل برگردند به زیر فشار تند و سنگین استبداد. ملت ما هرگز در مقابل فشارها تسلیم نمی شود و بلکه در مقابل آن‌ها خواهد ایستاد و پیروز هم

می‌شود و مطمئن باشید در سایه‌ی مقاومتی که ملت ما می‌کند در مدت کوتاهی کمتر از دو سال ما می‌توانیم به یک اقتصاد مطمئن برسیم و می‌توانیم جامعه خود را به بسیاری از آرمان‌هایی که شعارشان را می‌دادیم برسانیم. ما در حال مقاومت هستیم که پیروزی نصیب ما خواهد بود. من البته برای این‌که بتوانیم مقاومت را هرچه بیشتر کنیم، معتقدم که دولت و مجلس و ملت به صورت هماهنگ یک‌سری اقدامات را انجام بدهند که من خلاصه می‌کنم و آن اقدامات را می‌گویم.

اولاً مجلس بایستی کوشش کند که حدود فعالیت بخش‌های دولتی - خصوصی و تعاونی را سریعاً معین کند. مشخص کند که فعالیت‌های اقتصادی در این بخش‌ها چگونه و تا چه حدی انجام گیرد. نظام بانکی را باید سریعاً معلوم و معین کند که نظام بانکی ما چگونه است. دولت لازم است که سیستم توزیع عادلانه را هرچه سریع‌تر ادامه دهد و این باشد که مواد موجود خوراکی ما به‌همه‌ی مردم برسد و مردم بایستی کوشش کنند که فرهنگ مصرفی جامعه را از بین برده و آن را به یک فرهنگ انقلابی تبدیل کنند. نیروهایی که در بخش‌های وابسته اقتصادی مشغول هستند باید به بخش‌های غیروابسته کشیده شوند. ما به‌هیچ‌وجه از مردم نمی‌خواهیم که روزه بگیرند اما می‌خواهیم که در چگونگی مصرف و به‌خصوص در مصرف اشیایی که هرچه بیشتر ما را وابسته به خارج می‌کند، قناعت کند، البته این‌ها توصیه‌هایی به صورت سرفصل و خلاصه است که بایستی توضیح داده شود. ان‌شاءالله من توضیح این‌را با سیاست خارجی با شما درمیان می‌گذارم.

به امید دیدار هرچه نزدیک‌تر. (۱)

کابینه‌ی مهندس موسوی معرفی شد

امروز مجلس جلسه‌ی علنی داشت. جلسه‌ی امروز که ساعت ۸:۳۰ دقیقه با تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید آغاز شد، به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل گردید. در نطق‌های پیش از دستور، خانم طالقانی در مورد الحاق یک تبصره به لایحه‌ای راجع به اجاره‌ی مسکن صحبت کردند و سپس آقای عبدخدایی نیز طی نطق کوتاهی از مسایل منطقه‌ی خاورمیانه و دسایس آمریکا سخن گفت و نیز سخنان بعدی ابتدا درباره‌ی ماه محرم و سپس اوضاع منطقه و تأثیر انقلاب حسینی ملت ایران بر این اوضاع و نیز مسأله‌ی اصلی جنگ، مطالبی گفت؛ و سپس رئیس مجلس تذکرات نمایندگان را قرائت کرد و مجلس وارد دستور شد.

امروز هم‌چنین نامه‌ی مهندس موسوی، نخست‌وزیر مبنی بر معرفی اعضای کابینه‌ی وی که به تأیید رئیس‌جمهور نیز رسیده بود، توسط رئیس مجلس قرائت گردید و اسامی اعضای کابینه مهندس موسوی به شرح زیر اعلام شد:

۱- مهندس محمد شهاب گنابادی، وزیر مسکن و شهرسازی

۲- سید علی اکبر پرورش، وزیر آموزش و پرورش

۴۱۰ کیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

- ۳- سید کمال الدین نیکروش، وزیر کشور
- ۴- دکتر محمدعلی نجفی، وزیر مشاور در امور اجرایی
- ۵- مهندس سید محمد غرضی، وزیر نفت
- ۶- سید محمد اصغری، وزیر دادگستری
- ۷- مهندس میرحسین موسوی (نخست وزیر)، سرپرست وزارت امور خارجه
- ۸- سرهنگ سلیمی، وزیر دفاع
- ۹- مهندس سید حسین موسویان، وزیر مشاور و سرپرست شرکت ملی فولاد ایران
- ۱۰- مهندس سید مصطفی هاشمی خوراسگانی، وزیر صنایع و معادن
- ۱۱- مهندس نژادحسینیان، وزیر راه و ترابری
- ۱۲- دکتر هادی منافی، وزیر بهداری
- ۱۳- عبدالمجید معادیخواه، وزیر ارشاد اسلامی
- ۱۴- دکتر حسن غفوری فرد، وزیر نیرو
- ۱۵- مهندس مرتضی نبوی، وزیر پست و تلگراف و تلفن
- ۱۶- دکتر محمدتقی بانکی، وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه
- ۱۷- احمد توکلی (نماینده‌ی مردم بهشهر)، وزیر کار و امور اجتماعی
- ۱۸- محمد سلامتی، وزیر کشاورزی
- ۱۹- دکتر حسین نمازی، وزیر امور اقتصادی و دارایی
- ۲۰- حبیب‌الله عسگرآولادی، وزیر بازرگانی
- ۲۱- دکتر محمود روحانی، وزیر مشاور و سرپرست سازمان بهزیستی^(۱)

کابینه‌ی دولت مهندس موسوی از مجلس رای اعتماد گرفت.

دیروز، مجلس شورای اسلامی جلسه‌ی علنی داشت. در این جلسه که ساعت ۸:۳۰ دقیقه با تلاوت آیاتی از قرآن مجید و به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل گردید، کابینه‌ی دولت مهندس موسوی به مجلس معرفی شد.

در جلسه‌ی روز گذشته، ابتدا ناطقین پیش از دستور، سخنانی ایراد کردند و بعد از تذکرات نمایندگان مجلس وارد دستور شد. در جلسه‌ی گذشته، لایحه راجع به تعیین تکلیف مالکین شهرک‌ها و مجتمع‌های ساختمانی که از سوی دولت تقدیم مجلس شده بود، به تصویب نمایندگان رسید.

در این جلسه، لایحه راجع به حمایت از پرسنلی که در راه انجام وظیفه و خنثی‌سازی مواد منفجره جان خود را از دست داده و شهید می‌شوند، تصویب شد. و هم‌چنین لایحه راجع به تکمیل و نحوه‌ی استفاده شهرک‌ها و مجتمع‌های ساختمانی نیمه‌تمام و متوقف، تصویب شد. جلسه‌ی صبح دیروز ساعت ۱۱ خاتمه یافت و جلسه‌ی بعدی به ساعت ۱ بعد از ظهر دیروز، موکول گردید که دستور کار آن، بحث درباره‌ی کابینه معرفی شده، بود.

تمدید مهلت تخلیه‌ی منازل

اولین سخنران پیش از دستور، خانم اعظم طالقانی نماینده‌ی مردم تهران با استفاده از وقت آقای حاج سیدجوادی، مطالب خود را به چند بخش تقسیم کرد و گفت:

۱ - در مورد مستأجرین: قانونی که در مجلس در مورد مهلت تمدید تخلیه‌ی منازل توسط مستأجرین تصویب نشد، مشکلاتی به بار آورده و از آن روزی که مجلس این‌طور برخورد کرد، مراجعات مردمی که یک یا دو اتاق دارند، زیاد شده است؛ لذا پیشنهاد می‌کنیم تبصره‌ای به آن قانون اضافه شود که دادگاه مؤظف است تحقیق کند. چنان‌چه خانواده در عسرت است، مهلت تخلیه‌ی منازل تمدید شود.

۲ - در مورد خانواده: خانواده که از سه عنصر مرد و زن و فرزند تشکیل شده، عنصر زن (ام - ریشه) که ریشه و اساس خانواده را تشکیل می‌دهد، باید به او توجه شود.

مشکلات خانواد یا زن را از دو طریق می‌توان حل کرد:

الف: تصویب قوانینی که تا حدودی بتواند جلوی ظلم و مشکلات ناشی از آن را بگیرد.
ب: از طریق آگاهی‌دادن مطالبی از قبیل ازدواج، طلاق، عقد موقت، تعدد زوجات، تربیت فرزند، نفقه و... بر موازین اسلامی و به وسیله‌ی رسانه‌های گروهی و نشریات، باید رسالت واقعی خود را در زمینه‌ی حفظ کیان خانواده انجام دهند. در این رابطه دادگاه‌های مدنی خاصی در تهران، تقریباً هم‌آهنگ عمل می‌کنند؛ و در بعضی از دادگاه‌ها، داور وجود دارد که بعضاً زن می‌باشند و اگر در سراسر کشور دادگاه‌های خانواده هم‌آهنگ عمل نمایند، بسیاری از مشکلات حل خواهد شد، زیرا از شهرها مراجعه می‌کنند و مشکلات زیادی دارند؛ لذا ناهم‌آهنگی دادگاه‌ها، باید برطرف شود.

هم‌چنین، در مورد ولی قهری که صلاحیت ندارد، چه باید کرد؟ و لذا اصل بیست و یک قانون اساسی باید اجرا شود؛ به خصوص بند ۳ و ۴ و ۵ این اصل. زنی را که بعد از بیست سال می‌خواهند رها کنند، این زن چه باید بکند؟ و چه امنیتی از نظر مکان و زندگی خودش دارد؟ و چگونه باید تأمین گردد؟ این‌ها مسائلی است که باید به آن توجه شود.

۳ - خانم‌هایی که در خارج از خانه کار می‌کنند و فرزند دارند، اگر نیمه‌وقت کار کنند، به نفع نسل آینده است.

۴- لایحه‌ای در مورد کاخ‌ها به مجلس آمده که فقط درباره‌ی وسایل دو کاخ تصمیم‌گیری کرده است، حال آن‌که باید درباره‌ی کاخ‌های دیگر در جزیره کیش، نوشهر و کرج و... درباره‌ی وسایلش تصمیم گرفته شود.

۵- ضمن بازدیدی که دو هفته گذشته از اهواز داشته‌ایم، از اردوگاه‌ها بازدید نمودیم که حدود سه هزار نفر زندگی می‌کردند و یک سال است که در این محل می‌باشند. وضع زندگی آن‌ها با گزارشاتی که بنیاد جنگ‌زدگان می‌دهد رابطه‌ای ندارد و هم‌آهنگ نیست؛ چرا باید وضع آن‌ها طوری باشد که حتی برای آب‌خوردن نیازمند باشند.

۶- گمرک فرودگاه باید از افرادی که در گذشته اختلاس کرده و آلوده می‌باشند، پاک شود.

۷- لیسانس‌های مامایی، درخواست دارند که ادامه تحصیل دهند تا دوره‌ی فوق لیسانس بهداشت مادر و کودک را ببینند. از وزیر بهداشتی و وزیر علوم می‌خواهیم که امکاناتی فراهم نمایند تا آن‌ها بتوانند ادامه تحصیل دهند. ما از این جهت نیرو کم داریم و امیدواریم که به این ترتیب، این کمبود جبران شود.

تذکاری به حکام مرتجع منطقه

دومین سخنران پیش از دستور، آقای محمد هادی برومند، نماینده‌ی پروچرد طی سخنانی اظهار داشت:

با تشکر از برادر گرامی، جناب آقای صدر حاج سید جوادی که دقایقی از وقت خود را به این جانب دادند، مطالبی را به اختصار به سمع مجلس محترم می‌رسانم:

نخست، تسلیت و تذکاری است به شاه حسین اردنی و حکام مرتجع منطقه، سپس طرح چند پیشنهاد. شاه حسین با تمام وابستگی و آستان‌بوسی‌اش، سرانجام مزد و پاداش خویش را مانند شاه معدوم خواهد گرفت. با این تفاوت که آمریکا به جای ملت اردن، او را از اریکه‌ی سلطنت پدزباله‌دان تاریخ خواهد افکند و این نکته از سخنان اشغال‌گران قدس، به وضوح درک می‌شود؛ زیرا با صراحت می‌گویند: اردن سرزمین فلسطینی‌هاست نه جای دیگر و برای اسرائیل فرق نمی‌کند که شاه حسین در رأس کار باشد یا یاسر عرفات.

این مطلب اگر مژده نگون بخشی شاه حسین نباشد، لاقلاً تهدیدی است برای پذیرش مثلث شوم کمپ دیوید و قدمی فراتر در جهت سقوط و متقابلاً بیم آن می رود که ملت قهرمان و سخت کوش فلسطین گول این ترفند جدید شیطان بزرگ و فرزند نامشروعش، اسرائیل را خورده و از مبارزه و تعقیب هدف اصلی خویش که رهایی سرزمین مقدس قدس است، بازایستند.

رهبران فلسطینی بدانند که هر نوع مصالحه با اشغالگران قدس، خیانتی است به اسلام و از این رو باید آتش مبارزه را هم چنان روشن نگاه دارند و تسلیم تهدیدات و نیرنگ های شیطان بزرگ نشوند، تا ان شاء الله با ناپودی حکام مزدور منطقه و وحدت مسلمانان کشورهای هم جوار، جبهه ای واحد و عظیم در مقابل غاصبین سرزمین قدس، گشوده شود و بدانند که ملت مسلمان ایران در خط مقدم چنین جبهه ای مبارزه خواهند کرد.

اما چند پیشنهاد:

۱ - نظر به این که مجلس شورای اسلامی در حال حاضر فرصت بررسی مجموعه قوانین گذشته را ندارد، لذا از وزارت خانه ها و سازمان ها و مؤسسات دولتی تقاضا می شود با بررسی قوانین و مقررات مربوط به خود، آنچه را که با ضرورت موجود شرع مقدس اسلام سازگار نمی بینند، به کمیسیون های مختلف مجلس و یا هیأت دولت گزارش نمایند تا نسبت به رفع و اصلاح آن ها اقدام قانونی صورت گیرد.

۲ - چون لایحه ی شوراها، مفصل است و طرح و بررسی آن در مجلس به درازا خواهد کشید، از طرفی دخالت دادن افراد در کارها و امور جاری ضروری و به صلاح مملکت است، لذا پیشنهاد می شود که به موجب اصل ۸۵ قانون اساسی، تصویب این لایحه برای مدت یکی دو سال به کمیسیون واگذار شود.

۳ - بیشتر کالاهای وارداتی از گمرکات جنوب و شمال به تهران می آید، سپس اقدام به توزیع آن می شود. این امر علاوه بر تأخیر در امر تخلیه بنادر، موجب پرداخت کرایه مضاعف و مالاً گرانی کالا می گردد؛ لذا ضرورت دارد که با تقسیم بندی و تعیین سهمیه هر استان، کالاها مستقیماً به مقصد بارگیری و حمل شود.

۴ - ترمیم حقوق بازنشستگان و رفع اختلاف فاحش بین میزان دریافتی آنان با شاغلین،

باید مورد توجه قرار گیرد.

۵- دفاتر هیأت مدیره‌ی اغلب شرکت‌ها و کارخانه‌های کشور در تهران است. به‌منظور اعمال مدیریت صحیح و بیشتر، پیشنهاد می‌شود تمام این دفاتر به شهرستان‌ها منتقل شود.

عرق بدن کارگر، همتای خون شهید است!

سومین سخنران پیش از دستور، آقای حسین هراتی، نماینده‌ی سبزوار گفت: در هنگامی شکوه‌مند خون و پیام، تفاله‌های شیطان در مقابل ریگان دمی تکان داده و در برابر کاخ سفید به‌خاک افتادند و برای سومین بار با گلوله‌های آمریکایی، کارگری از تبار پابرهنگان را در سبزوار به‌خاک و خون کشیدند. آری! کسانی که دیروز به‌شعار خلق می‌پرداختند، امروز به‌شکار خلق... و عجیب این‌نکته که سنگ کارگران و محرومان را به‌سینه می‌زدند و امروز از پس پرده‌های نفاق، کارگران رنج‌دیده و محروم و انقلابی را نشانه می‌روند. اولین بار کارگری مسگر، دومین بار کارگری نقاش، و این بار کارگری سیم‌کش. ولی چرا به‌سوی این سینه‌های عرق‌کرده که پیامبر فرمود: «عرق بدن کارگر، همتای خون شهید است!» و چرا این دست‌های پاک پینه‌بسته را از تلاش در جامعه، ناجوان‌مردانه قطع می‌کنند. مگر این پیامبر نبود که این دست‌ها را بوسید و ارج نهاد؛ با قدری تأمل به‌آسانی قابل حل است زیرا در نهضت‌های اصیل، تمام پیامبران تاریخ تنها این پابرهنگان و شکم‌گرسنگان و محرومان بوده‌اند که جان برکف و پروانه‌وار، پیرامون پیامبران و رهبران اسلامی انقلابی می‌چرخیدند و آماده‌ی همه‌گونه ایثار و فداکاری بوده‌اند.

آری! مناققان با ترورهای کور و اندیشه‌های تاریک و اندیشه‌های مذبوحانه‌شان می‌خواهند مستضعفان را طرد و مستکبران را بر اریکه‌ی قدرت قرار دهند، ولی اگر آن مناققان و سرمایه‌داران و قداره‌بندان تاریخ موفق شدند فروغ جاودانه اسلام را خاموش کنند، اینان نیز پیروز خواهند شد و بدانید ظنن هر گلوله‌ی آمریکایی شما ما را مقاوم، پرتوان و منسجم در مسیر تداوم انقلاب به‌حرکت و خروش درمی‌آورد ولی برای اربابان شما صاعقه‌ای است که بر کاخ سیاه واشنگتن فرود آمده و منطق داس و چکش را به‌زیر می‌کشد و امت ما هر فریادی که برمی‌آورد هر مثنی که گره می‌کند، هر شعله خشمی که در سینه‌اش

می جوشد و هر دانه اشکی که بر چهره‌شان می‌غلتد، نهال مرگ بر استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا را جوانه می‌زند تا حکومت عدل جهانی به رهبری امام مهدی (عج) را ثمر دهد و آمریکای جهانخوار باید بعد از این همه تجربه‌های تلخ و جانگداز باید درک کرده باشد که اگر روزی به خیال خام و شوم خود، همدی ما را قطعه قطعه کنند آخرین نفر ما با فریاد (الله و خمینی رهبر)، مجدانه در تدارک جنگ با آمریکا لحظه‌ای درنگ را جایز نخواهد دانست. به امید پیروزی نهایی مستضعفان بر مستکبران و حاکمیت اسلام.

حرکت اسلامی مردم منطقه

آخرین سخنران پیش از دستور، آقای محمد رشیدیان، نماینده‌ی مردم آبادان طی سخنانی اظهار داشت:

انقلاب خون می‌خواهد؛ اما نه هر خونی، انقلاب خون پاک انسان‌های صادق و رشیدی مثل حسین (علیه السلام) که در دامن مادری مانند فاطمه (علیها السلام) پرورش یافته باشند؛ و ما امروز می‌بینیم که این خون، انقلاب ما را جنبه‌ی جهانی داده است. مردم اینک متأثر از اسلام و انقلاب حسین بن علی قیام کرده‌اند و یک بررسی اجمالی در حرکت مصر و سودان و سایر نقاط منطقه نشان می‌دهد که خون حسین (علیه السلام) که انقلاب اسلامی ایران را به وجود آورد، چه حرکت عمیقی را در منطقه به وجود آورده است. آمریکایی که در دادن اسلحه به کشورهای منطقه این همه دقت می‌کرد و خسیس بود و امساک می‌کرد، با حرکت نیرومند اسلامی مردم مصر به قدری دستپاچه شد که با عجله بهترین سلاح‌ها و مدرن‌ترین آن‌ها را به مصر داد. اگر این حرکت ملی یا قومی بود و یا در چهارچوب خاک مصر و یا متکی به خواست‌های یک‌زمان و یک‌قوم و یک‌مکان بود، دشمن این قدر دستپاچه نمی‌شد. حسنی مبارک با صراحت می‌گوید: تنها مسأله‌ی ما مبارزه با حرکت اسلامی است و گفت هر گروهی می‌تواند فعالیت کند به جز مسلمانان؛ بنابراین، مسلمانان دنیا، ای برادران فلسطینی! این‌ها از لاله‌الاله می‌ترسند؛ این‌ها از الله می‌ترسند. پادشاه عربستان اگر واقعاً دست‌پرورده‌ی آمریکا نیست چرا از شعار الله وحشت می‌کند؟ آمریکا هم از این اسلام وحشت دارد و هم چنین همسایگان ما که سال‌های سال شعار حمایت از محرومان و زحمت‌کشان می‌دادند، آن‌ها هم از اسلام وحشت

دارند و لذا الآن نیروهای خود را در مرزهای ما متمرکز کرده‌اند.

ناطق سپس خطاب به کسانی که به امید رهبر شدن به پاریس رفته‌اند، مطالبی را درباره‌ی فرانسه بیان کرد.

مسأله‌ی اصلی، جنگ است

آقای رشیدیان در بخش دیگری از سخنان خود خطاب به کسانی که دم از حقوق بشر می‌زنند، گفت: شما چطور از کسانی که اتوبوس‌ها را آتش می‌زنند و به هیچ چیز رحم نمی‌کنند به نام حقوق بشر از این‌ها دفاع می‌کنند. وی سپس به مسأله جنگ به عنوان اصلی‌ترین مسأله تأکید کرد و یادآور شد که ما از رادیو تلویزیون گله داریم، زیرا خوزستان از لحاظ کمی زیر پوشش قرار ندارد، حال آن‌که امکانات لازم برای زیر پوشش قرار دادن، وجود دارد.

ناطق سپس در رابطه با انجمن حجّتیّه، اظهار داشت: این انجمن چه نقش سیاسی در قبل از انقلاب داشته است؟ در صورتی‌که در سال ۴۱، این‌ها امضا دادند که وارد سیاست نشوند و امروز که مشکل دشمن اصلی آمریکاست، این‌ها چسبیده‌اند به مارکس و انگلس و این به این مفهوم نیست که آن ابرقدرت‌هایی را که با انقلاب اسلامی ما مقابله می‌کنند، فراموش کرده باشیم ولی مسأله‌ی ما مسأله‌ی جنگ است و دشمن اصلی ما آمریکاست.

نماینده‌ی مردم آبادان افزود: برادران شورای عالی دفاع، امام هروقت در کارهای جنگی نظارت مستقیم کرده‌اند، ما پیروز شده‌ایم و این فرماندهان پیش از هر زمان احتیاج به رهنمودها و دخالت‌های مستقیم امام دارند.

مسأله‌ی دیگر، مسأله‌ی دولت است. دولت باید قوی باشد؛ مخصوصاً وزارت کشور که خودش یک دولت است. هم چنین وزارت خارجه در سیاست خارجی نقش مهمی در انقلاب دارد.

آقای رشیدیان، آن‌گاه از عملکرد بنیاد امور جنگ‌زدگان انتقاد کرد و خواستار رسیدگی به آن شد. وی همچنین گفت که اکنون شعار مردم، شعار سیاسی است ولی باید به مسأله‌ی اقتصادی هم توجه شود و همان‌طور که قانون اساسی به مسأله‌ی کشاورزی اهمیت داده است و امام هم تأکید دارند، باید مشکل کشاورزی حل شود و نقطه‌ی ضعف به دشمن ندهیم.

تذکرات نمایندگان

پس از پایان سخنان قبل از دستور، رئیس مجلس تذکرات نمایندگان را به شرح زیر قرائت کردند.

✎ آقای سید حسن موسوی تبریزی، نماینده هی هشتروند در مورد احدات جایگاه سوخت و کمبودهای آموزشی در منطقه
✎ آقای جلالی نماینده هی نیشابور در مورد اسفالت راه نیشابور و مشهد و تشکر از وزارت نیرو در مورد احدات سد «بار»
✎ آقای حمیدی در مورد توجه وزارت کشور به خواست ایشان

مذاکرات مجلس

پس از اعلام تذکرات نمایندگان، مجلس وارد دستور شد و لایحه‌ی راجع به حمایت از پرسنلی که در راه انجام وظیفه به علت شرکت و مباشرت در خنثی‌سازی مواد منفجره جان خود را از دست داده و به درجه‌ی شهادت نایل می‌گردند، که در جلسه‌ی قبل، کلیات آن تصویب شده بود، در شور دوم مطرح شد. ابتدا مخبر کمیسیون گزارش شور دوم را قرائت کرد و به دنبال آن پیشنهادات رسیده مورد بررسی قرار گرفت که هیچ‌کدام مورد تصویب قرار نگرفت. سپس برای لایحه رأی‌گیری شد که به این شرح به تصویب رسید:

لایحه راجع به حمایت از پرسنلی که در راه انجام وظیفه به علت شرکت و مباشرت در خنثی‌سازی مواد منفجره جان خود را از دست داده و به درجه‌ی شهادت نائل می‌گردند.

ماده واحده - افسران شهربانی جمهوری اسلامی ایران، درجه‌داران، افراد و هم‌ردیفان آنان که در عملیات مربوط به خنثی‌سازی و هلاک اثر نمودن و از کارافتادن انواع بمب و تله‌های انفجاری و کلاً هر نوع مواد منفجره، محترقه و قابل اشتعال مصدوم و فوت شوند، مشمول شرکت در عملیات رزمی موضوع ماده‌ی ۸۵ قانون استخدام ارتش جمهوری اسلامی ایران به عنوان شهید تلقی گردیده و از یک‌روز قبل

از شهادت به یک‌درجه بالاتر مفتخر و مستمری وراث مستمری‌بگیر آنان عیناً عبارت خواهد بود از حقوق درجی اعطایی که از بودجه شهربانی کشور جمهوری اسلامی ایران پرداخت خواهد شد.

تعیین تکلیف شهرک‌های نیمه‌تمام

آن‌گاه لایحه راجع به تکمیل و نحوه‌ی استفاده شهرک‌ها و مجتمع‌های ساختمانی نیمه‌تمام متوقف در شور دوم مورد بحث و بررسی قرار گرفت. آقای موسوی تبریزی در مخالفت با لایحه گفت: اصل لایحه باید ضربتی اجرا شود و خیلی خوب است، اما مخالفت من با تبصره‌ی ۱ است. این لایحه در کمیسیون قضایی مطرح شد که اکثریت اعضای آن می‌گفتند ما نمی‌توانیم تبصره یک را تصویب کنیم و بلکه تبصره باید در آینده به صورت یک قانون تنظیم شود. وی سپس پیشنهاد حذف تبصره یک را مطرح کرد.

آقای موحدی ساوجی به‌عنوان مخالف پیشنهاد، طی سخنانی گفت: اگر لایحه به همان شکلی که اول از طرف دولت آمده بود می‌ماند، این نگرانی جای داشت اما حالا که دو قید در اصل لایحه گنجانده شده است دیگر نباید نگران این مسأله بود که وزارت مسکن به هر صورت که خواست این شهرک‌ها را تکمیل کند و به هر کس که خواست بفروشد و پول بدهد. آقای محلاتی در موافقت با حذف تبصره یک گفت که در این‌جا مسایل شرعی به صورت مشخص اجرا نشده است. هم‌چنین مسایلی که در تبصره یک هست، به صورت آیین‌نامه نمی‌تواند مطرح شود بلکه باید به صورت قانون درآید.

مهندس گنابادی، وزیر مسکن و شهرسازی در مورد حذف تبصره یک، طی سخنانی گفت: قیمت‌گذاری از طریق کارشناس خواهد بود و مبلغ به‌طریقی که دولت تعیین می‌کند پرداخت خواهد شد. سپس برای پیشنهاد آقای موسوی تبریزی رأی‌گیری شد که به تصویب نرسید. آن‌گاه برای لایحه رأی‌گیری به عمل آمد که با ۱۲۵ رأی موافق به این شرح به تصویب رسید:

X لایحه راجع به تکمیل و نحوه‌ی استفاده شهرک‌ها و مجتمع‌های ساختمانی

نیمه تمام متوقف.

ماده واحده - وزارت مسکن و شهرسازی موظف است شهرک‌ها و مجتمع‌های ساختمانی نیمه تمام متوقف سراسر کشور را شناسایی و طبق برنامه‌ی تنظیمی از طریق دو نوبت آگهی به فاصله‌ی یک ماه در روزنامه‌های کثیرالانتشار و نصب در محل مربوطه. مالکین شهرک‌ها و مجتمع‌های ساختمانی نیمه تمام متوقف را در مناطقی که صلاح بدانند، دعوت نماید تا آنان برنامه زمان‌بندی شده‌ی قابل قبول وزارت مسکن و شهرسازی را جهت تکمیل مجتمع ساختمانی و یا شهرک خود را حداکثر تا یک ماه تحویل نمایند. در صورتی که مالک یا مالکین (اعم از شخصیت حقیقی یا حقوقی) در مهلت دو ماه مذکور مراجعه نکنند، وزارت مسکن و شهرسازی طبق نظر کارشناس رسمی دادگستری ملک را در وضعیت موجود ارزیابی و سپس نسبت به انتقال و یا تکمیل آن اقدام می‌نماید.

ادارات ثبت اسناد و املاک کشور موظف می‌باشند نسبت به انتقال سند مالکیت به دولت و یا به نام اشخاص (اعم از حقیقی و حقوقی) که از طرف وزارت مسکن و شهرسازی معرفی می‌شوند، اقدام نمایند.

تبصره‌ی ۱ - نحوه‌ی پرداخت حقوق مالکین و پرداخت حقوق دولت و اشخاص ثالث اعم از حقیقی و حقوقی و تعیین تکلیف مالکینی که در مهلت مقرر مراجعه می‌نمایند و نحوه‌ی استفاده از مجتمع‌های ساختمانی و شهرک‌ها و سایر موارد لازم، طبق آیین‌نامه‌ی اجرایی خواهد بود که ظرف مدت یک ماه به وسیله‌ی وزارت مسکن و شهرسازی تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

تبصره‌ی ۲ - از تاریخ تصویب این قانون، لایحه‌ی قانونی راجع به اتمام عملیات ساختمانی شهرک‌ها و مجتمع‌های مسکونی نیمه تمام مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۶ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران، ملغی اعلام می‌شود.

ارجاع یک لایحه به کمیسیون

آنگاه اجازه‌ی تفویض اختیار به کمیسیون قضایی، جهت بررسی و تصویب لایحه راجع

به‌الحاق یک تبصره، به لایحه‌ی قانونی مربوط به ضبط اسکناس‌هایی که به‌طور غیرقانونی وارد کشور می‌شوند، مصوب ۱۳۵۹/۲/۱۷ شورای انقلاب طبق اصل ۸۵ قانون اساسی، برای مدت چهارسال مطرح شد. ابتدا آقای علیزاده، ممبر کمیسیون قضایی، متن لایحه را قرائت و پیرامون آن توضیحاتی ایراد کرد. آقای حمیدی، در مخالفت با ارجاع به کمیسیون گفت: طبق آیین‌نامه، مصوبات شورای انقلاب باید در مجلس مطرح شود. ثانیاً این از موارد صریح اعمال ولایت و ضرورت است و این اختیار به اکثریت مجلس داده شده و ما نمی‌توانیم این اختیار را به کمیسیون واگذار کنیم. آقای هاشمی به‌عنوان موافق گفت: تشخیص موضوع، قبل از حکم امام با مجلس بوده است. ارجاع این لایحه مثل بقیه لوایح به‌خاطر تسریع در کار است. سپس رأی‌گیری شد که با ۱۳۲ رأی موافق، به کمیسیون، ارجاع شد.

تفسیر بند ب ماده‌ی ۳ قانون بنیاد امور جنگ‌زدگان

آن‌گاه، اسدی‌نیا ممبر کمیسیون امور داخلی، گزارش کمیسیون در خصوص تفسیر بند ب ماده‌ی ۳ قانون بنیاد امور جنگ‌زدگان را که مورد سؤال آقای میرسلیم واقع شده بود را قرائت کرد و توضیح داد که منظور از نظارت در این بند، نظارت بر چگونگی انجام وظایف و کلیدی عملکرد بنیاد و امور مالی است. آقای فؤاد کریمی در مخالفت با این تفسیر کمیسیون طی سخنانی گفت: این سؤال باید توسط وزارت کشور مطرح می‌شد؛ در صورتی که این نامه توسط مهندس میرسلیم ارسال شده است. وی افزود: پاسخ کمیسیون ناقص است؛ یعنی در آن به‌بخشی از سؤال آقای میرسلیم پاسخ داده شده است. در قانون بنیاد امور جنگ‌زدگان، اختیاراتی به شورای عالی بنیاد امور جنگ‌زدگان داده شده است که بعضی از آن‌ها مستلزم امر و نهی و بعضی مستلزم آن نیست. این سؤال دو بخش دارد: یکی نحوه‌ی اجرای نظارت؛ دوم این‌که آیا این اجرای نظارت فقط نظارت است یا حق دخالت وجود دارد یا خیر؟ حالا کمیسیون فقط به‌بخش اول سؤال پاسخ داده است.

آقای موحدی ساوجی به‌عنوان موافق، طی سخنانی گفت: قبلاً هم این مسأله که نامه امضای وزیر کشور را ندارد، مطرح و روی آن بحث شده بود. ثالثاً، جواب کمیسیون دقیقاً در مورد بند ب ماده‌ی ۳ مورد سؤال است. چون عده‌ای از نمایندگان مناطق جنگی و مخالف

تفسیر، مجلس را متشنج کردند، آقای مجید انصاری پیشنهاد کفایت مذاکره را مطرح کرد که پس از صحبت‌های مخالف و موافق به تصویب نرسید. سپس آقای لطیف صفری پیشنهاد مسکوت ماندن گزارش را به مدت دو هفته عنوان کرد که مورد موافقت اکثریت نمایندگان قرار گرفت و از دستور خارج شد.

نامه‌ی نخست‌وزیر به مجلس

در این جلسه، نامه‌ی نخست‌وزیر به ریاست مجلس در مورد معرفی اعضای کابینه، قرائت شد. متن نامه به این شرح است:

مُقَدِّمَةٌ

«الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور...»

انقلاب اسلامی که به رهبری امام امت حضرت آیت‌الله العظمی خمینی پیروز شد، قبل از هر چیز، انقلاب در جان‌ها بود. به لطف خدا، مردمی به خدا ایمان آوردند و عمل صالح کردند و خود را دگرگون ساختند و خدا شرایط اجتماعی و اقتصادی آنان را دگرگون کرد و به آنان شرف و عزت و حیثیت انسانی بخشید و استمرار انقلاب اسلامی در گرو تعمیق همین دگرگونی جان‌ها است که از یک‌سو، شرایط محیطی را می‌تواند آن‌چنان تغییر دهد که قلمروی آزاد و مستقل برای مردم کشور ما در جهان پر از زور و ستم امروز پدیدار آید و از سوی دیگر این دگرگونی، پیام انقلاب؛ یعنی پیام اسلام را برای زنده ساختن مسلمانان دیگر در سراسر جهان صادر کند؛ همان‌سان که صادر شده است.

با تلقی این چنین از انقلاب اسلامی، خط اصلی و هادی برنامه‌های دولت، استمرار و تعمیق انقلاب فرهنگی خواهد بود و انقلاب فرهنگی پشتوانه‌ی هر برنامه دیگر، و رمز حضور همه‌جانبه‌ی مردم در صحنه برای کمک به دولت، و شرکت در دولت همین است.

برنامه‌ای که کابینه‌ی شهید رجایی و شهید باهنر بدان می‌اندیشیدند، متأثر از چنین طرز تفکری بود و اینک کابینه جدید هم که ادامه‌ی همان کابینه است، چنین

می‌اندیشد و نگاهی به مقدماتی برنامه‌های قبلی، این مسأله را به وضوح نشان خواهد داد. ما در برنامه‌ریزی، افزون بر آنچه آن دو برادر شهید ارایه دادند، نداریم. گرچه افزایش تجربیات چه بسا می‌توانست بدین برنامه‌ها قسمت‌هایی را بیفزاید و یا احياناً قسمت‌هایی را حذف کند، ولی این ضرورت آن‌چنان نبود که ما دست به ترکیب این برنامه بزنیم. تنها چیزی که در این مقدمه باید بیفزاییم، آن است که در کابینه‌ی فعلی سعی خواهد شد به سمت برنامه‌ریزی به معنای علمی آن در امر توسعه پیش برویم. و طبیعی است که این مهم، مستلزم آن است که سازمان برنامه و بودجه بتواند نقشی فعال تر از آنچه هم‌اکنون دارد، پیدا کند و با جذب نیروهای متخصص و مؤمن به انقلاب و شریف، برنامه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی را هم‌آهنگ کند.

مذاکرات جلسه بعد از ظهر و سخنان نخست‌وزیر

جلسه ساعت ۱۳:۴۵ دقیقه، مجدداً به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی و با تلاوت آیاتی از قرآن مجید رسمیت یافت و بحث در مورد هیأت دولت آغاز شد.

ابتدا مهندس میرحسین موسوی نخست‌وزیر، پشت تریبون قرار گرفت و طی سخنانی ضمن درود به رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و روان پاک شهدای راه اسلام و رزمندگانی که با ابطار خون خود در مرزها، به مسؤولین این امید را می‌بخشند که جهانی تازه در حال تولد است؛ جهانی که در آن انسان‌ها زیر چتر اسلام و ارزش‌های الهی و اسلامی به هویت انسانی خودشان برگشت داشته باشند و استعدادهای خودشان را شکوفا و جوشان بفرمایند و تشکر از نمایندگان محترم که این فرصت را به وجود آوردند که این کابینه‌ی جدید هرچه سریع‌تر به مرحله‌ی عمل وارد شود و کار خودش را شروع کند.

برای این‌که من در مورد ترکیب کابینه و برنامه‌ها صحبتی داشته باشم، قبل از این لازم می‌دانم خیلی مختصر در مورد وضعیتی که در آن قرار داریم توضیحاتی بدهم و آن نقطه‌نظرهای خودمان را در مورد مسؤولیت‌هایی که به عهده‌مان است بیان کنم.

کلاً، به اعتقاد من، انقلاب اسلامی بزرگ‌ترین مشکل خودش را که همان دگرگونی جان‌ها و انسان‌ها و دگرگونی عمیق درونی است، پشت سر گذاشته؛ دگرگونی در اعتقادات، رفتار، اهداف سلوک گفتارها و تصمیم‌گیری‌ها و امثال آن؛ و این بزرگ‌ترین دگرگونی است.

۴۲۴ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

در پیروزی ۲۲ بهمن، ملت ما موفق شد ساخت سیاسی رژیم سابق را درهم بشکند، ولی مدت‌های مدید طول کشید تا این دگرگونی عمیق و واقعی را در درون خودش تأمین بکند و عمق بهش ببخشد. و برای این عمق‌بخشیدن، ما شاهد این بودیم که چه پل‌هایی را از سر گذراند و چه مبارزات گسترده‌ای را کرد.

و چقدر در این راه قربانی دادیم. قربانی‌هایی که ما در این ۴ ماه اخیر داشتیم، من بیشتر ناشی از این سیل عمیق مردم برای دگرگونی اساسی و راندن تمام آثار، عادات و مرض‌هایی که به‌خاطر استمرار رژیم آمریکایی سابق و استعمار غرب بر ملت ما مستولی شده بود. جامعه ما الآن بیش از ۲۲ بهمن سال ۵۷، اسلامی است و آگاه است؛ بیش از آن موقع دوستان و دشمنان واقعی خودش را می‌شناسد؛ مرز بین حق و باطل الآن روشن‌تر از ۲۲ بهمن است.

پالایش و تزکیه‌ی مردم

و برای همین من فکر می‌کنم برای کار کردن، الآن زمینه‌ی مساعدتری برای هر دولتی که بخواهد روی کار بیاید، وجود دارد. بعد از ۲۲ بهمن، به‌خاطر همان سلطه‌ی فرهنگی که سلطه‌ی سیاسی را در حقیقت پشتیبانی می‌کرد و بدون آن سلطه‌ی فرهنگی، امکان ادامه‌ی سلطه‌ی سیاسی از طرف آمریکا در کشور ما نبود، این سلطه اثرات عمیقی بر روح و روان و جان ملت ما البته به تناسب مختلف در میان قشرهای مختلف گذاشته بود. در طول انقلاب و اوج‌گیری انقلاب، مردم پالایش و تزکیه پیدا کردند. این خون‌هایی که نثار شد، مردم را صیقل و رشد داد، ولی با این همه نمی‌توان گفت در ۲۲ بهمن، ما توانسته بودیم تمام آن آثار سلطه‌ی فرهنگی را بتارنیم و از بین ببریم؛ این احتیاج به‌زمان داشت.

وی، سپس در مورد سازماندهی نهادها گفت:

امروز، نهادهای ما از نظر سازماندهی، پیچیده‌تر، آموخته‌تر و قوی‌تر شده‌اند. از نظر نیروی کاری و انسجام درونی؛ در عین حال اهداف خودشان را فراموش نکردند. سپاه، جهاد و سایر نهادهایی اگر دقت کنیم سرمایه‌ی از آن اهداف اولیه منحرف نشدند و مهم هم همین است. در عین حال که سازمان و ارتباط درونی‌شان و پیچیدگی سازمانی‌شان، ارتباط پیدا کرده و بیشتر الآن کمک می‌کند برای کارایی. البته این بحثی که الآن می‌کنم به‌نظر می‌آید

ممكن است مسؤولیت دولت را سنگین‌تر کند؛ چرا که به مشکلات، یک تصویر کم‌رنگی می‌دهد، در صورتی که چنین نیست، ولی من فکر می‌کنم با این زمینه‌ای که وجود دارد اگر شناخت واقعی وجود داشته باشد و اعتقاد و باور عمیقی به این دگرگونی در هیأت دولت وجود داشته باشد با مشکلات هرچه وسیع‌تر گسترده‌تر و زیادتر می‌تواند مقابله کند؛ چرا که انقلاب ما قدمی به‌پس ننهاد، همیشه در حال پیشرفت و رشد و جلو رفتن بوده علی‌رغم تمام مصیبت‌ها و ضایعات امروز با اتکال به‌خدای بزرگ و وحدت مردم که این وحدت قدرت خودش را در انتخابات اخیر و مقابله با ضدانقلاب که به‌صورت سازمان‌یافته و گسترده‌ای علیه انقلاب دست به‌کار شد، نشان داده و طبیعی است که دولت با این اتکال به‌خدای بزرگ و با این برگشت به‌نیروی عظیم مردم که تجلی قدرت خداوند نیز هست، می‌تواند با مشکلات دست و پنجه نرم کند. در جامعه‌ی ما، امروز مسایل انحرافی کمتر مطرح می‌شود. یک آگاهی عمیق مردمی در مورد مسایل وجود دارد، حتی در مورد اولویت‌ها که این خودش زمینه‌ی خوبی را برای کار می‌سازد؛ یعنی این فقط مسؤولین نیستند که می‌گویند جنگ مسأله‌ای است که در اولویت قرار می‌گیرد و مهم‌ترین مسأله‌ها است که باید حلش کنیم، بلکه مردم هم چنین اعتقادی دارند و این یگانگی باورها در میان مسؤولین و مردم در حقیقت قدرتی به‌مسؤولین می‌دهند که براساس آن قاطع‌تر رفتار و موضع‌گیری و حرکت کنند. یا در مورد اقتصاد و مسایل مربوط به‌امنیت در مورد مسأله‌ی جنگ طبیعی است. ما این‌جا اعلام کنیم دولت مصمم است تا بیرون‌راندن کامل متجاوز از سرزمین خودمان پشتیبانی و حمایت بی‌دریغ خودش را از رزمندگان اسلام ادامه دهد و تمام برنامه‌های خودش را به‌شکلی تنظیم کند که این جنگ را با پیروزی ان‌شاءالله خاتمه دهد.

جنگ، سرزمینی نیست

برای این‌که این جنگ فقط مسأله‌ی جنگ سرزمینی نیست. مسأله‌ی جنگ اسلام و کفر است و جنبه‌ی عقیدتی و ایدئولوژیک دارد. کسانی که نه در داخل که خوشبختانه چنین صدایی نیست، در جهان، صحبت از صلح می‌کنند، باید بدانند ما زمین کسی را اشغال نکردیم، به‌کسی و جایی تجاوز نکردیم، بلکه مورد تجاوز قرار گرفتیم؛ ما تعدی نکردیم،

بلکه مورد تعدی قرار گرفتیم و برای برقراری صلح، بهترین راه مبارزه با زور و ظلم در هر نقطه‌ی جهان است. این سیاست را ما نه تنها در رابطه با مسأله عراق و رژیم صدام، بلکه به صورت یک اصل در سیاست خارجی خودمان به کار خواهیم گرفت. مقابله با زور و ظلم. چون در این زمینه بحث زیادی شده، من زیاد بحث نمی‌کنم.

مشکلات زیاد اقتصادی

مسأله‌ی دوم، مسأله‌ی اقتصاد است. ما مشکلات زیادی داریم که ناشی از جنگ، حصر اقتصادی و وابستگی‌های اقتصادی که در رژیم سابق به صورت عمیقی تمام رشته‌های اقتصادی ما به خارج بسته شده، ناشی از کارشکنی‌ها و ندانم‌کاری‌هاست. ناشی از تسلط افرادی مثل نزیه‌ها در نقاط کلیدی در اوایل انقلاب هم هست. ما مجبوریم برای حل این مشکلات نه تنها یک برنامه روزمره و کوتاه‌مدت داشته باشیم، بلکه در شرایط موجود دست به یک برنامه‌ریزی‌های مدت‌دار و بلندمدت بزنیم. الان کارهای متعددی در کشور می‌شود. وزارت کشاورزی و جهاد و نهادهای گوناگون، هرکدام کارهایی را می‌کنند. این کارها در مجموع مفید و در جهت سازندگی کشور هستند. بدون این کارها، کشور ما روی پای خودش نمی‌توانست بایستد. ولی الان به نظر می‌آید ضرورت دارد که تمام این فعالیت‌ها در یک نقطه به یک رشته واحدی کشیده شود.

تابع یک برنامه کل منسجمی شود برای این که مؤثرتر واقع شود و از پراکنده‌کاری‌ها جلوگیری به عمل آید. ما مجبور هستیم الان به رهنحو شده برنامه‌هایی در زمینه‌ی پیوند دادن تمام کارهای عمرانی در کشور به وجود بیاوریم. در کشور، محورهای توسعه‌ای ترسیم کنیم. براساس مطالعه روی مشکلات خودمان و بافت فرهنگی ما منابعی که در اختیار داریم و نظایر این‌ها، طبیعی است که اگر چنین کاری بخواهیم بکنیم، نقش سازمان برنامه و بودجه، اهمیت غیرعادی پیدا خواهد کرد که من روی این نکته تأکید می‌کنم. ما مجبور هستیم یک مرکز برنامه‌ریزی فعال که در آن اندیشمندان مسلمان و متعهد و متخصص گرد آیند و در مورد مسایل توسعه دقیقاً به مطالعه بپردازند و اثرات کارهایی که انجام شده، از ابعاد گوناگون بسنجند، چه اثرات درازمدت فرهنگی - اقتصادی و اجتماعی براساس اهداف و آرمان‌هایی

که در طول انقلاب به وجود آمده، برنامه‌های تازه‌ای را برای کشور پی‌ریزی کنند گاه به نظر می‌آید ما به‌طور موضعی بتوانیم مشکلات خودمان را از سر راه برداریم، ولی واقعیت کار این است که مشکلاتی نظیر مسکن و نظیر آن تنها در یک برنامه‌ریزی جامع است که می‌تواند حل شود. مشکل مسکن و نظیر آن تابعی از یک‌کل هستند. پیش از این‌که به ساختن ساختمان‌ها و ساختن مسکن شوند مربوط به راه‌حل‌های اساسی در مسایل اقتصادی و اجتماعی هستند که به‌طور هم‌آهنگ در کشور کار کند. مسأله‌ی زاغه‌نشینی، مهاجرت‌ها و مسایل اقتصادی را حل کند.

برای همین قصد، دولت این خواهد بود که در جهت برنامه‌ریزی دراز مدت کار کند در عین حال این‌که نباید غفلت کند از ضرورت‌های روزمره و مشکلاتی که اگر به آن‌ها پرداخت نشود، می‌تواند هرکدام باعث بحران و ضربه‌زدن به انقلاب اسلامی ما شود. اهداف اقتصادی طبیعی است که در جهت استقلال اقتصادی است. برنامه‌ریزی اقتصادی در همه کشورها وجود دارد، در زمینه اقتصادی منتها براساس هنجارها و ارزش‌هایی که در جامعه به وجود آمده، اهدافی که برای یک جامعه معمولاً ارایه داده می‌شود و این برنامه‌ها ارزش‌گذاری می‌شود. استقلال اقتصادی جزء مهم‌ترین هدف ما خواهد بود. مسأله‌ی حمایت از مستضعفان خط اصلی این برنامه‌ها خواهد بود که براساس آن این برنامه‌ها شکل خواهد گرفت. برگشت به آن اصولی از قانون اساسی که هنوز ما گامی در جهت اجرای آن‌ها برنداشته‌ایم و در جهت حمایت از حقوق ملت و حمایت مستضعفان است. این چیزی است که ما به آن بپردازیم و عمیقاً به آن فکر کنیم.

سیستم اطلاعاتی در کشور

وی در ادامه‌ی سخنان خود به مسأله‌ی اطلاعات اشاره کرد و گفت: بیش از همیشه ما احتیاج به یک سیستم اطلاعاتی قوی و مطمئن داریم؛ چه در مورد مسایل برون مرزی و چه در درون مرزها. ما الآن در سیاست خارجی تا اندازه‌ی زیادی با چشم بسته و روی حد سیاست عمل می‌کنیم. گرچه سعی شده کم کم این حالت از بین برود. اطلاعات ما از مسایلی که در جهان اتفاق می‌افتد خیلی ابتدایی به دست ما می‌رسد. این خلاء را درست است

پرکاری یک‌عده افراد متعهد و مؤمن به انقلاب پر می‌کند، اما در درازمدت آن خلاء ناشی از نداشتن یک سیستم اطلاعاتی قوی برون‌مرزی نمی‌تواند آن‌را پر کند و هم‌چنین در داخل کشور خودمان؛ الآن در نخست‌وزیری، سپاه و جاهای مختلف براساس تجربه و نیازهای آن سیستم‌هایی را داریم. راجع به این مسأله تمرکز و تفرق آن؛ ولی به‌هرحال، هم‌آهنگی‌اش باید فکر شود و سریعاً عمل شود. هر روز که ما این مسأله را به تأخیر بیندازیم، به‌نظر من با دست خودمان زیان بزرگی را مرتکب شدیم و قابل‌جبران نیست. در مورد سیاست خارجی، تنها من اشاره به این مسأله می‌کنم که ما مجبور هستیم بیش از آن‌چه در سابق داشتیم در سیاست خارجی پیدا کنیم؛ مخصوصاً با خلایی که در سال‌های اخیر در این زمینه وجود داشته ما با دست خودمان ارتباط خودمان را با جهان بیرون بریدیم اینکه می‌گویم با دست خودمان، به‌این معنا نیست که برادرها یا ما چنین قصدی داشته باشیم؛ منظورم اشاره به اتفاقاتی است که در یکی دو سال اخیر اتفاق افتاده و طبیعتاً با خالی‌گذاردن پست و وزارت امور خارجه، ما ضربه‌ی شدیدی در این زمینه خوردیم.

تغییرات کم در کابینه

الآن احتیاج داریم با جهان بیرون از مرزها ارتباط وسیع پیدا کنیم. هم برای حفظ انقلاب اسلامی که به این مسأله ارتباط نزدیکی دارد و هم برای رساندن پیام انقلاب اسلامی به‌سراسر جهان.

در این مورد رهنمودهایی در قانون اساسی است که به آن اشاره نمی‌کنم. ما الآن محتاج عمل هستیم. در مورد کابینه‌ی موجود و هیأت دولتی که اسامی آن‌ها پخش شد، در مجلس و طبیعتاً برادران راجع به آن صحبت خواهند کرد از همان لحظه‌ای که مسأله‌ی مسؤولیت جدید مطرح شد من به‌نظرم آمد که کم‌ترین تغییر را در این کابینه خواهد داد. و این تغییرات هرچقدر کم‌تر من فکر می‌کردم به‌نفع انقلاب و جامعه ما است.

علت این مسأله را من به دو سه موضوع برمی‌گردانم. اولاً؛ عدم تغییر یا کم‌تغییر دادن، کمک بسیار زیادی در ثبات در داخل ادارات به‌خاطر این‌که در این چند سال سرپرستان و وزرا دایم عوض شدند. خود نظامی که در ادارات بوده، نتوانسته یک استواری پیدا کند.

معمولاً هر وزیری که به یک وزارت خانه رفته با خودش یک گروهی را برای کار می برد. به خاطر این که سیستم اداری ما بعد از انقلاب طبیعی است که تغییرات زیادی را به خودش پذیرفته.

هنوز یک سیستم حافظه داری در ادارات وجود ندارد. فرض کنید یک مسؤل به وزارت خانه ای می رود. مدتی کار می کند، به مسؤولیت های خودش آشنا می شود، یک تغییراتی را شروع می کند و در عین حال، به خاطر این که کاملاً به کار مسلط نشده، یک مقدار این افراد به صورت یک حافظه ای کار می کنند که به محض این که از آن جا برداشته شوند و با تغییرات بعدی تمام آن تجربیات و تمام آن حافظه منتقل می شود و تقریباً کار در آن وزارت خانه از صفر شروع می شود.

وزارت دفاع

البته دو چهره ی جدید در کابینه مطرح است. یکی برادرمان سرهنگ سلیمی است که من با ایشان قبل از این که مسأله ی دولت جدید مطرح شود، ملاقاتی نداشتم ولی تعریف زیادی از طریق برادرمان ریاست جمهوری آقای خامنه ای داشتم. بعد از این که وزیر دفاع مطرح شد؛ طبیعتاً اسم ایشان هم مطرح شد و در فرصت کمی که با ایشان صحبت کردیم. من احساس کردم برای این پست که پست بسیار حساسی است چرا که در سرنوشت ارتش اثرات بسیار عمیقی و هم چنین در صنایع نظامی و ارتش کلاً با آن رودر روست اثرات بسیار مهمی خواهد گذاشت. برادرمان بسیار با مسایل آشناست. مهم تر از همه دارای برنامه است. براساس دیدی که از انقلاب دارند درباره ی مسایل سیاسی دارای طرح و برنامه برای وزارت دفاع است و این مهم ترین چیز برای هیأت دولت است و در ضمن ایشان در طول انقلاب با همکاری با برادران متعهدمان در جبهه امتحان خودشان را با لیاقت و قدرت تمام نشان دادند. طبیعی است که فرد بسیار شایسته و نیرومندی برای این پست حساس هستند. البته در مورد ایشان ما اطلاعات بسیار زیادی را از طریق ریاست محترم جمهوری برادرمان آقای خامنه ای گرفتیم.

۴۳۰ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

وزارت کار و برادر توکلی

فرد دوم، برادرمان توکلی است که بی‌نیاز از توصیف است و برادران نماینده بیش از من از ایشان شناخت دارند. آن‌چه که باعث شد این اسم مطرح شود، خوب طبیعتاً یک سوابق ذهنی بود که آقای رجایی در اولین کابینه‌ی خود، آقای توکلی را جزء وزرای خود قرار داده بودند.

آقای توکلی جزء کسانی بود که مورد بی‌مهری آقای بنی‌صدر بود. تقوا و سازش‌ناپذیری و دقت در کارها از ایشان چهره‌ی خطرناکی برای لیبرال‌ها ساخته بود و علاوه بر آن با توجه به صحبت‌هایی که شده بود و سوابق ایشان در بهشهر و فعالیت‌های قبل و بعد از انقلاب ایشان، گفتیم که حضور ایشان در کابینه می‌تواند هیأت دولت را فعال‌تر کند.

ما برنامه را تغییر ندادیم؛ چون اهداف از زمان کابینه‌ی شهید رجایی به این طرف عوض نشده تنها چیزی که هست ما تنها می‌توانیم روی مسأله‌ی برنامه‌ریزی تکیه بیش‌تری داشته باشیم.^(۱)

مهندس موسوی در پاسخ به ایرادات مخالفین: وقتی در اصول وحدت سازش ناپذیری وجود دارد، اختلاف‌ها می‌تواند به کابینه قدرت بیخشد.

در جلسه‌ی بعد از ظهر روز دوشنبه، دولت مهندس موسوی نخست‌وزیر جدید از مجلس شورای اسلامی رأی اعتماد گرفت. در شماره‌ی دیروز به‌علت تراکم خیر و گزارشات مجلس که یکی از پرکارترین روزهای خود را گذراند. موفق به چاپ تمام گزارش مجلس نشدیم. در شماره‌ی امروز از آغاز سخنان موافقین و مخالفین کابینه دولت موسوی که به مجلس معرفی شده بودند، گزارشی را جهت ملاحظه‌ی شما می‌آوریم:

سخنان مخالفین و موافقین کابینه

مخالفین و موافقین، به‌نوبت سخنانی ایراد کردند.

اولین مخالف، آقای موحدی ساوجی طی سخنانی گفت: برادر موسوی اصل عدم تغییر و ابقای همه وزرایی که قبلاً تصدی وزارت را داشته‌اند، اشاره کردند؛ و حتی گفتند: در صورتی که بتوانیم وزیر بهتری را جایگزین کنیم، باز از این عمل خودداری می‌کنیم. به نظر

من این اصل برخلاف شیوهی علما و عقلا در طول تاریخ بوده. انتخاب اعلم و اصلح را همه قبول دارند؛ بنابراین من به اصل ابقای وزرا اعتراض دارم. وی در مورد عده‌ای از وزرا گفت: دلیل مخالفت من با این برادران از جهت علمی و تجربی و مدیریت است و برای بعضی از این وزارت‌خانه‌ها افراد قوی‌تر با جهات مثبت بیشتر وجود دارد. یکی از اشکالات من به وزیر صنایع، مهندس سید مصطفی هاشمی است. ما در زمینه‌ی صنعتی مشکلات زیادی داریم. وی با اشاره به مشکل صنعتی حوزه‌ی انتخابیه خود ساوه گفت: نظیر این مشکلات بسیار است. باید وزرای ما فکر کنند که از روی رودخانه‌ای رد شدیم و پل پشت ما خراب شده و راه بازگشت نداریم و نباید چشمانمان به کارشناسان خارجی باشد. سازمان صنایع ملی و وزارت صنایع، هرکدام یک‌چیزی می‌گویند؛ از این جهت من نسبت به توانایی مهندس هاشمی و مهندس موسویانی در حل این مسایل تردید دارم. مخالف سپس به مسأله‌ی وزارت فرهنگ و آموزش عالی اشاره کرد. آقای موحدی ساوجی در مورد وزارت کشور گفت: من در مورد وزارت کشور هم اشکال دارم. در مورد این برادر، اطلاع دارم که در زمان شهرداری چندان موفق نبودند، اما شانس ایشان هم‌زمانی مسئولیت این برادر با حاکمیت جریان لیبرالیسم بود و فرصتی برای بررسی کار ایشان نشد. وی در پایان از نخست‌وزیر سؤال کرد: آیا در میان این کابینه‌ی ۳۶ میلیونی یک فرد برای وزارت امور خارجه نبود که خود، آن‌را به عهده‌گرفتی؟

سخنران بعدی، مصطفی تبریزی بود که در موافقت با کابینه صحبت کرد. وی طی سخنانی گفت: دلیل تأیید من، انطباق خط نخست‌وزیر با اصول انقلاب است. وی در رابطه با مسایل اقتصادی گفت: ما دو برنامه لازم خواهیم داشت: یکی بُعد خارجی است؛ یعنی سعی کنیم خودمان را از وابستگی و خصوصاً خرید کالاهای غیرضروری آزاد کنیم و در داخل فتودال‌ها، سرمایه‌دارها و آن‌ها که غاصبانه خود را بر گرده‌ی مردم حاکم کردند، را خلع ید کنیم. برادر موسوی در مقدمه‌ی سخنان خود و هم‌چنین در نماز جمعه این خطوط را ارایه کرده‌اند. مسأله‌ی دیگر این است که برادر موسوی به جریان راست میدان نخواهد داد. وی سپس با اشاره به مشکلات موجود گفت: نباید این‌طور قضاوت کرد که در عمل، ناکامی‌ها

به دلیل ناتوانی شخص وزیر مسؤول بوده است. مصطفی تبریزی با اشاره به ایرادات مخالف گفت: علت عدم معرفی وزیر جدید به امور خارجه، نیاز به بررسی و شناخت هرچه بیشتر است.

آحمد ناطق نوری، مخالف - مخالفت من با کل کابینه نیست و با برادر متعهد موسوی هم نیست؛ بلکه به بعضی از برادران کابینه اعتراض دارم.

یکی از مسایل که از نزدیک با آن آشنایی دارم، وزارت بهداری است و در مخالفت با برادران مان منافی نیست؛ بلکه با عملکرد وزارت بهداری می باشد. وی در مورد دفترچه های بیمه درمانی و دریافت خدمات پزشکی و دارویی گفت: مردم محروم جامعه از این دفترچه و با حداقل حقوقشان به عنوان حق بیمه از آن استفاده می کنند. کدام یک از شما با این دفترچه به پزشک مراجعه کردید و جواب قاطع و درست به شما داده اند.

در رابطه با تصویب نامه ی تربیت تکنسین های دندانپزشکی و در رابطه با تشکیل مجتمع پزشکی که به تصویب نمایندگان رسید، هیچ اقدامی نشده است.

وی، سپس در ادامه ی سخنان خود از برخورد وزارت بهداری با انجمن های اسلامی وزارت بهداری انتقاد شدید کرد و درباره ی یکی از مشاوران وزارت بهداری که مشاور شهرام پهلوی بود، سخن گفت و ادامه داد که مدارک بسیاری از عملکرد غلط وزارت بهداری موجود است. هیچ نقطه قوتی در این وزیر اصلاً وجود ندارد، و به اختلاف بینش انجمن های اسلامی و کسانی که در وزارت بهداری حاکمند، اشاره کرد. انتقادات دیگر به سایر وزرا، مسایل مسکن در رابطه با وزارت آقای گنابادی بسیار حاد است و وی مطرح کرد که ایشان هیچ نوع امیدی به مردم مستضعف تا به حال نداده اند. در رابطه با وزارت کشاورزی، وی از مسایل روستاهای حوزه ی انتخابیه خود و طرح این وزارت خانه در مورد برنج کاری انتقاد کرد و اظهار داشت که این طرح هیچ امیدی برای کشاورزان ندارد.

مجید انصاری، موافق - وی مخالفت دیگران را که در قبل آمد، با کابینه ابتدا به طور خلاصه مطرح کرد. در رابطه با وزرای صنایع و معادن و انتقاداتی که قبلاً شده بود، وی گفت که

۴۳۴ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

این انتقاد زود است؛ چون دو ماه از تعیین وزیر می‌گذرد و مطالبی را راجع به مسایل این وزارت‌خانه در ابعاد مختلف عنوان کرد.

در رابطه با وزارت کشاورزی ایشان نارسایی طرح برنج را در رابطه با وزیر کشاورزی ندانست و آنرا ناشی از عملکرد بازار و سرمایه‌داران عنوان داشت و در ادامه سخنان خود به کم‌شدن یک میلیون واردات برنج اشاره کرد.

در مورد وزیر بهداشتی به عملکرد ایشان در رابطه با جنگ و زحماتی که مسئولین این وزارت‌خانه کشیده‌اند، اشاره کرد. وی در ادامه نیز مشکلات کمبود پزشک و کمبود دارو را مطرح کرد.

در مورد وزیر کار، آقای احمد توکلی نیز گفت: وی در دولت شهید رجایی قرار بود وزیر شوند که با مخالف بنی صدر مواجه شد؛ و من با توانایی که وی دارد آنرا مناسب این وزارت می‌دانم.

و در پایان آقای انصاری به تعویض وزرا و لطماتی که این تعویض‌های بعد از انقلاب داشته، اشاره کرد؛ و ادامه داد: تنها پارامتر و خصیصه یک وزیر را باید مکتبی بودن بدانیم، چون ما مبارزه‌مان خط با خط است؛ یعنی خط خدا، حزب‌الله و روح‌الله با خطوط شیاطین که از آمریکا و شوروی کانال زده‌اند.

آقای الویری، مخالف - اولین مخالفت خود را با احمد توکلی، وزیر کار اعلام کرد و گفت: نظر من در مورد ایشان این است که ایراد بزرگ، حجم کار وزارت‌خانه و وضعیت کسالت وی می‌باشد. در مورد دکتر حسن غفوری، نقض مدیریت و عملکرد ایشان در استان خراسان می‌باشد که قدرت و مدیریت اجرایی ندارد.

در مورد آقای نیک‌روش، نقض مدیریت و بحث مکتبی بودن یا نبودن و نیز عملکرد وی در شهرداری تهران، قابل بیان است.

در مورد سرپرستی وزارت خارجه آقای موسوی نیز، به‌خاطر حجم کار ایشان در نخست‌وزیری مناسب نیستند و پذیرش دو شغل پرحجم از جانب ایشان را کار درستی نمی‌دانم.

آقای الویری گفت: در مورد وزارت بازرگانی عسکراولادی، مخالفت با شخص ایشان نیست. وی و کسانی که با ایشان هستند به یک بازرگانی آزاد معتقدند و این یک اشکال بزرگی دارد. سیاست ایشان در تجارت آهن، نشان دهنده این امر می باشد. به دلیل محدودیت ارزی، چاره ای نیست که تجارت کالاها باید با محدودیتی از جانب دولت کنترل شود و این احتیاج به توان زیادی دارد که با این بینش، وی مناسب این سمت نیستند. البته، در این مرحلهی بحرانی، وزارت ایشان را مناسب نمی دانم و اما اگر دو سه سال دیگر وی معرفی شود، من با وزارت بازرگانی ایشان موافق می بودم. و نیز در انتصاب هایی که در این وزارت خانه صورت گرفته که چهره هایی دیده می شوند که تخصص لازم را در کار خود ندارند، با این که افراد پاکی هستند. وی در پایان به موارد اشکلاتی که در عملکرد وزارت بازرگانی بود، اشاره کرد.

مترجم زرهانی - موافق: وی در ابتدا گفت: مخالفت را نه یک سری فحش، و موافقت را هم نه یک سری تجلیل می دانم. وی در ادامه گفت: کابینهی مهندس موسوی همان طور که در نطق نماز جمعه اشاره کرد، همان عدم وابستگی می باشد. بازار، هنوز در دست کسانی است که با تروریسم اقتصادی مشغول مکیدن خون این مردم زحمتکش هستند.

وی، در سخنان خود خواستار رفع نقاط ضعف طرح های بسیج اقتصادی شد و نیز اقدامات دولت، در زمینهی ایجاد مراکز خدمات عشایری را تصدیق نمود. وی در سخنان خود اظهار امیدواری کرد که دولت جدید با رفع نقاط ضعف و نواقض کابینه های گذشته، دنبالهی طرح های انقلابی آن دولت ها را محکم بگیرند. وی در پایان اعلام کرد که موافقت ایشان مشروط می باشد.

دکتر خلیلی - مخالف: وی نیز اولین مخالفت خود را با وزیر بهداری عنوان کرد و عملکرد این وزارت خانه را مورد انتقاد قرار داد و گفت: مصوبات کمیسیون بهداری مجلس را وزارت بهداری ترتیب اثر نداده است.

در مورد وزارت اقتصاد و دارایی، وی نیز انتقاداتی داشت و وزارت کار را با توجه

۴۳۶ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

به کسالت آقای توکلی مناسب وی ندانست.

هاشمی رفسنجانی، موافق: وی نیز سعی کرد جواب مخالفین کابینه را بدهد و آن را بیشتر ناشی از مشکلات عمومی جامعه دانست، نه نقاط ضعف وزرا.

وی موافقت خود را با اشاره به تقوی و مکتبی بودن تک تک وزرا ادامه داد. و مخالفت با وزیر بهداشتی را بی انصافی دانست و گفت: با کمبود پزشک که مسأله‌ی عظیم ما در مرحله‌ی جنگ می‌باشد، باید از زحمات وزارت بهداشتی و آقای منافی در رابطه با رسیدگی به مجروحین جنگی تجلیل کرد.

وی در مورد انجمن‌های اسلامی وزارت بهداشتی و بیمارستان‌ها گفت: با این‌که احترام زیادی به آن‌ها می‌گذاریم، شاید همان عملکرد این انجمن‌ها، کمبود پزشک را به وجود آورده است. مراعات‌هایی باید در این امر که کمبود پزشک می‌باشد، باید بشود که شاید انجمن‌های اسلامی، آگاه به آن نیستند و وزیر بهداشتی بهتر می‌داند. در مورد برادرمان، آقای نیک‌روش وقتی که وی تنها یک‌ماه است در این پست جای گرفته‌اند، نباید انتظار بیش از این داشت: باید به‌وی فرصت لازم داده شود.

در مورد وزارت بازرگانی آقای عسکراولادی، من مخالف حرف‌های آقای الویری هستم؛ چون وی علت رکود در طرح برنج را عملکرد وزارت عسکراولادی اعلام کرد که این درست نبوده و این طرح مربوط به ایشان نیست. وزارت بازرگانی با اطلاعاتی که از بازار و این امور دارد و مواردی را یادآوری می‌کند که می‌تواند از نواقص طرح باشد و این ربطی به وزارت بازرگانی ندارد.

در مورد وزارت کشاورزی، باید گفت ایشان خدمات بسیاری کردند؛ در امور مربوط به کشاورزی بسیار موفق بوده‌اند و ما باید درست با این خدمت‌گزاران برخورد کنیم.

در مورد آقای توکلی، من جوهری که در وی می‌بینم در کسی ندیده‌ام و وی توانایی بسیاری برای وزارت کار دارند. آقای هاشمی در سخنان خود از توکلی با خط فکری و بینشی که دارند حمایت بسیاری کرد.

آقای هاشمی هم‌چنین تأیید کرد سرپرست خارجه، موقتاً به‌عده‌ی موسوی باشد و علت آن را نبودن دو سال وزیر فعال در آن ذکر نمود در صورتی که مهندس موسوی توانسته‌اند

تازه بنای جدیدی را در وزارت پی‌ریزی کنند.

زواره‌ای - مخالف: وی نیز در ابتدای سخنان خود گفت: مخالفت من با کل کابینه نیست. و گفت: بزرگ‌ترین خطر برای انقلاب این است که با ضعف‌های خود، مردم را از انقلاب مأیوس کنیم. وی در ادامه‌ی سخنان خود از نطق آقای موسوی و بیان این مطلب که فرد ضعیف را هم اگر تغییر بدهیم، لطمه‌اش بیشتر است، انتقاد کرد و گفت: باید به‌دیگران هم امکان و وقت بدهیم. وی مخالفت بعدی خود را وزیر کشاورزی اعلام کرد و گفت: تغییرات بنیادی در وزارت کشاورزی صورت نگرفته است.

وی، سپس با وزارت آقای هاشمی مخالفت کرد و نیز آقای نیک‌روش را در سمت وزارت کشور نامناسب قلمداد کرد، و او را در امور سیاسی وزارت کشور ناموفق دانستند. در مورد وزارت مسکن وی مسایل معاملات مسکن را بازگو و وی را ناتوان در حل مشکلات دانست. وی در پایان، ضمن توصیه به مهندس موسوی، اظهار داشت: مسایل اقتصادی را باید با شهامت حل کرد و نه تنها حرف زد.

حائری‌زاده - موافق: در پاسخ سخنان مخالفین از دکتر منافی، وزیر بهداری به‌خاطر تحمل تمام مشکلات، که آن وزارت‌خانه به آن دچار بوده و زحمات بسیاری کشیده، قدردانی کرد. وی در پاسخ به مخالفین وزیر کشور گفت: به‌هم‌ریختگی وزارت کشور، به‌خاطر سستی افراد قبلی بود و آقای مهدوی‌کنی به‌خاطر نزدیک بودن به مسایل این وزارت‌خانه، ایشان را مناسب تشخیص دادند. وی نیز وزیر مسکن را توانا به‌حل مشکلات دانست.

سخنان موسوی در پاسخ به ایرادات

پس از پایان سخنان نمایندگان موافق و مخالف، مهندس موسوی ضمن سخنان مشروحی به سخنان نمایندگان مخالف پاسخ داد.

وی ضمن ذکر خاطره‌ای از شهید رجایی گفت: روحیه‌ای که در کابینه وجود دارد، روحیه‌ی خوش‌بینی و توکل است و با وجود آن‌که ما برای پاره‌ای از مسایل سند نداریم، اما

ایمان داریم که قضیه به نفع انقلاب پیش می‌رود. من از تمام برادران؛ چه آن‌هایی که انتقاد کردند و چه آن‌هایی که دفاع نمودند، متشکرم.

مهندس موسوی در ادامه‌ی سخنانش گفت: این مملکت پس از این‌که زنجیرها از دست وپای ما باز شده، جوشان است. ما بعد از انقلاب به تعداد انگشتانمان، فرد نمی‌شناختیم. این معجزه‌ی انقلاب است که بعد از سه سال ما در زمینه‌ی مدیریت، کمبودی در نیروهای متمدن نداریم. ما قبل از این‌که روی افراد تکیه کنیم، باید روی ترکیب کابینه دست بگذاریم که آیا این کابینه قوی است یا نه. این کابینه در شرایطی انتخاب شد که نسبت به کابینه‌ی شهید رجایی ارتقا پیدا کرده است. ممکن است در کابینه در روش‌ها و موضع‌گیری‌های مختلفی دیده شود، اما وقتی در اصول وحدت، سازش‌ناپذیری وجود دارد، آن اختلاف‌ها می‌تواند به کابینه قدرت بخشد. اگر در جمعی اعتقاد به اصول وجود داشته باشد، چهره‌های قوی و مستقل می‌توانند یک جمع قوی را تشکیل دهند و این جزء حسن‌های کابینه است.

نخست‌وزیر، ضمن دفاع از آقای هاشمی گفت: وزارت صنایع علاوه بر کارخانجاتی که تحت پوشش دارد، سازمان گسترش و نوسازی کشور، سازمان صنایع کوچک، سازمان صنایعی دستی زیر نظرش فعالیت می‌کند و کنترل و تنظیم فعالیت آن‌ها در دو ماه، مقدور نیست. پیدا کردن کادر قوی که صنایع ما را به‌راه اندازد، کار ساده‌ای نیست. برادرمان هاشمی در دو ماه، دگرگونی‌های زیادی در کارها به‌وجود آورده است و تعداد افرادی که ایشان جابه‌جا کرده است، خیلی بالاست؛ مخصوصاً با مشکلاتی که در زمینه‌ی صنایع به‌چشم می‌خورد. در مورد برادر موسویانی توضیحی نمی‌دهم زیرا برادر انصاری توضیح دادند. شما توقع نداشته باشید که در ظرف دو ماه، یک کارخانه ذوب‌آهن به‌کشور اضافه کنند و برادرمان نجفی، جزء فعال‌ترین افراد کابینه هستند. کار کردن در وزارت علوم به‌خاطر مسایل جهاد دانشگاهی و ستاد انقلاب فرهنگی، بسیار حساس است. ایشان توانسته‌اند با موفقیت در این وزارت‌خانه کار کنند و در مورد برادرمان نیک‌روش، پیش‌داوری شده است.

وی، سپس در رابطه با اسنادی که در مورد نیک‌روش منتشر شده، توضیحاتی داد و در مورد آقای سلامتی گفت: این وزارت کشاورزی به‌تنهایی دریایی است. سه وزارت‌خانه درهم ادغام شده است؛ چهارده پانزده معاون دارد؛ این‌که بگوییم تنها برکت وجودی امام،

باعث افزایش گندم شده است، مسأله‌ای را حل نمی‌کند و این بی‌انصافی است. وی سپس به چند نمونه از کارهای وزارت کشاورزی اشاره کرد و گفت: اگر برادرمان توانایی نداشت، کارها به این خوبی پیش نمی‌رفت. وی در مورد دکتر منافی گفت: ایشان مشاوره ندارند که با شهرام پهلوی کار کرده. باشد؛ ما هم چنان که در زمینه‌ی صنایع وابسته بودیم در مورد پزشکی هم وابستگی فراوانی داشتیم و ایشان با وجود همه‌ی مشکلات، وظیفه‌ی خود را خوب انجام داده‌اند.

توضیحات در مورد وزارت دفاع

وی در مورد سرهنگ سلیمی گفت: سؤال می‌شود که ایشان عضو انجمن حجّتیّه هستند؛ سرهنگ سلیمی در پاسخ این سؤال به من گفتند: در هیچ‌یک از جلسات درس این انجمن شرکت ندارم و گه‌گاه با دوستان انجمنی، به حکم ارتباط عاطفی ملاقات می‌کنم. موسوی آن‌گاه به مشورت‌هایی که در مورد انتخاب ایشان با آقای خامنه‌ای انجام داده بود، اشاره کرد و گفت: سرهنگ سلیمی جزء افسرانی هستند که برای کابینه می‌توانند به صورت فردی مطمئن و مفید فعالیت نمایند؛ پیدا کردن چنین فردی برای ما مشکل است.

مهندس موسوی، ضمن دفاع از وزیر مسکن در مورد مشکل مسکن گفت: وقتی مسأله‌ی مهاجرت از روستاها به شهرها و تمرکز در شهرها و مسأله‌ی صنایع حل شد، حل مسأله‌ی مسکن هم امکان‌پذیر می‌شود و هر وقت تمرکز در بعضی مناطق پر جمعیت از میان رفت و به سیستم صحیح اقتصادی دست یافتیم، مسأله‌ی مسکن هم حل خواهد شد. برادر گناهدادی با لویاچی که به مجلس تقدیم کرده، نشان می‌دهد که در این زمینه برنامه‌هایی دارد.

وی، سپس در مورد وزارت بازرگانی و تغییر معاونین این وزارتخانه توضیحاتی داد و گفت: در سه سالی که من برادرمان عسگر اولادی را می‌شناسم، روحیه‌ای که برخلاف تصمیم جمع عمل کنند، در ایشان ندیده‌ام. نخست‌وزیر در مورد وزارت امور خارجه گفت: این که من خواسته‌ام برای مدت کوتاهی شخصاً مسؤلیت این پست را به عهده داشته باشم این نیست که فردی برای این کار نداشته باشیم. در وزارت خارجه بعد از سه ماه افرادی شروع به کار کرده‌اند و تازه دارند جا می‌افتند و خطوطی در نظر گرفته شده است. عملاً آمدن برادر

۴۴۰ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

دیگری هرچقدر قوی به وزارت خارجه، می تواند این نهال تازه رسته را از هم بپاشد. برای رشد این نهال، ما به سه چهار ماه وقت احتیاج داریم و کار یکی دو هفته هم نیست و ما ان شاء الله بعد از عید می توانیم وزیر خارجه انتخاب کنیم.

وی در پایان در مورد توکلی، تشکر از خدمات میرمحمد صادقی گفت: من فکر می کنم با شناختی که از برادرمان توکلی دارم، اگر ایشان نقصی را در خود می دیدند که نمی توانند این کار را انجام دهند، آن را نمی پذیرفتند.

اخذ رأی تمایل

پس از سخنان مهندس موسوی، رئیس مجلس در مورد نحوه رأی گیری به کل کابینه یا به تک تک اعضای کابینه نظرخواهی کرد و قرار شد که نمایندگان مردم، به هریک از وزرا معرفی شده، رأی خود را بدهند و پس از اخذ رأی، نتایج رأی گیری را آقای هاشمی قرائت کرد. و با رأی تمایل نمایندگان به کابینه دولت مهندس موسوی برای آن ها آرزوی موفقیت کرد.

وی در پایان گفت: امیدواریم که این هم آهنگی مجلس و رئیس جمهور و کابینه که همگی زیر فرمان و رهبری امام حرکت می کنیم برای این کشور و برای این انقلاب و مستضعفان جهان مبارک باشد و خداوند به همه ی ما توفیق خدمت و ادای وظیفه را عطا فرماید.

جلسه ی علنی بعد از ظهر روز دوشنبه ساعت ۸:۴۰ دقیقه خاتمه یافت و جلسه ی علنی آینده، به روز سه شنبه موکول گردید.^(۱)

اولین گفت‌وگو با مهندس موسوی
پس از اخذ رأی تمایل مجلس
**نخست‌وزیر: کابینه قبلی با تغییرات اندک
به کار خود ادامه خواهد داد.**

میرحسین موسوی پس از گرفتن رأی تمایل از مجلس شورای اسلامی به‌عنوان نخست‌وزیر جمهوری اسلامی در گفت‌وگویی ضمن تأکید بر لزوم همکاری همه‌جانبه مردم با دولت، در مورد ترکیب کابینه جدید گفت: کابینه قبلی با تغییرات اندک و ضروری به کار خود ادامه خواهد داد.

وی در مورد مسؤلیت خود به‌عنوان نخست‌وزیر گفت: مسؤلیت جدید بسیار سنگین و جدی است و دولت بدون پشتیبانی و مشارکت همه‌جانبه ملت عزیز ایران نمی‌تواند موفق باشد این بار سنگین را به‌دوش بکشد، چراکه این مسؤلیت از عهده‌ی یک هیأت ۲۲ نفری و یا حتی ساخت اجرایی مملکت خارج است.

مهندس موسوی ضمن اشاره به سخنان شهید رجایی در مورد کابینه ۳۶ میلیونی گفت: واقعیت امر این است که هیچ دولتی به‌تنهایی و بدون حضور همه‌جانبه مردم در صحنه‌های

۴۴۲ که بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

سیاسی - اقتصادی و اجتماعی نمی‌تواند در جهت تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی و رفع نیازهای ملت گام بردارد، به همین دلیل روحیه حاکم بر این کابینه نیز همانند کابینه قبلی بازگشت به سوی توده های میلیونی مردم است.

وی در مورد تغییرات کابینه گفت: اعضای کابینه باید با پیشنهاد نخست‌وزیر و تأیید ریاست جمهوری به مجلس معرفی شوند. موسوی افزود: به نظر من با توجه به این که شهید رجایی و شهید باهنر در کابینه قبلی سعی کرده بودند تا با در نظر گرفتن جوانب مختلف، ترکیبی مناسب و قوی به وجود آورند، این کابینه با تغییرات بسیار اندک و ضروری می‌تواند به کار خود ادامه دهد.

مهندس موسوی در پاسخ به این سؤال که با توجه به حساس بودن وزارت امور خارجه، چه کسی به عنوان وزیر امور خارجه انتخاب خواهد شد، گفت: نظر خود را پس از گفت‌وگو با رئیس جمهوری اعلام خواهم کرد، ولی مسأله اساسی این است که فعالیت و تحرک وزارت امور خارجه باید ادامه و گسترش یابد و برنامه آینده ما نیز در جهت تداوم این خط خواهد بود.

وی در مورد نظارت خود بر وزارت خارجه گفت: در یک دولت فعال و پرتحرک، مسایل سیاست خارجی و سیاست داخلی در ارتباط تنگاتنگی و جدانشدنی با یکدیگر قرار دارند و طبیعی است که هیأت دولت و خود من نظارت خاصی بر وزارت امور خارجه خواهیم داشت. مهندس موسوی در پایان در مورد شدت یافتن حملات هوایی عراق به مناطق مسکونی گفت: این حملات که تنها تلفات انسانی و زیان‌های اقتصادی در پی دارند، به هیچ وجه جنبه استراتژیک نداشته و ناشی از زبونی دشمن ماست. وی افزود: بهیاران مناطق مسکونی تنها زمانی صورت می‌گیرد که دشمن از به دست آوردن پیروزی‌های گسترده و نظامی عاجز و مأیوس شده باشد، ولی مسلماً این بهیاران‌ها اراده‌ی مردم ما را برای ادامه‌ی جنگ تا پیروزی و بیرون راندن دشمن از خاک قوی‌تر می‌کند.^(۱)

مصاحبه‌ی هاشمی رفسنجانی با خبرنگاران داخلی

۱۹ آبان ماه ۱۳۶۰

س - اوضاع کنونی جنگ را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ج - ابتکار عمل در تمام جبهه‌ها، دست نیروهای ایران است. عراق جز با پرتاب موشک به مناطق مسکونی و یا نفوذ هواپیماهایش با هدایت آواکس‌های آمریکا، در هیچ‌یک از مواضع، حرکت جدی ندارد.

حرکت‌های اخیر صدام با تلفات زیاد و مخارج سنگینی که تقبل می‌کند، فقط برای حفظ روحیه‌ی شکست‌خورده‌ی نظامیان‌ش، از یک جنبه‌ی تبلیغی برخوردار است.

عراق برای جبران شکست‌های فاحشی که متحمل شده و در آینده نیز منتظر ضربه‌های کاری‌تر هم هست، اقدام به کارهای نمایشی کرده است. همه می‌دانیم که سرنوشت جنگ با بمباران مناطق مسکونی تعیین نمی‌شود. سرنوشت جنگ، فقط در میدان جنگ تعیین می‌شود؛ مثل پیروزی اخیر که ما در شمال آبادان داشتیم. پرتاب موشک به مناطق غیرنظامی و کشتن مردم بی‌دفاع، تنها نشان‌دهنده‌ی ضعف عملی دشمن است.

این کارها اگر صدمه‌بار هم تکرار شود؛ مانند عملکرد یک زلزله است. مگر زلزله

۴۴۴ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

می‌تواند سرنوشت جنگ را رقم بزند؟ لذا بمباران مناطق مسکونی، چیزی نیست که بتواند تعیین‌کننده باشد.

س - در جلسه‌ی امروز چه مسائلی مطرح شد؟

ج - طبق معمول، گزارشی از وضع جبهه‌های جنگ، توسط رئیس ستاد مشترک بیان شد. هم‌چنین برنامه‌های آینده برای حرکت‌های جدی مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

حاج سیداحمد خمینی، برای در جریان قرار گرفتن مسائل جنگ و تهیه‌ی گزارش به خدمت حضرت امام، در جلسه حضور داشتند.

س - اوضاع کلی جبهه‌ها در روزهای اخیر چگونه بوده است؟

ج - در این دو سه هفته‌ی اخیر، تا اندازه‌ای رکود داشته‌ایم. امیدواریم دوره‌ی رکود به پایان رسیده باشد و فعال‌تر از گذشته در میدان جنگ عمل بکنیم. خوشبختانه تا به حال ابتکار عمل در دست ما بوده؛ در آینده نیز چنین خواهد بود.

عراق جز با هدایت همپالگی‌های خود، آن‌هم برای کوبیدن مناطق مسکونی، کار دیگری از پیش نخواهد برد. حمله‌های زیاد عراق به مردم غیرنظامی شهرها، حاکی از ضعف و زبونی او در جبهه‌هاست. (۱)

**گفت‌وگویی اختصاصی اطلاعات، با
دادستان کل کشور درباره‌ی
اختلافات مالک و مستأجر، وضع زندانیان سیاسی، پلیس قضایی،
علت انحلال دادگاه زمان جنگ و...**

سرویس قضایی اطلاعات: بعد از ظهر روز سه‌شنبه، آیت‌الله ربانی املشی دادستان کل کشور جمهوری اسلامی ایران، در یک مصاحبه‌ی اختصاصی با خبرنگار ما شرکت کرد و به پرسش‌های وی در زمینه‌های مختلف از جمله اختلافات مالک و مستأجر، وضع زندانیان سیاسی، پلیس قضایی، علت انحلال دادگاه زمان جنگ و غیره پاسخ گفت. اینک متن کامل این مصاحبه اختصاصی از نظر تان می‌گذرد.

مالک و مستأجر

دادستان کل جمهوری اسلامی در مورد رفتار بعضی از مالکین و صاحب‌خانه‌ها نسبت به مستأجرین و هم‌چنین صدور حکم تخلیه از سوی مراجع قضایی گفت:
چند ماه قبل، لایحه‌ی دوفوریتی به مجلس رفت و از مجلس تقاضا شد که اجازه داده

شود احکام تخلیه لاقفل برای مدت ۶ ماه به تأخیر بیفتند، ولی این لایحه در مجلس به تصویب نرسید، بنابراین قوه‌ی قضاییه چون مجری قانون است از نظر قانونی مجاز نیست در جایی که مجلس شورای اسلامی مطلبی را تجویز نکرده، خلاف قانون کاری را انجام دهد؛ یکی از امتیازاتی که دادگستری دارد و ما برای آن امتیاز، احترام قائل هستیم این است که دادگستری برای قانون احترام قائل است و معمولاً قضات ما قانونی هستند و دلشان می‌خواهد طبق قانون عمل کنند. یکی از قضات محترم دادگستری این مطلب را به من گفت و از من تقاضایی کرد که دیدم تقاضای به‌جا و به‌موردی است، ایشان گفت: دادگستری عادت کرده طبق قانون عمل کند و شما این امتیاز بزرگ دادگستری را از قضات نگیرید. اگرچه بعضی از جاهایش طاغوتی است و خلاف شرع و وجدان و رفاه و آسایش مستضعفین است، اما در عین حال شما از قضات نخواهید که برخلاف قانون عمل کنند، به‌خاطر این‌که در آینده‌ی نزدیکی قانون عوض می‌شود و اگر این عادت را از قضات دادگستری گرفتید، چه بسا بعد که قانون شما قانون اسلامی است این‌ها خلاف انجام دهند و از مقررات و قانون سرپیچی کنند، بنابراین ما به قضات هرگز نمی‌توانیم بگوییم که برخلاف قانون، عملی را انجام دهند اما در عین حال این سفارش را به قضات کرده‌ایم که قضات محترم باید در موردی که نسبت به تخلیه مسکن شکایتی می‌شود مراعات حال مستضعفین را بکنند و طوری نباشد که مالک متسکن و بی‌نیاز از مسکن، بخواهد از موقعیت فعلی جمهوری اسلامی سوءاستفاده بکند و از قانون به‌نفع خودش و به‌ضرر مستضعفین بهره ببرد، این سفارش را ما به آن‌ها کرده‌ایم و گفته‌ایم تا جایی که ممکن است مراعات کنید و مالکین را راضی کنید و کاری کنید که خدای ناکرده، مردم مستضعف با یک مشکلات و گرفتاری‌های زیاد مواجه نشوند، بیش از این سفارش، ما نمی‌توانیم کاری بکنیم و اگر در این زمینه کاری قاطعانه و قانونی بخواهد انجام بگیرد باید از طرف مجلس شورای اسلامی این قانون تصویب شود.

رفع مشکل

آیت‌الله ربانی املشی در مورد اعمال ولایت از سوی رهبر به مجلس در خصوص رفع این مشکل گفت: اعمال ولایت شامل این جا هم می‌شود؛ یعنی اگر مجلس شورای اسلامی تشخیص داد، چنانچه یک مشت مردم مستأجر که معمولاً از طبقه‌ی مستضعف کشور هستند، اما در برابر، مالکین منازل افراد ثروتمند و متمکن هستند، اگر روزی مجلس با اختیاری که مقام ولایت فقیه به او داده، تشخیص داد که برای یک مدت محدودی از تخلیه منازل روی ضرورت‌هایی که بر جامعه ما حاکم هست، جلوگیری کند، می‌تواند این قانون را تصویب کند و این عمل را انجام دهد.

دانشکده‌ی حقوق

آیت‌الله ربانی املشی در رابطه با دانشکده‌ی حقوق و این‌که آیا این دانشکده زیر نظر شورای عالی قضایی قرار خواهد گرفت یا نه، گفت: دانشکده‌ی حقوق مثل سابق زیر نظر آموزش عالی است؛ منتها دادگستری طبق قانونی که قبلاً به تصویب رسیده، می‌تواند دانشکده‌ای برای تأمین کادر قضایی و پلیس قضایی و کادر اداری خودش تأسیس کند. این قانون مدت‌ها قبل تصویب شده بود ولی متأسفانه تا به حال انجام نگرفته بود؛ الان آنچه را که ما داریم انجام می‌دهیم عبارت است از این قسمت؛ یعنی یک دانشکده‌ای برای تأمین کادر قضایی و این هیچ ارتباطی به دانشکده حقوق ندارد، دانشکده‌ی حقوق برای خودش باقی است و زیر نظر آموزش عالی است و ارتباطی به دادگستری و شورای عالی قضایی ندارد. این قسمت مثل مؤسسات عالی است که بعضی از ارگان‌ها دارند؛ مثلاً وزارت پست و تلگراف برای خودش یک مدرسه عالی دارد که کادر فنی خودش را تأمین می‌کند؛ یا مثلاً هواپیمایی خودش یک آموزش عالی دارد که کادر مورد نیاز خودش را در آن آموزشگاه تأمین می‌کند؛ این به دانشکده‌ای که زیر نظر آموزش عالی است ارتباطی ندارد.

نحوه‌ی ملاقات زندانیان

دادستان کل، در مورد نحوه‌ی ملاقات زندانیان سیاسی که سؤال دیگر خبرنگار ما بود، گفت: آن چه را که من اطلاع دارم و می‌توانم تضمین کنم که این مسأله انجام خواهد گرفت، این است که، محلی که در زندان اوین برای ملاقات زندانی بود، خیلی محدود و ناقص بود، دادستان انقلاب تهران در صدد برآمد که آن جا را توسعه دهد و آن نواقص را هم برطرف کند، به طوری که ما بتوانیم به طور آبرومندانه و صحیح برای زندانی‌ها ملاقات داشته باشیم. باید توجه به این مسأله داشته باشید که زندانیان اوین معمولاً زندانیان سیاسی هستند. زندانیان سیاسی در ملاقات‌ها باید یک شرایطی را مراعات کنند، اگر آن شرایط مراعات نشود چه بسا مسائلی را از خارج به داخل منتقل می‌کنند یا از داخل زندان به خارج منتقل می‌کنند؛ روابطی برقرار می‌کنند؛ چه بسا آن توطئه‌ها و خیانت‌هایی را که قبل با آن سروکار داشتند، ادامه دهند. در زندان، خواهی نخواهی باید زمینه این توطئه‌ها و خیانت‌ها از بین برود؛ بنابراین باید مواظب ملاقات‌ها و نحوه‌ی ملاقات هم باشیم که در ملاقات‌ها آن نتایجی را که آن‌ها در بیرون می‌توانستند داشته باشند نبرند، توطئه نکنند، خیانت نشود و از خارج، مسایل مضره به داخل زندان منتقل نشود. البته اخبار و خبرها را از تلویزیون و رادیو می‌توانند ببینند و بشنوند و منظور، مسایل مضره است.

به‌رحال، آن طوری نباشد که از خارج یک هسته مرکزی، توطئه‌ای را هم شروع کند و توطئه را به داخل زندان منتقل کند. و داخل زندان و خارج زندان با هم، هم‌آهنگی داشته باشند؛ مفاسدی را به وجود بیاورند، و الا محدودیت دیگری در ملاقات آن‌ها نبود. و قرار بر این شد که این جهات را تأمین کنند، هم محل ملاقات را توسعه دهند و هم نواقص را برطرف بکنند. برادر انقلابی‌مان، آقای لاجوردی از مدت‌ها قبل مشغول این کار بودند و داشتند به این مسأله صورت عملی می‌دادند، کارگران فراوانی گرفتند تا بتوانند هرچه زودتر این جاها را بسازند تا زندانی‌ها بتوانند ملاقات داشته باشند، اما الآن به کجا رسیده، من دقیقاً نمی‌توانم نسبت به این مطلب اظهار نظر کنم، ولی در آینده‌ی نزدیکی من به زندان اوین می‌روم و ان شاء الله مسایل

زندانیان را از نزدیک بررسی می‌کنم. بعد می‌توانم بهتر به این مسایل جواب بدهم. به آن‌ها تذکر می‌دهم تا جایی که امکان دارد، تظییقات بی‌جا و بی‌مورد نباشد. سفارش می‌کنم تا جایی که امکان دارد نسبت به زندانی‌ها مراعات شود و خدای ناکرده، بی‌جهت نسبت به کسی تظییقاتی نشود، اما این مطلب را تذکر می‌دهم که عامل اصلی این تظییقات خود این گروهک‌ها هستند، خدا شاهد است که یک موی ما راضی نیست که کوچکترین ناراحتی برای یکی از این جوان‌های عزیزی که همه فرزندان و برادران ما هستند، به وجود بیاید.

وقتی ما می‌بینیم یک دفعه این‌ها از همه اطراف سرازیر می‌شوند، آدم می‌کشند، بچه می‌کشند، پیرمرد می‌کشند، ماشین آتش می‌زنند، ساختمان آتش می‌زنند، خواهی نخواهی ما نمی‌توانیم دست روی دست بگذاریم، ناگزیریم که این‌ها را دستگیر کنیم. دادستان کل کشور اضافه کرد: موج دستگیری در یک مدتی خیلی بالا رفته بود. وقتی موج دستگیری بالا رفت و زندانی زیاد شد، خواهی نخواهی آن‌طور که باید و شاید نمی‌شود به همه خصوصیات زندگی این‌ها، ملاقات این‌ها و لباس این‌ها برسند. این یک دوره‌ی بحرانی است؛ یک مدتی که بگذرد، یقین بدانید که این دوره‌ی بحرانی ان‌شاءالله تمام می‌شود، و همه‌ی کارها روی روال عادی انجام خواهد گرفت و یقین بدانید ما برای زندانیان سیاسی اگر رفاه بیشتری قائل نشویم، یقیناً برای آن‌ها از دیگران رفاه کمتری در نظر نخواهیم گرفت. اگر شما ملاحظه کرده باشید، در برنامه‌ای که تلویزیون پخش کرد، مشخص بود که افرادی ندامت و بازگشت پیدا کرده‌اند و این مسأله نشان می‌دهد که نسبت به این‌ها خوش‌رفتاری بوده و خلافی انجام نگرفته؛ وگرنه بعید می‌دانم جوانانی که از احساسات خیلی سرشار برخوردار هستند این جور بازگشت کرده باشند، علی‌القاعده برای خاطر این است که نسبت به این‌ها خوش‌رفتاری شده، در مصاحبه‌ها هم می‌گویند که ما در بیرون از زندان سیاسی، فکر می‌کردیم سپاه پاسداران دژخیمی هستند، دیوی هستند اما این‌ها برادرهای ما هستند، نسبت به ما محبت دارند، البته یکی از این‌ها مسأله را خوب بیان کرده بود، بعضی‌ها می‌گویند بدرفتاری می‌شود و بعضی‌ها می‌گویند خوش‌رفتاری می‌شود، ایشان که

دختر خانمی بود. گفت: بیشتر مربوط به برخورد خود زندانیان است، این را بدانید به یقین مسأله از این قرار است که اگر یک زندانی در زندان حسن نیت به خرج دهد و با زندانی‌ها، با سپاه، با دادیاران خوش رفتاری کند و سماجت به خرج ندهد و بد رفتاری نداشته باشد به آن اعمال و رفتار ناشایستی که در خارج داشته، ادامه ندهد. یک حالت ندامتی از خود نشان دهد، یقین بدانید که در زندان نسبت با آن‌ها خوش رفتاری می‌شود و من شخصاً بدانم اگر خدای نکرده نسبت به یک فردی که آن فرد، انسانیت به خرج داده، خلافی انجام گیرد خودم مسأله را تعقیب خواهم کرد و حتی اگر کسی مرتکب این عمل شده باشد، هرکس که باشد من او را تعقیب قانونی می‌کنم.

رسیدگی سریع

در خصوص افزایش بازجوها و حاکم شرع به خاطر سریع رسیدگی کردن به وضع این زندانیان سیاسی، دادستان کل جمهوری اسلامی گفت: به حمدالله! کارها دارد انجام می‌گیرد. گروهی را آورده‌ایم، البته باید به این مسأله توجه کرد. کسانی را که دعوت به کار می‌کنیم، همان روز اول نمی‌توانند مشغول شوند، باید مدتی دوره ببینند و این افراد هم اکنون مشغول کارآموزی هستند و در آینده‌ی نزدیکی این‌ها مشغول کار خواهند شد. ما قبول داریم که احتمالاً عده‌ای بی‌گناه در زندان هستند و ما هم همیشه رنج این مطلب را داریم و وجداناً ناراحت هستیم، اما چکار کنیم، وقتی بیشتر از این برایمان مقدور نباشد، چکار کنیم؟ البته اگر بدانیم انحرافات و خلافاکاری‌هایی وجود داشته باشند، یقین بدانید تعقیب خواهیم کرد؛ مخصوصاً در این اواخر تصمیم شورای عالی قضایی این است که نسبت به این مسایل رسیدگی بکنیم، تعقیب بکنیم و هیچ‌گونه ملاحظه‌ای هم به خرج نخواهیم داد. خود شاهد هستید که همین دیروز یا امروز بود که روزنامه‌ها نوشته‌اند ما دادگاه زمان جنگ را به خاطر خلاف‌هایی که شده بود، منحل کردیم.

آزادی زندانیان

آیت‌الله ربانی املشی در پاسخ به این سؤال که چرا به بعضی از زندانیان زندان اوین، دستور آزادی داده شده، ولی مدت‌ها است که آن‌ها هم‌چنان در زندان به سر می‌برند، گفت: این‌ها را من دقیقاً نمی‌دانم. اگر موردی باشد به من گفته شود من سؤال می‌کنم، تحقیق می‌کنم، احتمالاً شاید بعد از این‌که به پرونده چنین افرادی رسیدگی می‌شود عدل‌های و شواهد و اتهامات دیگری نسبت به این شخص داده می‌شود، که البته دادسرا ممکن است این‌ها را برای تحقیق مجدد در مورد مسایل جدیدی که به وجود آمده، نگهداری کند وگرنه اگر شخصی تبرئه شد و هیچ مسأله‌ای برایش وجود نداشته باشد، گمان نکنم دادسرای انقلاب در دسر بی‌جا داشته باشد و فردی را بی‌جهت نگه‌دارد در عین حال اگر موردی هست می‌توانید روی آن انگشت بگذارید، ما تحقیق می‌کنیم و چنان‌چه واقعاً عمل خلافی انجام گرفته، یقین بدانید رسیدگی خواهد شد.

پلیس قضایی

راجع به شروع کار پلیس قضایی، دادستان کل گفت: پلیس قضایی کار خود را شروع کرده است و اولین کار اجرایی که انجام داد، تعطیل دادگاه زمان جنگ بود که برای این کار از پلیس قضایی استفاده کردیم و ما به پلیس قضایی خیلی اعتماد و اطمینان داریم، آن‌ها افرادشان خیلی حساب‌شده انتخاب شده‌اند.

علت انحلال

در مورد علت انحلال دادگاه زمان جنگ که سؤال دیگر بود، حجت‌الاسلام ربانی املشی گفت: انحلال دادگاه زمان جنگ به خاطر این بود که به ما گزارش می‌شد در آن‌جا خیلی از کارهای خلاف قانون و شرع انجام می‌شود، ما از بازرسی کل کشور خواستیم که به‌طور فوق‌العاده به این کار رسیدگی کند، مسؤولین رفتند رسیدگی کردند و برای ما مسلم شد که بله! در آن‌جا کارهای خلاف انجام می‌گرفته و افراد

غیرمسئول دخالت‌هایی می‌کردند، آن‌هایی که تا حدودی مسؤلیت داشتند از حدود مسؤلیت خودشان تجاوز می‌کردند؛ ظاهراً دادگاه زمان جنگ بود اما می‌دیدیم مثلاً در امور مواد مخدر دخالت می‌کرده، در کارهای ضد انقلاب دخالت می‌کرده، در اعمال مربوط به دادگاه مبارزه با منکرات دخالت می‌کرده و ان شاء الله بعد از این‌که اطلاعات بهتر و عمیق‌تر و دقیق‌تری در این رابطه پیدا کردیم به اطلاع مردم خواهیم رساند.^(۱)

حجت الاسلام خامنه‌ای در پیام مهمی به ملت ایران: حل مشکلات بستگی به همت ما دارد و اگر دولت و ملت عمل نکنند، مشکلات حل نخواهد شد

سرور سیاسی - حجت الاسلام والمسلمین سید علی خامنه‌ای رئیس‌جمهوری،
دیروز پیام مهمی خطاب به ملت شهیدپرور ایران فرستادند. متن پیام رئیس‌جمهور
به شرح زیر است:

تقدیر از ملت

با سلام و درود بی‌پایان، بر سرور شهیدان حضرت اباعبدالله حسین و یاران باوفا و
فداکار او که حماسه‌ی جاودانه‌ی فداکاری را در تاریخ بشریت به یادگار گذاشتند، و با
سلام بر شما هم‌میهنان عزیز و برادران و خواهران گرامی که به‌دنیالهدوی از سرور
شهیدان و بالگو قراردادن شخصیت و منش و زندگی او توانستید بار دیگر حماسه‌ی
اسلامی و فداکاری را در تاریخ تجدید کنید؛ به‌ویژه سلام بر رزمندگان عزیزی که
همه‌ی موجودی خود را در میدان شرف و افتخار و تعهد اسلامی کف دست گرفته و

۴۵۴ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

آماده‌ی بذل و نثار آن هستند و بالاخره سلام بر سلسله جریان شهادت و کاروان سالار شهیدان در زمان ما، حضرت امام خمینی، رهبر بزرگوار و عزیز! همان طوری که در گفتار قبل وعده کرده‌ام و به مقتضای این که آن گفتار ناقص و نیمه تمام ماند، این گفتار را با شما هم میهنان عزیز در این ساعت برقرار کردیم تا همان طوری که ما بسیاری از گفته‌ها و خواسته‌ها و شعارهای شما را می شنویم و می خوانیم و کوشش می کنیم که خودمان را با آن‌ها هم جهت و همراه قرار دهیم، ما نیز مسائلی را که به مقتضای مسؤولیت و به مقتضای هم آهنگی میان دولت و ملت لازم است در اختیار شما هم میهنان عزیز قرار دهیم بگذاریم. من کوشش می کنم مطالب را تا آن جایی که ممکن است خلاصه کنم و در دو زمینه‌ی داخلی و خارجی دولت تقسیم می کنم و سخن می گویم.

عمده ترین مسایل داخلی کشور

رئیس جمهور گفت: عمده ترین مسایل داخلی، مسأله‌ی اقتصادی کشور، امنیت و جنگ می باشد و البته مسایل مهمی که مهم تر از این سه مسأله باشد و یا حتی از این سه مسأله برتر باشد، داریم. قبلاً این نکته را بگویم که دشمن جهانی ما، سعی می کند که مردم ایران را نسبت به مسایل داخلی کشور دچار نگرانی و تشویش کند؛ یعنی به وسیله‌ی عوامل خودشان در شبکه‌ی خبری عظیم جهانی، چه غربی و چه شرقی و چه بخش‌های خبری مربوط به منطقه این است که نسبت به مسایل داخلی دچار دغدغه کند و این طور وانمود کند که ما از لحاظ داخلی در وضع بدی هستیم و بدین وسیله امید را که پشتوانه‌ی کار و حرکت است از مردم بگیرد و این را که شما می بینید هر کدام از این رادیوهای خارجی درباره‌ی ایران حرف می زند، چه نام و نشان دار مانند آمریکا - اسرائیل و کلن و چه رادیوهای بی نشان مانند رادیو آزاد و غیره حرف می زند.

تبلیغات دشمن در جهت بد جلوه دادن اوضاع کشور

هر کدام از این رادیوها نسبت به اوضاع ایران، آن چنان حرف می زنند که چند روزی دیگر باقی نمانده تا نظام جمهوری اسلامی ایران واژگون شود و اوضاع داخلی ایران

بد است و مقصود آنان این است که امید مردم را از آینده سلب کنند. اعتماد مردم را از دولت بگیرند و دولت را دست تنها بگذارند و طبیعی است که دولت بدون کمک ملت کار مهمی نمی‌تواند انجام دهد. من قبلاً در پاسخ به‌همه‌ی این رسانه‌های گروهی دشمن و خائن به‌همه‌ی شما برادران و خواهران عزیز اطمینان بدهم که اوضاع داخلی ما علی‌رغم وجود صدها مشکل، آن‌جور که آن‌ها می‌گویند بد نیست. وی گفت: ما مشکلات بسیار داریم و این گناه است اگر کسی به‌مردم نگوید که ما مشکلات داریم، اما مشکلات داشتن به‌معنی غیرقابل علاج بودن بیماری نیست. مشکل مانند یک بیماری است. یک طیبب حاذق و دانا می‌تواند این بیماری را برطرف کند. صبر و زمان لازم است. ما مشکل داریم؛ هم در زمینه‌ی اقتصادی و هم امنیت و جنگ؛ مانند آوارگان عزیز جنگی چه آوارگان ایرانی و چه عراقی و خانه‌های ویران و واحدهای تولیدی از کار افتاده، پالایشگاه‌های متوقف مانده و غیره.

مشکلات را حل خواهیم کرد

رئیس‌جمهور گفت: ما این مشکلات را حل خواهیم کرد. ما یک مشکلی را حل کردیم که از همه مشکلات مهم‌تر بوده و آن مشکل وجود رژیم شاهنشاهی و یا مشکل سلطه‌ی آمریکا در ایران بوده. ما مبارزه کردیم و همه‌ی نیروهای مردمی با هم اتحاد کرده‌اند و از خودگذشتگی نشان دادیم و ما توانستیم با آن پایداری و فداکاری، بزرگ‌ترین مشکلات یک ملت و یک جامعه را که سلطه‌ی بیگانگان و سلطه‌ی ابرقدرت‌های خبیث و ناپاک و خیانتکار داخلی است، برطرف کنیم مشکلات امروز ما به مراتب کوچک‌تر از آن مشکل رژیم شاهنشاهی است؛ پس مشکل داریم و قابل حل است. حل مشکلات ما این است: همان‌طور که مبارزات ما در زمان رژیم فاسد با راستی و صدق و هم‌آهنگی و با کمک از خدا عمل کردیم و امروز باید با همه‌ی این‌ها عمل کنیم و امروز تا زمانی که ملت ما اعتماد به‌خدا و رهبری دارد و تا زمانی که از نیازهای کوچک خود می‌گذرد، تمام این مشکلات قابل حل است نه فقط ما این مشکلات را حل خواهیم کرد، بلکه به‌فضل الهی و پشتوانه‌ی عظمت نیروهای مردمی، خواهیم توانست ملت را یک ملت نمونه قرار دهیم. اگر تا امروز انقلاب ما و فداکاری ما توانسته ملت‌های مسلمان جهان را حرکت دهد، دیری نخواهد گذشت که

به کوری چشم دشمنان، آبادی این کشور و رشد صنعت و کشاورزی و رفاه عمومی و دانشش، ملت‌های دور و نزدیک مسلمان و حتی غیرمسلمان را به طرف انقلاب ما سوق خواهد داد؛ بنابراین دشمن‌ها در سطح جهانی از آمریکا که دشمن بزرگ ماست و تا عراق که دشمن حقیر و پدبخت ماست و بقیه دیگران که رادپو و آنتی در اختیار دارند، سعی می‌کنند و انمود کنند که اوضاع کشور ما وخیم است و در حال پاشیدن است و به خود دلخوشی می‌دادند که روزهای آخر است. وی گفت: چنین تصویری غلط است و آن‌ها نخواهند توانست مردم را دلسرد و بی‌اعتماد کنند و ما مشکلات را با اتکال به خدا و زیر سایه‌ی رهبری عظیم و عزیزی که داریم، حل خواهیم کرد. هیچ مشکلی نیست که برای یک ملت مؤمن قابل حل نخواهد بود، البته اگر دولت و ملت عمل نکنند، نه تنها مشکلات حل نخواهد شد بلکه کوچک‌تر از این‌ها هم حل نخواهد شد و بستگی به همت ما دارد. دولت در خدمت مردم است و مردم هم نشان دادند که در کنار دولت هستند، پس چه دلیلی دارد که بر مشکلات فائق نیاییم.

مسأله‌ی اقتصاد و جنگ

رئیس‌جمهور گفت: در هر کدام از قسمت‌ها؛ یعنی اقتصاد و جنگ و غیره، مسؤولان باید مستقیماً با مردم صحبت کنند و من به برادران مسؤول گفتم: تکرار می‌کنم که مسؤولان با مردم صحبت کنند، چه مسؤولان وزارت‌خانه‌ها و چه مسؤولان نهادهای انقلاب و مؤسسات وابسته به دولت. در زمینه‌ی اقتصاد باید گفت که اقتصاد ما دو عیب دارد. این دو عیب هم میراث حکومت ننگین گذشته است که یکی مسأله‌ی نفت است که باید صادر کنیم و درآمدهای ارزی ما به صورت وحشتناکی مربوط به فروش نفت است و به آن صورت صادرات قابل ذکر دیگری نداریم؛ و عیب دوم این است که در مورد نیازمندی‌های کشور، خودکفا نیستیم و تا زمانی که به این خودکفایی برسیم، مقداری طول می‌کشد. ما توانسته‌ایم تا حدودی خود را به تولیدات خودکفایی نزدیک کنیم؛ مانند تولیدات گندم، برنج و امثالهم. مواد اولیه‌ی کارخانجات ما از خارج باید وارد شود. مقداری از مواد غذایی و محصولات داخلی و صنعت ما مربوط به خارج است و مبتکرین و جوان‌های دارای فکر ما، مشغول کارهایی هستند و ما را می‌برند به سوی آینده‌ی خوب، و ما در این صورت با این شرایط مقداری

احتیاج به‌خارج داریم و این وضع اقتصاد ماست که دشمن از همین دریچه وارد می‌شود، چه از طریق مسأله‌ی نفت و در فشار گذاشتن ما، از نظر فروش و فشارهای دیگر، در ورود نفت، دشمن سعی می‌کند نفت ما را در بازار بی‌مشتري کند و در منطقه فشار بیاورد به‌بعضی از دولت‌ها که با او هم‌دست هستند تا تولید نفت را بالا ببرند و قیمت را پایین نگه‌دارند.

فروش نفت

و در داخل هم زمانی که دولت مرحوم رجایی، شهید عزیزمان اعلام کرد، برای بودجه‌ی سال ۶۰ تولید را به $\frac{2}{5}$ میلیون بشکه خواهد رساند، یک عده‌ای که بعد وابستگی آن‌ها برای همه‌ی مردم آشکار شد فریاد برآوردند که شما چرا نفت را می‌فروشید؟ آن‌ها نفت را از $\frac{6}{5}$ میلیون بشکه به $\frac{1}{5}$ میلیون نرسانده بودند. آن‌ها کنار از گود بودند، اما حالا که می‌دیدند دولت برای ادامه‌ی کشور و برای سازندگی آن احتیاج به‌درآمد دارد و این درآمد با فروش نفت به این میزان که نسبت به روزهای قدیم بسیار کم است با صحنه‌سازی در مجلس و نوشته‌های خود، جنجال راه انداختند که دولت تصمیم دارد فروش نفت را به $\frac{2}{5}$ میلیون بشکه برساند. این جزیی از توطئه‌ی جهانی بوده از طرفی شرکت‌های بزرگ خارجی را وادار می‌کردند که از ما نفت نخرند و از این طرف از داخل توطئه می‌کردند.

توطئه‌های دشمن

رئیس‌جمهور گفت: این‌ها همه توطئه بود و دشمن با تدبیر این را تعقیب می‌کرد و ما امروز از این جهت در مضیقه نیستیم. به‌حمدالله! تولید نفت ما بسیار خوب است و نیز خواهد شد. از لحاظ مشتری در مضیقه نیستیم. آن‌ها حيله‌گری کردند و توطئه چیدند تا نفت ما را از دور خارج کنند، اما خدای متعال به‌وسیله‌ی پندگان شایسته‌اش، در مقابل حيله و مکر آن‌ها تدبیر و نقشه چید و نقشه‌ی خدایی همواره بر نقشه‌ی شیطانی غلبه دارد. امروز الحمدالله از نظر فروش نفت و ارزی در مضیقه نیستیم. آن چیزی که آن‌ها می‌خواهند باشد و تبلیغ می‌کنند، هست، باید گفت که نیست و آن‌ها دروغ می‌گویند مصارف داخلی ما که از خارج باید وارد شود و این مشکل بزرگی

است. محاصره‌ی اقتصادی از یک‌نظر مشکل است و زمانی که محاصره برداشته شد، مسأله‌ی جنگ بود که ما بنادرمان زیر آتش جنگ بود، از استفاده محروم بود و خود منطقه‌ی جنگی بودن خلیج فارس و بعضی مشکلات داخلی خودمان چه بندری و چه راهی و چه غیره به‌همین دلیل، بزرگ‌ترین مصارف داخلی ما که از خارج وارد می‌شود، دچار اشکالاتی شد.

صرفه‌جویی، مهم‌ترین عامل رفع مشکلات اقتصادی

رئیس‌جمهوری گفت: البته امروز وضع ما بهتر از چند ماه قبل است و به‌تدریج این مشکلات برطرف خواهد شد؛ لکن مهم‌ترین عاملی که می‌تواند مشکل واردات ما را که دچار مضیقه است، حل کند، این است که مردم باید در مصرف جداً صرفه‌جویی کنند، باید تا می‌توانند از مصارف خارجی دوری کنند؛ چه اشکال دارد که شما برای منزلتان فریزر نداشته باشید، چه مانعی دارد که یخچال خودتان را اگرچه کوچک است به‌بزرگ‌تر تبدیل نکنید و چه مانعی دارد که شما با همان چرخ خیاطی قدیمی بسازید و چه مانعی دارد که شما در رفت و آمدهایتان صرفه‌جویی کنید و از وسایل عمومی استفاده کنید و اتومبیل شخصی نخرید. آیا این بهتر نیست که ما یک مقدار پسر خودمان زحمت دهیم، لکن در مقابل این، مجبور نباشیم پیش دشمن خدا دست دراز کنیم تا او بتواند ما را به‌خاطر احتیاجی که احساس می‌کند پداو داریم، تحت فشار قرار دهد؟ ما از مردم نمی‌خواهیم که روزه بگیرند، ما می‌خواهیم که اسراف نکنند. شما از مواد خوراکی برای خودتان و دوستان و میهمانان استفاده کنید، لکن اسراف ننمایید. آن‌کسانی که اسراف می‌کنند، باید بکوشند که نکنند. ضدانقلاب در داخل، بسیار ضربه می‌زند، تخم مرغ ناپود می‌کند، مواد غذایی را از بین می‌برد، سعی می‌کند تا مواد مصرفی را از بین ببرد، گندم را از بین می‌برند و آتش می‌زنند. شما هم باید در مقابل، در منزل صرفه‌جویی کنید. اگر همان ضدانقلاب را به‌دست شما بدهند، شما او را مجازات می‌کنید. توصیه‌ی من به‌همه‌ی شما خواهران و برادران و خانم‌ها و طبقات پایین شهر این است که تذبذب نکنید و تولیدات صنعتی از خارج وارد شده را نخرید و برای گسترش این فرهنگ با همسایگان با مسالمت رفتار کنید. ما باید برگردیم به‌طرف انس قدیمی خانوارها که با هم برادرانه رفتار می‌کردند.

همسایگان باید همدیگر را از خود بدانند.

دولت از گران‌فروشان و محترکان غافل نیست

حجت‌الاسلام خامنه‌ای اظهار داشت: قسمت دیگری از مشکلات ما، خودکامگی بعضی از کسانی است که هنوز به‌ضرورت انقلاب ما پی نبرده‌اند. بعضی از گران‌فروشان و انباردارها و غیره این‌ها به‌حق معنی انقلاب را نفهمیدند و نمی‌بینند انقلاب را که این‌طور خون و جان می‌دهد، البته امروز دولت تصمیمات خوبی را اتخاذ کرده که مشغول عمل است. همان‌طوری که ما گفتیم و توصیه کردیم در حال عمل شدن است. دولت در پی طرح برنامه‌های درازمدت است. همین طرح توزیع عادلانه و جیره‌بندی مواد غذایی بسیار خوب است. درست است آن‌هایی که پول دارند تهیه می‌کنند، اما آن‌هایی که در زمان کمبود قند ممکن است اصلاً گیرشان نیاید، موفق می‌شوند که به‌اندازه‌ی مورد نیاز، مایحتاج خویش را تهیه کنند و این‌ها تعداد بیشتری هستند. دولت باید زحمت و کوشش خود را بر روی تهیه‌ی مواد خوراکی و دارویی متمرکز کند تا چرخ اقتصاد مملکت به‌گردش درآید و با همت و تلاش مردم، ان‌شاء‌الله بتوانیم از این گذرگاه با استعانت خداوند خارج شویم.

مسأله‌ی امنیت

مسأله‌ی بعدی، امنیت است. همان‌طور که دشمن در زمینه‌ی اقتصادی کوشش کرد که ما را دچار مشکل کند، همان‌طور هم دشمن تلاش کرد تا ما را دچار ناراحتی کند و بزرگ‌ترین ضربه دشمن، به‌راه‌انداختن جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بود و بعد از این مسأله، تحریک گروهک‌ها و سازماندهی وابستگان به‌رژیم گذشته و برخی از ساواکی‌های پلید است. شما تصور نکنید که همه‌ی این انفجارها و ترورها مربوط به گروهک‌ها است، بلکه فراریان رژیم سابق و ساواکی‌ها هم سهم دارند. همان کسانی که در روزهای اول انقلاب افراد کمیته را ترور می‌کردند و آن‌ها را شهید می‌ساختند، امروز باز هم مشغول هستند به‌توطئه که ما نباید از آن‌ها غافل باشیم.

رئیس‌جمهور گفت: اصل وجود ناامنی از طرف دشمن برای ما یک چیز طبیعی است و غیرمنتظره نمی‌باشد. دشمن به چه دلیل اجازه دهد که جمهوری اسلامی راه

خودش را ادامه دهد و خودش را بسازد و قوی تر شود؟ طبیعی است که دشمن مایل است که نگذارد جمهوری اسلامی کار کند و یکی از بهترین طرق این است که در زندگی مردم ناامنی ایجاد کند و دولت را مشغول و سرگرم کند؛ بنابراین اصل این که دشمن در محل کار، کوچه، خیابان، کارخانه و اداره تحریک کند و درگیری و ترور به وجود بیاورد. و مردم بی گناه را از بین ببرد. خود این ناامنی برای ما غیر قابل تصور و انتظار نیست. دو مسأله در این جا در رابطه با امنیت مهم است: اول این که ما به عنوان دولت جمهوری اسلامی نمی توانیم بنشینیم و تماشا کنیم تا سرپنجه های دشمن بیاید در داخل اجتماعی که ما مسؤول اداره ی آن هستیم ناامنی ایجاد کند، این نمی شود. مردم این بی تفاوتی و خونسردی را از دولت جمهوری اسلامی نخواهند بخشید، تاریخ هم نخواهد بخشید، مردم آزاده ی جهان هم نخواهند بخشید. ما باید شدت عمل داشته باشیم (ما یعنی، مجموعه نظام اسلامی. هر سه قوه به سهم خود مؤظفند در مقابل جریان ایجاد اغتشاش داخلی و ناامنی با قاطعیت و جدیت عمل کنند) دولت جمهوری اسلامی آن وقت به راستی اسلامی است که نصیحت امیرالمؤمنین را گوش کند، باید هوشیار باشد، محیط زندگی و کسب مردم باید امن باشد، چه کسی ضامن نظم است؟ الآن تنها دولت جمهوری اسلامی ضامن است.

مقابله ی قاطعانه با خشونت تروریسم

ما در مقابل رفتارهای خشونت آمیز باید با قاطعیت عمل کنیم. آن کسی که می خواهد زندگی مردم را برهم زند، باید در مقابلش ایستاد و او را نبخشید و با او مقابله خواهیم کرد. این چیزی است که خدا و ملت و مردم آزاده ی جهان از ما می خواهند و اگر ما نکنیم، خدا و ملت و تاریخ از ما مؤاخذه خواهند کرد و می گویند شما که عقل داشتید، چرا اجازه دادید دشمن این طور اوضاع و احوال شما را بهم زند؟ ما در دوران اختناق، سرراهمان سنگ بود، خار بود، دزد بود و با همه ی این ها مبارزه کردیم. ما انتظار نداشتیم که سرراهمان مانع نباشد. مانع سرراه ما، همیشه وجود دارد. ما خارها را کندیم و سنگ را انداختیم و دزد را از سرراه برداشتیم و رسیدیم به سر منزل جمهوری اسلامی و در حال حاضر هم همه آن ها هست و اگر ما عقب نشینی کنیم و مبارزه نکنیم در راه حق عقب نشینی کرده ایم. پس کار اول ما،

اعمال قاطعیت است.

هدایت فریب‌خوردگان

و کار دوم، هدایت است. ما نمی‌پسندیم که ببینیم خار راه ما کسانی هستند که خودشان علیه جمهوری اسلامی خصومتی ندارند و تحریک‌کنندگانش خصومت دارند. این برای ما بسیار سنگین است. باید با کسی که تحریک شده، با مهربانی رفتار شود و خشونت به خرج ندهیم. مایلیم او را متوجه کنیم که اشتباه می‌کند؛ بنابراین در کنار قاطعیت، هدایت می‌کنیم. من از این فرصت استفاده می‌کنم با این که می‌دانم که بچه‌های خام و ساده‌ای که در خدمت دشمنان جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند و آلت‌دست آن‌ها شده‌اند، اجازتی تلویزیونی نگاه کردن ندارند و آن‌ها اجازه‌ی شنیدن خطبه‌های نماز جمعه را نداشته‌اند؛ چون منافقین و گروهک‌ها اجازه نمی‌دادند تا هواداران آن‌ها خطبه‌های نماز جمعه را گوش کنند.

من امیدوارم این پیام نفس‌گرم و دلسوزانه و برادرانه به آن‌ها برسد. من می‌خواهم به بچه‌هایی که در خدمت دشمنان جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند بگویم که تحریک‌کنندگان آن‌ها دنبال هدف‌ها و هوس‌های خود هستند و دروغ می‌گویند که می‌گویند برای خاطر خلق با جمهوری اسلامی می‌جنگیم. جمهوری اسلامی با بزرگ‌ترین دشمنان خلق، پنجه درافکنده و با آمریکا می‌جنگد. امروز هیچ ملت و دولتی در دنیا به استحکام و قدرت ما با آمریکا نبرد نکرده؛ محکم‌تر از ما هیچ گروه انقلابی در سطح جهان موضع‌گیری نکرده؛ چطور این‌ها، آمریکایی و وابسته به آمریکا نیستند که شماها را وادار کرده‌اند تا با چنین حکومتی مبارزه کنید؟

من به شما بچه‌هایی که شنیده‌ام از ۱۵ ساله هستید تا بیست و دو ساله نصیحت می‌کنم به آغوش اسلام و ملت برگردید و بدانید آن تحریک‌کنندگان غالباً یا در خانه‌های امن هستند یا در کشورهای امن در پاریس و در جاهای دیگر. آن‌ها خود را دم چک نمی‌آورند. آن‌ها برای خدا شما را جلو نینداختند و دروغ می‌گویند. امروز، جمهوری اسلامی در خط مستضعفین عمل می‌کند، برای رسیدن به آرمان‌های مستضعفین، سال زیادی لازم است و راه درازی در پیش داریم.

رئیس‌جمهور افزود: شما خیال می‌کنید که یک دولتی که می‌خواهد برای مستضعفین

کار کند، فردا بتواند نجات دهد. با این همه در دسر چگونه می‌توان؟ ما در حال حرکت به طرف آرمان‌های مستضعفین هستیم و ما خودمان از لحاظ طبقات اجتماعی در ردیف مستضعفین هستیم. بنده خودم و آن‌کسانی که امروز مسؤول انجام وظیفه هستیم، دلیل نداریم که ما به سوی آرمان‌های مستضعفین پیش نرویم با آن‌همه گرفتاری‌هایی که در گذشته و پس از انقلاب متحمل شدیم، منتها زمان لازم است. رئیس‌جمهوری گفت: هیچ درختی نیست که یک شبه میوه دهد. شما نمی‌توانید یک درخت را در فصل زمستان قطع کنید که چرا میوه نمی‌دهد یا یک نهالی را از قیل از آن‌که میوه بدهد از جای بکنیم که چرا میوه نمی‌دهد. باید صبر کرد، تا موعد طبیعی آن فرا برسد.

حجت‌الاسلام خامنه‌ای گفت: خدا پشتیبان ماست. گروه‌هایی می‌توانند با این حکومت مبارزه بکنند که ملت ما با آن‌ها همراه باشد، ملت که با شما همراه نیست، پدر مادرهای شما، دوستان و آشنایان با شما دشمن هستند و برای جمهوری اسلامی کار می‌کنند، شما چگونه عمل می‌کنید؟ و بهتر است که بیندیشید. من در همین جا که صحبت مراقبت هست اشاره به چار و جنجال‌های جهانی بکنم؛ مثل جنجال‌های حقوق بشر و فراریان و وابستگان ضدانقلاب در خارج که مایلند با این تحریکات دولت جمهوری اسلامی را از اعمال قاطعیت پشیمان کنند. ما می‌بینیم که این تحریکات تصنعی است، ان‌شاءالله! به‌جایی خواهیم رسید که همه‌ی مردم دنیا حقیقت را ببینند. زمانی که کسانی به‌نام دفاع از حقوق بشر، بچه‌های کوچک و بی‌دفاع را می‌کشند، اتوبوس و مغازه آتش می‌زنند، وقتی علی‌هی مجازات آن‌ها حرف می‌زند و جنایات عظیم صهیونیست‌ها را در سرزمین‌های اشغالی را به‌رو نمی‌آورد، کشتار چندین هزار نفر را در السالوادور و کشتارهای فراوان کشورهای وابسته به ابرقدرت آمریکا را مطلقاً یاد نمی‌کند، پیداست چنین کمیته‌ی حقوق بشری اعتبار و آبروی جهانی نخواهد داشت و لااقل پیش ما مردم ایران آبرویی نخواهد داشت. این چار و جنجال‌ها ما را نخواهد ترساند. امروز در مصر به‌دست رژیم آمریکایی که مطلقاً مردمی نیست، علی‌هی مردم چه کارهایی که صورت نمی‌گیرد و در قبال این‌ها کمیته‌ی حقوق بشر سکوت کرده. حجت‌الاسلام خامنه‌ای افزود: این‌ها با حکومت جمهوری اسلامی ما مخالف هستند و این‌ها یک کار طبیعی است که مقابله با ضدانقلاب است. ما با تمام

قوا مقابله خواهیم کرد و نخواهیم گذاشت تروریست بر فضای کشور حکومت کند. رئیس‌جمهور، پیرامون مسأله‌ی جنگ گفت: جنگ را ما شروع نکرده‌ایم و همه شما می‌دانید، جنگ را عراق شروع کرد و او بود که به ما حمله کرد. او آتش‌افروزی کرد. ما فقط دفاع می‌کنیم. ما متجاوز را می‌خواهیم از خانه‌ی خود خارج کنیم. مادامی که متجاوز از خانه‌ی ما خارج نشده، قبول صلح و قبول هرگونه سازش، امضا پای ورقه، ذلت ایران و ایرانی است و ما این‌کار را نخواهیم کرد. ما می‌دانیم جنگ مشکلات فراوانی را برای ما به وجود آورده، دولت بیش از مردم گرفتاری‌های جنگ را لمس کرده: آوارها، خرابی‌ها، کارخانه‌ها، مخارج زیاد و سنگین جنگ اصولاً پرخرج‌ترین عوارض دنیا، جنگ است. این‌ها را می‌دانیم، اما ما شروع‌کننده نیستیم. هرگاه ما از مرزهای خود خارج می‌شدیم و داخل عراق می‌شدیم و شهرهای عراق را گرفتیم، حق دارند معترضین جهانی کسانی که می‌گویند چرا جنگ را تمام نمی‌کنید، حق دارند بگویند: چرا تمام نمی‌کنید؟ البته در همان صورت باز آن‌قدر حق ندارند، زیرا کلوخ‌انداز را پاداش سنگ است. آن‌ها وارد شدند و ما حق داریم وارد شویم، اما ما چنان کاری را نمی‌کنیم. ما می‌خواهیم دشمن را از خاک خود بیرون بکنیم. پایان جنگ باید برای ما یک پایان افتخارآمیز باشد، باید برای اسلام و جمهوری اسلامی افتخار ایجاد کنیم نه ذلت و سرافکنندگی و ما هر طرح صلحی را که حقوق حقه‌ی ما در آن تضمین شده باشد از اول تا به حال گفتیم، قبول می‌کنیم اما طرح صلحی که با تجاوز متجاوز سازگار است که ما صلح کنیم و او به تجاوز خودش ادامه دهد و ما تا زمانی که یک انسان باشرف در ایران هست، چنین چیزی قابل قبول نیست ما با نیروی ایمان دشمن را شکست خواهیم داد؛ کما این‌که تا امروز شکست داده‌ایم و او را عقب نشانیدیم و دلیلی ندارد که ما این خفت را قبول کنیم. البته صدام به عوامل حکومت عراق و هم‌دستان جهانی‌شان اعلام می‌کند که عراق صلح طلب است و ایران جنگ طلب؛ و من به دنیا اعلام می‌کنم که این دروغ است. ما جنگ طلب نیستیم، صلح طلب هستیم. این عراق است که جنگ طلب است ما به خاطر این‌که ارزش صلح از بین نرود و تجاوز به صورت ارزش درنیاید، به مقاومت خود ادامه می‌دهیم.

رئیس‌جمهور گفت: ما به مقتضای این‌که یک ملت انقلابی هستیم و با قدرتمندی و بدون اتکا به هیچ قدرتی توانسته‌ایم سلطه ابرقدرت آمریکا را از سرمان برطرف

کنیم، به مقتضای این خصوصیت، هرگز با این ابرقدرت سازش نخواهیم کرد. آمریکا در طول سالیان گذشته به ما خیلی ظلم کرده، روزگار ما را خیلی سیاه کرده، شریترین انسان‌ها را سالیان درازی بر ما مسلط کرد و ده‌ها هزار از عزیزترین انسان‌ها کشته شدند. اقتصاد ما به این شکل درآمد، اخلاق فرهنگ ما تباه شده، خیلی صدمات بر ما وارد آورده. نظام آمریکا این بوده. شما توانسته‌اید با قدرت معنوی خود و با اتکال به خدا، این سلطه را از خود دور کنید. بعد از انقلاب هم آمریکا باز یک لحظه از شیطنت و شرارت علی‌هی ما خودداری نکرده، تحریکات و حمله کرده، عوامل خودش را در داخل کشور به کار انداخته. به هر حال، دشمنی کرده؛ چون در گذشته گناه کرده، حکومت ما با آمریکا یک حکومت قهرست. ما با آمریکا سازش نخواهیم کرد.

دشمن درجه‌ی یک ما، آمریکا است.

دشمن درجه‌ی یک برای ما، آمریکا است. نه فقط خیانت او به ما رسیده، منطقه را پر از خیانت و گناه کرده. آن‌چه در سایه‌ی وجود منحوس رژیم اشغالگر فلسطین به وجود آمده، سرکوبی نهضت‌ها و جنبش‌های اسلامی در منطقه است. وجود دولت‌های مرتجع و خبیثی که طوطی‌وار آن‌چه را که آمریکا می‌خواست تکرار می‌کردند؛ مثل سادات و جانشینش که وابسته و معلول آمریکاست، بنابراین دشمن اصلی برای ما آمریکاست و هنر هرکسی که با او همدست و همکار باشد و غافل از دشمنان و کمین‌گرفته‌هایی که اگر هم آمریکا نبود، به ما حمله می‌کردند هم نیستیم همه آن‌ها را هم دشمن می‌دانیم.

ولی آن‌که پیشاپیش صفوف دشمنان است، آمریکاست. ما در منطقه و در همه‌جای دنیا، بیشترین اهمیت را برای ملت‌ها به حساب می‌آوریم؛ یعنی می‌دانیم که اگر ملت‌ها نبودند، دولت‌ها حمایتی نمی‌کردند. خوشبختانه ملت‌ها هم با ما خوب هستند، اگر دولت‌ها با ما جفا می‌کنند ملت‌ها زحمات ما را پاس و ما را از خودشان می‌دانند. در همین رابطه است که ما به جنبش‌های آزادی‌بخش که در جهان اسلام است احترام می‌گذاریم و در رأس آن‌ها جنبش عظیم فلسطین که به اعتقاد ما در مسایل خاورمیانه مسأله‌ی فلسطین می‌باشد و تا این مسأله حل نشود مسایل اصلی خاورمیانه حل نخواهد شد و به آرمان فلسطین به صورت یک‌جز اصلی از انقلاب خودمان نگاه

می‌کنیم و هیچ طرحی را که در آن آرمان فلسطین، آن‌چنان که شایسته است مراعات نشده باشد، قبول نمی‌کنیم و هرکسی که به فکر سازش با اسرائیل باشد او را خائن به آرمان فلسطین می‌دانیم. هرچند که خود شخص، فلسطینی باشد. ما شیوه‌ی مقدسمان نسبت به اشغالگران قدس عزیز و فلسطین عزیز را فدای سازش با این و آن نمی‌کنیم. آن‌کسانی که ادعای حرکت برای فلسطین می‌کنند، اما در عمل به آرمان فلسطین بی‌اعتنایی و خدای نکرده خیانت، آن‌ها نمی‌توانند خودشان را از ما علاقه‌مندتر به آرمان فلسطین وانمود کنند. بنابراین، ما اعتقاد داریم تا مسأله‌ی فلسطین حل نشود تا ملت فلسطین به مقصود خودشان که بازیافتن وطن اسلامی عربی عزیز است، نرسند، مشکلات مهم منطقه حل نخواهد شد. پرهین مینا و اساس می‌خواهم به همسایگانمان؛ مخصوصاً همسایگانی که در منطقه‌ی بسیار حساس و آبراه خلیج فارس هستند، دوستانه و برادرانه این نکته را تکرار و تأکید کنم که ما برای امنیت خلیج فارس و منطقه نیاز به هیچ قدرت خارجی و بیگانه نداریم. هرکسی که در این کار به بیگانه‌ها تمایل نشان دهد، خودش بیگانه و غریبه است. ما قوی و مجموعه‌ای از ملت‌های مسلمان هستیم؛ به‌خصوص ما ایرانی‌ها یک ملت بزرگ هستیم؛ یک ملت ۳۶ میلیونی و یک کشور بزرگ، آباد، مستقل، با دولت مستقل و مردمی، شما چرا برای ایجاد امنیت از نیروهای خودی و از آن‌چه که مجموعه ما را به وجود می‌آورد، کمک نگیرید؟

چرا ما در جبهه‌ی متحد اسلامی، جمع و نیروی عظیم و لایزال اسلامی را به وجود نیاوریم و تأکید می‌کنم: هر طرحی که در غیاب ایران برای امنیت خلیج فارس طراحی بشود از نظر ما بی‌اعتبار است. ایران بزرگ‌ترین و نیرومندترین دولت منطقه است و بایستی در هر طرحی برای امنیت خلیج فارس حضور داشته باشد، البته می‌دانید که دشمن در این منطقه خیلی کار کرده و این‌طور نشان داده است که دولت جمهوری اسلامی ایران قصد دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر دارد. من این‌را تکذیب می‌کنم. قانون اساسی ما هم این‌را تکذیب می‌کند. دخالت در امور داخلی هیچ کشور، در شان جمهوری اسلامی نیست. ما نه فقط نسبت به مسلمان‌ها، بلکه نسبت به غیرمسلمان‌ها، با کسانی مقابله می‌کنیم که به‌ما حمله می‌کنند و مقابله خواهیم کرد با این چنین کسانی، اما با کسانی که به‌ما حمله و علیه‌ی ما توطئه نمی‌کنند، هیچ مقابله‌ای نداریم.

۴۶۶ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

دوستی هم می‌کنیم و این دستور ﴿تَوَكَّلْ﴾ ما است که می‌گوید ﴿لَا يَنْهَيْكُمْ اللَّهُ عَنْ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقُوا لِحَيْبِهِمْ﴾ خدا به شما می‌گوید: با کسانی که با شما در دین و بر سر دین نجنگیدند و شما را آواره نکردند، با آنها نیکی کنید و با آنها عدالت کنید. ﴿إِنَّ اللَّهَ تَحِبُّ الْمَقْسُطِينَ﴾

بنابراین، ما با دولت‌های مسلمان و حتی دولت‌های غیرمسلمان تا زمانی که به ما حمله و تعرض نکنند، دوست هستیم. با آنها همزیستی مسالمت‌آمیز داریم، اما کسانی که به ما تعرض، علیه ما، توطئه بچینند یا با دشمنان ما همدست بشوند از آنان نخواهیم گذشت.

من امیدوارم برکت اسلام و روح ﴿تَوَكَّلْ﴾ و هدایت الهی، همه‌ی ما و همه‌ی برادران مسلمان ما را در منطقه مشمول خودش قرار دهد و ملت‌های مسلمان و دولت‌های اسلامی را بر گرد یک محور جمع کند.

در این صورت، مطمئناً هیچ دشمنی تاب مقاومت در مقابل ما را نخواهد داشت و دشمن‌ها برای تأمین منابع حیاتی‌شان مجبورند به پیش ملت‌های مسلمان بپیایند و التماس کنند! به امید بهروزی مسلمان‌ها و سربلندی ملت‌ها و کشورهای اسلامی. و به امید دیدار دیگری با شما!

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.^(۱)

نخست‌وزیر گزارش اوضاع سیاسی، اقتصادی و مشکلات
دولت را به استحضار امام امت رساند:
**مهندس موسوی: سیاست آینده دولت در جهت جلوگیری
از ازدیاد حجم پول در گردش است.**

مهندس میرحسین موسوی نخست‌وزیر کشورمان پیش از ظهر دیروز به حضور امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران رسید و گزارشی از اوضاع سیاسی و اقتصادی کشور را به استحضار امید محرومان جهان رساند.

نخست‌وزیر در پایان این دیدار گرفت: در این دیدار گزارشی از اوضاع سیاسی و اقتصادی کشور و مسائلی که دولت با آن روبرو است به استحضار امام رسید و ایشان رهنمودهای لازم را بیان فرمودند.

نخست‌وزیر افزود: در این دیدار در حضور امام مطرح شد که تصمیم داریم در نخست‌وزیری معاونتی در رابطه با امور نهادهای انقلاب اسلامی ایجاد کنیم تا روابط نهادها را با ارگان‌های اجرایی، انتظام بخشد و در مجموع ارتباط‌های دولت با نهادها را گسترده‌تر و سازنده‌تر کند که این مسأله باعث می‌شود تمام اقدامات دولت در طول کارهایی صورت

۴۶۸ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

بگیرد که نهادها انجام می‌دهند و در نتیجه هماهنگی وسیع‌تری بین نهادها و ارگان‌ها به وجود بیاید تا دولت بتواند در هر قسمتی که در جهت رشد و شکوفایی نهادها باشد نیروهای خودش را به کار ببرد.

نخست‌وزیر درباره‌ی دیگر مسایل مطرح‌شده در حضور امید مستضعفان جهان گفت: موضوع دیگر، مسایل اقتصادی کشور بود و بخشی از تصمیم‌هایی را که در هفته‌های گذشته در شورای عالی اقتصاد گرفته شده بود به‌استحضار ایشان رسانده شد.

مسأله‌ی احترام به قانون

وی درباره‌ی تصمیم‌گیری‌های شورای عالی اقتصاد گفت: بخشی از این تصمیم‌گیری‌ها، اطمینان دادن به‌بخش خصوصی جهت سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی و هم‌چنین تعیین حوزه فعالیت بخش دولتی و تعاونی خصوصی است.

موسوی افزود: این مسأله به‌بخش خصوصی اطمینان می‌دهد تا سرمایه‌گذاری داشته باشد و اخیراً نیز افرادی بی‌مسئولیت و بدون این‌که از مسیر قانونی و شرعی وارد شوند، اقدام به‌مصادره و ملی‌کردن بعضی از کارخانه‌ها کرده‌اند که این مخالف سیاست دولت است و دولت قویاً در مقابل این جریان خواهد ایستاد.

نخست‌وزیر افزود: ما اعتقاد داریم که همه کارها در کشور باید از مسیر قانونی خودش انجام پذیرد و همه باید به‌دیدهای احترام به قانون بنگرند و فرد خاطی نیز تحت تعقیب قرار گیرد.

نخست‌وزیر درباره‌ی دیگر فعالیت‌های شورای عالی اقتصاد گفت: در زمینه‌ی کنترل تورم نیز شورای عالی اقتصاد پیشنهادهاتی داشت که بخشی از آن‌ها به‌عرض امام رسید.

نخست‌وزیر در ادامه‌ی سخنانش ضمن تشکر و قدردانی از فعالیت‌های ستاد بسیج اقتصادی کشور گفت: میزان فعالیت این‌ستاد با کشورهای بی‌جنگ نیستند، قابل قیاس نیست و این به‌دلیل فداکاری و خلاقیت برادران مسؤولی است که در این‌ستاد فعالیت می‌کنند.

وی افزود: به‌همین دلیل ستاد بسیج اقتصادی کشور به‌کار خودش ادامه خواهد داد و

مهندس موسوی: سیاست آینده‌ی دولت در ... ۴۶۹

تصمیماتی که در آن‌جا گرفته می‌شود در ارتباط با مقامات مسؤول و افراد صاحب‌نظر در شورای عالی اقتصاد می‌باشد و در نتیجه ما در سطح کشور قادر خواهیم بود قیمت کالاهای ضروری و کمیاب را تثبیت کنیم.

سیاست دولت در زمینه‌ی پولی

وی افزود: هم‌چنین سیاست دولت در آینده در جهت جلوگیری از ازدیاد حجم پول در گردش خواهد بود که این مسأله از طرف امت ایشارگر پذیرفته خواهد شد و یقین داریم این مسأله، در مجموع به نفع همه‌ی ملت است و می‌تواند در جهت جلوگیری از تورم عامل مؤثری باشد.

مهندس موسوی افزود: اگر ما بخواهیم به استقلال اقتصادی برسیم، اعمال این نوع سیاست‌ها ضروری است و از سوی دیگر سیاست‌هایی که دولت در پیش دارد، ملت را در جهت تولید بیشتر و مصرف کمتر تشویق می‌کند که همه‌ی این مطالب به‌طور مختصر به استحضار رهبر انقلاب رسید و در این رابطه تصمیمات به‌طور گسترده‌تر با مردم در میان گذاشته خواهد شد.

نخست‌وزیر در ادامه‌ی سخنانش گفت: ملت ما باید مراقب باشد تا هیچ نوع اسراف‌ی در مصرف صورت نگیرد و همه‌چیز به اندازه‌ی لازم مصرف شود تا ما بتوانیم به سمت استقلال اقتصادی گام برداریم.

نخست‌وزیر با اشاره به دیدگاه شهید رجایی که کابینه دولت را ۳۶ میلیونی می‌خواند، گفت: ان‌شاءالله! با یاری مردم بر مشکلات فائق خواهیم آمد.

محکومیت طرح فهد

مهندس موسوی پیرامون اظهارات متناوب بعضی از رهبران فلسطین درباره‌ی طرح آمریکایی و ضداسلامی فهد، گفت: این نوع رهبران، در دامی که خودشان تنیده‌اند گرفتار شده‌اند. وابستگی این‌ها به کشورهای ارتجاعی با نقشه‌های آمریکا، باعث شده که موضع انقلابی خودشان را از دست دهند و به دامی بفتند که جز هلاکت آن‌ها نتیجه‌ای نخواهد

داشت.

وی افزود: مضمون سخن این رهبران که صدر صد مخالف آرمان ملت فلسطین هستند، بدین معنی است که قطعه خاک کوچکی بگیرند و در همزیستی مسالمت آمیز با رژیم اشغالگر قدس به سر برند و دل خود را خوش کنند که چیزی به دست آورده اند، و تصور می‌کنم که آینده هر حرکت انقلابی که بخواهد مصالح اصولی خودش را فدای مصلحت طلبی کوتاه مدت کند و با نیروهای ارتجاعی پیوند پیدا کند همین است و این‌ها در این مسأله گرفتار شده‌اند. مهندس موسوی درباره‌ی طرح آمریکایی و ضداسلامی شاهزاده فهد گفت: مطرح شدن این طرح باعث می‌شود که نیروهای حق و باطل از هم تمیز داده شوند و توسط همین طرح که از سوی آمریکا پشتیبانی می‌شود، ملت‌ها ماهیت رژیم‌های حاکم بر خود را بهتر خواهند شناخت و مقاومت فلسطین نیز از این امر مستثنی نیست. ما انتظار داریم که این مسأله با مقاومت واقعی ملت فلسطین روبه‌رو شود و در نهایت شکست بخورد، که شکستش حتمی است.

پیرامون طرح افغانستان

مهندس موسوی در پایان، درباره‌ی توضیحاتی که ضیاء الحق در مورد طرح پیشنهادی ایران برای حل مسأله‌ی افغانستان خواسته بود، گفت: طبیعتاً این حالت کلی مطرح است و زمانی که در وزارت امور خارجه این طرح مطرح شد، جزئیات بیشتری داشت، اما در مقدمه آن مطلبی را گنجانده بودیم مبنی بر این که اگر دو اصل چارچوب این طرح مورد توافق شوروی قرار گیرد بقیه جزئیاتش مورد گفت‌وگو قرار خواهد گرفت و فکر نمی‌کنم طرحی از این روشن‌تر و مشخص‌تر در رابطه با مشکلی این چنین مطرح شده باشد. وی گفت: فعلاً ضروری نمی‌بینیم که در این زمینه توضیحات بیشتری بدهیم، بلکه من فکر می‌کنم هدف باید این باشد که ما موضع کشورهای مختلف را در مقابل این طرح بفهمیم، آن‌گاه درباره‌ی آن مطالعه کنیم.^(۱)

مباحثه‌ی هاشمی رفسنجانی با مجله‌ی هدف درباره‌ی جنگ عراق با ایران، صدور انقلاب

س - شواهدی در دست است که نیروهای عراقی به‌زودی از ایران خارج می‌شوند. آیا ما چنین برنامه‌ای داریم که عراقی‌ها را در داخل خاک عراق تعقیب کنیم یا نه؟

ج - حالا این‌که خیلی خوشبین باشیم که به‌همین زودی عراقی‌ها از ایران می‌روند، نمی‌دانم چقدر درست باشد؛ ولی به‌هرحال، مسأله‌ی شکست صدام و تغییر تعادل نظامی به‌نفع ما مشهود است. نمی‌دانم کی به‌مقصد نهایی می‌رسیم؛ ولی طبیعی است که اگر ما در میدان جنگ پیروز شویم، نمی‌توانیم این‌همه خسارات را که صدام به‌ما و به‌مردم عراق وارد کرده است، نادیده بگیریم. بالاخره ارتش فاتح - آن‌هم فاتحی که مورد تجاوز واقع شده و شروع‌کننده‌ی جنگ هم نبوده - حقوقی دارد که باید به‌آن برسد. از حالا هم نمی‌توانیم پیش‌بینی کنیم که برنامه چه خواهد بود؛ ولی با شکست ارتش عراق، مطمئناً صدام چه بخواهد و چه نخواهد، نمی‌تواند سرکار بماند. ما هم

وقتی به آن نقطه نزدیک شدیم، همان موقع در این باره تصمیم می‌گیریم.

س - چندی پیش، گویا صدام اعلام کرده است که حاضر به صلح بدون قید و شرط است. نظر شما در این باره چیست؟

ج - اگر صدام قبول کرده است که بایستی بیرون برود، پس چرا معطل است؟! ما از روز اول گفتیم که اگر او می‌پذیرد که بایستی بیرون برود، چرا مانده است؟ چرا هر روز به شهرهای آبادان، اهواز، دزفول و غیره گلوله شلیک می‌کند؟ پذیرش صلح او هنگامی حقیقت خواهد داشت که از ایران خارج شود.

س - شاید صدام تضمینی می‌خواهد که به‌هنگام خروج از نواحی اشغالی و عقب‌نشینی به خاک خود از تعقیب رزمندگان ما مصون بماند؟

ج - ما در جریان مذاکراتی که قبلاً با سران کشورهای اسلامی و غیرمتمد داشتیم، گفتیم که تنها بیرون رفتن نیروهای عراقی از خاک ما کافی نیست؛ بلکه بایستی یک دادگاه بین‌المللی اسلامی هم تشکیل شود و متجاوز را تشخیص داده و کیفر متجاوز را هم تعیین کند. ما نمی‌خواهیم جنگ را ادامه دهیم. اگر صدام همین امروز هم نیروهایش را از خاک ما بیرون ببرد و بپذیرد که این دادگاه تشکیل شود، ما حرفی نداریم.

س - نظر شما درباره‌ی مکتبی‌کردن ارتش چیست؟ و برای دستیابی به این هدف، نقش اداره‌ی سیاسی ایدئولوژیک را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ج - مکتبی‌کردن ارتش، غیر از معنایی که در سایر موارد کشور گفته می‌شود، معنی دیگری ندارد؛ یعنی اصل مطلب این است که مردم، در اولین فرآیند، چنین نظر دادند که نظام حکومتی ایران، بایستی جمهوری اسلامی باشد. در حقیقت، اساس و پایه این است که کشور ما، یک کشور اسلامی است؛ مکتب ما اسلام است؛ قانون ما، قانون اسلام است و قانون اساسی ما، قانون اساسی اسلامی است. هم‌چنین، مجلس شورای اسلامی، قوانین اسلامی وضع می‌کند و شورای نگهبان، ناظر بر این جریان است. به این ترتیب، همه ارکان مملکت بایستی کار و برنامه‌ی خودشان را بر اصول اسلامی تصویب‌شده در مجلس منطبق کنند. مردم مسلمان هم باید برنامه‌های زندگیشان را - تا

آن‌جایی که به‌اجتماع مربوط می‌شود - با اسلام تطبیق بدهند. در گذشته، رژیم مایل نبود نظامی‌ها که بیشترین اتکای رژیم بر آن‌ها بوده، اطلاعات مذهبی داشته باشند و سعی می‌کرد آن‌ها را کاملاً بی‌اطلاع نگه‌دارد. ما این را قبول نداریم. در واقع، از آن‌جا که اساس کار ما اسلام است و می‌خواهیم مسلمان باشیم، مایلیم که نظامیان هم مسلمان باشند و از طریق مطالعه، اسلام را بشناسند. همان‌طور که مایلیم یک‌طلبه، اسلام را بشناسد، علاقه‌مندیم که یک نظامی هم اسلام را بشناسد. رسالت اداره‌ی سیاسی ایدئولوژی این است که با توجه به این‌که در گذشته هیچ‌گونه فعالیت اسلامی در ارتش نبوده، باید در این‌مورد کار کند، کلاس بگذارد، جزوات، مجلات و کتب مختلف اسلامی در دست پرسنل قرار دهد و برنامه‌های تبلیغاتی بیشتری برای جبران عقب‌ماندگی‌های گذشته تنظیم نماید.

ما امیدواریم نظامیان ما بتوانند اسلام را بهتر بشناسند و ایمانشان را تقویت کنند. در برنامه‌های آموزشی دانشکده‌ها و آموزشگاه‌های نظامی، چه در صبحگاه‌ها، و چه در مراسم مختلف، به‌رحال در محیط کار و در هرگونه برخورد‌های اجتماعی، باید اسلام حاکم شود و این، از مسؤولیت‌های اداره‌ی سیاسی ایدئولوژی است.

س - معمولاً ارتش‌های انقلابی جهان در زمان صلح، نقش بزرگی را در سازندگی و توسعه‌ی کشور [با استفاده از امکاناتی که در اختیار آن‌هاست] ایفا می‌نمایند. آیا چنین نقشی برای ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز متصور است؟

ج - این مطلبی است که از اول مورد تأکید بوده است. البته ارتش نباید مسؤولیت اصلی خود را فراموش کند. در مرحله‌ی اول، ارتش مؤظف است نقایص خود را برطرف کرده و فنون نظامی مربوط به‌خود را به‌بهترین وجه یاد بگیرد و در مرحله‌ی بعد، چنان‌چه اوقات اضافی داشته باشد، در برنامه‌های دیگر نیز شرکت کند. نظامیان می‌توانند در امر آموزش ارتش بیست‌میلیونی نقش مهمی ایفا کنند و هم‌چنین، می‌توانند مردم را در زمینه‌ی صنایع نظامی و سایر امور فنی ارتش آموزش بدهند. در ضمن لازم است که خود نظامیان هم یک‌سری کارهای درجه دوم و سوم یاد بگیرند؛

ولی نباید به کار اصلی خودشان لطمه بخورد.^(۱)

س - یکی از بهانه‌هایی که دشمنان انقلاب آن را وسیله‌ای برای تبلیغات ضدانقلابی قرار داده‌اند، مفهوم «صدور انقلاب» است که با واژگونه جلوه‌دادن آن، سعی دارند جمهوری اسلامی ایران را عامل شروع جنگ عراق علیه ایران و یا برخوردهای احتمالی دیگر در منطقه قلمداد نمایند. نظر شما در این مورد چیست؟

ج - به دلیل همین ابهام در معنی صدور انقلاب است که دشمن، دست به تبلیغات وسیعی علیه ما زده است. البته ما بارها گفته‌ایم و امام نیز منظور ما را از صدور انقلاب بیان فرموده‌اند، ولی چون تا به حال، سیاست خارجی فعالی نداشته‌ایم و از نظر تبلیغاتی ضعیف بوده‌ایم، حرفمان به گوش مردم دنیا نرسیده و اگر هم رسیده، آن را نادیده گرفته‌اند. مفهوم صدور انقلاب این است که ما یک حرکت مکتبی کرده‌ایم و مکتب را نمی‌شود به یک ملت محدود کرد. اگر حرکت ما، ملی و یا نژادی بود، به خود ما اختصاص می‌داشت؛ ولی ما براساس اسلام انقلاب کرده‌ایم و اسلام، پیش از آن که به ایران بیاید، در بین عرب‌ها بوده است. امروز در دنیا نهمصد میلیون مسلمان وجود دارد؛ اما مگر چه تعداد از آن‌ها ایرانی هستند؟ به همین دلیل، انقلاب مخصوص به خودمان نیست. اگر مردم دیگر کشورهای اسلامی هم بخواهند مسلمان باشند و از راه ما تبعیت کنند یا حرف‌های ما را بفهمند و شیوه‌ی مبارزه‌ی ما که برداشت از اسلام بوده، مورد استفاده قرار دهند، از هیچ‌گونه کمکی در این مورد دریغ نداریم. در وهله‌ی اول این برداشت از اسلام باید به سایر کشورها منتقل شود و اگر مردم آن‌ممالک بخواهند، ما این‌ها را در اختیارشان می‌گذاریم. اگر از ما مطلب، الگو، ایده یا فکر خواستند، ما اعلام می‌کنیم که در اختیارشان می‌گذاریم. این استقلال از شرق و غرب و عدم وابستگی که می‌خواهیم نسبت به قدرت‌های استعماری به دست آوریم، چیزهایی است که ما یلیم بقیه کشورها هم داشته باشند. خواسته‌های ما برای خودمان و برای مردم عراق، مردم عربستان و برای مردم سایر کشورها هم هست. معنی‌اش این نیست

۱ - در دوران سازندگی پس از جنگ، این هدف خیلی خوب تحقق یافت و نیروهای نظامی در سازندگی شرکت کردند و هم کمک شایسته‌ای به سازندگی کشور نمودند و هم بنه فنی و اقتصادی و تجهیزاتی خودشان را تقویت کردند و هم روحیه‌ی جدید گرفتند.

که می‌خواهیم برویم در آن کشورها و مردمش را بکشیم جلو؛ بلکه اگر مردم کشورها خودشان خواستند راه ما را بروند، از ما مطلب خواستند، راه خواستند، چیزهایی را که داریم در اختیارشان می‌گذاریم.

مایل نیستیم در امور داخلی کشورها مداخله کنیم. نمی‌خواهیم به‌منافع دیگران، در کشور خودمان لطمه بزنیم. نمی‌خواهیم مرزها را بشکنیم. انقلاب خود به‌خود صادر شده و می‌شود.

س - پیش از این، چند لایحه‌ی انقلابی تصویب‌شده مجلس، از جمله لایحه‌ای در مورد مسکن، توسط شورای نگهبان رد شده است. اگر در آینده نیز، شورای نگهبان این قبیل لوایح را تصویب نکند، مجلس شورای اسلامی چگونه این مسأله را حل خواهد کرد؟

ج - نکته‌ای در این‌جا باید روشن شود. در این مملکت، یک رژیم غیراسلامی حاکم بوده که برای خودش روابط و مناسبات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خاص و غیراسلامی ایجاد نموده بود. برای واژگون‌کردن و برهم‌زدن این روابط و مناسبات غیرعادلانه، ما احتیاج به تصمیم‌های فوق‌العاده‌ای داریم. اگر از ابتدا می‌خواستیم یک جامعه‌ای را بسازیم، شاید همان احکام اولیه اسلامی کافی بود؛ چون اسلام اجازه نمی‌داد کسی زمین وسیع را موات بگیرد و به‌نام خودش ثبت کند؛ یا وضعی ایجاد شود که او بتواند بر پایه‌ی آن، ادعای حقی بکند. ده‌ها و صدها سال گذشته، عده‌ای با ضوابط غیراسلامی و قوانین گذشته، ثروت‌هایی به‌دست آورده‌اند. این‌ها را باید با اختیارات فوق‌العاده‌ای حل کرد که از حوزه‌ی انتخابات ولایت فقیه است. این‌ها تصمیماتی است که دولت اسلامی براساس حق ولایتی که دارد، به‌عنوان ضرورت‌های ناشی از عمل‌کرد گذشته، باید بگیرد. در اسلام، به‌این‌ها احکام ثانویه می‌گوییم. این احکام، تصمیم‌هایی هستند که در هر مرحله، برای برطرف کردن مشکلاتی که پیش آمده، توسط دولت اسلامی اتخاذ می‌گردند. شورای نگهبان، براساس احکام اولیه‌ی اسلام عمل می‌کند. این شورا ولایت ندارد؛ اما حق دارد نسبت به‌قوانینی که مجلس گذرانیده - آیا با احکام اولیه‌ی اسلام منطبق است یا خیر - رسیدگی نماید. در

مورد احکام ثانویه، این ولایت فقیه است که باید ببیند آیا ضرورت اتخاذ تصمیم‌های مرحله‌ای برای برطرف کردن نابه‌سامانی‌های گذشته وجود دارد، یا خیر. من فکر می‌کنم، باید روی این خط حرکت کنیم که اتخاذ تصمیم‌های مرحله‌ای را برای برطرف نمودن نابه‌سامانی‌های گذشته، به ولایت فقیه واگذار نمایم. در این صورت، دچار مشکلی نخواهیم شد.

س - مفهوم شعار «نه شرقی و نه غربی» چیست؟ زیرا با روابطی که هم‌اکنون با کشورهای نخلیر کره‌ی شمالی، یوگسلاوی، کوبا و غیره پیدا کرده‌ایم، این شائبه ایجاد شده که سیاست «نه شرقی و نه غربی» نقض گردیده است. نظر شما چیست؟

ج - این طور نیست که ما بخواهیم با کشورهای متمایل به شرق، روابط بیشتری برقرار کنیم. در رژیم گذشته، نود و نه درصد روابط با کشورهای استعمارگر غرب بود. شما اگر کارخانه‌های ما یا محصولاتی که از خارج وارد می‌کنیم ببینید، متوجه می‌شوید که چه مقدار با این‌ها ارتباط داریم.

بیشتر معاملات ما هنوز با کشورهای غربی است. وابستگی ما هنوز قطع نشده؛ ولی چون در گذشته روابط ایران با شرق، کمتر بوده، اولاً، اگر بخواهیم روابطمان را با شرق و غرب متوازن کنیم، قدم‌های زیادی باید برداریم؛ ثانیاً، کشورهای غربی به طرف ما نمی‌آیند. سیاست امروز آن‌ها همراهی با آمریکا است. وقتی که ما از آمریکا بریده‌ایم، آن‌ها جرأت نمی‌کنند به طرف ما بیایند. مفهومی ندارد که از مادرشان ببریم و به طرف آن‌ها بیاییم. سیاست ما این است. البته، هنوز در روابط، تعامل به وجود نیآورده‌ایم. هنوز واردات - صادرات، معاملات خارجی و حتی روابط سیاسی ما؛ یعنی سفارت‌خانه‌ها و تعداد افرادی که آن‌جا هستند، متوازن نشده است. پس این‌ها به‌همین دلایل مذکور، سفسطه می‌کنند؛ ولی ما روی عقیده‌ی خودمان ایستاده‌ایم. منظور ما این نیست که می‌خواهیم روابط خود را با شرق و غرب، پنجاه پنجاه بکنیم؛ بلکه مصمم استقلال کشور را حفظ بکنیم، و هر کشوری که این استقلال را بپذیرد، و نیازهای ما را بهتر تأمین کند، قطعاً با آن‌جا روابط بیشتری برقرار می‌کنیم.^(۱)

**رئیس جمهوری در پایان جلسه‌ی شورای عالی دفاع:
تلاش می‌کنیم، اموال ملت را که در اختیار
سلطه‌های جهانی است، پس بگیریم.**

شورای عالی دفاع، عصر دیروز به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعلی خامنه‌ای رئیس جمهوری، و با حضور آقایان مهندس موسوی نخست‌وزیر، هاشمی رفسنجانی نماینده‌ی امام در شورای عالی دفاع، سرتیپ ظهیرنژاد رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، محسن رضایی فرمانده‌ی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سرهنگ سلیمی وزیر دفاع و کمال خرازی تشکیل جلسه داد.

در این جلسه وضع کلی جبهه‌های جنگ و نحوه‌ی رویارویی رزمندگان اسلام با قوای کفر صدامی، مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

در پایان جلسه‌ی دیشب شورای عالی دفاع، رئیس جمهوری در گفت‌وگویی با خبرنگاران خبرگزاری پارس و دفتر مرکزی خبر، پیرامون مانور «ستاره‌ی درخشان آمریکا» و رابطه‌ی آن با جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه ایران گفت: این دو مسأله از این جهت با هم ارتباط دارند که مربوط به سلطه‌ی جهانی هستند و ملت ایران می‌داند که جنگ عراق با ایران، جنگی نبود

که به ابتکار رژیم عراق انجام گرفته باشد؛ اگرچه بلندپروازی‌ها و جاه‌طلبی‌های حکام وابسته عراق مؤثر بود، اما سیاست‌های جهانی ابرقدرت‌ها، شاید بیش از این جاه‌طلبی‌ها مؤثر بود و این‌ها را تشجیع کرد که این اقدام را بکنند.

رئیس‌جمهور افزود: آمریکا با اجرای مانور ستاره‌ی درخشان در منطقه می‌خواهد قدرت خودش را به‌رخ طرفدارانش بکشد.

آقای خامنه‌ای افزود: این‌ها ممکن است دچار تزلزل بشوند و از سرنوشت شاه معدوم و سادات بترسند. از این‌رو، آمریکا با این عمل به‌این سلطه‌های وابسته خودش دلگرمی می‌دهد و می‌خواهد به این‌ها بگوید که نترسید که پشتیبانان من هستم و ضمناً با این مانور می‌خواهد قدرت‌های مستقل منطقه را بترساند و در نهایت دولت جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی در منطقه را مورد تهدید قرار دهد. رئیس‌جمهوری با یادآوری این نکته که این هدف سلطه‌ی جهانی آمریکا و استکبار جهانی از عملیات «مانور ستاره‌ی درخشان» است، گفت: بنابراین این دو عمل از این‌رو در جهت مقاصد و مطامع سلطه‌ی جهانی آمریکا مشترک و با هم ارتباط دارند.

خرید سلاح‌های نظامی

رئیس‌جمهوری در مورد خرید سلاح‌های نظامی رژیم شاه معدوم از کشورهای خارجی که هنوز تحویل دولت جمهوری اسلامی ایران نشده است، گفت: در جلسهی امشب در این رابطه مسأله‌ای مطرح نشد، ولی باید بگویم در دوران رژیم گذشته که بدون حساب و کتاب پول در اختیار کمپانی‌های خارجی قرار می‌دادند تا از آنان ابزار جنگی بخرند، پول‌های زیادی به آمریکا، انگلیس، فرانسه و ایتالیا و برخی دیگر از کشورها پرداخت شده بود که در قبال آن‌ها وسایل جنگی از قبیل هواپیما، یا ابزار یدکی آن، کشتی و ناو خریداری شود، ولی زمانی که انقلاب اسلامی پیروز شد برخی از آنان هنوز تحویل نشده بود که این دولت‌های غاصب آن‌ها را توقیف کردند؛ از جمله آمریکا مبالغ زیادی از وسایل یدکی ما را که آماده‌ی ارسال به ایران بود، به‌ما تحویل نداد و با وجود این‌که ما خیلی هم در سال گذشته تلاش کردیم این وسایل را به ایران ارسال نداشتند، ولی ما تلاش می‌کنیم تا این اموال ملت را که در

اختیار سلطه‌های جهانی است، بگیریم. وی گفت: مقداری از وسایل نظامی در دست فرانسه بود؛ از جمله ناوچه که گرفته شد و وسایل دیگری در آن جا هست که خواهیم گرفت. مقداری هم از این وسایل در ایتالیا بود که آن‌ها را گرفتیم.

رئیس‌جمهور در مورد دیگر مسایل مطرح شده در جلسه‌ی دیشب شورای عالی دفاع با یادآوری این مطلب که به‌طور کلی در جلسه‌ی دیشب هفده موضوع مورد بحث و بررسی قرار گرفت و در مورد برخی از مسایل نیز تصمیماتی اتخاذ گردید، گفت: از این هفده موضوع، برخی محرمانه است که مربوط به خود جلسه می‌شود و چون ممکن است مورد استفاده‌ی دشمن قرار گیرد، نباید از آن خارج شود و طبیعی است که بسیاری از مسایل مطرح شده را نمی‌شود گفت. رئیس‌جمهوری افزود: در جلسه‌ی دیشب، رئیس ستاد مشترک گزارشی از وضع جبهه‌های جنوب و غرب کشور ارائه کرد که خوشبختانه وضع جبهه خوب است و در جبهه‌ی جنوب و غرب، تحرک فوق‌العاده‌ای از دو طرف وجود نداشته و صرفاً تبادل آتش بوده است. وی افزود: در این جلسه در مورد بمباران‌های آبادان و شهرهای دیگر از جمله دزفول، اهواز که به‌وسیله‌ی دشمن ضدانسانی ما، به‌دور از تمامی موارد انسانی و جوانمردی صورت می‌گیرد، گزارشی مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت. گزارشی از سوی برادران در مجلس شورای اسلامی هم که در این مورد تهیه شده بود، مطرح شد و تصمیماتی در این خصوص اتخاذ گردید.

وی گفت: از جمله مسایل دیگر که مورد بحث قرار گرفت، مسأله‌ی هیأتی بود که در چند هفته‌ی گذشته از طرف این شورا مسؤول رسیدگی خریدهای وزارت دفاع بود و لازم بود از مسائلی که در این وزارت‌خانه می‌گذرد اطمینان و آگاهی بیشتری پیدا کنیم که خوشبختانه در وضع جدید و قدیم که مرحوم شهید نامجو بودند کارها به‌طور سریع پیش می‌رفته و می‌رود و در گذشته نیز در وزارت دفاع مسأله‌ی مهمی نداشتیم که خیلی اهمیت داشته باشد و این هیأت برای رسیدگی به خریدهای وزارت دفاع مأمور شده بود حداقل دو نفر از اعضای مجلس شورای اسلامی که یکی از کمیسیون دفاع و دیگری از کمیسیون داخلی هستند و یکی هم از عوامل بسیار خوب وزارت دفاع در این هیأت شرکت دارند. در جلسه‌ی دیشب، گزارشی از آن‌ها مطرح شد که مورد رسیدگی قرار گرفت و تصمیماتی در این مورد گرفته شد.

۴۸۰ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

وی هم چنین گفت: در جلسه‌ی دیشب نامدی فرماندهی نیروی دریایی به ستاد مشترک در مورد مانور آمریکایی‌ها در منطقه مطرح و در مورد آن تصمیماتی اتخاذ گردید. رئیس‌جمهوری در پایان گفت: باید بگویم جلسات شورای عالی دفاع اکنون با هم‌آهنگی و همکاری کامل که بین اعضای آن وجود دارد، سرعت عمل خوبی دارد و به تصمیم‌های جدی خیلی زود رسیدگی می‌شود و وقت جلسات محل گذشته در گفت‌و شنودی بی‌مورد هدر نمی‌رود. (۱)

نظرات مهم نخست‌وزیر درباره‌ی بخش تعاونی و خصوصی، سپرده‌های بانکی، سرمایه‌گذاری تولیدی، تورم و سیاست خارجی

آقای میرحسین موسوی نخست‌وزیر، روز گذشته در یک مصاحبه‌ی مطبوعاتی شرکت کرد و به‌سؤالات خبرنگاران پاسخ گفت؛ و در مورد کنفرانس سران عرب، طرح فهد، مسأله‌ی افغانستان و چند مسأله‌ی دیگر، توضیحات لازم را بیان داشت. ماحصل این مصاحبه از نظر خوانندگان عزیز می‌گذرد:

مبارزه با تورم

ماهنامه‌ی شاهد: به‌منظور مبارزه با تورم فزاینده و افزایش سریع قیمت‌ها، دولت چه تدبیری اندیشیده است؟ و به چه علت میان اعلام طرح استفاده از دفترچه‌های خواربار و اجرای آن تأخیر و فاصله افتاده است؟

میرحسین موسوی: بسم الله الرحمن الرحيم. در مورد تورم، من واژه‌ی سرسام‌آور را قبول ندارم، به‌خاطر این‌که مقیاس‌های بین نرخ تورمی که بین کشور ما هست با کشورهای دیگر که حتی جنگ در آن‌جا وجود ندارد، این مقایسه به‌سادگی نشان خواهد

داد که تورم در ایران مهار شده و به صورت یک معضل یا یک چیز پیچیده غیر قابل حل مطرح نیست.

علت این مهار شدن، من فکر می‌کنم غیر از فداکاری و ایثار توده‌های میلیونی مردم ما و همکاریشان با دولت از طرف دولت، به خاطر فعالیت خوب و گسترده‌ی ستاد بسیج اقتصادی بوده که آن ستاد همان طور که می‌دانید، با شرکت سیزده نماینده‌ی تام‌الاختیار از وزارت خانه‌های مختلف تشکیل می‌شود و اصولاً فلسفه‌ی وجودیش به این دلیل بود که به خاطر معاصره‌ی اقتصادی و به خاطر مسأله‌ی جنگ، ضرورت داشته است که کاری ستادی در امور اقتصادی صورت بگیرد و یک ارگانی بتواند با هم‌آهنگ کردن تمام نهادهایی که به یک نحوی دخیل هستند در امور اقتصادی صورت بگیرد و یک ارگانی بتواند با هم‌آهنگ کردن تمام نهادهایی که به یک نحوی دخیل هستند در امر تولید و توزیع دست به کار بزنند و ستاد به این دلیل تشکیل شده و تا الآن کارش به نظر من بسیار درخشان بوده؛ مخصوصاً در امر توزیع مایحتاج مردم که با سهمیه‌بندی و با پخش عادلانه‌ی کالاها، کار ستاد طبیعتاً ادامه پیدا خواهد کرد. آن مسأله‌ای که در قسمت دوم سؤال مطرح شده است برمی‌گردد به وقفه‌ی کار ستاد در یک مدت کوتاه که امیدواریم با تشکیل مجدد ستاد و فعالیت مجدد ستاد، این مسأله رفع بشود و این مشکلات از بین برود.

اجلاس سران عرب

کیهان انگلیسی: ارزیابی شما در رابطه با اجلاس سران عرب که این هفته در فاس تشکیل می‌شود، چیست؟

ج: کلاً، مقدمه‌چینی وسیعی صورت گرفته برای این که در این اجلاس، طرح فهد مطرح بشود، و این مسأله تثبیت بشود. مسأله‌ای که دولت‌های عربی قبول می‌کنند، به طور تلویحی رسمیت اسرائیل را، طبیعی است که خود همه برادران شاهد بودند که برای این کار چه مقدمه‌چینی وسیعی در جهان صورت گرفته. کافی است که به تیرهای تلکس‌های خبری نگاه بکنید؛ در این سه ماه اخیر خواهید دید که رفت و آمد

گسترده‌ی سران سیاسی اروپا و آسیا به خاورمیانه و تبادل نظرهایی که بین سران کشورهای مرتجع منطقه اتفاق افتاده، تا متوجه شوید که این نقشه چقدر ریشه‌دار است.

موضع‌گیری سریع وزارت خارجه

ما از همان روزهای اول؛ یعنی حتی به‌فاصله‌ی بیست و چهار ساعت که این طرح مطرح شد، در تحلیلی که به‌وسیله‌ی وزارت خارجه به‌عمل آمد، به‌این نتیجه رسیدیم که این طرح ریشه‌داری است؛ فقط جنبه‌ی تبلیغی ندارد و خطرناک است. در اولین بیانیه‌ای که به‌وسیله‌ی وزارت امور خارجه داده شد، روی این مسأله تکیه بسیار شد که مطرح‌ساختن این مسأله خود یک‌نوع پیروزی برای اسرائیل است؛ یعنی مطرح‌ساختن این‌که کشورهای عربی می‌توانند یک هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با اسرائیل داشته باشند. قصد نهایی هم همین است؛ یعنی منظور این نیست که اسرائیل که یک منافی را که تصرف کرده از دست بدهد.

در اسناد محرمانه‌ی وزارت امور خارجه که از رژیم گذشته به‌جای مانده به‌طور صریح و روشن بیان می‌شود از قول ایگال آلن (اگر اشتباه نکنم) که می‌گوید: عقلای اسرائیل به‌این نتیجه رسیده‌اند که هر نوع بخشش بخشی از کرانه غربی رود اردن به‌فلسطینی‌ها به‌معنی ناپودی اسرائیل است و بعد تحلیل می‌کند احتمالاً سلاح‌هایی که در آن‌جا می‌تواند نصب بشود، و چطور می‌تواند از لحاظ امنیت اسرائیل دچار مخاطره شود. آن‌ها به‌طور قطع هیچ امتیازی در این زمینه به‌فلسطینی‌ها نخواهند داد. نتیجه این طرح این خواهد بود که به‌طور تقریباً روشنی، کشورهای منطقه، اسرائیل را به‌رسمیت بشناسند. به‌هرحال، تحلیل ما این است که با صحبت‌هایی که شد و با صحبت مهم امام امت در این رابطه که صد در صد در سرنوشت اسرائیل تأثیر قطعی خواهد گذاشت و در سرنوشت مبارزات ملت‌های مسلمان با صهیونیسم طبیعتاً آن اتفاق نظری که قبلاً بوده، در رابطه با تصویب این مسأله در کنفرانس، آن اتفاق نظر دیگر نخواهد بود.

حالا به هر حال، یا این طرح، آن جا تصویب می شود و یا نخواهد شد. مسأله‌ی اصلی این است که در سطح منطقه و در میان ملت‌های مسلمان یک روشنگری وسیعی صورت گرفته و در این زمینه رهبر انقلاب نقشه اصلی را داشتند و خود این روشنگری طبیعتاً نقضه را با شکست روبرو خواهد ساخت و هر کشوری و هر رئیس دولتی که این طرح را بپذیرد، به طور طبیعی در مقابل ملت خودش قرار خواهد گرفت.

گسترش جبهه‌ی اسلامی

روزنامه‌ی جمهوری اسلامی: استراتژی کلی ایران نسبت به مسأله‌ی فلسطین چیست؟ ضمناً موضع ایران نسبت به بعضی از سازمان‌های فلسطینی که از طرح ننگین و آمریکایی فهد جانبداری نموده‌اند، چه می‌باشد؟

ج: در این زمینه، دولت بارها نظر خودش را اعلام کرده. مسأله‌ی جبهه‌ی اسلامی که به صورت یک برنامه‌ی درازمدت و اساسی و محوری مطرح شد، باید به قوت خود در سیاست خارجی باقی باشد. ما روز به روز بیشتر باید روی این محور تکیه بکنیم؛ چون می‌دانیم که به خاطر همین مسائلی که اخیراً پیش آمده، این ایده طرفداران بیشتری در میان ملت‌های مسلمان پیدا خواهد کرد و زمینه‌های بیشتر برای تشکیل این جبهه ایجاد خواهد شد. اوایلی که راجه به آن مسأله‌ی جبهه‌ی اسلامی بحث می‌شد، دائم ما تکیه کردیم بر این مسأله که خود اعلام این شعار زمینه‌اش را به وجود آورد، اگر ما صبر داشته باشیم و بر این محور پافشاری بکنیم.

مبارزه با آمریکا، مرز نمی‌شناسد

مسأله‌ی دوم این است که ما اعلام کردیم که مسأله‌ی مبارزه با صهیونیسم از مبارزه با آمریکا جدا نیست و مبارزه با صهیونیسم و آمریکا، فقط در طور مرز محدودی خلاصه نمی‌شود، بلکه یک مسأله‌ی جهانی است. به همین دلیل هم کلاً مبارزه با صهیونیسم و امپریالیسم باید به تمام کشورهای اسلامی در سطح جهان گسترش پیدا

بکند و این جبهه گسترده شود.

در همان طرح که اوائل مطرح شد از طرف وزارت خارجه، اگر پادتان باشد ما اعلام کردیم که مسأله‌ی راه‌پیمایی ۲۰ میلیونی که آقای منتظری مطرح کرده بودند، این می‌تواند به صورت یک خط راهنما در مقابل چشم ما باشد. این ایده به نظر الآن خیلی دور می‌آید از نقطه نظر ما، ولی در آینده مسلماً دادن این شعار منجر به این خواهد شد که یک روزی جامه‌ی عمل به خود ببوشد و کار صهیونیزم را در منطقه یکسره کند.

موضع‌گیری رهبران فلسطینی

در مورد طرح فهد، اگر دقت کرده باشید، رهبران فلسطینی مواضع مختلفی را اتخاذ کرده‌اند. طبیعی است که ما مواضعی که از طرف رهبران سازش‌کار گرفته شده با آن مخالفت خواهیم کرد و تأیید می‌کنیم مواضعی را که خطر طرح فهد را فهمیده‌اند. در یک مصاحبه دیگر من اشاره کردم که کسانی که این طرح‌ها را قابل قبول می‌دانند در حقیقت در آن دامی که با دست خود تنیده‌اند گرفتار آمده‌اند، به خاطر این‌که فکر می‌کنند با سازش با آمریکا و اسرائیل می‌توانند چیزی را به‌چنگ بیاورند. این در وهله‌ی اول، خود آن‌ها را نابود خواهد کرد.

نهضت‌های آزادی‌بخش

پیام انقلاب: به‌نظر شما، رابطه و هم‌آهنگی واحد نهضت‌های آزادی‌بخش سپاه با وزارت خارجه چگونه باید باشد؟

ج: رابطه‌ی واحد نهضت‌های سپاه با وزارت امور خارجه، در یکی از کمیسیون‌های مجلس مورد بحث است؛ کلاً چیزی که هست، وزارت امور خارجه از خط سیاسی باید در کشور ما حاکمیت داشته باشد در تبیین خط سیاست خارجی فرق نمی‌کند حالا هرکس می‌خواهد در رأس وزارت امور خارجه باشد یا کلاً بافتش چگونه باشد. اگر ما یک بافت نامطلوب هستیم، باید دگرگونش بکنیم و به صورت مطلوب درآوریم.

وزارت خارجه را یاری کنیم

ولی در سیاست خارجی در کشور ما، اگر بخواهیم پیشرفتی داشته باشیم، اگر بخواهیم قاطعانه عمل بکنیم، اگر بخواهیم که صریح‌تر عمل بکنیم و مؤثرتر، باید یک صدا وجود داشته باشد و از یک کانال صدا جریان پیدا بکند برای همین باید سعی بکنیم که وزارت امور خارجه را در این زمینه یاری بکنیم و قوت بیشتری به آن ببخشیم.

گزارش وزرا

صبح آزادگان: آیا تاکنون از وزرای کابینه گزارش کار خواسته‌اید؟ و آن‌ها گزارشی برای شما تهیه کرده‌اند یا خیر؟

ج: در هیئت دولت، طبیعتاً وقتی برادران شرک می‌کنند از مشکلات وزارت خانه‌های خود مطالبی را بیان می‌کنند و جدیداً در برنامه‌ی هیئت دولت یک وقتی را اختصاص داده‌ایم که هر وزارت خانه‌ای مسایل خودش را بتواند در جمع هیئت دولت مطرح بکند. جلسه‌ی پیش هم مطرح شد که هر وزارت خانه‌ای به‌طور هفتگی گزارش کار خودش را به نخست‌وزیری بفرستد برای این‌که نخست‌وزیری حالت ستادی خودش را برای هم‌آهنگ کردن بین وزارت خانه‌های مختلف حفظ بکند.

کشورهای شرق

خبرگزاری پارس: چندی است که بنگاه‌های سخن‌پراکنی غرب، سخن از ایجاد روابط دیپلماتیک بین شوروی و عربستان می‌گویند. آیا تصور نمی‌کنید که این گفت‌وگوها برای جلب توجه کشورهای بلوک شرق؛ به‌خصوص شرکت کشورهای عضو جبهه‌ی پایداری در کنفرانس فاس باشد؟

ج: من احساس می‌کنم بیش از آن‌که برای شرکت اعضای جبهه‌ی پایداری در کنفرانس فاس باشد، بیشتر برای تحت فشار قرار دادن اعضای جبهه‌ی پایداری در سراسر کشورهای عربی است؛ به این معنی که عربستان با ایجاد ارتباط با شوروی،

طبیعتاً می‌تواند فشارهای قابل ملاحظه‌ای را بر لیبی و سوریه و یمن جنوبی وارد بیاورد.

بحران افغانستان

اطلاعات: در مورد رد طرح ایران درباره‌ی بحران افغانستان از جانب رژیم حاکم بر این کشور، چه تحلیلی دارید؟

ج: ما این طرح را برای قبول رژیم ببرک کارمل تهیه نکرده بودیم؛ طبیعی است که او مخالفت بکند؛ این یک مسأله است. مسأله‌ی دوم این‌که این طرح برای این ایجاد شده است که در دراز مدت خط مطلوبی را در جهت نیل افغانستان به استقلال واقعی فراهم بیاورد. طبیعی است که این طرح نه تنها با مخالفت رژیم افغانستان روبه‌رو بشود بلکه در سراسر جهان باب میل قدرت‌های شرقی و غربی هم نباشد. اصل این هست که ما برگردیم و ببینیم که خود ملت مسلمان قهرمان افغانستان در این مورد چه می‌گوید. ما فکر می‌کنیم که واکنش آن‌ها بسیار مطلوب بوده است. بد نیست بدانید خود گروه‌های مناقین هم با این طرح مخالفت کرده‌اند. این گفته رجوی است. خود این مسأله می‌تواند تا اندازه‌ای روشنگر باشد. جهت‌گیری این طرح را مخصوصاً اگر واژه‌هایی را که مناقین به کار می‌برند و چگونگی کاربرد واژه از سوی آن‌ها را با دقت نگاه بکنیم.

صرفه‌جویی در خرج‌های دولت

کیهان: در پی اعلام سیاست‌های اقتصادی دولت برای کاهش حجم پول در گردش، چه شیوه‌ای را به کار می‌برید؟

ج: ما منظورمان از این جمله این معنی است که در مصارف و خرج‌های دولتی در هزینه‌های دولت باید به شدت از ریخت و پاش‌ها جلوگیری شود، برای این‌که ارزش ریال پایین نیاید، برای این‌که تزریق پول از طریق دولت در کشور می‌تواند باعث ایجاد تورم شود، متأسفانه ضدانقلاب به خاطر این‌که این یک عبارتی نسبتاً فنی بوده

یک تلقی را ایجاد کرده که دولت مثلاً قصد سویی نسبت به سپرده‌های مردم در بانک‌ها دارد.

در صورتی که کسی در جمهوری اسلامی نمی‌تواند به هیچ وجه در مقابل سپرده‌های مردم موضعی بگیرد به این معنی تعبیر شود که در فکر مصادره این‌هاست به خاطر این که این هم جنبه‌ی غیرشرعی دارد و هم جنبه‌ی غیرقانونی، و شخصی. چنین ارگانی می‌تواند مورد تعقیب قانونی قرار بگیرد. در کشور ما، تضمین کافی برای بخش عمومی، بخش تعاونی و بخش خصوصی داده شده؛ مخصوصاً که اگر به ساخت دستگاه‌های دولتی خودمان نگاه بکنیم، می‌بینیم که به قدری نهادهای گوناگون در این زمینه مراقب هم هستند که هیچ کس دست از پا نمی‌توند خطا بکند و در بالای آن‌ها مسأله‌ی ولایت فقیه قرار می‌گیرد که مواظب هرگونه خطایی هست؛ شورای نگهبان هست، مجلس هست و نظایر این‌ها.

این چیزی که دولت قصد دارد تشویق کند، برای این که سرمایه‌هایی که در دست مردم است در امور تولیدی در جریان قرار بگیرد و تضمین می‌کند این سرمایه‌ها را که مورد خطر قرار نگیرد، تأکیدی که من در اولین سخنرانی‌م در نماز جمعه کردم و بعداً در مصاحبه‌های اخیر کردم، روی مسأله‌ی رعایت قانون و رعایت شرع به این مسأله برمی‌گردد که افرادی که سرمایه‌هایی دارند و تردید دارند که این سرمایه‌ها را به کار بیندازند، آن را به کار بیندازند و بدانند که نظام جمهوری اسلامی حافظ این سرمایه‌هاست. و حافظ سپرده‌های مردم در بانک‌هاست. گفتیم در جمهوری اسلامی ما یک احساس حقارت نسبت به نظام‌های مختلف در جهان نمی‌کنیم، الگوی خاص خودمان را داریم. در این نظام، بخش دولتی مطابق تعریفی که قانون اساسی از آن می‌کند و حدودش را معین می‌کند، حضور خواهد داشت و از بین نخواهد رفت. بخش تعاونی، گسترش پیدا خواهد کرد و بخش خصوصی هم نقش خودش را خواهد داشت و کسی نمی‌تواند گام بردارد. برای مقابله با هیچ یک از این بخش‌ها و تا الآن من به نظر نمی‌آید که کسی از مسئولین در جهت از بین بردن بخش خصوصی آن‌چنان که ضدانقلاب دارد شایع می‌کند حرفی بر زبان رانده باشد. این چیزی که مردم

می‌توانند روی آن دقت کنند و بدانند که در این زمینه ضدانقلاب فعالیت گسترده‌ای را شروع کرده ولی خوشبختانه با صحبتی که برادرمان آقای هاشمی در نماز جمعه کردند، ما خبرهایی داریم که مردم اعتمادشان بازگشته و دوباره دارند اندوخته‌های خودشان را در بانک‌ها ذخیره می‌کنند و این مسلماً به نفع اقتصاد و نظام جمهوری اسلامی ماست.

ادعای مجله‌ی تایم

ماهانامه‌ی شاهد: آیا ادعای «مجله‌ی تایم، مورخ ۲۲ نوامبر»، مبنی بر ورود یک گروه ۳۶ نفری از کارشناسان امنیتی اتحاد جماهیر شوروی به ایران و سازمان‌دادن به سیستم امنیتی را تأیید می‌کنید؟ چرا این مسأله هم‌زمان با مانور ستاره‌ی درخشان آمریکا در منطقه مطرح شده است؟

ج: بله! این تایم، بد نیست که اصل مقاله‌اش را هم بخوانید. می‌گویند دروغ را گویز آن قدر غلیظ می‌گفت که کسی نتواند باورش شود، با یک جزئیات عجیب و غریبی شروع کرده راجع به ۳۶ نفر که کدام هتل آمدند، کجا غذا خوردند، با کسی ملاقات کردند، اسم جاها و چیزهایی عجیب غریبی را سر هم کرده، آن نویسنده مقاله که با یک کاریکاتوری چاپ کرده من فکر می‌کنم قصد از این مسأله، بهانه‌دادن به کشورهای مرتجع منطقه هست که همیشه به بهانه‌ی خطر کمونیسم و خطر شوروی سعی می‌کنند که حضور آمریکا را توجیه بکنند. مانوری که سربازان آمریکا را در چند صد کیلومتری مکه و مدینه پیاده کرده، یا حضور آواکس‌ها را توجیه بکنند. جالب این جاست که برای این که به این خبر بُعد بیشتری بدهند؛ یعنی جنجالیش بکنند، ادعا می‌شود که رویتر بلافاصله بعد از این خبر اعلام کرده است که این خبر دروغ است. می‌دانید که در عرف روزنامه‌نگاری این داع‌کردن مسأله است که حالا دروغ است، دروغ نیست، بعد گرم‌کردن مسأله. در صورتی که با نخست‌وزیری اصلاً تماسی گرفته نشده و نخست‌وزیری هنوز سخنگویی هم ندارد. بعد بلافاصله بعد از این خبر (چیزی که در سؤال مطرح نشده) این هست که عنوان شده که سازمان آزادی‌بخش

فلسطین، ۱۵ هزار افراد امنیتی و اطلاعاتی را به ایران فرستاده تا حفاظت مسؤولین جمهوری اسلامی را به عهده بگیرند و در این زمینه به سیستم اطلاعاتی ایران کمک برسانند. خوب! این‌ها همه معطوف به این مسأله‌ای است که گفتم. به علاوه یک مسأله‌ی دیگر و آن این است که به خاطر این‌که در عرض دو ماه گذشته، سیستم اطلاعاتی ۳۶ میلیونی ما قدرت خودش را نشان داده، در حقیقت این یک نوع تلاشی هم هست تا آن‌را لوث بکنند و این را به یک نیروهای دیگری نسبت دهند و طبیعی است که مردم ما با این دروغ‌ها، آن قدر روبه‌رو شده‌اند که نمی‌توند این مسایل روی آن‌ها اثری بگذارد ولی در منطقه می‌تواند اثر بگذارد و ما باید در این زمینه روشنگری بکنیم.

طرح پیشنهادی ایران

کیهان انگلیسی: در مورد طرح پیشنهادی ایران برای حل مسأله‌ی افغانستان، چه پیشرفت‌هایی حاصل شده است؟

ج: ببینید! در مورد طرح افغانستان، همان‌طور که اشاره کردم این نوع طرح‌ها اولاً یک سمت‌گیری به سیاست خارجی ما می‌دهد. به صورت محوری درمی‌آید که نوع موضع‌گیری آینده ما را در مورد مسایل منطقه روشن می‌کند. تصمیم‌گیری‌ها را از حالت روزمره به یک حالت استراتژیک درمی‌آورد.

این یکی از ویژگی‌هاست که باید به این مسأله توجه کنیم؛ یعنی هیچ‌کدام از این راه‌حل‌هایی که داده می‌شود در این سطح به این معنی نیست که الان داده می‌شود و روز بعد مورد قبول واقع می‌شود، سه روز بعد یک چیزی امضا می‌شود و در نتیجه مسأله‌ای اتفاق می‌افتد. نه وزارت خارجه با این خصوصیت این طرح را در مورد افغانستان داده؛ از سوی دیگر تبلیغات وسیعی می‌شود و فشار زیادی به کشور ما وارد می‌شد که در مقابل راه‌حل‌های گوناگون که برای افغانستان داده شده، بالاخره شما یکی را قبول کنید؛ فرضاً بازار مشترک اروپا طرحی ارائه داده بود، سازمان ملل (والدهایم) دنبال یک طرحی بود، پاکستان برای خودش طرحی داشت، افغانستان

پیشنهاد کرده بود بین ایران و پاکستان و آن رژیم یک گفت‌وگویی صورت بگیرد در مقابل ایران تا آن موقع سکوت کرده بود برای این‌که کشور ما نمی‌توانست خارج از آن چهارچوب‌های مکتبی حرکت بکند.

طرح افغانستان در چهارچوب‌های مکتبی

این طرح، در حقیقت جستن یک راه‌حل در چهارچوب‌های مکتبی است. البته با در نظرگرفتن یک مکانیزم‌های پیچیده‌ای که در منطقه حکمفرماست و هم‌چنین در جامعه‌ی افغانستان. شما به‌همان ۳۰ روحانیتی که ما آورده‌ایم توجه بکنید. این مسأله این معنی را می‌تواند داشته باشد که اولاً؛ در صورت تحقق، افرادی در آن شورا خواهیم داشت که متعلق به تمام جهان اسلام هستند و ضمانت خیلی قوی را برای کار نیروهای صلح می‌تواند به‌وجود بیاورد؛ ثانیاً؛ تا موقعی که این مسأله تحقق پیدا بکند، پشتیبانی تمام روحانیت متعهد جهان را نسبت به این طرح و نسبت به انقلاب اسلامی ایران برمی‌انگیزد؛ به‌طور مثال یعنی بند بند این طرح براساس یک هم‌چنین محاسبه‌هایی گذاشته شده. به‌رحال ما امیدواریم که بالاخره این طرح باعث شود که شوروی به این نتیجه برسد که نمی‌تواند در آن‌جا بماند و به‌هیچ‌وجه مسلمانان در سراسر جهان و در ایران راضی نخواهند بود که تا ببینند ارتش سرخ شوروی در یک کشور مسلمان باشد و با آن مقابله خواهند کرد و با قبول دو اصل و چهارچوب کلی که گفتیم مقدمات خروجش را از آن‌جا فراهم بکند تا مردم به سرنوشت خودشان در افغانستان حاکم شوند.

ایجاد وزارت تعاون

روزنامه‌ی جمهوری اسلامی: شما قبلاً در مصاحبه‌ای با روزنامه‌ی جمهوری اسلامی اعلام نموده بودید که وزارت تعاون تأسیس خواهد شد. لطفاً در این مورد بیشتر توضیح داده و چه اقداماتی در این زمینه صورت گرفته است؟
ج: در مورد تشکیل این وزارت‌خانه یک لایحه‌ای تنظیم شده. در یک بررسی

۴۹۲ کیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

همه‌جانبه قرار است یک کمیسیونی به وجود بیاید متشکل از وزارت‌خانه‌های کار و صنایع و بازرگانی و کشاورزی و یکی دو وزارت‌خانه دیگر که این لایحه را از ابعاد گوناگون بررسی بکنند تا یک طرح جامع و بی‌نقصی را به دولت بیاورند تا دولت آن را ارائه بدهد به مجلس.

راه حل بین‌المللی

پیام انقلاب: درباره‌ی طرح افغانستان که از طریق وزارت امور خارجه اعلام شد، چه هم‌آهنگی با واحد نهضت‌های آزادی‌بخش سپاه که در حدود سه سال با ما در این رابطه کار کرده است، انجام گرفته است؟

ج: در مورد این طرح، کلاً طرح افغانستان به مطالعات و تحقیقات متعددی که در مورد افغانستان انجام شده بود، رجوع شده.

مسئله‌ی دوم این هست که عنوان کردن یک راه‌حل بین‌الملل برای مسئله‌ای غیر از آن که به شرایط داخلی یک کشوری ارتباط پیدا می‌کند به اوضاع بین‌الملل و نیروهایی که در صحنه هستند نیز ارتباط پیدا می‌کند که در نتیجه علاوه بر آن تحقیقات با اسنادی که در وزارت امور خارجه در دست بوده و تحقیقاتی که در رابطه با نیروهای گوناگون در صحنه‌ی نبرد سیاسی در جهان صورت گرفته، این طرح پیاده شده.

ستاد بسیج اقتصادی تقویت خواهد شد

صبح آزادگان: در مورد نقش برادر نبوی، وزیر مشاور در امور اجرایی در کابینه و

ستاد بسیج اقتصادی چه تصمیم دارید؟

ج: در مورد ستاد بسیج اقتصادی من اشاره کردم، ستاد تقویت خواهد شد و گسترش پیدا خواهد کرد؛ اتفاقاً دیروز برادرمان نبوی در هیأت دولت گزارشی را در مورد ستاد ارائه داد به هیأت دولت و همان‌طور که اشاره کردم اولین جلسه ستاد هم تشکیل شده و در آینده هم با قدرت تمام این کار ادامه پیدا خواهد کرد و چیزی که در رابطه

نظرات مهم نخست‌وزیر درباره‌ی... ۴۹۳

با این سؤال من می‌توانم بگویم این هست که نقش برادرمان نبوی فقط در ارتباط با ستاد نیست، نقش ایشان در هیئت دولت گسترده‌تر است. ایشان نقش سازنده و فعالی در هیئت دولت دارند و مسؤولیت‌های بسیار سنگینی بر دوش ایشان هست اگرچه وزیر مشاور در امور اجرایی ظاهراً وزارت‌خانه‌ای در اختیار ندارد، ولی شاید سنگین‌ترین وظیفه اگر نگوییم یکی از وظایف سنگین هیئت دولت را بر دوش می‌کشد...^(۱)

فرمان بسیج عمومی امام به ملت، دولت، مجلس و ارکان‌های انقلاب

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران به مناسبت سالروز تشکیل بسیج مستضعفان، پیامی به این شرح فرستادند:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

درود بی‌پایان نثار ملت شریف عظیم‌الشان ایران که با همت والای خود در مقابل هر پیشامد و خطری شجاعانه و عاشقانه ایستاده و مقاومت نموده و در راه خداوند تعالی و جمهوری اسلامی که کفیل پیاده نمودن احکام روشنی‌بخش و مترقی اسلام است از هیچ کوشش و بذل جان و مال دریغ ننموده و سلام بر قوای مسلح و رزمندگان پرشور و عاشق لقاءالله که در راه هدف مقدس سر از پای نشناخته و جان برکف به دفاع از حق و میهن عزیز خود در جبهه‌ها و پشت جبهه و جهاد مقدس تا پیروزی نهایی ادامه می‌دهد و رحمت و برکات خداوند بزرگ بر بسیج مستضعفان که به حق پشتوانه انقلاب اسلامی و به کوشش ارزنده‌ی خود ادامه داده و به حمدالله

تعالی، با همت جوانان برومند و داوطلبان گروه میلیونی رزمنده تربیت و امید آن است که با شرکت فعال قشرهای معظم ملت و شور و شغنی که در جوانان عزیز از برکت اسلام مشاهده می شود، ارتش ۲۰ میلیونی که نگهبان جمهوری اسلامی و کشور عزیز از شر جهان خواران متجاوز است، تحقق یابد. شما عزیزان و جوانان بزرگوار باید بدانید که حفظ و حراست اسلام و کشور اسلامی و دین حق از بزرگ ترین طاعتی است که از صدر عالم تاکنون انبیاي معظم و اولیای بزرگ صلوات الله علیهم اجمعین در راه آن کوشش جان فرسا نموده و از هیچ فداکاری دریغ ننموده اند و تربیت و تعلیم و تعلم فنون نظامی در راه این هدف، ارزنده ترین ارزشها است. و تا شما جوانان بیدار و سایر قشرهای ملت بزرگ با این شور و شعور در صحنه حاضرید، به کشور و جمهوری اسلامی آسیبی نخواهد رسید.

شما ملت معظم که می خواهید از دین خدا دفاع کنید و نگهبان کشور ولی الله الاعظم اروحنا المقدمه الفداء باشید، مطمئن باشید که دست قدرت خداوند قادر بر سر شما سایه افکنده و عنایات غیبی شامل حال شما است و شر اشرار و توطئه های شرق و غرب را خنثی خواهد فرمود.

ملت عزیز با توجه به این که قدرت های جهانی از هر طرف در صدد به شکست کشاندن جمهوری اسلامی که دست آنان را از چپاول اموال این ملت مظلوم کوتاه کرده می باشد باید همگی تشریک مساعی در رفع مشکلات کشور عزیز نمایند و در پیشبرد اهداف اسلام بزرگ از هیچ کوششی دریغ ننمایند و هر گروه و دسته ای در هر مقام است در این هدف عالی اسلامی کوشا باشند.

مجلسیان در تصویب لویحی که از ارگانها به آنان می رسد با تحقیق و تدقیق و مراعات موازین اسلامی تسریع نمایند و مواردی که احتیاج به تشخیص متخصصین دارد از آنان دعوت و مشورت و نظرخواهی نمایند و شورای نگهبان در نظارت به قوانینی که می گذرد، چه مربوط به مسائلی باشد که تماس با احکام اولیه شرعی دارد یا احکام ثانویه با مراعات همه جوانب نظر دهند و دولت مردان در اجرای قوانین مذکور تسریع و در عدم تجاوز از حدود قانون، سخت گیری نمایند و متجاوزان از هر قشر و دسته ای باشند به دادگاهها بسپارند تا به مجازات برسند و شورای قضایی در کار پرزحمت و ارزنده ی خود با سرعت عمل مسأله ی مهم و مشکل قضا را حل نماید

و متخلفان از موازین اسلامی را به دادگاه‌ها دعوت و به مجازات شرعی برسانند. و رزمندگان و قوای مسلح نظامی و غیرنظامی و کمیته‌ها و نیروهای مردمی از عشایر و سایر قشرها در پیشبرد جنگ در جبهه‌ها و در جلوگیری از شرارت منافقان و منحرفان با تشریک مساعی و کمک اطلاعاتی میلیونی مردم متعهد از کوشش شبانه‌روزی دریغ نمایند و جهاد سازندگی و بنیاد مستضعفان و متصدیان امور جنگ‌زدگان و آوارگان بر قدرت فعال خود بیفزایند و بسیج مستضعفان که سالروز آن‌را به ملت ایران و جوانان متعهد و مؤمن تبریک می‌گوییم در تعلیم و تربیت جوانان و نوجوانان مساعی جمیله خود را روزافزون کند و نویسندگان و روشنفکران متعهد و رسانه‌های گروهی بر حجم تبلیغات خود افزوده و تبلیغات دامنه‌دار دشمنان جمهوری اسلامی ایران را خنثی نمایند و شورای فرهنگی کوشش کنند که با کمک مستضعفان و دانشمندان، دانشگاه‌ها باز و به کار خود ادامه دهند.

و بر عالمان دانشمند است که دعوت شورا در این امر حیاتی لبیک گویند و ملت شریف که انقلاب اسلامی را به پیش بردند در تمام مشکلات جنگی و نظامی و اقتصادی و فرهنگی با متصدیان این امور همراهی و هم‌فکری نمایند و حوزه‌های مقدسه علمیه در تمام کشور در تربیت قضات شرع و مبلغان و فقها و دانشمندان بیش از پیش کوشش نمایند که امروز احتیاج به این قشرها بیش از سابق است و تکلیف مهم بیشتری متوجه آنان است و علمای اعلام و ائمه‌ی جماعات و خطبای محترم بر حجم ارشاد و راهنمودهای خود بیفزایند و قشرهای میلیونی مردم را متوجه طرق نگرهبانی از اسلام و احکام مقدسه آن و حراست از جمهوری اسلامی نمایند و به‌توده‌های متعهد میلیونی اسلامی لزوم تشریک مساعی در تمام امور کشوری و لشکری و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی را گوشزد نمایند و به آنان توصیه کنند که برای کمک به اقتصاد کشور که امروز از اهم مسایل است، از اسراف و تبذیر اعمال امور تشریفاتی و تجملی اجتناب نمایند و از سپردن پول‌های خود اگرچه اندک باشد به بانک‌های دولتی برای بهره‌برداری چرخ‌های اقتصاد و کمک به دولت اسلامی دریغ نمایند و از کمک‌کردن به جنگ و جنگ‌زدگان غفلت نمایند و از شرکت در بسیج مستضعفان و تعلیم و تربیت دیدن برای حراست از اسلام عزیز کوشا باشند.

و کوتاه سخن آن‌که امروز جمهوری اسلامی و دیهه‌ای است که از جانب خداوند

فرمان بسیج عمومی امام به ملت، ... ۴۹۷

متعال به ملت ایران سپرده شده و همه ما از زن و مرد و پیر و جوان در حفظ این ودیعه مسؤول هستیم و باید تمام قشرها با اتکال به خداوند تبارک و تعالی و وحدت کلمه و اجتناب از اختلاف، جمهوری اسلامی را نگهبان باشیم و راه مستقیم انسانیت و اسلامیت را به توفیق الهی ادامه دهیم. از خداوند متعال توفیق همگان را در خدمت به خلق خدا و آئین مقدس او خواستارم.

والسلام علی عبادالله الصالحین

روح الله الموسوی الخمینی - ۴/۹/۱۳۶۰^(۱)

آیت‌الله منتظری، ۱۲ تا ۱۷ ربیع‌الاول را هفته‌ی وحدت جهان اسلام اعلام کرد.

قم - خبرگزاری پارس

فقیه عالی‌قدر، حضرت آیت‌الله منتظری دیشب طی پیامی خطاب به‌وزیر ارشاد اسلامی خواستند که روزهای دوازده الی هفده ربیع‌الاول به‌مناسبت تولد حضرت محمد ﷺ پیامبر بزرگ اسلام، به‌نام هفته‌ی وحدت بین مسلمین جهان نامگذاری شود. متن پیام به‌شرح زیر است:

بسمه تعالی

جناب حجت‌الاسلام آقای معادپخواه، وزیر محترم ارشاد اسلامی، ادامت‌افاضته همان‌گونه که توجه دارید، جهان اسلام پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، مورد توجه دشمنان دیرینه اسلام و مسلمین به‌خصوص شیطان بزرگ آمریکا و صهیونیسم قرار گرفته و هر روز به‌شکلی کشورهای اسلامی را دچار تفرقه و خصومت می‌کنند و آخرین طرحی که یکی از اهداف خبیث آن، همین بود و به‌حمدالله

تعالی با شکست مواجه شد، طرح آمریکایی فهد یا کمپ دیوید دوم بود. هم‌اکنون جهان اسلام با سرعت با الهام از انقلاب ایران که براساس حرکت اسلامی و محور رهبری معظم انقلاب حضرت امام خمینی مدظله در حال تولدی جدید می‌باشد. از این روی به‌جاست طبق آیهی شریفه «و من یعظم شعائرالله فانها من تقوی القلوب» و سیره‌ی پیامبر و ائمه‌ی اطهار سلام‌الله‌علیه‌اجمعین، و برخلاف خواسته‌ی دشمنان اسلام به‌شعائر عظیم اسلام و مورد احترام و قبول امت بزرگ اسلامی بوده توجهی بیشتر مبذول گردد. یکی از این شعائر، میلاد پربرکت پیامبر عظیم‌الشان اسلام، حضرت محمد بن عبدالله ﷺ می‌باشد.

ولی از آن‌جا که مع‌الأسف تاریخ این میلاد معظم که در حقیقت آغاز حرکت جدید در تاریخ بشریت بود، از اختلاف مصون نمانده و در بسیاری از کشورهای اسلامی برخلاف آنچه در تاریخ و بین ملت‌ها قطعی است، به‌جای هفده ربیع‌الاول، دوازده ربیع‌الاول را تاریخ میلاد آن حضرت می‌دانند، بسیار مناسب و به‌جاست که روزهای دوازده الی هفده ربیع‌الاول را هفته‌ی وحدت اعلام داشته تا ضمن هم‌آهنگی با سایر مسلمانان به‌خواست الهی با تنظیم برنامه‌های پرمحتوا در داخل و خارج کشور، صدای انقلاب اسلامی ملت قهرمان ایران را به‌گوش جهان محرومین و مستضعفین برسانیم.

توفیق همگان را در این رسالت اسلامی از خدای بزرگ مسألت دارم.

والسلام علیکم ورحمت‌الله.

حسینعلی منتظری - ۶/۹/۱۳۶۰ (۱)

نظر دادستان کل کشور درباره‌ی مسائل مهم قضایی

آیت‌الله ربانی املشی، دادستان کل کشور در مصاحبه‌ای با مجله‌ی پیام انقلاب، نقطه‌نظرهای خود را در رابطه با پلیس قضایی کشور و وضع زندانیان در جمهوری اسلامی و اطلاعیه‌ی ده ماده‌ای دادستانی کل انقلاب و... تشریح کرد که قسمت‌هایی از این مصاحبه از نظر گرامیتان می‌گذرد.

... از مدت‌ها قبل در صدد تشکیل پلیس قضایی بوده‌ایم و مقدمات را تا حدود زیادی فراهم کرده بودیم. متأسفانه از نظر قانونی در زمان بنی‌صدر یک مرتبه با یک «ان قلتی» که بنی‌صدر زد ما با اشکال مواجه شدیم؛ یعنی این‌ها اشکال کردند که این مطلب هزینه برمی‌دارد، و چون چنین است باید مجدداً در مجلس شورای اسلامی رسیدگی و تصویب شود. در صورتی‌که شورای انقلاب آنرا تصویب کرده بود. ما هم به‌خاطر این‌که سرو صدا بلند نشود، تحمل کردیم و لایحه را به مجلس فرستادیم خوشبختانه در مجلس هم تصویب شد، و ما چون از مدت‌ها قبل در صدد انجام این مهم بودیم، و مقدمات آنرا تا حدود زیادی فراهم کرده بودیم، اقدام کرده و الآن می‌توانم بگویم تا حدودی پلیس قضایی تشکیل یافته و حدود

۸۰ نفر استخدام کرده‌ایم. برای نوبت دوم نیز ۱۲۰ نفر در شرف استخدام هستند و به ترتیب به‌میزانی که بتوانیم از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای آموزش نظامی این پرسنل کمک بگیریم، در این کار پیشرفت خواهیم کرد.

البته پلیس قضایی شامل دو قسمت است:

۱ - نظامی

۲ - غیرنظامی

در قسمت نظامی می‌خواهیم پلیس قضایی ضابط قوه‌ی قضائیه باشد. تاکنون ضابط قوه‌ی قضائیه، شهربانی، ژاندارمری، کمیته و غیره بوده‌اند که می‌خواهیم به تدریج از این وضع بیرون بیایم. در نظر داریم یک‌دسته به‌عنوان ضابط قوه‌ی قضائیه داشته باشیم که آموزش‌های علمی و لازم را در مورد ضابطه‌ی قوه قضائیه بودن، دیده باشند.

البته برای رسیدن به این هدف راه طولانی‌ای در پیش داریم و از مراحل ابتدایی شروع کرده و به تدریج پیشرفت می‌کنیم و ان‌شاءالله در ظرف مدتی نه‌چندان طولانی بدان خواهیم رسید. در حال حاضر به تناسب حجم و توان ضابطینی که به‌کار می‌گیریم، جایگزین پلیس می‌نماییم تا وقتی ضابطین توانایی انجام امور قوه‌ی قضایی را به‌دست آورند. قسمت غیرنظامی پلیس قضایی، شامل افرادی می‌شود که جزء پرسنل نظامی محسوب نمی‌شوند و به‌کارهایی نظیر رساندن اخطار، ابلاغ،... مشغول خواهند بود.

سؤال شد: در سطح کشور دیده می‌شود بعضی از زندانیان بیش از مدتی که قاعدتاً باید تکلیفشان مشخص شود، در بازداشتگاه می‌مانند، نظر شما در این مورد چیست؟ و برای رفع این مشکل چه پیشنهادی دارید؟

دادستان کل کشور در پاسخ به این سؤال گفت: این مسأله، همه‌ی مسئولین قوه‌ی قضائیه و مخصوصاً شورای عالی قضایی را خیلی رنج می‌دهد. ما میل نداریم که افراد بیش از اندازه برای روشن‌شدن وضعیتشان در زندان بمانند و سعی ما براین است که هرچه سریع‌تر بتوانیم این مسأله را حل کنیم. متأسفانه در شرایط فعلی ما با گروه‌های ضدانقلاب مواجه هستیم و این‌ها از هر طرف ما را زیر فشار قرار می‌دهند. چون ما که نمی‌خواهیم این‌ها را بگیریم و جای زیادی برای نگاه‌داشتن این‌ها نداریم. ولی این‌ها همان‌هایی هستند که می‌گویند: «عسس

بیا ما را بگیر!» و ما را مجبور کردند که دستگیرشان کنیم. پس از دستگیری، این‌ها را به زندان می‌فرستیم و پرسنل ما برای رسیدگی به‌کار این‌ها محدود است. سعی می‌کنیم هرچه بیشتر بتوانیم تعداد پرسنل را اضافه بکنیم و تعداد پرسنلی که برای رسیدگی به این‌کارها داریم، آن‌قدر فداکاری و از خودگذشتگی نشان می‌دهند که یکی از برادران می‌گفت: این‌ها شاید بیش از سه الی چهار ساعت در شبانه‌روز خواب نداشته باشند. تمام استراحت و خواب و زندگانی را گذاشته‌اند و مشغول رسیدگی به‌کار این افراد هستند.

با این حال، من اذعان و تصدیق می‌کنم آن‌طور که باید و شاید نمی‌توانیم با سرعت به‌این کارها رسیدگی نماییم. این نتیجه‌ی عمل خود گروهک‌هاست، زیرا ما را با عمل انجام‌شده مواجه ساختند. و ما به‌هیچ‌وجه میل نداریم جوانان عاطل و باطل در گوشه‌ی زندان بمانند ولی خود آن‌ها کردند. و ما ناچاریم رسیدگی کنیم برای این‌که می‌بینیم تا همه‌جا کمر همت برای انهدام این مملکت بسته‌اند و هرچه اربابان و دشمنان اسلام می‌خواهند، این‌ها اعلام آمادگی کرده و می‌کنند. ما مجبوریم برای این‌که مسایلی پیش نیاید تا هر جا که بتوانیم ضدانقلاب را دستگیر کنیم.

از آیت‌الله ربانی املشی سؤال شد: در مرحله‌ی کنونی انقلاب: پاسداران انقلاب در مواجهه با گروه‌های مختلف سیاسی، مرز انقلاب و ضدانقلاب را چگونه تشخیص دهند؟ و آیا اعلامیه‌ی ده ماده‌ای به‌قوت خود باقی است؟

وی در پاسخ به‌این سؤال گفت: اگر بخواهیم برای تشخیص انقلابی و غیرانقلابی مسایلی را مطرح کنیم، آن رشته سر دراز دارد! و باید ضوابط مختلفی را در نظر بگیریم. و مشخص کنیم چه کسانی انقلابی، بی‌تفاوت و چه کسانی ضدانقلاب هستند. ولی فعلاً من تصور نمی‌کنم این‌کار برای ما خیلی لازم باشد. چیزی که دانستنش لازم است، این است که ضابطین قوه‌ی قضائیه متعرض چه کسانی به‌عنوان ضدانقلاب می‌توانند بشوند که در این خصوص بهترین معیار فعلاً همان اعلامیه‌ی ده ماده‌ای دادستان انقلاب است، که با تصویب و تأیید شورای عالی قضایی داده شده بود. حال ضدانقلاب در داخل آن هست یا نیست، ما باید از حدود مقررات تجاوز نکنیم. قوه‌ی قضائیه فعلاً دستور می‌دهد که در همین محدوده می‌توانیم متعرض افراد شویم. خروج از این محدوده را اجازه نمی‌دهد، ضابطین قوه‌ی قضائیه

نظر دادستان کل کشور درباره‌ی ... ۵۰۳

نمی‌توانند به تمایلات خودشان توجه کرده و از این محدوده خارج شوند. و خلاصه معیار همان اعلامیه ده ماده‌ای دادستان انقلاب است که به قوت خود باقی است.^(۱)

بیانیه‌ی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی: سخنی با دولت

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در بیانیه‌ی یکصد و هشتم این سازمان تحت عنوان «سخنی با دولت جدید»، ضمن تهنیت‌گویی به ریاست جمهور مجلس، نخست‌وزیر و کابینه‌ی جدید جمهوری اسلامی ایران، ضرورت احقاق حقوق مستضعفین را بار دیگر یادآور شده و از اعمال ولایت فقیه از سوی امام به‌عنوان موفقیت درخشان مجلس شورای اسلامی یاد کرده و این شایستگی را بار دیگر به مجلس تبریک گفته است.

در این بیانیه، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، ضمن ارائه‌ی راه‌حل‌هایی به‌منظور مقابله با توطئه‌های ضدانقلاب داخلی و امپریالیسم جهانی به‌سرکردگی شیطان بزرگ آمریکا، برای حل دشواری‌های اقتصادی کشور راه‌حل‌هایی را پیشنهاد نموده و آرزو کرده است، تدوین هرچه سریع‌تر برنامه‌های اقتصادی درازمدت و میان‌مدت جمهوری اسلامی که آینده‌ی روشن اقتصادی جامعه را تضمین نموده و هرچه زودتر جلوی پراکنده‌کاری‌ها، بلاتکلیفی، هرزروی‌ها و اقدامات بی‌برنامه‌ی مقطعی گرفته شود.

در آغاز این بیانیه آمده است: مرحله‌ی سوم انقلاب اسلامی با عنایت الهی و رهبری

پیامبرگونه‌ی امام و توده‌های حزب‌اللهی مردم، در همین مدت کوتاه (از عزل بنی‌صدر تاکنون) را گشوده است. آن‌چنان‌که اینک «حال» بی‌هیچ تردیدی باثبات‌تر و پرقدرت‌تر از «گذشته» و «آینده» روشن‌تر و پرشکوه‌تر از همیشه می‌باشد.

سپس از رأی بی‌نظیر مردم به سومین ریاست‌جمهور که نشانه‌ی اوج‌گیری حرکت و اعتماد مردم به «خط امام» بود و تفویض اختیار تشخیص موضوع «اعمال ولایت» از طرف ولی فقیه زمان، «امام خمینی» به مجلس شورای اسلامی و هم‌چنین تشکیل کابینه‌ی جدید با تمامی وزرا با کلبیتی درخشان به‌ویژه نخست‌وزیری جوان و پرتلاش و بی‌ریا به‌عنوان نزدیک‌ترین این پیروزی‌ها یاد شده است.

در بخش دیگری از بیانیه، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی «پس از استقرار کامل مجدد و آغاز حرکت پیگیر و دوباره» فرصت را مغتنم شمرده و ضمن عرض تبریک به رئیس‌جمهوری، نخست‌وزیر، کابینه‌ی جدید و مجلس شورای اسلامی بر مواردی چند تأکید ورزیده است.

حفظ هوشیاری لازم در برابر توطئه‌های جدید امپریالیسم آمریکا و اجزای این توطئه از جمله طرح هشت ماده‌ای فهد، مانور ستاره‌ی درخشان، جنگ تحمیلی رژیم مزدور عراق از این موارد است و نیز در رابطه با مقابله با ضدانقلاب داخلی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، خواستار تداوم قاطعیت در برخورد با عاملان تروریسم و فتنه‌گران داخلی شمرده و در اشاره به ترفندهای سازمان عفو بین‌المللی خاطر نشان کرده است: ما می‌دانیم گرچه ضربات مؤثری بر پیکر تروریسم وارد آمده است، ولی هنوز در گوشه و کنار، آثار فتنه و شرارت آنان علیه مردم و انقلاب مشاهده می‌شود و اطلاعات دیگر نیز نشان می‌دهد که تهمانده‌های اینان به‌امید شرارت‌های بیشتری در آینده می‌باشند و این خود هوشیاری و آمادگی هرچه بیشتر مسئولین را می‌طلبد. ما پیگیری و اجرای طرح ایجاد «سازمان اطلاعاتی» و نیز پیگیری هرچه بیشتر برای دستگیری و ریشه‌کنی اینان را از نیازهای اساسی انقلاب اسلامی در این مرحله می‌دانیم.

بخش دیگر بیانیه‌ی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به بررسی اوضاع اقتصادی کشور و مسایل آن اختصاص یافته است. در این بخش با اشاره به اوضاع کنونی اقتصاد کشور و

بحران‌های آن که ناشی از درهم ریختگی اقتصادی در رژیم سابق، تحریم اقتصادی رسمی و غیررسمی مستکبرین غربی، توطئه‌های داخلی به‌منظور به‌تعطیل‌کشیدن اقتصاد مملکت (نفیج) تحریک برای ایجاد اعتصاب‌ها و کم‌کاری‌ها، جنگ‌های داخلی که مانع تولید در مناطق جنگ‌زده شد، بحران‌های سیاسی ناشی از نفوذ عناصر آمریکایی و در خط آمریکا در حاکمیت جامعه (سبب بی‌ثباتی، فقدان برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، و جلوگیری از کنترل اقتصاد مملکت توسط نیروهای خط امام و دولت مکتبی شهید رجایی گردید) می‌باشد و اکنون، عوارض اقتصادی ناشی از جنگ تحمیلی ۱۴ ماهه و توطئه نفتی عربستان برای جلوگیری از صدور نفت ایران بر آنان مزید شده است.

در ادامه‌ی بیانیه ضمن تجلیل استقامت و پایداری معجزه‌گونه‌ی جمهوری اسلامی در برابر این بحران‌ها که می‌توانست رژیم‌های قدرتمند و باثباتی را سرنگون کند، گفته شده است: این مقابله و پایداری جز به یاری ﴿اللَّهُ﴾ در سایه‌ی استقامت مردم و هم‌آهنگی آن‌ها با دولت و در نتیجه برنامه‌های انقلابی آن که در بدو اجرا مورد شدیدترین حملات ضدانقلاب قرار گرفت، نمی‌توانست انجام پذیرد. سپس برای حل دشواری‌های اقتصادی، پیشنهاداتی چند از سوی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی طرح شده که مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیر است:

الف - حفظ ذخایر ارزی کشور (... کاستن از واردات کالاهای غیرضروری و وابستگی به کالاهای خارجی به‌خصوص در زمینه‌های تولیدی)

ب - جلوگیری از افزایش کسری بودجه (... ۱ - صرفه‌جویی در هزینه‌های جاری دولت ۲ - کم‌کردن ضرر و زیان دولت، ناشی از پرداخت سوبسید و ضرر بابت کالاهای غیرضروری و یا مورد نیاز اقشار جامعه مانند حذف سوبسید آب و برق و تلفن و... مصرف‌کنندگان پر مصرف و طبعاً پردرآمد از طریق ایجاد سیستم‌های چند نرخ و حذف ضرر و زیان کارخانجات تولیدی که تولیدات آن‌ها مورد نیاز عموم مردم نیست؛ به‌عنوان مثال، هیچ ضرورتی ندارد که کارخانه‌ی ایران ناسونال برای تولید هر پیکان حدوداً ۲۰ هزار تومان ضرر بدهد. ۳ - بالا بردن میزان درآمد دولت از طریق اخذ مالیات‌های مستقیم و اصلاح سریع سیستم مالیاتی، تأمین اشتغال در

زمینه‌ی کارهای تولیدی (و نه عمرانی که موجب تورم می‌شود)

ج - مقابله‌ی جدی، سریع و قاطع با بالا رفتن نرخ تورم:

در این قسمت کمبود عرضه‌ی کالا به نسبت تقاضا، بالا رفتن میزان قدرت خرید طبقات مستضعف، عدم کنترل مصرف... و انحصار و احتکار سرمایه‌داران از خدا بی‌خبر و گرایش به سرمایه‌گذاری در بخش تجاری به جای بخش‌های تولیدی از جمله علل گرانی و تورم ذکر شده است و برای مقابله با گرانی و تورم پیشنهادهای به شرح زیر شده است: ۱ - بالا بردن تولید صنعتی و کشاورزی در زمینه نیازهای اساسی جامعه ۲ - اجرای پروژه‌های تولیدی با حداقل وابستگی و حداقل زمان ۳ - کم کردن مصرف با کار فرهنگی و تبلیغاتی ۴ - کنترل توزیع کالاهای اساسی و کوتاه کردن دست بخش خصوصی سرمایه‌داز از توزیع کالاهای استراتژیک و جلوگیری از اسراف.

برای اعمال سیاست‌های پیشنهادی فوق؛ خصوصاً کم کردن مصرف و کنترل توزیع کالاهای اساسی توسط دولت، باید از آمادگی روحی مردم استفاده و با کار فرهنگی و تبلیغاتی با کمک مراجع و روحانیت مبارز و توضیح و تشریح دقیق مشکلات و راه حل برای مردم، بر آمادگی‌های مزبور افزود و در ضمن با مقاومت و جوسازی‌های بخش خصوصی که مایل نیست دستش از توزیع کوتاه گشته و به صنعت و کشاورزی رو آورد (بخش تولیدی) با قدرت و قاطعیت مقابله کرد.

و در آخرین بخش بیانیه آمده است:

«علاوه بر این‌ها، آنچه در زمینه‌ی مسأله‌ی جنگ که مسأله‌ی اصلی انقلاب اسلامی در شرایط حاضر است و انقلاب اداری و غیره که در پیام به کابینه‌ی پیشین یادآوری نموده‌ایم، هم‌چنان پابرجاست و امید است به وسیله‌ی تلاش این کابینه جامه عمل پوشد.^(۱)»

آیت‌الله موسوی اردبیلی، رئیس دیوان عالی کشور: مأموران حق ندارند با زندانیان مجرم، بدرفتاری کنند.

آیت‌الله موسوی اردبیلی، رئیس دیوان عالی کشور در مصاحبه‌ای با پیام انقلاب، مطالبی بیان کرده است که به علت اهمیت مسائل مطرح شده، قسمت‌هایی از این مصاحبه از نظر گرامیتان می‌گذرد.

در این مصاحبه، آیت‌الله موسوی اردبیلی، در مورد اینکه برای تحقق عدالت اجتماعی و ایجاد امنیت قضایی قوهی قضائیه چه کارهایی انجام داده، گفته است: این یک مسأله‌ی بسیار مشکلی است؛ ما جامعه‌امان یک جامعه‌ی انقلابی است؛ نظاممان نظام اسلامی است؛ قوانینمان و سیستم قضائیمان متناسب با قبل بوده، با همه بافت‌هایی که در قبل بوده، قوهی قضائیه الآن تلاش می‌کند که این پیکر را از نظر اساس و بنیاد تبدیل کند به یک دستگاهی که متناسب نظام جمهوری اسلامی است. کارهای زیادی را انجام داده و مقدار زیادی از کارها هم هنوز باقی مانده است. این کارها موفقیت‌هایی هم داشته که بعضی از موفقیت‌ها چشمگیر بوده و بعضی‌ها موفقیتشان به آن اندازه چشمگیر نبوده، اگر فهرست‌وار بخواهم بگویم، اجمالاً این‌جور عرض می‌کنم که در تبدیل دادگاه‌های سه مرحله‌ای به عمومی در ایجاد پلیس قضایی،

در تأسیس بازرسی کل کشور، در پیاده کردن دیوان عدالت اداری، در مسائل مختلف زندان‌ها و زندانیان، تأسیس شورای زندان، در تحقیقات و بررسی‌ها و تنظیم لوایح و تغییر قوانین براساس حقوق اسلامی کارهایی انجام شده، بعضی از این‌کارها بسیار موفقیت خوبی داشته؛ مانند پیاده کردن دادگاه‌های مدنی خاص و بعضی از این‌ها در شرف انجام است. کارهایی داریم انجام شده و کارهایی داریم در دست اقدام. کارهایی داریم که هنوز انجام نشده که امیدواریم بتوانیم در آینده نزدیکی انجام بدهیم. فعلاً دستگاه قضایی مسؤول تنظیم و ترتیب دادگاه‌ها و دادرهای انقلاب است و درج آن‌ها در دادگستری.

رئیس دیوان عالی کشور در خصوص مجرمین غیرمسلمان و ضابطه‌ی محاکمه و مجازات آن‌ها گفته است: برای این‌ها قوانین خاصی است. این‌ها موارد خاصی هم دارند. یک وقت مسائل، مسائل حسبی است؛ مانند قانون ازدواج و طلاق. یک وقت قوانین، قوانین دیگری است از جزایی و حقوقی، در این قوانین تابع قوانین عمومی کشور هستند.

قوانین عمومی کشور هرچه گفت، چون در یک کشور نمی‌شود برای مسائل نسبت به افراد و گروه‌ها قوانین متعددی پیاده شود، اما در آن قوانینی که می‌گوید قوانین حسبی، مسائل حسبی از قبیل وقف، وصیت، عقد، طلاق و امثال آن‌ها هرکس می‌تواند تابع فقه و دین خودش باشد، البته در آن‌جا اگر راضی شدند.

برطبق اسلام هم می‌شود درباره‌ی آن‌ها قضاوت کرد، اما طبق مذاهب خودشان هم می‌شود قضاوت کرد.

وی در مورد فلسفه‌ی وجودی زندان در اسلام و روش برخورد با زندانیان اظهار داشته است: فلسفه‌ی وجودی زندان در اسلام، فلسفه‌ی خاصی نیست. زندان اختصاص به اسلام ندارد. بازداشتگاه معلوم است، مجرم را وقتی می‌آورند تا تعیین تکلیف، او باید در یک‌جایی باشد، یک وقت شرایط طوری است که او می‌تواند آزاد باشد و بعد هم بیاید و محاکمه شود. البته این بسیار کم است و اگر مجرم باشد فرار می‌کند و نمی‌توان به او دسترسی پیدا کرد. خصوصاً اگر مجرم سیاسی باشد، بیرون رفتن او مشکلاتی را دارد. بنابراین یک‌جایی را می‌خواهد که او را نگه‌دارند تا بازجویی شود و پس از تشکیل پرونده محاکمه شود. همان‌جایی که او را نگه می‌دارند، نامش زندان است. مجرم را که نمی‌شود ول کرد برود. و اما

رفتار با مجرمین و زندانی‌ها، به‌جز مجازات‌هایی که در رابطه با جرم‌هایی که آن‌ها مرتکب شده‌اند و آن‌را محاکم اسلامی تعیین می‌کنند، در سایر شرایط، باید انسانی‌ترین رفتار درباره‌ی آن‌ها بشود؛ چون این‌ها انسان‌های گرفتاری هستند و به‌ر صورت انسان‌هایی هستند که مسائلی دارند، گرفتاری دارند. آن‌ها به‌مهر و عاطفه و محبت و رسیدگی بیشتری نیاز دارند تا نسبت به دیگران، باید به‌مسائل آن‌ها رسیدگی کرد؛ مثلاً کسی که به‌هر جرم زندانی است، حالا چه محکوم است چه متهم، به‌هر حال این‌شخص خانواده‌ای دارد که با زندان رفتن، خانواده‌اش گرفتار فقر مالی شده است. نباید به‌دلیل این‌که چون رئیس خانواده مجرم یا متهم بوده، بنابراین خانواده‌اش هم باید گرسنه بماند، نظام باید برطبق وظیفه‌ای که دارد به‌آن‌ها برسد و آن‌ها را اداره کند. کسی که مجرم است، زندانبان، مأمور دادسرا و به‌طور کلی مأموران حق ندارند به‌چنین شخصی بدرفتاری کنند، حرف‌های سنگینی به‌او بزنند و رفتار سویی داشته باشند.

ایشان در این‌مصاحبه در خصوص تشکیل بازرسی کل کشور و دیوان عدالت اداری گفته است: بازرسی کل کشور پیاده شده و مشغول کار است و ما امیدهایی به‌این‌نهاد بسته‌ایم. از یک‌ماه و نیم که این بازرسی تشکیل شده آمار کارش خیلی خوب بوده، الآن هم خیلی خوب مشغول انجام وظیفه است، امروز هم به‌من خبر دادند که هیأت‌هایی برای بازرسی سه وزارت‌خانه رفته‌اند.

این‌ها کارشان را از وزارت‌خانه‌ها شروع کرده‌اند، چون سالی یک‌بار باید از تمام وزارت‌خانه‌ها و تمام ارگان‌ها و نهادها، بازرسی و گزارش کنند و با این‌کار پیدا است که این‌ها نقص‌ها را پیدا می‌کنند اگر خدای ناکرده تعمداً اخلال‌هایی در کار باشد، پیگیری می‌شود و به‌مقامات قضایی و غیرقضایی به‌وزیر مربوط، به‌نخست‌وزیری گزارش می‌کنند و در جامعه نیز مطرح می‌کنند و اگر جرمی هم در آن میان پیدا کردند آن‌را به‌دیوان عدالت اداری تحویل می‌دهند. قانون دیوان عدالت اداری را هم به‌مجلس فرستاده‌ایم که قرار است ظرف یکی دو هفته‌ی آینده تصویب شود، اگر تصویب شد، ان‌شاءالله بلافاصله پیاده خواهد شد. (۱)

در صورت خیره‌سری نیروهای عراق، ممکن است مجبور به تعرض به داخل عراق بشویم.

اهواز - آقای مهندس میرحسین موسوی نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران، که با خبرنگاران خبرگزاری پارس در سوسنگرد سخن می‌گفت، در پاسخ این سؤال که نیروهای ما تا چه حد به پیشروی خود ادامه می‌دهند؟ گفت: ما بارها اعلام کرده‌ایم، چشمداشتی به خاک کسی نداریم، ولی اگر نیروهای صدامی بخواهند در مقابل نیروهای ما مقاومت بکنند و دست از خیره‌سری خود برندارند، چه بسا ما مجبور می‌شویم تعرض به داخل عراق داشته باشیم.

بنابراین، من به نیروهای ارتش عراق هشدار می‌دهم، پیش از این در زیر فرماندهی این فرد دیوانه به سر نبرند و بدانند مصلحت آنان نیست که با دادن این همه کشته هم خسران دنیا داشته باشند و هم خسران آخرت.

نخست‌وزیر ضمن اظهار تأسف از مشاهده اجساد سربازان عراقی گفت: من بسیار متأسفم از این‌که این همه اجساد سربازان عراقی در دشت‌های ما پراکنده بودند، ولی ملت ما چاره‌ای جز این ندارد و این راه را قاطعانه ادامه می‌دهد.

نخست وزیر در ادامه‌ی گفت‌وگوی خود با خبرنگاران افزود: من در دیدار کوتاه خود از بستان، هرچه دیدم حماسه بود؛ مناظری افتخارآفرین و شورانگیز بود. کسانی که در جبهه‌ها شرکت نکرده باشند و روی نقشه بخواهند کارها را دنبال کنند، واقعاً نمی‌توانند وسعت عملیات و عظمت فداکاری و ایثار نیروهای رزمنده ما را حدس بزنند. صحنه‌ای که امروز دیدم، حاکی از یک‌گذشت و ایثارگری فوق‌العاده‌ی نیروهای ما اعم از ارتشی، سپاهی، بسیج و سایر نیروهای مردمی بود.

نخست وزیر اضافه کرد: در قسمت‌هایی جنگ به شدت ادامه داشت، ولی وقتی به نیروهای خودی نگاه می‌کردم و می‌دیدم با شعارهای «الله اکبر» و در حالی که پرچم «لا اله الا الله» در دستشان بود به جبهه‌ها می‌شتانند، یقین حاصل می‌کردم که بالاخره ما دشمن بعثی را سرکوب خواهیم کرد، همان‌طور که تاکنون آنان را سرکوب کرده‌ایم.

نخست وزیر افزود: تا آن‌جا که من اطلاع یافتم و فرماندهان شجاع ارتش جمهوری اسلامی ایران توضیح داده‌اند، دشمن در این منطقه سرکوب و مناطق وسیعی از خاک میهن اسلامی ما آزاد شده است و طبیعی است که این حمله برای راندن دشمن متوقف نخواهد شد و پی‌در پی ضرباتی به متجاوزان بعثی وارد خواهد آمد تا آخرین فرد خصم را به یاری خداوند و کمک این رزمندگان دلاور از مرزها بیرون کنیم.

نخست وزیر در پاسخ این سؤال که علل تعرض مذبوحانه هواپیماهای دشمن به مناطق مسکونی و روستانشینان بی‌گناه خوزستان چیست؟ گفت: دشمن چون احساس می‌کند در آستانه‌ی شکست قطعی قرار گرفته، دست به تلاش مذبوحانه‌ای زده و آخرین وحشی‌گری‌های خود را به معرض نمایش گذاشته، ولی طبیعتاً پشتش خالی است.

نخست وزیر افزود: ما ضایعه خواهیم داد، ولی برنده‌ی نهایی ما خواهیم بود، چرا که ما نیروی حق هستیم و به خاطر حق و ارزش‌های والایی می‌جنگیم.

آقای مهندس موسوی افزود: در دیداری که دیشت و امروز (پرشب و دیروز) با فرماندهان نیروهای عزیز ارتشی و دیگر نیروها داشتم کاملاً احساس می‌کردم که این جنگ چگونه روحیه‌ها را متحول کرده و چه فضای برادرانه‌ی اسلامی میان فرماندهان سربازان و سایر نیروهای ما برقرار کرده است و طبیعی است که هر لحظه این جنگ را بنگریم، برنده‌ی

اصلی ما هستیم؛ یعنی حتی در این لحظه که در قسمت‌هایی از خاک کشورمان نیروهای دشمن هست، باز هم ملت ما برنده است، به‌خاطر این تحول عمیقی که پیدا کرده‌ایم.

نخست‌وزیر افزود: من در میان این رزمندگان و در درون سنگرها با قیافه‌های خیلی جوان، در سن‌های پایین روبه‌رو شدم که واقعاً دیدن آن‌ها انسان را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. من در این قیافه‌ها تبسم و شور و شوق شکفتگی دیدم و این نشان‌دهنده‌ی این است که تمام اقشار مردم از پیر و جوان از ارتشی و سپاهی و بسیج با کمک یکدیگر مصمم به‌راندن دشمن کافر ملحد و وابسته به استکبار جهانی از مرزهای خود هستند و این به آن معنی است که معنویت عمیقی در جان‌های مردم ما رسوخ کرده و این جز لطف خدا نمی‌تواند باشد.

گزارش خبرنگاران حاکی است، آقای نخست‌وزیر پیش از این گفت‌وگو به‌اتفاق آقای مهندس تولایی سرپرست استانداری خوزستان به‌مدت چند ساعت از شهر آزادشده‌ی بستان و مواضع به‌جای مانده از دشمن در شمال غربی بستان و نیز جبهه‌های نبرد حق علیه باطل بازدید کرد.

آقای موسوی نخست‌وزیر کشورمان، در پایان سفر خویش به استان خوزستان پس از بازگشت از شهر آزادشده‌ی بستان و بازدید از جبهه‌های نبرد، عصر روز جمعه در جلسه‌ی با حضور فرمانداران خوزستان مسائل مختلف شهرهای این استان را مورد بررسی قرار داد.

آن‌گاه آقای موسوی در محل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اهواز و در جمع برادران ایثارگر سپاهی حضور یافت و طی سخنانی اظهار داشت: برادران! آیا فکر کردید دلیل قوت و پیروزی شما چیست؟ تاکنون فکر کرده‌اید که رمز قدرتمندی شما چیست؟ اگر دقت کرده باشید، ملت ما هیچ‌کدام از تجهیزات را که استکبار جهانی دارد، ندارد. تجهیزات و قدرت‌های زیادی که رژیم عراق دارد ما در اختیار نداریم، مانند صدر اسلام که مسلمانان نه اسب‌های کفار را داشتند و نه قدرت رزمی آنان را داشتند ولی توانستند بر کفار پیروز شوند. همین مسلمین توانستند بزرگ‌ترین قدرت‌های استکباری آن‌روز یعنی روم و کسریان ایران را شکست دهند. درست همان مسأله در بعد گسترده‌تری در جهان امروز تکرار می‌شود. ما، در مقابل جهان پر از زور، امروز که با این همه سلاح‌ها و سیاست‌های پیچیده

۵۱۴ کجاست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

علیه ما برخاسته، تنها یک چیز داریم و آن نیروی ایمان و باور ماست و این نیروست که به ما قدرت داده تا از سلاح‌های کوچک خودمان بهترین بهره‌گیری‌ها را داشته باشیم، تا بتوانیم بیشترین ضربات را به دشمن وارد کنیم و همین نیروست که به ما این امید را می‌دهد که این انقلاب در داخل مرزها محصور نخواهد ماند و به سراسر جهان گسترش پیدا خواهد کرد.

نخست‌وزیر در بخش دیگری از سخنانش گفت: مسلماً در آینده، تشکیل سپاه، بسیج و تحول عظیمی که در ارتش به وجود آمده در میان ملت ما سازمانی از رزمندگان به وجود خواهد آورد که تمام دنیا مجبور است روی این نیروهای رزمنده حساب کند؛ همان‌طور که درباره‌ی ایمان و باور رزمندگان ما حساب می‌کند.

آقای موسوی هم‌چنین عصر جمعه قبل از بازگشت به تهران با سرهنگ صیاد شیرازی فرماندهی نیروی زمینی و برادر محسن رضایی فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دیدار و گفت‌وگو نمود.

نخست‌وزیر ساعت ۲۰:۳۰ دقیقه‌ی بعد از ظهر دیروز به تهران بازگشت.^(۱)

رئیس دیوان عالی کشور، اجرای دقیق قانون را تأکید کرد

آیت‌الله موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور و عضو شورای عالی قضایی، صبح دیروز در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیوتلوویزیونی شرکت کرد و ضمن سخنان مشروحی در رابطه با امنیت داخلی و همچنین قوانین کشور به پرسش‌های خبرنگاران داخلی و خارجی پاسخ گفت. وی در ابتدای مطالب خود گفت:

مصاحبه‌ی امروز من راجع به امنیت داخلی است، ولی نمی‌توانم از این مسأله جنگ و فتوحات چشمگیر در سایه‌ی فداکاری‌های ارتش جمهوری اسلامی، سپاهیان جان برکف و نیروهای مردمی که نصیب ما شده، نسبت به آن عرایضی نکنم.

ما در رابطه با این مسائل، درود فراوان خود را به روان پاک شهدای عزیزمان، زخمی‌ها و آن‌هایی که در خط مقدم جبهه و در پشت جبهه با تلاش و کوشش فراوان آن‌ها، این پیروزی نصیب ملت ایران شده، افتخار و حماسه آفریدند، درود می‌فرستیم. ما در این مسأله فقط به دو نکته اشاره می‌کنیم که هر روز که می‌گذرد و در آستانه‌ی روز دیگر قرار می‌گیریم فتحی که نصیبمان می‌شود، بزرگ‌تر از فتح‌های

سابق است؛ پیروزی‌هایی که داریم بزرگ‌تر از پیروزی‌های سابق است. سه سال از انقلاب ما گذشته، دنیا با همه تلاش خواسته این انقلاب را حداقل اگر هم نتوانست از بین ببرد، متوقف سازد. همه تلاش‌هایی که در متوقف ساختن این انقلاب بوده عامل تحرک بیشتر این انقلاب شد. دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم. این‌ها روی محاسبات خودشان همه عوامل را به حساب می‌آورند جز یک عامل و آن ایمان است که خوشبختانه این عامل پیروزی ما است که این‌را دنیا به حساب نمی‌آورد. جوان‌های ما، سربازان ما، ارتشیان ما، سپاهیان ما و نیروی مردمی ما با ایمان می‌جنگند، دارند شهید می‌شوند، زخمی می‌شوند، حماسه و افتخار می‌آفرینند. آن‌ها به سراغ عوامل می‌روند جز همین عامل، و ما فکر می‌کنیم آن‌ها قبل از این‌که ارزش این عامل را و جای این عامل را در جدول پیروزی پیدا کنند به فتح نهایی خواهیم رسید.

مسأله‌ی دوم این است؛ طبق اخبار و اطلاعاتی که به دست ما می‌رسد این‌ها تلاش می‌کنند از زبان چند مطرود و منفور و دررفته‌ها و فرار کرده‌ها و از چشم مردم افتاده‌ها از طریق مصاحبه‌ها با این‌ها و تحلیل‌هایشان مطالبی بنویسند و روی این مصاحبه‌ها و تحلیل‌ها تبلیغ کنند. این‌ها تا کی می‌توانند این‌کار را بکنند؟

اولاً بدانند که این مسائل کوچک‌ترین اثری در ملت ما ندارد. ثانیاً من صلاح می‌دانم که به جای این کارها ببینند واقعیت ملموس را که با همه وجود یک انسان بی‌طرف لمس می‌کند، ببینند. اگر به این مرحله برسند این‌ها به جای این کارها به یک واقعیتی می‌رسند که انقلاب ما دیگر از این مسائل گذشته، با هو و جنجال و جو سازی و تحلیل کردن و از تحریک چند نفر منفور و مطرود این انقلاب از بین نمی‌رود. این انقلاب جا افتاده، مستقر شده، پیام دارد. جریان‌ات مصر و جزیره‌العرب و تونس و کشورهای دیگر اسلامی و منطقه‌ای همه این‌ها دلیل این مسائل هست.

چرا این‌ها به جای این‌که این واقعیت را بپذیرند و خودشان را با واقعیت تطبیق دهند نه منکر زحمات ما باشند و نه وقت خودشان را هدر بدهند. این‌را به عنوان یک سفارش می‌گویم و اما راجع به مسائل امنیت، من محور کلام قانون است.

اگر ما خواهیم در میان یک جمعیت، امنیت داخلی برقرار شود این رابطه مستقیم با قانون دارد. قانون براساس فرهنگ پذیرفته اجتماع و ارزش‌هایی که در اجتماع به این ارزش‌ها ارج می‌نهند.

حُسن اجرای قانون

احترام به قانون و احترام به حریم آن، راجع به قسمت اول؛ یعنی قوانین خوب و مناسب قانون اساسی و قوانین عادی ما در سابق با یک وضع خاصی تدوین شده بود. وقتی که جامعه‌ی ما متحول شد، لازم بود در قوانین هم تحولی به وجود بیاید. قانون اساسی تغییر پیدا کرد، قوانین عادی براساس اسلام و ارزش‌های پذیرفته از طرف انقلابیون، این قوانین از یک طرف در دادگستری تدوین می‌شود و از طرف دیگر در مجلس شورای اسلامی به تصویب می‌رسد. دفتری به نام دفتر تحقیقات و بررسی‌ها و تنظیم لوایح اسلامی از یک تعدادی قضات با تجربه و سابقه‌دار و مشاورین قویه تشکیل یافته و فعالانه در این بعد کار می‌کند. محصول کارشان یک مقدار تصویب شد، یک مقدار تحت بررسی مجلس شورا است مقدار دیگری هم در دست خودشان هست فعالانه کار می‌کنند. این راجع به قوانین؛ و اما راجع به اجرای قوانین حسن اجرا، این قانون درست اجرا شود. البته ما در گذشته مواردی داشتیم که قانون درست اجرا نمی‌شد. مشکلاتی در این راه داشتیم. در حسن اجرای قانون، دادگاهی دقت نمی‌کرد. دادسرای در کشف جرم کوتاهی می‌نمود، ضابطی با این که ضابط بود برخلاف موازین مقررات اعمال سلیقه می‌کرد. هیأت هفت نفری طبق سلیقه‌ی خودش عملی را انجام می‌داد. احياناً جهاد سازندگی، جهاد دیگر و امثال این‌ها، ما این را داشتیم و این گاه و بی‌گاه موجب شکایات و خواست مردم بود که رسیدگی شود. با تلاش زیاد قوه‌ی قضایی خیلی از این‌ها کم شد. نمی‌خواهم بگویم به صفر رسید یا به حداقل رسیده اما نسبت به سابق بسیار خوب شده الان می‌توان گفت: یکی در همه موارد قوانین حسن اجرا دارد. در بعضی‌ها که حسن اجرا ندارد قوه‌ی قضایی جلو آن‌را می‌گیرد و برمی‌گرداند به مسیر قانونی خود، البته من متکرر نیستم، در بعضی از ادارات ممکن است افرادی باشند که این‌ها سرسختی نشان دهند. یا خدای ناگرده تعمدی در این کار داشته باشند و بخواهند عمداً یک قانونی را خراب کنند. آن‌ها به شدت مجازات می‌شوند. هیچ فرق نمی‌کند حاکم شرع باشد یا در نهادهای انقلابی باشد، در ارگان‌های دولتی باشد، افراد غیرمسئول باشد نمونه‌هایی هم هست در اهواز، رشت، آذربایجان، تهران. حالا لازم است دانه دانه این موارد را نقل کنم که دستگاه قضایی بدون هرگونه تسامح رسیدگی می‌کند و تلاش می‌کند.

این‌ها را به‌قانون برگرداند. اصولاً فلسفه‌ی وجودی سازمان بازرسی کل کشور همین است. برود دنبال این کارها و ببیند و فعالانه هم این سازمان با این‌که نوپا است خدمت می‌کند و اما راجع به احترام به‌قانون، این احترام به‌قانون را همه باید داشته باشند، این‌جا باید به‌دلیل آن مثال معروف که می‌گوید: «احترام امامزاده را متولی باید داشته باشد.» اول باید به ارگان‌های دولتی و نهادهای انقلابی بعد هم به‌همه‌ی مردم بگوییم. این‌جا است که گاهی بی‌سامانی‌هایی دیده می‌شود.

مدیر کل، رئیس، مسؤلی در یک کارخانه یک‌باره یک تصمیمی می‌گیرد؛ فردی از انجمن اسلامی، فرد دیگری عضو شورا یا امثال این‌ها یک‌مرتبه می‌نشینند یک تصمیمی می‌گیرند و بخشنامه می‌کند، بدون توجه به آیین‌نامه‌ها و مصوبات خودشان و قوانین جاری کشور، حتی بدون توجه به‌قانون اساسی و این سابقاً هم بود؛ و اکنون کم و بیش هم هست. خوب این‌ها باید توجه داشته باشند. این کارخانه‌ای که فلان‌آقا مدیرش است، یا عضو انجمن کارخانه هست، این خودش یک کشور مستقل نیست و این نمی‌تواند و حق ندارد برخلاف موازینی که در جاهای دیگر هست خودش به‌روال و سلیقه‌ی خودش این را بچرخاند؛ مثلاً فرض کنید مدیر کل در جایی یک بخشنامه‌ای بکند برخلاف موازین قانون. این‌ها دیده شده ضرر می‌زند، ضررهای بدی هم می‌زند، و گاهی خطبه‌ها و سخنرانی‌ها، اظهارنظرها، رأی‌های یک‌فرد از یک ارگان می‌آید نظری می‌کند؛ درباره‌ی اقتصاد حرف می‌زند، درباره‌ی مسائل حقوقی حرف می‌زند، درباره‌ی مسائل اجتماعی حرف می‌زند، یک فاجعه‌ای را به‌وجود می‌آورد، درگیری به‌وجود می‌آورد، نگرانی در مردم به‌وجود می‌آورد، گاهی مردم دیگر دستشان به‌سوی کارهایی که باید بکنند، نمی‌رود. کارخانه‌ای را می‌خواهاند، تولیدی را کم می‌کند، این‌ها است که باید مواظب بود. نسبت به اقلیت‌های مذهبی تصمیم می‌گیرند که در رابطه با این موضوع ما از وزیر محترممان تشکر می‌کنیم، تذکر دادیم، و ایشان این مسأله را کان لم یکن تلقی کرد.

یا یک آقای در کارخانه‌ای مقدسیتش گل می‌کند و تصمیم می‌گیرد، تقصیر هم ندارد، قصد خدمت هم دارد که این‌ها ضرر می‌زند، مرتب مردم مراجعه می‌کنند. کشوری که رئیس‌جمهور منتخب دارد، کشوری که مجلس شورای اسلامی دارد، کشوری که قوه‌ی قضایی دارد، آن‌جا نباید افراد به‌خودشان اجازه دهند و حرفی را

بزنند. البته اظهار نظر شخصی عیب ندارد، اما گاهی این‌ها در یک مقام‌هایی هستند، در یک وضع‌هایی هستند که مردم فکر می‌کنند گفته‌های این‌ها نظر دولت است، در صورتی که هیچ‌کدام از این ارگان‌های بالای کشور خبر ندارند، نه نخست‌وزیرش خبر دارد و نه هیأت دولتش. این‌کارها باید جمع شود. ما اطمینان می‌دهیم از این موضعی که من صحبت می‌کنم، آن‌هایی که دارای نیروهای انسانی و مالی هستند. این‌ها باید خط را از رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و هیأت دولت و مجلس شورای اسلامی بگیرند. اشخاصی می‌آیند و می‌گویند: ما بالاخره نمی‌دانیم چکار کنیم؟ هرکسی می‌آید و در سخنرانی حرف‌هایی می‌زند، کشور ما سرمایه‌داری است یا سوسیالیسم است؟ در جواب باید بگویم هیچ‌کدام نیست. کشور ما اسلامی است. اسلام خودش یک خطی دارد، در اقتصاد خط روشنی دارد؛ در سیاست خط روشنی دارد؛ همان‌طور که در نظامی‌گری خط روشنی دارد. شما جبهه‌های خودتان را می‌بینید، جبهه‌های دنیا را هم می‌بینید، فرق بین این دو جبهه فرق بین اسلام و غیراسلام است. در ابعاد دیگر هم مسأله همین است. در آخر عرایضم مسأله‌ای را می‌گویم تا به‌سؤالات آقایان برسیم؛ راجع به قوه قضایی از ما می‌پرسند: قوه قضایی در چه مرحله‌ای است؟ قوه قضایی با تصویب شورای عالی قضایی، سازمان بازرسی کل کشور، افتتاح دفتر تبلیغات و بررسی و تنظیم لوایح اسلامی، تصویب قانون دیوان عدالت اداری و به‌راه افتادن پلیس قضایی، تبدیل به یک نهاد انقلابی شد. نهادی انقلابی براساس ضوابط و ارزش‌ها و مفهوم خاص انقلاب؛ فعلاً چنین قوه‌ای است همراه قوه‌های دیگر درست در حد انقلاب قرار گرفت. اکنون با تمام اطمینان می‌شود گفت: اگر افرادی عناصر خود را نمی‌توانند با یک قوه قضاییه انقلابی همراه سازند این‌ها دیگر ناچارند یا کنار بروند یا کنار گذاشته شوند. قوه قضایی یک پارچه، به‌عنوان یک قوه جامع‌مدی متحول و نهاد انقلابی به‌حساب بیاید.

پس از این مطالب، آیت‌الله موسوی اردبیلی به‌سؤالات خبرنگاران پاسخ گفت. اولین سؤال مربوط به روزنامه‌ی کیهان بود.

سؤال شد: آقا! اخیراً مواردی از تخلفات قضات مشاهده می‌شود. نحوه‌ی رسیدگی به‌این تخلفات را بیان کنید.

رئیس دیوان عالی کشور در پاسخ به‌این سؤال گفت: محکمه‌ی انتظامی در قم تشکیل شده

۵۲۰ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

برای تخلفات قضات شرع. شکایاتی که به شورای عالی قضایی می‌رسد، اول شورای عالی قضایی به وسیلهی مأموران بازرسی کل کشور بازرسی می‌کند. اگر شکایت واهی باشد، به آن شخص جواب داده می‌شود که این شکایات مستند نیست و اگر مستند باشد شکایت را در محکمه‌ی عالی قضات شرع در قم مطرح می‌کند. الآن پرونده‌هایی در آن جا داریم که در دست رسیدگی است.

از آقای موسوی اردبیلی سؤال شد: آقای مقتدایی در مصاحبه‌ای یادآور شدند، بعضی از مناطق، دادگاه ندارند. آیا شورای عالی قضایی برنامه‌ای جهت ایجاد دادگاه و اعزام قاضی به این مناطق دارد؟

آیت‌الله موسوی اردبیلی در پاسخ به این سؤال گفت: برنامه‌ای در دست اجرا است و بررسی می‌شود.

نماینده‌ی تلویزیون سؤالی کرد: محدودیت برای دستگیری و مجازات، چه سنی است؟ به عبارت دیگر افرادی را در چه سنی معمولاً دستگیر نمی‌کنند و مجازات نمی‌نمایند؟

وی در پاسخ به این سؤال گفت: حساب دستگیری با حساب مجازات جدا است. حساب مجازات، یک سن محدودی دارد؛ شرعاً ۱۵ سال را تمام کند و وارد ۱۶ سال بشود. در قانون سابق، ۱۸ سال بود، اما ما در انتخابات‌هایی که داشتیم، سن ۱۵ سال را معیار قرار دادیم. اگر دادگاه‌های انقلاب ۱۶ سال را معیار قرار بدهند، اشکالی ندارد، اما نوعاً ۱۸ سال را مراعات می‌کنند. و اما راجع به دستگیری. اگر جرمی را مرتکب شده باشند این‌ها را دستگیر می‌کنند و سابقاً هم این‌طور بود. ما برای رسیدگی به جرایم اطفال، دادگاه‌هایی داشتیم، و برای نگاه داشتن آن‌ها هم جایگاه خاصی داشتیم.

سؤال شد: برای مجازات اعدام چه جرمی را مجرم مرتکب می‌شود؟ آیا برای اعدام این کافی است که شخصی در تظاهرات شرکت کرده باشد و تبلیغات شدید ضد دولتی داشته باشد؟

رئیس دیوان عالی کشور در پاسخ گفت: خیر! این مسأله کافی نیست. در تظاهرات شرکت کردن موجب اعدام نیست و انتقاد شدید هم موجب اعدام نیست. فعلاً آن‌چه که در

رئیس دیوان عالی کشور، اجرای ... ۵۲۱

دادگاه‌ها عمل می‌کنند عبارت است از قیام مسلحانه. کسی را بکشند، انفجاری را به وجود بیاورند، بچه‌ای را آتش بزنند، خانواده‌ای را بسوزانند، این کارها است.

نماینده‌ی روزنامه‌ی اطلاعات سؤال کرد: عفو‌ی که اخیراً به زندانیان داده شد، آیا این عفو فقط شامل زندانیان سیاسی است یا خیر؟ و آیا اسامی آن‌ها اعلام خواهد شد؟

رئیس دیوان عالی کشور در جواب به این سؤال گفت: منحصر نبود، البته فعلاً یک بررسی می‌شود. روزی یک لیستی، این‌ها بیشتر سیاسی هستند، ولی چون هنوز به مرحله‌ای نرسیده، اعلام نمی‌کنیم.

سؤال دیگر این بود که اخیراً در دو شهرستان، زندانیان سیاسی برای چند روز به مرخصی رفته‌اند. آیا در تهران به زندانیان سیاسی مرخصی داده می‌شود؟

وی در پاسخ گفت: من الآن که به این‌جا آمده‌ام این موضوع را تلفنی از دادستان انقلاب مرکز پرسیدم. ما شنیده‌ایم که به زندانیان مرخصی می‌دهید، گفتند: بله! از یک‌روز تا سه ماه مرخصی می‌دهیم. گفتیم: چگونه می‌روند و چگونه برمی‌گردند؟ با مأمور یا بی‌مأمور؟ در جواب گفتند: با مأمور و بی‌مأمور! پرسیدم که تاکنون اتفاق افتاده یک نفر از این‌ها به مرخصی برود و مراجعه نکند. گفتند: خیر! تاکنون چنین اتفاقی نیفتاده است.

خبرگزاری فرانسه سؤال کرد: خبرگزاری پارس اخیراً خبری را در مورد دیدار یک هیأت اسلامی از خاوردور که از زندان اوین دیدن کرده، منتشر کرده است. آیا خبرنگاران خارجی مقیم تهران نیز در صورت درخواست می‌توانند از زندان اوین دیدن کنند؟

آیت‌الله موسوی اردبیلی در پاسخ گفت: این تابع یک سلسله مسائلی است که باید به دادستانی کل انقلاب یا دادستانی مرکز مراجعه کنند. این‌ها یک ملاحظات دارند و با آن ملاحظاتشان باید آن‌ها جواب بدهند.

نماینده‌ی خبرگزاری لیبی سؤال کرد: نظر شما درباره‌ی موافقت‌نامه‌ی هم‌پیمانی استراتژیکی امضا شده میان دشمن صهیونیستی و دولت ریگان چیست؟ و آیا دولت امپریالیستی کاخ سفید می‌کوشد راه‌حل‌های تازه‌ای به دنبال شکست طرح ارائه‌شده

۵۲۲ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

به نام فهد، بر منطقه تحمیل کند؟

رئیس دیوان عالی کشور در پاسخ به این سؤال گفت: این‌ها مسائلی است که شاید طرحش عیبی نداشته باشد. این جواب خاصی ندارد. ما می‌دانیم آن‌هایی که از ملت‌های خودشان بریده‌اند و در خدمت امپریالیسم جهانی قرار گرفته‌اند، این‌ها دائماً کارهایی را انجام می‌دهند که آن‌ها می‌خواهند و آن‌ها هم طبق اساس کارشان، هیچ وقت نخواهند گفت چون ما در این برنامه شکست خوردیم دیگر این کار را نکنیم. بنابراین آن‌ها هر روز یک نقشه‌ای را برای ما خواهند کشید.^(۱)

مصاحبه‌ی هاشمی رفسنجانی با مجله‌ی آینده‌سازان

(۱۹ آذرماه ۱۳۶۰)

س - مایلیم تا دانش‌آموزان بدانند در برابر گروه‌های سیاسی که اینک در برابر جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند، چه باید بکنند؟ درباره‌ی ماهیت سیاسی این‌گروه‌ها و اهداف و مواضع متناقضان قدری برای ما توضیح بدهید، و بگویید انجمن اسلامی دانش‌آموزان مدارس، در برابر نفوذ این‌گروه‌ها چه وظیفه‌ای دارند؟

ج - برای روشن‌شدن مطلب، درباره‌ی چند گروه اصلی، به‌طور مختصر توضیح می‌دهم.

نهیض آزادی

نهیض آزادی، سازمانی است که در دوران مبارزه، خدمت کرده و اکثر مسؤولان آن به‌زندان افتاده‌اند. آن‌ها در دانشگاه‌ها و محیط‌های روشنفکری کار کرده‌اند و نقش مؤثری هم داشته‌اند. نباید خدمت‌های این‌گروه را در دوره‌ای که تلاش می‌کردند بین مردم و قشر روشنفکر، تفاهم برقرار کنند، نادیده گرفت. قشر

روشنفکری که از اسلام بریده بود؛ با همه‌ی این اوصاف، این‌ها به‌خاطر تربیتی که در گذشته داشتند و فکرشان در معیارهای خاصی نسبت به‌وضع حاکم رشد کرده، نمی‌توانند امروزه متناسب با نیازهای انقلاب قدم بردارند، پس ما ناچاریم به‌آنها احترام بگذاریم و در مشاغلی که با روحیه و اخلاقشان سازگار است از آنها استفاده کنیم. نباید آن‌ها را تحقیر کنیم، البته نباید از آن‌ها توقع زیادی داشته باشیم؛ چرا که این‌ها نمی‌توانند خود را با سطح فعلی انقلاب بکشانند. اگر به‌آنها فشار بیاوریم، خُرد و مأیوس می‌شوند، اگر به‌نسبت خدمات‌های گذشته‌ی آن‌ها فکر کنیم، می‌توانند امروز نیز برای جامعه مفید باشند؛ منتها باید فعالیت خود را در حد یک حزب یا سازمان محدود کنند، چرا که من نسبت به‌شایستگی آن‌ها در مسایل حکومتی مأیوس هستم.

حزب توده

ماهیت این‌ها از روز روشن‌تر است. هیچ‌وقت سابقه‌ی درخشانی نداشته‌اند. این‌ها تنها به‌جهت جریان ضد حکومتی در گذشته و یک‌دسته شعارهای خاص خودشان، از در مبارزه با رژیم درآمدند. اگر مبارزه‌ی آن‌ها مفید هم بوده باشد، ماهیت حزبی خودشان اصلاً خوب نیست. این‌ها ضد دین هستند. چیزی که ما فقط به‌خاطر آن می‌جنگیم، دین اسلام بوده و هست. در صورتی که نوشته‌ها و افکارشان الحادی و منحرف‌کننده است. جوان‌هایی که با شور و حرارت جوانی، تنها به‌خاطر مبارزه به‌این‌ها گرویده‌اند، منحرف شده‌اند. این‌ها در زمان حکومت دکتر مصدق، موضع‌گیری‌های بدی کردند. بعد از او هم با خیلی از افرادشان برگشتند و با رژیم سازش کردند. رژیم در میانشان نفوذ کرد و خاصیت ضدیت را هم از آن‌ها گرفت. به‌این ترتیب به‌مبارزه خیانت کردند. از گروهی با چنین پایه‌های الحادی و کمونیستی، انتظاری غیر از این هم نمی‌رود. به‌نظر من این‌ها هیچ‌وقت نمی‌توانند برای ایده‌های معنوی، احترام قایل باشند. ما هم که اصلاً آن‌ها را قبول نداریم و اگر خیلی هم خوشبین باشیم، آن‌ها را یک‌مشت فریب‌خورده حساب می‌کنیم. اگر هم بدین باشیم،

از لحاظ سیاسی وضع درستی ندارند.

جنبش مسلمانان مبارز

در مورد جنبش مسلمانان مبارز، علی‌رغم زمینه‌ی اسلامی افکارشان، باید بگویم به‌چند دلیل از خط امام دور هستند. این‌ها ظاهراً مسلمان هستند، اما از آن‌جا که با اسلام راستین فاصله گرفته‌اند، همان مقدار هم منحرف هستند. اسلام‌شناسی، مسأله‌ی محدودی نیست که بتوان با یک‌سری مطالعه‌ی متفرقه، یا آشنایی با عربی ادعایش را کرد و اسلام در صدها کتاب قطور و قدیمی و بعضی جدید، هنوز اقبانوس معارفش شناخته شده نیست. اسلام در ﴿تِلْكَ﴾، حدیث، فلسفه و کلام اسلامی و در ادبیات اسلامی نهفته است. برای فهمیدن و شناختن آن‌ها نیاز به تحصیل زیادی است. این آقایانی که چهل پنجاه سال را در حوزه درس خوانده‌اند و زحمت می‌کشند و از ثمره‌ی حیات پربارشان دیگران نیز بهره می‌برند، تازه بخشی از اسلام را فهمیده‌اند. بعضی از این جوانان علاقه‌مند به اسلام که در دانشگاه‌ها بوده‌اند و مدتی را پای منبرها نشستند یا احياناً چند تایی هم مقاله نوشتند، خیال می‌کنند حق این‌را دارند که مقابل نظرهای علما حرفی بزنند. البته حق اظهارنظر برای همه وجود دارد، اما باید بدانند حرف آن‌ها، تا چه حد به‌راه درست کمک کرده است؛ مثل این است که بنده با دیدن چهار تا سد، بیایم و در برابر متخصصین، درباره‌ی سدسازی اظهارنظر بکنم. مهندسینی که با زمین‌شناسی، خاک‌شناسی و تخصص در فلزها و مصالح، به‌همراه هزار مسأله‌ی ظریف و فنی سدسازی سروکار دارند کجا، و اظهارنظر بی‌ربط من کجا؟! من بدون شناخت و رعایت این‌همه پیچیدگی نمی‌توانم خودم را صاحب‌نظر بدانم. درباره‌ی مسایل پیچیده‌تر و صنایع ظریف دیگر نیز، همین قضیه مصداق دارد. این جوانان هم متأسفانه به‌خودشان حق می‌دهند که در برابر مجتهدین یا صاحب‌نظران دینی، عده‌ای را دنبال خودشان راه بیندازند. اگر به‌عنوان یک‌جریان سیاسی - اجتماعی حرکت کنند، حق دارند؛ ولی این‌ها می‌خواهند به‌عنوان یک‌جریان اسلامی، در مقابل اسلام‌شناسان حرف بزنند. پرواضح است که چقدر کار این‌ها ناقص است.

بنابراین در آن جایی هم که مخالفت می‌کنند، مخالفتشان ارزشی ندارد. به این ترتیب من فکر می‌کنم که آن‌ها دچار انحراف هستند. حق این است که آن‌ها داخل گروه خودشان، چندتایی اسلام‌شناس متخصص و مبرز داشته باشند. اگر این طور باشد، آن وقت می‌توانند به عنوان یک جریان اسلام‌شناسی با مقداری اختلاف سلیقه، حرکت کنند.^(۱)

متن کیفرخواست مهندس رضا حاج مرزبان

ساعت ده بامداد دیروز (چهارشنبه)، شعبه‌ی اول دادگاه انقلاب اسلامی ارتش به ریاست حجت‌الاسلام محمدی ری شهری برای رسیدگی به اتهامات مهندس رضا مرزبان یکی از رهبران شاخه‌ی سیاسی کودتای نافرجام تیرماه سال ۵۹، تشکیل جلسه داد. دادگاه با تلاوت آیاتی چند از ﴿تورکات﴾ کار خود را آغاز کرد و سپس دادستان انقلاب ارتش کیفرخواست متهم را قرائت کرد. متن کیفرخواست مهندس رضا مرزبان به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

کیفرخواست: الف) مشخصات متهم،

غیرنظامی رضا حاج مرزبان، فرزند محمدحسن، دارنده‌ی شناسنامه‌ی شماره ۴۰۹۰۲، متولد ۱۳۱۵ تهران، تابعه‌ی ایران، لیسانسیه‌ی الکترونیک و مدیریت، دارای عیال و اولاد، فاقد پیشینه‌ی کیفری.

موارد اتهامات

- ۱ - شرکت فعال در کودتای نافرجام تیرماه سال ۵۹، علیه جمهوری اسلامی ایران به صورت یکی از رهبران شاخه‌ی سیاسی و دادن رهنمود به گروه‌های مخالف سیاسی جهت تقویت طیف مخالف رژیم و تشکل آن‌ها؛
- ۲ - فعالیت چشمگیر جهت خروج عوامل ضدانقلاب اسلامی از کشور؛
- ۳ - داشتن نمایندگی تام‌الاختیار از از ناحیه‌ی شاپور بختیار در هسته‌ی مرکزی شاخه‌ی سیاسی کودتای نافرجام ۱۸ تیرماه ۵۹؛
- ۴ - همکاری همه‌جانبه با دولت بختیار مشاور اطلاعاتی و امنیتی قبل از پیروزی انقلاب.

گردش کار و نتیجه‌ی تحقیقات:

مهم نامبرده در سال ۱۳۳۳، وارد دانشکده فنی تهران شد. در سال ۱۳۳۵ تحصیلات خود را نیمه تمام گذاشت و به نیروی دریایی پیوست. در سال ۳۵ با بورس نیروی دریایی به انگلستان رفت. در سال ۳۸ در رشته‌ی برق و الکترونیک فارغ‌التحصیل شد و به ایران مراجعت نمود و در آن موقع جهت طی دوره‌های الکترونیک و رادار به مدت ۱۱ ماه به آمریکا اعزام شد. از سال ۳۹ تا ۴۲، به عنوان مدیر کارخانجات نیروی دریایی و بعداً به عنوان مربی آموزشگاه مهندسی منصوب گردید و سپس فرماندهی آن آموزشگاه شد. در سال‌های ۴۵ و ۴۶ برای طی دوره‌های فوق لیسانس به انگلستان سفر کرد، و با اخذ فوق لیسانس رشته‌ی الکترونیک و کنترل به ایران بازگشت. در سال‌های ۴۷ و ۴۸، مسؤول مخابرات نیروی دریایی بود، و به طور نیمه وقت در دانشگاه صنعتی شریف تدریس می‌کرد. در سال ۴۸ از تدریس در دانشگاه مزبور، مستعفی شد و در سال ۴۹ شرکتی به نام ایران «داتا» تأسیس نمود و به کسب مشغول گردید. وی در سال ۵۰، تحت تعقیب ساواک قرار گرفت که با قرار التزام به عدم فعالیت سیاسی آزاد گردید. در آذرماه سال ۵۶، ایران را به قصد انگلیس ترک کرد، و در آنجا شرکتی تأسیس و مشغول به کار شد. در سال ۵۷ که انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در شرف اوج گرفتن بود، نامبرده متوجهی شرایط انقلابی گردید و در آذرماه همان سال به ایران مراجعت کرد و براساس

تحصیلاتی که بافتنی تحلیل‌گران وابسته غربی است، انقلاب اسلامی را نتیجه‌ی رقابت و درگیری روسیه و آمریکا دانست و در نتیجه براین تصور بود که می‌توان در میان جریان‌های مختلف سیاسی، در شرایط انقلابی سودای کسب سیاسی نمود و با به‌دست گرفتن مقدرات ملت به‌پا خاسته، به‌اهداف شوم خود رسید. تحلیل‌هایی که متهم در صفحات ۷۴ الی ۸۱ پرونده نموده گویای این واقعیات است.

متهم پس از ورود به ایران با دکتر بختیار که آن‌زمان مسؤول سازماندهی جبهه‌ی ملی بود، تماس حاصل کرد و با کمک دکتر احمد مدنی که با وی از سال‌های ۳۴ آشنا بود، در تشکیلات جبهه‌ی ملی شرکت و فعالیت خود را آغاز کرد.

نامبرده، رفت و آمدهایی به‌منزل بختیار داشت و به‌تدریج با سایر عناصر فعال جبهه‌ی ملی از جمله رحیم شریفی و جواد خادم آشنا شد.

این شرایط زمانی که اوج‌گیری انقلاب زمینه‌های سقوط جدی رژیم سلطنتی را فراهم نموده بود، بنابه مسائلی امپریالیسم آمریکا تصمیم گرفت که بختیار به‌عنوان نخست‌وزیر گروه‌گشای این گروهی کور آمریکا در ایران شده و به‌اصطلاح خود آقای مرزبان (به‌نحوی جلوی نفوذ اتحاد شوروی گرفته شود)، لذا جلساتی که به‌عنوان ضرب‌الاجل در منزلی در نیاوران با حضور مدیران صنایع اتاق بازرگانی و مدیران بانک‌ها، مدیران شرکت‌ها و غیره که «عضو سوسیال دموکرات‌ها» بوده‌اند برقرار و نامبرده نیز توسط جواد خادم به‌این جلسات دعوت می‌گردد. منظور از این جلسات تهیه و تدوین برنامه‌های به‌اصطلاح پیشبرد صنعت و کشاورزی، آموزش‌های فنی و مسأله‌ی تجارت زمین و مالکیت و غیره بوده است تا پس از روی کار آمدن دولت بختیار به‌عنوان برگ برنده‌ای در مقابل سایر جناح‌ها و جذب مردم انقلابی و انحراف آن‌ها از محور اصلی انقلاب و خط امام به‌طرف دولت باشد از طرفی با تماس با آقای مهندس بازرگان و حضرت آقای پسندیده سعی می‌کرد که در جناح اصیل انقلاب و افرادی چون شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی ارتباط حاصل کند و سازشی در این میان به‌دست آورد. در صفحات ۸۵ و ۸۶ و ۸۷ پرونده با وجودی که متهم به‌مخالفت بختیار با انحلال ساواک و برگرداندن سرپازان به‌پادگان‌ها و جلوگیری از خون‌ریزی اشاره می‌نماید و خود را مخالف بختیار در این موارد قلمداد می‌کند. معلوم نیست چگونه پست معاونت نخست‌وزیری و امور اطلاعاتی و امنیتی را پذیرفته

است، سه هفته پس از شروع نخست‌وزیری، بختیار مأموریتی به‌متهم واگذار می‌کند که نامدای را در پاریس به‌دست حضرت امام خمینی برساند. این مأموریت براساس تصمیمی بوده است که شب قبل از آن در شورای وزیران اتخاذ شده بود و نامبرده با زیرکی کامل در پاریس سعی می‌نماید با طرق مختلف به‌خصوص ارائه‌ی تحلیل‌های به‌اصطلاح عمیق و ترسیم تصویرهایی از جامعه و خطر شوروی به‌رهبر انقلاب اسلامی دسترسی پیدا کند، که در تمام موارد امام خمینی جواب رد به‌او داده و از پذیرفتن وی خودداری می‌نمایند.

وی پس از مراجعه به‌ایران تا آخرین لحظات سقوط دولت بختیار نهایت تلاش را جهت تقویت میبانی این دولت و به‌سازش کشاندن جناح‌های مؤمن به‌انقلاب اصیل اسلامی با این دولت داشت که هرگز موفق نشد. (البته تحلیل‌هایی که در این‌مورد ارائه گردید، سازش‌ناپذیری امام را یک اشتباه که موجب فرار کلیدی نیروهای انقلابی - ملی شده است قلمداد کرد، وی را فردی انقلابی - ملی می‌داند؟! دربارهی بختیار نیز چنین تحلیل نموده، که وی در به‌سازش کشاندن نیروی اصیل خط امام تلاش کافی را به‌خرج ندهد و نتوانسته است به‌اندازه‌ی کافی در به‌دست آوردن موقعیت نزد امام موفق باشد.

پس از پیروزی انقلاب، با توجه به‌جو بی‌بند و بار سیاسی در اوایل انقلاب، در زمان تصدی دولت موقت، متهم تماس‌های فراوانی با طرفداران بختیار از جمله جواد خادم، ابوالقاسم خادم، طرفداران اوپسی از جمله سرتیپ سپهر که جبهه‌ی اتحاد ملی را پایه‌گذاری کرده بود، برقرار کرد و اظهار می‌داشت: که ارتش کاملاً در دست ما است و تمام سازمان‌های آن‌را از افراد خودمان پر کرده‌ایم و حکومت فعلی تا سه ماه دیگر سرنگون خواهد شد و دکتر شایگان عضو حزب ایران سعی می‌نماید یک گروه تشکل و هم‌آهنگی جناح‌های مختلف حکومت، جهت ایجاد زمینه مطمئن برای اثبات حکومت ایجاد نماید. لذا بدین‌منظور جلساتی در منزل ابوالقاسم خادم تشکیل و تصمیمات ابتدایی براین شد که در مقابل تبلیغات رژیم که منجر به‌سواپی بختیار شده بود، اقداماتی انجام گیرد، تا حیثیت وی اعاده گردد. لذا تأسیس حزب سوسیال دموکرات با مرانامه و اساسنامه آن به‌نظرشان ضروری می‌رسد تا جوانان به‌جای این‌که جذب گروهک‌های دیگر گردند در این طیف ضدانقلابی به‌هم گرد آیند، در

اواخر اردیبهشت ۵۸ با علنی شدن حضور بختیار در پاریس به عنوان رهبر ضدانقلابی، توسط جواد خادم، پیشنهاد فعالیت وسیع تری برای وی می شود، لذا جلسه ای در منزل آقای خادم، با حضور جواد خادم و ابوالقاسم خادم و آقای شریفی و آقای دکتر شایگان و دو نفر دیگر و متهم تشکیل می گردد که یک نفر مسئول انتشارات و تبلیغات می شود و یک نفر مسئولیت سازمان و تشکیلات را به عهده می گیرد که طرفداران بختیار را شناسایی و آن ها را زیر یک پرچم گرد آورند. یک نفر نیز مسئول امور مالی می شود که این جلسات تا مدت ها ادامه داشته است.^(۱)

در کیفرخواست دادستان انقلاب اسلامی ارتش نحوی فرار حسن نزیه و دکتر مهاجرانی (روحانی‌نما) فاش شد.

اولین قسمت کیفرخواست دادستان انقلاب اسلامی ارتش در مورد مهندس رضا حاج مرزبان از نظر تان گذشت. در دومین قسمت کیفرخواست دادستان انقلاب اسلامی ارتش آمده است:

در اواخر تابستان، افرادی چون آقای شاهپوری و خانم شیدایی در این رابطه با آقای خادم به تشکیلات اضافه می‌شوند.

و یک‌بار نیز آقای ابوالفضل قاسمی در جلسات شرکت می‌کند و یکی از فعالیت‌های این تشکیلات تلاش در سازماندهی مجدد جبهه ملی و دگرگونی در تشکیلات آن با گردآوری عناصر جوان‌تر و تهیهی بیوگرافی این جبهه توسط آقای شریفی که اطلاعات بیشتری در مورد آن‌ها دارد افرادی چون دکتر شایگان، دکتر صدیقی، دکتر سید احمد مدنی، دکتر مصطفی رحیمی، و دکتر محمود عنایت و عده‌ی دیگری در نظر گرفته می‌شود که در این زمینه موقعیت چندانی حاصل نمی‌گردد.

از جمله فعالیت‌های دیگر متهم، برقراری نزدیک با گردانندگان مجله‌ی «امید ایران» آقای علیرضا نوری‌زاده و علی طاهرزاده و تلاش برای هدایت این مجله در جهت

اهداف کلی سازمان بختیار بوده است، در این رابطه جلساتی با شرکت این دو نفر و جواد خادم و مهندس صمیمی به‌اتفاق متهم داشته و مجله مذکور را مورد نقد و بررسی قرار می‌دادند. در اوایل تابستان همان سال، «مرزبان» اولین برخورد با سرهنگ بازنشسته‌ی ژاندارمری بنی‌عامری داشته است و این سرهنگ آن زمان از محاکمات انقلابی دادگاه‌های انقلاب و ترس از افشای جنایاتش در رژیم گذشته، به‌خصوص در ارتباط با فرماندهی قبلی‌اش در کردستان که به‌اتهام سرکوب انقلابیون و قتل و جنایت، محکوم به‌اعدام گشته بود در اضطراب به‌سر می‌برد و اظهاراتی بر علیه‌ی روحانیت می‌نموده و اظهار می‌کرد: «مایلم است قبل از این‌که کشته شود تا آن‌جایی که قدرت دارد نسل آخوندها را براندازد!» که مرزبان وی را تا حدودی تعدیل کرده و سعی می‌کند به‌مجرا و کانال مناسبی از نظر تشکیلات بختیار بکشاند. پس از آن چندین جلسه وی را در منزل ابوالقاسم خادم به‌اتفاق جواد خادم ملاقات می‌کند که در آن جلسات اطلاعات جالبی از عناصر مخالف و احیاناً فراری‌ها از جمله «سرهنگ اطلاعات، پای احمدی» به‌دست می‌آورد و از فعالیت‌های یکی از افسران مخالف به‌نام سرگرد انصاری مطلع می‌گردد که از شکنجه‌گران معروف ضد اطلاعات بوده است و در ارتباط با روزنامه‌ی خلق مسلمان، روزنامه‌ی مزبور از متهم تقاضا می‌کند که روزنامه‌نویس مناسبی معرفی کند. متهم در این‌مورد نکته‌نظرهایی را درباب انتخاب افراد ارائه می‌دهد و چندین نفر از نویسندگان مجله‌ی امید ایران را نیز معرفی می‌نماید.

وی در جلسات و سخنرانی حزب خلق مسلمان شرکت داشت و برای قرار دادن تلویزیون مدار بسته جهت ارائه‌ی سخنرانی‌ها با چندین شرکت در تماس بوده که با حداقل قیمت این‌کار را برای حزب خلق مسلمان انجام دهد. پس از اعلامیه‌ی دادستان انقلاب اسلامی مبنی بر معرفی وزیران کابینه‌ی بختیار و دستگیر شدن عده‌ای از آن‌ها جواد خادم تصمیم به‌فرار از ایران و آغاز یک مبارزه‌ی جدی در خارج بر علیه‌ی نظام انقلابی حاکم را می‌گیرد و در جلسه‌ای که در منزل ابوالقاسم خادم در این‌مورد داشته‌اند قرار بر این می‌شود که با توجه به‌جوّ سیاسی حاکم و تعقیب ضدانقلابیون پس از این در مذاکرات تلفنی و معارفه، همدیگر را با نام مستعار بنامند، لذا «ایلخانی» نام مستعار بختیار می‌شود، احمدی نام مستعار جواد خادم و جواد نام

مستعار مرزبان.

پس از این جلسه، جواد خادم به خارج از کشور متواری شد. بعد از متواری شدن خادم به خارج از کشور، دکتر صمیمی هم به خارج پناهنده می‌شود و به‌دار و دستهی بختیار می‌پیوندد.

در این زمان، جواد خادم فعالیت خود را نزد بختیار آغاز کرد و مسؤولیت ملاقات‌های بختیار را به‌عهده گرفت و ارتباط بین مرزبان و ابوالقاسم و بختیار را برقرار می‌کرده است. هم‌چنین آن‌ها با یک افسر بازنشسته‌ی کُرد، به‌نام مستعار امیر، پس از مراجعت او به ایران، تماسی حاصل کرده و افسر مذکور، علاقه‌ی خود را به فعالیت در شبکه‌ی داخل کشور اعلام و از شخص دیگری که قبلاً استخدام ساواک بوده و تخصص اطلاعاتی داشته، تقاضای دریافت وسایل و امکانات مادی می‌کند. در این شرایط که فعالیت تشکیلات در داخل محدود به تکثیر نوار و مطالب چاپی و توزیع بین علاقه‌مندان و دوستان بوده است، ستاد نظامی بختیار در پاریس تشکیل می‌گردد.

از گرداندگان این ستاد، یکی سرلشکر امیرفضلی، افسر نیروی هوایی است که در زمان دولت شریف امامی رئیس هواپیمایی شده بود، و دیگری سرهنگ پای احمدی، افسر فرازی اداره‌ی دوم بود که تماس‌هایی با دکتر صدیقی می‌گرفت و موضوع جبهه‌ی ملی جدید را پیگیری می‌کرد.

در مهرماه، جواد خادم طی یک تماس تلفنی شخصی به‌نام «آقا» را به‌وی معرفی می‌کند و تلفن وی را به‌متهم می‌دهد که با وی تماس حاصل نماید. «مرزبان» پس از تماس تلفنی و قرار ملاقات، وقتی با وی مواجه می‌شود، متوجه می‌گردد که این آقا، همان «حسن نزیه» است که به‌علت جرایم ارتكابی مجرمیتش محرز و تصمیم به فرار از کشور داشته و در این‌مورد توسط وی و عوامل بختیار همگامی و همکاری لازم صورت پذیرفته بود.

جواد خادم، شب بعد در تماس تلفنی شماره تلفن شخصی به‌نام «علیزاده» را به مرزبان داده و ضمن معرفی این‌که این فرد عامل خروج وی از کشور است از مرزبان می‌خواهد با این شخص تماس گرفته و ترتیب فرار آقا را بدهد. در این‌مورد با آقای «محبی» نیز تماس می‌گیرد. سرانجام با تماس و مشورت‌های لازم، ترتیب

فرار داده می‌شود، و پس از چندی خبر فرار وی از طریق جواد خادم به متهم می‌رسد. پس از فرار «نزیه»، مجدداً جواد خادم با مرزبان تماس گرفته و مسأله‌ی فرار شخص دیگری را در میان می‌گذارد که جاننش در خطر است و باید به‌وی کمک گردد تا از کشور خارج شود.

این فرد همان «دکتر مهاجرانی» معروف، و روحانی دربار بود که مطابق همان روشی که منجر به فرار «حسن نزیه» گردید، در این مورد نیز اقدام شد.

در اوایل آبان‌ماه تماس‌هایی بین مرزبان و مهندس قادسی مدیر عامل گروه صنعتی در پوشش همکاری در زمینه‌ی قرارداد جدید با شرکت نفت برقرار می‌شود و در چندین جلسه نشست و برخاست، مهندس قادسی، مرزبان را از تماس‌های خود با بختیار در پاریس مطلع و از او تقاضای دریافت نوارهای تکثیر شده‌ی بختیار را جهت ارائه به دوستان می‌کند که مرزبان نیز پذیرفته و این نوارها را از ابوالقاسم خادم دریافت می‌کند، و در اختیار مهندس قادسی می‌گذارد که این نوارها به‌همان تعدادی که مورد درخواست بوده و گاه‌گاهی تا ۲۰۰ نوار جهت پخش بین اعضا در اختیارش گذارده می‌شود. در دی‌ماه همان‌سال، مهندس قادسی پس از مسافرت مجدد به پاریس و ملاقات با بختیار در مراجعت با متهم تماس گرفته و تصمیمات گرفته شده در ستاد بختیار در پاریس را با وی در میان می‌گذارد.

طبق این تصمیمات، نمودار سازمانی جهت فعالیت شبکه‌ی بختیار در داخل کشور چنین بوده است: یک‌قسمت مرکزی ۵ نفری، مسؤول تهران، مسؤول امور شهرستان‌ها، مسؤول امور وزارت‌خانه‌ها، مسؤول امور دانشگاه‌ها، مسؤول انتشارات و تبلیغات، مسؤول امور ایلات و مسؤول امور چریکی.

امور چریکی، مورد سؤال متهم واقع می‌گردد. مهندس قادسی در جواب می‌گوید: بعداً مشخص خواهد شد.

اواسط بهمن‌ماه سال ۵۸، متهم در پوشش همکاری با یکی از شرکت‌های خارجی راهی لندن می‌شود و در آن‌جا از طریق تلفن با جواد خادم تماس می‌گیرد و قرار می‌گذارد که پس از ۶ روز اقامت در لندن به پاریس برود؛ وی مدتی در لندن بود، و در این مدت با فریدون مودت، و منوچهر آگاه وزیر اقتصاد و دارایی و وزیر کشور بختیار و جواد معین‌زاده ملاقات‌هایی داشت.

«جواد معین‌زاده» کسی است که ترتیب ملاقات دکتر هوشنگ نهاوندی و اوپسی را با بختیار داد و معتقد به اتحاد کلیدی این نیروها در شرایط موجود بوده است. متهم در ساعت سه و نیم به وقت محلی وارد فرودگاه پاریس می‌شود و مورد استقبال جواد خادم و یک نفر دیگر که به اتفاق به فرودگاه پاریس آمده بود، قرار می‌گیرد و پس از ترک فرودگاه به‌خانه‌ی جواد خادم رفته و شب را میهمان او می‌شود و ساعت ۱۰ صبح روز بعد با خادم به‌خانه‌ی دکتر بختیار می‌رود.

در این ملاقات، مسائل مختلف از جمله مسأله‌ی شاه و سلطنت و اوپسی و جواد معین‌زاده نماینده‌ی بختیار و صحبت از یک میلیون دلاری که این شخص توانسته بود به‌بهانه‌ی فعالیت علی‌یه‌ی رژیم انقلابی جمهوری اسلامی ایران از شاه بگیرد و به حساب شخصی خود واریز کند، مسأله‌ی گروگان‌گیری ارتش و پاک‌سازی و صدام حسین و احتمال حمله‌ی عراق به ایران، انتخابات ریاست جمهوری و انتخاب شدن بنی‌صدر در دور اول، مورد بحث قرار گرفت و پس از تجزیه و تحلیل اوضاع و مسائل داخلی ایران، موضوع دریافت کمک از عراق توسط بختیار مطرح شده و علت این کمک نیز بنا بر نظر بختیار، وحشت دولت عراق از نضج گرفتن انقلاب اسلامی در میان شیعیان عراق بوده، لذا به‌هرنحوی که شده مایل است رژیم انقلابی ایران ساقط شود، و بختیار نیز بدین لحاظ مورد عنایت رژیم بعث عراق قرار گرفته و از کمک‌های مختلف آن کشور برخوردار است. در این ملاقات بختیار به‌طور تلویحی نزد مرزبان روشن می‌نماید که جهت ساقط کردن رژیم انقلابی حاکم بر ایران حاضر است از هر کشوری که مخالف ایران است کمک دریافت کند.

متهم پس از این جلسه که در منزل بختیار داشت، توسط جواد خادم با نحوه‌ی فعالیت شاخه‌ی نظامی به‌رهبری بنی‌عامری و سرهنگ پای احمدی و امیرفضلی آشنا می‌شود و در جریان سازماندهی جدید و متناسب شاخه‌ی سیاسی با وضع ایران قرار می‌گیرد و مطلع می‌شود که قرار است به‌زودی شخص جدیدی جهت رهبری و هدایت این تشکیلات به‌ایران عازم گردد. طی مدت سه روزی که وی در پاریس اقامت داشت، با دکتر صمیمی و دکتر پیراسته و قربانی‌نسب از عناصر فعال شبکه‌ی بختیار در خارج ملاقات‌هایی برقرار می‌کند. و روز آخر برای خداحافظی به‌منزل بختیار رفته و بعد از ظهر روز بعد، پاریس را به‌تصدد فرانکفورت ترک و از آن‌جا

به تهران حرکت می‌کند.

متهم در مراجعت به ایران دنبال مهندس قاسمی رفته و موضوع مسافرت و تماس‌های خود را با وی در میان می‌گذارد. پس از آن دیدار نیز به منزل قربانی‌نسب واقع در جردن می‌رود و با ایشان ملاقات می‌کند.

اواسط اسفندماه نیز تماسی بین خانم «پروین شیبانی» و متهم برقرار می‌شود و این خانم آدرس اقامت خود را به مرزبان می‌دهد، و از او دعوت به عمل می‌آورد که فردا جهت ملاقات وی به آدرس مزبور بیاید. فردای آن روز، متهم با یکی از افسران کودتاچی شاخه‌ی نظامی به نام سروان «رکنی» آشنا شده و ضمن هم‌آهنگی لازم در سرعت بخشیدن به امور نحوه‌ی استخوان‌بندی شبکه‌ی تشکیلاتی و این‌که ملاقات‌ها به چه نحو باید باشد و در هفته چند بار انجام پذیرد که در صورت لورفتن افراد، به شکل تشکیلات صدماتی وارد نیاید، توسط متهم جهت رکنی تشریح شده و نکات برجسته آن مورد بحث و گفت و گو قرار می‌گیرد. طبق اظهارات ناصر رکنی، متهم در مسائل سیاسی معتقد به حمایت موضعی از کاندیداهای لیبرال‌ها در انتخابات و حمایت از بنی‌صدر در زمان ریاست جمهوری جهت تضعیف موقعیت جناح اصیل انقلاب (روحانیت متعهد و خط امام) بوده است تا در فرصت مناسب ضربه‌ی اصلی به پیکر انقلاب وارد شود. ناصر رکنی به دریافت برگه‌هایی که عنوان سازمان نقاب را داشته است از مرزبان اعتراف و در ملاقات‌ها او را با نام مستعار جوادی مخاطب قرار می‌داده است که ذبیح‌الله مؤمنی نیز در اعترافات خود در مورد متهم به همین موارد اشاره دارد.

روز اول آشنایی با بنی‌جمالی، به اتفاق سرِ قراری واقع در سرِ خیابان وزرا، جلو کتابخانه‌ی ایران و آمریکا رفته و با آقای قربانی‌نسب ملاقات نموده و مبلغ دویست و پنجاه هزار تومان پول را از وی دریافت می‌دارند. طبق اعترافات متهم، قربانی‌نسب در حین تحویل این مبلغ به بنی‌جمالی و مرزبان می‌گوید که به من گفته‌اند این مبلغ پول را بدهم. حال به چه کسی بدهم، که در این موقع بنی‌جمالی پول را می‌گیرد. این بدان معنی است که قبلاً قربانی‌نسب پول‌ها را تحویل مرزبان می‌داده است و حال چون بنی‌جمالی رهبری تشکیلاتی را به عهده گرفته است، ضروری است که این پول‌ها را بنی‌جمالی جهت مصارف تشکیلاتی بردارد.

لازم به تذکر است که به علت اختلافاتی که مرزبان با ابوالقاسم خادم داشته است، تشکیلات بختیار ضروری می دانسته است فرد دیگری را جهت عهده دار شدن سمت مرزبان بفرستد تا مسائل داخلی تشکیلات خاتمه پذیرد.

مرزبان پس از عید سال ۵۹، در ارتباط با چاپ نمودن مانیفست بختیار که قرار بوده است در شش هزار نسخه چاپ گردد و ابوالقاسم خادم قبل از دستگیری اش ۲ هزار تومان پول بابت بیعانه آن داده بود، با یکی از دوستان شریفی تماس گرفته و باقی مانده ی هزینه ی آن را که شش هزار تومان پول می شد و این شخص قادر به پرداخت آن نبوده است از طریق پروین شیبانی پرداخت می نماید.

در تماس بعدی که متهم با ناصر رکنی در منزل پروین شیبانی داشته است، صحبت هایی پیرامون فعالیت در اصفهان و چهارمحال و بختیاری می شود و رکنی در این موارد، مورد تشویق مرزبان قرار گرفته و از این که هزینه های احتمالی تأمین خواهد شد، مطمئن می گردد.

چند روز پس از این تماس، مرزبان توسط پروین شیبانی با خانمی به نام مریم تماس می گیرد که همان مریم حجازی همسر غیرقانونی بنی عامری است و گویا دختر ناپدید شده ی ابوالقاسم خادم بود که در این رابطه به اتفاق، موضوع را پی گیری می نمایند. متهم در طی شرایط حادثه کودتا در پوشش فعالیت های تجاری، سعی در گمراه نمودن عوامل اطلاعاتی داشته و تماس های خود را با رعایت دقیق مسائل حفاظتی برگزار می کرده، به نحوی که پس از افشای توطئه ی نافرجام کودتا و دستگیری عوامل آن، متهم از چنگ مأمورین گریخته و رد پایی از خود نگذاشته بود و اگر جنگ ایران و عراق موجب بسته شدن فرودگاه ها نمی گردید، از کشور خارج شده بود. که به علت فوق، نامبرده مجبور می شود فرار خود را از ایران به تأخیر بیندازد و در همین مدت مأمورین موفق به شناسایی محل مخفی شدن وی شده و او را دستگیر می نمایند.

متهم در جریان کودتا نقش فعالی داشته و ترتیب امور شاخه ی نظامی کودتا را داده است؛ من جمله اتوبوسی که عوامل کودتا را به پایگاه نوژه برده توسط این شخص تدارک دیده شده است.

دلایل اتهام عبارت است از:

نحوه فرار حسن نزیه و دکتر مهاجرانی (روحانی‌نما) ۵۳۹

اظهارات شهود، اقراریه متهم، مدارک موجود در پرونده با توجه به مراتب فوق، اتهامات نامبرده از نظر این دادسرا مسجل و محرز می‌باشد. لذا از دادگاه محترم عدل اسلامی تقاضای رسیدگی به پرونده و صدور حکم شرعی را دارم.

دادستان انقلاب اسلامی ارتش

اتابکی. (۱)

**گفت‌وگوی اطلاعات با دکتر محقق داماد،
رئیس بازرسی کل کشور
تخلف از قانون، ضدیت با ولایت فقیه است.**

در رابطه با فرمان اخیر رهبر کبیر انقلاب مبنی بر مجازات افراد غیرمسئول و گاهی مقامات مسؤلی که به‌طور خودسرانه کار می‌کنند و بدون مجوز شرعی وارد خانه‌های مردم می‌شوند، با دکتر سیدمصطفی محقق داماد، رئیس بازرسی کل کشور مصاحبه‌ای داشتیم. دکتر محقق در این مصاحبه، ضمن پاسخ به‌سؤالات ما نقطه‌نظرها و فعالیت بازرسی کل کشور را چه قبل و چه بعد از صدور این فرمان مهم تشریح کرد.

فرمان امام

ایشان در مورد این که آیا پس از فرمان اخیر امام خمینی مبنی بر رسیدگی به تخلفات سازمان‌ها و ارگان‌های مسؤول و غیرمسؤول، شکایاتی به‌این سازمان ارسال شده است؟ گفت: اتفاقاً همان‌روزی که روزنامه‌ها فرمان امام را منتشر کردند در زیر فرمان امام روابط عمومی سپاه پاسداران شیراز، از مردم خواسته بود که خانه‌های سرمایه‌داران و

تخلف از قانون ضدیت با ولایت فقیه است ۵۴۱

محتکرین را شناسایی کنند که این خود، کار خلاف قانون است؛ به دلیل این که خارج از حوزی صلاحیت سپاه پاسداران است. شناسایی محتکر و مفسد، یک مسأله‌ی صددرد صد قضایی است و تشخیص آن با، حُکام و قضات شرع است. کسی که قاضی نباشد، نمی‌تواند محتکر را تشخیص دهد و اصولاً اعلام کردن به مردم، حق دادستانی است نه حق سپاه پاسداران. و این اطلاعیه‌ی سپاه در شیراز، تخلف تشخیص داده شد و به مراکز دادستانی سپاه پاسداران و نخست‌وزیری اطلاع داده شد؛ چون در قانون ما، باید تخلف به نخست‌وزیری اعلام شود، و نیز رسماً از برادر رضایی فرماندهی سپاه پاسداران خواسته شد که این مسأله را تحت تعقیب قرار داده، به دادستانی اعلام نمایند. این یک نمونه کاملاً روشنی است. به دنبال فرمان امام واحد ارگان‌های انقلابی ما (سازمان بازرسی کل کشور) شروع به کار کرد؛ یعنی برای هر استانی یک گروهی به عنوان حوزی نهادهای انقلابی فعال شد که یک نفر از واحد قضایی، یک نفر از واحد اقتصادی، یک نفر از واحد نظامی و انتظامی، یک قاضی شرع، یک قاضی دادگستری و یک نفر از برادران جهاد که در امور اقتصادی وارد باشد، برای کمیسیون ۷ نفری زمین تشکیل شدند؛ چون در فرمان امام و دستور شورای عالی قضایی، این مسأله هم بود، افراد می‌روند و مسأله‌ی تقسیم زمین را بررسی می‌کنند.

در مورد تعداد هیأت‌های این سازمان سؤال شد. رئیس بازرسی کل کشور گفت: ما اگر بخواهیم در تمام حوزی قانونی خودمان کار بکنیم که به تعداد هر چه وزارت خانه و نهاد انقلابی داریم بایستی افراد داشته باشیم، ولی فعلاً چون فرمان امام کارش در اولویت قرار گرفته است و دستور شورای عالی قضایی هم روی این مسأله است فقط کارمان را روی حوزی معاونت نهادهای انقلابی گذاشته‌ایم، بنابراین هیأت‌های ما از حداقل سه نفر و حداکثر تا هر چند نفر که لازم باشد شروع به کار می‌کنند و به استان‌ها می‌روند، که از این سه نفر یک قاضی، یک نفر در رابطه با مسائل کمیته‌ها و سپاه پاسداران و یکی هم مربوط به جهاد و بنیاد مستضعفان و کمیسیون ۷ نفری زمین است. البته هر چقدر نیرو لازم باشد ما به آن‌ها خواهیم داد و آن‌ها خودشان را به استانداری معرفی می‌کنند و استانداری موظف است، حسابدار و حسابرس و مکان و وسایل لازم برای مأمورین تهیه و مهیا کند و آن‌ها هم طبق آیین‌نامه‌ی مصوب شورای عالی قضایی کار می‌کنند و در مورد رسیدگی به شکایت این

موضوع را در سطح استان اعلام کند.

اخراج دانش آموزان

در خصوص اخراج دانش آموزان از دبیرستان های مختلف و این که چه ضوابطی آموزش و پرورش در مورد این کار دارد؟ سؤال شد. رئیس بازرسی کل کشور در رابطه با این سؤال گفت: البته شکایت هایی در این زمینه رسیده است. به جناب آقای نخعی که معاون شهید رجایی و شهید باهنر بودند عرض کردم که این مسأله را پی گیری کنند و در آیین نامه های آموزش و پرورش ببینند. اگر در این آیین نامه ها چیزی راجع به این مسائل نوشته شده، آن را ببینند و به آموزش و پرورش گوشزد کنند تا تخلف قانونی صورت نگیرد. البته صد در صد افرادی هستند که متخلفند و می خواهند دبستان ها و دبیرستان ها را به آشوب بکشند و موجب نارضایتی فراهم کنند. باید آن ها را طبق مقررات و قانون اخراج کرد ولی در عین حال ما به ایشان گفتیم با آموزش و پرورش تماس بگیرند و آیین نامه مربوطه را بخواهند. اگر برخلاف آیین نامه و دستور و قانون عمل شده است اعتراض کنند و اگر نیست، آیین نامه ای پیشنهاد کنند که برای این مسأله تهیه شود.

حجت الاسلام حاج سید مصطفی محقق در دنباله ی مطالب خود در رابطه با فرمان اخیر امام امت توضیح داد: آن چه می خواهم در رابطه با فرمان رهبر عزیزمان عرض کنم این است که ما یک بخشنامه ی چند ماده ای به سراسر کشور اعلام کرده ایم و من توصیه ای که به کلیدی نهادها و ارگان ها دارم این است که این بخشنامه را دقیقاً مطالعه کنند، و در درجه ی اول با ما همکاری کنند، اگر موارد تخلفی از خودشان هست، مسؤولین به ما گزارش کنند تا ما بررسی کنیم و عدم همکاری، خودش نوعی تخلف است. پیام من این است که بدانند اگر قرار است امسال سال قانون باشد ما که منتسب به انقلاب هستیم، و نهادهایی که منتسب به انقلاب هستند، بیشتر باید امر امام را اجرا کنند، چون همه در سرتاسر کشور در خط ولایت فقیه هستند، بیشتر باید امر امام را اجرا کنند؛ مثلاً بر فرض افرادی مسائل را موضعی نگاه می کنند و خیال می کنند حل مسأله آن طور است که آن ها فکر می کنند. همین موضوعی که در خصوص پاسداران شیراز عرض کردم. ممکن است آن ها خیال کنند که با چهار نفر محترک و

تخلف از قانون ضدیت با ولایت فقیه است ۵۴۳

سرمایه‌دار با این‌طور موضع‌گیری برخورد کردن به‌نفع مستضعفین است و حال این‌که درست این به‌اقتصاد کشور ضربه می‌زند و کشور را متزلزل می‌کند. رسیدگی به‌اعمال محترکان و سرمایه‌داران از راه قانونی باید انجام بشود و از روال غیرقانونی این‌طور در روزنامه به‌مردم اعلان کردن، باعث می‌شود که افرادی امنیت اقتصادی نداشته باشند و سرمایه‌هایشان را به‌نحو غیرقانونی و خدای ناکرده به‌طور قاچاق از کشور خارج کنند و اصولاً کسی امنیت شغلی نداشته باشد. همه این‌ها در خلاف مسیر کمک به‌مستضعفین است.

وی گفت: امنیت شغلی که نباشد، سرمایه‌ها به‌کار نمی‌افتد؛ فقر ایجاد می‌شود و درست کمبود پشتوانه پیدا می‌کنیم، چون مسائل در اقتصاد یک‌مسأله‌ی ظریفی است. روابط عمومی سپاه پاسداران شیراز باید بدانند این مسأله‌ی خیلی ظریفی است. مسأله‌ی این‌که مردم بریزند و چهار محتر را شناسایی کنند در این رابطه چهار نفر سرمایه‌دار را دستگیر کنند، این ضربه‌ای است که به‌اقتصاد کشور می‌خورد. واحد سپاه پاسداران شیراز توجه ندارد که آن‌ها باید در درجه‌ی اول در چهارچوب قانون حدود صلاحیت خود را بشناسند.

مطلب دیگری که می‌خواهم عرض کنم این‌است که دادسرای انقلاب و سپاه پاسداران همه این‌ها قانون دارند، آیین‌نامه دارند، اساسنامه دارند. دادگاه‌ها و دادسراهای انقلاب مصوب شورای انقلاب است که البته بعداً هم چند ماده به‌آن‌ها اضافه شده. این‌ها همه باید مو به‌مو اجرا شوند، و تا قانون بعدی تصویب نشده این قانون باید معیار و ملاک باشد. هرچایش که کم است باید به‌عنوان ماده واحد پیشنهاد شود تا در مجلس شورای اسلامی تصویب شود. هیچ‌وقت ما نباید فکر کنیم که یک مسأله‌ی شخصی را حساب کنیم و به‌کل قانون معامله بکنیم.

سؤال شد: اگر خدای ناکرده خاطی از حکام شرعی یا دادستان‌های انقلاب باشند، به‌جرایم آن‌ها چه مراجعی رسیدگی می‌کنند؟

رسیدگی به‌خلاف حکام شرع و دادستان‌ها

رئیس کل کشور در پاسخ به‌این سؤال گفت: در قانون سازمان بازرسی کل کشور، مرجع اعلام تخلف نسبت به‌دادستان‌ها و دادگاه‌های انقلاب و حکام شرع را برای ما شورای عالی

قضای محسوب کرده که بایستی ما به شورای عالی قضایی اعلام کنیم. شورای عالی قضایی برای رسیدگی این امور یکی از اعضای خود را به نام آقای مقتدایی مسؤول این امور کارها کرده است؛ و ما باید موارد تخلف را به ایشان گزارش کنیم و ایشان هستند که به تخلف رسیدگی و بلافاصله اقدام می‌کنند و اگر احیاناً بعد از رسیدگی و گزارش، کوتاهی بشود و این کوتاهی از ناحیه‌ی شورای عالی قضایی باشد، در ماده‌ی ۱۰ قانون بازرسی کل کشور، آمده است (وزیر و مسؤول مربوطه طی ۱۰ روز پیشنهادات بازرسی را عمل کند) به نظر من از نظر حقوقی این ماده شامل خود شورای عالی قضایی هم می‌شود و در این مورد من با شورای عالی قضایی صحبت و خدمت آن‌ها عرض کرده‌ام. البته یک محکمه انتظامی قضات شرع در حوزه‌ی علمیه قم به زودی تشکیل می‌شود. این محکمه یک رئیس محکمه و دو مستشار دارد و فعلاً روی آن بحث است که آیا کیفرخواست را بازرسی کل کشور به محکمه بفرستد، یا کیفرخواست دیگری صادر و رسیدگی شود.

رسیدگی به تخلفات مأموران خاطی کمیته‌ها و سپاه

حجت‌الاسلام محقق یادآور شد: ما به تمام گزارشات و شکایات رسیدگی می‌کنیم و به بعضی از مأموران و کمیته‌ها که بدون مجوز دادستانی وارد منازل می‌شوند، رسیدگی خواهد شد، اما فعلاً از نظر اولویت به فرمان امام به کارها - تخلفاتی که در جریان است - رسیدگی می‌کنیم و مطمئن باشید بدون استثنا به همه امور رسیدگی خواهد شد و هرکسی که می‌خواهد وارد منزل کسی شود باید با اجازه‌ی مقامات قضایی باشد در غیر این صورت جرم شناخته می‌شود و متخلف تحت پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

رئیس بازرسی کل کشور، در خاتمه این مصاحبه اضافه کرد: موضوع جالبی چند روز پیش داشتیم و آن این است که مسأله‌ای پیش آمده بود. ما بازرس به محل فرستادیم، بازرس ما به شخص متخلفی گفته بود: این کار خلاف قانون است.

ایشان در جواب گفته بودند: من قانون سرم نمی‌شود، فقط تابع خط ولایت فقیه هستم. این مطلب چقدر کج‌اندیشی آن شخص را می‌رساند، زیرا ولایت فقیه عین اجرای قانون است. معنی پیروی از ولایت فقیه عین اجرای قانون است. کسی که متخلف از قانون باشد، درست

تخلف از قانون ضدیت با ولایت فقیه است. ۵۴۵

ضد ولایت فقیه است و تمام شعارهای کشور که مرگ بر ضد ولایت فقیه است؛ یعنی مرگ برکسانی که ضد قانون هستند. به کلیه ی وزارت خانه ها این نکته را توجه می دهیم که در قانون بازرسی امان این طور پیش بینی شده که در رأس یک هیأت باید یک نفر قاضی باشد. مسأله ی بازرسی، یک کار قضایی است و قضا یک کار صد در صد تخصصی است. هیچ کس از شکم مادر قاضی متولد نمی شود. دوره هایی را باید طی کند تا بشود قاضی.

گذشته از این مسائل، پس از این که قاضی شد، بازرسی در رشته ی قضایی یک شکل خاصی است. در میان قضات همه کس نمی توانند بازرس باشند. کسی می تواند بازرس باشد که چندین سال در این رشته کار کرده باشد، لذا ما برای بعضی از هیأت های بازرسی مجبوریم از قضات متمهد و با وجدان و شریف دادگستری انتخاب کنیم که در این رشته کار کرده اند و به وزارت خانه ها و هیأت دولت این مسأله باید تفهیم بشود که قانون این مطلب را روشن کرده که چه کسی می تواند بازرسی کند. ما هم هرکسی را نمی توانیم برای بازرسی انتخاب کنیم، چون یکی از وزرا که از بردن نام ایشان معذورم، انتظار داشت که ما برای فرستادن بازرس به آن وزارت خانه یک افرادی مخصوص را انتخاب کنیم؛ مثلاً از برادران حزب اللهی تعریف می کرد، البته برادران حزب اللهی در میان قضات هم هستند، ولی ممکن است شرایط بازرسی نداشته باشند و ممکن هم هست داشته باشند. ما صد در صد سعی می کنیم از میان قضات، افراد خوب و شریف انتخاب بکنیم، ولی در عین حال چه کنیم؟ دست ما را قانون بازرسی بسته است و نمی توانیم همه کس را از میان خیاهان انتخاب کنیم ولو متمهد باشد، ولو صد در صد حزب اللهی باشد. اگر قاضی نباشد و یا اگر قاضی باشد ولی تخصص در کار بازرسی نداشته باشد، قانون دست و پای ما را بسته است و ما نمی توانیم این گونه افراد را برای این مسائل اعزام بکنیم، لذا آقایان باید به این نکته توجه نمایند.^(۱)

قابل توجه خوانندگان محترم!
ادامه ی مطالب ریاست جمهوری سیدعلی خامنه ای،
در مجلدات بعد خواهد آمد.

فہرست اعلام

فهرست اسامی

الف

انصاری (مجید)، ۴۲۲-۴۳۳-۴۴۴
انگلن، ۴۱۷
اوشانا (بیت)، ۳۶۸
اویسی، ۲۹۲-۵۳۶

آرام (بهرام)، ۴۷
آگاه (منوچهر)، ۵۳۵
آلادپوش (حسن)، ۳۶۹
آل‌طاهر (راضیه)، ۳۳۸
آلن (ایگال)، ۴۸۳
آیت (حسن)، ۸۹
آیتی (محمدابراهیم)، ۴۴
ابراهیم علیه السلام (حضرت)، ۳۳۷
اتابکی، ۵۴۰

ب

بازرگان (پوراندهخت)، ۴۸
بازرگان (عبدالملی)، ۳۶۹
بازرگان (مهدی)، ۴۱-۴۳-۴۴-۴۶-۵۱-۱۱۹-
۲۹۱-۲۹۲-۲۹۳-۲۹۴-۲۹۵-۲۹۶-۲۹۷-۲۹۸-
۲۹۹-۳۰۰-۳۰۳-۳۱۱-۳۳۳-۳۳۴-۳۳۵-۳۳۶-
بال (جرج)، ۲۹۶
بانکی (محمدتقی)، ۴۱۰
باهنر (جواد)، ۳۳-۳۴-۳۵-۳۶-۳۷-۳۸-۳۹-۴۰-۴۱-
۴۲-۴۳-۴۴-۴۵-۴۶-۴۷-۴۸-۴۹-۵۰-۵۱-۵۲-۵۳-
۵۴-۵۵-۵۶-۵۷-۵۸-۵۹-۶۰-۶۱-۶۲-۶۳-
۶۴-۶۵-۶۶-۶۷-۶۸-۶۹-۷۰-۷۱-۷۲-۷۳-۷۴-
۷۵-۷۶-۷۷-۷۸-۷۹-۸۰-۸۱-۸۲-۸۳-۸۴-۸۵-۸۶-
۸۷-۸۸-۸۹-۹۰-۹۱-۹۲-۹۳-۹۴-۹۵-۹۶-۹۷-۹۸-
۹۹-۱۰۰-۱۰۱-۱۰۲-۱۰۳-۱۰۴-۱۰۵-۱۰۶-۱۰۷-۱۰۸-
۱۰۹-۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۴-۱۱۵-۱۱۶-۱۱۷-
۱۱۸-۱۱۹-۱۲۰-۱۲۱-۱۲۲-۱۲۳-۱۲۴-۱۲۵-۱۲۶-
۱۲۷-۱۲۸-۱۲۹-۱۳۰-۱۳۱-۱۳۲-۱۳۳-۱۳۴-۱۳۵-
۱۳۶-۱۳۷-۱۳۸-۱۳۹-۱۴۰-۱۴۱-۱۴۲-۱۴۳-۱۴۴-
۱۴۵-۱۴۶-۱۴۷-۱۴۸-۱۴۹-۱۵۰-۱۵۱-۱۵۲-۱۵۳-
۱۵۴-۱۵۵-۱۵۶-۱۵۷-۱۵۸-۱۵۹-۱۶۰-۱۶۱-۱۶۲-
۱۶۳-۱۶۴-۱۶۵-۱۶۶-۱۶۷-۱۶۸-۱۶۹-۱۷۰-۱۷۱-
۱۷۲-۱۷۳-۱۷۴-۱۷۵-۱۷۶-۱۷۷-۱۷۸-۱۷۹-۱۸۰-
۱۸۱-۱۸۲-۱۸۳-۱۸۴-۱۸۵-۱۸۶-۱۸۷-۱۸۸-۱۸۹-
۱۹۰-۱۹۱-۱۹۲-۱۹۳-۱۹۴-۱۹۵-۱۹۶-۱۹۷-۱۹۸-
۱۹۹-۲۰۰-۲۰۱-۲۰۲-۲۰۳-۲۰۴-۲۰۵-۲۰۶-۲۰۷-
۲۰۸-۲۰۹-۲۱۰-۲۱۱-۲۱۲-۲۱۳-۲۱۴-۲۱۵-۲۱۶-
۲۱۷-۲۱۸-۲۱۹-۲۲۰-۲۲۱-۲۲۲-۲۲۳-۲۲۴-۲۲۵-
۲۲۶-۲۲۷-۲۲۸-۲۲۹-۲۳۰-۲۳۱-۲۳۲-۲۳۳-
۲۳۴-۲۳۵-۲۳۶-۲۳۷-۲۳۸-۲۳۹-۲۴۰-۲۴۱-
۲۴۲-۲۴۳-۲۴۴-۲۴۵-۲۴۶-۲۴۷-۲۴۸-۲۴۹-
۲۵۰-۲۵۱-۲۵۲-۲۵۳-۲۵۴-۲۵۵-۲۵۶-۲۵۷-۲۵۸-
۲۵۹-۲۶۰-۲۶۱-۲۶۲-۲۶۳-۲۶۴-۲۶۵-۲۶۶-
۲۶۷-۲۶۸-۲۶۹-۲۷۰-۲۷۱-۲۷۲-۲۷۳-۲۷۴-
۲۷۵-۲۷۶-۲۷۷-۲۷۸-۲۷۹-۲۸۰-۲۸۱-۲۸۲-
۲۸۳-۲۸۴-۲۸۵-۲۸۶-۲۸۷-۲۸۸-۲۸۹-۲۹۰-
۲۹۱-۲۹۲-۲۹۳-۲۹۴-۲۹۵-۲۹۶-۲۹۷-۲۹۸-
۲۹۹-۳۰۰-۳۰۱-۳۰۲-۳۰۳-۳۰۴-۳۰۵-۳۰۶-
۳۰۷-۳۰۸-۳۰۹-۳۱۰-۳۱۱-۳۱۲-۳۱۳-۳۱۴-۳۱۵-
۳۱۶-۳۱۷-۳۱۸-۳۱۹-۳۲۰-۳۲۱-۳۲۲-۳۲۳-۳۲۴-
۳۲۵-۳۲۶-۳۲۷-۳۲۸-۳۲۹-۳۳۰-۳۳۱-۳۳۲-
۳۳۳-۳۳۴-۳۳۵-۳۳۶-۳۳۷-۳۳۸-۳۳۹-۳۴۰-
۳۴۱-۳۴۲-۳۴۳-۳۴۴-۳۴۵-۳۴۶-۳۴۷-۳۴۸-
۳۴۹-۳۵۰-۳۵۱-۳۵۲-۳۵۳-۳۵۴-۳۵۵-۳۵۶-
۳۵۷-۳۵۸-۳۵۹-۳۶۰-۳۶۱-۳۶۲-۳۶۳-۳۶۴-
۳۶۵-۳۶۶-۳۶۷-۳۶۸-۳۶۹-۳۷۰-۳۷۱-۳۷۲-
۳۷۳-۳۷۴-۳۷۵-۳۷۶-۳۷۷-۳۷۸-۳۷۹-۳۸۰-
۳۸۱-۳۸۲-۳۸۳-۳۸۴-۳۸۵-۳۸۶-۳۸۷-۳۸۸-
۳۸۹-۳۹۰-۳۹۱-۳۹۲-۳۹۳-۳۹۴-۳۹۵-۳۹۶-
۳۹۷-۳۹۸-۳۹۹-۴۰۰-۴۰۱-۴۰۲-۴۰۳-۴۰۴-
۴۰۵-۴۰۶-۴۰۷-۴۰۸-۴۰۹-۴۱۰-۴۱۱-۴۱۲-
۴۱۳-۴۱۴-۴۱۵-۴۱۶-۴۱۷-۴۱۸-۴۱۹-۴۲۰-
۴۲۱-۴۲۲-۴۲۳-۴۲۴-۴۲۵-۴۲۶-۴۲۷-۴۲۸-
۴۲۹-۴۳۰-۴۳۱-۴۳۲-۴۳۳-۴۳۴-۴۳۵-۴۳۶-
۴۳۷-۴۳۸-۴۳۹-۴۴۰-۴۴۱-۴۴۲-۴۴۳-۴۴۴-
۴۴۵-۴۴۶-۴۴۷-۴۴۸-۴۴۹-۴۵۰-۴۵۱-۴۵۲-
۴۵۳-۴۵۴-۴۵۵-۴۵۶-۴۵۷-۴۵۸-۴۵۹-۴۶۰-
۴۶۱-۴۶۲-۴۶۳-۴۶۴-۴۶۵-۴۶۶-۴۶۷-۴۶۸-
۴۶۹-۴۷۰-۴۷۱-۴۷۲-۴۷۳-۴۷۴-۴۷۵-۴۷۶-
۴۷۷-۴۷۸-۴۷۹-۴۸۰-۴۸۱-۴۸۲-۴۸۳-۴۸۴-
۴۸۵-۴۸۶-۴۸۷-۴۸۸-۴۸۹-۴۹۰-۴۹۱-۴۹۲-
۴۹۳-۴۹۴-۴۹۵-۴۹۶-۴۹۷-۴۹۸-۴۹۹-۵۰۰-
۵۰۱-۵۰۲-۵۰۳-۵۰۴-۵۰۵-۵۰۶-۵۰۷-۵۰۸-۵۰۹-
۵۱۰-۵۱۱-۵۱۲-۵۱۳-۵۱۴-۵۱۵-۵۱۶-۵۱۷-۵۱۸-
۵۱۹-۵۲۰-۵۲۱-۵۲۲-۵۲۳-۵۲۴-۵۲۵-۵۲۶-۵۲۷-
۵۲۸-۵۲۹-۵۳۰-۵۳۱-۵۳۲-۵۳۳-۵۳۴-۵۳۵-
۵۳۶-۵۳۷-۵۳۸-۵۳۹-۵۴۰-۵۴۱-۵۴۲-۵۴۳-
۵۴۴-۵۴۵-۵۴۶-۵۴۷-۵۴۸-۵۴۹-۵۵۰-۵۵۱-
۵۵۲-۵۵۳-۵۵۴-۵۵۵-۵۵۶-۵۵۷-۵۵۸-۵۵۹-
۵۶۰-۵۶۱-۵۶۲-۵۶۳-۵۶۴-۵۶۵-۵۶۶-۵۶۷-
۵۶۸-۵۶۹-۵۷۰-۵۷۱-۵۷۲-۵۷۳-۵۷۴-۵۷۵-
۵۷۶-۵۷۷-۵۷۸-۵۷۹-۵۸۰-۵۸۱-۵۸۲-۵۸۳-
۵۸۴-۵۸۵-۵۸۶-۵۸۷-۵۸۸-۵۸۹-۵۹۰-۵۹۱-
۵۹۲-۵۹۳-۵۹۴-۵۹۵-۵۹۶-۵۹۷-۵۹۸-۵۹۹-
۶۰۰-۶۰۱-۶۰۲-۶۰۳-۶۰۴-۶۰۵-۶۰۶-۶۰۷-۶۰۸-
۶۰۹-۶۱۰-۶۱۱-۶۱۲-۶۱۳-۶۱۴-۶۱۵-۶۱۶-۶۱۷-
۶۱۸-۶۱۹-۶۲۰-۶۲۱-۶۲۲-۶۲۳-۶۲۴-۶۲۵-
۶۲۶-۶۲۷-۶۲۸-۶۲۹-۶۳۰-۶۳۱-۶۳۲-۶۳۳-
۶۳۴-۶۳۵-۶۳۶-۶۳۷-۶۳۸-۶۳۹-۶۴۰-۶۴۱-
۶۴۲-۶۴۳-۶۴۴-۶۴۵-۶۴۶-۶۴۷-۶۴۸-۶۴۹-
۶۵۰-۶۵۱-۶۵۲-۶۵۳-۶۵۴-۶۵۵-۶۵۶-۶۵۷-
۶۵۸-۶۵۹-۶۶۰-۶۶۱-۶۶۲-۶۶۳-۶۶۴-۶۶۵-
۶۶۶-۶۶۷-۶۶۸-۶۶۹-۶۷۰-۶۷۱-۶۷۲-۶۷۳-
۶۷۴-۶۷۵-۶۷۶-۶۷۷-۶۷۸-۶۷۹-۶۸۰-۶۸۱-
۶۸۲-۶۸۳-۶۸۴-۶۸۵-۶۸۶-۶۸۷-۶۸۸-۶۸۹-
۶۹۰-۶۹۱-۶۹۲-۶۹۳-۶۹۴-۶۹۵-۶۹۶-۶۹۷-
۶۹۸-۶۹۹-۷۰۰-۷۰۱-۷۰۲-۷۰۳-۷۰۴-۷۰۵-
۷۰۶-۷۰۷-۷۰۸-۷۰۹-۷۱۰-۷۱۱-۷۱۲-۷۱۳-
۷۱۴-۷۱۵-۷۱۶-۷۱۷-۷۱۸-۷۱۹-۷۲۰-۷۲۱-
۷۲۲-۷۲۳-۷۲۴-۷۲۵-۷۲۶-۷۲۷-۷۲۸-۷۲۹-
۷۳۰-۷۳۱-۷۳۲-۷۳۳-۷۳۴-۷۳۵-۷۳۶-۷۳۷-
۷۳۸-۷۳۹-۷۴۰-۷۴۱-۷۴۲-۷۴۳-۷۴۴-۷۴۵-
۷۴۶-۷۴۷-۷۴۸-۷۴۹-۷۵۰-۷۵۱-۷۵۲-۷۵۳-
۷۵۴-۷۵۵-۷۵۶-۷۵۷-۷۵۸-۷۵۹-۷۶۰-۷۶۱-
۷۶۲-۷۶۳-۷۶۴-۷۶۵-۷۶۶-۷۶۷-۷۶۸-۷۶۹-
۷۷۰-۷۷۱-۷۷۲-۷۷۳-۷۷۴-۷۷۵-۷۷۶-۷۷۷-
۷۷۸-۷۷۹-۷۸۰-۷۸۱-۷۸۲-۷۸۳-۷۸۴-۷۸۵-
۷۸۶-۷۸۷-۷۸۸-۷۸۹-۷۹۰-۷۹۱-۷۹۲-۷۹۳-
۷۹۴-۷۹۵-۷۹۶-۷۹۷-۷۹۸-۷۹۹-۸۰۰-۸۰۱-
۸۰۲-۸۰۳-۸۰۴-۸۰۵-۸۰۶-۸۰۷-۸۰۸-۸۰۹-
۸۱۰-۸۱۱-۸۱۲-۸۱۳-۸۱۴-۸۱۵-۸۱۶-۸۱۷-۸۱۸-
۸۱۹-۸۲۰-۸۲۱-۸۲۲-۸۲۳-۸۲۴-۸۲۵-۸۲۶-
۸۲۷-۸۲۸-۸۲۹-۸۳۰-۸۳۱-۸۳۲-۸۳۳-۸۳۴-
۸۳۵-۸۳۶-۸۳۷-۸۳۸-۸۳۹-۸۴۰-۸۴۱-۸۴۲-
۸۴۳-۸۴۴-۸۴۵-۸۴۶-۸۴۷-۸۴۸-۸۴۹-۸۵۰-
۸۵۱-۸۵۲-۸۵۳-۸۵۴-۸۵۵-۸۵۶-۸۵۷-۸۵۸-
۸۵۹-۸۶۰-۸۶۱-۸۶۲-۸۶۳-۸۶۴-۸۶۵-۸۶۶-
۸۶۷-۸۶۸-۸۶۹-۸۷۰-۸۷۱-۸۷۲-۸۷۳-۸۷۴-
۸۷۵-۸۷۶-۸۷۷-۸۷۸-۸۷۹-۸۸۰-۸۸۱-۸۸۲-
۸۸۳-۸۸۴-۸۸۵-۸۸۶-۸۸۷-۸۸۸-۸۸۹-۸۹۰-
۸۹۱-۸۹۲-۸۹۳-۸۹۴-۸۹۵-۸۹۶-۸۹۷-۸۹۸-
۸۹۹-۹۰۰-۹۰۱-۹۰۲-۹۰۳-۹۰۴-۹۰۵-۹۰۶-
۹۰۷-۹۰۸-۹۰۹-۹۱۰-۹۱۱-۹۱۲-۹۱۳-۹۱۴-
۹۱۵-۹۱۶-۹۱۷-۹۱۸-۹۱۹-۹۲۰-۹۲۱-۹۲۲-
۹۲۳-۹۲۴-۹۲۵-۹۲۶-۹۲۷-۹۲۸-۹۲۹-۹۳۰-
۹۳۱-۹۳۲-۹۳۳-۹۳۴-۹۳۵-۹۳۶-۹۳۷-۹۳۸-
۹۳۹-۹۴۰-۹۴۱-۹۴۲-۹۴۳-۹۴۴-۹۴۵-۹۴۶-
۹۴۷-۹۴۸-۹۴۹-۹۵۰-۹۵۱-۹۵۲-۹۵۳-۹۵۴-
۹۵۵-۹۵۶-۹۵۷-۹۵۸-۹۵۹-۹۶۰-۹۶۱-۹۶۲-
۹۶۳-۹۶۴-۹۶۵-۹۶۶-۹۶۷-۹۶۸-۹۶۹-۹۷۰-
۹۷۱-۹۷۲-۹۷۳-۹۷۴-۹۷۵-۹۷۶-۹۷۷-۹۷۸-
۹۷۹-۹۸۰-۹۸۱-۹۸۲-۹۸۳-۹۸۴-۹۸۵-۹۸۶-
۹۸۷-۹۸۸-۹۸۹-۹۹۰-۹۹۱-۹۹۲-۹۹۳-۹۹۴-
۹۹۵-۹۹۶-۹۹۷-۹۹۸-۹۹۹-۱۰۰۰-۱۰۰۱-
۱۰۰۲-۱۰۰۳-۱۰۰۴-۱۰۰۵-۱۰۰۶-۱۰۰۷-۱۰۰۸-
۱۰۰۹-۱۰۱۰-۱۰۱۱-۱۰۱۲-۱۰۱۳-۱۰۱۴-۱۰۱۵-
۱۰۱۶-۱۰۱۷-۱۰۱۸-۱۰۱۹-۱۰۲۰-۱۰۲۱-۱۰۲۲-
۱۰۲۳-۱۰۲۴-۱۰۲۵-۱۰۲۶-۱۰۲۷-۱۰۲۸-۱۰۲۹-
۱۰۳۰-۱۰۳۱-۱۰۳۲-۱۰۳۳-۱۰۳۴-۱۰۳۵-۱۰۳۶-
۱۰۳۷-۱۰۳۸-۱۰۳۹-۱۰۴۰-۱۰۴۱-۱۰۴۲-۱۰۴۳-
۱۰۴۴-۱۰۴۵-۱۰۴۶-۱۰۴۷-۱۰۴۸-۱۰۴۹-۱۰۵۰-
۱۰۵۱-۱۰۵۲-۱۰۵۳-۱۰۵۴-۱۰۵۵-۱۰۵۶-۱۰۵۷-
۱۰۵۸-۱۰۵۹-۱۰۶۰-۱۰۶۱-۱۰۶۲-۱۰۶۳-۱۰۶۴-
۱۰۶۵-۱۰۶۶-۱۰۶۷-۱۰۶۸-۱۰۶۹-۱۰۷۰-۱۰۷۱-
۱۰۷۲-۱۰۷۳-۱۰۷۴-۱۰۷۵-۱۰۷۶-۱۰۷۷-۱۰۷۸-
۱۰۷۹-۱۰۸۰-۱۰۸۱-۱۰۸۲-۱۰۸۳-۱۰۸۴-۱۰۸۵-
۱۰۸۶-۱۰۸۷-۱۰۸۸-۱۰۸۹-۱۰۹۰-۱۰۹۱-۱۰۹۲-
۱۰۹۳-۱۰۹۴-۱۰۹۵-۱۰۹۶-۱۰۹۷-۱۰۹۸-۱۰۹۹-
۱۱۰۰-۱۱۰۱-۱۱۰۲-۱۱۰۳-۱۱۰۴-۱۱۰۵-۱۱۰۶-
۱۱۰۷-۱۱۰۸-۱۱۰۹-۱۱۱۰-۱۱۱۱-۱۱۱۲-۱۱۱۳-
۱۱۱۴-۱۱۱۵-۱۱۱۶-۱۱۱۷-۱۱۱۸-۱۱۱۹-۱۱۲۰-
۱۱۲۱-۱۱۲۲-۱۱۲۳-۱۱۲۴-۱۱۲۵-۱۱۲۶-۱۱۲۷-
۱۱۲۸-۱۱۲۹-۱۱۳۰-۱۱۳۱-۱۱۳۲-۱۱۳۳-۱۱۳۴-
۱۱۳۵-۱۱۳۶-۱۱۳۷-۱۱۳۸-۱۱۳۹-۱۱۴۰-۱۱۴۱-
۱۱۴۲-۱۱۴۳-۱۱۴۴-۱۱۴۵-۱۱۴۶-۱۱۴۷-۱۱۴۸-
۱۱۴۹-۱۱۵۰-۱۱۵۱-۱۱۵۲-۱۱۵۳-۱۱۵۴-۱۱۵۵-
۱۱۵۶-۱۱۵۷-۱۱۵۸-۱۱۵۹-۱۱۶۰-۱۱۶۱-۱۱۶۲-
۱۱۶۳-۱۱۶۴-۱۱۶۵-۱۱۶۶-۱۱۶۷-۱۱۶۸-۱۱۶۹-
۱۱۷۰-۱۱۷۱-۱۱۷۲-۱۱۷۳-۱۱۷۴-۱۱۷۵-۱۱۷۶-
۱۱۷۷-۱۱۷۸-۱۱۷۹-۱۱۸۰-۱۱۸۱-۱۱۸۲-۱۱۸۳-
۱۱۸۴-۱۱۸۵-۱۱۸۶-۱۱۸۷-۱۱۸۸-۱۱۸۹-۱۱۹۰-
۱۱۹۱-۱۱۹۲-۱۱۹۳-۱۱۹۴-۱۱۹۵-۱۱۹۶-۱۱۹۷-
۱۱۹۸-۱۱۹۹-۱۲۰۰-۱۲۰۱-۱۲۰۲-۱۲۰۳-۱۲۰۴-
۱۲۰۵-۱۲۰۶-۱۲۰۷-۱۲۰۸-۱۲۰۹-۱۲۱۰-۱۲۱۱-
۱۲۱۲-۱۲۱۳-۱۲۱۴-۱۲۱۵-۱۲۱۶-۱۲۱۷-۱۲۱۸-
۱۲۱۹-۱۲۲۰-۱۲۲۱-۱۲۲۲-۱۲۲۳-۱۲۲۴-۱۲۲۵-
۱۲۲۶-۱۲۲۷-۱۲۲۸-۱۲۲۹-۱۲۳۰-۱۲۳۱-۱۲۳۲-
۱۲۳۳-۱۲۳۴-۱۲۳۵-۱۲۳۶-۱۲۳۷-۱۲۳۸-۱۲۳۹-
۱۲۴۰-۱۲۴۱-۱۲۴۲-۱۲۴۳-۱۲۴۴-۱۲۴۵-۱۲۴۶-
۱۲۴۷-۱۲۴۸-۱۲۴۹-۱۲۵۰-۱۲۵۱-۱۲۵۲-۱۲۵۳-
۱۲۵۴-۱۲۵۵-۱۲۵۶-۱۲۵۷-۱۲۵۸-۱۲۵۹-۱۲۶۰-
۱۲۶۱-۱۲۶۲-۱۲۶۳-۱۲۶۴-۱۲۶۵-۱۲۶۶-۱۲۶۷-
۱۲۶۸-۱۲۶۹-۱۲۷۰-۱۲۷۱-۱۲۷۲-۱۲۷۳-۱۲۷۴-
۱۲۷۵-۱۲۷۶-۱۲۷۷-۱۲۷۸-۱۲۷۹-۱۲۸۰-۱۲۸۱-
۱۲۸۲-۱۲۸۳-۱۲۸۴-۱۲۸۵-۱۲۸۶-۱۲۸۷-۱۲۸۸-
۱۲۸۹-۱۲۹۰-۱۲۹۱-۱۲۹۲-۱۲۹۳-۱۲۹۴-۱۲۹۵-
۱۲۹۶-۱۲۹۷-۱۲۹۸-۱۲۹۹-۱۳۰۰-۱۳۰۱-۱۳۰۲-
۱۳۰۳-۱۳۰۴-۱۳۰۵-۱۳۰۶-۱۳۰۷-۱۳۰۸-۱۳۰۹-
۱۳۱۰-۱۳۱۱-۱۳۱۲-۱۳۱۳-۱۳۱۴-۱۳۱۵-۱۳۱۶-
۱۳۱۷-۱۳۱۸-۱۳۱۹-۱۳۲۰-۱۳۲۱-۱۳۲۲-۱۳۲۳-
۱۳۲۴-۱۳۲۵-۱۳۲۶-۱۳۲۷-۱۳۲۸-۱۳۲۹-۱۳۳۰-
۱۳۳۱-۱۳۳۲-۱۳۳۳-۱۳۳۴-۱۳۳۵-۱۳۳۶-۱۳۳۷-
۱۳۳۸-۱۳۳۹-۱۳۴۰-۱۳۴۱-۱۳۴۲-۱۳۴۳-۱۳۴۴-
۱۳۴۵-۱۳۴۶-۱۳۴۷-۱۳۴۸-۱۳۴۹-۱۳۵۰-۱۳۵۱-
۱۳۵۲-۱۳۵۳-۱۳۵۴-۱۳۵۵-۱۳۵۶-۱۳۵۷-۱۳۵۸-
۱۳۵۹-۱۳۶۰-۱۳۶۱-۱۳۶۲-۱۳۶۳-۱۳۶۴-۱۳۶۵-
۱۳۶۶-۱۳۶۷-۱۳۶۸-۱۳۶۹-۱۳۷۰-۱۳۷۱-۱۳۷۲-
۱۳۷۳-۱۳۷۴-۱۳۷۵-۱۳۷۶-۱۳۷۷-۱۳۷۸-۱۳۷۹-
۱۳۸۰-۱۳۸۱-۱۳۸۲-۱۳۸۳-۱۳۸۴-۱۳۸۵-۱۳۸۶-
۱۳۸۷-۱۳۸۸-۱۳۸۹-۱۳۹۰-۱۳۹۱-۱۳۹۲-۱۳۹۳-
۱۳۹۴-۱۳۹۵-۱۳۹۶-۱۳۹۷-۱۳۹۸-۱۳۹۹-۱۴۰۰-
۱۴۰۱-۱۴۰۲-۱۴۰۳-۱۴۰۴-۱۴۰۵-۱۴۰۶-۱۴۰۷-
۱۴۰۸-۱۴۰۹-۱۴۱۰-۱۴۱۱-۱۴۱۲-۱۴۱۳-۱۴۱۴-
۱۴۱۵-۱۴۱۶-۱۴۱۷-۱۴۱۸-۱۴۱۹-۱۴۲۰-۱۴۲۱-
۱۴۲۲-۱۴۲۳-۱۴۲۴-۱۴۲۵-۱۴۲۶-۱۴۲۷-۱۴۲۸-
۱۴۲۹-۱۴۳۰-۱۴۳۱-۱۴۳۲-۱۴۳۳-۱۴۳۴-۱۴۳۵-
۱۴۳۶-۱۴۳۷-۱۴۳۸-۱۴۳۹-۱۴۴۰-۱۴۴۱-۱۴۴۲-
۱۴۴۳-۱۴۴۴-۱۴۴۵-۱۴۴۶-۱۴۴۷-۱۴۴۸-۱۴۴۹-
۱۴۵۰-۱۴۵۱-۱۴۵۲-۱۴۵۳-۱۴۵۴-۱۴۵۵-۱۴۵۶-
۱۴۵۷-۱۴۵۸-۱۴۵۹-۱۴۶۰-۱۴۶۱-۱۴۶۲-۱۴۶۳-
۱۴۶۴-۱۴۶۵-۱۴۶۶-۱۴۶۷-۱۴۶۸-۱۴۶۹-۱۴۷۰-
۱۴۷۱-۱۴۷۲-۱۴۷۳-۱۴۷۴-۱۴۷۵-۱۴۷۶-۱۴۷۷-
۱۴۷۸-۱۴۷۹-۱۴۸۰-۱۴۸۱-۱۴۸۲-۱۴۸۳-۱۴۸۴-
۱۴۸۵-۱۴۸۶-۱۴۸۷-۱۴۸۸-۱۴۸۹-۱۴۹۰-۱۴۹۱-
۱۴۹۲-۱۴۹۳-۱۴۹۴-۱۴۹۵-۱۴۹۶-۱۴۹۷-۱

ع

چالغون (لرد)، ۳۶۴
چمران (مصطفی)، ۲۲۲، ۲۲۴

ح

حائری (آیت الله)، ۲۴۳
حائری زاده، ۴۳۷

حاج سید جوادی (صدر)، ۴۱۲-۴۱۳
حبیبی (نجف قلی)، ۲۳۸
حجازی (فخرالدین)، ۱۶۳
حجازی (مریم)، ۵۳۸
حزوه ای (ابوالقاسم)، ۲۶۳
حسن (گشتاپو)، ۱۲۶-۱۲۷-۱۲۸-۱۳۰
حسین علیه السلام (امام)، ۴۱۶-۴۵۳

حسین (صدام)، ۷۹-۸۰-۸۲-۸۳-۸۴-۱۴۹-۱۵۱-
۱۷۱-۱۷۵-۱۸۹-۱۹۰-۱۹۱-۱۹۳-۱۹۴-۲۶۶-
۲۶۷-۲۶۸-۲۸۰-۲۹۲-۳۰۷-۳۰۸-۳۹۱-۳۹۲-
۳۹۳-۳۹۴-۳۹۶-۴۷۱

حقیقی، ۹۵

حمیدی، ۴۲۱-۴۱۸

حنیف نژاد (محمد)، ۴۶-۴۷-۴۸

خ

خاتمی (محمد)، ۱۳-۲۹۱-۳۰۳-۳۰۴
خادم (ابوالقاسم)، ۵۳۰-۵۳۱-۵۳۳-۵۳۸
خادم (جوادی)، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۳
۵۳۴-۵۳۵-۵۳۶

خامنه ای (جوادی)، ۲۴۳

خامنه ای (علی)، ۱۳-۲۸-۲۸-۸۹-۹۰-۹۱-۱۶۳-۲۰۷-
۲۰۸-۲۱۸-۲۱۹-۲۲۰-۲۲۳-۲۴۱-۲۴۲-۲۴۳-
۲۴۴-۲۶۳-۲۶۵-۲۶۸-۲۷۷-۲۸۱-۲۸۴-۲۸۶-
۲۸۷-۲۸۹-۳۱۱-۳۱۲-۳۱۳-۳۲۲-۳۳۴-۳۶۵-
۳۶۷-۳۷۰-۴۲۹-۴۳۹-۴۵۳-۴۵۹-۴۶۲-۴۷۷

۴۳۰-۴۳۴-۵۰۰-۵۳۶-۵۳۷

بنی عامری، ۵۳۳، ۵۳۶، ۵۳۸

بهشتی، ۱۷-۴۸-۴۹-۸۹-۹۷-۹۹-۱۰۰-۱۱۸-

۱۲۴-۲۳۸-۳۱۸-۳۱۳-۵۲۹

به فروزی (محمد)، ۴۰

پ

پرورش (علی اکبر)، ۱۸-۲۴۱-۲۴۲-۳۶۵-۴۰۹
پسندیده، ۵۲۹
پورحق گوی (زهرا)، ۲۶۳
پور لطفی (بنی شوکت)، ۲۶۳
پهلوی (شهرام)، ۴۳۳، ۴۳۹
پیراسته، ۵۳۶
پیمان، ۳۱۸

ت

تاجیک (داوود)، ۳۴۰
تبریزی (مصطفی)، ۴۳۲، ۴۳۳
تقوی شیرازی (فرید)، ۳۳۹
تندگویان (جوادی)، ۶۸
توکلی (احمد)، ۴۱۰، ۴۳۰، ۴۳۴، ۴۴۰
توکلی (محسن)، ۲۱۶
تولایی، ۵۱۳

تهرانی (مصطفی)، ۲۴۱، ۲۶۲، ۲۶۳

تیمرن (کت)، ۳۹۴

ج

جعفر صادق علیه السلام (امام)، ۹۸
جعفری (منصور)، ۳۴۰
جلالی، ۴۱۸
جمالی فرد (اصغر)، ۲۶۳
جنتی (احمد)، ۲۸۶

۵۵۰ کتب بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

- خرازی (کمال)، ۴۷۷
 خرم (اصغر)، ۲۶۳
 خزعلی (ابوالقاسم)، ۲۸۶
 خلخالی (صادق)، ۱۶۳
 خلعتبری (عباس علی)، ۳۶۳-
 خلیلی، ۴۳۵
 خمسی (ناصر)، ۳۹
 خمینی (آیت‌الله)، ۱۲-۳۵-۵۰-۵۹-۸۰-۸۴-۹۶-
 ۱۱۳، ۱۲۷، ۱۳۰، ۱۵۹، ۱۷۲-۱۸۶-۲۰۴-۲۰۹-
 ۲۲۳-۲۴۴-۲۴۵-۲۴۶-۲۴۸-۲۵۶-۲۸۷-
 ۲۹۰-۲۹۰-۳۰۹-۳۱۰-۳۱۹-۳۵۴-۳۶۰-۳۹۱-
 ۳۹۲-۴۲۲-۴۵۴-۴۶۷-۴۷۸-۴۹۴-۴۹۷-۴۹۹-
 ۵۳۰
 خمینی (احمد)، ۲۶۸-۲۸۷-۳۸۴-۴۴۴
 خمینی (مصطفی)، ۳۵۷
 خیرحیب‌الهی (موسی)، ۲۶۳
- د**
 دادخواه (اکبر)، ۳۳۹
 دارو (رسول)، ۳۴۰
 دستجردی (وحید)، ۵۵-۱۶۶-۱۷۰
 دستغیب، ۲۰۷
 دعایی، ۳۸۵
- ز**
 زرہانی، ۴۳۵
 زوارہایی (رضا)، ۲۰۹-۲۴۱-۲۴۲-۲۶۲-۳۶۸-
 ۴۳۷
- س**
 سادات، ۲۹۱-۲۹۲-۲۹۳-۲۹۶-۳۰۰-۳۰۱-۳۰۵-
 ۳۰۶
 سپهر، ۵۳۰
 سبحانی (یدالله)، ۴۱-۴۳-۴۴-۴۵-۴۶-
 سرورالدینی (محمدحسین)، ۲۴۲
 سمادتی، ۲۳۳
- ۴۲۲-۴۳۰-۴۳۱-۴۳۲-۴۳۳-۴۳۴-۴۳۵-۴۳۶-
 ۴۳۷-۴۳۸-۴۳۹-۴۴۰-۴۴۱-۴۴۲-۴۴۳-۴۴۴-
 ۴۴۵-۴۴۶-۴۴۷-۴۴۸-۴۴۹-۴۵۰-۴۵۱-۴۵۲-
 ۴۵۳-۴۵۴-۴۵۵-۴۵۶-۴۵۷-۴۵۸-۴۵۹-۴۶۰-
 ۴۶۱-۴۶۲-۴۶۳-۴۶۴-۴۶۵-۴۶۶-۴۶۷-۴۶۸-
 ۴۶۹-۴۷۰-۴۷۱-۴۷۲-۴۷۳-۴۷۴-۴۷۵-۴۷۶-
 ۴۷۷-۴۷۸-۴۷۹-۴۸۰-۴۸۱-۴۸۲-۴۸۳-۴۸۴-
 ۴۸۵-۴۸۶-۴۸۷-۴۸۸-۴۸۹-۴۹۰-۴۹۱-۴۹۲-
 ۴۹۳-۴۹۴-۴۹۵-۴۹۶-۴۹۷-۴۹۸-۴۹۹-۵۰۰-
 ۵۰۱-۵۰۲-۵۰۳-۵۰۴-۵۰۵-۵۰۶-۵۰۷-۵۰۸-۵۰۹-
 ۵۱۰-۵۱۱-۵۱۲-۵۱۳-۵۱۴-۵۱۵-۵۱۶-۵۱۷-۵۱۸-
 ۵۱۹-۵۲۰-۵۲۱-۵۲۲-۵۲۳-۵۲۴-۵۲۵-۵۲۶-
 ۵۲۷-۵۲۸-۵۲۹-۵۳۰-۵۳۱-۵۳۲-۵۳۳-۵۳۴-
 ۵۳۵-۵۳۶-۵۳۷-۵۳۸-۵۳۹-۵۴۰-۵۴۱-۵۴۲-
 ۵۴۳-۵۴۴-۵۴۵-۵۴۶-۵۴۷-۵۴۸-۵۴۹-۵۵۰-
 ۵۵۱-۵۵۲-۵۵۳-۵۵۴-۵۵۵-۵۵۶-۵۵۷-۵۵۸-
 ۵۵۹-۵۶۰-۵۶۱-۵۶۲-۵۶۳-۵۶۴-۵۶۵-۵۶۶-
 ۵۶۷-۵۶۸-۵۶۹-۵۷۰-۵۷۱-۵۷۲-۵۷۳-۵۷۴-
 ۵۷۵-۵۷۶-۵۷۷-۵۷۸-۵۷۹-۵۸۰-۵۸۱-۵۸۲-
 ۵۸۳-۵۸۴-۵۸۵-۵۸۶-۵۸۷-۵۸۸-۵۸۹-۵۹۰-
 ۵۹۱-۵۹۲-۵۹۳-۵۹۴-۵۹۵-۵۹۶-۵۹۷-۵۹۸-
 ۵۹۹-۶۰۰-۶۰۱-۶۰۲-۶۰۳-۶۰۴-۶۰۵-۶۰۶-
 ۶۰۷-۶۰۸-۶۰۹-۶۱۰-۶۱۱-۶۱۲-۶۱۳-۶۱۴-
 ۶۱۵-۶۱۶-۶۱۷-۶۱۸-۶۱۹-۶۲۰-۶۲۱-۶۲۲-
 ۶۲۳-۶۲۴-۶۲۵-۶۲۶-۶۲۷-۶۲۸-۶۲۹-۶۳۰-
 ۶۳۱-۶۳۲-۶۳۳-۶۳۴-۶۳۵-۶۳۶-۶۳۷-۶۳۸-
 ۶۳۹-۶۴۰-۶۴۱-۶۴۲-۶۴۳-۶۴۴-۶۴۵-۶۴۶-
 ۶۴۷-۶۴۸-۶۴۹-۶۵۰-۶۵۱-۶۵۲-۶۵۳-۶۵۴-
 ۶۵۵-۶۵۶-۶۵۷-۶۵۸-۶۵۹-۶۶۰-۶۶۱-۶۶۲-
 ۶۶۳-۶۶۴-۶۶۵-۶۶۶-۶۶۷-۶۶۸-۶۶۹-۶۷۰-
 ۶۷۱-۶۷۲-۶۷۳-۶۷۴-۶۷۵-۶۷۶-۶۷۷-۶۷۸-
 ۶۷۹-۶۸۰-۶۸۱-۶۸۲-۶۸۳-۶۸۴-۶۸۵-۶۸۶-
 ۶۸۷-۶۸۸-۶۸۹-۶۹۰-۶۹۱-۶۹۲-۶۹۳-۶۹۴-
 ۶۹۵-۶۹۶-۶۹۷-۶۹۸-۶۹۹-۷۰۰-۷۰۱-۷۰۲-
 ۷۰۳-۷۰۴-۷۰۵-۷۰۶-۷۰۷-۷۰۸-۷۰۹-۷۱۰-
 ۷۱۱-۷۱۲-۷۱۳-۷۱۴-۷۱۵-۷۱۶-۷۱۷-۷۱۸-
 ۷۱۹-۷۲۰-۷۲۱-۷۲۲-۷۲۳-۷۲۴-۷۲۵-۷۲۶-
 ۷۲۷-۷۲۸-۷۲۹-۷۳۰-۷۳۱-۷۳۲-۷۳۳-۷۳۴-
 ۷۳۵-۷۳۶-۷۳۷-۷۳۸-۷۳۹-۷۴۰-۷۴۱-۷۴۲-
 ۷۴۳-۷۴۴-۷۴۵-۷۴۶-۷۴۷-۷۴۸-۷۴۹-۷۵۰-
 ۷۵۱-۷۵۲-۷۵۳-۷۵۴-۷۵۵-۷۵۶-۷۵۷-۷۵۸-
 ۷۵۹-۷۶۰-۷۶۱-۷۶۲-۷۶۳-۷۶۴-۷۶۵-۷۶۶-
 ۷۶۷-۷۶۸-۷۶۹-۷۷۰-۷۷۱-۷۷۲-۷۷۳-۷۷۴-
 ۷۷۵-۷۷۶-۷۷۷-۷۷۸-۷۷۹-۷۸۰-۷۸۱-۷۸۲-
 ۷۸۳-۷۸۴-۷۸۵-۷۸۶-۷۸۷-۷۸۸-۷۸۹-۷۹۰-
 ۷۹۱-۷۹۲-۷۹۳-۷۹۴-۷۹۵-۷۹۶-۷۹۷-۷۹۸-
 ۷۹۹-۸۰۰-۸۰۱-۸۰۲-۸۰۳-۸۰۴-۸۰۵-۸۰۶-
 ۸۰۷-۸۰۸-۸۰۹-۸۱۰-۸۱۱-۸۱۲-۸۱۳-۸۱۴-
 ۸۱۵-۸۱۶-۸۱۷-۸۱۸-۸۱۹-۸۲۰-۸۲۱-۸۲۲-
 ۸۲۳-۸۲۴-۸۲۵-۸۲۶-۸۲۷-۸۲۸-۸۲۹-۸۳۰-
 ۸۳۱-۸۳۲-۸۳۳-۸۳۴-۸۳۵-۸۳۶-۸۳۷-۸۳۸-
 ۸۳۹-۸۴۰-۸۴۱-۸۴۲-۸۴۳-۸۴۴-۸۴۵-۸۴۶-
 ۸۴۷-۸۴۸-۸۴۹-۸۵۰-۸۵۱-۸۵۲-۸۵۳-۸۵۴-
 ۸۵۵-۸۵۶-۸۵۷-۸۵۸-۸۵۹-۸۶۰-۸۶۱-۸۶۲-
 ۸۶۳-۸۶۴-۸۶۵-۸۶۶-۸۶۷-۸۶۸-۸۶۹-۸۷۰-
 ۸۷۱-۸۷۲-۸۷۳-۸۷۴-۸۷۵-۸۷۶-۸۷۷-۸۷۸-
 ۸۷۹-۸۸۰-۸۸۱-۸۸۲-۸۸۳-۸۸۴-۸۸۵-۸۸۶-
 ۸۸۷-۸۸۸-۸۸۹-۸۹۰-۸۹۱-۸۹۲-۸۹۳-۸۹۴-
 ۸۹۵-۸۹۶-۸۹۷-۸۹۸-۸۹۹-۹۰۰-۹۰۱-۹۰۲-
 ۹۰۳-۹۰۴-۹۰۵-۹۰۶-۹۰۷-۹۰۸-۹۰۹-۹۱۰-
 ۹۱۱-۹۱۲-۹۱۳-۹۱۴-۹۱۵-۹۱۶-۹۱۷-۹۱۸-
 ۹۱۹-۹۲۰-۹۲۱-۹۲۲-۹۲۳-۹۲۴-۹۲۵-۹۲۶-
 ۹۲۷-۹۲۸-۹۲۹-۹۳۰-۹۳۱-۹۳۲-۹۳۳-۹۳۴-
 ۹۳۵-۹۳۶-۹۳۷-۹۳۸-۹۳۹-۹۴۰-۹۴۱-۹۴۲-
 ۹۴۳-۹۴۴-۹۴۵-۹۴۶-۹۴۷-۹۴۸-۹۴۹-۹۵۰-
 ۹۵۱-۹۵۲-۹۵۳-۹۵۴-۹۵۵-۹۵۶-۹۵۷-۹۵۸-
 ۹۵۹-۹۶۰-۹۶۱-۹۶۲-۹۶۳-۹۶۴-۹۶۵-۹۶۶-
 ۹۶۷-۹۶۸-۹۶۹-۹۷۰-۹۷۱-۹۷۲-۹۷۳-۹۷۴-
 ۹۷۵-۹۷۶-۹۷۷-۹۷۸-۹۷۹-۹۸۰-۹۸۱-۹۸۲-
 ۹۸۳-۹۸۴-۹۸۵-۹۸۶-۹۸۷-۹۸۸-۹۸۹-۹۹۰-
 ۹۹۱-۹۹۲-۹۹۳-۹۹۴-۹۹۵-۹۹۶-۹۹۷-۹۹۸-
 ۹۹۹-۱۰۰۰-۱۰۰۱-۱۰۰۲-۱۰۰۳-۱۰۰۴-۱۰۰۵-
 ۱۰۰۶-۱۰۰۷-۱۰۰۸-۱۰۰۹-۱۰۱۰-۱۰۱۱-۱۰۱۲-
 ۱۰۱۳-۱۰۱۴-۱۰۱۵-۱۰۱۶-۱۰۱۷-۱۰۱۸-۱۰۱۹-
 ۱۰۲۰-۱۰۲۱-۱۰۲۲-۱۰۲۳-۱۰۲۴-۱۰۲۵-۱۰۲۶-
 ۱۰۲۷-۱۰۲۸-۱۰۲۹-۱۰۳۰-۱۰۳۱-۱۰۳۲-۱۰۳۳-
 ۱۰۳۴-۱۰۳۵-۱۰۳۶-۱۰۳۷-۱۰۳۸-۱۰۳۹-۱۰۴۰-
 ۱۰۴۱-۱۰۴۲-۱۰۴۳-۱۰۴۴-۱۰۴۵-۱۰۴۶-۱۰۴۷-
 ۱۰۴۸-۱۰۴۹-۱۰۵۰-۱۰۵۱-۱۰۵۲-۱۰۵۳-۱۰۵۴-
 ۱۰۵۵-۱۰۵۶-۱۰۵۷-۱۰۵۸-۱۰۵۹-۱۰۶۰-۱۰۶۱-
 ۱۰۶۲-۱۰۶۳-۱۰۶۴-۱۰۶۵-۱۰۶۶-۱۰۶۷-۱۰۶۸-
 ۱۰۶۹-۱۰۷۰-۱۰۷۱-۱۰۷۲-۱۰۷۳-۱۰۷۴-۱۰۷۵-
 ۱۰۷۶-۱۰۷۷-۱۰۷۸-۱۰۷۹-۱۰۸۰-۱۰۸۱-۱۰۸۲-
 ۱۰۸۳-۱۰۸۴-۱۰۸۵-۱۰۸۶-۱۰۸۷-۱۰۸۸-۱۰۸۹-
 ۱۰۹۰-۱۰۹۱-۱۰۹۲-۱۰۹۳-۱۰۹۴-۱۰۹۵-۱۰۹۶-
 ۱۰۹۷-۱۰۹۸-۱۰۹۹-۱۱۰۰-۱۱۰۱-۱۱۰۲-۱۱۰۳-
 ۱۱۰۴-۱۱۰۵-۱۱۰۶-۱۱۰۷-۱۱۰۸-۱۱۰۹-۱۱۱۰-
 ۱۱۱۱-۱۱۱۲-۱۱۱۳-۱۱۱۴-۱۱۱۵-۱۱۱۶-۱۱۱۷-
 ۱۱۱۸-۱۱۱۹-۱۱۲۰-۱۱۲۱-۱۱۲۲-۱۱۲۳-۱۱۲۴-
 ۱۱۲۵-۱۱۲۶-۱۱۲۷-۱۱۲۸-۱۱۲۹-۱۱۳۰-۱۱۳۱-
 ۱۱۳۲-۱۱۳۳-۱۱۳۴-۱۱۳۵-۱۱۳۶-۱۱۳۷-۱۱۳۸-
 ۱۱۳۹-۱۱۴۰-۱۱۴۱-۱۱۴۲-۱۱۴۳-۱۱۴۴-۱۱۴۵-
 ۱۱۴۶-۱۱۴۷-۱۱۴۸-۱۱۴۹-۱۱۵۰-۱۱۵۱-۱۱۵۲-
 ۱۱۵۳-۱۱۵۴-۱۱۵۵-۱۱۵۶-۱۱۵۷-۱۱۵۸-۱۱۵۹-
 ۱۱۶۰-۱۱۶۱-۱۱۶۲-۱۱۶۳-۱۱۶۴-۱۱۶۵-۱۱۶۶-
 ۱۱۶۷-۱۱۶۸-۱۱۶۹-۱۱۷۰-۱۱۷۱-۱۱۷۲-۱۱۷۳-
 ۱۱۷۴-۱۱۷۵-۱۱۷۶-۱۱۷۷-۱۱۷۸-۱۱۷۹-۱۱۸۰-
 ۱۱۸۱-۱۱۸۲-۱۱۸۳-۱۱۸۴-۱۱۸۵-۱۱۸۶-۱۱۸۷-
 ۱۱۸۸-۱۱۸۹-۱۱۹۰-۱۱۹۱-۱۱۹۲-۱۱۹۳-۱۱۹۴-
 ۱۱۹۵-۱۱۹۶-۱۱۹۷-۱۱۹۸-۱۱۹۹-۱۲۰۰-۱۲۰۱-
 ۱۲۰۲-۱۲۰۳-۱۲۰۴-۱۲۰۵-۱۲۰۶-۱۲۰۷-۱۲۰۸-
 ۱۲۰۹-۱۲۱۰-۱۲۱۱-۱۲۱۲-۱۲۱۳-۱۲۱۴-۱۲۱۵-
 ۱۲۱۶-۱۲۱۷-۱۲۱۸-۱۲۱۹-۱۲۲۰-۱۲۲۱-۱۲۲۲-
 ۱۲۲۳-۱۲۲۴-۱۲۲۵-۱۲۲۶-۱۲۲۷-۱۲۲۸-۱۲۲۹-
 ۱۲۳۰-۱۲۳۱-۱۲۳۲-۱۲۳۳-۱۲۳۴-۱۲۳۵-۱۲۳۶-
 ۱۲۳۷-۱۲۳۸-۱۲۳۹-۱۲۴۰-۱۲۴۱-۱۲۴۲-۱۲۴۳-
 ۱۲۴۴-۱۲۴۵-۱۲۴۶-۱۲۴۷-۱۲۴۸-۱۲۴۹-۱۲۵۰-
 ۱۲۵۱-۱۲۵۲-۱۲۵۳-۱۲۵۴-۱۲۵۵-۱۲۵۶-۱۲۵۷-
 ۱۲۵۸-۱۲۵۹-۱۲۶۰-۱۲۶۱-۱۲۶۲-۱۲۶۳-۱۲۶۴-
 ۱۲۶۵-۱۲۶۶-۱۲۶۷-۱۲۶۸-۱۲۶۹-۱۲۷۰-۱۲۷۱-
 ۱۲۷۲-۱۲۷۳-۱۲۷۴-۱۲۷۵-۱۲۷۶-۱۲۷۷-۱۲۷۸-
 ۱۲۷۹-۱۲۸۰-۱۲۸۱-۱۲۸۲-۱۲۸۳-۱۲۸۴-۱۲۸۵-
 ۱۲۸۶-۱۲۸۷-۱۲۸۸-۱۲۸۹-۱۲۹۰-۱۲۹۱-۱۲۹۲-
 ۱۲۹۳-۱۲۹۴-۱۲۹۵-۱۲۹۶-۱۲۹۷-۱۲۹۸-۱۲۹۹-
 ۱۳۰۰-۱۳۰۱-۱۳۰۲-۱۳۰۳-۱۳۰۴-۱۳۰۵-۱۳۰۶-
 ۱۳۰۷-۱۳۰۸-۱۳۰۹-۱۳۱۰-۱۳۱۱-۱۳۱۲-۱۳۱۳-
 ۱۳۱۴-۱۳۱۵-۱۳۱۶-۱۳۱۷-۱۳۱۸-۱۳۱۹-۱۳۲۰-
 ۱۳۲۱-۱۳۲۲-۱۳۲۳-۱۳۲۴-۱۳۲۵-۱۳۲۶-۱۳۲۷-
 ۱۳۲۸-۱۳۲۹-۱۳۳۰-۱۳۳۱-۱۳۳۲-۱۳۳۳-۱۳۳۴-
 ۱۳۳۵-۱۳۳۶-۱۳۳۷-۱۳۳۸-۱۳۳۹-۱۳۴۰-۱۳۴۱-
 ۱۳۴۲-۱۳۴۳-۱۳۴۴-۱۳۴۵-۱۳۴۶-۱۳۴۷-۱۳۴۸-
 ۱۳۴۹-۱۳۵۰-۱۳۵۱-۱۳۵۲-۱۳۵۳-۱۳۵۴-۱۳۵۵-
 ۱۳۵۶-۱۳۵۷-۱۳۵۸-۱۳۵۹-۱۳۶۰-۱۳۶۱-۱۳۶۲-
 ۱۳۶۳-۱۳۶۴-۱۳۶۵-۱۳۶۶-۱۳۶۷-۱۳۶۸-۱۳۶۹-
 ۱۳۷۰-۱۳۷۱-۱۳۷۲-۱۳۷۳-۱۳۷۴-۱۳۷۵-۱۳۷۶-
 ۱۳۷۷-۱۳۷۸-۱۳۷۹-۱۳۸۰-۱۳۸۱-۱۳۸۲-۱۳۸۳-
 ۱۳۸۴-۱۳۸۵-۱۳۸۶-۱۳۸۷-۱۳۸۸-۱۳۸۹-۱۳۹۰-
 ۱۳۹۱-۱۳۹۲-۱۳۹۳-۱۳۹۴-۱۳۹۵-۱۳۹۶-۱۳۹۷-
 ۱۳۹۸-۱۳۹۹-۱۴۰۰-۱۴۰۱-۱۴۰۲-۱۴۰۳-۱۴۰۴-
 ۱۴۰۵-۱۴۰۶-۱۴۰۷-۱۴۰۸-۱۴۰۹-۱۴۱۰-۱۴۱۱-
 ۱۴۱۲-۱۴۱۳-۱۴۱۴-۱۴۱۵-۱۴۱۶-۱۴۱۷-۱۴۱۸-
 ۱۴۱۹-۱۴۲۰-۱۴۲۱-۱۴۲۲-۱۴۲۳-۱۴۲۴-۱۴۲۵-
 ۱۴۲۶-۱۴۲۷-۱۴۲۸-۱۴۲۹-۱۴۳۰-۱۴۳۱-۱۴۳۲-
 ۱۴۳۳-۱۴۳۴-۱۴۳۵-۱۴۳۶-۱۴۳۷-۱۴۳۸-۱۴۳۹-
 ۱۴۴۰-۱۴۴۱-۱۴۴۲-۱۴۴۳-۱۴۴۴-۱۴۴۵-۱۴۴۶-
 ۱۴۴۷-۱۴۴۸-۱۴۴۹-۱۴۵۰-۱۴۵۱-۱۴۵۲-۱۴۵۳-
 ۱۴۵۴-۱۴۵۵-۱۴۵۶-۱۴۵۷-۱۴۵۸-۱۴۵۹-۱۴۶۰-
 ۱۴۶۱-۱۴۶۲-۱۴۶۳-۱۴۶۴-۱۴۶۵-۱۴۶۶-۱۴۶۷-
 ۱۴۶۸-۱۴۶۹-۱۴۷۰-۱۴۷۱-۱۴۷۲-۱۴۷۳-۱۴۷۴-
 ۱۴۷۵-۱۴۷۶-۱۴۷۷-۱۴۷۸-۱۴۷۹-۱۴۸۰-۱۴۸۱-
 ۱۴۸۲-۱۴۸۳-۱۴۸۴-۱۴۸۵-۱۴۸۶-۱۴۸۷-۱۴۸۸-
 ۱۴۸۹-۱۴۹۰-۱۴۹۱-۱۴۹۲-۱۴۹۳-۱۴۹۴-۱۴۹۵-
 ۱۴۹۶-۱۴۹۷-۱۴۹۸-۱۴۹۹-۱۵۰۰-۱۵۰۱-۱۵۰۲-
 ۱۵۰۳-۱۵۰۴-۱۵۰۵-۱۵۰۶-۱۵۰۷-۱۵۰۸-۱۵۰۹-
 ۱۵۱۰-۱۵۱۱-۱۵۱۲-۱۵۱۳-۱۵۱۴-۱۵۱۵-۱۵۱۶-
 ۱۵۱۷-۱۵۱۸-۱۵۱۹-۱۵۲۰-۱۵۲۱-۱۵۲۲-۱۵۲۳-
 ۱۵۲۴-۱۵۲۵-۱۵۲۶-۱۵۲۷-۱۵۲۸-۱۵۲۹-۱۵۳۰-
 ۱۵۳۱-۱۵۳۲-۱۵۳۳-۱۵۳۴-۱۵۳۵-۱۵۳۶-۱۵۳۷-
 ۱۵۳۸-۱۵۳۹-۱۵۴۰-۱۵۴۱-۱۵۴۲-۱۵۴۳-۱۵۴۴-
 ۱۵۴۵-۱۵۴۶-۱۵۴۷-۱۵۴۸-۱۵۴۹-۱۵۵۰-۱۵۵۱-
 ۱۵۵۲-۱۵۵۳-۱۵۵۴-۱۵۵۵-۱۵۵۶-۱۵۵۷-۱۵۵۸-
 ۱۵۵۹-۱۵۶۰-۱۵۶۱-۱۵۶۲-۱۵۶۳-۱۵۶۴-۱۵۶۵-
 ۱۵۶۶-۱۵۶۷-۱۵۶۸-۱۵۶۹-۱۵۷۰-۱۵۷۱-۱۵۷۲-
 ۱۵۷۳-۱۵۷۴-۱۵۷۵-۱۵۷۶-۱۵۷۷-۱۵۷۸-۱۵۷۹-
 ۱۵۸۰-۱۵۸۱-۱۵۸۲-۱۵۸۳-۱۵۸۴-۱۵۸۵-۱۵۸۶-
 ۱۵۸۷-۱۵۸۸-۱۵۸۹-۱۵۹۰-۱۵۹۱-۱۵۹۲-۱۵۹۳-
 ۱۵۹۴-۱۵۹۵-۱۵۹۶-۱۵۹۷-۱۵۹۸-۱۵۹۹-۱۶۰۰-
 ۱۶۰۱-۱۶۰۲-۱۶۰۳-۱۶۰۴-۱۶۰۵-۱۶۰۶-۱۶۰۷-
 ۱۶۰۸-۱۶۰۹-۱۶۱۰-۱۶۱۱-۱۶۱۲-۱۶۱۳-۱۶۱۴-
 ۱۶۱۵-۱۶۱۶-۱۶۱۷-۱۶۱۸-۱۶۱۹-۱۶۲۰-۱۶۲۱-
 ۱۶۲۲-۱۶۲۳-۱۶۲۴-۱۶۲۵-۱۶۲۶-۱۶۲۷-۱۶۲۸-
 ۱۶۲۹-۱۶۳۰-۱۶۳۱-۱۶۳۲-۱۶۳۳-۱۶۳۴-۱۶۳۵-
 ۱۶۳۶-۱۶۳۷-۱۶۳۸-۱۶۳۹-۱۶۴۰-۱۶۴۱-۱۶۴۲-
 ۱۶۴۳-۱۶۴۴-۱۶۴۵-۱۶۴۶-۱۶۴۷-۱۶۴۸-۱۶۴۹-
 ۱۶۵۰-۱۶۵۱-۱۶۵۲-۱۶۵۳-۱۶۵۴-۱۶۵۵-۱۶۵۶-
 ۱۶۵۷-۱۶۵۸-۱۶۵۹-۱۶۶۰-۱۶۶۱-۱۶۶۲-۱۶۶۳-
 ۱۶۶۴-۱۶۶۵-۱۶۶۶-۱۶۶۷-۱۶۶۸-۱۶۶۹-۱۶۷۰-
 ۱۶۷۱-۱۶۷۲-۱۶۷۳-۱۶۷۴-۱۶۷۵-۱۶۷۶-۱۶۷۷-
 ۱۶۷۸-۱۶۷۹-۱۶۸۰-۱۶۸۱-۱۶۸۲-۱۶۸۳-۱۶۸۴-
 ۱۶۸۵-۱۶۸۶-۱۶۸۷-۱۶۸۸-۱۶۸۹-۱۶۹۰-۱۶۹۱-
 ۱۶۹۲-۱۶۹۳-۱۶۹۴-۱۶۹۵-۱۶۹۶-۱۶۹۷-۱۶۹۸-
 ۱۶۹۹-۱۷۰۰-۱۷۰۱-۱۷۰۲-۱۷۰۳-۱۷۰۴-۱۷۰۵-
 ۱۷۰۶-۱۷۰۷-۱۷۰۸-۱۷۰۹-۱۷

سعدلو (اشکیبوس)، ۲۶۳
 سلامتی (محمد)، ۴۱۰-۴۳۸
 سلیمی، ۴۱۰-۴۲۹-۴۳۹-۴۷۷
 سهرابی (علی)، ۲۶۳
 سیمسون (دیوید)، ۳۶۲-۳۶۳

خ ش

شاملو (ویلا)، ۳۴۰
 شاهپوری، ۵۳۲
 شاه حسن، ۸۴
 شاه حسین، ۸۴-۶۱۳
 شایگان، ۵۳۰-۵۳۱-۵۳۲
 شجونی، ۲۰۸
 شریعتی (محمدتقی)، ۲۸۲
 شریفی، ۵۳۱
 شطی (حبیب)، ۳۰۷-۳۰۸
 شکوهی، ۵۲-۱۰۲
 شمیرانی، ۷۷-۷۸
 شیبانی (پروین)، ۱۸-۴۴
 شیبانی (عباس)، ۱۸-۴۴
 شیخ الاسلام زاده، ۱۵۵
 شیدایی، ۵۳۲
 شیرازی (ابوالحسن)، ۲۱۷
 شیروانی (محمد)، ۳۹

ص

صاحب الزمانی (عباس)، ۴۵
 صادقی (میر محمد)، ۴۴۰
 صافی (لطف الله)، ۲۳۷-۲۸۶
 صالحی (محمد)، ۲۸۶
 صانمی (یوسف)، ۲۸۶
 صباغیان، ۳۰۴
 صدر (محمدباقر)، ۸۴-۲۵۱-۳۵۰

صدیقی، ۵۳۲

صدیقی (هاشم)، ۲۰۹-۲۶۲-۳۶۸

صدیقی (محسن)، ۴۹

صفوی (لطیف)، ۴۲۲

صفوی (نواب)، ۴۰

صمیمی، ۵۳۳-۵۳۴-۵۳۶

صیاد شیرازی، ۵۱۴

ط

طالقانی (اعظم)، ۴۰۹-۴۱۲

طالقانی (محمود)، ۴۰-۴۲-۴۳-۴۴-۴۵-۱۰۰-

۳۰۶-۳۳۶

طاهرزاده (علی)، ۵۳۲

طاهری، ۹۸

طباطبایی (علامه)، ۹۶-۹۷

ظ

ظریف (عطا)، ۲۱۶

ع

عبادی (حسن)، ۲۳۸

عبدالناصر (جمال)، ۴۲-۸۳-۳۹۲

عبدخدایی، ۴۰۹

عجم، ۳۵۸

عرفات (یاسر)، ۴۱۳

عسگر اولادی مسلمان (حبیب الله)، ۱۸-۴۱۰-۴۳۵-

۴۳۹

عطایی (رحیم)، ۴۳

عفلق (میشل)، ۸۳

علوی قتیلهچی (هادی)، ۲۱۶

علی (حضرت)، ۳۱۳-۳۲۱

علیزاده، ۴۲۱

علی محمدی سنجایی (مصومه)، ۳۳۸

۵۵۲ به بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

کریمی (فواد)، ۴۲۱

عنایت (محمود)، ۵۳۲

غ

کشمیری (مسعود)، ۱۶۴-۱۶۵-۱۹۸
کمالی (حسین)، ۲۰۹-۲۴۲-۲۶۸-۲۶۸

غرضی (محمد)، ۳۶۵

غفوری فرد (حسن)، ۲۴۱-۲۴۲

کمره‌ای (خلیل)، ۴۴

غیوران (مهدی)، ۴۹

کوشک (شیخ)، ۳۴۴

کیاوش، ۱۶۴

کیسینجر، ۳۹۵

ف

فارسی (جلال‌الدین)، ۴۸-۸۹

فاروق، ۳۰۰-۳۰۱

فاطمه رضی الله عنها (حضرت)، ۴۱۶

فروزان (اصغر)، ۳۴۰

فولادی‌ها (اسماعیل)، ۳۸

گ

گلیایگانی، ۲۸۷

گلزاده غفوری (علی)، ۴۴-۹۹

گلوبلز، ۴۸۹

گلین‌خانم، ۳۷

گنابادی (محمدشهاب)، ۴۰۹-۴۱۹-۴۳۳-۴۳۹

ق

قادری (عباس)، ۳۴۰

قادسی، ۵۳۵-۵۳۷

قاسمی (ابوالفضل)، ۵۳۲

قاسمی (محمد)، ۳۴۰

قدردان حصاری (فرامرز)، ۲۶۳

قدوسی (علی)، ۱۵۵-۱۷۰-۲۱۲-۲۷۱

قربانی‌نسب، ۵۳۶-۵۳۷

قزوینی (هاشم)، ۲۴۳

قطب‌زاده (صادق)، ۴۹

قبرری (جواد)، ۳۴۰

ل

لاجوردی، ۱۵۷

لاهوتی (آیت‌الله)، ۳۷۵-۳۷۶-۳۷۷-۳۷۸-۳۷۹

۳۸۰-۳۸۱-۳۸۲-۳۸۳-۳۸۴-۳۸۵-۳۸۸

لرزاده (عبدالله)، ۲۶۳

م

مارکس، ۴۱۷

مبارک (حسنی)، ۴۱۶

محقق داماد (مصطفی)، ۳۷۳-۳۷۳-۵۴۰-۵۴۲-۵۴۴

محلای، ۴۱۹

محمد رضی الله عنه (حضرت)، ۳۳۷-۴۱۸-۴۹۹

محمد رضاشاه، ۱۳

محمدی ری‌شهری، ۵۲۷

مخملیان کاشانی (علیرضا)، ۳۳۸

مددی (اکبر)، ۳۳۹

مدنی (احمد)، ۵۲۹-۵۳۲

ک

کارتو (جیمی)، ۱۱۵-۱۱۶-۳۰۰-۳۹۳

کارمل (بیرک)، ۴۷۸

کازرانی (حسن)، ۳۴۰

کاشانی (ابوالقاسم)، ۴۱

کالاها (جیمز)، ۱۳

کجوری (ناصر)، ۴۶

کرب (لورنس)، ۳۹۳

- ۴۶۹ - ۴۷۰ - ۴۷۷ - ۴۸۱ - ۵۱۱ - ۵۱۲ - ۵۱۳ - ۵۱۴
 موسی ^{علیه السلام} (حضرت)، ۲۵۷ - ۳۰۴ - ۳۳۷ - ۴۰۷
 مهاجرانی (روحانی دربار)، ۵۳۵
 مهاجرانی (علی)، ۲۶۳
 مهدوی کنی (محمدرضا)
 مهدی زاده (علی اصغر)، ۳۴۰
 مهدی (عج) (حضرت)، ۳۲۲ - ۴۱۶
 مهرپرور (حسین)، ۲۸۶
 میر سلیم، ۳۶۵ - ۳۶۶ - ۴۲۱
 میلانی، ۲۴۳
 مؤمنی (ذبیح الله)، ۵۳۷
 مدنی (اسدالله)، ۱۷۰ - ۳۲۰ - ۳۵۸
 مرات (شیوا)، ۳۳۹
 مرزبان (رضا)، ۵۳۵ - ۵۳۶ - ۵۳۷ - ۵۳۸
 مرعشی نجفی، ۲۸۷
 مرندی (علیرضا)، ۳۴۰
 مسعودی (منوچهر)، ۳۳۷ - ۳۴۰
 مشکینی، ۹۷ - ۲۰۷
 مصدق (محمد)، ۴۱ - ۱۹۱ - ۳۰۶
 مطهری، ۴۴ - ۱۰۰ - ۱۸۴ - ۲۴۴ - ۳۳۲ - ۳۵۰
 معادیخواه (عبدالمجید)، ۱۶۳ - ۴۱۰ - ۴۹۸
 ممزی (اسماعیل)، ۳۵۷
 ممزی (مقداد)، ۳۵
 معین زاده (جواد)، ۵۳۵، ۵۳۶
 مفیدی، ۱۵۳ - ۱۵۴ - ۱۵۵
 مقتدایی، ۵۲۰ - ۵۴۴
 ملک پور، ۳۵۸
 ملکی پور (حسن)، ۳۳۹
 منافی (هادی)، ۴۱۰ - ۴۳۷ - ۴۳۹
 منتظری (حسینعلی)، ۹۷ - ۲۰۶ - ۲۴۴ - ۲۶۳ - ۲۸۷
 ۳۵۴ - ۳۵۶ - ۴۸۵ - ۴۹۸ - ۴۹۹
 منتظری (محمد)، ۱۸۴
 موحدی ساوجی، ۴۱۹ - ۴۲۱ - ۴۳۱ - ۴۳۲
 موسوی اردبیلی (عبدالکریم)، ۱۷ - ۱۰۱ - ۱۶۹ - ۲۲۵
 ۲۲۶ - ۲۲۷ - ۲۲۸ - ۲۳۰ - ۲۳۲ - ۲۸۷ - ۳۷۱ - ۳۷۳
 ۵۰۸ - ۵۱۵ - ۵۱۹ - ۵۲۰ - ۵۲۱
 موسویان (حسین)، ۴۱۰ - ۴۳۲ - ۴۳۸
 موسوی تبریزی (حسین)، ۲۰۸ - ۲۱۱ - ۲۱۲ - ۲۱۳
 ۲۱۴ - ۲۳۴ - ۲۴۶ - ۳۴۹ - ۳۵۰ - ۳۵۱ - ۴۱۸ - ۴۱۹
 موسوی (کاظم)، ۵۲
 موسوی (میرحسین)، ۸۹ - ۱۰۰ - ۲۴۶ - ۲۶۸ - ۳۱۵
 ۳۱۶ - ۳۱۷ - ۳۱۸ - ۳۱۹ - ۳۶۵ - ۳۶۶ - ۳۶۷ - ۳۶۹
 ۳۷۰ - ۳۸۸ - ۳۸۹ - ۴۰۹ - ۴۱۰ - ۴۱۱ - ۴۲۳ - ۴۳۱
 ۴۳۵ - ۴۳۷ - ۴۳۸ - ۴۳۹ - ۴۴۱ - ۴۴۲ - ۴۶۷ - ۴۶۸

خ ن

- ناطق نوری (احمد)، ۴۳۳
 نامجو، ۱۶۴ - ۴۷۹
 نبوی (بهباد)، ۷۷ - ۷۸ - ۱۶۵ - ۱۸۸ - ۱۹۵ - ۱۹۶ - ۲۰۸
 نبوی (مرتضی)، ۴۱۰
 نجف آبادی (هاشم)، ۲۴۴
 نجفی (محمدعلی)، ۴۱۰ - ۴۳۸
 نخعی، ۵۴۲
 نراقی (احسان)، ۱۲۶
 نزیه (حسن)، ۵۳۴ - ۵۳۵
 نژادحسینیان، ۴۱۰
 نعمتیان (ابراهیم)، ۳۴۰
 نمازی، ۱۲۱
 نمازی (حسین)، ۴۱۰
 نمیری، ۳۰۰
 نوربخش، ۲۰۸
 نوربخش (فرشته)، ۳۳۸
 نوری زاده (علیرضا)، ۵۳۲
 نهاوندی (هوشنگ)، ۵۳۶
 نیک روش (کمال الدین)، ۱۶۹ - ۲۸۵ - ۴۳۷ - ۴۳۸

۵۵۴ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

۴۳۸

✕ و

والدهایم (کورت)، ۷۸-۴۹۰
ولایتی (علی اکبر)، ۳۲۱-۳۲۲-۳۲۳-۳۵۷-۳۵۸
۳۵۹-۳۶۰-۳۶۱-۳۶۵-۳۶۷
ولی زاده گرمه چشم، ۳۴۰

✕ ه

هادوی (محسن)، ۲۸۶
هادوی (مهدی)، ۱۹۱
هاشمی خوراسگانی (مصطفی)، ۴۱۰-۴۳۲
هاشمی رفسنجانی (علی اکبر)، ۱۷-۴۷-۵۲-۱۶۴
۱۶۵-۱۶۹-۱۷۱-۱۹۳-۲۶۳-۲۶۶-۲۶۸-۲۷۷
۲۸۷-۳۰۷-۳۱۱-۳۱۲-۳۲۱-۳۲۴-۳۲۶-۳۲۷
۳۲۷-۳۵۸-۳۷۵-۳۸۵-۳۶۸-۳۸۸-۴۱۱-۴۲۱
۴۳۵-۴۳۷-۴۳۸-۴۴۳-۴۷۱-۴۷۷
هاشمی (مجتبی)، ۱۰۲
هاشمی نژاد (عبدالکریم)، ۲۱۶-۲۱۷-۲۸۱
هراتی (حسین)، ۴۱۵
همایون (تکمیل)، ۲۰۳
همایونی (مهدی)، ۱۹۱
هویدا، ۱۵۵-۳۳۵

✕ ی

یوسف علیه السلام (حضرت)، ۳۳۷

فهرست مکان‌ها

ایتالیا، ۴۷۹

الف

آبادان، ۷۸-۲۷۸-۲۷۹-۲۲۰-۲۲۲-۲۲۳-۲۷۹-

۲۸۰-۲۸۱-۳۲۷-۴۱۷-۴۴۳-۴۷۲-۴۷۹-

آبراه شط العرب، ۳۹۱

آذربایجان، ۶۹-۳۲۰-۵۱۷-

آذربایجان شرقی، ۳۵۰

آذربایجان غربی، ۲۴۱

آموزشگاه مهناوی، ۵۲۸

آنگولا، ۲۵۰

اتریش، ۳۹۲

اردن، ۸۰-۱۷۶-

اروند رود، ۳۰۷-۳۹۰-۳۹۱-

استرالیا، ۱۷۲

اسرائیل، ۸۰-۸۱-۱۱۱-۱۱۳-۱۱۴-۱۳۷-۱۷۲-

۱۷۵-۱۸۳-۱۸۴-۲۴۹-۲۵۳-۲۵۴-۲۵۵-۲۵۸-

۲۷۱-۲۹۱-۲۹۲-۲۹۵-۲۹۷-۲۹۸-۳۲۴-۳۶۴-

۴۱۳-۴۱۴-۴۶۵-۴۸۳-

اشنوبه، ۱۷۹

اصفهان، ۳۷۸-۵۳۸

افغانستان، ۸۶-۱۹۰-۲۵۷-۲۵۸-۳۴۷-۳۹۳-

۴۸۷-۴۹۰-۴۹۱-۴۹۲-

الجزایر، ۱۲-۱۱۰-۱۳۲-۱۹۶-۲۵۰-

الجزیره، ۸۲

السالوادور، ۳۴۴، ۴۶۲

امارات متحده عربی، ۳۹۴

امامزاده شاهزاده حسین، ۳۸

انگلیس، ۱۳۵-۱۷۵-۲۹۲-۳۴۸-۳۶۲-

۵۲۸

اهواز، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۳۰-۲۶۸-

۲۷۹-۳۷۲-۴۱۳-۴۷۲-۴۷۹-۵۱۱-۵۱۷-

ایرانشهر، ۲۴۴

ایلام، ۸۳

ب

بازی دراز، ۱۷۹

باویسی، ۱۷۹

بروجرد، ۴۱۳

بستان، ۱۷۲، ۱۸۰-۵۱۲-۵۱۳

بغداد، ۱۷۱-۲۵۴-۳۹۴

بناب، ۳۵۷

بندرعباس، ۳۷۸

بندر عقبه، ۸۰-۸۶-

بنغازی، ۳۱۶

بنگلادش، ۲۵۰

بوشهر، ۶۹

بوکان، ۳۵۲

بهشت زهرا، ۱۶۴

بهشهر، ۴۳۰

بیت الله الحرام، ۳۰۹

بیت المقدس، ۱۱۳

بیجار، ۴۲

بیرجند، ۲۴۳

بیروت، ۴۹

بیمارستان قلب تهران، ۳۷۵

پ

پادگان باغ شاه، ۳۷۶

پادگان جی، ۴۱

۵۵۶ کتب بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

حسینی‌ی ارشاد، ۱۰۰

پادگان لاهوتی، ۳۷۶

حسینی‌ی جماران، ۲۸ - ۳۲

حلیجه، ۲۶۷ - ۲۶۸

حمیدیه، ۱۷۲

خ

خرمشهر، ۱۷۹ - ۱۸۰ - ۲۲۰ - ۲۲۲ - ۲۷۹ - ۲۹۵ -

۳۹۶

خلیج فارس، ۲۵۵ - ۲۶۰ - ۲۶۱ - ۳۹۱ - ۴۶۵

خوزستان، ۸۵ - ۱۷۵ - ۱۷۶ - ۱۷۷ - ۱۷۸ - ۱۸۰ -

۱۸۳ - ۲۲۲ - ۲۷۹ - ۳۵۰ - ۳۹۱ - ۴۱۷ - ۵۱۲ - ۵۱۳

خیابان کاخ، ۴۴

خیابان نارمک، ۴۵

د

دارخوین، ۱۷۹

دانشگاه صنعتی شریف، ۹۳ - ۵۲۸

دبستان ملی احمدیه، ۳۹

دبستان ملی فرهنگ، ۳۷

دبیرستان پهلوی، ۴۵ - ۴۶

دبیرستان سخن، ۴۵ - ۴۶

دبیرستان قدس، ۴۵

دبیرستان کمال، ۴۳ - ۴۴ - ۴۵ - ۴۶

دبیرستان میرداماد، ۴۵

دزفول، ۷۹ - ۲۲۰ - ۲۲۱ - ۲۲۲ - ۲۲۳ - ۲۲۴ - ۴۷۲ -

۴۷۹

دوسلک، ۱۷۹

دهلران، ۲۲۳

دهلی نو، ۲۵۲

دیر یاسین، ۳۴۳

پاریس، ۳۴ - ۳۵ - ۴۹ - ۱۳۵

پاکستان، ۴۹۰ - ۴۹۱

پالایشگاه آبادان، ۶۲

پالایشگاه تبریز، ۶۲

پایگاه نوژه، ۵۳۸

پل کرخه، ۲۲۳

ت

تبریز، ۶۹ - ۲۲۳ - ۳۲۰ - ۳۶۴

تپه‌ی طراح، ۱۷۹

تپه‌ی الله‌اکبر، ۱۷۹

تپه‌ی دب حران، ۱۷۹

ترکمن صحرا، ۲۵۰

ترکیه، ۴۹

تونس، ۲۹۶ - ۳۲۷ - ۵۱۶

ج

جاده‌ی ماهشهر، ۱۷۸ - ۱۸۰

جده، ۳۱۰

جمره‌ی بزرگ، ۳۰۹

جیرفت، ۲۴۴

جزیره‌العرب، ۵۱۶

چ

چم امام‌حسن، ۱۷۹

چهارمحال و بختیاری، ۵۳۸

ح

حجرات، ۳۰۹

ر

راه آهن اصفهان - شیراز، ۶۸

راه آهن جلفا - تبریز، ۶۸

راه آهن کرمان - زاهدان، ۶۸

راه آهن گرگان - گنبد، ۶۸

رشت، ۳۷۵ - ۳۸۱ - ۳۸۴ - ۳۸۵ - ۳۸۶ - ۳۸۸ - ۵۱۷

رقاییه، ۱۷۹

رود اردن، ۲۵۷

رود کارون، ۱۸۰ - ۲۲۰

ز

زندان اوین، ۳۵ - ۱۵۴ - ۱۵۶ - ۱۵۷ - ۲۰۴ - ۲۳۴ -

۳۲۸ - ۳۵۱ - ۳۷۱ - ۳۷۳ - ۴۴۸ - ۴۴۹ - ۴۵۱ - ۵۱۲

زندان قزل قلعه، ۹۹

زیمبابوه، ۸۵

ژ

ژاپن، ۱۳ - ۹۸

س

ساختمان قو، ۳۹

سبزوار، ۴۱۵

سد «پار»، ۴۱۸

سرپل ذهاب، ۱۷۹

سوئیس، ۱۷۲ - ۱۹۶

سودان، ۳۲۷ - ۳۴۷ - ۳۵۱ - ۴۱۶

سوریه، ۴۸ - ۴۹ - ۱۱۱ - ۱۱۶ - ۲۵۰

سوسنگرد، ۱۷۲ - ۲۲۰ - ۵۱۱

سومار، ۱۷۹

سیستان و بلوچستان، ۶۹ - ۸۳ - ۱۹۰

سینما رکس آبادان، ۳۴۸ - ۳۵۲

ش

شرکت ایران داتا، ۵۲۸

شلمچه، ۲۲۰ - ۲۶۸ - ۲۶۹

شیراز، ۲۰۷ - ۳۵۱ - ۳۵۷ - ۵۴۱ - ۵۴۲ - ۵۴۳

شیلر، ۱۷۹

ص

صباح زنگنه، ۳۵۷

صحرای عرفات، ۳۱۰

ض

ضباط الاحرار، ۳۰۰

ط

طیس، ۸۱ - ۱۷۴ - ۲۴۹ - ۲۵۰

ع

عین خوش، ۲۲۲ - ۲۲۳

ف

فارس، ۶۹

فاو، ۲۶۷ - ۲۶۸ - ۲۶۹

فرانسه، ۱۲ - ۱۳ - ۴۹ - ۱۳۵ - ۱۳۶ - ۱۳۸ - ۱۴۷ -

۱۷۸ - ۱۸۰ - ۲۵۴ - ۲۹۷ - ۳۹۲ - ۴۷۹

فرانکفورت، ۵۳۶

فروگاه مهرآباد، ۳۴ - ۴۱ - ۷۷

فلسطین، ۸۴ - ۲۰۹ - ۲۵۵ - ۲۵۷ - ۳۰۰ - ۳۰۱ - ۴۱۴ -

۴۶۵ -

ق

قدس، ۱۱۳ - ۴۶۵

قراویز، ۱۷۹

۵۵۸ کتب بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟

قزوین، ۳۶-۳۸-۴۳-۴۵-۴۶

قصر شیرین، ۱۸۰

قطر، ۳۶۴

قم، ۴۳-۹۶-۹۷-۹۸-۲۲۹-۲۶۹-۳۵۶-۳۶۴-

۳۷۲-۴۹۸-۵۲۰

قمصر، ۳۱۱

قیطور، ۱۷۹

م X

مالزی، ۲۵۰

مدرسه‌ی بهرام، ۳۵۹

مدرسه‌ی جم، ۳۵۹

مدرسه‌ی رفا، ۵۰-۵۱

مدرسه‌ی علمیه قم، ۹۸-۵۴۴

مدرسه‌ی علوی، ۵۰-۵۱

مدرسه‌ی فیضیه، ۹۶-۹۸

مدرسه‌ی مصومیه، ۹۵-۹۶

مدرسه‌ی نادر، ۳۵۹

مدینه، ۴۸۹

مراغه، ۳۸۸

مراکش، ۳۵-۸۶

مریوان، ۱۷۹

مسجد اباذر، ۲۴۵

مسجد اعظم قم، ۲۶۷

مسجد الجواد، ۱۰۰

مسجد الحرام، ۱۹۰

مسجد جامع، ۹۸

مسجد هدایت، ۴۰-۴۱-۴۳-۴۴-۱۰۰

مشهد، ۲۱۶-۲۱۷-۲۳۳-۲۴۴-۲۵۸-۳۸۱-۴۱۸

مصر، ۱۲-۳۵-۸۳-۸۶-۹۰-۱۷۶-۲۱۴-۳۰۰-

۳۰۱-۳۱۰-۳۲۷-۳۴۴-۳۴۷-۳۵۱-۳۶۴-۴۰۳-

۴۰۷-۴۱۶-۴۲۲-۵۱۶

مغرب، ۳۲۷

مکه، ۳۲۷-۴۸۹

ملایر، ۴۲

ملکان، ۳۵۷

من، ۳۰۹

مهران، ۱۸۰

مؤسسه‌ی خیریه رفا، تعاون، ۴۷-۴۸

ک X

کاشان، ۳۱۱

کانون توحید، ۱۰۰

کتابخانه‌ی ایران و آمریکا، ۵۳۷

کرج، ۴۱۳

کردستان، ۸۳-۸۵-۱۱۶-۱۱۷-۲۴۱-۲۵۰-۳۲۰-

۳۵۲-۵۳۳

کرمان، ۹۵-۱۰۳

کرمانشاه، ۷۸-۷۹-۸۳-۸۷

کره شمالی، ۱۸۶-۴۷۶

کفر قاسم، ۳۴۳

کویا، ۳۶۰-۴۷۶

کوت کاپن، ۱۷۹

کوچکصفهان، ۳۸۴

کوره‌ی موش، ۱۷۹

کویت، ۲۵۳-۳۲۷-۳۹۴

کیش، ۴۱۳

ک X

گل، ۱۷۹

ل X

لبنان، ۲۴۹-۲۷۱

لندن، ۵۳۵-۳۶۲

لیبی، ۱۱۰-۱۱۶-۱۳۷-۲۵۰-۴۸۷

ن

- نامیبیا، ۱۱۱-۲۵۰
نفت شهر، ۱۸۰
نوار غزه، ۲۵۷
نوسود، ۱۷۹
نوشهر، ۴۱۳
نیجریه، ۴۱۰
نیشابور، ۴۱۸
نیکاراگوئه، ۱۲-۱۳
نیوزیلند، ۲۹۲
نیویورک، ۷۷-۱۱۶-۱۹۶-۲۴۶-۳۱۵

و

- ولشنگتن، ۱۹۶-۳۹۴-۳۹۶
ویتنام، ۲۵۰

ه

- هشترود، ۴۱۸
هلند، ۱۷۲
همدان، ۹۸-۳۵۸
هند، ۲۵۰

ی

- یزد، ۵۱
یمن، ۴۸۷
یوگسلاوی، ۴۷۶
یونان، ۳۶۰

و دیگر موارد

- انجمن اسلامی معلمان، ۲۰۸
انجمن حجتیه، ۴۳۹
انجمن منتظرین امام زمان، ۳۶
تروتسکیست، ۱۲۹
جبهه‌ی اسلامی، ۱۳۷
جبهه‌ی پایداری، ۱۳۷
جبهه‌ی ملی ایران، ۳۳۵
جنبش مسلمانان ایران، ۳۶۹
جنبش مسلمانان مبارز، ۳۱۸
حزب الدعوه، ۳۹۰
حزب ایران، ۵۳۰
حزب توده‌ی ایران، ۱۳۰-۱۹۱
حزب جمهوری اسلامی، ۵۲-۱۰۲-۱۰۴
حزب خلق مسلمان، ۳۲۰-۳۴۷-۵۳۳
حزب سوسیال دموکرات، ۵۳۰
رادیو آزاد، ۴۵۴
رادیو آمریکا، ۴۵۴
رادیو اسرائیل، ۴۵۴
رادیو بی‌بی‌سی، ۲۹۷
رادیو کلن، ۴۵۴
ژاکوبین‌ها، ۳۹۲
ژیروندن‌ها، ۳۹۲
سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، ۲۰۸
سازمان مجاهدین خلق ایران، ۱۱-۳۴-۴۷-۴۹-
۱۹۹-۲۱۱-۲۱۴-۳۳۷-
طرح فهد، ۴۶۹-۴۸۱-۴۸۴-۵۰۵-۵۲۲
طرح کمپ دیوید، ۲۵۷-۴۱۴
عملیات دارخوین، ۱۷۸-۱۸۰
عملیات نجات طیس، ۳۹۵
- فداییان اسلام، ۴۰-۴۱
کتاب «مواضع ما»، ۸۹
کنفرانس فاس، ۴۸۶
کودتای نوژه، ۱۹۰-۳۹۵
گروه شیعیان، ۳۹
گروه فرقان، ۲۰۵-۳۳۷
مانوئیست، ۱۲۹
مانور ستاره درخشان امریکا، ۴۷۷-۴۷۸-۴۸۹-
۵۰۵
مجله‌ی امید فردا، ۵۳۲-۵۳۳
مذاکره‌ی سالت (۳)، ۸۶
نهضت آزادی ایران، ۲۰-۴۳-۴۴-۴۵-۴۶-۵۲-
۱۲۴-۳۰۶-۳۳۳-۳۳۶
نهضت مجاهدین خلق ایران، ۲۰۹-۳۱۸
نهضت مقاومت ملی، ۴۱
هیأت مؤتلفه، ۴۹

تصاویر...

شهدای هفتم تیر



موسی خیر



حسین کاظم پور



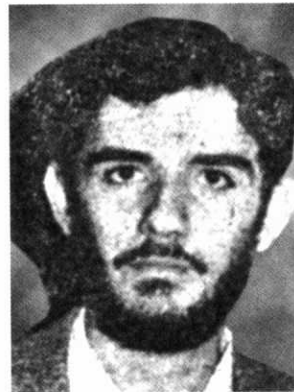
دکتر بهشتی



شیخ محمد منتظری



دکتر حسن عباس پور



دکتر دیالمه



حجت الاسلام حقانی



محمود قندی



محمد علی فیاض بخش

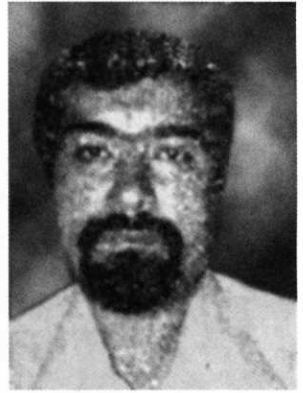
شهدای هفتم تیر



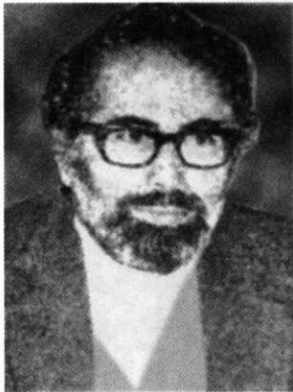
محمد رواقی



علی حیدری



محمدباقر لواسانی



دکتر معیری



سیف الله عبدالکریمی



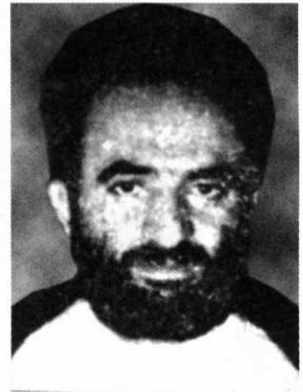
عباس علی ناطق نوری



محمدتقی بشارت

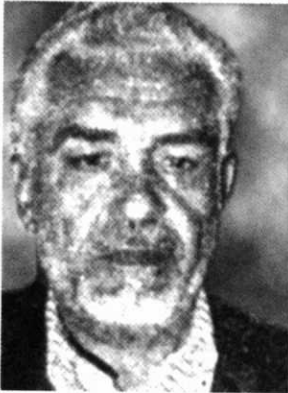


باغانی

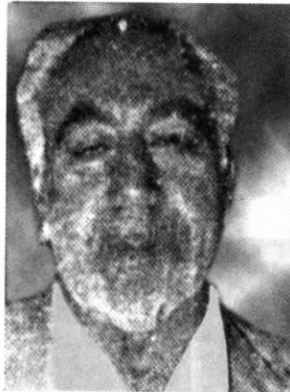


فخرالدین رحیمی

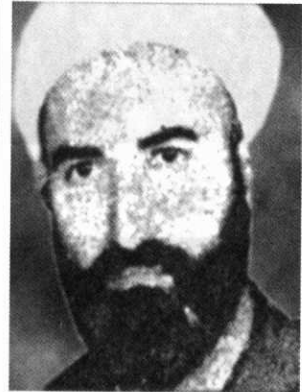
شهدای هفتم تیر



دکتر پاکنژاد



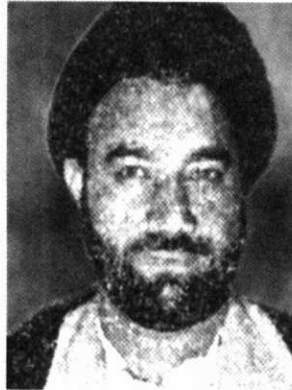
محمد جواد شرافت



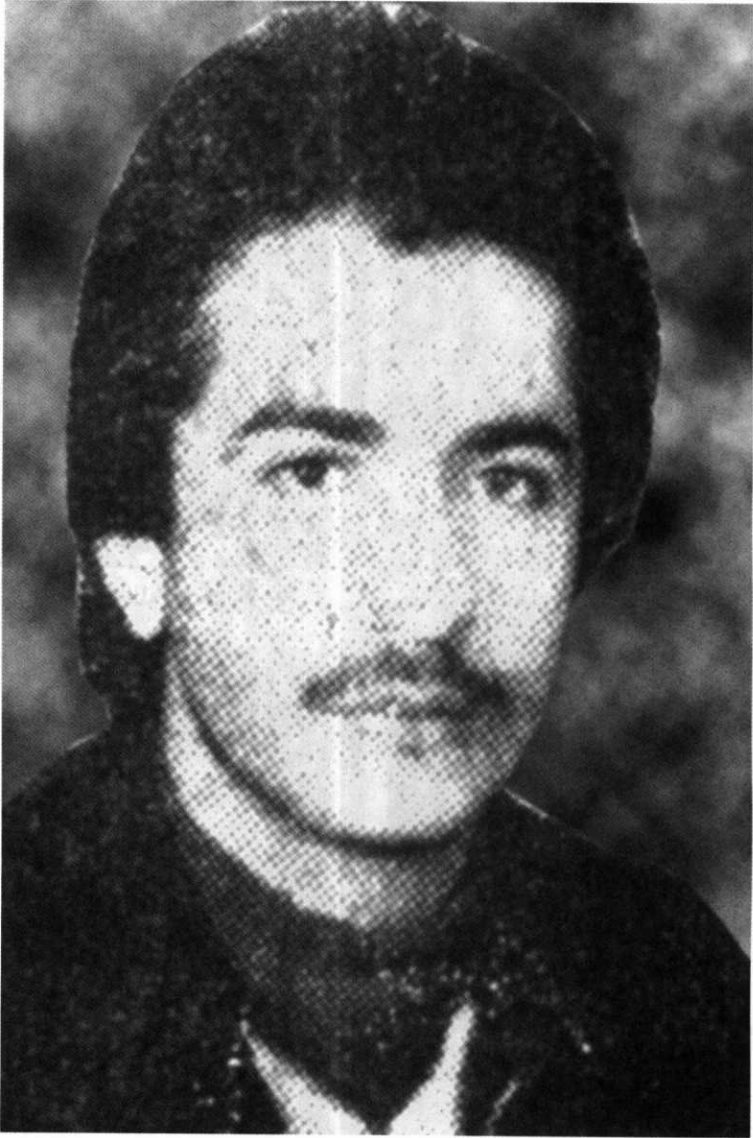
عمادالدین کریمی



علی اکبر دهقان

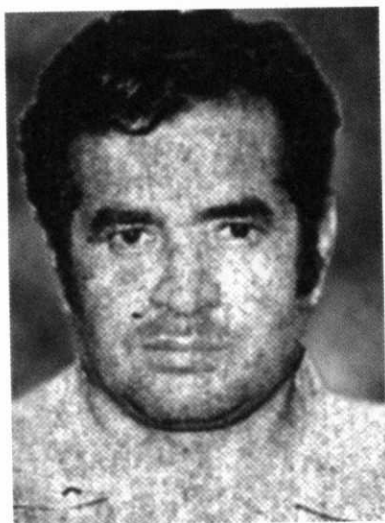


نورالله طباطبایی

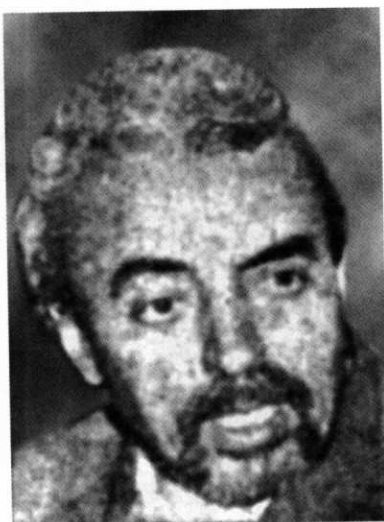


محمد رضا کلاهی، عامل بمب گذاری مقرّ حزب جمهوری اسلامی

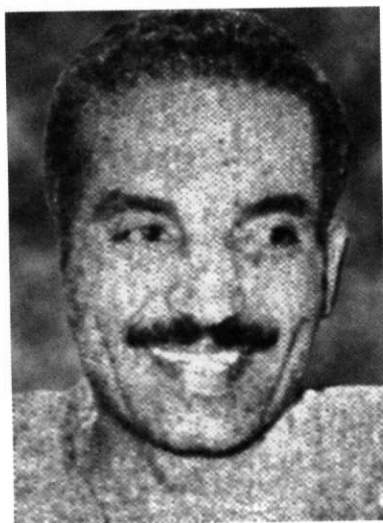
نامزدهای دومین دوره ی ریاست جمهوری



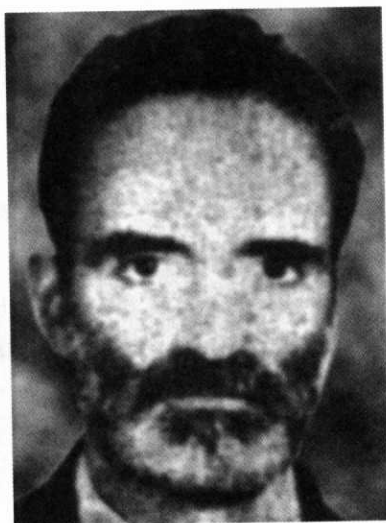
سیدعلی اکبر پرورش



حبیب الله عسگراولادی



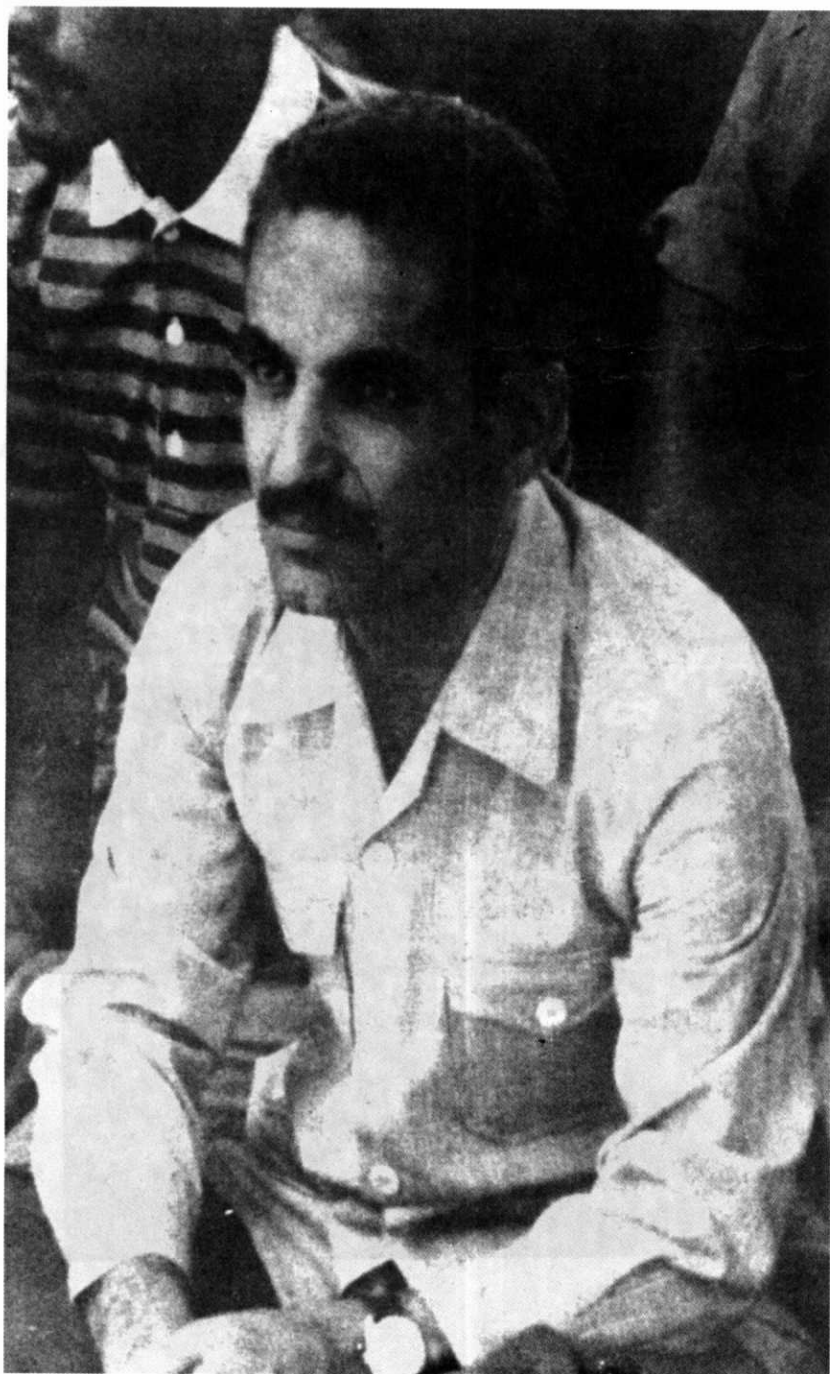
محمدعلی رجایی



عباس شیبانی



صفوف فشرده رأی دهندگان در دوره ی دوم ریاست جمهوری



محمد علی رجایی



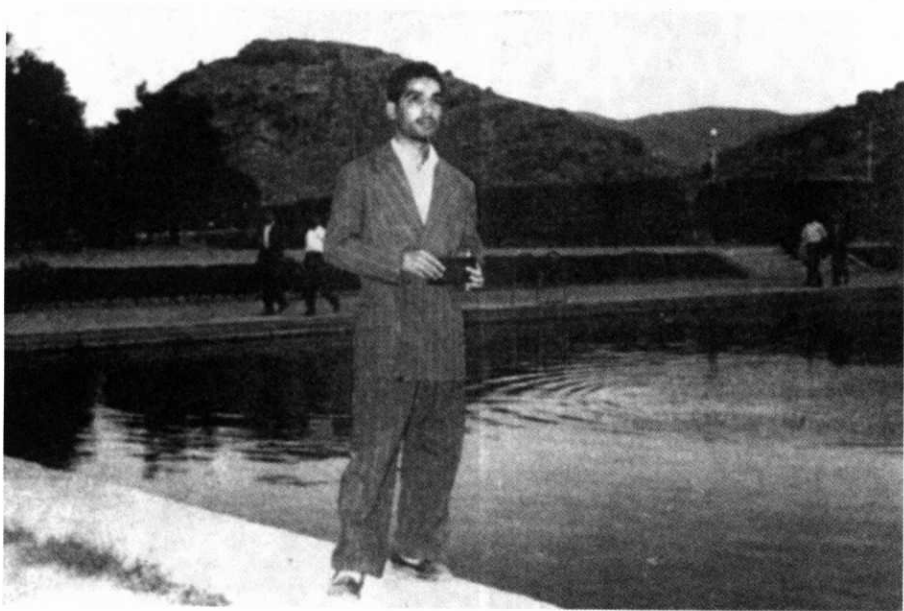
محمدعلی رجایی در مجلس شورای اسلامی



محمد علی رجایی در مراسم تحلیف ریاست جمهوری در مجلس



کودکی محمدعلی رجایی



محمدعلی رجایی در نوجوانی

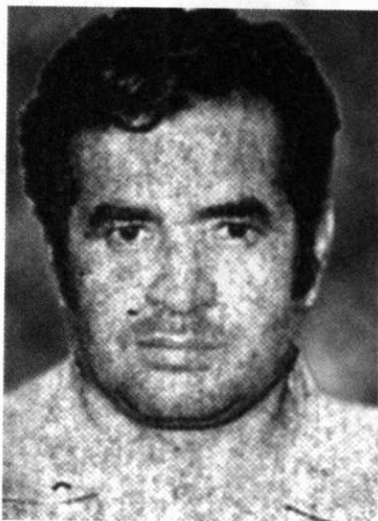
نامزدهای نخست وزیری کابینه ی محمدعلی رجایی



محمد جواد باهنر



مهندس بهزاد نبوی



سیدعلی اکبر پرورش



محمدعلی رجایی در حال سخنرانی



محمد علی رجایی (رئیس جمهور) و محمد جواد باهنر (نخست وزیر)



محمد علی رجایی و محمد جواد باهنر به همراه جمعی از دوستان در قم - ۱۳۴۳



دکتر باهنر و چند تن از اعضای کابینه ی او

اعضای کابینه ی محمد جواد باهنر



میر حسین موسوی
(وزیر امور خارجه)



مهندس محمد شهاب گنابادی
(وزیر مسکن و شهرسازی)



محمد غرضی
(وزیر نفت)



مهندس حسین موسویانی
(وزیر مشاور و سرپرست شرکت ملی فولاد ایران)



محمد تقی بانکی
(وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه)



دکتر محمود روحانی
(وزیر مشاور و سرپرست سازمان بهزیستی)



مصطفی هاشمی
(وزیر صنایع و معادن)



حبیب الله عسگر اولادی
(وزیر بازرگانی)

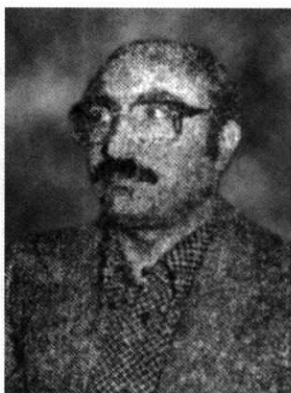


عبدالمجید معادیخواه
(وزیر ارشاد)

اعضای کابینه ی محمد جواد باهنر



مهندس منصور شهیدی
(وزیر نیرو)



دکتر حسین نمازی
(وزیر اقتصاد و دارایی)



محمد میرمحمد صادقی
(وزیر کار و امور اجتماعی)



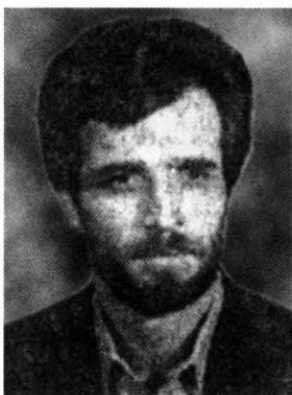
محمدرضا مهدوی کنی
(وزیر کشور)



مهندس بهزاد نبوی
(وزیر مشاور در امور اجرایی)



دکتر محمدعلی نجفی
(وزیر فرهنگ و آموزش عالی)



سیدمحمد اصغری
(وزیر دادگستری)

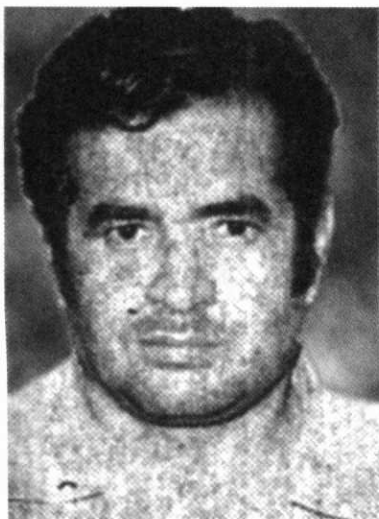


سرهنگ سیدموسی نامجو
(وزیر دفاع)

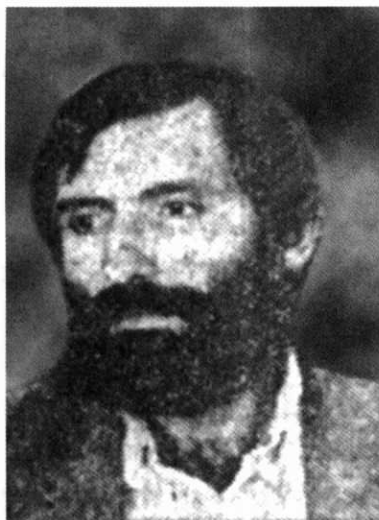


محمد سلامتی
(وزیر کشاورزی)

اعضای کابینه ی محمد جواد باهنر



علی اکبر پرورش
(وزیر آموزش و پرورش)



سید حسین تاجگردون
(وزیر راه و ترابری)



محمد رضا مهدوی کنی ، نخست وزیر موقت

نامزدهای سومین دوره ی ریاست جمهوری



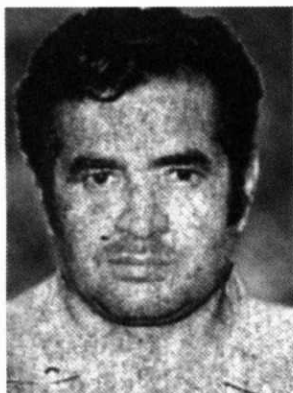
سیدعلی خامنه‌ای



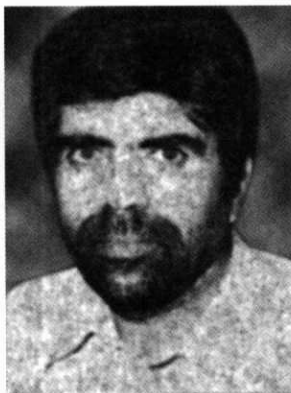
دکتر حسن غفوری فرد



محمد رضا مهدوی کنی



سیدعلی اکبر پرورش



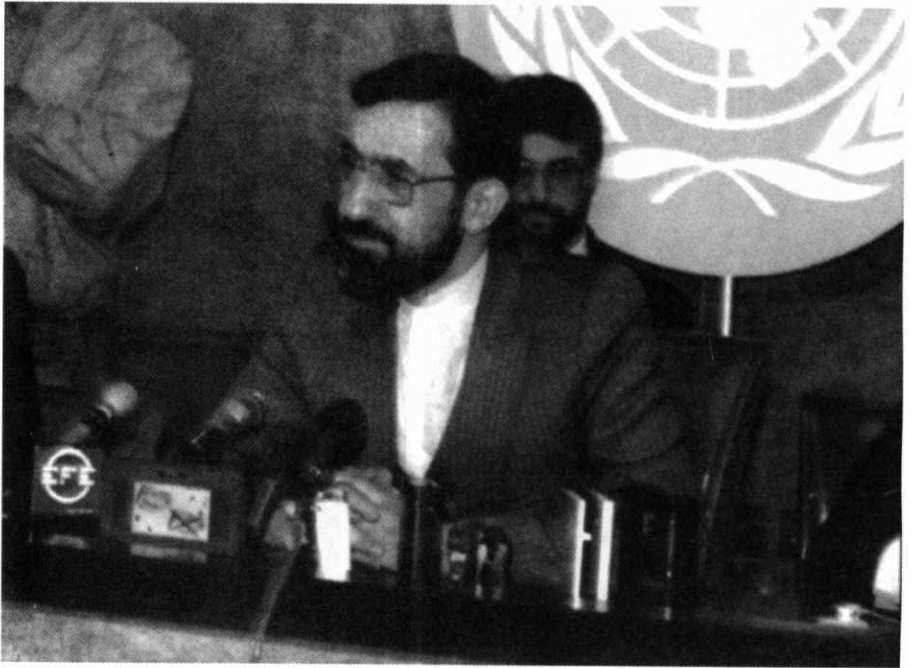
سیدرضا زواره‌ای



امام خمینی و سیدعلی خامنه ای

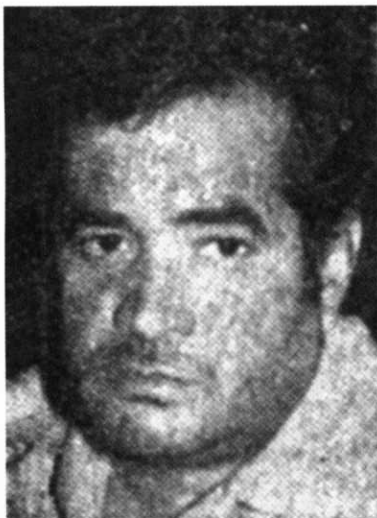


سیدعلی خامنه ای و هاشمی رفسنجانی در مجلس شورای اسلامی



علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه

نامزدهای نخست وزیری دولت سیدعلی خامنه‌ای



سیدعلی اکبر پرورش



محمد غرضی



میرحسین موسوی



مصطفی میرسلیم



امام خمینی به همراه سیدعلی خامنه ای و سیداحمد خمینی



میر حسین موسوی در حال مصاحبه



امام خمینی در انتخابات دومین دوره ی ریاست جمهوری

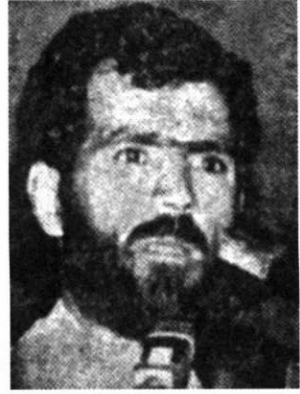
کابینه ی میر حسین موسوی



محمد غرضی
(وزیر نفت)



محمد سلامتی
(وزیر کشاورزی)



دکتر حسن غفوری فرد
(وزیر نیرو)



میر حسین موسوی
(وزیر امور خارجه)



مر ترضوی نبوی
(وزیر پست و تلگراف و تلفن)



عبدالمجید معادیخواه
(وزیر ارشاد)



حبیب الله عسگر اولادی
(وزیر بازرگانی)



دکتر حسین نمازی
(وزیر امور اقتصاد و دارایی)



سید محمد اصغری
(وزیر دادگستری)

کابینه ی میرحسین موسوی



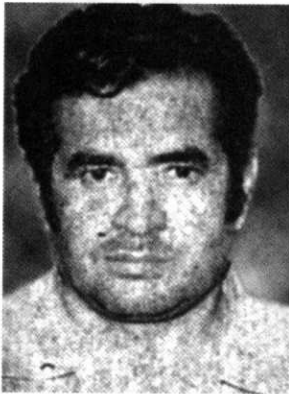
احمد توکلی
(وزیر کار و امور اجتماعی)



دکتر محمود روحانی
(وزیر مشاور و سرپرست بهزیستی)



مصطفی هاشمی
(وزیر صنایع و معادن)



سیدعلی اکبر پرورش
(وزیر آموزش و پرورش)



محمد تقی بانکی
(وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه)



دکتر محمدعلی نجفی
(وزیر مشاور در امور اجرایی)



محمد شهاب گنابادی
(وزیر مسکن و شهر سازی)



مهندس حسین موسویانی
(وزیر مشاور و سرپرست شرکت ملی فولاد ایران)



کمالالدین نیک روش
(وزیر کشور)

کابینه ی میرحسین موسوی



دکتر هادی منافی
(وزیر بهداشت)



مهندس نژاد حسینیان
(وزیر راه و ترابری)



سرهنگ سلیمی
(وزیر دفاع)

برترین‌های انتشارات امید فردا

قتل‌های سیاسی و تاریخی سی قرن ایران

(دوره دوم - جلد اول)

از سال ۱۳۳۲ (ه. ش) تا سال ۱۳۵۹ (ه. ش)

نویسنده: جعفر مهدی‌نیا

در این کتاب نویسنده به تجزیه و تحلیل قتل‌ها و اعدام‌های سیاسی که بین سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۹ در ایران اتفاق افتاده است می‌پردازد.

ورق‌پاره‌های سیاسی (چهار جلد)

مطالبی سیاسی و تاریخی از نشریات گذشته‌ی ایران

گردآورنده: داود علی‌بابایی

مطالب و مقالاتی که در این مجموعه آمده از نشریات مختلف سال‌های ۱۳۲۱ (ه. ش) به بعد انتخاب شده است. مطالبی که بیشتر جنبه سیاسی و تاریخی داشته، به واقعیت نزدیک بوده و کم‌نظیری و بی‌مانندی آن مد نظر قرار گرفته است و اتفاقات سیاسی، اجتماعی و تاریخی ایران در دوران پهلوی را نشان می‌دهد.

بزرگان چه گفته‌اند؟

مؤلف: حبیب‌ا... شاملویی

در این کتاب جملات قصار بزرگان و اندیشمندان و شرح حال مختصر آنان آمده است.

شهید جاوید (درباره فلسفه قیام امام حسین (ع))

نویسنده: آیت... صالحی نجف‌آبادی

این کتاب دارای خصوصیات زیر می‌باشد:

الف - در این کتاب نویسنده فلسفه‌ی قیام امام حسین (ع) را به‌طور علمی، منطقی و استدلالی با اطلاعات وافر خود از تاریخ بیان نموده است.

ب - منابع، مأخذ و مراجع هر مطلب در پاورقی هر صفحه و در پایان کتاب آمده است.

ج - با مطالعه‌ی این کتاب ابهام فلسفه‌ی قیام حسین بن علی برای خواننده و پژوهشگر از میان می‌رود.

د - در ابتدای این کتاب تقدیرات و تقریظات اهل علم و روشنفکران از نویسنده و کتاب مذکور آورده شده است.

ه - در صفحات پایانی کتاب نویسنده به رد و نقد نظرات مخالفان کتاب شهید جاوید پرداخته است.

تذکر: این کتاب برای شانزدهمین بار تجدید چاپ شده است.

عصای موسی یا نقدی بر نقدها

نویسنده: آیت... صالحی نجف‌آبادی

در این کتاب نویسنده به بعضی از شبهات آیت... رفیعی قزوینی، استاد علامه طباطبائی و آیت... صافی گلپایگانی در مورد بعضی مسائل پاسخ می‌دهد.

پژوهشی جدید در چند مبحث فقهی

نویسنده: آیت... صالحی نجف‌آبادی

این کتاب دارای پنج فصل می‌باشد:

۱ - یک بحث اجتهادی درباره طهارت و نجاست ۲ - بحث اجتهاد بسته و اجتهاد

باز ۳ - درباره اخبار کُر ۴ - مطالبی در رابطه با اصلاح حوزه ۵ - طهارت کافر

این کتاب دارای مشخصات زیر است:

الف - در آن نویسنده به صورت تشریحی و استدلالی به موضوعات پرداخته است.

ب - در پاورقی هر صفحه و در پایان کتاب منابع، مأخذ، اسناد و مراجع مطالب آمده است.

ج - در موضوعات این کتاب نویسنده با روش پویا، فقه سنتی را رد کرده و منصفانه و عالمانه و روشنفکرانه به بررسی قضایا پرداخته است.

د - با مطالعه‌ی فصل «طهارت کافر» مشکلات ایرانیان مسلمان مقیم در کشورهای کمونیستی حل شده است.

زندگی سیاسی سید ضیاءالدین طباطبائی

نویسنده: جعفر مهدی‌نیا

در این کتاب نویسنده به حوادث سال ۱۲۹۹ (ه. ش) و چگونگی روی کار آمدن رضا شاه با همفکری سید ضیاءالدین پرداخته و زندگی سیاسی و اجتماعی مدیر روزنامه رعد و حوادثی که از شروع نخست‌وزیری او تا پایان آن در ایران اتفاق افتاده را به طور کامل مورد بحث و بررسی قرار داده است.

ورق پاره‌های خواندنی (چهار جلد)

مطالبی اجتماعی، فرهنگی و خواندنی از نشریات گذشته‌ی کشور

نویسنده: داود علی بابایی

مطالب این مجموعه از نشریات مختلف سالهای ۱۳۲۱ (ه. ش) به بعد انتخاب شده است.

قصه‌های قرآنی (جلد اول)

نویسنده: داود علی بابایی

نویسنده در این دفتر کوشیده است قصه‌های قرآنی را به زبانی ساده و روان و فارسی سلیس که مورد استفاده تمام اقشار مردم مسلمان و جوانان این

مرز و بوم باشد بیان نماید.

رساله‌ی توضیح المسائل نوین

نویسنده: آیت‌ا...دکتر محمد صادقی تهرانی

این رساله دارای مشخصات زیر می‌باشد:

الف - فتاوی آن بر مبنای فقه پویای قرآنی صادر شده است.

ب - اکثر مسائل آن متفاوت با رساله‌های دیگر علماء می‌باشد.

ج - فتاوی آن با توجه به زمان و مکان صادر شده است.

د - فتاوی آن بصورت تشریحی و استدلالی بیان شده است.

ه - در آن منابع و مأخذ و مراجع فتاوی قید گردیده است.

نگرشی جدید بر نماز و روزه‌ی مسافران

نویسنده: آیت‌ا...دکتر محمد صادقی تهرانی

در این کتاب نویسنده با استناد به قرآن و احادیث، حرمت کاستن از نماز و ترک روزه را در مواردی خاص مطرح می‌نمایند. برخلاف نظر علمائی که پیرو فقه سنتی می‌باشند.

ستارگان از دیدگاه قرآن

نویسنده: آیت‌ا...دکتر محمد صادقی تهرانی

در این کتاب نویسنده با اطلاعات وافر خود از علوم قرآنی و مسائل علمی و نجومی به بررسی آیات مرتبط با زمین و آسمان و ستارگان می‌پردازد.

رازهای ماندگار عرفانی بر مبنای قرآن

نویسنده: نجف شهبازنژاد

نخت فولاد (جایگاه اندیشه‌های روحانی روشنفکر محمد باقر درچه‌ای)

نویسنده: داود علی‌بابایی

تاریخچه‌ی انقلابات جهان (جلد اول)

انقلاب فرانسه و عثمانی

مؤلف: حبیب‌ا... شاملویی

مجموعه شعر غروب زندان

سراینده: داود علی‌بابایی

مجموعه شعر مرثیه‌ای برای آزادی

سراینده: داود علی‌بابایی

مجموعه شعر کاش می‌فهمیدی

سراینده: داود علی‌بابایی

مجموعه داستان معلم مهاجر

نویسنده: داود علی‌بابایی

زندگی سیاسی ابراهیم حکیمی (حکیم‌الملک)

نویسنده: جعفر مهدی‌نیا

هزار و یک راز خانه‌داری

نویسنده: فاطمه ناصری علی‌آبادی

ولایت فقیه، حکومت صالحان

نویسنده: آیت‌ا... صالحی نجف‌آبادی

مجموعه داستان انتقادی و اجتماعی شهردار صنفی

نویسنده: داود علی‌بابایی

دو خاطره از زندان:

۱ - داستان یک اعتراف (فرهاد بهیانی)

۲ - در مهمانی حاجی آقا (حبیب‌ا... داوران)

بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟ (از بازرگان تا خاتمی)

جلد اول: از ۱۹ دی ماه ۵۶ تا ۱۵ بهمن ماه ۵۸

نویسنده: داود علی‌بابایی

نویسنده در این دفتر حوادث سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و تاریخی ایران را از ۱۹ دی ماه ۱۳۵۶ تا ۱۵ بهمن ماه ۱۳۵۸ بررسی نموده، عملکرد دولت مهندس بازرگان را مورد تفحص قرار داده و در تهیه این مجموعه از منابع نادر و کمیاب و عکس‌های متعدد سود جسته است.

بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟ (از بازرگان تا خاتمی)

جلد دوم، سوم و چهارم: از بنی‌صدر تا شورای موقت ریاست جمهوری

نویسنده: داود علی‌بابایی

گفته‌های میرزاده عشقی و جامعه‌ی کنونی ایران

گردآورنده: داود علی‌بابایی

هفت کتاب نیما پوشیج

ظهور نازیسم و استیلای هیتلر
نویسنده: مظفر مالک

مجموعه آثار صادق هدایت با نقد و بررسی
جلد اول: وغ وغ ساها ب
جلد دوم: حاجی آقا - سگ و لگرد
جلد چهارم: بوف کور - سایه و روشن
به کوشش و اهتمام: داود علی بابایی

پشت پرده جنگ خلیج فارس
نویسنده: جان پیگلر - مترجم: ایوب باقرزاده

معمای اشغال سفارت آمریکا در ایران
نویسنده: جعفر مهدی نیا

پرواز غازها (رمان سیاسی، اجتماعی)
نویسنده: علی قوی تن

فقه گویا
نویسنده: آیت... دکتر محمد صادقی تهرانی

جامعه، فرهنگ و سیاست در اشعار سید اشرف الدین گیلانی
(نسیم شمال)
نویسنده: داود علی بابایی

مفتخواران

نویسنده: آیت‌ا... دکتر محمد صادقی تهرانی

جامعه، فرهنگ و سیاست در مقالات و اشعار سه شاعر انقلابی

(میرزاده عشقی - ایرج میرزا - فرخی یزدی)

نویسنده: داود علی‌بابایی

قضاوت زن در فقه اسلامی و چند مقاله‌ی دیگر

نویسنده: آیت‌ا... صالحی نجف‌آبادی

انتشارات امید فردا

در آینده‌ی نزدیک منتشر خواهد کرد

۲۵ سال در ایران چه گذشت؟ (از بازرگان تا خاتمی)

جلد پنجم: از محمد علی رجایی تا سید علی خامنه‌ای

نویسنده: داود علی‌بابایی

زندگی سیاسی و اجتماعی سید عبدالله بهبهانی (از رهبران مشروطه)

نویسنده: شهریار بهبهانی

تاریخچه‌ی انقلابات جهان (جلد سوم و چهارم)

نویسنده: حبیب‌ا... شاملویی

مجموعه آثار جلال آل احمد (۹ جلد)

به کوشش و اهتمام: داود علی‌بابایی

معماهای سیاسی در ایران ۲۵ ساله‌ی اخیر

نویسنده: داود علی‌بابایی